پرایس اکشن روندها

مترجم : مهندس حسین رضایی حاجی دهی

ال بروکز

نشر چالش

پرایس اکشن

(روندها)

ویرایش دوم

نویسنده: ال بروکز

مترجم: مهندس حسین رضایی حاجی‌دهی

نشر چالش

فهرست

مقدمه مترجم..... ۵
مقدمه..... ۷

بخش اول

پرایس اکشن

فصل اول: بازه پرایس اکشن: روندهای افراطی تا محدوده معاملات افراطی..... ۸۳
فصل دوم: کندل‌های روند، کندل‌های دوجی و اوج‌ها..... ۸۷
فصل سوم: شکست‌ها، محدوده‌های معامله، تست‌ها و بازگشت‌ها..... ۱۰۷
فصل چهارم: اصول کندل‌ها: کندل‌های سیگنال، کندل‌های ورودی، موقعیت‌ها و الگوهای کندلی..... ۱۱۵
فصل پنجم: کندل‌های سیگنال: کندل‌های بازگشتی..... ۱۲۳
فصل ششم: کندل‌های سیگنال: انواع دیگر..... ۱۳۷
فصل هفتم: کندل‌های خارجی..... ۱۹۵
فصل هشتم: اهمیت قیمت پایانی کندل..... ۲۰۹
فصل نهم: صندوق‌های سرمایه قابل معامله در بورس و نمودارهای معکوس..... ۲۱۵
فصل دهم: ورودی‌های ثانویه..... ۲۱۹
فصل یازدهم: ورودی‌های دیرهنگام و اشتباه..... ۲۲۵
فصل دوازدهم: تغییر شکل الگو..... ۲۲۹

بخش دوم

خطوط روند و کانال‌ها

فصل سیزدهم: خطوط روند..... ۲۳۹
فصل چهاردهم: خطوط کانال روند..... ۲۵۱
فصل پانزدهم: کانال‌ها..... ۲۶۳
فصل شانزدهم: میکرو کانال‌ها..... ۲۹۷
فصل هفدهم: خطوط افقی: نقاط سوینگ و سطوح کلیدی دیگر قیمت..... ۳۱۹

بخش سوم

روندها

فصل هجدهم: نمونه چگونگی معامله یک روند..... ۳۴۱
فصل نوزدهم: نشانه‌های قدرت در روند..... ۳۶۵
فصل بیستم: دو موجی‌ها..... ۳۷۷

بخش چهارم

الگوهای رایج روند

فصل بیست و یکم: الگوی روند اسپایک و کانال..... ۳۸۳
فصل بیست و دوم: روزهای محدوده معامله روند دار..... ۴۲۳
فصل بیست و سوم: روند از ابتدا و روندهای پولبک کوچک..... ۴۴۷
فصل بیست و چهارم: روند بازگشت..... ۴۷۹
فصل بیست و پنجم: روند ازسرگیری روند..... ۴۸۷
فصل بیست و ششم: پله‌ها: روند کانال وسیع..... ۴۹۵

مقدمه مترجم

قیمت‌ها معلول رفتارهای معامله‌گران ریزودرشت، حرفه‌ای و تازه‌کار یا آماتور، موسسه‌ای و معامله‌گران خرد و انبوهی از انسان‌ها و برنامه‌های کامپیوتری فعال در بازار هستند؛ بنابراین تلاش برای کشف حالات و رفتارهای این بازیگران در عرضه بازار، مخصوصاً بازیگران بزرگی که رفتارها و تصمیمات آن‌ها باعث ایجاد حرکت بزرگی در بازار می‌شود، تلاش مفید و با ارزشی است.

همان‌طور که می‌دانید بازار موجود آزادی است و قالب‌های مکانیکی که روش‌های تحلیل تکنیکال سعی دارند تحت عناوین مختلفی از قبیل اندیکاتورها و اسیلاتورها و غیره بر آن تحمیل کنند را برنمی‌تابد و هیچ‌گونه الزامی در رعایت کردن این قیدوبندها را نمی‌پذیرد؛ اما امواج الیوت به دلیل ذات انعطاف‌پذیرشان هرگونه حرکات و جنبش‌های قیمت را در خود جای داده و تمام پیچ‌وتاب‌های بازار از طریق این روش قابل تفسیر و تشریح است، ولی به دلیل پیچیدگی آن‌ها استفاده از این امواج به‌غایت دشوار بوده و مستلزم تمرین و ممارست زیادی است، ولی به‌نوبه خود با ارزش می‌باشد.

پرایس اکشن به دلیل پرداختن به حالات و انگیزه‌های معامله‌گران، به‌عنوان عوامل مهم بازار، می‌تواند بهترین و قابل‌اعتمادترین روش تحلیل بازار باشد که می‌تواند در معاملات استفاده شود که بسته به میزان مهارت شخص معامله‌گر می‌تواند سود سرشاری را به همراه داشته باشد که در این کتاب به زیبایی به آن پرداخته شده است. نویسنده با ارائه بهترین و موشکافانه‌ترین روش‌های مطالعه تغییرات قیمت سعی دارد که کشف و درک رفتارهای معامله‌گران را به خواننده آموزش داده و انواع حالت‌های محتمل را بررسی نماید.

در مطالعه این کتاب‌ها باید دقت شود که بهترین نتیجه زمانی حاصل می‌شود که هر سه کتاب به‌دقت و به ترتیب مطالعه شده و به‌طور هم‌زمان در محیط واقعی و نمودارهای بازارهای مختلف بررسی شود؛ یعنی اینکه باید دقیقاً به همان روشی که نویسنده در قسمت «چگونگی مطالعه این کتاب» شرح داده است عمل گردد. روش‌های ارائه‌شده در این سری از کتاب‌ها به دلیل اینکه منحصربه‌فرد بوده و از شیوه‌های خاص و متفاوتی جهت برچسب‌گذاری استفاده می‌شود که با روش‌های مرسوم در تحلیل تکنیکال و علی‌الخصوص امواج الیوت متفاوت است، ممکن است در مراحل اولیه درک مطالب کتاب را اندکی دشوار سازد ولی این مشکل هم به‌مرور مرتفع می‌شود.

در ترجمه این کتاب نهایت تلاش بر این بوده است که با توضیحات اضافه درباره الگوها و اصطلاحات فنی درنهایت به‌گونه‌ای باشد که این کتاب برای کلیه خوانندگان با هر سطحی از معلومات و اطلاعات از بازار و نمودارها قابل استفاده باشد. امید است مطالعه این کتاب در راستای بهبود عملکرد فعالان کلیه بازارها مفید و مثمرالثمر باشد.

خوانندگان محترم می‌توانند انتقادات و پیشنهادات خود را به پیج اینستاگرام مندرج در پایین این صفحه ارسال فرمایند.

در پایان از کلیه عزیزانی که به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم در ترجمه این اثر مرا همراهی فرمودند کمال تشکر و قدردانی را دارم.

حسین رضایی حاجی‌دهی


hossein_rezzai_price_action

مقدمه

یک دلیل برای اینکه چرا تابه‌حال هیچ کتاب جامعی توسط هیچ معامله‌گری درباره پرایس اکشن نوشته نشده است، وجود دارد. این کار هزاران ساعت زمان می‌گیرد و بازدهی مالی آن در مقایسه با معامله کردن بسیار ناچیز است. به هر حال، اکنون به همراه سه دخترم در مدرسه گراد، زمان خالی دارم که با این پروژه بسیار رضایت‌بخش پر کنم. من درکل تصمیم داشتم که اولین نسخه از کتاب «***خواندن قیمت کندل به کندل نمودار***» (جان ویلی و پسران،۲۰۰۹) را به‌روزرسانی کنم، ولی وقتی‌که وارد این ماجرا شدم، تصمیم گرفتم وارد جزئیات بسیار عالی درباره اینکه چگونه بازار را می‌بینم و معامله می‌کنم، شوم. من به‌صورت مجازی به شما نواختن ویولن را می‌آموزم. هر آن چیزی که باید بدانید تا درآمد کسب کنید، در این کتاب هست اما شما باید ساعات زیادی را صرف آموختن معامله خودتان کنید. بعد از یک سال از پاسخ دادن به هزاران پرسش معامله‌گران در وب‌سایت خودم www.brookspriceaction.com، فکر می‌کنم راه‌هایی پیدا کرده‌ام که ایده‌های خودم را بسیار واضح‌تر انتقال دهم و این کتاب‌ها باید از آن کتاب قبلی آسان‌تر درک شوند. کتاب قبلی بر روی خواندن رفتار قیمت تمرکز داشت و این سری از کتاب‌ها در مقابل بر چگونگی استفاده از رفتار قیمت برای معامله در بازارها متمرکز شده‌اند. ازآنجایی‌که این کتاب‌ها چهار برابر بزرگ‌تر از کتاب اول شد جان ویلی و پسران تصمیم گرفتند که آن را به سه کتاب مجزا تقسیم کنند. اولین کتاب اصول رفتار قیمت و روندها را پوشش می‌دهد. کتاب دوم درباره محدوده‌های معاملاتی،

مدیریت سفارشات و ریاضیات معامله است و آخرین کتاب درباره بازگشت[1] روندها، معاملات روزانه، اختیارات و بهترین موقعیت‌ها[2] در هر تایم فریمی است. بسیاری از نمودارها در کتاب ***خواندن کندل به کندل نمودار*** موجود است، اما اکثر آن‌ها بروز شده‌اند و بحث درباره آن‌ها به‌طور گسترده‌ای بازنویسی شده است. تنها ۵ در صد از ۱۲۰۰۰۰ کلمه در آن کتاب، سری جدید این کتاب‌های ۵۷۰۰۰ کلمه‌ای آورده شده است، بنابراین خوانندگان رونوشت کوچکی از کتاب قبلی را خواهند یافت.

هدف من از نوشتن این سری از سه کتاب، تشریح درک خود از اینکه چرا معاملات به‌دقت انتخاب‌شده، ضریب ریسک به ریوارد عالی پیشنهاد می‌کنند و معرفی راه‌های رسیدن به سود از موقعیت است. من اصولی را معرفی می‌کنم که امیدوارم برای معامله‌گران حرفه‌ای و دانشجویان مدارس معامله‌گری جالب باشد، ولی همچنین امید آن را دارم که حتی معامله‌گران شروع به کشف برخی ایده‌های مفید خواهند کرد. همه به نمودار نگاه می‌کنند اما معمولاً نگاه آن‌ها تنها مختصر و باهدف محدود و مشخص است. درهرصورت، هر نموداری مقادیر قابل‌توجهی از اطلاعات در خود جای داده است که می‌تواند برای برپایی یک معامله پرسود بکار رود، اما بیشتر این اطلاعات تنها در صورتی می‌توانند به‌طور مؤثر مورد استفاده قرار گیرند که معامله‌گران زمان صرف کنند تا به‌دقت بفهمند هر کندل روی نمودار چه چیزی درباره اینکه پول مؤسسات چه‌کاری می‌کند به آن‌ها می‌گوید.

بیش از ۹۰ درصد معاملات در بازارهای بزرگ به‌وسیله مؤسسات انجام می‌گیرد، یعنی اینکه بازار درواقع کلکسیونی از مؤسسات است. تقریباً تمامی آن‌ها و تعداد کمی که خیلی زود از بازار خارج نمی‌شوند در طول زمان سودآور هستند. ازآنجایی‌که مؤسسات سود ده هستند و هم درواقع آن‌ها خود بازار هستند، هر معامله‌ای که شما اتخاذ می‌کنید یک معامله‌گر سودآور دارد (قسمتی از مجموعه مؤسسات) که سمت دیگر معامله‌ای که شما انجام داده‌اید را انجام می‌دهد. معاملات با حجم کم که توسط معامله‌گران خرد انجام می‌شوند تنها در صورتی ببار می‌نشینند که یک

---

[1]. تغییر رفتار به رفتاری مخالف. اکثر تکنیکالیست‌ها از این اصطلاح برای تغییر از روند صعودی به روند نزولی و یا از روند نزولی به روند صعودی استفاده می‌کنند. با اینکه، رفتار در حرکت بدون روند برخلاف رفتار در حرکت روند دار است، بنابراین وقتی یک روند به حرکتی بدون روند تبدیل می‌شود، این هم یک برگشت است. وقتی‌که یک حرکت بدون روند تبدیل به روند می‌شود، یک برگشت به‌حساب می‌آید اما معمولاً به آن شکست می‌گویند.

[2]. فروشندگان قوی فروششان را حمایت می‌کنند و فروش آن‌ها کندل‌های روند نزولی، با سایه بلند در سقف‌ها و بازگشت‌های نزولی دو کندلی ایجاد می‌کنند. اثر آن‌ها روی‌هم انباشته شده و معمولاً درنهایت قیمت‌های پایین‌تری را به دنبال خواهد داشت.

موسسه[۱] تمایل به گرفتن همان معامله را داشته باشد. اگر می‌خواهید در قیمتی مشخص بخرید بازار به سمت آن قیمت نخواهد رفت مگر آنکه یک یا چند موسسه هم تمایل به فروش در آنجا داشته باشند، چراکه بازار تنها می‌تواند به سمت قیمتی برود که در آنجا مؤسسات میل به خرید و دیگران میل به فروش دارند. اگر Emini در ۱,۲۶۴ باشد و شما خرید انجام داده باشید و حد ضرر شما ۱,۲۶۲ باشد، حد ضرر شما نمی‌تواند فعال شود مگر اینکه موسسه‌ای وجود داشته باشد که او هم بخواهد در ۱,۲۶۲ بفروشد. این برای تمام معاملات صادق است.

اگر شما ۲۰۰ قرارداد Emini را معامله کرده باشید، پس به‌اندازه حجم موسسه معامله می‌کنید و شما یک موسسه تأثیرگذار هستید و در بعضی مواقع قادر خواهید بود که بازار را یک یا دو تیک حرکت دهید. بیشتر معامله‌گران خرد، درهرصورت، قدرتی برای حرکت دادن بازار ندارند، مهم نیست چقدر ساده‌لوحانه می‌خواهند معامله کنند. بازار نمی‌خواهد حد ضرر شما را فعال کند. بازار تنها می‌خواهد قیمتی که اتفاقاً شما حد ضررتان را در آن قرار داده‌اید را ببیند، ولی کاری با حد ضرر شما ندارد. بازار آن قیمت را درصورتی‌که یکی از مؤسسات باور داشته باشند مناسب فروش است را تست خواهد کرد و مؤسسات دیگر بر این باورند که آن قیمت مناسب خرید است. در هر تیک مؤسساتی وجود دارند که می‌خرند و مؤسسات دیگری می‌فروشند و همه سیستم‌های تائید شده‌ای دارند که با قرار دادن آن معاملات پول‌سازی می‌کنند. شما باید در جهت اکثریت این مؤسسات معامله کنید زیرا آن‌ها هستند که کنترل می‌کنند که بازار به کدام سمت برود.

در پایان روز وقتی شما به نسخه چاپی نمودار روزانه نگاه می‌کنید، چگونه می‌توانید بگویید که مؤسسات در طول روز چه کرده‌اند؟ پاسخ ساده است: هرجایی که بازار بالا رفته بخش بزرگی از پول مؤسسات در جهت خرید بوده است و هرجایی که بازار پایین رفته است، بیشتر پولشان برای فروش مصرف شده است. به تمام جزئیات نمودار که بازار در کجا بالا یا پایین رفته است دقت کنید و هر کندل را مطالعه کنید و به‌زودی متوجه بسیاری از الگوهای تکراری خواهید شد. به‌مرور زمان شما کم‌کم این الگوهای آشکار را در زمان واقعی می‌بینید و آن به شما اطمینان لازم برای برپایی معامله در جای مناسبی را می‌دهد. برخی رفتارهای قیمت نامحسوس هستند، بنابراین آماده هر احتمالی

---

[۱]. پول هوشمند هم گفته می‌شود، می‌تواند صندوق بازنشستگی، صندوق سرمایه‌گذاری، شرکت بیمه، بانک، کارگزاری، معامله گران مستقل بزرگ، یا هر کس دیگری که حجم پول کافی را برای تحت تأثیر قرار دادن بازار در اختیار دارد، باشد. حرکت بازار تأثیر برآیند معاملات بسیاری از مؤسسات است و یک موسسه تنها معمولاً نمی‌تواند بازار را برای مدت طولانی حرکت دهد. موسسه‌های سنتی معاملاتشان را بر اساس تحلیل‌های بنیادی انجام می‌دهند و تنها عامل تعیین جهت بازار هستند. با این وجود، شرکت‌های HFT امروزه نفوذ بسیار زیادی در حرکت روزانه دارند به خاطر اینکه که امروزه معاملات آن‌ها قسمت بیشتر حجم روزانه را ایجاد می‌کند. شرکت‌های HFT نوع بخصوصی از شرکت نهادی هستند و معاملاتشان بر اساس تحلیل آماری است نه بنیادی. نهادهای سنتی جهت و هدف بازار را معین می‌کنند، اما ریاضی‌دانان مسیری که بازار آن را طی می‌کند تا به آنجا برسد را تعیین می‌کنند.

باشید. برای مثال، بعضی مواقع که بازار روند صعودی دارد، یک کندل پایین‌تراز کف کندل قبلی معامله می‌شود، هنوز بازار به بالا رفتن خود ادامه می‌دهد. باید فرض کنید که پول زیادی روی کف و زیر کندل قبلی صرف خرید شده است و همچنین آن چیزی است که معامله‌گران باتجربه آن کار را انجام می‌دهند. آن‌ها دقیقاً در جایی خریده‌اند که معامله‌گران ضعیف با ضرر از بازار خارج شده و یا معامله‌گران ضعیف دیگر، با این باور که بازار شروع به ریزش کرده است فروخته‌اند. هر موقع شما با این ایده راحت بودید که روندهای قوی اغلب پولبک[1] دارند و معامله‌گران بزرگ بیش از آنکه آن‌ها را بفروشند آن‌ها را می‌خرند، در موقعیتی خواهید بود که معاملات فوق‌العاده‌ای انجام دهید که قبلاً فکر می‌کردید دقیقاً کار اشتباهی انجام می‌دهید. خیلی سخت به آن فکر نکنید. اگر بازار در حال رشد است، مؤسسات به‌طور مداوم در حال خرید هستند، حتی در مواقعی که فکر می‌کنید باید با زیان اندکی از بازار خارج شوید. وظیفه شما پیروی از رفتار آن‌هاست نه استفاده از دلایل زیادی برای انکار آنچه که جلوی شما (روی نمودار) در حال رخ دادن است. اگر حرکت بازار نامعقول به نظر می‌رسد مهم نیست. آنچه که مهم است این است که بازار در حال رشد است و مؤسسات غالباً در حال خریدند و بنابراین شما هم باید خرید کنید.

مؤسسات عموماً همان پول هوشمند تعریف می‌شوند، یعنی اینکه آن‌ها به‌اندازه‌ای هوشمند هستند که با معامله‌گری درآمد کسب کنند و هر روز مقادیر بالایی را مبادله می‌کنند. تلویزیون هنوز اصطلاح موسسه را در مورد مؤسسات مرسوم نظیر تعاونی‌های سرمایه‌گذاری، بانک‌ها، دلال‌های سهام، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی و صندوق‌های سرمایه‌گذاری بکار می‌برد. این شرکت‌ها بیشتر حجم بازار به‌حساب می‌آیند و بیشترشان بر اساس فاندامنتال معامله می‌کنند. تبادلات آن‌ها مسیر بازار، در نمودار روزانه و هفتگی و در بسیاری از نوسانات در طی روز را کنترل می‌کند. تا یک دهه پیش یا قبل‌تر از آن، بیشتر تصمیماتی که گرفته می‌شد و بسیاری از تبادلات به‌وسیله معامله‌گران بسیار باهوش انجام می‌گرفت، اما امروزه به‌طور فزاینده‌ای این کار توسط کامپیوترها انجام می‌شود. آن‌ها برنامه‌هایی دارند که می‌توانند مستقیماً داده‌های اقتصادی را آنالیز کرده و به‌سرعت بر اساس آن تحلیل‌ها، بدون اینکه کسی در معامله دخالتی بکند، وارد معامله شوند. بعلاوه شرکت‌های دیگری، مقادیر عظیمی را با استفاده از برنامه‌های کامپیوتری، بر

---

[1]. یک مکث موقت یا حرکتی ضد روند که قسمتی از یک روند، نوسان، یا یک موج است و از نقطه شروع روند، نوسان و یا موج فراتر نمی‌رود. محدوده معاملاتی کوچکی است که معامله گران انتظار دارند که بعد از آن روند سریعاً از سر گرفته می‌شود. برای مثال، پولبک نزولی یک حرکت افقی یا روبه بالا در یک روند، نوسان و یا موج نزولی است که متعاقب آن حداقل یک لمس از کف قبلی وجود دارد. این حرکت می‌تواند به کوچکی یک حرکت یک تیکی بالای سقف کندل قبلی یا حتی می‌تواند یک مکث، مانند کندل داخلی باشد.

اساس تحلیل‌های آماری رفتار قیمت معامله می‌کنند. امروزه معاملات انجام‌گرفته توسط کامپیوترها ۷۰ درصد حجم روزانه بازار به‌حساب می‌آیند.

کامپیوترها در تصمیم سازی و بازی شطرنج و برنده شدن در ژئوپاردی[۱] بسیار عالی هستند! که از معامله سهام مشکل‌تر هستند. گری کاسپاروف سال‌ها بهترین تصمیمات شطرنج را در جهان می‌گرفت تا اینکه یک کامپیوتر تصمیمات بهتری را در سال ۱۹۹۷ گرفت و او را شکست داد. کن جنینگ بهترین بازیکن ژئوپاردی در تمام دوران معرفی می‌شد، بالاخره در سال ۲۰۱۱ یک کامپیوتر بر او پیروز شد. فقط مسئله زمان است که کامپیوترها به‌عنوان بهترین تصمیم سازان برای معاملات موسسه‌ای پذیرفته شده‌اند.

ازآنجایی‌که کامپیوترها باهدف تحلیل‌های ریاضیاتی مورد استفاده قرار می‌گیرند، باید تعاریف روشن‌تری از نواحی حمایت و مقاومت وجود داشته باشد. برای مثال، همچنان که حجم تبادلات بر پایه منطق دقیق ریاضیات افزایش می‌یابد، پیش‌بینی‌های سنجیده شده نیز باید دقیق‌تر باشد. همچنین، ممکن است تمایلاتی به برنامه‌های خرید پولبک‌های کوچک در کانال‌های فشرده ممتد در نمودار روزانه وجود داشته باشد. با این حال، اگر تعدادی کافی از این برنامه‌ها از خرید خارج شده یا در یک سطح کلیدی وارد فروش شوند، ممکن است ریزش قیمت در حجم بالاتر و با سرعت بیشتر انجام گیرد. آیا این تغییرات غم‌انگیز خواهد بود؟ شاید نه. از این‌رو فشارهای کلی یکسانی در زمانی که همه‌چیز به‌صورت دستی انجام می‌شد، اعمال می‌شده است، ولی با این حال باید حرکت‌ها بر اساس منطق ریاضیات باشد چراکه بیشتر حرکت‌های احساسی از معامله خارج می‌شوند. ازآنجایی‌که این شرکت‌های دیگر، درحرکت بازار بیشتر و بیشتر مشارکت می‌کنند و به‌عنوان مؤسسات مرسوم به‌طور روزافزون از کامپیوترها در تحلیل‌ها و معامله کردن‌هایشان استفاده می‌کنند، اصطلاح موسسه مبهم می‌شود. یک معامله‌گر خرد بهتر است که یک موسسه را به‌عنوان هر موسسه مستقل دیگری که حجم کافی را برای مؤثر بودن در رفتار قیمت مبادله می‌کند متصور شود.

ازآنجایی‌که این برنامه‌های خریدوفروش بیشتر حجم بازار را ایجاد می‌کنند، آن‌ها مهم‌ترین عوامل ظهور هر نموداری هستند و بیشتر فرصت‌های معامله برای سرمایه‌گذاران خرد را ایجاد

---

[۱]. مسابقه‌ای که از سال ۱۹۶۴ شروع به کارکرده و تا به امروز، غیر از دوره‌ای ۱۰ ساله، همیشه روی آنتن هفتگی شبکه NBC بوده است. در جئوپاردی، باهوش‌ترین آدم‌هایی که درزمینه تاریخ و اطلاعات عمومی، دستی بر آتش دارند و می‌توانند از پس سؤال‌های نه‌چندان معمولی و سخت مجری مسابقه بربیایند، شرکت می‌کنند. شهرت این مسابقه زمانی در دنیا پیچید که طرف شرکت‌کننده‌اش دریکی از برنامه‌ها، یک کامپیوتر معرفی شد. نمونه‌ای از این مسابقه را می‌توانید در فیلم معروف «میلیونر زاغه‌نشین» ببینید. م

می‌کنند. بله، دانستن اینکه سیستم cisco(csco) گزارش درآمد بسیار قوی داشته و در حال رشد است، خوب است و اگر شما کسی هستید که می‌خواهید سهام را چندین ماه نگاه دارید، پس کاری را بکنید که مؤسسات سنتی می‌کنند و csco را بخرید. از طرفی دیگر، اگر معامله‌گر روزانه هستید، اخبار را نادیده گرفته و به نمودار نگاه کنید، چراکه برنامه‌ها الگوهایی را ایجاد خواهند کرد که به‌طورکلی بر پایه آمار بوده و کاری بکار فاندامنتال ندارند. مؤسسات سنتی معاملاتشان را بر اساس تعیین جهت‌های فاندامنتال بر پا می‌کنند و هدف تقریبی یک سهم را در بیش از چندین ماه بعد قرار می‌دهند، اما به‌طور روزافزون، شرکت‌ها برای معاملات روزانه خود و تعیین مسیر به سمت آن هدف در معاملات کوتاه‌مدتشان و سقف یا کف نهایی آن حرکت، از آنالیزهای آماری استفاده می‌کنند. حتی در یک سطح کلان، فاندامنتال ها در بهترین حالت، تقریبی هستند. به ریزش سال‌های ۱۹۸۷ و ۲۰۰۹ نگاه کنید. هردو، ریزش و رشدهای شدیدی را تجربه کرده‌اند تا آن‌وقت عوامل بنیادی در همان زمان کوتاه با آن شدت تغییر نکرده بودند. در هردو حالت، بازار به‌آرامی به سمت پایین خط روند ماهیانه کشیده شده و به‌سرعت از آنجا به سمت بالا برمی‌گردد. بازار به خاطر ملاحظات بنیادی ریزش کرده ولی ادامه آن ریزش به‌وسیله نمودار تعیین می‌شود.

الگوهای بزرگی، مانند روندها، محدوده‌های معاملاتی، اوج‌ها[1] و کانال‌ها وجود دارند که در هر تایم فریمی و در هر بازاری به‌دفعات زیادی تکرار می‌شوند. همچنین الگوهای کوچکی با قابلیت معامله کردن وجود دارند که مبنای آن‌ها تنها چند کندل اخیر هستند. این کتاب‌ها راهنمای جامعی هستند که به معامله‌گر کمک می‌کنند هر چیزی که روی نمودار می‌بینند را درک کنند، فرصت‌های بیشتر به آن‌ها می‌دهند تا معاملات پرسودی انجام داده و از ضرر و زیان دوری کنند.

مهم‌ترین پیامی که می‌توانم به شما بدهم تمرکز بر روی بهترین معامله، دوری از بدترین موقعیت، استفاده از هدف سود (ریوارد) که حداقل به بزرگی ریسک معامله شما است و کار کردن بر رو افزایش تعداد سهم‌هایی که معامله می‌کنید می‌باشد. به‌خودی‌خود متوجه شدم که هر یک از دلایل پشت موقعیت‌های معاملات من فقط عقیده من است و ممکن است استدلال من در مورد اینکه چرا یک معامله کار می‌کند کاملاً اشتباه باشد. اگرچه ربطی به موضوع مورد بحث ما ندارد. چیزی که مهم است این است که خواندن رفتار قیمت روشی بسیار مؤثر در معامله کردن است و من درباره اینکه چرا چیزهای مشخصی بروشی که آن‌ها انجام می‌دهند رخ می‌دهد، فکر کرده‌ام.من با توضیحات خودم راحت هستم و آن‌ها، زمانی که می‌خواهم معامله را انجام دهم به من اطمینان

---

[1]. حرکتی است که با سرعت زیاد فاصله زیادی را رفته و اکنون به محدوده معامله یا روندی مخالف تغییر جهت داده است. انتهای بیشتر اوج‌ها از کانال‌های روند فراتر می‌رود و برمی‌گردد، اما نتیجه بیشتر آن برگشت‌ها، محدوده‌های معامله است نه یک روند مخالف.

خاطر می‌دهند؛ با اینکه آن‌ها ربطی به قرار دادن معاملات من ندارند، بنابراین برای من مهم نیست که آن‌ها درست هستند. همان‌طور که می‌توانم عقیده خودم را در مورد جهت بازار را به‌سرعت عوض کنم، قادرم، اگر به دلیلی برخوردم که منطقی‌تر بود یا اگر ایرادی را در منطق خودم یافتم عقاید خودم درباره اینکه چرا یک الگوی بخصوص کار می‌کند را هم عوض کنم. من عقاید را فراهم می‌کنم چراکه آن‌ها برای ایجاد منطق ظاهر می‌شوند، آن‌ها ممکن است به معامله‌گران کمک کنند که در موقعیتی معین راحت‌تر باشند و ممکن است از لحاظ عقلی مهیج باشند، ولی برای هر رفتاری از قیمت به آن‌ها نیاز نیست.

این کتاب‌ها حاوی جزئیات بسیار بوده و خواندن آن‌ها سخت است و بدرد معامله‌گرانی جدی می‌خورند که می‌خواهند تا جایی که می‌توانند درباره خواندن نمودار قیمت بیاموزند. با این حال، مفاهیم برای معامله‌گران در تمام سطوح قابل استفاده است. این کتاب‌ها تکنیک‌های استاندارد بسیاری را که توسط رابرت دی ادوارد و جان مگی (تحلیل گران تکنیکال روندهای سهام (AMACOM,9th,2007)) و دیگران تشریح شده را پوشش می‌دهند، اما بیشتر بر روی کندل‌های منفرد تمرکز می‌کنند تا نشان دهند اطلاعاتی را که آن‌ها فراهم می‌آورند چگونه می‌توانند به‌طور قابل‌توجهی نرخ ریسک به ریوارد را در معامله‌شان بهبود ببخشد. بیشتر کتاب‌ها به سه یا چهار معامله در یک نمودار اشاره می‌کنند که تلویحاً می‌گویند که هر چیز دیگری بر روی نمودار غیرقابل درک، بی‌معنی، یا پرخطر است. من بر این باورم که در هر تغییر قیمت کوچکی که در طول روز رخ می‌دهد چیزی برای یادگرفتن وجود دارد و اینکه در هر نموداری موقعیت‌های معامله بسیار زیادی وجود دارد که تنها تعداد کمی از آن‌ها را مشاهده می‌کنیم؛ اما برای دیدن آن‌ها مجبورید که پرایس اکشن را یاد بگیرید و نمی‌توانید هیچ کندلی را بی‌اهمیت در نظر بگیرید. من از هزاران عملیات از طریق یک میکروسکوپ آموختم که مهم‌ترین چیزها می‌توانند بسیار کوچک باشند.

من نمودار را کندل به کندل می‌خوانم و به دنبال مطالبی هستم که هر کندلی به من می‌گوید. همه آن‌ها مهم‌اند. در پایان هر کندل بیشتر معامله‌گران از خودشان می‌پرسند «الآن چه اتفاقی افتاد؟» با بیشتر کندل‌ها آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که هیچ‌چیز بدتر از معامله کردن در این لحظه نیست بنابراین تلاش برای درک کردن خیلی هم بد نیست. در عوض، منتظر الگوهای بزرگتر و واضح‌تر می‌مانند. این در صورتی است که آن‌ها باور داشته باشند کندلی وجود ندارد، یا آن را به‌عنوان نشانه فعالیت برنامه موسسه‌ای ازدست داده باشند که قابل معامله توسط معامله‌گر شخصی نیست. آن‌ها احساس نمی‌کنند که در این لحظات بخشی از بازارند، ولی این لحظات بخش بیشتری از روز را تشکیل می‌دهند. با این حال، اگر به حجم نگاه کنند، تمام آن کندل‌هایی که آن‌ها نادیده می‌گیرند حجمی برابر کندل‌هایی دارند که بر پایه آن کندل‌ها معامله خود را برپا می‌کنند.

بدیهی است که معاملات زیادی در حال انجام است، اما آن‌ها درک نمی‌کنند که چطور می‌تواند باشد و وانمود می‌کنند که اساساً چنین چیزی وجود ندارد؛ اما آن انکار حقیقت است. همیشه معامله صورت می‌گیرد و شما به‌عنوان یک معامله‌گر درک اینکه چرا معاملات انجام می‌گیرد را به خودتان بدهکارید و باید راهی را برای پول درآوردن کشف کنید. یادگیری اینکه بازار به شما چه می‌گوید خیلی وقت‌گیر است، اما زیربنای تبدیل‌شدن به یک معامله‌گر موفق را به شما ارائه می‌دهد.

برخلاف اغلب کتاب‌های نمودار کندلی که بیشتر خوانندگان احساس می‌کنند که مجبورند الگوها را به خاطر بسپارند، این سه کتاب من استدلالی را فراهم می‌کنند (درباره اینکه) چرا یک الگوی بخصوص برای برپایی یک معامله قابل‌اعتماد است. بعضی از اصطلاحات برای تکنیکالیستهای بازار یک معنی دارد ولی برای معامله‌گران معنی متفاوتی دارد و من این کتاب‌ها را به‌طور کامل از زاویه دید یک معامله‌گر می‌نویسم. من یقین دارم که بسیاری از معامله‌گران هر چیزی که در این کتاب هست را از قبل درک می‌کنند، اما احتمالاً نمی‌توانند پرایس اکشن را به روشی که من گفته‌ام تشریح کنند. هیچ رازی در مسیر معامله‌گران موفق نیست؛ همه آن‌ها موقعیت‌های معمولی را می‌دانند و بسیاری برای هرکدام نام مخصوص به خود را دارند. همه آن‌ها تقریباً در یک زمان می‌خرند یا می‌فروشند، یک سوییِنگ را معامله می‌کنند و همه آن‌ها دلایل خودشان برای ورود به یک معامله را دارند. در بسیاری از معاملات پرایس اکشن به‌طور مستقیم هیچ نیازی به توضیح واضحی برای اینکه یک موقعیت معین کار می‌کند احساس نمی‌کنند. امیدوارم که آن‌ها از خواندن درک و چشم‌انداز من از رفتار قیمت لذت ببرند و اینکه به آن‌ها بینش لازم برای توسعه معاملات موفق قبلی‌شان را بدهد.

هدف بیشتر معامله‌گران بیشینه کردن سود معاملاتشان از طریق روشی است که با شخصیتشان سازگار باشد. من معتقدم که بدون آن سازگاری، واقعاً امکان معامله کردن همراه با سود در دراز مدت وجود ندارد. بسیاری از معامله‌گران کنجکاوند که بدانند چقدر طول می‌کشد تا تبدیل به یک معامله‌گر موفق شوند و برای دوره‌های حتی چندساله، حاضرند ضرر هم بکنند. درهرصورت این دوره برای من ۱۰ سال به طول انجامید تا قادر به انجام معامله موفق شوم. هریک از ما، تصورات و حواس‌پرتی‌های زیادی داریم، بنابراین دوره زمانی برای هرکس متفاوت خواهد بود، ولی هر معامله‌گری باوجود موانع بی‌شمار، برای اینکه همواره سودآور شود باید سخت تلاش کند. من چندین مشکل اصلی داشتم که باید حل می‌کردم، از قبیل بزرگ کردن سه دختر بسیار خوب که همیشه فکر من را مشغول خودشان می‌کردند و اینکه به‌عنوان پدرشان باید چگونه باشم. این مشکل با بزرگتر شدن آن‌ها و استقلالشان حل شد. سپس من مدت زمانی طول کشید تا

ویژگی‌های شخصیتی بسیاری را به‌عنوان واقعیت تغییرناپذیر در خودم قبول کنم (حداقل به این نتیجه رسیدم که مایل به تغییر آن‌ها نیستم) و سرانجام مسئله اعتماد وجود داشت. من همواره به این جسارت خودم در انجام بسیاری از کارها اعتماد داشتم به‌طوری‌که کسانی که مرا می‌شناختند شگفت‌زده می‌شدند چراکه این کار برای من مشکل بود. با این حال، من عمیقاً باور داشتم که درواقع به آن حد که از استخدام برای سال‌ها لذت می‌بردم هرگز با یک رویکرد پیوسته پرسود مواجه نخواهم شد. در عوض، سیستم‌های زیادی را خریدم، سیستم‌ها و اندیکاتورهای زیادی را نوشتم و آزمایش کردم، کتاب‌ها و مجلات زیادی را خواندم، به سمینارها رفتم، معلم خصوصی گرفتم و به چت روم‌ها پیوستم. من با افرادی هم‌صحبت شدم که خودشان را معامله‌گران موفق معرفی می‌کردند، ولی هرگز گزارش حسابشان را ندیدم و پنداشتم که بیشتر افراد می‌توانند تدریس کنند، ولی اگر کسانی باشند که بتوانند معامله موفق آمیز داشته باشند، تعدادشان خیلی کم است. معمولاً در معاملات، آن‌هایی که می‌دانند، کمتر حرف می‌زنند و آن‌هایی که حرف می‌زنند نمی‌دانند.

این بی‌نهایت مفید بود چراکه هر چیزی را که لازم بود از آن پرهیز کنم تا موفق بشوم را به من نشان می‌داد. هر نامعامله‌گری که به نمودار نگاه کند قطعاً به این نتیجه می‌رسد که معامله کردن بسیار آسان است و تشویق به انجام معامله می‌شود. در پایان روز، هرکسی می‌تواند به هر نموداری نگاه کند و نقاط ورود خروج بسیار واضحی را ببیند. با این وجود در زمان شکل‌گیری نمودار انجام آن بسیار دشوار است. به‌طور طبیعی همه دوست دارند دقیقاً در کف خرید کنند و یک معامله هرگز به عقب برنمی‌گردد. اگر برگردد، یک تازه‌کار تن به ضرر و زیان‌های بزرگ نمی‌دهد، نتیجه آن یک سری از معاملات زیان ده است که درنهایت حساب معامله‌گر را از بین خواهد برد. استفاده از حد ضررهای بزرگ تا حدی آن مشکل را برطرف می‌کند، اما همواره معامله‌گران ضررهای کم تعداد بزرگی خواهند داشت که آن‌ها را در وضعیت قرمز قرار می‌دهد و باعث می‌شود که آنان از بکار بردن روش قبلی خود برای معامله بترسند.

دسترسی به اطلاعات موجود در این کتاب‌ها تعداد زیادی معامله‌گر پرایس اکشن ماهر را آموزش خواهد داد که همه یک کار را در یک‌زمان انجام می‌دهند و از این طریق کسانی که دیر وارد بازار می‌شوند و باید بازار را به سمت هدف موردنظر شما هدایت کنند را حذف می‌کند، در این صورت آیا باید نگران باشید؟ خیر، زیرا مؤسسات بازار را کنترل می‌کنند و آن‌ها از قبل باهوش‌ترین معامله‌گران[1] جهان که همه مطالب این کتاب را حداقل به‌صورت حسی می‌دانند را در اختیار دارند.

[1]. معامله‌گر باهوش شامل معامله گران سودآوری که معمولاً موقعیت‌های بزرگی را معامله می‌کنند و عموماً در سمت درست بازار قرار می‌گیرند.

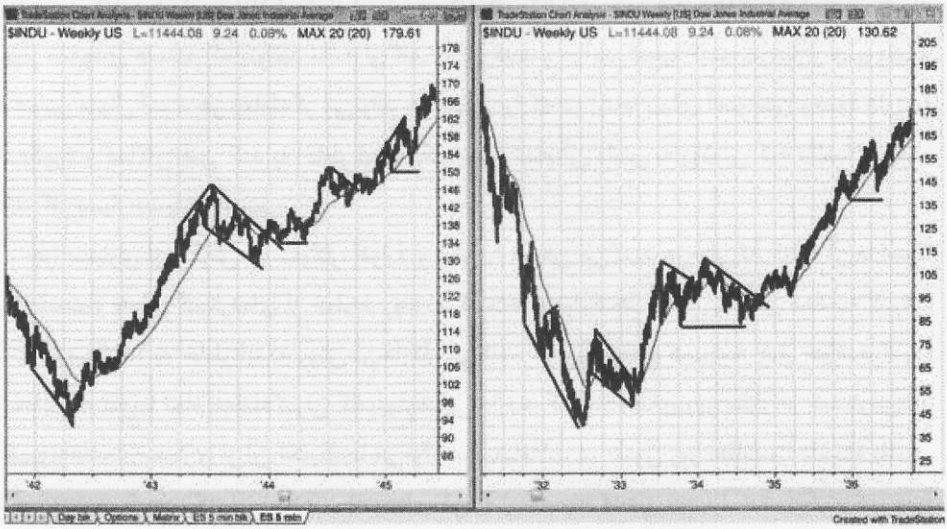
در هر لحظه، یک خریدار بسیار باهوش موسسه‌ای وجود دارد که سمت مخالف موقعیتی را که یک فروشنده باهوش موسسه‌ای قرار دارد، در دست دارد. ازآنجایی‌که مهم‌ترین بازیگران بازار، پرایس اکشن را از قبل می‌دانند، داشتن بازیگران بیشتری که پرایس اکشن را می‌دانند، تعادل بازار را به این‌طرف و آن‌طرف منحرف نخواهد کرد؛ بنابراین من نگرانی از بابت چیزی که دارم می‌نویسم ندارم که باعث متوقف شدن پرایس اکشن شود و آن را از کار بیندازد. به خاطر همین تعادل هر امتیاز[1] ی که هر کس دارد همیشه به سمت بینهایت کوچک میل می‌کند و هر اشتباه کوچکی منجر به ضرر خواهد شد، مهم نیست که یک نفر چقدر می‌تواند نمودار را خوب بخواند. اگرچه بدون درک پرایس اکشن پول به دست آوردن به‌عنوان یک معامله‌گر خیلی سخت است، اما این دانش به‌تنهایی کافی نیست. بعد از اینکه یک معامله‌گر یاد گرفت که چگونه نمودار را بخواند، زمان زیادی طول می‌کشد تا یاد بگیرد که چگونه معامله کند. من این کتاب‌ها را نوشتم تا به مردم یاد دهم که نمودار را بهتر بخوانند و بهتر معامله کنند و اگر می‌توانید هر دو را به‌خوبی انجام دهید، لیاقت آن را دارید که بتوانید پول را از حساب دیگران خارج کرده و در حساب خود بریزید.

دلیل اینکه چرا الگوهایی را که همه ما می‌بینیم کاری که باید انجام دهند را انجام می‌دهند این است که آن کار آن‌ها نمایش چیزی است که در یک بازار کارا با معامله‌گران بی‌شماری که به هزاران دلیل مختلف سفارش گذاری می‌کنند رخ می‌دهد، اما با کنترل حجم، معاملات بر پایه منطق عمیقی انجام می‌شوند. فقط این‌گونه به نظر می‌رسد و همیشه این‌طور بوده است. الگوهایی یکسان در تمام تایم فریم‌ها و در تمام بازارهای دنیا ظاهر می‌شوند، محال خواهد بود که در سطوح بسیاری به‌سرعت و به‌سادگی دستکاری شوند. پرایس اکشن جلوه‌ای از رفتارهای بشر است و بنابراین درواقع پایه ژنتیکی دارد. تا زمانی که وارد آن نشویم بدون تغییر خواهد ماند، درست مانند نموداری که من بازبینی کردم، برای مدت ۸۰ سال بدون تغییر ماند. معامله بر اساس برنامه ممکن است که ظاهر را کمی تغییر دهد، گرچه نمی‌توانم شاهدی بر این نظریه بیابم. اگر باشد، نمودار را ملایم‌تر می‌کند چون‌که غیراحساسی بوده و حجم را بسیار بالا می‌برد. ازآنجایی‌که بیشتر حجم به‌طور اتوماتیک و با کامپیوترها معامله می‌شود و حجم بسیار زیاد است، رفتارهای احساسی و غیراصولی محتوی بسیار ناچیزی از بازار را در اختیار دارد و نمودارها گرایشات بشری را بهتر و خالص‌تر بیان می‌کنند.

---

[1]. موقعیتی با معادله معامله گران مثبت است. در بازارهای مالی به مجموعه شرایطی اطلاق می‌شود که با رخ دادن آن‌ها احتمال موفقیت یک معامله بیشتر از شکست آن است. اگر معامله‌گر موقعیت را معامله کند، امتیاز ریاضیاتی دارد. امتیازها همیشه کوچک و زودگذر هستند زیرا برای داشتن امتیاز به شخص دیگری در سمت دیگر بازار نیاز است و بازار پر از معامله گران باهوش است که اجازه نخواهند داد که یک امتیاز بزرگ شده و به طول انجامد.

ازآنجایی‌که پرایس اکشن برخاسته از DNA انسان است تا ما وارد آن نشویم تغییری در آن صورت نمی‌گیرد. وقتی به دو نمودار شکل (I-۱) نگاه می‌کنید، اولین واکنش شما این است که آن‌ها یک جفت نمودار معمولی هستند، اما به تاریخ مندرج در پایین نمودار نگاه کنید. این نمودارهای هفتگی میانگین صنایع داو جونز از دوران رکود و از جنگ جهانی دوم، علی‌رغم اینکه بیشتر حجم امروز با کامپیوترها معامله می‌شود، الگوهای یکسانی با آنچه که ما بر روی نمودارهای امروزه می‌بینیم دارند.



شکل (I-۱) رفتار قیمت در طول زمان تغییر نکرده است.

اگر همه مردم ناگهان معامله‌گر اسکالپ[۱] پرایس اکشن شوند، الگوهای کوچکتر ممکن است برای لحظه‌ای مقداری تغییر کنند، اما به‌مرور زمان، بازار کارآمد، برنده این بازی خواهد شد و آرام‌آرام نظرات معامله‌گرها به سمت الگوهای پرایس اکشن استاندارد جاری خواهد شد چراکه این عمل بازار نتیجه گریزناپذیر عمل افراد بی‌شماری است که عاقلانه و منطقی رفتار می‌کنند. همچنین، واقعیت این است که این شیوه معامله‌گری بسیار دشوار است و باوجود اینکه معامله بر اساس پرایس اکشن شیوه‌ای عالی است، باز هم انجام موفق آن در زمان مناسب بسیار مشکل است.

---

۱. معامله‌ای که با سود بسیار کمی، معمولاً قبل از هرگونه پولبکی بسته شود. در Emini، وقتی‌که متوسط نوسانات ۱۰ تا ۱۵ پوینت است، معمولاً یک معامله اسکالپ، معامله‌ای است که هدف در آن تقریباً ۴ پوینت باشد. برای spy و سهام، ممکن است ۱۰ تا ۳۰ سنت باشد. برای سهم‌های گران‌قیمت‌تر، می‌تواند یک تا دو دلار باشد. ازآنجایی‌که سود اغلب کمتر از ریسک معامله است، معامله‌گر باید حداقل ۷۰ در صد معاملاتش با سود همراه باشد که برای اکثر معامله گران هدفی غیرواقع‌بینانه است. معامله گران باید تنها در جایی معامله کنند که پتانسیل سودشان حداقل بزرگتر از ریسکشان باشد مگر آنکه مهارت فوق‌العاده‌ای داشته باشند.

معامله‌گرانی که در آن واحد این کار را به‌خوبی انجام دهند تا نفوذ قابل‌توجهی بر الگو داشته باشند به تعداد کافی وجود نخواهد داشت. به ادوارد و مگی[1] نگاه کنید. بهترین معامله‌گران دنیا که برای چند دهه از ایده خود استفاده کرده و به معامله کردن ادامه داده‌اند، دوباره به همان دلیل به روشی که آن‌ها عمل کرده‌اند نگاه کنید چون‌که این روش تأثیر غیرقابل تغییر بازار کارآمدی است که از انبوهی از افراد باهوش با شیوه‌ها و تایم فریم‌های بی‌نهایت متنوع پر شده است، همه تلاش می‌کنند که تا می‌توانند کسب درآمد کنند. برای مثال، تایگر وود هیچ‌چیزی را که در گلف انجام داده است پنهان نمی‌کند و هرکسی آزاد است از او پیروی کند (او را الگوی خود قرار دهد). با این حال افراد بسیار معدودی هستند که بتوانند مانند او گلف بازی کنند و درآمد کسب کنند. در بازار هم وضع به همین منوال است. هر معامله‌گر می‌تواند هر چیزی را که در اینجا برای آموختن وجود دارد را یاد بگیرد و کماکان ضرر کند به خاطر اینکه بکار بردن تمام آن دانش به روشی که دائماً سودده باشد کار بسیار دشواری است.

چرا بسیاری از مدارس کسب‌وکار، ادوارد و مگی را معرفی می‌کنند درحالی‌که کتاب آن‌ها اصولاً ساده است و به‌طور گسترده‌ای از خطوط روند، شکست‌ها[2]، پولبک‌ها به‌عنوان اساس معامله کردن استفاده می‌کند؟ به خاطر اینکه روش آن‌ها کار می‌کند، کارمی‌کرده و همیشه کار خواهد کرد. ازآنجایی‌که تقریباً تمام معامله‌گران کامپیوترهایی دارند که داده‌های روز بازار در دسترس آن کامپیوترهاست، بسیاری از آن تکنیک‌ها می‌تواند بر معاملات در طول روز مطابقت داشته باشد. همچنین، نمودارهای کندلی اطلاعات افزوده‌ای درباره اینکه چه کسانی بازار را کنترل می‌کنند را ارائه می‌دهند که درنتیجه ورود در زمان مناسب با ریسک کمتر را میسر می‌سازد. ادوارد و مگی بر روی روند کلی تمرکز دارند. من از تکنیکی بر همان اساس استفاده می‌کنم اما توجه بیشتری بر روی کندل‌های منفرد می‌کنم تا نرخ ریسک به ریوارد را بهتر کنم و توجه زیادی به نمودارهای طول روز هم دارم.

برای من بدیهی است که اگر فردی بتواند یک نمودار را به حدی خوب بخواند که قادر باشد در زمان‌های دقیق و مناسبی که حرکت بازار شروع شده و بازنگردد وارد بازار شود، آن معامله‌گر امتیازی بزرگی در اختیار خواهد داشت. او درصد بالایی از سود را خواهد داشت و ضررهای معدود

---

[1]. رابرت. دی. ادوارد و جان مگی، نویسندگان کتاب «تحلیل تکنیکال روندهای سهام» در سال ۱۹۴۸ بودند که کتاب آن‌ها باید به‌عنوان یکی از اولین کارهای مربوط به انضباط معامله‌گری در نظر گرفته شود. این کتاب منحصراً به تحلیل روند و الگوهای نموداری ارتباط داشت و تا امروز هم قابل استفاده است. م

[2]. حالتی است که سقف یا کف کندل فعلی تا ورای سطح قیمت بسیار مهمی مانند سوینگ بالا یا پایین، سقف و کف هر کندل قبل از آن، خط روند، یا کانال روند کشیده می‌شود و کندلی که این شکست را ایجاد می‌کند و معمولاً کندل روند قدرتمندی است، کندل شکست می‌باشد.

او ناچیز خواهد بود. نتیجه گرفتم که این نقطه شروع من خواهد بود و آنچه کشف کردم این بود که چیزی برای افزودن وجود ندارد. درواقع، هر افزایشی، پریشان کردن آن نتایج در بهره‌وری پایین‌تر است. خیلی واضح و راحت به نظر می‌رسد اما برای بیشتر مردم باور آن سخت است.

من یک معامله‌گر روزانه هستم که در نمودارهای طول روز EMINI&SP500 اعتماد بسیار زیادی به پرایس اکشن دارم و بر این باورم که خوب خواندن پرایس اکشن مهارتی گرانبها برای معامله‌گران است. در مقابل تازه‌کارها اغلب باور عمیقی دارند مبنی بر اینکه چیزی بیش از پرایس اکشن نیاز است، شاید فرمول‌های پیچیده ریاضی باشد که به افراد کمی که از آن استفاده می‌کنند، تنها امتیازی را که لازم دارند می‌دهد. گلدمن ساکس[1] بسیار ثروتمند و پیشرفته است که معامله‌گران آن باید سوپرکامپیوترها و نرم‌افزارهای قدرتمندی در اختیار داشته باشند که به آن‌ها امتیازی می‌دهد که تضمین می‌کند تمام معامله‌گران خرد محکوم به واماندگی[2] هستند. آن‌ها شروع به بررسی تمام انواع اندیکاتورها کرده و با ورودی‌های آن‌ها بازی می‌کنند تا کارایی آن اندیکاتورها را بالا ببرند. هر اندیکاتوری، در بعضی مواقع کار می‌کند، اما برای من، آن‌ها بیشتر گیج‌کننده هستند تا شفاف ساز. درواقع، حتی بدون نگاه کردن به نمودار هم ۵۰ درصد شانس انجام معامله درست وجود دارد.

من اندیکاتورها و سیستم‌ها را بدون آگاهی از دقت آن‌ها رد نمی‌کنم. من در طول این سال‌ها بیش از ۱۰۰۰۰ ساعت زمان را صرف نوشتن و آزمایش کردن اندیکاتورها و سیستم‌ها کرده‌ام و شاید در آن بیش از هر کس دیگری تجربه دارم. این تجربه گسترده من در کار با اندیکاتورها و سیستم‌ها قسمت ضروری فرایند تبدیل‌شدن من به یک معامله‌گر موفق بود. برای بسیاری از معامله‌گران، اندیکاتورها خوب کار می‌کنند، اما بهترین موفقیت زمانی فراهم می‌شود که معامله‌گر شیوه‌ای را پیدا می‌کند که بر شخصیت او مطابقت دارد. تنها بزرگترین مسئله من با اندیکاتورها و سیستم‌ها این بود که هرگز به آن‌ها کاملاً اعتماد نکردم. در تمام موقعیت‌ها، استثنائاتی را دیدم که باید امتحان می‌شد. من همواره می‌خواستم تا آخرین سنت را از بازار بگیرم و هرگز با برگشت از یک سیستم راضی نمی‌شدم مگر اینکه بتوانم تغییر جدیدی ایجاد کنم که آن را بهتر کند. همواره می‌توانید سیستمتان را بهینه کنید، اما ازآنجایی‌که بازار همیشه از یک روند قوی به یک محدوده

---

[1]. شرکت خدمات مالی و بانکداری آمریکایی و چندملیتی است که بخش عمده فعالیت‌های آن، در زمینه ارائه خدمات بانکداری سرمایه‌گذاری، مدیریت سرمایه‌گذاری، بانکداری تجاری، همچنین مبادله کالاهای اقتصادی، اوراق بهادار، سهام اختصاصی و مدیریت بر صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک، متمرکز می‌باشد. م

[2]. failure

معامله[1] فشرده تغییر می‌کند و سپس دوباره برمی‌گردد و بهینه‌سازی شما بر مبنی چیزی که اخیراً اتفاق افتاده است، به‌زودی وقتی‌که بازار به فاز جدیدی وارد می‌شود نقض خواهد شد. من حقیقتاً خیلی سختگیر، وسواسی، پرانرژی، هوشیار و نامطمئن به کسب درآمد در دراز مدت از طریق اندیکاتورها و سیستم‌های اتوماتیک هستم، ولی در روش‌های دیگر عالی هستم و بیشتر مردم این عملکرد را ندارند.

بسیاری از معامله‌گران، مخصوصاً تازه‌کاران، مجذوب اندیکاتورها (مجذوب هر قدرت برتر، معلم، کارشناس تلویزیون، یا خبرنامه که می‌خواهند باور کنند که از آن‌ها حمایت خواهد شد و عشق و رضایت خود به‌عنوان یک انسان را با دادن پول زیاد نشان دهند) هستند، به این امید که اندیکاتور به آن‌ها نشان خواهد داد که چه موقع وارد معامله شوند. آنچه که درک نمی‌کنند این است که بیشتر اندیکاتورها بر پایه پرایس اکشن ساده بنا شده است و من وقتی‌که معاملاتم را قرار می‌دهم، واقعاً نمی‌توانم آن‌قدر سریع فکر کنم که چندین اندیکاتور به من چه می‌گویند. اگر یک روند صعودی، یک پولبک و بعد از آن صعود به سقف جدیدی وجود داشته باشد، اما این صعود کندلهای همپوشان بسیار، بدنه‌های نزولی زیاد، یک جفت پولبک کوچک و سایه‌های بزرگی در بالای کندل، داشته باشد، هر معامله‌گر باتجربه خواهد دید که تست[2] ضعیفی از سقف روند وجود دارد و اینکه اگر روند صعودی هنوز قوی هست دیگر نباید قدرت قبلی ادامه داشته باشد. بازار تقریباً به‌طور حتم به یک محدوده معامله و احتمالاً به روند نزولی منتقل می‌شود. نیاز نیست که این را اسیلاتور به معامله‌گران بگوید. همچنین، اسیلاتورها مایل هستند که معامله‌گران را وادار کنند که دنبال بازگشت‌ها باشند و کمتر بر روی نمودار قیمت تمرکز کنند. این‌ها، در بیشتر روزهایی که بازار دو یا چند بازگشت دارد و این بازگشت‌ها یک یا چند ساعت زمان می‌گیرند، می‌توانند ابزارهای مؤثری باشند. مشکل زمانی پدید می‌آید که بازار روند پرقدرتی به خود می‌گیرد. اگر بر روی اندیکاتورهای خود بیش‌ازاندازه تمرکز کنید، خواهید دید که آن‌ها در تمام طول روز در حال شکل دادن واگرایی هستند و ممکن است خودتان را مرتباً در حال ورود در جهت مخالف روند و ضرر کردن ببینید.

---

[1]. برای این تعریف حداقل نیاز به یک کندل منفرد است با محدوده‌ای که با کندل قبل از خود همپوشانی زیادی دارد. حرکت افقی است که نه فروشندگان و نه خریداران هیچکدام کنترل بازار را در دست ندارند گرچه یک‌طرف اغلب قوی‌تر است. محدوده معامله اغلب یک پولبک در یک روند است که پولبک به‌اندازه‌ای طولانی می‌شود که بیشتر معامله‌گران اطمینان خود را نسبت به آن از دست می‌دهند. به‌عبارتی‌دیگر، معامله‌گران در کوتاه‌مدت درباره جهت شکست دچار تردید می‌شوند و بازار تمایلاتی تکراری به بالا و پایین خواهد داشت که هرکدام هم نقض خواهد شد. معمولاً درنهایت شکست در جهت روند خواهد بود و این در تایم فریم بزرگ‌تر یک پولبک است.

[2]. وقتی‌که بازار به قیمت قبلی از یک سطح مهم می‌رسد و می‌تواند فراتر از آن برود یا به آن نرسد. اصطلاح نقض تست به معنی کارهای متضادی است که به‌وسیله معامله‌گران مختلف انجام می‌شود. بسیاری از معامله‌گران بر این باورند که اگر بازار معکوس شود، تست موفقیت‌آمیز بوده است و اگر معکوس نشود و بازار از تست عبور کرده و به حرکت خود ادامه داد، تست نقض شده و شکست رخ داده است. لازم به ذکر است که واژه تست و لمس در این کتاب دارای معنی یکسانی می‌باشند.

آن‌وقت می‌پذیرید که بازار دارای روند است، زمان کافی برای جبران ضررهایتان در طول روز باقی نخواهد ماند. در عوض، اگر خیلی ساده به یک کندل یا نمودار کندلی نگاه می‌کردید، می‌دیدید که بازار به‌طور واضح دارای روند است و برای یافتن بازگشت‌ها، تلاش نمی‌کردید که از اندیکاتورها استفاده کنید. معمولی‌ترین بازگشت‌های موفق ابتدا یک خط روند را با یک مومنتم قوی می‌شکنند و سپس برای تست مجدد انتهای آن عقب‌نشینی می‌کنند و اگر معامله‌گران خیلی روی واگرایی‌ها متمرکز باشند، این واقعیت اساسی را نادیده می‌گیرند. معامله کردن بر اساس واگرایی در نبود یک موج با مومنتم مخالف روند[1] اولیه که خط روند را می‌شکند، یک استراتژی باخت است. صبر کنید تا خط روند شکسته شود و سپس ببینید که آیا پس از تست انتهای خط روند قدیم، قیمت معکوس می‌گردد یا روند قدیم دوباره از سر گرفته می‌شود. نیازی به اندیکاتوری ندارید که به شما بگوید که برگشت قوی در اینجا معامله‌ای با احتمال موفقیت بالا، حداقل باهدف یک معامله اسکالپ است و در آنجا تقریباً به‌طور حتم یک واگرایی خواهد بود، پس چرا با افزودن اندیکاتورها به محاسبات خود، فکر کردنتان را پیچیده می‌کنید؟

بعضی از کارشناسان ترکیبی از تایم فریم‌ها، اندیکاتورها، شمارش امواج، سری‌های فیبوناچی و گسترش‌ها را پیشنهاد می‌کنند؛ اما وقتی زمان انجام معامله فرامی‌رسد، تنها زمانی سفارش گذاری خواهند کرد که موقعیت پرایس اکشن مطلوب باشد. همچنین وقتی‌که موقعیت پرایس اکشن خوبی را دیدند، اندیکاتورهایی را جستجو می‌کنند که نشان‌دهنده واگرایی‌ها، تایم فریم‌های مختلف که در آن میانگین‌های متحرک تست می‌شود، شمارش امواج، یا موقعیت‌های فیبوناچی باشد تا آن چیزی را تأیید کنند که در مقابلشان است. درواقع آن‌ها معامله‌گران پرایس اکشن هستند که منحصراً خارج از پرایس اکشن بر روی تنها یک نمودار معامله می‌کنند اما از پذیرفتن آن احساس خوبی ندارند. آن‌ها معاملات خود را پیچیده می‌کنند به همین خاطر معاملات بسیار زیادی را از دست می‌دهند زیرا تحلیل بیش‌ازحدشان، زمان زیادی را برای ثبت سفارش از آن‌ها می‌گیرد و مجبورند منتظر موقعیت بعدی بمانند منطق این نیست که مسائل ساده را پیچیده کنیم. بدیهی است که افزودن هر اطلاعاتی موجب اتخاذ تصمیم بهتر می‌شود و ممکن است افراد زیادی وقتی در جایی تصمیم به ورود می‌گیرند بتوانند اطلاعات ورودی زیادی را پردازش کنند. نادیده گرفتن داده‌ها، تنها به دلیل طرز فکری ساده، حماقت است. هدف کسب درآمد است و معامله‌گران باید هر کاری را انجام دهند تا سودشان را بیشینه کنند من واقعاً نمی‌توانم چندین تایم فریم و اندیکاتور را به‌خوبی

---

[1]. معامله یا موقعیتی است در خلاف جهت روند کنونی، این‌گونه معامله یک استراتژی باخت است که برای اغلب معامله‌گران با ضرر همراه است چراکه ریسک معمولاً حداقل به بزرگی سود است و احتمال آن بندرت به‌اندازه‌ای است که به نفع معادله معامله گران باشد.

پردازش کنم و در زمانی که نیاز است سفارشات خود را دقیقاً در موقعیت مناسب قرار دهم و من دریافته‌ام که به‌دقت خواندن تنها یک نمودار برای من بسیار سودآور است همچنین فهمیده‌ام که اگر به اندیکاتورها اعتماد کنم در خواندن پرایس اکشن خود تنبل می‌شوم و اغلب چیزهای بدیهی را از دست می‌دهم. پرایس اکشن بسیار مهم‌تر از هر اطلاعات دیگری است و اگر بعضی چیزهایی را که پرایس اکشن به شما می‌گوید، قربانی به دست آوردن اطلاعات دیگری کنید که از جایی دیگر به دست آورده‌اید، احتمالاً تصمیم بدی می‌گیرید.

یکی از خسته‌کننده‌ترین چیزها زمانی که معامله‌گران شروع به انجام معامله می‌کنند آنست که همه‌چیز معقول است. آن‌ها دنبال آن هستند که قوانینی را پیدا کنند که سودشان را تضمین کند و از اینکه چگونه الگوها در یک روز کار می‌کنند و در روزی دیگر نقض می‌شوند متنفرند. بازارها بسیار کارا هستند زیرا افراد باهوش بسیار زیادی هستند که یک بازی مجموع صفر[1] را بازی می‌کنند. یک معامله‌گر برای کسب درآمد، باید همواره از نیمی از معامله‌گران غیرمعمول دیگر بهتر باشد. به دلیل اینکه بیشتر رقبا مؤسسات سود ده هستند، معامله‌گر مجبور است که خیلی خوب معامله کند. هر وقت امتیازی به وجود می‌آید، به‌سرعت کشف شده و ناپدید می‌شود. به خاطر داشته باشید، یکی باید در طرف مقابل شما معامله کند. آن‌ها به‌منظور کشف سیستم جادویی شما خرید نخواهند کرد و زمانی که این کار را بکنند دیگر به شما پول نخواهند داد. قسمت جذاب معامله آنست که این بازی مجموع صفر است با امتیازی بسیار کوچک و از نظر روحی بسیار اقناع‌کننده و از نظر مالی همراه با پاداش است که بتوانید این امتیازات کوچک و فرصت‌های زودگذر را مشخص کرده و بر روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کنید. این کار شدنی ولی بسیار دشوار است و نیاز به نظم سخت‌گیرانه‌ای دارد. معنی ساده نظم، انجام چیزی است که نمی‌خواهید انجام دهید. همه ما ذاتاً کنجکاویم و تمایل طبیعی داریم که چیزهای جدید یا متفاوت را امتحان کنیم، اما معامله‌گران خیلی خوب در مقابل وسوسه‌ها مقاومت می‌کنند. مجبورید به قوانین خود بچسبید و از احساسات بپرهیزید و مجبورید صبورانه منتظر بهترین معامله باشید. وقتی‌که در پایان روز به نمودار نگاه می‌کنید، همه این‌ها آسان به نظر می‌رسد، ولی در زمان خودش که باید کندل به کندل و بعضی مواقع ساعت‌به‌ساعت منتظر بمانید، بسیار سخت است. وقتی موقعیتی آشکار می‌شود، اگر

---

[1]. بازی «حاصل جمع صفر» یا بازی «مجموع صفر»، بیانگر موقعیتی است که سود یک شخص با زیان شخص دیگر یکسان باشد، درنتیجه تغییر خالص ثروت یا سود صفراست. بازی مجموع صفر ممکن است بیش از دو بازیکن، یا میلیون‌ها شرکت‌کننده داشته باشد بازی‌هایی مثل شطرنج و تنیس که در آن‌ها یک برنده و یک بازنده وجود دارد نیز جزو بازی‌های مجموع صفر هستند. در بازارهای مالی، اختیار معامله (Options) و قراردادهای آتی (futures) نیز مثال‌هایی از بازی مجموع صفر هستند. زیرا در مقابل شخص پیروز معامله، فرد دیگری وجود دارد که در معامله شکست خورده است. م

دچار پریشانی شده باشید، یا از خودتان راضی باشید آن موقعیت را از دست خواهید داد و بعد از آن مجبور خواهید شد که حتی بیشتر صبر کنید. ولی اگر بتوانید به‌طور هم‌زمان صبر و نظم را برای پیروی از سیستمی بی‌نقص در خود بپرورانید پتانسیل سود بسیار زیاد است.

روش‌های بی‌شماری برای کسب درآمد در معامله سهام و EMINIها وجود دارد اما نیازمند حرکت است (خوب به‌جز اختیار فروش). اگر خواندن نمودار را یاد بگیرید، بدون اینکه بدانید چرا مؤسسات روند را شروع کرده‌اند و یا حتی بدانید که چه اندیکاتوری چه چیزی را نشان می‌دهد، هر روز تعداد زیادی از این معاملات پرسود را انجام خواهید داد. شما نیازی به نرم‌افزارها و تحلیل گران این مؤسسات ندارید چراکه آن‌ها چیزی را که خودشان انجام می‌دهند را به شما نشان خواهند داد. کل چیزی را که شما باید بیاموزید همراه شدن با معاملات آن‌هاست و در این صورت شما سود خواهید کرد. پرایس اکشن به شما خواهد گفت که آن‌ها چه‌کار می‌کنند و به شما اجازه ورود با حد ضرر کوچکی می‌دهد.

من دریافته‌ام که با کم کردن آنچه در حین سفارش گذاری مجبورم در نظر بگیرم، همواره سود زیادی به دست می‌آورم. تمام چیزی که نیاز دارم یک نمودار خالی بدون هیچ اندیکاتوری غیر از یک میانگین متحرک نمایی[۱] ۲۰ کندلی (EMA) بر روی کامپیوترم است که نیاز به تحلیل‌های زیادی ندارد و در طی روز موقعیت‌های زیادی را نمایان می‌سازد. بعضی معامله‌گران ممکن است به حجم هم توجه کنند زیرا یک اسپایک[۲] غیرعادی بزرگ بعضی مواقع به انتهای یک روند نزولی نزدیک می‌شود و کف یک یا دو نوسان جدید بعدی، اغلب موقعیت معامله اسکالپ صعودی پرسودی را ایجاد می‌کند. وقتی یک ریزش بیش‌ازحد انجام می‌گیرد، اسپایک‌های حجم بعضی مواقع روی نمودارهای روزانه رخ می‌دهند. با این حال آن‌قدر قابل‌اعتماد نیست که توجه مرا تضمین کند.

بسیاری از معامله‌گران تنها زمانی پرایس اکشن را در نظر می‌گیرند که یک واگرایی یا پولبک انجام گرفته باشد. درواقع بیشتر معامله‌گرانی که از اندیکاتورها استفاده می‌کنند معامله نمی‌کنند مگر آنکه کندل سیگنال[۳] قوی در آنجا وجود داشته باشد و اگر زمینه درست باشد، حتی اگر واگرایی نباشد بسیاری در کندل سیگنال قوی وارد می‌شوند، آن‌ها دوست دارند قیمت پایانی قوی یا کندل بازگشتی بزرگی را ببینند؛ اما در واقعیت این رخداد نسبتاً نادر است سودمندترین ابزارها

---

۱. نمودارهای این کتاب از میانگین متحرک‌های ۲۰ کندلی استفاده می‌کنند ولی هر میانگین متحرک دیگری هم مفید است.

۲. به تغییر قیمت سریع و پر شیب در زمانی نسبتاً کوتاه طی یک یا چند کندل اسپایک گویند.

۳. کندلی است که بلافاصله قبل از کندلی که در آن سفارش ورود انجام می‌گیرد (کندل ورود) می‌آید. این کندل آخرین کندل یک موقعیت ورودی است.

برای درک پرایس اکشن، خطوط روند، یا خطوط کانال روند، سقف‌ها و کف‌ها، شکست‌ها و شکست‌های نقض شده، اندازه بدنه‌ها و سایه‌های روی کندلها و رابطه کندل کنونی با چندین کندل قبلی هستند. مخصوصاً چگونگی شروع قیمت، سقف، کف و قیمت پایانی کندل اخیر در مقایسه با رفتار چندین کندل قبلی، اطلاعات زیادی در مورد اینکه بعداً چه رخ می‌دهد را ارائه می‌کند. نمودارها اطلاعات زیادی را درباره اینکه چه کسی بیشتر از همه بازار را کنترل می‌کند فراهم می‌آورند. تقریباً هر کندلی نشانه‌های مهمی را در مورد اینکه بازار کجا خواهد رفت عرضه می‌کند و معامله‌گری که هر فعالیتی را به‌عنوان اختلال در نمودار رد کند هر روز از معاملات پرسود زیادی صرف‌نظر می‌کند. بیشتر ملاحظات این کتاب مستقیماً وابسته به انجام معامله است، اما تعدادی از آن‌ها بدون اعتبار کافی باید با گرایشات ساده رفتار قیمت کمیابی پذیرفته شوند تا اینکه مبنای یک معامله شود.

من شخصاً، اصولاً به نمودارهای کندلی برای معاملات Emini، آتی‌ها و معامله سهام اعتماد می‌کنم، اما بیشتر سیگنال‌ها روی هر نوع نموداری قابل رؤیت است و بسیاری از آن‌ها حتی روی نمودار ساده خطی هم مشهود است، من ابتدا روی نمودارهای کندلی ۵ دقیقه‌ای تمرکز می‌کنم تا اصول پایه‌ای را از روی نمودار تشریح کنم ولی روی نمودارهای روزانه و هفتگی هم به همان خوبی بحث می‌کنم. از وقتی‌که سهام، فارکس، قراردادهای آتی اسناد خزانه‌داری و اختیارات را هم معامله می‌کنم درباره اینکه چگونه پرایس اکشن می‌تواند به‌عنوان پایه برای این نوع از معاملات مورد استفاده قرار گیرد بحث می‌کنم.

به‌عنوان یک معامله‌گر هر چیزی را خاکستری می‌بینم و همواره برحسب احتمالات فکر می‌کنم. اگر یک الگو برپا شود و آن الگو عالی نباشد ولی مانند یک موقعیت معقول باشد، احتمالاً به همان صورت رفتار خواهد کرد. معمولاً شباهت به‌اندازه کافی هست. اگر چیزی شبیه موقعیت‌های موجود در کتب درسی باشد، احتمالاً معامله به روشی شبیه به کتاب‌های درسی ظاهر خواهد شد. این هنر معامله‌گری است و سال‌ها طول می‌کشد بیاموزید چگونه در منطقه خاکستری معامله کنید. همه مردم شواهد عینی، قوانین واضح و اندیکاتورها، چت روم‌ها، خبرنامه‌ها، اخبار تلفنی، یا کارشناسانی را می‌خواهند که به آن‌ها بگوید دقیقاً کی وارد شوند و حد ضررشان را به حداقل برساند و سودشان را حداکثر کند، اما هیچ‌یک از موارد فوق در دراز مدت بکار نمی‌آید. باید مسئولیت تصمیمات خودتان را بپذیرید، اما اول باید یاد بگیرید که چگونه تصمیم بگیرید یعنی اینکه باید با چگونگی کار در منطقه خاکستری مبهم آشنا شوید. هیچ‌چیز هیچ‌وقت مطلقاً سیاه یا سفید نیست و من آن‌قدر این کار را کرده‌ام که ادعا کنم نه می‌تواند رخ دهد و نه رخ خواهد داد، مهم نیست که چقدر بعید باشد. مثل فیزیک کوانتم است. هر اتفاق ممکن، دارای یک احتمال است

و همین‌طور اتفاقاتی که باید تصور آن را بکنید. این احساسی نیست و دلیل اینکه چرا یک اتفاق رخ می‌دهد ارتباطی به آن ندارد. اینکه امروز فدرال رزرو را پایش کنید که ببینید آیا نرخ‌ها را کاهش می‌دهد، وقت تلف کردن است چراکه هردو تفسیر صعودی و نزولی و هر چیزی که فدرال رزرو انجام می‌دهد وجود دارد. راه‌حل آنست که ببینید بازار چه‌کاری انجام می‌دهد، نه اینکه فدرال رزرو چه می‌کند.

اگر به این فکر کنید، معامله‌گری یک بازی مجموع صفراست و غیرممکن است که در جایی که همواره قوانین مؤثر واقع می‌شوند، بازی مجموع صفر وجود داشته باشد. اگر کار کنند، همه از آن‌ها استفاده خواهند کرد آنگاه هیچ‌کس در آن‌طرف معامله نخواهد بود؛ بنابراین معامله نمی‌تواند وجود داشته باشد. خطوط راهنما خیلی مفیدند اما قوانین قابل‌اعتماد نمی‌توانند وجود داشته باشند و معمولاً برای معامله‌گری که می‌خواهد این را بپذیرد «که اگر فقط بتوانید با قوانین درستی پیش بروید، معامله‌گری بازی پرسودی است»، شروع خیلی ناراحت‌کننده‌ای خواهد بود. تمام قوانین بعضی مواقع درست کار می‌کنند و معمولاً اغلب برای گمراه شدن، کافی است باور کنید که اگر آن‌ها را فقط دستکاری کنید در هر زمانی کار خواهند کرد. تلاش می‌کنید یک خدای معامله‌گری را خلق کنید که از شما حفاظت کند، اما دارید خودتان را گول می‌زنید و به دنبال راه‌حل آسان یک بازی هستید که در آن بازی فقط راه‌حل‌های سخت، کار می‌کنند. شما با باهوش‌ترین افراد دنیا رقابت می‌کنید. اگر آن‌قدر باهوش هستید که با مجموعه‌ای از قوانین خطاناپذیر پیش بروید، آنگاه همگی با یک بازی مجموع صفر دشواری روبرو می‌شوید. نمی‌توانید از معامله‌گری درآمد کسب کنید مگر آنکه انعطاف‌پذیر باشید چراکه باید جایی بروید که بازار می‌رود و بازار بی‌نهایت انعطاف‌پذیر است. می‌تواند در مدتی طولانی و غیرقابل تصوری در هر جهتی خم شود. همچنین می‌تواند مکرراً در هر کندل کوچکی برای مدت خیلی طولانی معکوس شود. درنهایت می‌تواند کاری را در بین آن‌ها انجام دهد و انجام خواهد داد. به خاطر این، هرگز ناامید نشوید، آن را به‌عنوان یک واقعیت بپذیرید و به آن به‌عنوان قسمتی از زیبایی معامله‌گری بنگرید.

نیروی جاذبه بازار به سمتی نامعلوم است. در بیشتر طول روز هر بازاری احتمال جهتی[1] ۵۰-۵۰ دارد، در هر بازاری ۵۰ درصد در حرکتی رو به بالاست و ۵۰ درصد با همان اندازه رو به پایین است. با توجه به این توضیح منظور این است که حتی اگر بدون نگاه کردن به نمودار هر سهمی را

---

[1]. احتمالی که بازار قبل از آنکه به مقدار معینی در جهت مخالف برسد، به همان اندازه بالا یا پایین خواهد رفت. اگر به حرکتی مساوی به سمت بالا و پایین می‌نگرید، احتمال جهتی آن اغلب اوقات در حدود ۵۰ در صد است، یعنی این‌که شانس ۵۰-۵۰ وجود دارد که بازار قبل از حرکت X تیکی به سمت پایین ابتدا X تیک به سمت بالا حرکت می‌کند و یک شانس ۵۰-۵۰ هم وجود دارد که قبل از اینکه X تیک بالا برود اول X تیک به سمت پایین حرکت می‌کند.

خریده و سپس دستوری را بگذارید که یک سفارش، سفارش دیگر را لغو کند[1] (OCO) تا در حد سودی معادل X سنت بالای ورودی، خارج شده یا در حد ضرری معادل X سنت پایین ورودی معامله را ببندد، در این صورت شما ۵۰ درصد شانس به دست آوردن سود را دارید. بعلاوه اگر در طول روز هر سهمی را بدون دیدن نمودار فروخته و سپس حد سودی به‌اندازه X سنت پایین ورودی و حد ضرری معادل X سنت بالای ورودی خود قرار دهید، ۵۰ درصد شانس برد و ۵۰ درصد شانس باخت را دارید. اندازه X در مقایسه با قیمت سهم نباید خیلی بزرگ باشد. نمی‌توانید در یک سهم ۵۰ دلاری انتظار X، ۶۰ دلاری داشته باشید، چراکه ۰ درصد شانس ضرر ۶۰ دلاری دارید همچنین نمی‌توانید X را ۴۹ دلار در نظر بگیرید زیرا شانس از دست دادن ۴۹ دلار هم خیلی کم است اما اگر مقدار X را طوری بگیرید که در محدوده‌ای منطقی روی تایم فریم باشد، این انتخاب در کل درست است. وقتی بازار ۵۰-۵۰ است، یعنی اینکه بازار مبهم است و اصولاً نمی‌توانید نظری درباره جهت آن داشته باشید این نشانه‌ای از محدوده معامله است، بنابراین هر وقت درباره جهت قیمت مطمئن نیستید فرض کنید بازار در محدوده معامله است. در زمان‌های کوتاهی روی نمودار احتمال جهتی بالاست. در طول یک روند قوی این احتمال ممکن است ۶۰ یا ۷۰ درصد باشد، اما زیاد نمی‌تواند طول بکشد زیرا به‌سوی ابهام و یک بازار ۵۰-۵۰ جذب می‌شود که در آن خریداران و فروشندگان هردو احساس می‌کنند که قیمت ارزش معامله را دارد. وقتی‌که روندی وجود دارد و جهت آن مقداری مشخص است، بازار به سمت محدوده‌های حمایت و مقاومت هم کشش خواهد داشت که معمولاً نوعی حرکت اندازه‌گیری شده می‌باشد و آن محدوده‌ها همواره جایی هستند که در آن حداقل اندکی، تردید به بازار بازگشته و محدوده معامله در آن توسعه می‌یابد.

هرگز در طول روز معامله به اخبار توجه نکنید. اگر می‌خواهید بدانید معنی اخباری که اتفاق می‌افتد چیست، نمودارهای جلوی‌تان به شما خواهند گفت. گزارشگران بر این باورند که اخبار مهم‌ترین چیزهای دنیا هستند و اینکه هر اتفاقی که رخ می‌دهد، باید معلول بزرگترین گزارش اخبار روز آن‌ها باشد. ازآنجایی‌که کسب‌وکار گزارشگران اخبار است، اخبار باید در مرکز دنیا و علت هر رخدادی در بازارهای مالی باشد. وقتی‌که در اواسط مارس ۲۰۱۱ سهام ریزش کرد، اخبار، آن را به زلزله ژاپن نسبت دادند. برای آن‌ها مهم نیست که ریزش بازار از سه هفته قبل از زلزله و بعد از یک اوج صعودی، شروع شده بود. وقتی من ۱۵ کندل روند صعودی پشت سر هم را روی نمودار

---

[1]. تعیین دو دستور هم‌زمان به‌طوری‌که در صورت اجرای یک دستور، دستور دیگری به‌طور خودکار کنسل شود، مثلاً سرمایه‌گذاری که محدودیت مالی دارد می‌تواند دستور انجام معامله‌ای را در سهام و اوراق قرضه به طریق فوق بدهد. در این صورت اگر بازار به‌گونه‌ای باشد که خرید سهام سودآور باشد، سهام خریداری شده و دستور خرید اوراق قرضه لغو می‌گردد و بالعکس.

مشاهده کردم، به اعضای چت روم خودم گفتم که بازار می‌خواهد اصلاح بزرگی داشته باشد. این یک اوج صعودی پرقدرت غیرمعمول و تذکری مهم از طرف بازار بود. من نمی‌دانستم که چند هفته بعد از آن قرار است زلزله‌ای رخ دهد و گرچه، نیازی هم نداشتم که بدانم. نمودار به من می‌گفت که معامله‌گران چه می‌کنند آن‌ها داشتند آماده می‌شدند که از خرید خارج شده و وارده فروش شوند.

کارشناسان تلویزیون هم مفید نیستند. همواره وقتی‌که بازار حرکت خیلی بزرگی را انجام می‌دهد، گزارش گران کارشناس موجه و مطمئنی که حرکت بازار را پیش‌بینی کرده بود را پیدا کرده و با او مصاحبه می‌کنند و علی‌رغم این حقیقت ناگفته که همین کارشناس در ده پیش‌بینی قبلی خود اشتباه کرده است، کاری می‌کنند که بینندگان باور کنند که این کارشناس توانایی غیرطبیعی در پیش‌بینی بازار دارد. کارشناس پس از آن پیشگویی‌هایی می‌کند و بینندگان ساده‌لوح بشدت جذب او می‌شوند و اجازه می‌دهند که بر معاملاتشان تأثیر بگذارد. چیزی که بینندگان درک نمی‌کنند آنست که بعضی از این کارشناسان ۱۰۰ درصد زمان را در خرید و تعدادی دیگر ۱۰۰ درصد اوقات را در فروش هستند و بقیه برای درودیوار نوسانگیری می‌کنند و پیش‌بینی‌های بسیار بدی می‌کنند. گزارشگران فقط سراغ شخصی می‌روند که خود را با اخبار روز سازگار کرده باشد که به‌طورکلی برای معامله‌گران بی‌فایده و درواقع مخرب است زیرا می‌تواند بر معاملاتشان تأثیر گذاشته و آن‌ها را زیر سؤال ببرد و از روش خودشان منحرف سازد. هرگز کسی روی این پیش‌بینی‌های اصلی بیشتر از ۶۰ در صد اوقات درست نمی‌گوید و تنها خوشنامی کارشناسان آن‌ها را قابل‌اعتماد نمی‌سازد. به همان اندازه افراد باهوش و خوشنامی وجود دارند که عقیده‌ای مخالف آن‌ها دارند ولی عقایدشان شنیده نمی‌شوند. این مثل تماشای یک محاکمه و گوش دادن به‌طرف دفاع دعوا است. گوش دادن به تنها یک‌طرف همیشه متقاعدکننده و گمراه‌کننده است و بندرت بیش از ۵۰ درصد قابل‌اعتماد است.

خریداران و فروشندگان موسسه‌ای به‌صورت تمام‌وقت خریدوفروش می‌کنند و به همین دلیل است که همواره در مورد جهت حرکت بازار تردید وجود دارد. حتی در غیاب اخبار کوتاه، کانال‌های تجاری در تمام طول روز مصاحبه می‌کنند و هر گزارشگر یک کارشناس را برای گزارش خود انتخاب می‌کند. آنچه باید بدانید آنست که ۵۰ درصد شانس آن را دارید که در یک یا چند ساعت بعد در سمت درست حرکت بازار قرار گرفته باشید. اگر در تصمیم‌گیری خود برای معامله کردن به این نتیجه رسیدید که به کارشناس اعتماد کنید و او بگوید که بازار در نیمه دوم روز ریزش خواهد کرد در عوض بازار به رشد خود ادامه دهد، آیا به دنبال فروش خواهید رفت؟ آیا باید این *سرمعامله‌گر* بسیار خوشنام در یکی از شرکت‌های بزرگ وال‌استریت را باور کنید؟ بدیهی است که او بیش از یک‌میلیون دلار در سال درآمد کسب می‌کند و آن‌ها به او این مبلغ بالا را نخواهند داد

مگر اینکه بتواند به‌طور صحیح و پیوسته بازار را پیش‌بینی کند. درواقع، شاید او بتواند و شاید یک معامله‌گر قهار سهام باشد، اما تقریباً به‌طورقطع معامله‌گر روزانه نیست، احمقانه است که باور کنیم که چون او می‌تواند سالانه ۱۵ درصد در مدیریت پول سود کند، در یک یا دو ساعت بعد هم می‌تواند جهت بازار را به‌درستی پیش‌بینی کند. می‌توانید محاسبه کنید. اگر او این قابلیت را داشته باشد، می‌تواند در دو یا سه بار در روز ۱ درصد و شاید ۱۰۰۰ درصد در یک سال سود به دست آورد. به دلیل اینکه نمی‌تواند این سود را به دست آورد، می‌فهمید که او این قابلیت را ندارد. تایم فریم او ماهیانه و تایم فریم شما دقیقه‌ای است. از آنجا که او نمی‌تواند با معامله‌گری روزانه پول به دست آورد، چرا می‌خواهید به گفته کسی که ثابت‌شده به‌عنوان معامله‌گر روزانه شکست‌خورده است، معامله‌ای پایه‌ریزی کنید؟ او نشان داده است که نمی‌تواند از طریق معامله روزانه[1] پول به دست آورد. این مطلب سریعاً به شما می‌گوید که اگر او روزانه معامله می‌کرد، ضرر می‌کرد چراکه اگر او در معامله‌گری روزانه موفق بود، معامله‌گری روزانه را انتخاب می‌کرد و خیلی بیشتر از چیزی که الآن کار می‌کند پول به دست می‌آورد. حتی اگر به‌قصد دو برابر کردن سرمایه خود معامله را ماه‌ها نگاه دارید، باز هم بکار بردن توصیه‌های او حماقت است، چراکه ممکن است نظر او در یک هفته آینده تغییر کند و شما هرگز آن را ندانید. مدیریت معامله‌ای که اکنون در آن هستید به‌اندازه جانمایی آن معامله مهم است. اگر دنباله‌رو یک کارشناس هستید و امیدوارید که در یک سال درست مثل او می‌توانید ۱۵ درصد سود کنید، پس باید از مدیریت او پیروی کنید، اما شما توانایی لازم برای انجام آنچه که او انجام می‌دهد را ندارید و شما به خاطر بکار بردن این استراتژی زودتر از موعد متضرر خواهید شد. بله، شما تصادفاً معامله بزرگی را انجام خواهید داد، اما به‌سادگی می‌توانید آن را با انتخاب شانسی هر سهمی انجام دهید. نکته کلیدی این است که این رویکرد باید در ۱۰۰ معامله پول بسازد، نه در معامله اول یا دوم. خودتان هم از توصیه‌ای که به کودکتان می‌کنید پیروی کنید: فکر نکن هر چه در تلویزیون می‌بینی، هرچقدر هم درخشان و باورکردنی باشد، واقعی است، خودت را گول نزن.

همان‌طور که گفتم، عده‌ای از کارشناسان اخبار را صعودی و عده‌ای دیگر آن را نزولی خواهند دید و گزارشگر یکی از آن‌ها را برای گزارش‌هایش انتخاب خواهد کرد. آیا می‌خواهید به یک گزارشگر اجازه دهید که برای شما تصمیم به معامله بگیرد؟ دیوانگی است! اگر آن گزارشگر می‌توانست معامله کند، یک معامله‌گر می‌شد و می‌توانست صدها برابر آنچه را که به‌عنوان گزارشگر

---

[1]. معامله‌ای که تصمیم بر آن است که در همان روزی که وارد می‌شوید، خارج شوید.

دریافت می‌کند، از طریق معامله‌گری پول به دست آورد. اصلاً چرا شما به او اجازه می‌دهید که بر تصمیمات شما تأثیر بگذارد؟ ممکن است تنها به خاطر عدم اطمینان از توانایی خودتان این کار را بکنید، یا شاید به دنبال یک شبه پدر می‌گردید که دوستتان داشته باشد و از شما حمایت کند. اگر مایل هستید که تحت نفوذ تصمیم یک گزارشگر قرار گیرید، نباید معامله کنید. کارشناسی که او انتخاب کرده است پدر شما نیست و از شما یا پولتان محافظت نخواهد کرد. حتی اگر گزارشگر کارشناسی را انتخاب کرده که جهت بازار را درست بگوید، آن کارشناس با شما نخواهد ماند تا معامله شما را مدیریت کند و ممکن است با یک ضرر روی یک پولبک از معامله خارج شوید.

ایستگاه‌های اخبار مالی برای خدمات عمومی به وجود نیامده‌اند. آن‌ها در حال تجارتی هستند که پول به دست آورند، یعنی اینکه آن‌ها به شنونده‌ای نیاز دارند که آن‌قدر بزرگ باشد که بتواند ورودی تبلیغاتشان را بیشینه کند. بله می‌خواهند در گزارشاتشان دقیق باشند، اما هدف اصلی آن‌ها پول‌سازی است. آن‌ها کاملاً آگاه‌اند که اگر برای مخاطبان جذاب باشند، می‌توانند تعداد شنوندگان خود را بیشینه کنند؛ یعنی اینکه آن‌ها مجبورند مهمانان مهیجی داشته باشند، شامل کسانی که پیش‌بینی‌های عجیبی می‌کنند، کسانی دیگر که حرفه‌ای هستند و اطمینان دوباره می‌دهند و بعضی دیگر که تنها جذابیت فیزیکی دارند؛ بیشتر آن‌ها ناچارند ارزش سرگرمی داشته باشند. گرچه بعضی از مهمانانشان معامله‌گران بزرگی هستند، آن‌ها نمی‌توانند به شما کمک کنند. مثلاً، اگر آن‌ها با یکی از موفق‌ترین معامله‌گران اوراق قرضه مصاحبه کنند، آن معامله‌گر معمولاً به‌طورکلی تنها در مورد روند در چند ماه آینده صحبت خواهد کرد و او تنها چند هفته بعد از جانمایی معاملات خود این کار را خواهد کرد. اگر معامله‌گر روزانه هستید، این کمکتان نمی‌کند، زیرا هر بازار صعودی یا نزولی روی نمودار ماهانه، حرکات بالا و پایین حدوداً یکسانی روی نمودار طول روز دارد و همه‌روزه معاملات خریدوفروش خواهد بود. تایم فریم او با شما بسیار متفاوت است و معامله کردن او ارتباطی با آنچه که شما انجام می‌دهید ندارد. آن‌ها همچنین اغلب با یک تحلیل‌گر تکنیکال یک شرکت اصلی از وال‌استریت مصاحبه می‌کنند، کسی که کارنامه‌اش خوب است، نظرات خود را بر روی یک نمودار هفتگی بنیان می‌نهد، اما بینندگان به دنبال آن هستند که در طول چند روز سود کسب کنند. برای چارتیست، آن روند صعودی که او خرید آن را توصیه می‌کرد، حتی اگر بازار در دو ماه آینده ۱۰ در صد افت کند، در طول این مدت هنوز دست‌نخورده خواهد ماند. بینندگان با این وجود، خرید همراه با ضررشان را قبل از آن انجام خواهند داد و از سقف جدیدی که سه ماه بعد می‌آید هرگز سودی نخواهند برد. به‌جز در مواردی که چارتیست هدف مشخص و تایم فریم را هم برای شما مشخص کند، هر چه که او بگوید بی‌فایده است. وقتی‌که تلویزیون با یک معامله‌گر روزانه مصاحبه می‌کند، او درباره معاملاتی صحبت می‌کند که قبلاً گرفته است و اطلاعاتش خیلی

قدیمی‌تر از آن است که جهت پول‌سازی کمکتان کند. در مدتی که او در تلویزیون است، بازار ممکن است در جهت مخالف حرکت کند. اگر زمانی که او در حال مصاحبه است هنوز در معامله روزانه خود است، به مدیریت معامله خود مدت‌ها پس از اتمام مصاحبه دودقیقه‌ای خود ادامه خواهد داد و او در مدتی که روی آنتن است معامله را مدیریت نخواهد کرد. حتی اگر بخواهید وارد معامله‌ای شوید که او در آن است، زمانی که مجبور می‌شوید تصمیم مهمی در مورد خروج از آن در صورت چرخش بازار برخلاف جهتتان بگیرید یا زمانی که بازار در جهت موافق شما پیش می‌رود و شما به گرفتن سود می‌اندیشید، او آنجا نخواهد بود. تماشای تلویزیون در هر حالی، حتی بعد از یک گزارش بسیار مهم، یک روش مطمئن برای از دست دادن پول است و هرگز نباید این کار را بکنید.[1]

فقط به نمودار نگاه کنید; نمودار هر چیزی را که لازم است بدانید به شما خواهد گفت. نمودار همان چیزی است که به شما پول خواهد داد یا از شما خواهد گرفت، بنابراین نمودار تنها چیزی است که همیشه باید در حین معامله در نظر بگیرید. اگر شما در تالار باشید، حتی نمی‌توانید به کاری که بهترین دوست شما انجام می‌دهد اعتماد کنید. ممکن است سفارش مقادیر زیادی آب‌پرتقال را فریاد بزند اما کارگزاری داشته باشد که به‌طور مرموزی می‌خواهد ده برابر زیر قیمت بازار بخرد. دوست شما تنها تلاش می‌کند که در بازار ایجاد اضطرابی کند که بازار را پایین بکشد سپس می‌تواند از طریق فرد دیگری در یک قیمت بسیار بهتر آن را خریداری کند.

دوستان و همکاران به‌طور رایگان نظراتی را به شما عرضه می‌کنند تا نادیده بگیرید. گهگاه معامله‌گران به من می‌گویند که موقعیتی عالی دارند که می‌خواهند در مورد آن با من بحث کنند. وقتی به آن‌ها می‌گویم برای من جالب نیست، همواره آن‌ها را از خود عصبانی می‌کنم. آن‌ها خیلی زود مرا به‌عنوان یک فرد خودخواه، کله‌شق و دارای فکری بسته می‌بینند و وقتی زمان معامله فرامی‌رسد، من همه موارد فوق شاید کمی هم بیشتر هستم. مهارت‌هایی که برای شما پول می‌سازد عموماً در نظر عوام به‌عنوان یک عیب و نقص دیده می‌شوند. چرا من مدتی است که درباره معامله‌گری نه کتاب می‌خوانم نه مقاله و نه با دیگر معامله‌گران درباره نظراتشان صحبت می‌کنم؟ همان‌طور که گفتم، هر چیزی را که لازم است بدانم، نمودار به من خواهد گفت و هر اطلاعات اضافه‌ای گیج‌کننده است. چندین نفر با دیدگاه من صدمه‌دیده‌اند، اما من فکر می‌کنم در بعضی موارد هر چه که آن‌ها به‌عنوان چیز مفیدی به من معرفی می‌کنند که درواقع به این امید که من با برخی راهنمایی‌های خود آن را جبران کنم، از نظر من قابل‌قبول نیست. وقتی من به آن‌ها می‌گویم نمی‌خواهم در مورد تکنیک‌های معامله‌گری دیگران چیزی بشنوم آن‌ها خسته و عصبانی می‌شوند.

---

[1]. این قسمت در مورد کشورهایی نوشته‌شده که شبکه‌های تلویزیونی زیادی در آن‌ها به تبلیغات سهام و ... می‌پردازند. م

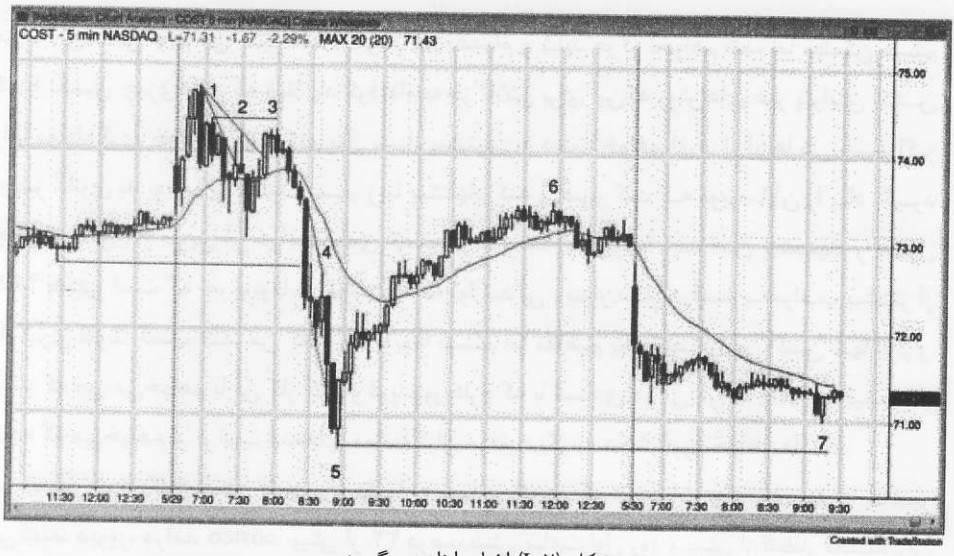
من به آن‌ها می‌گویم من حتی استاد خودم هم نشده‌ام و شاید هرگز نخواهم شد، اما مطمئن هستم که با تکمیل چیزی‌هایی که قبلاً یاد گرفته‌ام به‌جز تلاش برای این‌که روش‌های غیر پرایس اکشن را با معامله‌گری خودم ترکیب کنم پول بسیار بیشتری به دست خواهم آورد. از آن‌ها می‌پرسم اگر جیمز گالوی به یویوما یک فلوت بسیار زیبا پیشنهاد کند و اصرار کند که یویوما آن را یاد بگیرد چون‌که گالوی از طریق آن درآمد زیادی کسب کرده است آیا یویوما باید این پیشنهاد را قبول کند؟ بدیهی است که نه، یویوما می‌تواند با ادامه نوازندگی ویولن‌سل درآمد به‌مراتب بیشتر از یادگیری فلوت کسب کند. من گالوی یا یویوما نیستم اما مفاهیم یکسانند. پرایس اکشن تنها ابزاری است که من می‌خواهم با آن کار کنم و قویاً باور دارم که با استادی در آن درآمد به‌مراتب بیشتر از آنچه که می‌خواهم از ترکیب ایده‌های معامله‌گران موفق دیگر به دست آورم خواهم داشت.

نمودارها، نه کارشناسان تلویزیون، دقیقاً به شما می‌گویند که مؤسسات چگونه اخبار را تفسیر می‌کنند. دیروز، درآمد costco[1] بیش از ۳۲ درصد شش ساعت اول روز و بیش از انتظار تحلیلگران بود (شکل (۲-I) را ببینید) cost با شکاف[2] رو به بالا باز می‌شود، با کندل اول شکاف را تست می‌کند و سپس بیش از یک دلار در مدت ۲۰ دقیقه حرکت کرده سپس برای لمس آخرین قیمت روز گذشته ریزش می‌کند. قیمت دو صعود دارد تا خط روند نزولی را بشکند و هردو نقض می‌شوند. این تشکیل یک سقف دوقلو (کندل ۲ و ۳) پرچم نزولی یا سقف سه‌قلو (کندل‌های ۱،۲،۳) می‌دهد و سپس بازار سقوط سنگین ۳ دلاری زیر کف قبلی می‌کند. اگر از گزارشات بی‌خبر بودید، در نقض شکست خط روند نزولی در کندل ۲ و ۳ وارد فروش می‌شدید و در زیر کندل ۴ بیشتر می‌فروختید که پولبکی بود که به دنبال آن شکست زیر کف روز قبل آمده بود. شما در کندل ۵ کندل برگشتی بزرگ، به سمت معامله خرید بازمی‌گشتید که دومین تلاش برای معکوس کردن شکست زیر کف روز قبل و یک بازگشت از اوج شکست کف روند شیب‌دار نزولی خط کانال بود.

---

[1]. شرکت خرده‌فروشی آمریکایی است. شرکت کاستکو، بزرگترین باشگاه انبار کالا در ایالات‌متحده است. این شرکت، در ژوئیه ۲۰۰۹ به‌عنوان سومین شرکت خرده‌فروشی ایالات‌متحده و نهمین خرده‌فروشی در جهان شناخته شد. م

[2]. فضای بین دو کندل قیمت در نمودار. شکاف ابتدای بازار یک اتفاق معمولی است و اگر اولین کندل امروز در ورای کف یا سقف کندل قبلی (آخرین کندل دیروز) یا کندل مربوط به یک روز کامل باز شود، شکاف ظاهر می‌شود. شکاف میانگین متحرک زمانی ظاهر می‌شود که کف کندل بالای یک میانگین متحرک بدون روند یا رو به پایین و یا سقف کندل پایین‌تر از یک میانگین متحرک صاف یا رو به بالا قرار گیرد. شکاف‌های مرسوم در نمودارهای روزانه (شکست، اندازه‌گیری و خستگی) در طول روز معادل‌هایی به شکل کندل‌های گوناگون روند دارند.



شکل (I-۲) اخبار را نادیده بگیرید

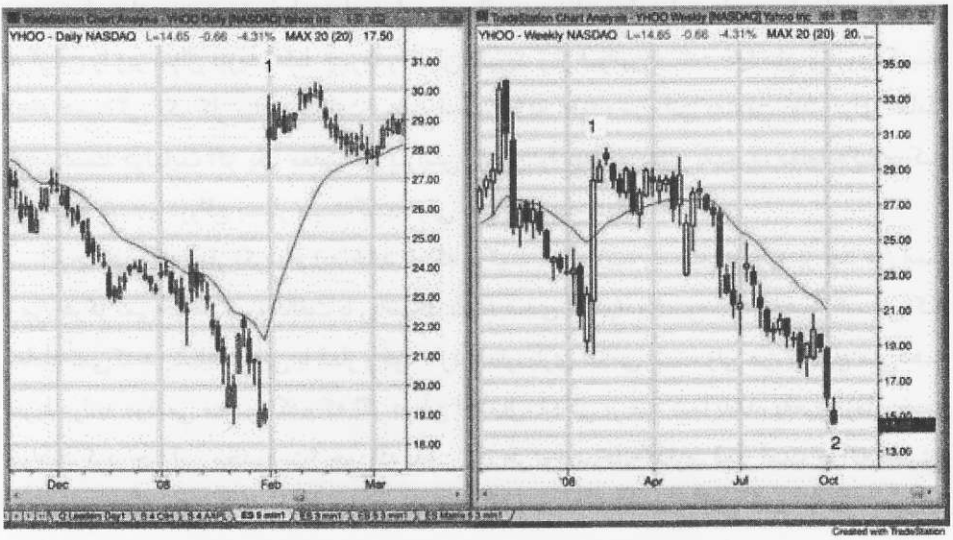
می‌توانید اولین قیمت را به خاطر اخبار صعودی بخرید، سپس نگران این باشید که بجای بالا رفتن به شیوه پیش‌بینی تحلیل‌گران تلویزیون، سهام در حال ریزش است و احتمالاً خرید خودتان را در دومین ریزش به‌سوی کندل ۵ با ضرر دو دلاری می‌فروشید.

هر روندی که نقاط زیادتری را با کندل‌های کمتری پوشش می‌دهد، به این معنی است که ترکیبی از کندل‌های بزرگ و کندل‌هایی که با یکدیگر تنها همپوشانی اندکی دارند، بالاخره یک پولبک خواهند داشت. این روندها مومنتم آن‌چنان قدرتمندی دارند که احتمال به نفع ازسرگیری روند بعد از پولبک و سپس یک تست به انتهای روند می‌باشد. معمولاً قیمت‌ها به‌اندازه‌ای فراتر از حد می‌روند که پولبک به یک روند جدید در جهت مخالف آن نرسد و تا ورای شروع روند اصلی کشیده شود. در حالت کلی، در صورتی است که پولبک ۷۵ درصد یا بیشتر برگردد احتمالی که پولبک به انتهای روند قبلی برگردد اساساً پایین خواهد آمد. در پولبکی در روند نزولی، در آن نقطه، یک معامله‌گر بهتر است پولبک را بیشتر به‌عنوان یک روند صعودی جدید ببیند تا یک پولبک در یک روند نزولی قدیمی. کندل ۶ پولبک حدود ۷۰ درصدی دارد و سپس بازار در اولین قیمت روز بعد پایین‌ترین کف نزولی را تست می‌کند.

علی‌رغم اینکه اخبار چقدر صعودی هستند، فقط به خاطر اینکه بازار روی یک خبر به سمت بالا شکاف پیدا می‌کند به این معنی نیست که به بالا رفتن ادامه خواهد داد.

همان‌طور که در شکل (I-۳) نشان داده شده است، قبل از باز شدن قیمت کندل ۱ روی هردو نمودار Yahoo، (YHOO) (روزانه سمت چپ، هفتگی سمت راست) اخبار گزارش می‌دادند که

مایکروسافت به دنبال این است که یاهو را در قیمت ۳۱ دلار به ازای هر سهم خریداری کند و بازار تقریباً به سمت آن سهم با یک شکاف بالا باز شد. بسیاری از معامله‌گران پنداشتند که معامله آن باید انجام شده باشد؛ زیرا مایکروسافت یکی از بهترین شرکت‌های دنیاست و اگر می‌خواست یقیناً می‌توانست یاهو را بخرد. نه‌تنها به این خاطر بلکه مایکروسافت آن‌قدر پول دارد که اگر لازم شود احتمالاً تمایل دارد که معامله را مساعدتر کند. خوب مدیر یاهو گفت که شرکت او ارزشی معادل ۴۰ دلار به ازای هر سهم دارد؛ اما مایکروسافت هرگز جواب آن را نداد و آن معامله به دلیل قیمت یاهو به‌آرامی از بین رفت و به‌مرور زمان در اکتبر همان سال یاهو ۲۰ درصد پایین‌تر از قیمتی بود که قبل از معامله اعلام کرده بود و ۵۰ درصد پایین‌تر از روز اعلام آن بود و به ریزش ادامه داد. این تغییرات بیشتر به دلیل عوامل بنیادی قوی و یک پیشنهاد تصاحب به‌وسیله یک خریدار جدی بود. از نظر یک معامله‌گر پرایس اکشن، یک حرکت بزرگ صعودی در یک بازار نزولی احتمالاً تنها یک پرچم است، مگر اینکه به دنبال آن حرکت یک سری از کف‌ها و سقف‌های بالاتری بیاید. می‌توانست به دنبال آن یک پرچم صعودی و سپس رالی بیشتری بیاید، ولی تا زمان تأیید روند صعودی، باید آگاه باشید که روند هفتگی بزرگتر مهم‌تر است.



شکل (۳-I) بازار می‌تواند در اخبار صعودی ریزش کند

همان‌که به نظر می‌رسد، تنها چیزی که هست نمودار است. اگر نمی‌توانید بفهمید که به شما چه می‌گوید، معامله نکنید. منتظر وضوح آن باشید. همیشه واضح‌تر خواهد شد؛ اما زمانی که وضوح بیشتر به وجود آمد باید معامله را انجام دهید و ریسک را بپذیرید و از نقشه خودتان پیروی کنید.

به نمودار تایم فریم یک‌دقیقه‌ای نروید و حد ضرر خود را بسته‌تر نکنید چون‌که ضرر خواهید کرد. مشکلی که نمودار یک‌دقیقه‌ای دارد، آنست که شما را با سفارشات ورودی زیادی با کندلهای کوچک و بنابراین ریسک‌های کوچک فریب می‌دهد. بااین‌حال، شما قادر به انجام همه آن‌ها نخواهید بود در عوض آن موقعیت‌های دارای ریسک کم را دست‌چین می‌کنید که منجر به از بین بردن حساب شما خواهد شد چراکه شما همواره موقعیت‌های بسیار بدی را دست‌چین می‌کنید. وقتی وارد یک نمودار ۵ دقیقه‌ای می‌شوید، معاملات شما، فارغ از اینکه روی نمودار ۱ دقیقه‌ای چگونه است، بر اساس تحلیل‌هایتان روی نمودار ۵ دقیقه‌ای صورت می‌گیرد؛ بنابراین باید به حدود سود و زیان خود روی نمودار ۵ دقیقه‌ای اعتماد کنید و این واقعیت را بپذیرید که نمودار ۱ دقیقه‌ای برخلاف شما حرکت خواهد کرد و مرتباً حد ضرر ۱ دقیقه‌ای شما را فعال خواهد ساخت. اگر به نمودار ۱ دقیقه‌ای نگاه کنید توجه کامل خود را معطوف نمودار ۵ دقیقه‌ای نخواهید کرد و یک معامله‌گر خوب پول شما را از حسابتان خارج کرده و به‌حساب خود منتقل خواهد نمود. اگر می‌خواهید رقابت کنید، باید تمام حواس‌پرتی‌ها و تمام ورودی‌ها به مغزتان غیر از آنچه که روی نمودار جلوی شما هست به کمترین مقدارش برسانید و مطمئن باشید که اگر این کار را انجام دهید، پول زیادی به دست خواهید آورد. این غیرواقعی به نظر خواهد آمد ولی بسیار واقعی است. هرگز آن را زیر سؤال نبرید. فقط چیزها را آسان بگیرید و از قوانین ساده خودتان پیروی کنید. انجام همیشگی یک کار ساده بینهایت سخت است، اما به عقیده من، این بهترین روش برای معامله کردن است. درنهایت اگر یک معامله‌گر، پرایس اکشن را بهتر و بهتر بفهمد، معامله‌گری کم استرس‌تر شده و درواقع بسیار خسته‌کننده ولی بسیار پرسود خواهد شد.

اگرچه هیچ‌گاه قمار نکرده‌ام (به خاطر اینکه ترکیب احتمالات، ریسک و ریوارد بر ضد من است و من هرگز نمی‌خواهم در مخالفت با ریاضیات شرط‌بندی کنم)، مخصوصاً در ذهن کسانی که معامله نمی‌کنند، شباهت‌هایی با قمار وجود دارد. قمار، بازی شانس است، ولی من ترجیح می‌دهم تعریف را به موضعی محدود کنم که اگر در آن احتمال، اندکی بر ضد شما باشد، به‌مرور زمان ضرر خواهید کرد. چرا این محدودیت؟ چون‌که بدون آن، هر نوع سرمایه‌گذاری قمار است چراکه همیشه یک عنصر شانس و یک ریسک برای ضرر کامل وجود دارد، حتی اگر شما ملکی را برای سرمایه‌گذاری بخرید، یک خانه بخرید، کسب‌وکاری را شروع کنید، سهام خیلی خوبی را بخرید، یا حتی اوراق قرضه بخرید (دولت ممکن است سیاست کاهش ارزش دلار را اتخاذ کند تا مقدار بدهی ما را کاهش دهد، در این حالت، قدرت خرید دلار که شما از آن اوراق به دست می‌آورید بسیار پایین‌تر از زمانی خواهد بود که در ابتدا اوراق را خریده بودید).

بعضی از معامله‌گران از تئوری بازی ساده استفاده می‌کنند و بعد از ضرر در یک یا چند معامله اندازه آن را افزایش می‌دهند (این عمل دو برابر کردن مبلغ قمار در یک معامله گفته می‌شود). پیشخوان بازی کارت بلک جک بسیار شبیه معامله‌گران محدوده معاملاتی است. کارت شمارها تلاش می‌کنند تشخیص دهند که چه زمانی ریاضیات در یک جهت خیلی فاصله می‌گیرد. به‌ویژه می‌خواهند بدانند کی کارت‌های باقی‌مانده روی میز احتمالاً به‌اندازه کارت‌های دستشان با ارزش می‌شوند. وقتی شمارش نشان داد که این احتمال وجود دارد، آن‌ها معامله‌ای (شرط‌بندی) انجام می‌دهند بر پایه احتمال اینکه یک عدد نامتناسب از کارت‌ها رو خواهد شد، شانس برد را افزایش می‌دهد. معامله‌گران محدوده معامله در جستجوی زمانی هستند که فکر می‌کنند بازار در یک جهت خیلی دور شده است و آن‌ها یک معامله در جهت مخالف آن می‌گذارند (معامله در خلاف جهت روند)[1].

من تلاش می‌کنم بدون پرداخت پول واقعی به‌صورت آنلاین پوکر بازی کنم تا تشابهات و تفاوت‌های آن را با معامله‌گری پیدا کنم. من خیلی زود کشف کردم که یک معامله شکن برای من وجود دارد: من همواره به خاطر ذات غیرعادلانه آن به دلیل شانسی بودن آن مضطرب بودم و نیازی به شانس برای اینکه احتمال موفقیت من بالا رود نداشتم. این تفاوت عظیمی بود و باعث شد من بفهمم که برخلاف درک عمومی معامله‌گری و قمار اساساً تفاوت دارند. در معامله‌گری همه با کارت یکسانی سروکار دارند بنابراین بازی همیشه عادلانه است و در پایان شما به علت مهارت خودتان به‌عنوان یک معامله‌گر پاداش دریافت می‌کنید یا جریمه می‌شوید. بدیهی است که بعضی مواقع شما می‌توانید درست معامله کنید و ضرر کنید و این اتفاق می‌تواند چندین مرتبه در یک ردیف به علت منحنی احتمال تمام خروجی‌های ممکن رخ دهد. شانس واقعی ولی میکروسکوپی وجود دارد که شما بتوانید خوب معامله کنید و ۱۰ یا حتی ۱۰۰ بار در یک ردیف ضرر کنید؛ ولی من آخرین باری را که در آن بیش از ۴ سیگنال در یک ردیف نقض شده باشند را به خاطر نمی‌آورم، خوب این احتمالی است که من مایلم آن را از آن خود کنم. اگر خوب معامله کنید، به‌مرور زمان باید پول‌سازی کنید چراکه این یک بازی مجموع صفر است (به‌غیراز کمیسیون که اگر کارگزار مناسب انتخاب کنید باید کم باشد) اگر از بیشتر معامله‌گران بهتر باشید می‌توانید پول آن‌ها را ببرید.

دو نوع قمار وجود دارد که از بازی شانس سالم متفاوت است و هردو مشابه معامله‌گری هستند. در شرط‌بندی ورزشی و پوکر قماربازان تلاش می‌کنند از یکدیگر پول بگیرند نه از کازینو و بنابراین

---

[1]. fade، معامله‌ای را در خلاف جهت یک روند انجام دادن (برای مثال، فروش در یک شکست صعودی که انتظار دارید نقض شده و معکوس شود).

اگر خیلی بهتر از رقیبشان باشند می‌توانند به نفع خودشان خلق احتمال کنند. با این حال کمیسیونی که آن‌ها به کازینو پرداخت می‌کنند می‌تواند خیلی بیشتر از کمیسیونی باشد که معامله‌گران می‌پردازند، مخصوصاً در شرط‌بندی ورزشی که در آن سود متصدی شرط‌بندی معمولاً ۱۰ در صد است و به همین دلیل قماربازان خیلی موفق مانند بیلی والترز بسیار نادرند: آن‌ها باید حداقل ۱۰ درصد بهتر از رقبایشان باشند تا فقط بی‌سود و بی‌زیان باشند. پوکر بازان موفق بیشترند، همان‌طور که در تمام برنامه‌های پوکر در تلویزیون قابل‌مشاهده‌اند. با این حال، حتی بهترین پوکر بازان در مقایسه با بهترین معامله‌گران چیزی خلق نمی‌کنند زیرا محدودیت‌های عملی در اندازه معامله آن‌ها خیلی کمتراست.

من شخصاً فهمیدم که معامله‌گری کار پراسترسی نیست، به خاطر اینکه عامل شانس خیلی کوچک است که ارزش در نظر گرفتن را هم ندارد. با این وجود، یک چیز هست که بین معامله‌گری و بازی پوکر مشترک است و آن ارزش صبوری است. در پوکر شما در موقعیت پول‌سازی خیلی عالی قرار می‌گیرید درصورتی‌که تنها برای شرط‌بندی روی دست خیلی خوب صبورانه منتظر بمانید و معامله‌گران زمانی که برای بهترین موقعیت صبوری می‌کنند بسیار بیشتر درآمد خواهند داشت. برای من این مدت تعطیلی طولانی در معامله‌گری خیلی آسان‌تر است چون‌که زمان بسیار زیادی برای دیدن تمام «کارت‌ها»(موقعیت‌ها) دارم و ازلحاظ عقلی جستجو برای پدیده دقیق پرایس اکشن بسیار مهیج است.

یک ضرب‌المثل مهم در قمار وجود دارد که در هر تلاشی درست است و آن این است که «نباید وارد شوید تا دست شما خوب شود». در معامله‌گری هم به همین اندازه مهم است. قبل از قرار دادن یک معامله منتظر موقعیت خوبی بمانید. اگر بدون نظم و بدون یک روش خوب معامله کنید، شما دارید به شانس خود تکیه می‌کنید و به امید سود خود هستید و معامله کردن شما بدون هیچ پرسشی شکلی از قمار است.

یک مقایسه تأسف‌بار از طرف نامعامله‌گرانی است که می‌پندارند تمام معامله‌گران روزانه و تمام معامله‌گران بازار، معتاد به قمار کردن هستند و بنابراین بیماری روحی و روانی دارند. من شک دارم که خیلی‌ها معتاد هستند، از این لحاظ که آن‌ها بیشتر به خاطر هیجان این کار را می‌کنند نه به خاطر سود. آن‌ها تمایل دارند که شرط‌های با احتمال پایین ببندند و درمجموع پول خیلی زیادی را ببازند به خاطر اینکه در زمانی که گهگاه می‌برند حمله بسیار بزرگی احساس می‌کنند. با این حال موفق‌ترین معامله‌گران ضرورتاً سرمایه‌گذاران هستند، درست مانند سرمایه‌گذاری که املاک تجاری می‌خرد یا در کسب‌وکارهای کوچک سرمایه‌گذاری می‌کند. تنها تفاوت واقعی آن‌ها با هر نوع

سرمایه‌گذاری دیگر این است که تایم فریم کوتاه‌تر بوده و سرمایه استقراضی (LEVERAGE)[۱] زیادتر است.

متأسفانه، برای مبتدی‌ها عادی است که گهگاه قماربازی کنند و این همواره برای آن‌ها هزینه در بر دارد. هر معامله‌گر موفقی بر اساس قوانین معامله می‌کند. هر زمانی که معامله‌گران به هر دلیلی از آن قوانین منحرف شوند، بیشتر بر اساس امید معامله می‌کنند تا منطق، پس دارند قماربازی می‌کنند. معامله‌گران تازه‌کار بعد از اینکه در دو معامله خود ضرر کردند تازه می‌فهمند که در حال قمار هستند. آن‌ها مشتاقند که دوباره کامل شوند و تمایل دارند که شانس خود را امتحان کنند تا آن اتفاق بیافتد. آن‌ها معاملاتی خواهند کرد که در حالت عادی نباید بکنند، زیرا می‌خواهند پولی را که اخیراً ازدست‌داده‌اند را برگردانند. ازآنجایی‌که آن‌ها اکنون معامله‌ای انجام داده‌اند که فکر می‌کنند احتمال آن کم است و به دلیل اضطراب و ناراحتی از ضررشان معامله می‌کنند، اکنون دارند قمار می‌کنند نه معامله. بعد از اینکه آن‌ها در قمارشان باختند، احساس حتی بدتری دارند. آن‌ها نه‌تنها در آن روز حتی پایین‌تر هستند، بلکه به خاطر روبرو شدن با این واقعیت که باوجود آگاهی از اهمیت حیاتی نظم برای موفقیت، نظم لازم را برای چسبیدن به سیستم خود را نداشته‌اند، ناراحت هستند.

جالب‌توجه است، محققان نورو فایننس دریافته‌اند که تصاویر اسکن مغزی معامله‌گران در مورد ایجاد یک معامله با تصاویر اسکن مغزی معتادان به مواد مخدر در زمان مصرف مواد غیرقابل تشخیص است. آن‌ها صرفه نظر از خروجی رفتار آن‌ها، یک اثر گلوله برفی[۲] و یک خواهش فزاینده برای ادامه آن یافتند. متأسفانه وقتی با ضرر روبرو می‌شوند، معامله‌گران ریسک بیشتری تقبل می‌کنند، اغلب به سمت نابودی حسابشان هدایت می‌شوند. وارن بافت، بدون داشتن اطلاعی از دانش عصبی مشکل را به‌طور واضح می‌فهمید، همان‌طور که از گفته‌هایش پیداست، «زمانی که شما هوش معمولی دارید، هر چه برای کنترل انگیزشی که دیگران را به گرفتاری می‌اندازد لازم دارید در فطرت شما هست» معامله‌گران بزرگ احساسات خود را کنترل می‌کنند و به‌طور مداوم از قوانینشان پیروی می‌کنند.

---

۱. نسبت موجودی خود مشتری به موجودی حساب است که برای باز کردن معامله لازم می‌باشد. لوریج توسط شرکت بروکر ارائه می‌شود و به مشتری اجازه می‌دهد با حجم‌های بیشتر از موجودی خود کار کند. لوریج به‌حساب مشتری واریز نمی‌شود و به‌طور مستقیم هنگام انجام معامله در بازار ارز، با در نظر گرفتن میزان لوریج تعیین‌شده در کابین شخصی، از آن استفاده می‌شود. م

۲. از نظر استعاری فرایندی است که چیزی از حالت اولیه کوچک یا کم‌اهمیت خود به چیزی بزرگتر و (مهم‌تر و جدی‌تر) و همچنین شاید به‌طور بالقوه خطرناک‌تر یا مصیبت‌بارتر (مانند زنجیره‌ای از حوادث شر) تبدیل شود یا به چیزی مفیدتر (زنجیره‌ای از حوادث خیر) تبدیل شود. م

نکته نهایی در مورد قمار: تمایل طبیعی وجود دارد برای اینکه بپنداری که هیچ‌چیز تا ابد طول نمی‌کشد و اینکه هر رفتاری به‌سوی یک اعتدال برمی‌گردد. اگر در بازار سه یا چهار معامله همراه باخت وجود داشته باشد، مطمئناً احتمال اینکه حرکت بعدی برنده باشد مناسب است؛ مانند چرخاندن سکه در هوا، این‌طور نیست؟ متأسفانه آن چگونگی رفتار بازار نیست. وقتی یک بازار دارای روندی است، بیشتر تلاش‌ها برای برگشت به شکست می‌انجامد. وقتی در محدوده معامله است بیشتر کوشش‌ها برای نقض شکست است. این برخلاف پرتاب سکه است که در آن احتمال همیشه ۵۰-۵۰ است. در معامله‌گری، احتمال نزدیک به ۷۰ درصد یا بیش از آن است که آنچه اتفاق افتاده دوباره و دوباره رخ دهد. به دلیل منطق سکه پرتابی بیشتر معامله‌گران در بعضی جاها شروع به تصور تئوری بازی می‌کند.

تکنیک‌های شرط‌بندی به‌صورت تئوری خوب کار می‌کنند، ولی به خاطر درگیری بین ریاضی و احساس در عمل کار نمی‌کنند. این تضاد شرط‌بندی است. اگر شما اندازه موقعیت خود را دو برابر (حتی سه برابر) کنید و در هر ضرری دوباره شروع کنید، به‌صورت تئوری باید پول به دست آورید. گرچه ۴ ضرر در یک ردیف روی نمودار ۵ دقیقه‌ای Emini درصورتی‌که معامله را به‌دقت انتخاب کرده باشید غیرمعمول است، (ولی) این اتفاق خواهد افتاد و هم برای چندین معامله رخ خواهد داد، حتی باوجود اینکه من هیچکدام از آن‌ها را به خاطر نمی‌آورم. در هر حالتی اگر با معامله کردن ۱۰ قرارداد مشکلی ندارید، ولی تنها با یکی شروع کرده و برنامه‌ای برای دو برابر کردن اندازه آن با هر باخت داشته باشید و با هر باخت دوباره شروع کنید،۴ باخت پیاپی نیاز به ۱۶ قرارداد روی معاملات بعدی شما خواهد داشت و ۸ باخت پیاپی نیاز به ۲۵۶ قرارداد دارد! بعید است که معامله‌ای که بزرگتر از اندازه منطقه آسایش شما بعد از ۴ معامله یا بیشتر به همراه ضرر باشد. هرکسی که تمایل به معامله کردن تنها یک قرارداد دارد در ابتدا هرگز مایل به معامله کردن ۱۶ یا ۲۵۶ قرارداد نیست و هرکس که تمایل دارد با ۲۵۶ قرارداد معامله کند هرگز حاضر به شروع این استراتژی با یک قرارداد نخواهد بود. این مسئله‌ای ذاتی، تفوق ناپذیر، ریاضیاتی با این رویکرد است.

ازآنجایی‌که معامله‌گری سرگرم‌کننده و رقابتی است، طبیعی است که مردم آن را با یک بازی مقایسه کنند و به خاطر اینکه با شرط‌بندی درآمیخته است، معمولاً اولین چیزی که به ذهن می‌رسد قمار است. ولی مناسب‌ترین قیاس آن، با شطرنج است. در شطرنج شما دقیقاً می‌بینید که طرف شما چه می‌کند، برخلاف کارت بازی که شما نمی‌دانید در دست طرف شما چه هست. همچنین در پوکر کارت‌هایی که با آن‌ها سروکار دارید کاملاً تصادفی در اختیار شماست، اما در شطرنج، موقعیت مهره‌های شما کاملاً به دلیل تصمیم شماست. در شطرنج هیچ‌چیز مخفی نیست و به‌طور ساده مهارت شما در مقایسه با مهارت طرف شماست که خروجی را مشخص می‌کند. توانایی

شما در خواندن آنچه که در مقابل شماست و تشخیص اینکه احتمالاً چه چیزی بعد از آن می‌آید دارایی بزرگی است که در اختیار شطرنج‌بازان و معامله‌گران قرار می‌گیرد.

مردم عادی همچنین نگران احتمال سقوط بازارها هستند و به خاطر آن ریسک، دوباره معامله‌گری را با قمار مقایسه می‌کنند. در نمودارهای روزانه سقوط‌ها اتفاقاتی بسیار نادرند. این نامعامله‌گران از ناتوانی خود در عمل مؤثر در اتفاقات بشدت احساسی می‌ترسند. گرچه اصطلاح سقوط در کل اختصاص به نمودار روزانه دارد و در بازار نزولی بکار می‌رود که ۲۰ درصد یا بیشتر در تایم فریم کوتاه در آن ریزش اتفاق بیافتد، مانند سال‌های ۱۹۲۷ و ۱۹۸۷، مفیدتر آنست که آن را تنها الگوی دیگری از نمودار تصور کنیم چون‌که آن احساس را حذف کرده و به معامله‌گران کمک می‌کند که از قوانینشان پیروی کنند. اگر محورهای قیمت و زمان را از روی یک نمودار حذف کنید و فقط بر روی پرایس اکشن تمرکز کنید، حرکت بازار است که مرتباً روی نمودار طی روز اتفاق می‌افتد و غیرقابل تشخیص از یک الگو در سقوط کلاسیک است. اگر بتوانید از احساسات عبور کنید، می‌توانید از بازار پول به دست آورید، برای اینکه آن‌ها با هر نموداری، رفتار قابل معامله قیمت را بکار می‌گیرند.

شکل (I-۴) (از موقعیت معامله) نشان می‌دهد که بازار در هر تایمم فریمی چگونه سقوط می‌کند. سمت چپ نمودار روزانه GE در طول سقوط ۱۹۸۷ است، وسطی نمودار ۵ دقیقه‌ای از COST بعد از گزارش درآمد خیلی قوی است و سمت راست یک نمودار ۱ دقیقه‌ای Emini است. گرچه اصطلاح سقوط منحصراً به ریزش حداقل ۲۰ درصد در مدت کوتاهی روی یک نمودار روزانه برمی‌گردد و در یک‌صد سال گذشته به‌طور گسترده تنها دو بار استفاده شده است، معامله‌گر پرایس اکشن دنبال شکل آن است و الگوی سقوط یکسان در نمودار طول روز معمولی است. ازآنجایی‌که سقوط‌ها در طی روز معمول هستند، نیازی به استفاده از آن اصطلاح نیست، زیرا از دید معامله‌گری آن‌ها تنها نوسانات نزولی، با رفتار قابل معامله قیمت هستند.



شکل (I-۴) سقوط‌ها معمول هستند

به‌طور حتم مفهومی که الگوهای یکسان روی هر تایم فریمی ظاهر می‌شوند به این معنی است که اصول فرکتال[۱] ریاضی ممکن است در طراحی سیستم معاملاتی مفید باشد. به‌عبارتی‌دیگر، هر الگویی در یک نمودار با تایم فریم کوچک‌تر به الگوهای استاندارد کوچکتر پرایس اکشن تقسیم می‌شود و تصمیمات معامله‌گری بر پایه تحلیل‌های پرایس اکشن درهرصورت در همه تایم فریم‌ها کار می‌کند.

چگونگی مطالعه این کتاب

من سعی کرده‌ام مطالب را در سه کتاب متوالی دسته‌بندی کنم که باید برای معامله‌گران مفید باشند.

کتاب اول: معامله‌گری با روندهای پرایس اکشن: تحلیل‌های کندل به کندل نمودار قیمت برای معامله‌گران فعال

- *اصول پرایس اکشن و کندل‌ها.* بازار یا دارای یک روند است یا در یک محدوده معامله قرار دارد. این مطلب از تمام تایم فریم‌ها گرفته تا حتی کندل‌های تکی که می‌تواند کندل روند[۲] یا بدون روند (دوجی) باشد، صادق است.

---

۱. هر الگویی در یک فرکتال الگوی تایم فریم بالاتر است؛ یعنی اینکه هر الگویی یک ریز الگویی است در یک تایم فریم بالاتر و هر ریز الگویی یک الگوی استاندارد در تایم فریم کوچکتر است.

۲. کندلی با یک بدنه، یعنی آخرین قیمت (close) بالاتر یا پایین‌تر از اولین قیمت (open) است، نشان‌دهنده این است که حداقل یک حرکت قیمت جزئی وجود دارد.

- *خطوط روند یا خطوط کانال روند.* ابزارهایی اصلی که می‌توانند برای تشخیص وجود یک روند و محدوده معاملات بکار روند.
- *روندها.* برجسته‌ترین و سودآورترین پدیده در تمام نمودارها.

کتاب دوم: معامله‌گری با پرایس اکشن روی محدوده معامله: تحلیل‌های تکنیکی کندل به کندل نمودارهای قیمت برای معامله‌گران فعال

- *شکست‌ها.* انتقال از حرکت بدون روند به حرکت روند دار بازار.
- *شکاف‌ها.* شکست‌ها اغلب در طول روز چندین نوع شکاف ایجاد می‌کنند که می‌تواند برای معامله‌گران مفید باشد، اما این شکاف‌ها تنها زمانی مشهود هستند که از یک تعریف گسترده استفاده کنید.
- *نیروهای جاذبه، حمایت‌ها، مقاومت‌ها.* زمانی که بازار شکستی را تجربه کرده و حرکت خود را شروع می‌کند، اغلب به قیمت‌های مشخصی کشیده می‌شود و اغلب این جاذبه‌ها، بازگشت‌ها را ایجاد می‌کنند.
- *پولبک‌ها.* انتقال از روند به محدوده معامله موقت.
- *محدوده معامله.* فضاهایی هستند که بیشتر فعالیت قیمت در آن بدون روند می‌باشد، ولی هر گام خود روند کوچکی است و یک محدوده معاملاتی کامل معمولاً یک پولبک از روندی در تایم فریم بالاتر است.
- *سفارش گذاری و مدیریت سرمایه.* معامله‌گران تا جایی که ممکن است به ابزارهای زیادی نیاز دارند و باید معامله به روش اسکالپینگ و سوییینگ، ورود به معامله و خروج تدریجی از آن، بعلاوه سفارش ورود و خروج[1] و سفارش حد ورود و خروج[2] را به‌خوبی درک کنند.
- *ریاضیات معامله‌گری.* تمام معاملات مبنای ریاضیاتی دارند و وقتی می‌بینید که چگونه نمودار شیوه کارهایی را که انجام می‌دهد را افشا می‌کند، معامله‌گری بسیار کم استرس تر می‌شود.

کتاب سوم: معامله‌گری پرایس اکشن با بازگشت‌ها: تحلیل تکنیکی کندل به کندل نمودار قیمت برای معامله‌گران فعال

- *بازگشت‌های روند.* بهترین ضرایب ریسک به سود را برای هر نوع معاملاتی ارائه می‌کنند، اما ازآنجایی‌که اکثر آن‌ها نقض می‌شوند، معامله‌گران باید خودشان انتخاب کنند.

---

1. Buy stop,sell stop
2. Buy limit,sell limit

- *معامله‌گری روز.* حال که خوانندگان پرایس اکشن را درک کرده‌اند، می‌توانند از آن جهت معامله استفاده کنند. این فصل‌ها در معامله‌گری روز، معامله‌گری اول وقت و مثال‌ها با جزئیات چگونگی آن را نشان می‌دهد.
- *نمودارهای روزانه، هفتگی و ماهانه.* این نمودارها موقعیت‌های پرایس اکشن بسیار قابل‌اعتمادی دارند.
- *اختیارات.* پرایس اکشن در معامله‌گری اختیار می‌تواند استفاده قابل اجرایی داشته باشد.
- *خطوط راهنما.* مفاهیم مهم زیادی وجود دارند که به تمرکز معامله‌گر کمک می‌کنند.

بعضی کتاب‌ها نمودارهایی را نشان می‌دهند که از منطقه زمانی موقعیت آن بازار استفاده می‌کند، اما امروزه معاملات به‌صورت الکترونیک و جهانی است، این دیگر مطرح نیست. ازآنجایی‌که من در کالیفرنیا بسر می‌برم، نمودارها در زمان استاندارد (PST)[1] هستند. تمام نمودارها به‌وسیله سکوی معاملات[2] ایجاد می‌شوند. ازآنجایی‌که هر نموداری اتفاقات پرایس اکشن با ارزش زیادی دارد که هنوز کشف نشده‌اند، من بسیاری از آن‌ها را بلافاصله بعد از توضیحات اولیه تحت عنوان «بحث عمیق‌تر درباره این نمودار» تشریح کرده‌ام.حتی اگر در اولین مطالعه فکر کنید که توضیحات جامع نیستند، در خواندن کتاب برای دومین بار آن را درک خواهید کرد. هرچقدر الگوهای استانداردی که می‌بینید متنوع‌تر باشند، توانایی شما در تشخیص این الگوها در هنگام توسعه بالاتر خواهد رفت. همچنین معمولاً به یک یا دو معامله اصلی روی نمودار اشاره می‌کنم. در صورت تمایل، می توانید آن توضیحات اضافی را در بار اول خواندن کتاب نادیده بگیرید و پس از اتمام کتاب نمودارها را مجدداً بررسی کنید در آن زمان بحث عمیق‌تر قابل درک خواهد بود. ازآنجایی‌که بسیاری از موقعیت‌ها، مثال‌های فوق‌العاده‌ای از مفاهیم مهم هستند، حتی با اینکه تا آن موقع پوشش داده نشده‌اند، بسیاری از خوانندگان درصورتی‌که دوباره کتاب را مطالعه کنند با این بحث‌ها بر ارزش آن‌ها واقف خواهند شد.

تمام نمودارهای موجود در این سه کتاب در فرمت بزرگ‌تر روی وب‌سایت جان ویلی و پسران به آدرس www.wiley.com/go/tradingtrends موجود است می‌توانید با بزرگنمایی نمودار، جزئیات آن‌ها را ببینید، نمودارها را دانلود کنید یا آن‌ها را چاپ کنید. داشتن یک نمودار چاپی به

---

[1]. به‌اختصار (PST) شامل بخشی از غرب ایالات‌متحده آمریکا بدون احتساب آلاسکا است. این منطقهٔ زمانی، منطقهٔ زمانی ایالات کالیفرنیا، بخشی از آیداهو، نواداه، اورگان و واشینگتن است، اختلاف این منطقه زمانی با منطقه زمانی تهران ۱۲ ساعت و ۳۰ دقیقه است، یعنی برای مثال اگر ساعت تهران هم‌اکنون ۱ نیمه‌شب روز سه‌شنبه را نشان دهد، ساعت این منطقه زمانی ۱۳:۳۰ دقیقه روز دوشنبه می‌باشد. م

[2]. به نرم‌افزارهای معاملاتی، پلتفرم معاملاتی (Trading Platform) و یا سکوی معاملاتی نیز گفته می‌شود. م

دلیل اینکه توضیحات آن در چندین صفحه در کتاب است دنبال کردن تفسیر آن را راحت‌تر خواهد کرد.

نشانه‌های قدرت: روندها، شکست‌ها کندل‌های بازگشت و بازگشت‌ها

مشخصات زیر معمولاً در روندهای قوی پیدا می‌شوند:

- روز با شکاف بزرگی باز می‌شود.
- سقف‌ها و کف‌ها دارای روند هستند (سوییِنگ[1]ها).
- بیشتر کندل‌ها و کندل‌های روند در جهت روند هستند.
- بین بدنه کندل‌های متوالی همپوشانی خیلی کمی وجود دارد. برای مثال، در یک اسپایک صعودی، بسیاری از کندل‌ها کف‌هایی دارند که یا روی آخرین قیمت[2] کندل قبلی هستند یا یک تیک[3] پایین‌تر از آن قرار دارند. بعضی کندل‌ها کف‌هایی دارند که بر روی آخرین قیمت کندل قبلی قرار می‌گیرند نه در زیر آن، بنابراین معامله‌گران تلاش می‌کنند با یک دستور حد، روی آخرین قیمت کندل قبلی خرید کنند سفارش آن‌ها انجام نشده و مجبورند در قیمت بالاتری بخرند.
- کندل‌های بدون سایه یا با سایه بسیار کوچک در هردو طرف کندل وجود دارند که نشان‌دهنده هیجان است. برای مثال در یک روند صعودی، اگر یک کندل روند صعودی روی پایین‌ترین قیمت خود باز شود و روند رو به بالا را در پیش گیرد، معامله‌گران مشتاق هستند هنگام بسته شدن اولین کندل خرید کنند. اگر آن کندل نزدیک به بالاترین قیمت خود یا روی آن بسته شود، معامله‌گران به امید ورود خریداران جدیدی که درست بعد از بسته شدن آن کندل وارد می‌شوند، به خرید قدرتمند خود ادامه می‌دهند. آن‌ها تمایل دارند در جایی بخرند که کندل در حال بسته شدن است زیرا می‌ترسند که اگر منتظر بسته شدن کندل بمانند، ممکن است مجبور شوند یک یا دو تیک بالاتر بخرند.
- گهگاه، بین بدنه کندل‌ها، شکاف وجود دارد (برای مثال، یک کندل ممکن است در بالای آخرین قیمت کندل قبلی در یک روند صعودی باز شود).

---

[1]. روند کوچک‌تری که یک خط روند از هر سایزی را می‌شکند؛ این اصطلاح تنها زمانی استفاده می‌شود که حداقل دو نوسان بر روی نمودار باشند. آن‌ها می‌توانند در یک روند بزرگتر یا در یک بازار بدون روند رخ دهند.

[2]. Close

[3]. کوچکترین واحد حرکت قیمت را تیک می‌گویند. برای بیشتر سهام‌ها، هر تیک یک سنت است؛ برای آتی اوراق بهادار ۱۰ ساله آمریکا،۱/۶۴ پوینت است و برای Emini، ۰,۲۵ پوینت می‌باشد. روی نمودار تیک و جداول زمان و فروش، یک تیک، صرف‌نظر از اندازه و حتی در صورت عدم‌تغییر قیمت نمایانگر هر معامله‌ای است که انجام می‌گیرد. اگر به جدول فروش و زمان نگاه کنید وقتی‌که نرم‌افزار نمودار معاملات یک تیک را ایجاد می‌کند، هر معامله‌ای به‌عنوان یک تیک محاسبه می‌شود.

- یک شکاف شکست در ابتدای روند به شکل یک کندل روند قوی ظاهر می‌شود.
- شکاف اندازه‌گیری زمانی رخ می‌دهد که تست شکست[1] با نقطه شکست همپوشانی نداشته باشد. برای مثال پولبک از یک شکست صعودی به زیر سقف کندلی که در آن شکست رخ داده نمی‌رود.
- ریز شکاف‌های اندازه‌گیری (میکرو[2] شکاف‌های اندازه‌گیری) در جایی ظاهر می‌شوند که یک کندل روند قوی وجود داشته باشد و بین کندل قبل و کندل بعد از آن شکافی وجود داشته باشد. برای مثال، اگر کف کندل بعد از کندل روند صعودی قوی در یک روند صعودی بر روی سقف کندل روند قبلی یا بالای آن باشد، این یک شکاف و یک تست شکست و نشانه‌ای از قدرت است.
- اوج‌های بزرگی ظاهر نمی‌شوند.
- کندل‌های خیلی بزرگ ظاهر نمی‌شوند (حتی کندل‌های روند بزرگ). اغلب بزرگ‌ترین کندل‌های روند، مخالف روند هستند و معامله‌گرانی که در جهت مخالف روند به دام می‌افتند، معاملات در جهت روند را از دست می‌دهند. تقریباً همیشه موقعیت‌های ضد روند بهتر از موقعیت‌های در جهت روند به نظر می‌رسند.
- هیچ جهش بزرگی ورای خط کانال رخ نمی‌دهد و جهش‌های کوچکی که وجود دارند تنها در اصلاح افقی حاصل می‌شود.
- بعد از شکسته شدن خط روند اصلاح افقی وجود دارد.
- گوه‌های[3] نقض شده و دیگر بازگشتی‌های نقض شده رخ می‌دهد.
- زنجیره‌ای از ۲۰ کندل شکاف میانگین متحرک[1] وجود دارد (۲۰ کندل متوالی یا بیشتر که میانگین متحرک را لمس نمی‌کند، در کتاب دوم بحث شده است).

---

[1]. پولبک شکستی است که به سمت نقطه ورودی اصلی نزدیک می‌شود تا یک حد ضرر سربه‌سر را به خود ببیند. ممکن است از هدف بگذرد یا با مقدار بسیار کمی به هدف نرسد. این اتفاق می‌تواند طی یک یا دو کندل بعد از ورودی، یا بعد از حرکتی کشیده یا بعد از ۲۰ کندل یا بیشتر رخ بدهد.

[2]. هر الگوی مرسوم که می‌تواند بر روی یک تا پنج کندل شکل گیرد و بازهم معتبر باشد، اگرچه به‌راحتی از آن چشم‌پوشی می‌شود. وقتی تشکیل می‌شود، یک نسخه ریزی از الگو است. هر الگوی ریز یک الگوی مرسوم در یک نمودار با تایم فریم کوچکتر است و هر الگوی مرسوم یک ریز الگو از یک نمودار دارای تایم فریم بزرگتر است.

[3]. به‌طور مرسوم، یک حرکت با سه رانش که هر رانش بزرگ‌تر از قبلی بوده و خط روند و خط کانال روند حداقل با کمترین همگرایی داشته باشد، ایجاد یک مثلث افزایشی یا کاهشی به شکل یک گوه می‌کند. از نظر یک معامله‌گر، شکل گوه شانس موفقیت یک معامله را افزایش می‌دهد اما هر الگوی معاملاتی سه رانشی می‌تواند مانند یک گوه تصور شود. یک گوه می‌تواند یک الگوی برگشتی با یک پولبک در یک روند (پرچم صعودی یا نزولی) تصور شود.

- اگر معاملات ضد روند سود ده ای وجود داشته باشد، تعدادشان بسیار کم است.
- پولبک‌های کوچک، کمیاب و اغلب افقی وجود دارد. به‌عنوان مثال، اگر متوسط محدوده EMINI، ۱۲ پوینت باشد، پولبک‌ها احتمالاً کمتر از ۳ یا ۴ پوینت خواهند بود و بازار اغلب به تعداد ۵ کندل یا بیشتر بدون پولبک خواهد رفت.
- احساس ضرورتی جهت ورود در معامله‌گران وجود دارد. خود را در انتظار یک پولبک خوب در جهت روند میان کندلهای بی‌شماری می‌بینید و آن پولبک هرگز نمی‌آید، بازار هنوز به‌آرامی روند خود را ادامه می‌دهد.
- پولبک‌ها دارای موقعیت‌های قدرتمندی هستند. برای مثال، پولبک‌های سقف‌های ۱ و ۲ در یک روند صعودی، کندل‌های بازگشتی صعودی قدرتمند به‌عنوان سیگنال دارند.
- در قوی‌ترین روندها، پولبک‌ها معمولاً کندل‌های سیگنال ضعیفی دارند و خیلی از معامله‌گران را وادار می‌کنند که آن‌ها را معامله نکنند و معامله‌گران را مجبور به پیروی از بازار می‌کنند. برای مثال، در یک روند نزولی کندل‌های سیگنال برای یک کف ۲ فروش اغلب کندل‌های صعودی کوچک در خلال ۲ یا ۳ کندل اسپایک صعودی هستند و بعضی از کندل‌های ورودی کندل‌های نزولی خارجی هستند. هر چیزی در روند قرار دارد: کف‌ها، سقف‌ها، قیمت‌های پایانی، بدنه‌ها و ...
- پولبک‌های دو موجی تکراری با ورودی‌های در جهت روند بر پا می‌شوند.
- قیمت پایانی دو کندل روند متوالی در سمت‌های مخالف (دو طرف) میانگین متحرک رخ نمی‌دهد.
- روند خیلی دور می‌شود و چندین سطح مقاومت، مانند میانگین‌های متحرک، سقف‌های نوسان قبلی و خطوط روند و هرکدام را با تیک‌های متعدد می‌شکنند.
- تلاش‌ها برای بازگشت به شکل اسپایک برخلاف روند امتداد پیدا نمی‌کند[۲]، نقض شده و تبدیل به پرچم در راستای روند می‌شود.

---

[۱]. کندلی که میانگین متحرک را لمس نمی‌کند. فضای بین کندل و میانگین متحرک شکاف است. اولین پولبک در یک روند قوی که نتیجه شکاف یک میانگین متحرک است، معمولاً با لمس انتهای روند همراه است. برای مثال وقتی‌که یک روند روبه بالای قوی داشته باشیم و پولبکی وجود داشته باشد که درنهایت کندلی با سقف پایین‌تر از میانگین متحرک باشد، اغلب در هنگام لمس بالاترین منطقه روند موقعیت خریدی وجود دارد.

[۲]. (follow-through) بعد از حرکت اولیه، مانند شکست، یک یا چند کندل وجود دارد که حرکت را امتداد می‌دهد. معامله‌گران به امید یک روند در همان‌جا، علاقه‌مندند ادامه آن حرکت را روی کندل بعدی و چندین کندل بعد از آن ببینند تا سود بیشتری نصیبشان شود.

هر چقدر مشخصات زیر در یک شکست صعودی بیشتر باشد، احتمال قوی‌تر شدن شکست بالاتر خواهد بود:

- کندل شکست بدنه صعودی بزرگ و سایه کوچکی دارد یا اصلاً ندارد. هر چقدر کندل بزرگتر باشد احتمال موفقیت شکست بالاتر می‌رود.
- اگر حجم کندل شکست بزرگ ۱۰ تا ۲۰ برابر میانگین کندل‌های اخیر باشد، شانس ادامه خرید تا آخر و امکان حرکت اندازه‌گیری افزایش می‌یابد.
- اسپایک بسیار طولانی شده، به‌اندازه چندین کندل طول می‌کشد و چندین سطح مقاومت مانند میانگین متحرک، سقف سوینگ‌های قبلی و خطوط روند را هرکدام با چندین تیک می‌شکند.
- هنگامی‌که اولین کندل از کندل‌های شکست شکل می‌گیرد، بیشترین زمانش را نزدیک سقف آن صرف می‌کند و پولبک‌ها کوچک هستند (کمتر از یک‌چهارم ارتفاع کندل در حال رشد).
- در بین معامله‌گران ضرورتی جهت ورود احساس می‌شود. احساس مثل این دارید که مجبور به خرید هستید ولی نیاز به یک پولبک دارید، اما آن پولبک هرگز نخواهد آمد.
- دو یا سه کندل بعدی هم بدنه صعودی دارند که حداقل به‌اندازه میانگین کندل‌های صعودی و نزولی اخیر هستند. حتی اگر بدنه‌ها نسبتاً کوچک و سایه‌ها قابل ملاحظه باشند، در صورت بزرگ بودن کندل ادامه‌دهنده (بعد از کندل شکست اولیه) شانس ادامه روند بیشتر است.
- اسپایک بدون عقب‌نشینی بیش از یک یا چند کندلی به‌اندازه ۵ تا ۱۰ کندل امتداد می‌یابد.
- یک یا چند کندل در اسپایک، دارای کفی هستند که بر روی آخرین قیمت کندل قبلی یا یک تیک پایین‌تر از آن قرار دارند.
- یک یا چند کندل در اسپایک در قیمتی باز می‌شوند که بالاتر از آخرین قیمت کندل قبلی است.
- یک یا چند کندل در اسپایک در قیمتی بسته می‌شوند که روی سقف همان کندل یا کمی پایین‌تر از آن است.
- کف کندل بعد از یک کندل روند صعودی، بر روی سقف کندل قبل از کندل روند صعودی یا بالای آن قرار می‌گیرد و ایجاد یک میکرو شکاف می‌کند که نشانه‌ای از قدرت است. این شکاف‌ها بعضی مواقع تبدیل به شکاف‌های اندازه‌گیری می‌شوند، اگرچه

به‌اندازه‌ای نیستند که معامله شوند، مطابق تئوری امواج الیوت احتمال دارد فضایی بین سقف موج ۱ و پولبک موج ۴ از یک تایم فریم کوچکتر را ایجاد کند که می‌توانند یکدیگر را لمس کنند ولی نباید همپوشانی داشته باشند.

- زمینه سرتاسری احتمالاً شکستی، مانند ازسرگیری روند بعد از یک پولبک، یا تست کف بالاتر یا کف پایین‌تر متعلق به کف نزولی بعد از شکست قدرتمند رو به بالای روند نزولی را ایجاد می‌کند.
- بازار اخیراً طی چندین روز، روند قدرتمند صعودی داشته است.
- افزایش فشار خرید در محدوده معامله با تعداد زیادی از کندل‌های روند صعودی بزرگ نشان داده می‌شود و کندل‌های روند صعودی در محدوده آشکارا از کندل‌های روند نزولی برجسته‌ترند.
- اولین پولبک بعد از ۳ یا چند کندل شکست رخ می‌دهد.
- اولین پولبک تنها ۱ یا ۲ کندل طول می‌کشد و به دنبال کندلی می‌آید که کندل بازگشتی نزولی قدرتمندی نیست.
- اولین پولبک به نقطه شکست نمی‌رسد و به حد ضرر سربه‌سر اصابت نمی‌کند (قیمت ورودی).
- شکست، بسیاری از آخرین قیمت‌ها و سقف‌ها را معکوس می‌کند. برای مثال، وقتی یک کانال نزولی وجود داشته و یک کندل صعودی شکل گرفته باشد، این کندل شکست در قیمتی بسته شده و دارای سقفی است که بالاتر از سقف‌ها و قیمت‌های پایانی ۵ کندل یا حتی ۲۰ کندل قبل از خود یا بیشتر قرار می‌گیرد. شمار زیاد کندل‌هایی که با آخرین قیمت کندل صعودی معکوس می‌شوند نشانه قوی‌تری است از همان تعداد کندل که با قیمت سقف آن کندل معکوس می‌شوند.

هرچقدر خصوصیات زیر در یک شکست نزولی بیشتر باشند، احتمال قوی‌تر بودن آن شکست بالاتر می‌رود:

- کندل شکست بدنه نزولی بزرگ و سایه کوچکی دارد یا اصلاً سایه ندارد. هر چقدر کندل بزرگ‌تر باشد احتمال موفقیت شکست بالاتر می‌رود.
- اگر حجم کندل شکست بزرگ ۱۰ تا ۲۰ برابر میانگین کندل‌های اخیر باشد، شانس ادامه فروش و امکان حرکت اندازه‌گیری رو به پایین افزایش می‌یابد.

- اسپایک بسیار طولانی، به‌اندازه چندین کندل طول می‌کشد و چندین سطح حمایت مانند میانگین متحرک، کف سوییِنگ قبلی و خطوط روند را هرکدام با تیک‌های زیادی می‌شکند.
- هنگام شکل‌گیری اولین کندل شکست، بیشتر زمان در نزدیک کف آن سپری می‌شود و پولبک‌ها کوچک می‌شوند (کمتر از یک‌چهارم ارتفاع کندل در حال رشد).
- معامله‌گران جهت ورود احساس ضرورت می‌کنند. احساسی شبیه به این دارید که ناچار به فروش هستید اما به یک پولبک نیاز دارید، ولی آن پولبک هرگز نمی‌آید.
- دو یا سه کندل بعدی هم بدنه نزولی دارند که حداقل به‌اندازه میانگین بدنه کندل‌های صعودی و نزولی اخیر هستند. حتی اگر بدنه‌ها نسبتاً کوچک و سایه‌ها قابل ملاحظه باشند، در صورت بزرگ بودن کندل ادامه‌دهنده (بعد از کندل شکست اولیه)، شانس ادامه روند بیشتر است.
- اسپایک به‌اندازه ۵ تا ۱۰ کندل بدون عقب‌نشینی یک یا چند کندلی رشد می‌کند.
- زمانی که یک شکست نزولی به زیر کف سوییِنگ قابل ملاحظه قبلی می‌رود، حرکت رو به پایین کف به‌اندازه‌ای هست که یک معامله‌گر اسکالپدر صورت ورود در یک تیک پایین‌تر از آن کف نزولی سود کند.
- یک یا چند کندل در اسپایک، سقفی دارند که بر روی آخرین قیمت کندل قبلی، یا درست یک تیک بالای آن قرار دارد.
- یک یا چند کندل در اسپایک، از قیمتی پایین‌تر از قیمت پایانی کندل قبلی شروع می‌شوند.
- یک یا چند کندل در اسپایک، در قیمتی برابر با کف خودش یا یک تیک بالاتر از آن بسته می‌شود.
- سقف کندل بعد از یک کندل روند نزولی، بر روی یا زیر کف کندل قبل از کندل روند نزولی است و ایجاد یک شکاف میکرو می‌کند که نشانه قدرت است. شکاف‌ها بعضی مواقع تبدیل به شکاف‌های اندازه‌گیری می‌شوند اگرچه به‌اندازه‌ای نیستند که معامله شود، مطابق تئوری امواج الیوت احتمال دارد فضایی بین کف موج ۱ و پولبک موج ۴ در یک تایم فریم کوچکتر را معرفی کند که می‌توانند یکدیگر را لمس کنند ولی نباید همپوشانی داشته باشند.

- زمینه سرتاسری احتمالاً شکستی، مانند ازسرگیری روند بعد از یک پولبک، یا تست سقف پایین‌تر یا سقف بالاتر متعلق به کف صعودی بعد از شکست قدرتمند رو به پایین روند صعودی را ایجاد می‌کند.
- بازار اخیراً چندین روز همراه با روند قوی نزولی بوده است.
- افزایش فشار فروش[1] در محدوده معامله با تعداد زیادی از کندل‌های روند نزولی بزرگ نشان داده می‌شود و کندل‌های روند نزولی در محدوده آشکارا از کندل‌های روند صعودی برجسته‌ترند.
- اولین پولبک بعد از ۳ یا چند کندل شکست رخ می‌دهد.
- اولین پولبک تنها ۱ یا ۲ کندل طول می‌کشد و به دنبال کندلی می‌آید که کندل بازگشتی صعودی قدرتمندی نیست.
- اولین پولبک به نقطه شکست نمی‌رسد و به حد ضرر سربه‌سر برخورد نمی‌کند (قیمت ورودی).
- شکست، بسیاری از قیمت‌های پایانی و سقف‌ها را معکوس می‌کند. برای مثال، وقتی یک کانال صعودی وجود داشته و یک کندل نزولی شکل گرفته باشد، این کندل شکست یک قیمت پایانی و یک کف قیمتی دارد که پایین‌تر از کف‌ها و قیمت‌های پایانی ۵ یا حتی ۲۰ کندل قبلی یا بیشتر است. شمار زیاد کندل‌هایی که با آخرین قیمت کندل نزولی معکوس می‌شوند نشانه قوی‌تری است از همان تعداد کندل که با قیمت کف آن کندل نزولی معکوس می‌شوند.

معروف‌ترین کندل سیگنال، کندل بازگشتی است و کمترین مقداری که یک کندل بازگشتی صعودی باید داشته باشد یا قیمت پایانی در بالای اولین قیمت آن است (بدنه‌ای صعودی) یا قیمت پایانی در بالای وسط آن است. بهترین کندل‌های بازگشتی صعودی بیش از یکی از موارد زیر را دارند:

- در نزدیکی قیمت پایانی کندل قبلی یا پایین‌تر از آن باز می‌شود و در بالای اولین قیمت خود و بالای قیمت پایانی کندل قبلی بسته می‌شوند.

---

[1]. فروشندگان قوی فروششان را حمایت می‌کنند و فروش آن‌ها کندل‌های روند نزولی، با سایه بلند در سقف‌ها و بازگشت‌های نزولی دو کندلی ایجاد می‌کنند. اثر آن‌ها روی‌هم انباشته شده و معمولاً درنهایت قیمت‌های پایین‌تری را به دنبال خواهد داشت. برعکس این موارد فشار خرید است.

- سایه پایینی به‌اندازه یک‌سوم تا نصف ارتفاع کندل است و سایه بالایی یا وجود ندارد یا بسیار کوچک است.
- با کندل یا کندلهای قبلی همپوشانی زیادی ندارند.
- کندل بعد از کندل سیگنال یک کندل دوجی[1] داخلی نیست و در عوض یک کندل ورودی[2] قوی است (کندل صعودی روند با بدنه نسبتاً بزرگ و سایه‌های کوچک)
- در قیمتی که قیمت‌های پایانی و سقف بیش از یک کندل را معکوس می‌کند، بسته می‌شوند (بالاتر بسته می‌شود).

حداقل مشخصه‌ای که کندل بازگشتی نزولی باید داشته باشد یا آخرین قیمت آن پایین‌تر از اولین قیمت آن است (بدنه‌ای نزولی) یا آخرین قیمت آن پایین‌تر از قیمت وسط آن است. بهترین کندل بازگشتی نزولی:

- در نزدیک یا بالای قیمت پایانی کندل قبلی باز می‌شود و درست در زیر قیمت پایانی کندل قبلی بسته می‌شود.
- سایه بالایی به‌اندازه یک‌سوم تا نصف ارتفاع کندل است و سایه پایینی یا وجود ندارد یا بسیار کوچک است.
- با کندل یا کندلهای قبلی همپوشانی زیادی ندارد.
- کندل بعد از کندل سیگنال یک کندل دوجی داخلی نیست و در عوض یک کندل ورودی قوی است (کندل نزولی روند با بدنه نسبتاً بزرگ و سایه‌های کوچک)
- در قیمتی بسته می‌شود که قیمت‌های پایانی و انتهای بیش از یک کندل را معکوس می‌کند (در زیر بسته می‌شود).

مشخصات زیر در بازگشت‌های صعودی قوی رایج هستند:

- کندل بازگشتی صعودی قدرتمندی با بدنه روند صعودی بزرگی وجود دارد و سایه آن کوچک است یا اصلاً سایه ندارد.

---

[1]. کندلی با بدنه کوچک یا اصلاً بدون بدنه است. در یک نمودار پنج‌دقیقه‌ای، بدنه تنها یک یا دو تیک خواهد بود، اما در یک نمودار روزانه ممکن است اندازه بدنه کندل به ۱۰ تیک یا بیشتر هم برسد درحالی‌که هنوز ناچیز به نظر آید. نه خریداران و نه فروشندگان هیچکدام کندل را کنترل نمی‌کنند. تمام کندل‌ها یا دارای روند هستند یا بدون روند و آن کندل‌های بدون روند دوجی خوانده می‌شوند.

[2]. کندلی که در طول آن معامله‌گر وارد معامله می‌شود.

- دو یا سه کندل بعدی هم بدنه‌های صعودی دارند که اندازه آن‌ها حداقل به‌اندازه متوسط بدنه‌های صعودی و نزولی اخیر می‌باشند.
- اسپایک، طی بیش از ۵ تا ۱۰ کندل بدون پولبک رشد کرده و بسیاری از کندل‌ها، سقف‌های سوینگ و پرچم‌های نزولی روند نزولی قبلی را معکوس می‌کند.
- یک یا چند کندل در اسپایک کف‌هایی دارند که بر روی قیمت پایانی کندل قبلی یا فقط یک تیک پایین‌تر از آن قرار دارند.
- یک یا چند کندل در اسپایک در قیمتی باز می‌شوند که بالای قیمت پایانی کندل قبلی است.
- یک یا چند کندل در اسپایک در قیمت سقف آن کندل یا تنها یک تیک پایین‌تر از آن بسته می‌شوند.
- زمینه سرتاسری احتمالاً بعد از یک شکست صعودی قوی از خط روند نزولی، برگشتی مانند یک تست کف بالاتر یا کف پایین‌تر از کف نزولی را ایجاد می‌کند.
- اولین پولبک فقط بعد از سه یا چند کندل رخ می‌دهد.
- اولین پولبک تنها یک یا دو کندل طول می‌کشد و به دنبال کندلی می‌آید که کندل بازگشتی نزولی قدرتمندی نیست.
- اولین پولبک حد ضرر سربه‌سر (قیمت ورودی) را لمس نمی‌کند.
- اسپایک، مسافت زیادی را طی می‌کند و چندین سطح مقاومت نظیر میانگین متحرک، سقف‌های نزولی قبلی و خطوط روند را هرکدام با چندین تیک می‌شکند.
- هم‌زمان با تشکیل اولین کندل بازگشتی، قیمت بیشتر زمان خود را در نزدیکی سقف کندل صرف می‌کند و پولبک‌ها کمتر از یک‌چهارم ارتفاع کندل در حال رشد هستند.
- حس ضرورت جهت ورود در معامله‌گران به چشم می‌خورد. احساس می‌کنید که مجبور به خرید هستید ولی به یک پولبک نیاز دارید، با این حال این پولبک هیچگاه ظاهر نمی‌شود.
- این کندل سیگنال دومین تلاش برای معکوس کردن روند طی چند کندل قبلی است. (یک سیگنال ثانویه[1])

[1]. در طی چند کندل بعد از سیگنال اول، دومین موقعیتی که بر پایه منطقی که در سیگنال اول رخ داد، به وجود می‌آید سیگنال دوم محسوب می‌شود.

- بازگشت، به‌عنوان بازگشتی از جهش اضافه[1] از یک خط کانال روند، از روند قبلی شروع می‌شود.
- از سقف یا کف سوییِنگ قابل‌توجهی برمی‌گردد (برای مثال، کف سوییِنگ قدرتمند قبلی را به سمت پایین شکسته و به سمت بالا بازمی‌گردد).
- پولبک‌های سقف ۱ و ۲ کندل‌های بازگشت صعودی قدرتمندی به‌عنوان کندل سیگنال دارند.
- همه‌چیز دارای روند است: قیمت‌های پایانی، سقف‌ها، کف‌ها، یا بدنه‌ها.
- پولبک‌ها کوچک و افقی هستند.
- شکست زودهنگامی روی خطوط روند قبلی وجود دارد (این اولین نشانه قدرت نزولی نیست).
- پولبک جهت شکست کف نزولی مومنتم را از دست می‌دهد، همان‌طور که از همپوشانی بسیاری از کندل‌ها با بسیاری از کندل‌های روند صعودی مشهود است.
- پولبکی که کف نزولی را تست می‌کند، روی میانگین متحرک یا خط نزولی قدیمی نقض می‌شود.
- شکست، بسیاری از قیمت‌های نهایی کندل‌ها و سقف آن‌ها را معکوس می‌کند. برای مثال، وقتی‌که یک کانال نزولی وجود داشته و یک کندل بزرگ صعودی شکل می‌گیرد، این کندل شکست، سقف و قیمت پایانی دارد که بالاتر از آخرین قیمت‌ها و سقف‌های ۵ تا ۲۰ کندل اخیر یا بیشتر قرار می‌گیرد. شمار زیاد کندل‌هایی که با آخرین قیمت کندل صعودی برمی‌گردند، نشانه قوی‌تری از همان تعداد کندل‌هایی است که تنها با سقف آن معکوس می‌شوند.

مشخصات زیر در یک بازگشت نزولی قدرتمند رایج است:

- کندل بازگشتی نزولی قدرتمندی با بدنه روند نزولی بزرگ و سایه‌های کوچک یا بدون سایه وجود دارد.
- دو یا سه کندل بعدی هم بدنه‌های نزولی دارند که حداقل به‌اندازه میانگین بدنه‌های صعودی و نزولی اخیر هستند.

---

[1]. بازار از قیمت سطوح مهم قبلی مانند نقطه نوسان یا خط روند فراتر رفته و جهش اضافه دارد.

- اسپایک، به‌اندازه پنج تا ده کندل رشد می‌کند بدون اینکه پولبکی به‌اندازه یک یا چند کندل داشته باشد و بسیاری از کندل‌ها، کفسوبینگ‌ها و پرچم‌های صعودی روند قبلی را معکوس می‌کند.
- یک یا چند کندل در اسپایک سقفی دارند که بر روی قیمت پایانی کندل قبلی یا تنها یک تیک بالای آن قرار می‌گیرند.
- یک یا چند کندل در اسپایک در قیمتی باز می‌شوند که پایین‌تر از آخرین قیمت کندل قبلی است.
- یک یا چند کندل در اسپایک، در قیمت کف خودشان یا تنها یک تیک بالای آن بسته می‌شوند.
- زمینه سرتاسری احتمالاً بعد از شکست قدرتمند نزولی از خط روند صعودی بازگشتی مانند سقف پایین‌تر یا سقف بالاتر[1] از سقف روند صعودی ایجاد می‌کند.
- اولین پولبک تنها بعد از یک یا چند کندل رخ می‌دهد.
- اولین پولبک تنها یک یا دو کندل طول می‌کشد و به دنبال کندلی می‌آید که کندل صعودی قدرتمندی نیست.
- اولین پولبک حد ضرر سربه‌سر (قیمت ورودی) را نخواهد دید.
- اسپایک خیلی فاصله گرفته و چندین سطح حمایت را مانند میانگین متحرک، کف نوسان قیمت و خطوط روند را هرکدام با تیک‌های زیادی می‌شکنند.
- اولین کندل بازگشتی هنگام شکل‌گیری بیشتر زمان خود را نزدیک کف خود صرف می‌کند و پولبک کمتر از یک‌چهارم کندل باز است.
- حس ضرورتی جهت ورود وجود دارد. شما احساسی مانند این دارید که مجبور به فروش هستید اما نیاز به پولبکی دارید که هرگز نمی‌آید.
- یک این کندل سیگنال دومین تلاش برای معکوس کردن روند طی چند کند ل قبلی است (یک سیگنال ثانویه).
- بازگشت، به‌عنوان بازگشتی از یک جهش اضافه یک خط کانال روند متعلق به روند قبلی شروع می‌شود.

---

[1]. سقف نوسانی که از سقف نوسان قبلی بالاتر باشد را سقف بالاتر و اگر پایین‌تر باشد را سقف پایین‌تر می‌گویند. مخالف این‌ها در کف پایین‌تر و کف بالاتر می‌باشد.

- در ناحیه سقف یا کف سوییِنگ مهمی معکوس می‌شود (به‌عنوان مثال، سقف سوییِنگ[۱] قدرتمند قبلی را رو به بالا شکسته و به سمت پایین معکوس می‌شود).
- پولبک‌های کف ۱ و کف ۲ کندلهای بازگشتی نزولی قدرتمندی به‌عنوان کندل سیگنال دارند.
- هر چیزی دارای روند است: قیمت‌های پایانی، سقف‌ها، کف‌ها، بدنه‌ها.
- پولبک‌ها کوچک و افقی هستند.
- شکست‌های اولیه از خطوط روند صعودی قبل وجود دارند (این اولین نشان قدرت نزولی نیست).
- پولبک برای تست سقف صعودی فاقد مومنتم است، همان‌طور که از همپوشانی بسیاری از کندل‌ها با کندل‌های روند نزولی بسیاری مشهود است.
- پولبکی که سقف روند صعودی را تست می‌کند، روی میانگین متحرک یا خط روند صعودی قبلی نقض می‌شود.
- شکست، تعداد زیادی از قیمت‌های پایانی و کف‌ها را معکوس می‌کند. برای مثال، وقتی یک کانال صعودی وجود داشته و کندل نزولی بزرگی شکل گیرد، این کندل شکست، کف و آخرین قیمتی دارد که پایین‌تر از کف‌ها و آخرین قیمت‌های ۵ تا ۲۰ کندل قبلی یا حتی بیشتر است. شمار زیاد کندل‌هایی که با آخرین قیمت کندل نزولی برمی‌گردند، نشانه قوی‌تری از همان تعداد کندل‌هایی است که تنها با سقف آن معکوس می‌شوند.

اصول شمارش کندل: سقف ۱، سقف ۲، کف ۱، کف ۲

نشانه قابل‌اعتمادی از به اتمام رسیدن یک پولبک در روندی صعودی یا یک محدوده معامله، زمانی است که سقف کندل فعلی حداقل یک تیک به بالای کندل قبلی کشیده می‌شود. این منتهی می‌شود به مفهومی کاربردی از شمارش تعداد دفعاتی که این اتفاق رخ می‌دهد که به آن شمارش کندل‌ها گفته می‌شود. در یک حرکت افقی یا رو به پایین در روندی صعودی یا در یک محدوده معامله، اولین کندلی که سقف آن بالاتر از سقف کندل قبلی است *سقف ۱*[۲] می‌باشد و این اولین

---

[۱]. کندلی در نمودار که شبیه به یک اسپایک صعودی بوده و تا ورای کندلهای مجاور خود کشیده می‌شود. سقف این کندل بر روی یا در بالای سقف کندل‌های قبل و بعد از خود قرار دارد

[۲]. در یک پرچم صعودی یا در کف یک کانال بدون روند سقف ۱ کندلی است با سقفی بالاتر از کندل قبلی. اگر بعد از آن یک کندل با سقف پایین‌تر وجود دارد (این اتفاق ممکن است یک کندل یا چندین کندل بعد از آن رخ دهد)، کندل بعدی در این اصلاح که سقف آن بالاتر از سقف کندل قبلی است یک سقف ۲ است. رخدادهای سوم و چهارم سقف ۳ و ۴ هستند. سقف ۳ گونه‌ای از پرچم صعودی گوه‌ای است.

موج افقی یا حرکت رو به پایین را پایان می‌دهد، اگرچه ممکن است این موج تبدیل به موج کوچکی در یک پولبک بزرگ شود. اگر بازار به سمت یک سوینگ صعودی برنگردد و در عوض به حرکت افقی یا روبه پایین خود ادامه دهد، رخداد بعدی، یعنی کندلی با سقفی بالاتر از سقف کندل قبلی را به‌عنوان سقف ۲، پایان موج دوم برچسب‌گذاری کنید.

یک سقف ۲ در روند صعودی و کف ۲ در روند نزولی اغلب به اصلاح ABC برمی‌گردد که در آن موج اول A است، تغییر در جهت آن‌که ورودی سقف ۱ یا کف ۱ را شکل می‌دهد، B است و موج پایانی، پولبک C است. شکست از C یک کندل ورودی سقف ۲ در یک اصلاح صعودی ABC است و کندل ورودی کف ۲ اصلاح نزولی ABC است.

اگر پولبک صعودی بعد از موج سوم پایان پذیرد، موقعیت خرید یک سقف ۳ بوده و معمولاً نوعی پرچم صعودی است. وقتی یک رالی نزولی در سومین موج به اتمام می‌رسد، موقعیت فروش کف ۳ بوده و معمولاً یک پرچم نزولی گوه‌ای است.

بعضی پولبک‌های صعودی می‌توانند رشد بیشتری کرده و یک سقف ۴ را تشکیل دهند، وقتی سقف ۴ تشکیل می‌شود، بعضی مواقع با سقف ۲ شروع شده و این سقف ۲ در پیمودن مسافتی طولانی ناکام می‌ماند. در عوض به دنبال آن، دو موجی نزولی دیگر و سقف ۲ دیگری می‌آید و کل حرکت درواقع در تایم فریم بالاتر یک سقف ۲ است. در دیگر مواقع، سقف ۴ اسپایک و کانال روند نزولی کوچکی است که در آن رانش نزولی اول یا دوم یک اسپایک نزولی است و رانش‌های نزولی بعدی در یک کانال نزولی قرار دارند. اگر سقف ۴ نتواند روند را از سر بگیرد و بازار به زیر کف آن بیاید، احتمالاً بازار در یک روند صعودی دیگر پولبکی تشکیل نمی‌دهد و در عوض در سوینگی نزولی قرار دارد. قبل از اقدام به معامله صبر کنید تا رفتار بیشتری از قیمت آشکار شود.

وقتی روندی نزولی، یا بازاری بدون روند در حال اصلاح افقی یا صعودی باشد، اولین کندل با کفی پایین‌تر از کف کندل قبلی که اولین موج اصلاح را خاتمه می‌دهد، یک کف ۱ محسوب می‌شود که می‌تواند به‌اندازه همان یک کندل مختصر باشد. اتفاقات بعدی، ورودی‌های کف ۲،۳ و ۴ گفته می‌شوند. اگر کف ۴ نقض شود (پس از فعال شدن فروش کف ۴، یک کندل به بالای سقف کندل سیگنال کف ۴ کشیده شود)، رفتار قیمت نشان می‌دهد که یا فروشندگان کنترل بازار را از دست داده‌اند یا بازار دوطرفه شده است، با خریداران و فروشندگانی که کنترل بازار را مرتباً دست‌به‌دست می‌کنند، یا خریداران کنترل را به دست می‌گیرند. در هر حالت، فروشندگان می‌توانند

در یک پرچم نزولی یا نزدیک سقف یک محدوده معاملاتی کف ۱ کندلی با کف پایین‌تر از کف کندل قبل از خودش است. اگر یک کندل با کف بالاتر وجود داشته باشد (می‌تواند دریک یا چند کندل بعدی رخ دهد)، کندل بعدی در این اصلاح که کف آن پایین‌تر از کف کندل قبلی است کف ۲ می‌باشد. رویداد سوم و چهارم کف‌های ۳ و ۴ می‌باشند. کف ۳ گونه‌ای از پرچم نزولی است.

به بهترین شکل نشان دهند که با شکستن یک خط روند صعودی با مومنتم قدرتمند، کنترل بازار را دوباره در دست می‌گیرند.

بخش اول

پرایس اکشن

کاربردی‌ترین تعریف پرایس اکشن برای معامله‌گران، ساده‌ترین تعریف آن هم هست: هر تغییری در قیمت در هر نوع نموداری یا روی هر تایم فریمی را پرایس اکشن می‌گویند. کوچکترین واحد تغییر *تیک* است که برای هر بازاری ارزش متفاوتی دارد در ضمن تیک دو معنی دارد. کوچکترین تغییر در واحد قیمت است که یک بازار می‌تواند ایجاد کند که برای بیشتر سهم‌ها یک سنت است. همچنین تیک هر معامله‌ای را گویند که در طول روز رخ بدهد بنابراین هر ورودی در واحد زمان و جدول فروش یک تیک است، حتی اگر به قیمت معامله قبلی باشد. هر زمان که قیمت تغییر می‌کند، آن تغییر مثالی از پرایس اکشن است. توافق جهانی برای تعریف پرایس اکشن وجود ندارد و ازآنجایی‌که همواره باید تلاش کنید از هر اطلاعاتی که بازار پیشنهاد می‌کند، حتی اگر بسیار ناچیز به نظر آید آگاه شوید، باید تعریف گسترده‌ای را در اختیار داشته باشید. هیچ چیزی را نباید نادیده بگیرید، به خاطر اینکه در بیشتر مواقع چیزی که در ابتدا کم‌ارزش به نظر می‌رسد شما را به معامله بزرگی هدایت می‌کند.

تعریف تنها، همه چیز را درباره انجام یک معامله به شما نمی‌گوید، چون هر کندل سیگنال بالقوه‌ای برای یک معامله خرید و یک معامله فروش است. معامله‌گران ماهری وجود دارند که در تیک بعدی به دنبال فروشند زیرا باور دارند که بازار بیشتر از یک تیک بالا نخواهد رفت و دیگرانی که خرید می‌کنند بر این باورند که بازار احتمالاً بیشتر از یک تیک پایین نخواهد آمد. هردو گروه ممکن است به یک نمودار نگاه کنند و یک معامله‌گر الگوی صعودی را ببیند و دیگری فکر کند که الگوی نزولی قوی‌تر است. ممکن است به داده‌های بنیادی، یا هر یک از هزاران دلیل برای عقیده خودشان اعتماد کنند. یک طرف درست و دیگری اشتباه خواهد کرد. اگر خریداران اشتباه کرده باشند و بازار یک تیک پایین‌تر بیاید و سپس یک تیک دیگر و سپس یک تیک دیگر، آن‌ها کم‌کم خواهند پذیرفت که باورشان اشتباه بوده است. در نقاطی مجبور خواهند بود که موقعیتشان را با ضرر بفروشند و این عمل از آن‌ها فروشنده‌ای جدیدی می‌سازد و دیگر خریدار نیستند و عمل آن‌ها بازار را بیشتر به سمت پایین هدایت می‌کند. فروشندگان، یا به‌عنوان فروشندگان جدید، یا

خریدارانی که مجبور به تسویه در نقطه‌ای شده‌اند، به ورود خود به بازار ادامه می‌دهند تا زمانی که خریداران جدید شروع به ورود به داخل بازار می‌کنند. این خریداران ترکیبی خواهند بود از خریداران جدید، فروشندگانی که سودشان را برداشت می‌کنند و فروشندگان جدیدی که اکنون ضرر کرده‌اند و مجبور به خرید خواهند بود تا موقعیت‌هایشان را پوشش دهند. بازار به صعود خود ادامه خواهد داد تا اینکه این فرایند یک‌بار دیگر معکوس شود.

برای معامله‌گران، پیامدهای بنیادی که مکرراً در تمام روز با آن‌ها روبرو می‌شوند، این است که استنباط کنند که آیا بازار در حال روند است یا خیر. حتی زمانی که تنها به یک کندل نگاه می‌کنند، استنتاج می‌کنند که آیا بازار در طول کندل دارای روند است یا خیر. آیا آن کندل که در یک طرف باز شده و در سمت دیگر بسته می‌شود یک کندل روند است، یا با داشتن بدنه‌ای کوچک و یک یا دو سایه بزرگ، کندل محدوده معامله است؟ اگر آن‌ها به مجموعه‌ای از کندل‌ها نگاه کنند، تلاش می‌کنند استنتاج کنند که آیا بازار دارای روند است یا در محدوده معامله بسر می‌برد. برای مثال، اگر دارای روند است آن‌ها تلاش می‌کنند سقف یا کف را بخرند، حتی روی یک شکست سقف حرکت، درحالی‌که اگر در محدوده معامله باشد، تلاش می‌کنند در کف محدوده معامله خریده و در مقابل در بالاترین قیمت بفروشند. اگر در الگوهای مرسوم مانند مثلث و سرو شانه بالا یا پایین باشد، در محدوده معامله است. نامیدن آن به یکی از آن اصطلاحات مفید نیست (کمکی نمی‌کند) زیرا مهم‌ترین چیز آن است که آیا بازار دارای روند است، آیا آن‌ها می‌توانند الگوهای معمولی را در آن مشخص کنند و بر آن برچسب بزنند. هدف آن‌ها کسب درآمد است و تنها مهم‌ترین قسمت اطلاعاتی که می‌توانند تشخیص دهند آن است که آیا بازار دارای روند است یا خیر. اگر دارای روند باشد، فرض می‌کنند که روند ادامه خواهد داشت و صبر می‌کنند تا در جهت روند وارد بازار شوند (همراه روند). اگر دارای روند نباشد، صبر می‌کنند تا در جهت مخالف آخرین حرکت وارد بازار شوند (خلاف روند). یک روند می‌تواند به کوتاهی یک کندل تکی باشد (در تایم فریم کوچکتر می‌تواند آن کندل به‌صورت روند قوی باشد) یا دریک نمودار پنج دقیقه‌ای می‌تواند یک روز یا بیشتر طول بکشد. آن‌ها چگونه به این نتیجه می‌رسند؟ آن‌ها این کار را با خواندن رفتار قیمت روی نمودار مقابلشان انجام می‌دهند.

درک این نکته مهم است که در بیشتر مواقع احتمال صعودی بودن تیک بعدی ۵۰ درصد و احتمال نزولی بودن آن هم ۵۰ درصد است. درواقع در طول بیشتر روزهای معامله‌گری، می‌توانید انتظار داشته باشید که احتمال اینکه بازار قبل از اینکه X پوینت پایین بیاید به‌اندازه X پوینت بالا رود ۵۰-۵۰ است. این احتمال ممکن است در عمل در طول روز به ۶۰-۴۰ هم بکشد، این زمان

کوتاه فرصت‌های خوبی را برای معامله‌گری ارائه می‌کند. با این حال، بازار پس از آن به‌سرعت به تردید ۵۰-۵۰ برمی‌گردد که در آن خریداران و فروشندگان در تعادلند.

به خاطر معامله انبوهی از معامله‌گران و استفاده آن‌ها از رویکردهای بیشمار، بازار بسیار کارآمد است. برای مثال اگر در طول روز حتی بدون نگاه کردن به نمودار در قیمت جاری به هر مقداری خرید کرده باشید و هدف سودتان را ده تیک بالاتر از نقطه ورودتان قرار داده باشید طوری که یکی دیگری را حذف کند (oco)[1] و حد ضررتان را ده تیک پایین‌تر گذاشته باشید، ۵۰ درصد شانس سود کردن دارید. اگر در مقابل کلاً فروش انجام داده باشید و حد سود و ضرری ۱۰ تیکی قرار داده باشید، قبل از اینکه حد ضرر شما فعال شود بازهم شانس ۵۰-۵۰ دارید که ۱۰ تیک سود روی فروشتان به دست آورید. درصورتی‌که مقادیر ۲۰ یا ۳۰ تیکی یا هر مقداری برای X قرار داده باشید، احتمالات تغییری نمی‌کند. استثنائات روشنی وجود دارند مثلاً اگر مقدار X را خیلی زیاد در نظر بگیرید، ولی اگر مقدار X شما منطقی و بر اساس رفتار اخیر قیمت باشد، این قانون نسبتاً درست است.

در فاز اسپایک روندی قدرتمند، ممکن است احتمال ادامه روند در چند کندل بعدی معادل ۷۰ درصد یا بیشتر باشد، اما این اتفاق بسیار نادر است و بندرت بیش از یک یا دو بار در روز رخ می‌دهد. درکل، هنگام شکل‌گیری یک شکست روند قدرتمند، درصورتی‌که مقداری برای X انتخاب کرده باشید که کمتر از ارتفاع شکست کنونی باشد، احتمال ۶۰ درصد یا بیشتر وجود دارد که قبل از فعال شدن حد ضرر X تیکی شما، بتوانید با سودی معادل X تیک از بازار خارج شوید؛ بنابراین اگر یک شکست صعودی حرکتی به‌اندازه ۴ پوینت (۱۶ تیک) انجام داده و بسیار پرقدرت باشد و شما مقدار ۸ تیک را برای بازار در نظر بگیرید، آنگاه احتمالاً حدود ۶۰ درصد شانس آن را دارید که قادر باشید که از بازار قبل از ۸ تیک ضرر با سودی معادل ۸ تیک خارج شوید.

به خاطر سطح بالای ذاتی عدم قطعیت، من اغلب از کلماتی مانند ***معمولاً***، ***احتمالاً*** و ***احتمال*** برای تشریح آنچه فکر می‌کنم در حداقل ۶۰ درصد مواقع خواهد آمد استفاده می‌کنم. استفاده از این عبارات ممکن است برای خوانندگان خسته‌کننده باشد، اما اگر می‌خواهید از معامله‌گری درآمد کسب کنید، با این احتمالات می‌توانید به‌خوبی به آن درآمد برسید. هیچ چیزی نزدیک به یقین نیست و شما همواره در هاله‌ای از ابهام کار می‌کنید. بهترین معاملاتی که می‌بینید همیشه به‌وسیله

---

[1]. "One Cancels the Other" دستوری است که به شما اجازه می‌دهد دو دستور را به‌طور هم‌زمان قرار دهید، طوری که با اجرا شدن یکی از اوردرها، دیگری به‌طور اتوماتیک حذف می‌شود. م

کلمات غیردقیقی نظیر موارد فوق تشریح می‌شود زیرا آن‌ها دقیق‌ترین توضیحات از واقعیتی هستند که معامله‌گران با آن روبرو می‌شوند.

همه چیز نسبی است و همه چیز می‌تواند در یک‌لحظه حتی بدون هیچ حرکتی در قیمت، دقیقاً به نقطه مقابل آن تغییر کند. ممکن است شما به‌طور ناگهانی خط روندی را به‌اندازه ۷ تیک بالای سقف کندل کنونی ببینید و بجای جستجو برای فروش، در نقطه لمس خط روند تصمیم به خرید بگیرید. معامله‌گری از طریق تحلیل اتفاقات گذشته راهی مطمئن برای از دست دادن پول است. باید نگاهتان روبه‌جلو باشد، نگران اشتباهاتی که کرده‌اید نباشید. آن اشتباهات مطلقاً هیچ تأثیری روی حرکات بعدی بازار ندارند بنابراین باید آن‌ها را نادیده بگیرید و تنها به ارزیابی مجدد رفتار قیمت بپردازید، نه سود و زیانتان (P&L)[1] در طول روز.

هر تیکی، رفتار قیمت را در هر تایم فریمی، از یک نمودار تیک[2] یا نمودار یک‌دقیقه‌ای تا نمودار ماهانه و تمام انواع دیگر نمودار تغییر می‌دهد، خواه نمودار مبتنی بر زمان، حجم، تعداد تیک‌ها، پوینت و شکل باشد یا بر مبنای تمام انواع دیگر نمودار یا هر چیز دیگر. بدیهی است که یک حرکت یک تیکی در نمودار ماهانه معمولاً بی‌معنی است (مگر اینکه برای مثال، یک شکست یک تیکی از بعضی نمودارها باشد که به‌سرعت معکوس می‌شوند)، اما در تایم فریم کوچکتر به‌طور فزاینده‌ای کاربردی‌تر می‌شود. بدیهی است که این مطلب صحیح می‌باشد، زیرا اگر کندل متوسط روی نمودار یک‌دقیقه‌ای EMINI سه تیک ارتفاع داشته باشد، آنگاه یک حرکت یک تیکی ۳۳ درصد اندازه کندل متوسط است و آن می‌تواند نشان‌دهنده حرکت قابل‌توجهی باشد.

پرکاربردترین ظاهر پرایس اکشن آن است که بعد از حرکت ورای کندل قبلی (شکست ورای کندل قبلی) یا ورای خطوط روند روی نمودار رخ می‌دهد. برای مثال، اگر بازار به بالای سقف قبلی مهمی برود و هر کندل متوالی کفی تشکیل دهد که بالای کف کندل قبلی و سقفی که بالای سقف کندل قبلی باشد، آنگاه این رفتار قیمت نشان می‌دهد که بازار احتمالاً در چند کندل متوالی بالا خواهد رفت، حتی اگر طی چند کندل اخیر عقب‌نشینی کند. با این حال، اگر بازار رو به بالا شکست داشته باشد و کندل بعدی کندل داخلی[3] کوچکی باشد (سقف آن بالاتر از سقف کندل

---

[1]. PROFIT&LOSE

[2]. یک تیک در زمینه نمودارهای تیک فارکس، تغییر در قیمت یک جفت ارز است که ناشی از یک معامله می‌باشد؛ بنابراین به‌جای نشان دادن نمودارهای مبتنی بر زمان مانند نمودارهای ۵ دقیقه یا ۴ ساعته، نمودارهای تیک تنها کندل‌های جدید بعد از اتمام تعدادی از معاملات، کندل جدید را چاپ می‌کنند.

[3]. کندلی است که سقف آن داخل یا پایین‌تر از سقف کندل قبل از خود و کف آن داخل یا بالاتر از کف کندل قبلی باشد.

بزرگ شکست نباشد) و سپس کندل بعدی کفی داشته باشد که پایین‌تر از کف این کندل کوچک باشد، شانس یک شکست نقض شده و یک بازگشت نزولی افزایش قابل‌ملاحظه‌ای دارد.

الگوهای کوچک به الگوهای بزرگتر تبدیل می‌شوند که می‌توانند منتهی به معاملاتی شوند که در همان جهت یا در جهت مخالف می‌باشند. برای مثال، در یک بازار طبیعی است که پرچم کوچکی را بشکند تا به سود یک معامله اسکالپ برسد و سپس پولبک کند و الگوی پس از آن، به پرچم بزرگتری تبدیل شود. این الگوی پرچم بزرگتر هم ممکن است در همان جهت بشکند ولی شاید بجای آن در جهت مخالف هم شکسته شود. همچنین یک الگو اغلب می‌تواند درآن‌واحد چندین چیز مختلف هم دیده شود. برای مثال، یک سقف پایین‌تر کوچک ممکن است سقف پایین‌تر دیگری از یک مثلث بزرگتر، شانه راست دیگری از یک سرو شانه حتی بزرگتر باشد. اسمی که انتخاب می‌کنید ربطی به موضوع بحث ندارد چراکه اگر کندل‌ها را درست خوانده باشید جهت حرکات متوالی یکسان خواهد بود. در محدوده معامله، دیدن برپایی الگوهای مخالف در یک زمان مانند یک پرچم کوچک نزولی و یک پرچم بزرگ صعودی، رایج است. مهم نیست که شما کدام الگو را معامله می‌کنید یا از چه اسمی برای تشریح آن استفاده می‌کنید. آنچه که مهم است خواندن رفتار قیمت است و اگر خوب بخوانید خوب معامله می‌کنید. منطقی‌ترین معامله را در نظر می‌گیرید و اگر نسبتاً مطمئن نباشید آن‌قدر منتظر خواهید ماند تا مطمئن شوید.

به‌مرور زمان، عوامل بنیادی کنترل قیمت سهام را در دست می‌گیرند و قیمت توسط معامله‌گران موسسه‌ای، کسانی که با فاصله زیاد بزرگترین بازیگران حجم در بین معامله‌گرانی هستند که برای مدت طولانی معامله می‌کنند، تنظیم می‌شود. شرکت‌های معامله‌کننده تعداد بالا (HFT) حجم بالاتری را معامله می‌کنند، اما آن‌ها معامله‌گران اسکالپ طول روز هستند و شاید بر روی جهت نمودار روزانه تأثیر زیادی نداشته باشند. پرایس اکشن آن حرکتی است که در حین بررسی ارزش توسط مؤسسات رخ می‌دهد. سقف هر کندل در هر تایم فریمی روی بعضی سطوح مقاومت قرار دارد، کف هر کندل روی حمایت است و قیمت پایانی در جایی است که باید باشد نه یک تیک بالاتر یا پایین‌تر، چون کامپیوترها آن را بنا به دلیلی در آن نقطه می‌گذارند. حمایت و مقاومت ممکن است واضح نباشد، اما ازآنجایی‌که کامپیوترها همه چیز را کنترل می‌کنند و برای این کار منطق خود را بکار می‌گیرند، هر چیزی باید منطقی و معقول باشد، حتی اگر درک آن راحت نباشد. الگوریتم‌های کوتاه مدت کامپیوتر و اخبار مسیر و سرعت را مشخص می‌کند، ولی عوامل بنیادی مقصد آن را مشخص می‌کند و مقادیر فزاینده‌ای از تحلیل‌های عوامل بنیادی به همان خوبی توسط کامپیوترها انجام می‌شود. وقتی‌که مؤسسات احساس می‌کنند قیمت خیلی بالاست، یا خارج می‌شوند یا می‌فروشند و وقتی می‌بینند قیمت خیلی پایین است (ارزش خوبی

دارد) خواهند خرید. اگرچه نظریه‌پردازان توطئه هرگز آن را نخواهند پذیرفت، مؤسسات جلسات محرمانه ندارند که تصمیم بگیرند که در چه قیمتی باید سعی کنند که پول انسان‌های ساده‌لوح و معامله گران خرد خوش‌قلب را بدزدند. تصمیمات آن‌ها ضرورتاً مستقل، سری بوده و به شکل خرید و فروششان ظاهر می‌شود، اما نتیجه روی نمودار قیمت آشکار می‌شود، آن‌ها هرگز نمی‌توانند کاری را که انجام می‌دهند را مخفی کنند. برای مثال، اگر تعداد کافی از آن‌ها در حال خرید باشند، خواهید دید که بازار بالا می‌رود و باید دنبال راه‌هایی بگردید که وارد معامله خرید شوید. درحرکتی کوتاه و سریع، مؤسسات می‌توانند قیمت یک سهم را دستکاری کنند مخصوصاً اگر حجم معامله کم باشد. با این حال، مؤسسات از طریق این روش در مقایسه با اشکال دیگر معامله‌گری که می‌توانند انجام دهند، پول کمتری به دست می‌آورند و نمی‌خواهند که زمانشان را با انجام این‌گونه معاملات کم سود هدر دهند. این مسئله کم‌اهمیت سازی دستکاری قیمت را در پی دارد، مخصوصاً در سهام و بازارهایی، مانند EMINI ها، سهم‌های اصلی، ابزارهای شرط‌بندی و ارزها که حجم عظیمی معامله می‌شود.

هر موسسه مستقل از دیگر مؤسسات فعالیت می‌کند و هیچکدام نمی‌دانند که دیگری چه کاری انجام می‌دهد. درواقع، مؤسسات بزرگ معامله‌گران زیادی دارند که با یکدیگر رقابت می‌کنند، اغلب بدون اینکه بدانند در سمت‌های مختلف معامله می‌کنند و این مسئله برایشان مهم نیست. هر معامله‌گر از سیستم خودش پیروی می‌کند و اصلاً به کاری که دیگری در طبقه نهم انجام می‌دهد علاقه‌ای ندارد. همچنین، تمام حرکات روی نمودار، ترکیبی است بر اساس تمام پولی که معامله می‌شود. هر معامله‌گر بر اساس عوامل مختلفی ترغیب می‌شود و معامله‌گرانی وجود دارند که روی هر تایم فریمی معامله می‌کنند. بسیاری از معامله‌گران حتی از نمودار هم استفاده نمی‌کنند و در عوض بر اساس عوامل بنیادی معامله می‌کنند. وقتی می‌گویم بازار هر کاری را بنا به دلیلی انجام می‌دهد، هرگز به معنی این نیست که بازار فقط به یک دلیل آن کار را انجام می‌دهد. هر دلیلی را که من بیان می‌کنم فقط یکی از دلایل بیشمار پشت حرکت است و من به آن یک دلیل اشاره می‌کنم تا بینشی را از آنچه که معامله‌گران اصلی بر اساس آن کار می‌کنند، ارائه دهم. برای مثال، اگر بازار با شکاف صعودی کوچکی آغاز شده، به‌سرعت به سمت میانگین متحرک سقوط کند و بقیه روز را صعودی باشد، ممکن است بگویم که مؤسسات می‌خواستند در قیمت پایین‌تر بخرند و در خارج از بازار می‌مانند تا اینکه بازار به محدوده‌ای از حمایت سقوط کند و آنگاه آن‌ها به این باور می‌رسند که احتمالاً بازار پایین‌تر نمی‌رود. در آن سطح قیمت، آن‌ها خرید فراوانی را انجام می‌دهند. درواقع ممکن است این منطق به‌وسیله تعدادی از معامله‌گران موسسه‌ای استفاده شود،

ولی دیگران دلایلی بی‌شماری برای خرید در آن سطح قیمت خواهند داشت و بسیاری از آن دلایل ربطی به نمودار جلوی شما ندارند.

وقتی به یک نمودار نگاه می‌کنم، همواره به حالت صعودی و حالت نزولی در هر تغییر کوچک قیمت، هر کندل و هر سوییِنگ فکر می‌کنم. در بیشتر اوقات روز، شانس به دست آوردن تغییرات کوچکی در قیمت در یک معامله برابر با شانس از دست دادن همان تعداد تغییرات است. این به دلیل آن است که بازار همیشه در جستجوی ارزش و تعادل است و بیشتر روز را با احساس خریداران و فروشندگان در گرفتن راحت موقعیت‌ها می‌گذراند. بعضی مواقع شانس ممکن است ۶۰-۴۰ به نفع یک طرف باشد و در بسیاری از روندهای قوی شانس می‌تواند به‌طور خلاصه ۸۰-۲۰ یا حتی بالاتر باشد، ولی بعد از اکثر تغییرات ریز قیمت در طول روز، احتمالات در حدود ۵۰-۵۰ هستند و تردید، ارزش و تعادل غالب می‌شوند. آلن گرینسپن می‌گوید که به‌عنوان رئیس فدرال رزرو او در حدود ۷۰ درصد اوقات راست می‌گفته است. این افشاگری بزرگی است زیرا او نفوذ زیادی داشت و آنچه که می‌گفت درست بود، با این وجود می‌توانست تنها درصد بردهای خود را تا ۷۰ درصد بالا ببرد. اگر در جایی که هرگز نمی‌توانید حجم بزرگی برای افزایش شانس موفقیت خودتان معامله کنید، در ۷۰ درصد معاملات خودتان برنده باشید، بسیار عالی عمل می‌کنید.

هر موقع یک کارشناس در تلویزیون بگوید که بازار بالا می‌رود و عضو دیگری از میزگرد را مورد انتقاد قرار داده و به او حمله لفظی کند، می‌دانید که آن شخص یک فریبکار است. غرور او نشان می‌دهد که بر این باور است که توانایش برای پیش‌بینی بازار حداقل ۹۰ درصد است، ولی اگر درست باشد، او باید آن‌قدر ثروتمند باشد که زحمت آمدن به تلویزیون را به خود ندهد. به خاطر اینکه بیشتر معاملات اسکالپ تنها ۶۰ درصد مطمئن هستند، باید خیلی مواظب آن احتمال ۴۰ درصد دیگر باشید. باید همیشه نقشه‌ای برای رخ دادن اتفاق مخالف داشته باشید چراکه اغلب این اتفاق رخ می‌دهد. معمولاً، بهتر است خارج شوید، ولی بعضی مواقع بهتر است که به معامله معکوس بپردازید. همیشه مهم‌ترین چیز آگاه بودن از آن است که دقیقاً مخالف آنچه شما باور دارید، در حدود ۴۰ درصد معاملات شما رخ خواهد داد. توجه به این نکته ارزشمند است که عده‌ای از معامله‌گران در خواندن نمودار و سفارش گذاری و مدیریت معاملات آن‌قدر خوب هستند که می‌تواند ۹۰ درصد مواقع برنده باشند، ولی آن تعداد معامله‌گران نادرند.

تحلیل‌گران تلویزیون همیشه عناوین تحسین‌برانگیزی دارند، استدلال‌های بسیار قانع‌کننده‌ای می‌آورند، مؤثر به نظر می‌رسند، حرفه‌ای به نظر می‌آیند و طوری ظاهر می‌شوند که گویا می‌خواهند زندگی‌شان را وقف کمک به شما کنند. با این حال، همه آن‌ها شرم‌آور است و نباید هرگز فراموش کنید که آن برنامه از تلویزیون پخش می‌شود. هدف تلویزیون کسب درآمد برای شرکت‌هایی است

که صاحب برنامه‌ها و شبکه‌ها هستند. صاحبان سهام آن شرکت‌ها به‌هیچ‌وجه نگران نیستند که شما از معامله کردن بر پایه توصیه‌های آن‌ها درآمدی خواهید داشت یا خیر. شبکه‌ها، تحلیل‌گران را بر مبنی سطح رتبه آن‌ها انتخاب می‌کنند. آن‌ها افرادی می‌خواهند که بینندگان را جذب کند چنانکه بتوانند تبلیغاتشان را بفروشند. آن‌ها همواره افراد باجذبه را انتخاب می‌کنند که بسیار صادق و نگران امنیت مالی شما به نظر آیند طوری که شما احساس کنید به دلیل همین نگرانی آن‌ها، مجبورید آن‌ها را ببینید و به آن‌ها اعتماد کنید. آن‌ها ممکن است صادق باشند، ولی به این معنی نیست که می‌توانند به شما کمک کنند. درواقع، آن‌ها با منحرف کردن شما به این باور که می‌توانند مسائل مالی شما را حل کنند و استرسی که در تلاش برای حفاظت از خانواده خود تحمل می‌کنید را می‌توانند کم کنند، فقط به شما آسیب می‌رسانند. آن‌ها، برای منافع خودشان نه سود شما، امید غلطی را به شما می‌فروشند. به خاطر داشته باشید، **«هیچ‌کس، هیچ‌گاه با نگاه کردن به تلویزیون ثروتمند نشده است»**.

بسیاری از تحلیل‌گران تلویزیون معاملاتی را بر اساس تحلیل‌های بنیادی‌شان توصیه می‌کنند و سپس با اصطلاحات تکنیکال آن را تشریح می‌کنند. این به‌ویژه برای معامله‌گران فارکس درست است. آن‌ها یک اتفاق، مانند جلسه آتی بانک مرکزی بعضی کشورها را جدا می‌کنند، پیش‌بینی می‌کنند که خروجی چه خواهد بود و بر اساس آن خروجی مورد انتظار توصیه به یک معامله می‌کنند. وقتی‌که معامله را تشریح کردند، همواره روشن می‌کنند که آن معامله به‌طور کامل تکنیکال است و ربطی به عوامل بنیادی ندارد. برای مثال، اگر EUR/USD (یورو دلار) در روند صعودی است، آن‌ها نتیجه خواهند گرفت که آن جلسه یورو را در مقابل دلار تقویت خواهد کرد و توصیه به خرید یک پولبک و قرار دادن حد ضرر در زیر کف آخرین سوییننگ و قرار دادن حد سود در جایی که دو برابر حد ضرر است می‌کنند. هیچ‌کس نمی‌خواهد برای معامله کردن در مورد آن جلسه چیزی بداند. آن‌ها به‌سادگی سفارش به خرید یک پولبک در یک روند صعودی می‌کنند و معامله ربطی به تحلیل آن‌ها یا جلسه آتی ندارد. افرادی که به خاطر حجم غول‌آسایشان درواقع برجهت بازار تأثیر می‌گذارند، مانند دولت‌ها و بانک‌ها، درباره جلسه نزدیک بسیار بیشتر می‌دانند و هر تبلیغاتی که ممکن است تأثیر داشته باشد، قبلاً روی قیمت منعکس شده است. همچنین، این مؤسسات نگران متغیرهای بسیاری هستند که ربطی به جلسات ندارند. این کارشناسان تلویزیون حقیقتاً تلاش می‌کنند تا با ظرفیت فکری عظیمشان شنوندگان را تحت تأثیر تحلیل‌های بنیادی خود قرار دهند. مخصوصاً دوست دارند که روشن و بصیر دیده شوند. واقعیت این است که آن‌ها از این‌که وانمود کنند که کارشناس هستند لذت می‌برند، ولی بی‌معنی حرف می‌زنند. توانایی پیشگویی آن‌ها بر اساس عوامل بنیادی کاملاً حدسی است و ۵۰ درصد احتمال دارد که درست

باشد. با این وجود تحلیل‌های تکنیکال آن‌ها درست است و اگر معامله درست باشد، به‌طور کامل به خاطر خواندن نمودار آن‌هاست و هیچ ارتباطی به تحلیل‌های بنیادی آن‌ها ندارد. کارشناسان سهام همچنین مرتباً تفاسیر بی‌معنی از عوامل بنیادی می‌کنند، مانند اینکه به شنوندگان می‌گویند، فردا GS را بخرید، حتی اگر به مدت شش ماه در روند نزولی بوده باشد، به خاطر اینکه مدیریت قدرتمندی دارد و کاری خواهد کرد که روند نزولی به پایان برسد. خوب، آن مدیریت هفته گذشته، ماه گذشته و شش ماه گذشته هم در آنجا بود هنوز هم GS در حال سقوط بی‌امان است! چرا باید فردا یا در طول هفته آینده روند صعودی شروع شود؟ به‌هیچ‌وجه دلیل بنیادی وجود ندارد، برخلاف بیانیه‌های استادانه توسط این کارناوال جارچیان در تلویزیون که کارشان فروش تبلیغات است نه کمک به شما برای کسب درآمد، کارشناس دیگری ممکن است ADM یا POT را پیشنهاد کند زیرا آفریقا به‌سرعت درحال‌توسعه است و پیشرفت کیفیت زندگی در آفریقا ایجاد تقاضا برای محصولات کشاورزی می‌کند. خوب، ماه قبل و شش ماه گذشته هم به‌سرعت درحال‌توسعه بود و امروز چیزی تغییر نکرده است.

هر زمان که می‌شنوید که یک کارشناس پیشنهادی را می‌دهد بر اساس آنچه که او با غرور مطرح می‌کند که نشان‌دهنده بصیرت ژرف او است، خیلی بهتر آن است که او را یک ناآگاه بپندارید و فقط برای آگهی دادن به‌منظور کسب درآمد تبلیغاتی برای آن شبکه در تلویزیون حضور دارد. در عوض، به‌طور ساده به نمودار نگاه کنید. اگر بازار در حال بالا رفتن است به دنبال خرید باشید. اگر پایین می‌آید در پی فروش باشید. این تحلیل‌گران تلویزیون همیشه وانمود می‌کنند که بخشی از اطلاعات بنیادی آن‌ها جهت بازار را کنترل خواهد کرد. بازارها خیلی پیچیده هستند و بنا بر صدها دلیل حرکت می‌کنند، تحلیلگر تلویزیون از بیشتر آن پیچیدگی‌ها آگاه نیست. عامل بنیادی قبلاً در رفتار قیمت منعکس شده است، تمام کاری که باید انجام دهید این است که به نمودار نگاه کنید تا بفهمید که مؤسسات که بسیار باهوش‌تر از بذله‌گویان تلویزیون هستند و به‌اندازه‌ای پول معامله می‌کنند که جهت بازار را کنترل کنند، چگونه عوامل بنیادی را می‌بینند. آن‌ها تمام داده‌ها را تحلیل می‌کنند، نه‌فقط بخشی از آن‌ها را و آن‌ها معاملاتشان را بر اساس تحلیل‌های ریاضیاتی انجام می‌دهند، نه خیالی و عجیب‌وغریب و ساده‌لوحانه. مؤسسات را دنبال کنید، نه کارشناسان تلویزیون را. آن‌ها به‌طور واضح و روشن به شما نشان می‌دهند که به چه چیزی باور دارند و نمی‌توانند باورشان را پنهان کنند. باور آن‌ها در نمودار جلوی شماست. در ضمن تحلیل بنیادی اساساً شکلی از تحلیل تکنیکال است زیرا بنیادی کاران تصمیمات خود را بر اساس نمودارها می‌گیرند. اگرچه، نمودارهای آن‌ها شامل: رشد درآمد، رشد بدهی، درآمد، حاشیه‌های سود و بسیاری از عوامل دیگر هستند. آن‌ها مومنتم، شیب و خطوط روند را مطالعه می‌کنند بنابراین آن‌ها

واقعاً تکنیکالیست هستند ولی خودشان را آن‌طور نمی‌بینند و بسیاری به تحلیل تکنیکال قیمت به‌تنهایی اعتماد ندارند.

چرا قیمت یک تیک بالا می‌رود؟ به دلیل اینکه در این قیمت حجم تقاضای زیادتری نسبت به عرضه وجود دارد و تعدادی از آن خریداران اگر لازم باشد حاضرند حتی بیشتر از قیمت جاری بپردازند تا سفارششان انجام پذیرد. بعضی مواقع این‌گونه تشریح می‌شود که خریداران بازار از فروشندگان بیشترند، یا اینکه خریداران کنترل را در اختیار دارند، یا به‌عنوان فشار خرید[1] تفسیر می‌شود. هر زمانی که تمام آن سفارشات خرید که احتمالاً می‌توانند انجام شوند در قیمت جاری انجام شوند (در آخرین قیمت معامله‌شده)، خریداران باقی‌مانده مجبور خواهند بود که تصمیم بگیرند که آیا تمایل دارند در قیمت بالاتر بخرند یا خیر. اگر مایلند، آن‌ها به تقاضا در قیمت بالاتر ادامه می‌دهند. این قیمت بالاتر تمام مشارکت‌کنندگان در بازار را وادار می‌کند که چشم‌انداز خود از بازار را مجدداً ارزیابی کنند. اگر حجم تقاضا در آنجا از عرضه بیشتر شود، قیمت به حرکت رو به بالای خود ادامه می‌دهد چراکه تعداد سفارشاتی که به‌وسیله فروشندگان در آخرین قیمت پیشنهاد می‌شود به‌اندازه‌ای نیست که تمام سفارشات تقاضای خریداران را پوشش دهد. در بعضی از نواحی، خریداران شروع به عرضه مقادیری از سفارشات خود تحت عنوان گرفتن قسمتی از سود می‌کنند. همچنین، فروشندگان قیمت جاری را برای فروش ارزشمند خواهند یافت و پیشنهاد فروش بیش از نیاز خریداران می‌دهند. تا زمانی که سفارشات بیشتری به‌وسیله فروشندگان پیشنهاد می‌شود (خریدارانی که به دنبال گرفتن سود قسمتی یا تمام خریدهایشان هستند، یا فروشندگان جدیدی که قصد فروش دارند)، تمام سفارشات خرید در قیمت جاری انجام خواهد گرفت ولی بعضی از فروشندگان قادر به پیدا کردن خریداران کافی نخواهند بود. قیمت عرضه مقداری پایین خواهد آمد. اگر فروشندگانی باشند که متمایل به فروش در این قیمت پایین‌تر باشند، این آخرین قیمت جدید خواهد بود.

به خاطر اینکه حجم، جهت بازار را کنترل می‌کند، معامله‌گران تازه‌کار همواره در جستجوی این هستند که آیا عمق بازار به آن‌ها امتیازی در معاملاتشان می‌دهد. اگر معاملات خود را روی یک نردبان قیمت[2] قرار دهند، می‌توانند حجم را در هر تیک، در چندین تیک بالا و پایین قیمت جاری ببینند. آن‌ها فکر می‌کنند از آنجا که اطلاعات قیمت آنجاست، باید راهی باشد که با استفاده از آن

---

[1]. خریداران بزرگ خریدشان را حمایت می‌کنند و خرید آن‌ها کندل‌های روند صعودی، با سایه بلندی در کف‌ها و بازگشت‌های صعودی دو کندلی ایجاد می‌کنند. برآیند فعالیت آن‌ها معمولاً درنهایت قیمت‌های بالاتری را به دنبال خواهد داشت.

[2]. ابزاری است که لیست سفارشات (قیمت عرضه و تقاضا طی آخرین قیمت معامله‌شده) را روی یک خط اتصال عمودی در جریان قیمت سهام یا هر ابزار دیگری را نشان می‌دهد. می‌توانید تغییرات قیمت سهام و قیمت‌های عرضه و تقاضا را در هر زمانی روی آن ببینید. م

به یک برتری دست یابند. فراموش کرده‌اند که بازار با الگوریتم‌های کامپیوتری کنترل می‌شود و برنامه نویسان هم بالاتر از هر امتیاز قابل تصوری قرار دارند. وقتی‌که مراکز بازی با سرعت‌بالا، حجم زیادی از اطلاعات را در کسری از ثانیه به‌قصد به دست آوردن یک یا دو تیک، هزاران بار در روز با نرخ موفقیت تنها ۵۵ درصد پردازش می‌کنند، یک معامله‌گر به‌تنهایی همیشه زیان خواهد داشت. معامله‌گران راهی ندارند که بفهمند آیا آنچه را که می‌بینند واقعی است یا فقط تله‌ای[1] است که یک کامپیوتر برای به دام انداختن کامپیوترهای دیگری برپا می‌کند. یک دلیل وجود دارد که چرا نمی‌شنوید که بسیاری از معامله‌گران حرفه‌ای درباره دخالت دادن عمق بازار در تصمیم‌گیری‌شان حرفی بزنند. به خاطر اینکه فایده‌ای ندارد. حتی اگر معامله‌گران می‌توانستند با سرعت کافی آن‌ها را پردازش کنند، امتیاز آن در مقایسه با امتیازی که از خواندن نمودارها به دست می‌آید بسیار کمتر خواهد بود. آن‌ها گیج می‌شوند و بسیاری از معاملات دیگر با ریسکی قابل قیاس ولی سودی بزرگتر و درصد برد بیشتر را از دست می‌دهند و بنابراین درآمد کمتری خواهند داشت. تنها در جنگی وارد شوید که می‌دانید که می‌توانید پیروز شوید.

از آنجا که بیشتر بازارها با سفارشات مؤسسات حرکت می‌کنند، منطقی است که ندانید که آیا مؤسسات ورودی‌های خود را بر اساس پرایس اکشن بنا می‌کنند یا رفتار آن‌ها باعث به وجود آمدن پرایس اکشن می‌شود. حقیقت این است که مؤسسات همه سهم اپل (APPL) را نظارت نمی‌کنند یا SPDR S&P500 یا (SPY) ارزهای معامله‌شده را لحظه‌به‌لحظه نگاه نمی‌کنند و سپس وقتی‌که یک پولبک دومرحله‌ای روی نمودار یک‌دقیقه‌ای ببینند، یک برنامه خرید را شروع نمی‌کنند. آن‌ها انبوهی از سفارشات را دارند که باید در طول روز انجام شوند و در حال انجام آن‌ها در بهترین قیمت هستند. پرایس اکشن تنها یکی از طرح‌های بسیار است و بسیاری از شرکت‌ها بیشتر تکیه بر آن خواهند کرد و دیگران یا بر آن کمتر تکیه می‌کنند یا اصلاً تکیه نمی‌کنند. بسیاری از شرکت‌ها مدل‌های ریاضیاتی و برنامه‌هایی دارند که تشخیص می‌دهد که چه زمانی و چقدر باید بفروشند و بخرند و تمام شرکت‌ها به دریافت سفارش جدید از طرف مشتری‌هایشان در تمام طول روز ادامه می‌دهند.

---

[1]. یک ورودی که به‌سرعت و قبل از اینکه به هدف سود کم یک معامله‌گر اسکالپ برسد در جهت مخالف برگشته، معامله‌گران را در موقعیت جدیدشان به تله می‌اندازند و سرانجام آن‌ها را مجبور به خروج با ضرر می‌کنند. تله‌ها همچنین می‌توانند موجب وحشت معامله گران از ورود به یک موقعیت خوب شوند. معامله‌گری که از ابتدا همراه با زیان بوده و معامله او به سود اسکالپ هم نمی‌رسد و اگر پولبکی ورای کندل‌های ورودی یا سیگنال باشد، احتمالاً با ضرر از معامله خارج خواهد شد که اصطلاحاً در داخل به دام می‌افتد. پولبکی وجود دارد که با به وحشت انداختن معامله‌گر، او را مجبور به خروج از معامله می‌کند، اما پس از آن پولبک نقض می‌شود. حرکت به‌سرعت در جهت معامله از سر گرفته می‌شود، از نظر احساسی برای معامله‌گر برگشت به معامله در قیمتی بدتر که اکنون در دسترس است را دشوار می‌سازد. معامله‌گر مجبور می‌شود که بازار را دنبال کند، در این حالت او در بیرون از بازار به دام افتاده است.

رفتار قیمتی که معامله‌گران در طول روز می‌بینند معلول فعالیت مؤسسات است و خیلی کم علت فعالیت آن‌هاست. وقتی موقعیتی آشکار می‌شود، تداخل اثرات ناشناخته‌ای در طول معامله رخ خواهد داد که نتیجه آن، سود ده بودن یا زیان ده بودن آن معامله است. آن موقعیت اولین فاز واقعی یک حرکت است که قبلاً در جریان بوده است و یک ورودی پرایس اکشن به یک معامله‌گر اجازه می‌دهد که درست به‌موقع بر روی موج سوار شود. با آشکار شدن رفتارهای بیشتری از قیمت، معامله‌گران زیادتری در جهت حرکت وارد شده و بر روی نمودارها مومنتم ایجاد می‌کنند و باعث می‌شوند معامله‌گران بیشتری وارد شوند. معامله‌گران، از جمله شامل مؤسسات، درخواست‌های خود را به هر دلیل قابل‌تصوری ثبت می‌کنند و دلایل به‌طور گسترده‌ای بی‌ربط هستند. با این وجود، بعضی مواقع یک دلیل می‌تواند مرتبط باشد، زیرا به معامله‌گران باهوش اجازه خواهد داد که از معامله‌گران به دام افتاده سود به دست آورند. برای مثال، اگر بدانید که حد ضرر معامله‌گران احتمالاً در یک تیک زیر یک کندل جاگذاری شده باشد و نتیجه آن برای معامله‌گرانی که اخیراً خریده‌اند زیان خواهد بود، شما باید فروش در همان قیمت را در نظر داشته باشید زیرا شانس خوبی در به دست آوردن سود از معامله‌گران به دام افتاده‌ای را دارید که مجبور به خروج با ضرر می‌شوند.

از آنجا که فعالیت موسسه‌ای حرکت بازار را کنترل می‌کند و حجم معاملاتشان خیلی بالاست و آن‌ها بیشتر معاملاتشان را به‌قصد نگهداری برای ساعت‌ها تا ماه‌ها قرار می‌دهند، بیشترشان به دنبال معامله اسکالپ نیستند و در عوض از ورودی‌های اصلی خود حمایت می‌کنند. اگر ونگارد یا فیدلتی مجبور به خرید سهام برای یک از شرکت‌های حقوقی خود باشند، مشتریانشان از صندوق خواهند خواست که در پایان روز صاحب سهم باشند. مشتریان شرکت‌های حقوقی را به امید اینکه صندوق معامله روزانه انجام دهند و در پایان روز کل پول را تمام کنند نمی‌خرند. صندوق‌ها مجبورند سهام‌داری کنند، یعنی اینکه مجبورند بخرند و نگهدارند. برای مثال، بعد از خرید اولیه‌شان، احتمالاً بسیار بیشتر خواهند خرید و از هر پولبک کوچکی برای افزودن استفاده می‌کنند. اگر پولبکی نباشد آن‌ها همین‌طور که بازار بالا می‌رود می‌خرند.

بعضی از تازه‌کاران نمی‌دانند که چه کسی در حال خرید است که بازار مستقیماً به سمت بالا می‌رود و چرا همه در بازار بجای منتظر ماندن برای یک پولبک خرید می‌کنند. جواب ساده است. مؤسسات هستند که برای پر کردن تمام سفارشات خود در بهترین قیمت ممکن در حال خرید هستند و همچنان که بازار رشد می‌کند در بخش‌های زیادی خواهند خرید. همچنین، بسیاری از معاملات توسط الگوریتم‌های کامپیوتری انجام می‌شوند و بعد از اینکه برنامه‌ها کارشان را به اتمام رساندند، آن معاملات هم به پایان می‌رسند. دیگر شرکت‌ها، با برنامه‌هایی معامله می‌کنند که

همواره زمانی می‌خرند که مومنتم قوی باشد و تنها زمانی که مومنتم کم می‌شود، آن برنامه‌ها هم متوقف می‌شوند. اگر یک معامله به شکست بیانجامد، احتمال اینکه نتیجه خواندن اشتباه رفتار قیمت توسط معامله‌گر باشد به‌مراتب بیشتر از آن است که یک موسسه نظر خود را عوض کند یا سود خود را از تغییرات اندک قیمت در دقایق اولیه کار یک برنامه بگیرد. برنامه‌ها بر پایه آمار هستند و ادامه یک روند بر اساس آمار و احتمال است. روند تا زمانی ادامه پیدا خواهد کرد که به نقاط تکنیکالی برسد که احتمالات بر آن است که قیمت بیش‌ازحد رشد کرده است. این‌طور نیست که یک خط روند و یک هدف حرکت اندازه‌گیری وجود دارد که همه نویسندگان نرم‌افزار با آن موافق خواهند بود. درواقع روی نمودار نقاط کلیدی تکنیکال بی‌شماری وجود دارد. زمانی که تعداد کافی از آن‌ها در یک منطقه رخ دهد بازار می‌چرخد. برنامه یک شرکت از بعضی از آن‌ها استفاده می‌کند و شرکت دیگری از نقاط دیگری استفاده خواهد کرد. اگر تعداد بیشتری از شرکت‌ها روی بازگشت در یک منطقه کلی شرط‌بندی کنند، آن بازگشت رخ خواهد داد. در آن نقطه، ریاضیات به نفع یک بازگشت است. مؤسسات قسمتی از سودشان را می‌گیرند و شرکت‌های تحلیلگر کمی[1] در جهت مخالف موقعیت می‌گیرند. این الگوریتم‌ها به معامله کردن در جهت مخالف ادامه می‌دهند تا اینکه بازار دوباره از حد فراتر رود، در آن نقطه ریاضیات به نفع بازگشت است و شرکت‌ها دوباره در جهت مخالف شرط می‌بندند.

اگر مؤسسات هوشمند، سودده و مسئول تمام تغییرات کوچک قیمت هستند، پس چرا در روند صعودی بالاترین تغییر قیمت را می‌خرند (در روند نزولی پایین‌ترین تیک را می‌فروشند)؟ به این دلیل که آن کاری است که الگوریتم‌های آن در تمام مسیر صعودی با سود انجام داده‌اند و بعضی از آن‌ها طوری طراحی شده‌اند که آنقدر آن کار را انجام می‌دهند تا اینکه مشخص شود که روند صعودی بیش از این عملی نخواهد بود. آن‌ها روی آن خرید نهایی ضرر می‌کنند، ولی روی تمام معاملات قبلی خود به‌اندازه‌ای سود می‌کنند تا آن ضررها را جبران کنند. به خاطر داشته باشید، تمام سیستم‌های آن‌ها بین ۳۰ تا ۷۰ درصد اوقات ضرر می‌کنند و این یکی از آن زمان‌هاست. همچنین شرکت‌های HFT هستند که برای حتی یک تیک درست تا بالای سقف یک روند صعودی معامله اسکالپ انجام می‌دهند. سقف همیشه روی یک سطح مقاومت است و بسیاری از شرکت‌های HFT درصورتی‌که سیستمشان نشان دهد که این استراتژی سودآور است، یک یا دو تیک در زیر سطح مقاومت خواهند خرید تا آن تیک نهایی را بگیرند. دیگر مؤسسات به‌عنوان قسمتی از خرید

[1]. شخصی که با استفاده از الگویی پیچیده ریاضی و آماری، یک وضعیت یا واقعه، به‌ویژه یک بازار مالی را تجزیه‌وتحلیل می‌کند. م

تأمینی[1] در دیگر بازارها می‌خرند (سهام، اختیار، صندوق‌ها، ارزها و غیره)، زیرا می‌دانند نسبت ریسک به ریوارد آن‌ها با خرید تأمینی بهتر می‌شود. حجم بازار از طرف معاملات معامله‌گران خرد نیست زیرا آن‌ها مسئول کمتر از ۵ درصد حجم در نقاط بازگشت اصلی هستند.

تنها اهمیت درک اینکه مؤسسات علت پرایس اکشن هستند آن است که معامله کردن بر اساس پرایس اکشن را مطمئن‌تر می‌کند. بیشتر مؤسسات نمی‌خواهند در یک روز وارد معامله شوند و از آن خارج شوند تا اینکه بعد از هر ورود شما بازار را معکوس کنند. ورود شما بر اساس پرایس اکشن تنها باری بر دوش فعالیت‌های آن‌هاست، ولی برخلاف آن‌ها، شما تمام یا قسمتی از معاملات خود را از طریق اسکالپ انجام می‌دهید.

تصادفاً، اگر یک معامله‌گر از حد ضرری استفاده کند که بزرگتر از هدف سود او باشد، باید بیش از ۷۰ درصد از معاملات او با سود همراه باشد. معامله‌گران بسیار کمی می‌توانند همواره در ۷۰ درصد مواقع برنده باشند و بنابراین بیشتر معامله‌گران هرگز نباید از حد ضرری استفاده کنند که از هدف سودشان بزرگتر باشد. با این حال وقتی معامله‌گران موقعیتی را می‌بینند که پتانسیل سود آن حداقل به‌اندازه ریسک آن است و حداقل ۶۰ درصد در مورد آن موقعیت مطمئن هستند، آنگاه می‌توانند در مورد انجام آن معامله فکر کنند. بیشتر معامله‌گران باید اقدام به جستجو برای معاملات سوییینگی کنند که سود آن حداقل به‌اندازه دو برابر ضرر آن باشد. احتمال موفقیت آن معمولاً تنها ۴۰ تا ۵۰ در صد است و تنها فرصت‌های کمی در روز وجود دارد، ولی شانس سود در دراز مدت بیشتر است. زمان‌هایی وجود دارد که شانس موفقیت آن‌ها ۶۰ درصد یا بیشتر است، ولی این موقعیت‌ها معمولاً در زمان شکست‌های قدرتمند وجود دارند. انجام این معاملات برای بیشتر معامله‌گران دشوار است به خاطر اینکه زمان برای تحلیل کردن و معامله کندل‌های بزرگ محدود است و بنابراین، ریسک‌های این‌گونه معاملات بزرگتر است، ولی ریاضیات اغلب در بهترین حالتی است که یک معامله‌گر خواهد داشت.

شرکت‌هایی وجود دارند که روزانه حجم قابل‌ملاحظه‌ای را معامله می‌کنند. با این حال، برای اینکه معاملات آن‌ها سودمند باشد بازار باید در جهت آن‌ها حرکت بزرگی را انجام دهد و معامله‌گران پرایس اکشن اولین قسمت حرکت را که به آن‌ها اجازه ورود زود هنگام را می‌دهد، خواهند دید و مطمئن می‌شوند که شانس یک معامله اسکالپ موفق، بالاست. آن شرکت‌ها اگر در حال تلاش برای معامله اسکالپ ۴ یا ۸ تیکی باشند نمی‌توانند بازاری را ببینند که به‌اندازه ۱۵ تیک

۱-هج (Hedging) به معنای گرفتن یک موقعیت به‌منظور جبران ریسک نوسانات آتی قیمت است. نوعی تراکنش مالی است که شرکت‌ها به‌عنوان بخشی از انجام کسب‌وکار، به‌طور منظم انجام می‌دهند. م

برخلاف جهت آن‌ها حرکت می‌کند؛ بنابراین، آن‌ها تنها زمانی وارد خواهند شد که احساس کنند ریسک حرکت مخالف کم است. اگر فعالیت آن‌ها را روی نمودار بخوانید، شما هم باید در معامله خود مطمئن باشید، ولی همیشه در بازار حد ضرری را برای حالتی که خواندن شما غلط باشد یا دیگر مؤسسات بر حرکت جاری با معامله در جهت مخالف غلبه کنند، داشته باشید.

اغلب پولبکی وجود دارد که کندل ورودی را تست می‌کند. برای مثال، اگر ورودی خریدی وجود داشته باشد، خریداران اغلب حد ضرر خودشان را اندکی زیر کف آن کندل ورودی درست بعد از قیمت پایانی کندل قرار می‌دهند. دیدن پولبکی که دقیقاً به کف آن کندل ورودی برمی‌گردد نه یک تیک پایین‌تر نسبتاً معمول است؛ یعنی اینکه حد ضرر فعال نشده است و اینکه باید حجمی به‌اندازه مؤسسات باشد تا از حد ضررها حمایت کند. از آنجا که این قیمت بر روی نمودار بسیار واضح است، آن‌ها این خریدها را بر اساس پرایس اکشن انجام می‌دهند.

در نمودار ۵ دقیقه‌ای EMINI، اتفاقات پرایس اکشنی مشخصی وجود دارد که چشم‌انداز معامله‌گران باهوش را تغییر می‌دهد. برای مثال، اگر پولبکی دو موجی در یک روند وجود داشته باشد (ABC) و بازار پس از آن در بالای سقف کندل قبلی معامله شود، بسیاری از خریداران اندکی بالای سقف کندل قبلی خرید خواهند کرد (یک سقف ۲ ورودی خرید). اگر بازار پس از آن در زیر کف پولبک دومرحله‌ای معامله شود، همگی خواهند پنداشت که بازار احتمالاً حداقل یک مرحله دیگر نزول خواهد داشت. اگر معامله‌گر مؤسساتی باشید و آن سقف ۲ را خریده باشید، نمی‌خواهید که آن سقف ۲ شکست بخورد و در تمام مسیر نزول تا یک تیک بالای آن قیمت حد ضرر کلیدی بیشتر خواهید خرید. آن موسسه از پرایس اکشن استفاده می‌کند تا از خرید خود حمایت کند.

معامله‌گری به روش تکرار بالا[1]

درک این مطلب مهم است که قسمت بزرگ و روبه افزایشی از سهام، آتی‌ها، صندوق‌های تبادل ارز، ارزها، بازارهای کالا و معاملات اختیار روزانه به‌وسیله شرکت‌هایی که مکرراً معامله می‌کنند (HFT) و الگوریتم‌هایی دارند که به‌وسیله تحلیل‌گران کمی طراحی شده است اجرا می‌گردند. بیشتر برنامه نویسان مدارج استادی یا دکتری در ریاضیات، تحلیل‌های کمی، مهندسی، برنامه‌نویسی، یا فیزیک دارند و ماهرترین آن‌ها به خاطر تلاششان می‌توانند یک‌میلیون دلار در سال درآمد کسب کنند. بعضی از الگوریتم‌ها موقعیت‌ها را تا کسری از ثانیه نگاه می‌دارند و بعضی دیگر به مدت یک یا دو ساعت در آن موقعیت می‌مانند. هر استراتژی قابل تصوری، از قبیل مدل‌هایی بر پایه تحلیل‌های

[1]. High Frequency Trading

پیچیده مالی حجم‌های عظیمی از داده‌ها تا انحرافات آماری ساده استفاده می‌شود. هر ایده‌ای باید منطق بی‌نقصی داشته باشد و تست‌های قبلی باید مؤثر بودن آن استراتژی را تأیید کند. برخی برنامه نویسان در طول هر روز برنامه‌هایشان را ارتقا می‌دهند تا برای چند ساعت بعدی از مزیتی برخوردار شوند. بعضی از برنامه نویسان در دنیای نانو ثانیه فعالیت می‌کنند (یک میلیاردیم ثانیه) و هرگونه سخت‌افزار و نرم‌افزار پیشرفته‌ای که زمان تأخیری بین دریافت داده و انجام دادن سفارشات را کاهش می‌دهد را بکار می‌گیرند. همچنین سریع‌ترین زبان‌های برنامه‌نویسی و سیستم‌های عامل استفاده می‌شوند تا تأخیر زمانی را کم کنند. از آنجا که سود آن‌ها خیلی کم است و صدها میلیون دلار از پولشان درگیر کار است، شرکت‌های HFT می‌خواهند، مرموز، پنهان‌کار و پر از افراد باهوش بمانند.

برنامه ۶۰ دقیقه شبکه CBS در اکتبر سال ۲۰۱۰ موضوعی را درباره شرکت‌های HFT پخش کرد و گزارش داد که ۷۰ درصد حجم روزانه و بیش از یک میلیارد سهم از بازار سهام روزانه توسط برنامه‌های HFT معامله می‌شود. این چیزی گمراه‌کننده است زیرا شرکت‌های HFT قسمتی از دنیای معاملات الگوریتم هستند. انواع دیگری از برنامه‌ها وجود دارند که برای معامله درازمدت طراحی شده‌اند و همچنین قسمتی از آن ۷۰ درصد هستند. نرم‌افزارهای معامله با دفعات تکرار بالای فوری و برنامه‌های معاملات درازمدت هر دو توسط تحلیل‌گران کمی طراحی شده‌اند. این کارشناسان، استادان ریاضی هستند و آن شخصی که برنامه‌های HFT را طراحی کرده است اهمیتی به نمودار یا عوامل بنیادی نمی‌دهد و تنها به تمایلات بازار بر اساس تحلیل‌های آماری علاقه‌مند است. بیشتر آن‌ها حتی به نمودار ۵ دقیقه‌ای هم اهمیتی نمی‌دهند و معاملات آن‌ها هیچ ربطی به نموداری که شما در حال نگاه کردن به آن هستید ندارند.

برنامه ۶۰ دقیقه در گزارش خود با رئیس تریدورکس، شرکت کوچک ریاضیدانان و تحلیلگرانی که روزانه ۴۰ میلیون سهم را در سبد ۴۵۰۰ سهمی خود معامله می‌کردند مصاحبه کرد؛ یعنی اینکه آن شرکت به‌طور متوسط روزانه از هر سهم ۱۰۰۰۰ واحد معامله می‌کند. ازآنجایی‌که معامله‌گران از هر معامله تنها یک سنت یا کسری از یک سنت به دست می‌آورند، موقعیت‌های خود را برای تنها چند ثانیه تا چند دقیقه نگاه می‌دارند و شاید سایز موقعیت آن‌ها بسیار کوچک باشد. کامپیوترها تمام معاملات را انجام می‌دهند زیرا فرصت‌هایی که آن‌ها در آن معامله می‌کنند تنها در کسری از ثانیه موجود است و انسان برای استفاده از آن موقعیت‌ها بسیار کند است. به خاطر اینکه آن‌ها سهام ۴۵۰۰ شرکت را معامله می‌کنند، سهم یکی از آن شرکت‌ها از لحاظ اندازه و یا شاید حجم روزانه در رتبه ۴۵۰۰ ام قرار دارد؛ یعنی اینکه بعضی از این شرکت‌ها که آن‌ها معامله می‌کنند روزانه تنها چند صد هزار سهم یا کمتر معامله می‌شوند. اگر آن‌ها ۱۰۰۰۰ سهم را در آن

شرکت معامله کنند و ۵۰ شرکت HFT دیگر هم ۱۰۰۰۰ سهم را مبادله کنند، روزانه ۵ میلیون سهم معامله می‌شود. به دلیل اینکه این رقم بیشتر از کل حجم مبادله شده در آن شرکت است، احتمالاً تریدورکس در هر معامله اغلب ۱۰۰۰ سهم یا کمتر معامله می‌کند. واضح است که معامله‌گران روی هر سهم ۱۰۰۰۰ واحد معامله نمی‌کنند اما این مقدار میانگین آن‌هاست، بر این اساس که ۴۰ میلیون سهم را روزانه معامله می‌کنند و سبد ترید ورکس شامل ۴۵۰۰ سهم است. آن‌ها احتمالاً حجم بالاتر و اغلب اوقات در شرکت‌هایی که حجم روزانه غول‌آسایی دارند معامله می‌کنند، ولی آن‌ها هنوز هم مجبورند حجم بسیار کمی را روی بسیاری از سهم‌ها معامله کنند. بسیاری از شرکت‌ها با هدف کسب سود اسکالپ یک سنتی یا کمتر روی هر معامله، موقعیت خود را به مدت چند ثانیه تا چند دقیقه نگاه می‌دارند.

برنامه‌های آن‌ها فقط بر اساس آمار است. امتیاز در معامله همیشه بسیار کم است، ولی اگر از نظر ریاضی دقت بسیار بالایی داشته و هزاران بار در روز آن را انجام دهید، از لحاظ تئوری سود ثابتی خواهید داشت. این با اصولی که کازینوها با آن کسب درآمد می‌کنند یکسان است. در بیشتر بازی‌ها، سود آن‌ها تقریباً ۳ درصد یا کمتر است، ولی بیش از ۹۹ درصد اطمینان دارند که سودشان واقعی است نه تصادفی. اگر یک کازینو تنها یک مشتری داشته باشد و آن مشتری یک میلیارد دلار شرط‌بندی کند، ۴۷ درصد احتمال دارد که آن کازینو در آن شرط‌بندی ضرر کند؛ اما اگر هزاران قمارباز هر روز شرط‌بندی‌های کوچکی انجام دهند، احتمالات بر این است که آن کازینو همواره درآمد خواهد داشت. همین امر برای شرکت‌ها HFT هم درست است.

یک استراتژی فرضی که این تحلیل‌گر به آن اشاره کرد خرید ۵ دلار از هر سهمی در سبد ۴۵۰۰ سهمی آن‌ها بود که در هفته گذشته ۵ درصد سقوط کرده است و فروش ۱۰ دلار از هر سهمی که در هفته قبل ۱۰ درصد رشد داشته است. تعداد برنده‌ها تنها اندکی از تعداد بازنده‌ها بیشتر است، ولی وقتی‌که سیستمی را با مزیتی اندک و اغلب کافی معامله می‌کنید، می‌توانید سود ثابتی را ایجاد کنید، درست مانند کازینوها. او گفت که شرکتش بعضی مواقع دو یا سه روز پشت سر هم متضرر می‌شود ولی هرگز یک ماه ضرر نداشته است. شخصی در مصاحبه نشان داد که یک شرکت بر اساس گزارش به مدت چهار سال متوالی هر روز درآمد داشته است. باید تصور کنید که آن‌ها هر استراتژی قابل تصوری را بر پایه هر بخشی از داده در دسترس، شامل اسپردها، حجم‌ها، بازارهای مرتبط و کل بازارها امتحان کرده‌اند و اگر آن تست نشان دهد که آن استراتژی‌ها دارای مزیتی هستند، بر اساس آن استراتژی آن‌قدر معامله خواهند کرد تا زمانی که آن تست دیگر جواب ندهد.

این شرکت‌ها در مورد جریان سفارش چند میلی‌ثانیه‌ای قبل از هر کس دیگری اطلاعات جمع‌آوری می‌کنند و ماهانه ده‌ها هزار دلار هزینه می‌کنند که تا حد ممکن به مبادله نزدیک شوند تا اطلاعات را هرچه سریع‌تر به دست آورند و همچنین سریع‌ترین کامپیوترها را بکار می‌گیرند. هر میلی‌ثانیه اضافه که بتوانند خریداری کنند بر امتیاز آن‌ها افزوده می‌شود. کامپیوترهای آن‌ها در هر ثانیه هزاران سفارش را می‌گذارند و لغو می‌کنند تا بر جهت بازار اشراف پیدا کنند و سپس از این اطلاعات استفاده می‌کنند تا هرچه زودتر وارد یا خارج شوند. تکنولوژی به‌سرعت در حال تغییر است و از زمانی که کنترل بیشتر حجم معاملات کامپیوتری شده است، بیشتر رفتارهای قیمت را هم کنترل می‌کند و احتمالاً همیشه این وضعیت خواهد بود. یک فایده مهم برای معامله‌گران خرد این است که حجم عظیم بازار باعث بالا رفتن قدرت نقدشوندگی بازار می‌شود و به معامله‌گران اجازه می‌دهد که با اسپرد بسیار کمی وارد و خارج شوند تا هزینه معامله کاهش یابد.

امروزه داو جونز و شرکت‌ها[1] خدمات خبری بنام لکسیکون[2] دارند که اخبار مالی با قابلیت خوانده شدن توسط ماشین را به مشتریان خود عرضه می‌کنند. لکسیکون تمام گزارشات داو جونز را در مورد سهام اسکن کرده و آن‌ها را تبدیل به فرمتی می‌کند که الگوریتم‌ها بتوانند برای تصمیم‌گیری خرید و فروش سهام در کسری از ثانیه از آن‌ها استفاده کنند. الگوریتم‌های دیگر علاوه بر تغذیه اخبار بر روی تایم فریم‌های بالاتر عمل می‌کنند و عملکرد سهام و صورت‌وضعیت درآمد را تحلیل می‌کنند تا تصمیمات معاملاتی ایجاد کنند. تعدادی از نرم‌افزار بهینه‌سازی ارزیابی تفاضلی استفاده می‌کنند که داده‌هایی ایجاد کنند که برای ایجاد داده‌های دیگری مورد استفاده قرار گیرند. آن‌ها به پالایش داده‌ها ادامه می‌دهند تابه سطحی از اطمینان ریاضیاتی برسد و سپس نتیجه آن برای خرید یا فروش خودکار سهام استفاده می‌شود. بعضی از سفارشات آن‌قدر بزرگ هستند که برای سفارش گذاری زمان زیادی لازم است و نرم‌افزارهای معامله الگوریتمی آن‌ها را به بخش‌های کوچکتر تقسیم می‌کنند تا آن معاملات از دید معامله‌گرانی که تلاش می‌کنند بر روی روندهای اولیه سرمایه‌گذاری کنند پنهان بماند. الگوریتم‌های معامله‌گری شکارچی تلاش می‌کنند تا آنچه را که برنامه‌های معاملات الگوریتمی پنهان می‌کنند را کشف کنند. همه به دنبال یک برتری هستند و شرکت‌های زیادتر و زیادتری از کامپیوترها استفاده می‌کنند تا آن امتیاز را به دست آورند و معاملاتشان را انجام دهند.

یک معامله‌گر به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند یک گزارش و تمام مفاهیم آن را به‌موقع تحلیل کند تا سفارشی را در نمودار ۵ دقیقه‌ای قرار دهد. کامپیوترها می‌توانند بسیار سریع‌تر از یک معامله‌گر

---

[1]. DOW JONES & COMPANY
[2]. Lexicon

خرد اطلاعات را پردازش کرده و سفارشات را قرار دهند و این درست بعد از پخش یک گزارش به آن‌ها برتری بسیار زیادی نسبت به معامله‌گران خرد می‌دهد. وقتی رقیب یک معامله‌گر مزیت بسیار بزرگی را در اختیار دارد، آن معامله‌گر در وضعیت نامساعدی قرار می‌گیرد، یعنی اینکه هیچ امتیازی در اختیار ندارد. ازآنجایی‌که امتیاز این معامله‌گران خرد هرگز بزرگ نمی‌شود، باید تنها زمانی که آن امتیاز را در اختیار دارند معامله کنند و زمانی که آن امتیاز بزرگ را ندارند از معامله کردن اجتناب کنند، مخصوصاً وقتی‌که رقیب آن‌ها امتیاز ویژه بسیار بزرگی دارد. با این وجود، باز هم می‌توانند از گزارش کسب درآمد کنند. ازآنجایی‌که بسیاری از شرکت‌ها کامپیوترهایی دارند که گزارشات را به‌سرعت تحلیل می‌کنند و سپس بر اساس آن تحلیل‌ها معامله می‌کنند، تمام کاری که باید یک معامله‌گر انجام دهد آن است که قادر باشد یک نمودار را بخواند تا ببیند که تمام آن تحلیل‌ها به‌اتفاق آراء چه می‌گویند. کامپیوترها به شما نشان خواهند داد که معنی گزارش برای بازار چیست و تمام کاری که باید انجام دهید این است که در همان جهت وارد شوید. اتفاقاً، کامپیوترها امتیاز اضافه‌ای در پایان روز دارند. وقتی معامله‌گران برای ساعت‌ها معامله کنند، طبیعتاً خسته‌تر، کندتر شده و در مقابل معامله کردن مقاومت می‌کنند. کامپیوترها هرگز خسته نمی‌شوند و به‌اندازه همان لحظه شروع معاملات تا ثانیه‌های پایانی روز مؤثر باقی می‌مانند. اگر معامله‌گران در ساعات پایانی مثل آن‌ها بهترین نباشند، امتیاز کمتری دارند یا امتیازی ندارند و باید تنها زمانی که خودشان و موقعیتشان هردو قدرتمند هستند معامله کنند.

اگر به این فکر کنید، می‌بینید که یک مشکل ذاتی که شرکت‌های HFT با آن مواجه هستند آن است که آن‌ها می‌تواند غاز تخم طلای خود را بکشند. معاملات آن‌ها بر پایه آمار است، اگرچه بیشتر اوقات روش خود را سال‌ها تست می‌کنند، آن‌ها یقیناً به روشی که بازار در چند هفته گذشته رفتار کرده است توجه می‌کنند. اگر تعداد کافی از شرکت‌ها تنظیمات خود را به دلیل رفتار اخیر قیمت انجام دهند، حجم کافی برای گرفتن سمت مقابل مبادلات آن‌ها موجود نخواهد بود و به‌عنوان نتیجه آن‌ها قادر به معامله به روشی که الگوریتم‌هایشان تمایل به انجام آن دارند نخواهند بود و درآمد زیادی نخواهند داشت. ممکن است حتی ضرر هم بکنند. این عدم تعادل در تغییری در پرایس اکشن خود را نشان می‌دهد. برای مثال، اگر نوسان روزانه به حدود یک‌سوم میانگین بلندمدت آن کوچک شود، این روش نمی‌تواند مدت زیادی طول بکشد. درنهایت همه می‌فهمند که چگونه از این روزهای کم نوسان پول بسازند و احتمالاً همگی یک کار را انجام خواهند داد. در بعضی مناطق، پول کافی برای گرفتن سمت مقابل معاملاتشان باقی نخواهد ماند و آن‌ها یا نمی‌توانند سفارش‌هایشان را انجام دهند یا مجبورند بدترین ورودی‌ها را قبول کنند. در هردو حالت رفتار بازار را تغییر می‌دهند.

بسیاری از معامله‌گران موسسه‌ای که سفارشات بزرگی را برای مشتریان موسسه‌ای انجام می‌دهند از معامله‌گران فرکانس بالا عصبانی هستند، ولی من گمان می‌کنم که ناراحتی‌شان به دلیل حسادت است. این معامله‌گران موسسه‌ای قبلاً در صدر زنجیره غذایی و مسئول تمام حرکات قابل‌توجه بازار بودند. حالا دیگر نیستند. آن‌ها تحلیل‌گران کمی را می‌بینند که همواره درآمد بیشتری دارند، آن‌ها به روشی کار می‌کنند که به‌طورکلی عوامل بنیادی که معامله‌گران موسسه‌ای سنتی فکر می‌کنند اساس وال‌استریت را تشکیل می‌دهد را نادیده می‌گیرند. آن‌ها از این تازه به دوران رسیده‌هایی که وارد بازی آن‌ها می‌شوند متنفرند، صرف‌نظر از قوانین آن‌ها و هر چیزی را که آن‌ها ارزشمند می‌دانند، پیشینه بسیار بهتری دارند، ابهت بیشتری دارند و احتمالاً برای معامله‌گران جوان و تازه‌کار بهترین محل‌ها برای کار را فراهم می‌کنند. احتمالاً تعدادی از مشتریان آن‌ها به شرکت‌های HFT و برنامه‌های دیگر منتقل می‌شوند و این درآمد آن‌ها را تهدید می‌کند. با این حال هدف کسب درآمد است. من از این قدرت نقد شوندگی اضافه بازار خوشحالم و تمام سوییچ‌های قدرتمندی که اکنون رایج هستند را دوست دارم. من حتی محدوده‌های معامله‌ای که این تحلیل‌گران کمی ایجاد می‌کنند را دوست دارم، ولی آن‌ها برای معامله کردن بسیار پر استرس هستند.

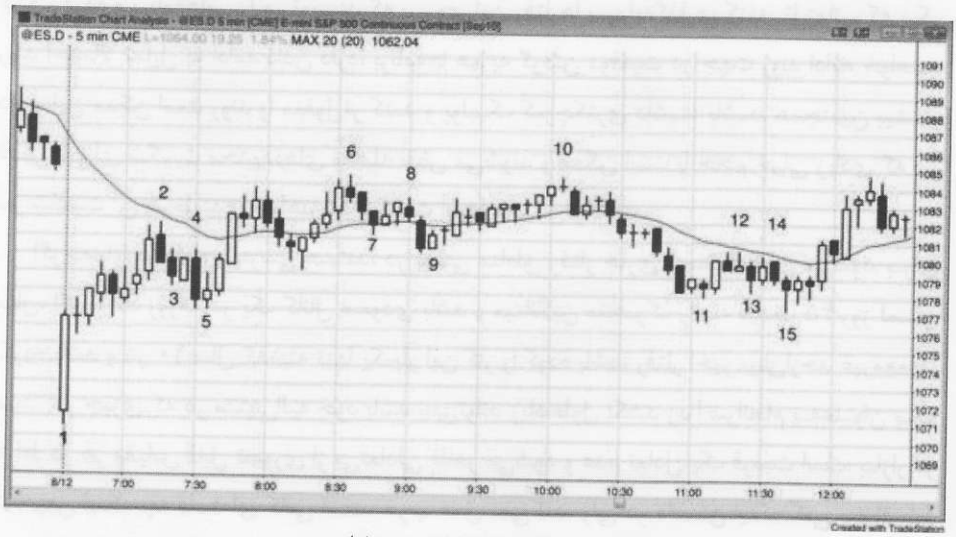
نقد شوندگی یعنی دسترسی فوری به سهم‌ها در قیمتی منصفانه و این یعنی اینکه معامله‌گران فرکانس بالا درواقع به معامله‌گران موسسه‌ای کمک می‌کنند تا قیمت مناسبی را در معاملاتشان به دست آورند. این نقد شوندگی قبلاً به‌وسیله تسویه کنندگان سفارش (بازار سازها) انجام می‌شد، ولی نقش آن‌ها به‌طور گسترده‌ای به‌وسیله شرکت‌های HFT قبضه شده است. اتفاقاً، درست همان‌طور که علیه شرکت‌های HFT شکایاتی وجود دارد، قبلاً شکایاتی برعلیه کارهای غیرمنصفانه بازار سازها وجود داشت. یکی از بزرگترین شکایات این بود که زمانی که بازار در حال سقوط بود آن‌ها در گرفتن سمت دیگر معاملات ناتوان بودند که زمانی است که بیشتر معامله‌گران با ناامیدی شخصی را می‌خواستند که در سمت دیگر یک معامله فعالیت کند. شکایات دیگری از قبیل ائتلافات مبهم، معامله‌گری برق‌آسا، شبکه‌های متقاطع و در مورد تمام ظواهر کامپیوتری شدن معاملات وجود داشت، ولی بیشتر کارهای غیرمنصفانه احتمالاً به‌وسیله دولت فدرال به کمترین مقدار خود خواهد رسید و نباید دلیل مشکلی برای معامله‌گران خرد در درازمدت باشد.

تحلیل‌گران کمی نقد شوندگی را برای بازار فراهم می‌کنند و اسپردها را برای تمام معامله‌گران کم می‌کنند، ولی بعضی مواقع اگر تعدادی کافی از آن‌ها در یک‌زمان یک کار را انجام دهند، برنامه‌های آن‌ها می‌توانند ظرف چند دقیقه در ایجاد حرکت بزرگی در بازار مشارکت کنند. این برنامه‌های اسکالپینگ احتمالاً بر سوییچ‌ها در طول روز خیلی نفوذ ندارند که بیشتر نتیجه

سفارشات مؤسساتی هستند که در حال انجام آن سفارشات برای مشتریانشان هستند. در درازمدت عوامل بنیادی ایفای نقش می‌کند ولی در چند ثانیه تا چند دقیقه بعد، معاملاتی که توسط برنامه‌ها انجام می‌شوند، بازار را کنترل می‌کنند و احتمالاً کاری به کار عوامل بنیادی بازار ندارند. عوامل بنیادی جهت بازار را در چند ماه آینده تعیین می‌کند، ولی ریاضیات مسیری را که بازار از آن تا رسیدن به هدف پیروی می‌کند را تعیین می‌نماید. از آنجا که الگوریتم‌ها بر پایه آمار هستند، درواقع ممکن است حمایت و مقاومت و روند را به خاطر اینرسی بازار بالا ببرند. بازارها تمایل دارند کاری را که در حال انجام آن هستند را ادامه دهند، بنابراین برنامه نویسان رفتار تکراری بازار را کشف کرده و برنامه‌هایی را می‌نویسند که بر روی این رفتارها سرمایه‌گذاری کنند. تا زمانی که یک روند احتمالاً تمایل به ادامه دادن دارد، برنامه‌ها هم به گرفتن موقعیت در جهت روند ادامه خواهند داد و این ممکن است روند را معقول‌تر کند و پولبک کوچکتری داشته باشد. همچنین بیشتر تلاش‌ها برای شکست محدوده‌های معامله نقض می‌شوند و ممکن است با حجم خیلی زیادی که بر سر شکست آن شرط‌بندی خواهد شد شکست آن‌ها محتمل‌تر باشد.

اگرچه بازارها دارای اینرسی هستند، در بعضی مناطق رفتار جاری قیمت افراطی می‌شود. برای مثال، اگر SPY روزانه در یک کانال صعودی باشد و میانگین متحرک را به مدت ۴۵ روز لمس نکرده باشد و در ۱۰ سال گذشته تنها یک‌بار این کار را کرده باشد، رفتار اخیر بیش‌ازحد غیرمعمول است. هر چیزی که در منتهی‌الیه خود باشد نمی‌تواند زیاد طول بکشد زیرا سرانجام به‌عنوان یک افراط در هر مقیاس قابل تصوری از بی‌تعادلی ظاهر می‌شود و عدم تعادل یک فرصت است. بازار در تشخیص اینکه چه فاصله‌ای کافی است، خوب عمل نمی‌کند، ولی در دانستن اینکه کی به افراط می‌رسد خوب عمل می‌کند. زمانی که تعدادی کافی از شرکت‌ها به نتیجه برسند که عدم تعادلی وجود دارد، آن‌ها این را به‌عنوان یک امتیاز دیده و شرط‌بندی‌هایی را روی برگشت آن به اعتدال می‌گذارند. آن‌ها شرط می‌بندند که بازار برای انجام کاری که همیشه آن را انجام می‌دهد بر خواهد گشت. در حالتی که SPY صعودی است، فروشندگان بزرگ خواهند فروخت و در قیمت‌های بالاتر به دلیل اینکه حتی تعداد روزهایی که قیمت از میانگین متحرک فاصله می‌گیرد بیشتر می‌شود بر فروش خود خواهند افزود. همچنین خریداران بزرگ رفتار غیرعادی بازار را خواهند دید و شروع به گرفتن سود خواهند کرد و تا زمانی که قیمت حداقل تا میانگین متحرک عقب ننشیند، خرید نخواهند کرد. بازار می‌تواند در هر نوع رفتاری، مانند تعداد کندل‌های متوالی روند نزولی؛ تعداد روزهای متوالی که در آن نوسان نصف یا دو برابر متوسط نوسان باشد؛ تعداد کندل‌های متوالی با کف‌ها، سقف‌ها، یا قیمت‌های پایانی بالای آن قیمت‌ها در کندل‌های قبلی؛ و در مورد هر چیز دیگری که بتوانید تصور کنید، به عدم تعادل برسد. مؤسسات غیرمعمولی وجود دارند که به هر

شکل از رفتار بی‌تعادلی توجه می‌کنند و در آنجا در جهت مخالف معامله خواهند کرد. همچنین، رفتارهای خارج از تعادل درنهایت به‌عنوان عدم تعادل روی هر نشانگر ممکنی ظاهر خواهد شد، بنابراین معامله‌گرانی که تصمیماتشان را بر پایه اندیکاتورها می‌گیرند هم شروع به شرط‌بندی بر روی اینکه آن رفتار به پایان خواهد رسید خواهند کرد. بله، عدم تعادل سرانجام به پایان خواهد رسید، ولی برخلاف روند معامله نکنید، مگر اینکه در خواندن نمودار خیلی مطمئن باشید، زیرا بازار می‌تواند رفتار غیرمعمول خود را بیشتر از آن نگاه دارد که شما بتوانید حساب معاملاتی خودتان را نگاه دارید.



شکل (PI-۱) پولبک‌های دومرحله‌ای

شکل (PI-۱) و تمام نمودارهای این کتاب برای دانلود در سایت WWW.WILEY.COM/GO/TRADINGTRENDS در دسترس است و برای دیدن جزئیات قادر به بزرگنمایی نمودار خواهید بود.

اصلاح‌های دومرحله‌ای موقعیت‌های معقولی برای معامله در جهت روند هستند. شمارش کندل‌ها در بخش‌های بعدی (در دومین کتاب) با جزئیات بحث شده است، ولی ازآنجایی‌که الگوهای ABC تقریباً روی هر نموداری ظاهر می‌شوند، جا دارد در اینجا مختصراً درباره آن‌ها بحث کنیم. همان‌طور که در شکل (PI-۱) نشان داده شده است، بعد از حرکت صعودی قدرتمند به طرف کندل ۲، کندل ۳ اولین موج نزولی است؛ که موج A از پولبک ABC را ساخته است. حرکت کوچک به سمت سقف کندل ۴ موج B و حرکت نزولی تا کف کندل ۵ موج C است. ازآنجایی‌که بیشتر پولبک‌ها به‌طور واضح الگوی ABC نیستند و در عوض اغلب تنها دارای یک موج هستند و

بعضی دیگر سه یا چهار موج دارند، داشتن روشی جایگزین برای توضیح اینکه چه اتفاقی در حال رخ دادن است در اینجا کاربرد دارد. استفاده از عنوان ABCDE جهت برچسب زدن روی پولبکی چهار موجی جالب نیست. در عوض، وقتی‌که پولبکی در یک موج صعودی وجود دارد، مانند پولبک به کندل ۳ در شکل (PI-1)، پس از آن اولین کندلی که به بالای سقف کندل قبلی می‌رود ورودی خرید سقف ۱ است. کندل ۴ مثالی از توضیح فوق است، کندل بعد از کندل ۷ هم همین‌طور است. در کندل بعدی هم پولبک به نزول خود ادامه می‌دهد، همان‌طور که می‌بینید، در کندل ۵ هم این اتفاق رخ می‌دهد، آنگاه اولین کندل بعد از کندل ۵ که به بالای سقف کندل قبلی می‌رود، ورودی سقف ۲ خواهد بود. کندل بعد از کندل ۵ مثالی از ورودی خرید سقف ۲ خواهد بود، همان‌طور که کندل بعد از کندل ۹ است. کندل‌های ۵ و ۹ موقعیت‌های خرید سقف ۲ یا کندل‌های سیگنال هستند. اگر در پرچم صعودی موج نزولی سومی وجود داشته باشد، آن ورودی، وردی خرید سقف ۳ می‌باشد و اگر پس از آن چهارمین موج نزولی هم وجود داشته باشد و بازار به سمت بالا برگردد، آن ورودی سقف ۴ خرید می‌باشد. وقتی بازار در موج نزولی قرار دارد، مانند حرکت نزولی آغازشده از کندل ۱۰، اولین حرکت روبه بالا موج A از اصلاح ABC است. کندل ۱۲ یا کندل قبل از آن موج A هستند. پولبک از آن حرکت کوچک رو به بالا موج B است که کندل ۱۳ می‌باشد و سپس دومین حرکت رو به بالا موج C است که با کندل قبل از کندل ۱۴ به پایان می‌رسد. این یک ABC بدون روند است و معمولاً موج C در یک پولبک به موج A نمی‌رسد. کندل ۱۳ یک ورودی فروش کف ۱ است، چراکه این اولین کندل در یک پرچم نزولی است که به زیر کف کندل قبلی خود می‌رسد. کندل ۱۵ ورودی فروش کف ۲ می‌باشد.

موج‌های بزرگ ضرورتاً غیرقابل توقف هستند، ولی معامله‌گران موسسه‌ای که هر حرکت کوچک قیمت را نظاره می‌کنند یا برنامه‌هایی دارند که طراحی شده‌اند که حرکات ریز بازار را معامله کنند، حرکات ریز قیمت را دقیقاً میزان‌سازی می‌کنند. برای مثال، بعضی از معامله‌گران EMINI تلاش خواهند کرد که در معامله اسکالپ با یک پوینت یا چهار تیک سود از معامله خارج شوند. اگر اخیراً وارد خریدی شده باشند، بازار معمولاً باید ۶ تیک به بالای سقف کندل سیگنال حرکت کند. آن‌ها احتمالاً در سفارش خریدی در یک تیک بالای سقف کندل سیگنال وارد شده‌اند و حد سودشان در چهار تیک بالای قیمت ورودی‌شان است. معمولاً سفارش آن‌ها تا زمانی که بازار یک تیک بالاتر از حد سودشان نرود انجام نخواهد پذیرفت که جمعاً ۶ تیک بالای سقف کندل سیگنال است. بعضی مواقع وقتی‌که بازار تنها ۵ تیک بالا می‌رود نه ۶ تیک (یک واماندگی ۵ تیکی بالقوه)، ناگهان معامله‌ای از ۲۵۰ قرارداد EMINI خواهد بود و قیمت پایین‌تر نمی‌آید. در کل در بازار امروز EMINI هر چیزی بالای ۱۰۰ معامله باید موسسه‌ای در نظر گرفته شود. حتی اگر یک فرد

معامله‌گر بزرگی باشد، احتمالاً دارای بینش یک موسسه است و به دلیل اینکه او با حجم مؤسسات معامله می‌کند، از یک موسسه قابل تشخیص نیست. تا زمانی که قیمت در ۵ تیک می‌ماند، تقریباً یقین وجود دارد که سفارش با اندازه ۲۵۰ لات یک خرید موسسه‌ای است. به خاطر اینکه وقتی‌که مؤسسات در بازاری که پر از خریداران عصبی است، فروش انجام می‌دهند قیمت به‌سرعت سقوط می‌کند. وقتی‌که مؤسسات در زمانی که بازار بالای ۵ تیک حرکت کرده است شروع به خرید می‌کنند، از بازار انتظار دارند که بیش از یک تیک بالا رود و معمولاً طی یک یا چند دقیقه قیمت از ۶ تیک رانش کرده و خیلی بیشتر به سمت بالا سوییینگ می‌کند. مؤسسات در سقف می‌خرند، یعنی اینکه فکر می‌کنند قیمت بالاتر خواهد رفت و احتمالاً با حرکت روبه بالای قیمت بیشتر خواهند خرید. همچنین ازآنجایی‌که در اغلب مواقع، اسکالپ ۴ تیکی کار می‌کند، احتمالاً در اینجا معاملات اسکالپ موسسه‌ای انجام می‌شوند که در طول روز نفوذ زیادی را بر روی بیشتر معاملات اسکالپ اعمال می‌کند.

معامله‌گران توجه زیادی به ثانیه‌های قبل از قیمت پایانی تایم فریم‌های مهم مخصوصاً کندل‌های ۱۵،۵،۳ و ۶۰ دقیقه‌ای دارند. این همچنین برای حجم‌های مهم برای نمودار کندل‌های حجم هم درست است. برای مثال، اگر معامله‌گران زیادی پی گیر ۱۰۰۰۰ سهم در نمودار کندلی برای ۱۰ سال قرارداد سلف ثبت‌شده توسط خزانه‌داری آمریکا باشند، سپس وقتی‌که کندل در آستانه بسته شدن است (این کندل در اولین معامله از هر اندازه‌ای که سبب می‌شود حداقل ۱۰۰۰۰ سهم از ابتدای شکل‌گیری کندل معامله شود، بسته می‌شود، بنابراین آن کندل بندرت دقیقاً ۱۰۰۰۰ سهم است)، ممکن است یک فعالیت نوسانی قیمت باشد که بر ظاهر نهایی کندل تأثیر بگذارد. ممکن است یک طرف بخواهد تمایلی نشان دهد که کندل بیشتر صعودی یا نزولی به نظر برسد. در ساده‌ترین عبارت، یک کندل روند صعودی قوی یعنی اینکه خریداران صاحب کندل هستند. در روندهای قدرتمند برای یک کندل بازگشتی بسیار معمول است که قبل از اینکه کندل ۵ دقیقه‌ای بسته شود ظاهر آن در چند ثانیه پایانی به‌کلی معکوس شود. برای مثال، در یک روند نزولی قوی، ممکن است موقعیت خرید با یک کندل بازگشت صعودی بسیار قوی وجود داشته باشد. سپس، در ۵ ثانیه باقی‌مانده تا بسته شدن کندل، قیمت ناگهان سقوط کرده و کندل در کف خود بسته شود و بسیاری از خریداران پیشتاز را که منتظر یک کندل بازگشتی صعودی بودند را به دام اندازد. هنگامی‌که معامله ضد روندی برخلاف روند قدرتمند انجام می‌شود، انتظار برای بسته شدن یک کندل سیگنال قبل از سفارش گذاری الزامی است و سپس روی سفارشی در تنها یک تیک فراتر از کندل در جهت معامله خودتان وارد شوید (اگر در حال خرید هستید، در یک تیک بالای سقف کندل قبلی وارد شوید).

بهترین راه برای یادگیری چگونگی خواندن رفتار قیمت چیست؟ پرینت کردن نمودار و جستجو برای هر معامله سود ده. اگر به دنبال سودهای کوچک هستید روی نمودار ۵ دقیقه‌ای به دنبال ۵۰ سنت در سهم اپل (APPL) یا دو دلار در سهم گوگل (GOOG) باشید، آنگاه در طول روز به دنبال حرکاتی بگردید که آن مقدار سود را ممکن می‌سازد. بعد از چندین هفته، کم‌کم تعدادی الگو را می‌بینید که به شما اجازه انجام معامله می‌دهد درحالی‌که ریسک آن به‌اندازه سود آن است. اگر ریسک به‌اندازه سود باشد، مجبورید بیش از ۶۰ درصد معاملات را برنده باشید تا اینکه معامله ارزش داشته باشد. با این حال، تعداد زیادی از الگوها نرخ موفقیت ۷۰ درصد یا بیشتر را دارند و بسیاری از معاملات به شما اجازه می‌دهند که در همان زمان که منتظر هستید که معاملات شما به حد سود برسد، حد ضررتان را از انتهای پایینی کندل سیگنال تا زیر کندل ورودی جابجا کنید و مقدار ریسکتان را کاهش دهید. همچنین باید تلاش کنید وارد معاملاتی شوید که شانس خوبی برای عبور از هدف سود شما داشته باشند و بنابراین باید قسمت‌هایی از سودتان را خارج کنید. درواقع در ابتدا باید فقط روی ورودی‌ها تمرکز کنید. حد ضررتان را به ناحیه سربه‌سر منتقل کنید سپس اجازه دهید باقیمانده مسیر را برود. احتمالاً هفته‌ای حداقل دو معامله را انجام می‌دهید که قبل از برپایی یک الگوی ورودی معکوس، به‌اندازه ۴ برابر هدف اولیه شما یا بیشتر حرکت می‌کند.

فیبوناچی اصلاحی و گسترش قسمتی از پرایس اکشن هستند، ولی ازآنجایی‌که تقریبی هستند و بیشترشان به شکست می‌انجامند، تنها گاهی اوقات در معاملات مفید واقع می‌شوند. برای مثال، اولین پولبک در روند جدید حدود ۶۲ درصد از اولین موج را برمی‌گردد ولی اغلب به‌اندازه‌ای نیست که بتوان روی آن یک سفارش حد ورود را قرار داد. همان سفارش حد، شما را در جهت مخالف وارد بازار می‌کند. برای مثال، اگر بازار در حال سقوط باشد و شما در حال تلاش برای خرید چیزی باشید که امیدوارید تبدیل به کف بالاتر شود، نرخ ریسک به ریوارد شما مناسب نبوده و استرس، بسیار بیشتر از انجام معمولی آن معامله می‌باشد. با این حال، زمانی که استراتژی منطقی وجود داشته باشد، استثنائاتی هم وجود دارد. اگر یک سطح فیبوناچی خوب باشد، مربوط است به الگوی نمودار که خود معقول و قابل معامله، مستقل از اندازه‌گیری فیبوناچی یا هر اندیکاتوری می‌باشد.

تئوری امواج الیوت هم قسمتی از تحلیل پرایس اکشن است، ولی بیشتر معامله‌گران نمی‌توانند از آن استفاده کنند. امواج الیوت معمولاً تا زمانی که تعداد بسیار زیادی از کندل‌ها بعد از نقطه ورودی ایده‌آل آشکار نشده‌اند و در هر لحظه تفاسیر متناقض زیادی وجود دارد، واضح نیستند، باید بررسی بسیار زیادی شود و شک و تردید بسیار بالایی در میان بیشتر معامله‌گران فعال روز دیده می‌شود.

۱

بازه پرایس اکشن: روندهای افراطی تا محدوده معاملات افراطی

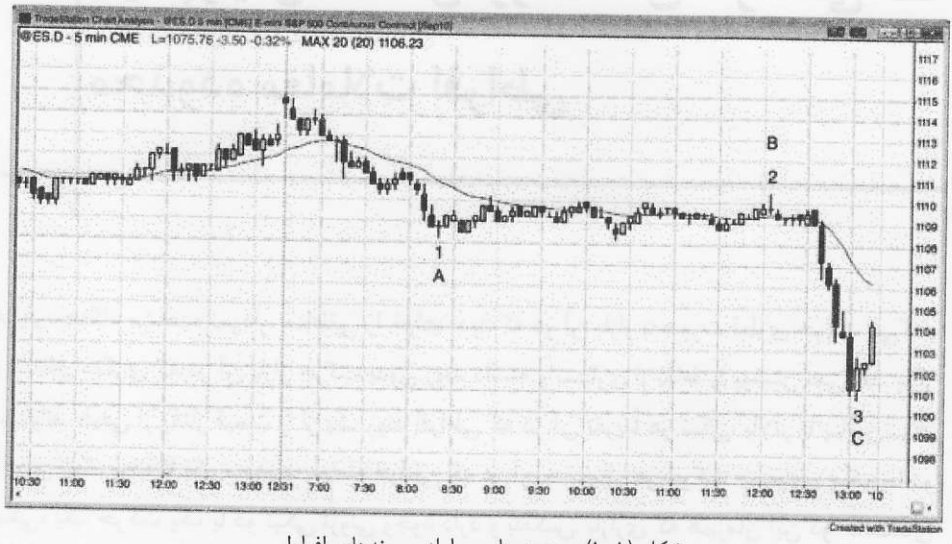
هر فرد هنگام مشاهده نمودار، مناطقی را خواهد دید که در آن بازار به‌صورت قطری حرکت می‌کند و مناطق دیگری که در آن بازار حرکت بدون روند داشته و بسیاری از نقاط را پوشش نمی‌دهد. بازار می‌تواند طیفی از رفتار قیمت را از یک روند افراطی که در آن تقریباً هر تیکی، بالاتر یا پایین‌تر از آخرین تیک بوده تا یک محدوده معامله افراطی که در آن به دنبال هر حرکت صعودی یک یا دو تیکی، یک حرکت یک یا دو تیکی نزولی وجود دارد و بلعکس. بازاری که هم‌زمان این دو حالت‌های افراطی را داشته باشد نادر است و وقتی این نوع از بازار به وجود آید، تنها برای مدت خیلی کوتاهی طول خواهد کشید، ولی بازار اغلب برای مدتی طولانی دارای روندی می‌شود که پولبک‌های کوچک به همراه دارد و اغلب در یک محدوده فشرده برای ساعت‌ها بالا و پایین می‌رود. روندها حس اطمینان و اضطرار ایجاد کرده و محدوده معامله باعث سردرگمی معامله گران می‌شود که حرکت بعدی بازار کجا خواهد بود. در تمام روندها، محدوده‌های معامله کوچکتر وجود دارند و تمام محدوده‌های معامله روندهای کوچکتری را در خود جای می‌دهند. همچنین بیشتر روندها قسمتی از محدوده معامله در تایم فریم بالاتر (HTF[1]) نمودار هستند و بیشتر محدوده‌های معامله قسمتی

---

[1]. High Time Frame chart.(HTF) با (HFT) اشتباه نشود.

از روند روی نمودار (HTF) هستند. حتی سقوط‌های بازار سهام در سال‌های ۱۹۸۷ و ۲۰۰۹ تنها پولبکی به خط روند صعودی ماهانه بودند. این فصل‌ها طیف وسیعی از قوی‌ترین روندها تا فشرده‌ترین محدوده‌های معامله را پوشش می‌دهند و سپس به پولبک‌ها که انتقال از روندها به محدوده‌های معامله هستند و شکست‌ها که انتقال از محدوده‌های معامله به روندها هستند، می‌پردازند.

نکته مهمی که باید به خاطر داشته باشید این است که بازار همواره از خود اینرسی نشان می‌دهد و تمایل دارد که کاری که در حال انجام آن بوده است را ادامه دهد. اگر دارای روند باشد، بیشتر تلاش‌ها برای معکوس کردن آن به شکست خواهد انجامید. اگر در یک محدوده معامله باشد، بیشتر تلاش‌ها برای رانش به سمت یک روند نقض خواهد شد.



شکل (۱-۱) محدوده‌های معامله و روندهای افراطی

شکل (۱-۱) دارای دو روند افراطی و یک محدوده معامله افراطی است. این روز با یک روند نزولی قوی به سمت کندل ۱ شروع شده، سپس وارد یک محدوده معامله فشرده غیرمعمول می‌شود تا اینکه از بالا با یک تیک در کندل ۲ شکست شده و سپس با یک شکست نزولی به سمت یک روند استثنائی قدرتمند تا کندل ۳ معکوس می‌شود.

حرکت‌های دو موجی رایج‌اند، ولی متأسفانه برچسب‌گذاری‌های مرسوم گمراه‌کننده هستند. وقتی یکی از آن‌ها در یک روند به‌عنوان پولبک رخ می‌دهند اغلب یک حرکت ABC خوانده می‌شوند. زمانی که دو موج، اولین حرکت دو موجی در یک روند هستند، تحلیل گران امواج الیوت در عوض به این امواج به‌عنوان امواج ۱ و ۳ نگاه می‌کنند و پولبک بین این دو موج را موج ۲

می‌خوانند. بعضی از معامله گران که در جستجوی حرکتی اندازه‌گیری شده هستند، بعد از اینکه دومین موج به‌اندازه‌ای معادل موج اول رسید، به دنبال یک بازگشت رو به بالا خواهند بود. این تکنیکالیست‌ها اغلب آن الگو را یک حرکت AB=CD می‌نامند. اولین مرحله نزول با نقطه A شروع شده و در نقطه B به پایان می‌رسد (کندل ۱ در شکل (۱-۱) که همچنین در حرکت ABC موج A است) و دومین موج از نقطه C شروع شده (کندل ۲ در شکل (۱-۱) که B در حرکت ABC هم هست) و در نقطه D خاتمه می‌یابد (کندل ۳ در شکل (۱-۱) که در حرکت ABC موج C محسوب می‌شود).

بعضی از اصلاح‌ها حرکت سه موجی یا چهار موجی دارند، بنابراین ترجیح می‌دهم که از یک سیستم برچسب‌گذاری متفاوتی برای شمارش استفاده کرده و بعداً در این کتاب‌ها در مورد آن‌ها بحث کنم. در ساده‌ترین شکل آن، موج‌های یک پولبک را می‌شمارد. برای مثال، اگر یک موج نزولی در یک روند صعودی یا در یک محدوده معامله وجود داشته باشد و پس از آن یک کندل به بالای سقف کندل قبلی برود، این شکست، سقف ۱ است. اگر بازار بعد از آن موج دومی داشته باشد و سپس یک کندل بالای سقف کندل قبلی برود، این کندل شکست، سقف ۲ است. سومین رویداد، یک سقف ۳ است و چهارمین یک سقف ۴ است. در یک موج نزولی یا در محدوده معامله، اگر قیمت پس از یک موج نزولی معکوس شود، ورودی یک کف ۱ است. اگر بعد از دو مرحله صعود به سمت پایین برگردد، آن ورودی یک کف ۲ ورودی است و کندل قبل از آن کندل موقعیت یا کندل سیگنال کف ۲ است.

ازآنجایی‌که حرکات اندازه‌گیری شده قسمت مهمی از معامله‌گری هستند و اصطلاح فنی AB=CD با بسیاری از کاربردهای معمول برچسب‌گذاری ABC متناقض است، اصطلاح AB=CD نباید استفاده شود. همچنین ترجیح می‌دهم که موج‌ها را بشمارم و بنابراین اعداد را ترجیح می‌دهم، بنابراین من به هر حرکتی به‌عنوان یک موج نگاه می‌کنم، مانند موج ۱ یا اولین رانش و موج ۲ و همین‌طور تا موج ۴. بعد از فصل شمارش کندل‌ها در دومین کتاب، من از برچسب‌گذاری سقف/کف ۱،۲،۳ و ۴ هم استفاده خواهم کرد زیرا برای معامله گران مفید است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در آغاز روز، سقف روز گذشته رو به بالا شکسته می‌شود و شکست نقض شده و منجر به "روندی از ابتدا" نزولی می‌شود. این ازسرگیری روند نزولی روز هم محسوب می‌شود. هر وقت که در ابتدا روند قدرتمندی بوده و سپس برای چندین ساعت محدوده معامله فشرده‌ای وجود داشته باشد، احتمال ازسرگیری یک روز روند بالاست. اغلب بین تقریباً ساعت ۱۱ صبح و ظهر PST شکست اشتباهی

وجود دارد که معامله‌گران را در جهت اشتباه به دام می‌اندازد و آن شکست اشتباه تا قیمت پایانی موقعیتی عالی برای یک معامله سوییِنگ[1] است.

[1]. برای یک معامله‌گر روزانه که از نمودارهای درون یک روز مانند ۵ دقیقه‌ای استفاده می‌کند، به هر معامله‌ای را که بیش از یک اسکالپ طول بکشد و اینکه معامله‌گر موقعیت خود را یک یا چند پولبک نگاه دارد معامله سوییِنگ اطلاق می‌شود. برای معامله‌گری که از نموداری با تایم فریم بیشتر استفاده می‌کند، معامله‌ای است که برای ساعت‌ها یا چند روز طول بکشد. به‌طور نمونه، حداقل قسمتی از معامله بدون حد سود نگاه داشته می‌شود، چراکه معامله‌گر به گسترده شدن یک حرکت امیدوار است. پتانسیل سود این معامله حداقل به‌اندازه مقدار ضرر این معامله است. معامله سوییِنگ‌های کوچک را بسیاری از معامله‌گران اسکالپ می‌گویند. در EMINI، وقتی متوسط محدوده نوسان ۱۰ تا ۱۵ پوینت است، یک معامله سوییِنگ معمولاً معامله‌ای است که هدف آن ۴ پوینت یا بیشتر باشد.

۲

کندل‌های روند، کندل‌های دوجی و اوج‌ها

در نمودار جلوی شما بازار یا دارای روند است یا نیست. وقتی‌که نیست در گونه‌ای از محدوده معامله قرار دارد که از روندهای تایم فریم پایین‌تر نمودار ساخته شده است. وقتی دو یا چند کندل همپوشانی بزرگی داشته باشند، تشکیل یک محدوده معامله می‌دهند. محدوده معامله می‌تواند اشکال و اسامی زیادی مانند پرچم‌ها، پرچم‌های سه‌گوش و مثلث‌ها داشته باشد، ولی اسامی ارتباطی با بحث ما ندارند. کل داستان این است که خریداران و فروشندگان دارای نوعی تعادلند که اغلب یک سمت اندکی قوی‌تر می‌باشد. در مورد یک کندل، آن کندل یا کندل روند است یا کندل محدوده معامله است. یا خریداران بازار را کنترل می‌کنند یا فروشندگان کنترل را در دست دارند، یا آن‌ها به‌طور گسترده‌ای در تعادل هستند (در یک محدوده معامله یک کندلی).

دو مفهوم بسیار مهم در معامله‌گری عبارتند از: هر چیزی بر پایه ریاضیات است و اینکه در هر زمانی وقتی در مورد جهت بازار مطمئن هستید، فردی وجود دارد که به‌اندازه شما باهوش بوده و به باور او جهت مخالف، جهت درست است. هرگز به چیزی اطمینان نداشته باشید و همیشه آمادگی داشته باشید چراکه احتمالاً بازار دقیقاً کاری را که برخلاف باور شما است انجام خواهد داد. اگرچه بازار در آن لحظه نامتعادل است و با قدرت طی چندین کندل بالا یا پایین حرکت می‌کند، بیشتر اوقات نسبتاً در تعادل است، حتی با اینکه ممکن است به چشم یک معامله‌گر تازه‌کار این‌گونه نباشد.

هر تیک یک معامله است، یعنی اینکه شخصی وجود دارد که فکر می‌کند که قیمت ارزش فروش را دارد و شخص دیگری که فکر می‌کند این قیمت مناسب خرید است. ازآنجایی‌که بازار

توسط مؤسسات هوشمندی کنترل می‌شود، هر دوی این معامله‌گران باهوشند و اصولی عمل می‌کنند و هردو استراتژی‌هایی دارند که قبلاً تست شده و سودآور بودن آن‌ها اثبات شده است. یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که یک معامله‌گر می‌تواند در خود بپروراند توانایی درک این است که آیا یک کندل روند در ابتدای حرکت است یا در انتهای آن قرار دارد. اگر یک کندل روند بزرگ را تنها به‌عنوان کندل روند صعودی و کندل روند بزرگ دیگری را تنها به‌عنوان کندل نزولی ببینید، نیمی از آنچه را که بازیگران بزرگ بازار انجام می‌دهند را از دست می‌دهید. اطراف سقف هر کندل روند صعودی، خریدارانی هستند که روند پرقدرت را می‌خرند. همچنین خریداران دیگری هستند که به دنبال یک پولبک هستند و درصورتی‌که بازار به آنجا برسد در نزدیکی کف کندل خواهند خرید. با این وجود، مهم است که بدانیم که خریداران دیگری وجود دارند که انتظار دارند که مقاومت شکسته شود و مقاومت را به‌عنوان فرصتی برای فروش خریدهای قبلی خود دیده و سودشان را می‌گیرند. همچنین فروشندگانی وجود دارند که کندل روند صعودی را، صرف‌نظر از اینکه چقدر قدرت دارد، به‌عنوان آخرین تلاش محکوم به شکست از سوی خریداران می‌بینند و در اطراف سقف آن کندل می‌فروشند. عده‌ای در بیرون ایستاده و منتظر یک کندل روند صعودی قدرتمند هستند، به همین خاطر در جایی که فکر می‌کنند حرکت صعودی بیش‌ازاندازه رشد کرده است می‌توانند بفروشند. دیگر فروشندگان در زیر کف کندل خواهند فروخت چراکه آن‌ها این کندل را به‌عنوان نشانه‌ای از ضعف خواهند دید که می‌تواند منتهی به بازگشت قابل معامله‌ای شود. همین‌طور فروشندگانی وجود دارند که سودشان را دریافت می‌کنند و خریداران جدیدی که در کف هر کندل روند نزولی می‌خرند، فارغ از اینکه کندل چقدر قدرتمند به نظر برسد و فروشندگان دیگری که به دنبال فروش در نزدیک سقف آن هستند و خریدارانی که در جستجوی خرید در بالای سقف آن هستند.

برای یک معامله‌گر، بررسی کردن تمام کندل‌ها به‌عنوان کندل‌های روند یا بدون روند (محدوده معامله) بیشترین کاربرد را دارد. ازآنجایی‌که اصطلاح دوم بسیار ناجور است و بیشترشان شبیه به دوجی‌ها هستند، ساده‌تر آن است که تمام کندل‌های بدون روند به‌عنوان کندل دوجی دیده شوند. اگر روی نمودار بدنه کندل بسیار ریز باشد یا وجود نداشته باشد، آن کندل یک دوجی است. نه خریداران و نه فروشندگان هیچکدام کنترل این کندل را در اختیار ندارند و آن کندل ضرورتاً یک محدوده معامله یک کندلی است. روی نمودار ۵ دقیقه‌ای EMINI، اندازه یک بدنه دوجی بسته به‌اندازه کندل، یا صفراست، یا یک تیک، یا دو تیک می‌باشد. با این حال، روی نمودار روزانه یا هفتگی گوگل، بدنه می‌تواند ۱۰۰ تیک یا بیشتر باشد (یک دلار) و هنوز هم مفهومی معادل یک کندل دوجی کامل را داشته باشد و بنابراین منطقی است که به‌عنوان یک دوجی شناخته شود.

شباهت به‌اندازه کافی وجود دارد، شباهت کامل بندرت اتفاق می‌افتد. اگر چیزی بسیار شبیه به یک الگو باشد، آنچه در پی می‌آید احتمالاً همان الگوی کاملی خواهد شد که انتظار آن می‌رفت.

تقسیم‌بندی کندل‌های دارای بدنه کوچک، به انواع دیگری نظیر مرد بدار آویخته، چکش، یا هارامی چیز زیادی به معامله‌گر اضافه نمی‌کند. مسئله اساسی آن است که چنانچه کندل و بازار در روندی در حال تلاش هستند، درک شود که بیشتر اوقات چیزی مابین این‌ها وجود دارد. معلوم کردن قدرت یک روند بسیار مهم‌تر از آن است که زمان را در نگرانی برای اسم دقیق کندل خاصی سپری کنید. شما با معامله کردن درآمد کسب می‌کنید، نه نگرانی درباره بسیاری از اسامی بی‌معنی و رنگارنگ.

اگر بدنه‌ای وجود داشته باشد، آنگاه قیمت پایانی تمایل به دور شدن از اولین قیمت داشته و آن کندل یک کندل روند است. بدیهی است که اگر کندل بزرگ و بدنه آن کوچک باشد، روند قدرت زیادی ندارد. همچنین، در داخل کندل (چنانچه در تایم فریم کوچکتری دیده شود)، ممکن است چندین نوسان از حرکات بی روند بزرگی وجود داشته باشد، ولی این موضوع بحث نیست زیرا شما باید تنها روی یک نمودار تمرکز کنید. بدنه‌های بزرگتر در کل، قدرت بیشتری را به نمایش می‌گذارند، ولی یک بدنه بسیار بزرگ روی یک حرکت ممتد یا یک شکست می‌تواند نشان‌دهنده یک خستگی و پایان اوجی یک روند باشد و نباید هیچ معامله‌ای انجام شود تا اینکه رفتارهای بیشتری از قیمت آشکار شود. یک سری از کندل‌های روند قوی نشانه یک روند سالم هستند، حتی اگر به دنبال آن پولبکی ظاهر شود، معمولاً انتهای روند بالاتر از آن خواهد بود. هر کندل روند به‌طور هم‌زمان: ۱) یک اسپایک، (۲) یک شکست، (۳) یک شکاف (همان‌طور که در کتاب ۲ بحث شده است، تمام شکست‌ها عملاً با شکاف‌ها یکسان هستند و بنابراین کندل‌های روند هم همین‌طورند)، (۴) قسمتی یا کل یک خلأ[1] و اوج (یک مکث یا کندل بازگشت بعد از یک کندل روند یا کندل‌های روند متوالی، به یک اوج پایان می‌دهد) می‌باشد. یک یا چند ویژگی از این چهار مشخصه، همان‌طور که در طول این کتاب‌ها تشریح خواهد شد، ممکن است در کندل روند خاصی غالب شده و هرکدام فرصت‌های معاملاتی را ارائه کنند. وقتی آن کندل خاص یک اوج و شروع یک بازگشت باشد، معلول اثر خلأ است. برای مثال، اگر به دنبال یک اسپایک صعودی یک بازگشت ظاهر شود، رالی شدید، احتمالاً بیشتر به خاطر کنار کشیدن فروشندگان بزرگ و انتظار خریداران برای خروج از خریدشان است تا اینکه بازار به منطقه‌ای برسد که در آن هردو منتظر فروش باشند. در مقابل اگر خرید ادامه یابد، آنگاه خرید به دلیل اثر خلأ نیست بلکه بیشتر به دلیل ترکیبی از

---

[1]. خلاء (vacuum) که باعث ایجاد مکش می‌شود و قیمت را در جهت خاصی حرکت می‌دهد. م

خرید خریداران بزرگ و باور فروشندگان بزرگ مبنی بر بالاتر رفتن بازار است. معامله‌گران از زمینه کلی برای تعیین این‌که کدام یک محتمل‌تر است استفاده می‌کنند. ارزیابی آن‌ها، آن‌ها را به خرید، فروش، یا انتظار هدایت خواهد کرد. بدیهی است که هر اسپایکی که منتهی به یک بازگشت می‌شود، ظهور یک اثر خلأ است، ولی من این اصطلاح را برای اسپایک‌هایی که در یک بازگشت در یک سطح حمایت یا مقاومت خاتمه می‌یابند، معکوس می‌کنم (دوئل خطوط[1]، در کتاب ۲ بحث شده است). تصادفاً، رکودها مثال‌هایی از اثر خلأ هستند. در هر دو بحران اقتصادی در سال‌های ۱۹۸۷ و سال ۲۰۰۹ بازار سهام درست تا زیر خط روند ماهانه سقوط کرد، جایی که خریداران بزرگ دوباره ظاهر شدند و فروشندگان بزرگ سودشان را گرفتند و باعث بازگشت سریع رو به بالا شدند. همچنین معامله‌گران سهام به‌طور معمول اسپایکهای نزولی در یک روند صعودی را می‌خرند زیرا نقش اسپایک را ارزشمند می‌دانند. اگرچه آن‌ها معمولاً قبل از خرید دنبال رفتار قدرتمند قیمت می‌گردند، اغلب سهمی را که می‌خواهند بخرند در کف ریزش شدید، مخصوصاً در محدوده خط روند صعودی خواهند خرید، حتی اگر هنوز به سمت بالا برنگشته باشد. آن‌ها باور دارند که بازار، موقتاً و به‌طور اشتباهی سهام را، به خاطر بعضی اتفاقات خبری زیر قیمت نگاه داشته است و آن را می‌خرند زیرا شک دارند که برای مدت طولانی زیر قیمت بماند. اگر اندکی بیشتر سقوط کند اهمیتی نمی‌دهند، زیرا تردید دارند که بتوانند دقیقاً کف پولبک را پیدا کنند، ولی می‌خواهند در طول ریزش وارد شوند زیرا باور دارند که بازار به‌سرعت اشتباه خود را اصلاح کرده و بزودی صعود می‌کند.

پولبک‌ها که در کتاب ۲ توضیح داده شده‌اند، اغلب اسپایکهای بزرگی هستند که معامله‌گران را نگران بازگشت روند می‌کنند. برای مثال، در یک روند صعودی ممکن است یک یا دو کندل روند بزرگ نزولی وجود داشته باشد که میانگین متحرک را به سمت پایین شکسته و ممکن است چندین تیک به زیر محدوده معامله بروند. معامله‌گران نگران خواهند شد که آیا روند صعودی در حال چرخش به سمت روند نزولی است؟ آنچه که آن‌ها نیاز دارند ببینند ادامه فروش به شکل شاید یک کندل نزولی روند یا بیشتر است. همگی کندل بعدی را از نزدیک زیر نظر خواهند گرفت. اگر کندل بعدی کندل روند نزولی بزرگی باشد، بیشتر معامله‌گران باور می‌کنند که بازگشت تأیید شده

---

[1]. هنگامی‌که یک پولبک در مسیر یک کانال جریان می‌یابد و در خط حمایت و مقاومت در تایم فریمی بالاتر به پایان می‌رسد، این یک الگوی خطوط دوئل است و اغلب منجر به یک معامله قابل‌اعتماد در جهت روند بزرگ‌تر می‌شود. این پایان یک روند کوتاه‌مدت در حمایت و مقاومت روند بلندمدت است. تمام پولبک‌ها در الگوهای خطوط دوئل به اتمام می‌رسند، اگرچه خط حمایت یا مقاومت همیشه واضح نیست. یک پولبک در روند صعودی همیشه به یک سطح حمایت و در روند نزولی به یک سطح مقاومت ختم می‌شود و بنابراین تمام پولبک‌ها خطوط دوئل هستند، حتی اگر حمایت بلندمدت به‌آسانی دیده نشود. م

است و در قیمت جاری و روی پولبک‌ها شروع به فروش خواهند کرد. اگر در عوض کندل در قیمت بالاتری بسته شود، گمان می‌کنند که تلاش برای بازگشت به شکست انجامیده است و آن ریزش تنها یک ریزش قیمت مختصر، ولی شدید بوده و بنابراین فرصت خرید است. معامله‌گران تازه‌کار اسپایک پرقدرت نزولی را دیده و روند قدرتمند صعودی که این اتفاق در دل آن رخ داده است را نادیده می‌گیرند. آن‌ها قیمت پایانی کندل روند نزولی را در زیر کف آن، در هر پرش کوچک در چند کندل بعدی و در زیر هر موقعیت فروش کف ۱ و کف ۲ می‌فروشند. خریداران باهوش در سمت مقابل آن‌ها معامله می‌کنند زیرا درک می‌کنند که چه اتفاقی در حال رخ دادن است. بازار همیشه تلاش می‌کند که معکوس شود ولی ۸۰ درصد آن تلاش‌ها برای بازگشت، شکست خورده و تبدیل به پرچم صعودی می‌شوند. در هنگام رخ دادن تلاش برای بازگشت، دو یا سه کندل نزولی می‌توانند بسیار متقاعدکننده به نظر برسند، ولی بدون ادامه فروش، خریداران ریزش را به‌عنوان فرصت بزرگی برای خرید در نزدیکی کف اوج فروش مختصر می‌بینند. خریداران و فروشندگان باتجربه منتظر این کندل روند بزرگ می‌مانند و بعضی مواقع بیرون می‌ایستند تا آن کندل شکل گیرد. سپس وارد بازار شده و می‌خرند زیرا آن را به‌عنوان اوج فروش می‌بینند. فروشندگان فروششان را می‌خرند و خریداران خرید جدیدی را مجدداً بنا می‌کنند. همچنین این اتفاق در پایان یک نمودار، زمانی که معامله‌گران بزرگ منتظر یک کندل روند بزرگ هستند، رخ می‌دهد. برای مثال در یک روند بزرگ نزولی نزدیک به یک محدوده حمایت، اغلب شکست دیر هنگامی به شکل یک کندل بزرگ روند نزولی غیرمعمول وجود خواهد داشت. خریداران و فروشندگان هر دو خریدشان را متوقف می‌کنند تا شکل‌گیری آن را ببینند. در آن ناحیه، هردو اوج فروش را می‌خرند، زیرا فروشندگان این قیمت را برای گرفتن سود فروششان عالی می‌دانند و خریداران آن را به‌عنوان فرصت کوتاهی برای خرید در قیمت بسیار پایین می‌بینند.

بعضی مواقع آن اسپایک نزولی می‌تواند در پایین‌ترین قیمت خود بسته شود و معامله‌گران تازه‌کار می‌ترسند که بازار بعد از آن آهسته یا سریع به سمت بالا بازمی‌گردد. به دنبال یک کندل روند نزولی بزرگ که در کف خود به پایان می‌رسد چگونه می‌تواند یک کندل کوچک داخلی صعودی و سپس یک بازگشت به روبه بالا به سمت یک سقف جدید روز بیاید؟ چیزی که آن‌ها درک نمی‌کنند این است که روی تایم فریمی کوچکتر، شاید مانند یک الگوی سه موجی روی یک نمودار EMINI ۱۰۰ تیکی، آن کندل روند بزرگ نزولی، الگوی بازگشت واضحی دارد. با این حال، حتی اگر نمودار با تایم فریم کوچکتر را ببینند و معامله کنند، ضرر خواهند کرد زیرا الگوها برای معامله‌گرانی که می‌خواهند آن‌ها را دقیقاً تحلیل و معامله کنند خیلی سریع شکل می‌گیرند. به خاطر داشته باشید که تمام الگوها نتیجه الگوریتم کامپیوترهاست و کامپیوترها از مزیت سرعت

برق‌آسا برخوردارند. همیشه این اشتباه است که با رقیبی رقابت کنیم که دارای امتیازی در بازی است که حاشیه اشتباه آن خیلی پایین است. وقتی‌که سرعت حیاتی است، کامپیوترها امتیاز عظیمی دارند و معامله‌گران نباید در مقابل آن‌ها معامله کنند. در مقابل باید تایم فریمی انتخاب کنند، مانند یک نمودار ۵ دقیقه‌ای که زمان کافی برای پردازش اطلاعات داشته باشند.

یک کندل روند، جزئی حیاتی از یک اوج است و یک اوج قسمت حیاتی یک بازگشت است، ولی معامله‌گران اغلب به‌اشتباه واژه اوج را مترادف بازگشت استفاده می‌کنند. هر کندل روند یک اوج، یا قسمتی از یک اوج است و اوج با اولین کندل مکث[1] خاتمه می‌یابد. برای مثال، اگر سه کندل روند صعودی متوالی وجود داشته باشند و سپس کندل بعدی، کندل روند صعودی کوچک با سایه بلندی در بالای آن، یک کندل داخلی، یک دوجی، یا یک کندل روند نزولی باشد، آنگاه اوج با سه کندل روند صعودی به پایان رسیده است. این اوج خرید سه کندلی به‌سادگی نشان می‌دهند که بازار فاصله قیمتی زیادی را با سرعت بالایی طی کرده است و اینکه اشتیاق برای خرید به‌سرعت به سمت نقطه‌ای تنزل پیدا کرده که بازار، به بازاری دو طرفه تبدیل شده است. بعضی از خریداران سودهایشان را می‌گیرند و می‌خواهند در قیمت پایین‌تری بخرند و برخی فروشندگان شروع به فروش می‌کنند. اگر خریداران، فروشندگان را مغلوب خود کنند، رالی از سر گرفته خواهد شد، ولی اگر فروشندگان بر خریداران پیروز شوند، بازار در یک کندل روند نزولی به سمت پایین معکوس خواهد شد که به‌عنوان یک شکست نزولی عمل خواهد کرد و الگوی بازگشتی، سقف یک بازگشت اوجی خواهد بود. اوج خرید یک حرکت روبه بالاست و سقف بازگشت اوجی حرکتی صعودی است که به دنبال آن یک حرکت نزولی باشد. کندل روند صعودی بیشتر به‌عنوان یک اوج و کندل روند نزولی بیشتر شبیه به یک شکست عمل می‌کند و آن‌ها با یکدیگر ایجاد یک سقف بازگشت اوجی یا اوج خرید و بازگشت می‌کنند.

تمام روندهای صعودی قوی دارای کندل‌های روند صعودی قدرتمند یا کندل‌های روند صعودی متوالی هستند و هرکدام از آن‌ها خود یک اوج خرید هستند ولی بیشتر آن‌ها به اولین موج بازگشت اوجی تبدیل نمی‌شوند. بازگشت نیاز به یک اوج خرید و سپس یک شکست نزولی دارد که یک کندل روند نزولی قوی است. کندل‌های روند صعودی و نزولی الزاماً نباید پشت سرهم باشند و اغلب توسط کندل‌های زیادی از هم جدا می‌شوند، ولی هردو نیاز دارند که بازگشت اوجی داشته باشند.

---

[1]. کندلی که روند را توسعه نمی‌دهد. در روندی صعودی، کندل مکث سقفی پایین‌تر یا بر روی سقف کندل قبلی دارد، یا اینکه در زمانی که کندل قبلی یک کندل صعودی قوی است، کندل کوچکی با سقفی که تنها یک یا چند تیک بزرگتر از کندل قبلی است یک کندل مکث است. این کندل نوعی از پولبک است.

درواقع هر بازگشتی در سقف یک بازار صعودی یک بازگشت اوجی است، خواه شبیه به یکی از نمودارهای جلوی شما باشد خواه نباشد. اگر روند صعودی با یک کندل روند نزولی قوی روی نمودار ۵ دقیقه‌ای معکوس شود، باز هم یک بازگشت اوجی است، ولی روی نمودار با تایم فریم کوچکتر. اگرچه جستجوی اسپایک صعودی کامل که به دنبال اسپایک نزولی است بر روی تایم فریم پایین‌تر نمودار ارزش ندارد، ولی همیشه وجود دارد. همچنین، هر وقت یک سقف اوجی وجود داشته باشد که در بالای بسیاری از کندل‌ها رخ دهد، همیشه یک کندل بازگشت تکی روی تایم فریم بالاتر نمودار وجود دارد و دوباره جستجوی بهترین تایم فریم، تنها جهت مشاهده کامل‌ترین کندل بازگشتی ارزش ندارد. به خاطر داشته باشید، همه معامله‌گران در جستجوی یک امتیاز هستند و برنامه‌های تحلیل نمودار کامپیوتر به معامله‌گران اجازه می‌دهد به‌سرعت نمودارهایی بر اساس هر بازه زمانی ممکن ایجاد کنند و معامله‌گران حرفه‌ای‌تری وجود خواهند داشت که تصمیماتشان را بر اساس هر چیز قابل تصوری بگیرند. این تصمیمات آن‌ها شامل نمودارهایی بر پایه نه‌فقط زمان بلکه شمارش تیک‌ها، تعداد معاملات انجام شده و هر ترکیبی از این‌ها هم می‌باشد. همیشه شخصی حرفه‌ای آن کندل بازگشتی عالی را خواهد دید و شخص دیگری اسپایک صعودی و سپس اسپایک نزولی را خواهد دید، ولی اگر آنچه که نمودار جلوی شما به شما می‌گوید را درک کنید لازم نیست که هیچکدام از آن‌ها را ببینید. خلاف موارد فوق برای کف اوجی در جایی که به دنبال یک اوج فروش، یک بازگشت رو به بالا می‌آید هم صادق است. بازگشت‌های اوجی در فصل ۵ و ۶ روی کندل‌های سیگنال و مجدداً در کتاب ۳ بحث شده‌اند.

یک کندل روند ایده آل کندلی است با بدنه متوسط که نشان می‌دهد از آغاز شکل‌گیری آن کندل تا زمان بسته شدنش بازار دارای روند بوده است. در یک کندل روند صعودی قیمت پایانی دست‌کم بالاتر از اولین قیمت آن کندل است، این کندل‌ها در این سری از کتاب‌ها با بدنه کندل سفید نشان داده شده‌اند. با وجود بدنه‌ای که از نظر اندازه برابر یا بزرگتر از متوسط اندازه بدنه ۵ یا ۱۰ کندل آخراست، خریداران می‌توانند کنترل قوی‌تری بر بازار داشته باشند. نشانه‌های بیشتری از قدرت در بخش دیگری بحث شده است مانند اینکه کندل از کف خود یا نزدیک آن باز می‌شود، در سقف یا نزدیک به آن بسته می‌شود، در بالاترین قیمت چندین کندل قبلی یا بالاتر از آن بسته می‌شود، سقف کندل بالاتر از سقف یک یا چند کندل قبلی است و سایه‌های آن کوچک هستند. اگر کندل خیلی بزرگ باشد مخصوصاً اگر درون روند بزرگی قرار گیرد، ممکن است نشان‌دهنده خستگی یا شکست یک کندلی اشتباهی باشد که خریداران جدید بسیاری را به دام می‌اندازد و در یک یا دو کندل بعدی معکوس می‌شود. مخالف این در روند نزولی صحیح است.

تمام کندل‌های روند تلاش می‌کنند به داخل یک روند شکسته شوند ولی همان‌طور که در فصل بعدی توضیح داده خواهد شد بیشتر شکست‌ها نقض خواهند شد. همچنین، تمام روندها با یک کندل روند شروع می‌شوند که ممکن است بدنه آن اندکی از بدنه آخرین کندل‌ها بزرگتر باشد. بعضی مواقع آن کندل بزرگ است و به دنبال آن چندین کندل روند دیگری در همان جهت می‌آیند که روند قوی‌تری را نشان می‌دهد و به‌احتمال زیاد همین وضعیت ادامه خواهد داشت.

وقتی‌که بازار دریک محدوده معامله یا روندی نزولی قرار دارد و شروع به ساخت تعدادی کندل روند صعودی می‌کند، این نشانه‌ای از فشار خرید و تلاشی از طرف خریداران برای به دست گرفتن کنترل بازار است تا روند صعودی ایجاد کنند. معامله‌گران پولبک‌های کوچک بین کندل‌ها را می‌خرند زیرا بر این باورند که بازار بزودی بالاتر خواهد رفت و ممکن است پولبک بزرگتری برای خریدشان نباشد. وقتی در ثانیه‌های پایانی کندل هنگام بسته شدن آن می‌خرند، از این می‌ترسند که کندل بعدی در نزدیکی کف خود باز شود و سپس حتی بیشتر صعود کند. حس ضرورت به آن‌ها دست می‌دهد و بجای اینکه منتظر پولبکی بمانند که ممکن است تا زمانی که بازار بسیار بالاتر می‌رود هرگز نیاید، اکنون اشتیاق به خرید پیدا کنند. آن‌ها در زیر کف کندل قبلی و در زیر کفسوییینگ‌ها می‌خرند و بازار در حال انتقال به یک موج یا روند صعودی است. فروشندگان در کف‌های جدید بیش از این فروش سنگین انجام نمی‌دهند. آن‌ها در حال گرفتن سودشان هستند و خریداران بیشتر و بیشتری کف‌های جدید را به‌عنوان قیمتی عالی برای خرید می‌بینند و خرید انجام می‌دهند.

اگر تراکم بدنه‌های نزولی در یک روند صعودی یا محدوده معامله زیاد شود، این نشانه‌ای از فشار فروش بوده و فروشندگان ممکن است بزودی قادر به ایجاد یک روند نزولی باشند. برای مثال، اگر بازار در روند صعودی بوده و یک جفت پولبک با کندل‌های روند نزولی بزرگ وجود داشته باشد و اکنون وارد یک محدوده معامله شده و چندین سوییینگ با کندل‌های روند نزولی برجسته داشته باشد، فشار فروش در حال ساخته‌شدن است و فروشندگان ممکن است بزودی قادر به معکوس کردن بازار به سمت یک موج یا روند نزولی باشند. فشار فروش انباشته می‌شود و هرچه بدنه‌های نزولی بیشتر و بزرگتر باشند، احتمال رسیدن فشار به یک نقطه بحرانی و غلبه بر خریداران و هدایت بازار به سمت پایین بیشتر می‌شود. برخلاف این برای فشار خرید درست است. اگر یک محدوده معامله یا یک روند نزولی وجود داشته باشد و کندل‌های روند صعودی در حال بزرگتر شدن و زیادتر شدن باشند، فشار خرید در حال شکل‌گیری است و به‌احتمال زیاد یک رالی در حال ساخت است.

خریداران بزرگ فشار خرید و فروشندگان بزرگ فشار فروش را ایجاد می‌کنند. خریداران و فروشندگان بزرگ همان معامله‌گران موسسه‌ای هستند و برآیند تأثیر این معامله‌گران بزرگ جهت حرکت بازار را مشخص می‌کند. برای مثال، نشانه‌های فشار خرید در یک روند نزولی شامل سایه‌ها در کف کندل، بازگشت دوکندلی یا کندل‌های بازگشت صعودی در کف سوییینگ نزولی و تعداد روبه افزایش کندل‌هایی با بدنه صعودی بزرگ است. این خرید خریداران بزرگ در هر کف جدید و کف هر کندل است که قیمت پایانی را بالا برده و از کف آن کندل دور می‌سازد. این اتفاق تنها زمانی رخ می‌دهد که فروشندگان بزرگ دیگر احساس نمی‌کنند که فروش در این قیمت پایین‌تر ارزشمند است. این خریداران، برخلاف خریداران ضعیفی که با ضرر خارج خواهند شد، تمایل دارند در صورت سقوط بیشتر بازار خریدشان را بیشتر کنند. فروشندگان بزرگ در این ناحیه تنها میل دارند در قیمت بالاتری بفروشند. این را از کجا می‌دانید؟ اگر تعداد کافی از آن‌ها در کف کندل‌ها تمایل به فروش داشته باشند، آن‌ها قادر می‌شوند بر خریداران غلبه کنند و کندل‌ها در کف خود بسته می‌شوند نه در میانه و یا نزدیک سقفشان.

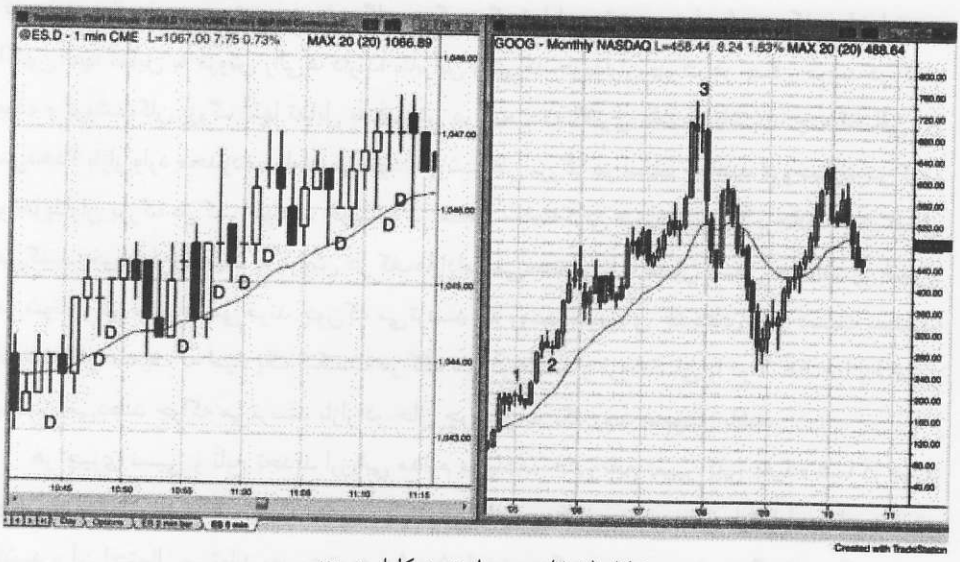
هر وقت که معامله‌گران نشانه‌هایی از فشار خرید ببینند، می‌پندارند که خریداران بزرگ در کف‌ها در حال خرید هستند و فروشندگان بزرگ دیگر تمایل بیشتری به فروش در کف‌ها ندارند و اکنون تنها تمایل به فروش رالی‌ها دارند؛ بنابراین وقتی‌که خریداران بزرگ در حال خرید در کف بوده و فروشندگان بزرگ تنها تمایل به فروش در قیمت بالاتری داشته باشند، چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ بازار وارد محدوده معامله می‌شود. فروشندگان بزرگ در سقف خواهند فروخت نه در کف و خریداران بزرگ در کف خواهند خرید نه در سقف. معامله‌گران ضعیف معمولاً برخلاف این عمل می‌کنند. خریداران ضعیف به فروش در کف‌ها ادامه می‌دهند زیرا با فعال شدن حد ضرر خارج می‌شوند و در سقف‌ها می‌خرند چون‌که می‌ترسند که روند صعودی جدیدی را از دست بدهند. فروشندگان ضعیف به امید یک شکست در کف می‌فروشند و فروششان را در سقف‌ها با ضرر پوشش می‌دهند چراکه می‌ترسند بازار در حال چرخش به یک روند صعودی باشد.

هر چیزی نسبی و تابع تجدید ارزیابی مداوم می‌باشد، حتی تابع تغییر کلی عقیده شما در مورد جهت بازار است. به خاطر داشته باشید بندرت می‌توانید، ۶۰ درصد به جهت بازار اطمینان داشته باشید و آن احتمال می‌تواند به‌سرعت به ۵۰-۵۰ یا حتی ۶۰ درصد در جهتی دیگر تغییر کند.

بله، هر کندلی یا کندل روند است یا دوجی. یک کندل دوجی یعنی اینکه خریداران و فروشندگان در تعادل هستند. اگر در زمان شکل‌گیری دوجی به تایم فریم کوچکتر نگاه کنید، خواهید دید که بازار پایین و سپس بالا می‌رود و ایجاد یک اوج فروش می‌نماید، یا اینکه بالا و سپس پایین می‌رود و ایجاد اوج خرید می‌کند. همان‌طور که در بخش بازگشت‌های اوجی در کتاب

۳ بحث شده است، یک اوج به معنی آن نیست که بازار در حال بازگشت است. معنی آن این است که بازار در یک جهت خیلی زیاد و خیلی سریع رفته است و اکنون مسیر دیگری را امتحان می‌کند. در آن ناحیه، خریداران به خریدشان ادامه می‌دهند چراکه تلاش می‌کنند تا حرکت صعودی را ادامه دهند و فروشندگان به فروش خود ادامه می‌دهند چراکه سعی می‌کنند روندی نزولی را ایجاد کنند و نتیجه معمولاً بازاری بدون روند است. حرکت بدون روند می‌تواند به کوتاهی یک کندل باشد، یا به‌اندازه چندین کندل به طول انجامد، ولی درمجموع معاملات دو طرفه را به نمایش می‌گذارد و بنابراین یک محدوده معامله است. ازآنجایی‌که تمام دوجی‌ها حاوی معاملات دو طرفه هستند و معمولاً به دنبال آن حداقل برای مدت کوتاهی بیشتر معاملات دو طرفه می‌آید، دوجی‌ها باید به‌عنوان محدوده‌های معامله یک کندلی پنداشته شوند.

با این حال، بعضی مواقع یک سری از دوجی‌ها می‌توانند به معنی آن باشند که تحت تأثیر یک روند هستند. برای مثال اگر یک سری از دوجی‌ها وجود داشته باشند، هرکدام با قیمت پایانی بالاتر و بیشترشان سقفی بالای سقف کندل قبلی و کفی پایین‌تر از کف قبلی داشته باشند، بازار در حال نشان دادن روند در قیمت‌های نهایی، سقف‌ها و کف‌ها است، بنابراین تحت تأثیر یک روند است.



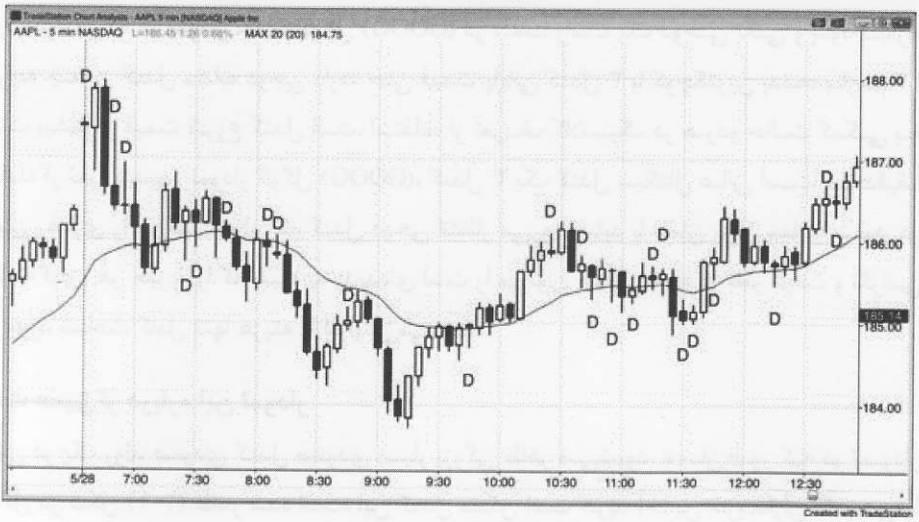
شکل (۱-۲) دوجی‌ها بندرت کامل هستند

شکل (۱-۲) ضعف محدود کردن واژه دوجی تنها به آن دسته از کندل‌هایی را نشان می‌دهد که اولین قیمت و آخرین قیمت کندل یکسان است. ازآنجایی‌که تحلیل پرایس اکشن اساسی بر روی تایم فریم‌ها کار می‌کند، درواقع منطقی نیست که این اصطلاح را به الگوی کاملی محدود کنیم. نمودار ۱ دقیقه‌ای EMINI در سمت چپ علی‌رغم روند صعودی ۱۰ کندل دوجی کامل

دارد، درحالی‌که در نمودار ماهانه گوگل (GOOG) در سمت راست یک دوجی تکی وجود ندارد. اگرچه چندین کندل مشابه دوجی دارد، حتی قیمت پایانی کندل ۳ با کوچکترین بدنه، بازهم ۴۷ سنت بیشتر از قیمت شروع کندل است. استفاده از تعریف کلاسیک در هردو حالت کمکی به معامله‌گر نمی‌کند. در نمودار گوگل (GOOG)، کندل ۳ یک کندل سیگنال عالی است که دقیقاً همان رفتاری را می‌کند که از یک کندل دوجی انتظار می‌رود و باید با همان روش معامله شود. در معامله‌گری، هر چیزی را که شبیه به پدیده‌ای است را می‌توان همان پدیده در نظر گرفت و نگرانی در مورد شباهت کامل تنها هزینه را افزایش می‌دهد.

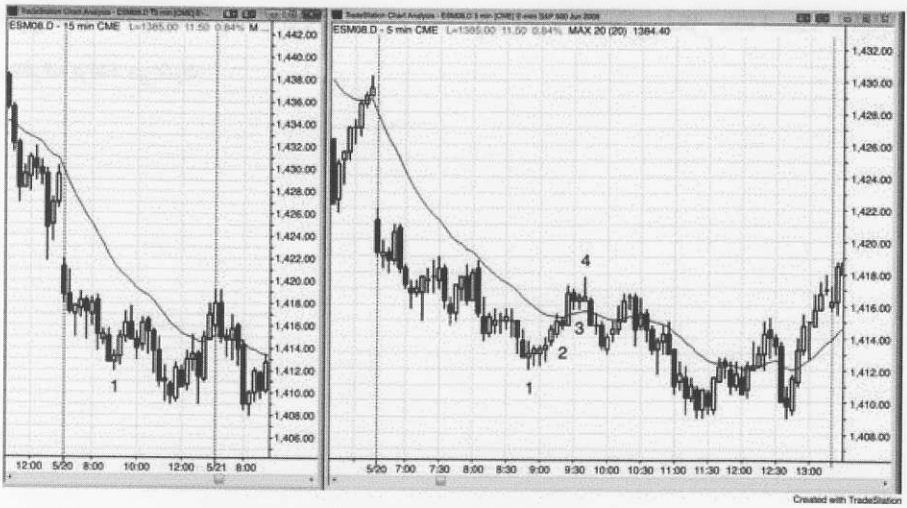
بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

وقتی در یک روند صعودی کندل صعودی بسیار بزرگی ظاهر می‌شود، همان‌طور که در نمودار گوگل در شکل (۱-۲) ظاهر شده است، این کندل ممکن است خرید آخرین خریداران ناامیدی را نشان دهد که یا جهت پوشاندن زیان ناشی از فروششان یا ورود به روند صعودی بسیار قوی، ولی بسیار دیر خرید می‌کنند. این یک اوج خرید است و بعد از شکل‌گیری آن خریداری باقی نمی‌ماند و کنترل بازار به دست فروشندگان سپرده می‌شود. کندل بزرگ روند نزولی که بعد از آن می‌آید دومین کندل یک بازگشت را روی بعضی از تایم فریم‌های بالاتر ایجاد می‌کند، این می‌تواند یک بازگشت دوکندلی عالی باشد. این سقف روی یک تایم فریم حتی بزرگتر، کندل بازگشتی بزرگی می‌باشد. بعد از یک اسپایک صعودی و یک اسپایک نزولی، خریداران و فروشندگان هر دو به معامله کردن ادامه می‌دهند چراکه تلاش می‌کنند کانالی را در جهت دلخواه خود ایجاد کنند. عمل آن‌ها محدوده معامله‌ای را خلق می‌کند که می‌تواند به کوتاهی یک کندل باشد یا به‌اندازه چندین کندل به طول انجامد. در اینجا، معامله‌گری دو طرفه سقف پایین‌تر سه کندلی شکل داده است. درنهایت یک طرف برنده می‌شود.



شکل (۲-۲) دوجی‌های درون روز

برای اهداف معامله‌گری، اینکه تمام کندل‌ها را به‌عنوان کندل‌های روند یا دوجی (کندل‌های بدون روند، در شکل‌های (۱-۲) و (۲-۲) با حرف D نشان داده شده است) ببینیم کاربرد دارد و برچسب‌گذاری دقیق نیست. کندلی با یک بدنه کوچک می‌تواند در ناحیه پرایس اکشن یک دوجی باشد ولی در ناحیه‌ای دیگر کندل روند کوچکی باشد. تنها هدف برای تفکیک آن‌ها از یکدیگر، کمک به شما برای تشخیص سریع آن است که آیا یک طرف کنترل کندل را دارد، یا اینکه خریداران و فروشندگان در بن‌بست قرار دارند. چندین کندل در شکل (۲-۲) می‌توانند با استدلال هم به‌عنوان کندل روند و هم دوجی شناخته شوند.



شکل (۳-۲) دوجی‌های روند دار

دوجی‌های تنها به این معنی هستند که نه خریداران و نه فروشندگان کنترل بازار را در دست ندارند، ولی دوجی‌های روند دار نشان‌دهنده یک روند هستند. آن‌ها نشانه‌ای از تشکیل فشار خرید بوده و به‌احتمال زیاد این فشار خرید یک رالی ایجاد می‌کند. در شکل (۳-۲)، نمودار ۵ دقیقه‌ای سمت راست دارای چهار دوجی در یک ردیف است که از کندل ۱ شروع می‌شوند، قیمت‌های نهایی، سقف‌ها و کف‌های هرکدام دارای روند است. نمودار ۱۵ دقیقه‌ای سمت چپ نشان می‌دهد که آن دوجی‌ها یک کندل بازگشتی صعودی درجایی ایجاد می‌کنند که پس از آن کف سوییننگ جدیدی وجود دارد.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

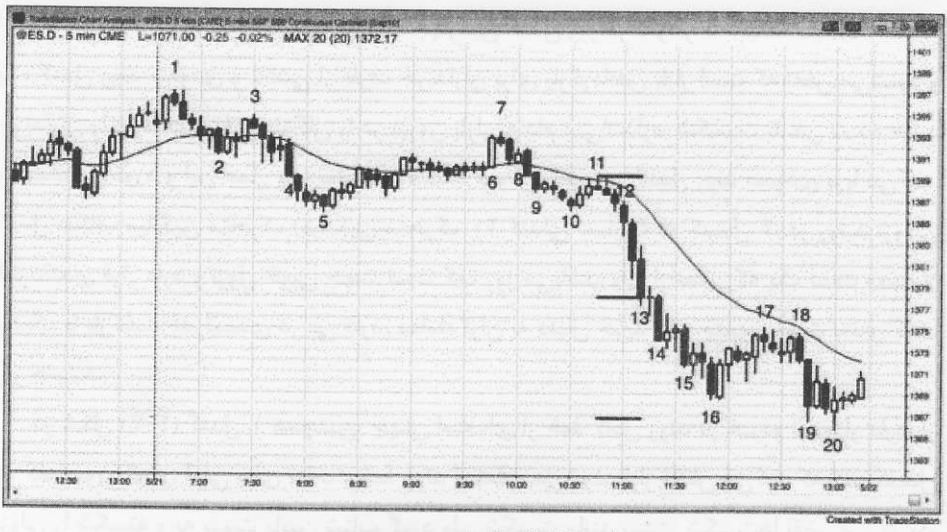
روز جاری در شکل (۳-۲) با یک شکاف نزولی بزرگ آغاز می‌شود که یک شکست نزولی می‌باشد، سپس کندل روند نزولی بزرگی ظاهر می‌شود، بنابراین احتمالاً روز جاری دارای نوعی روند نزولی است و معامله‌گران به دنبال فروش هستند. چهارمین کندل روز در نمودار ۵ دقیقه سمت راست، یک کندل روند صعودی و تلاشی از طرف خریداران برای بازگرداندن بازار است که نقض می‌شود و خریداران را در داخل و فروشندگان را در بیرون بازار به دام می‌اندازد. شکست نقض شده خود شکست می‌خورد و این عمل یک پولبک شکست[1] فروش را در زیر کندل روند صعودی برپا می‌کند. کندل شکاف میانگین متحرک (میانگین متحرک ۲۰ کندلی نمایی) در کندل ۴، در روند نزولی قدرتمندی قرار دارد و نزول خوبی جهت تست کف روز می‌باشد. ولی ازآنجایی‌که یک تست معمولاً پولبک یا بازگشت قدرتمندی در پی دارد، معامله‌گران به دنبال خرید کف جدید و تست بعدی کف روز هستند.

در شکل (۳-۲) کندل ۱ همچنین، جهش اضافه‌ای از خط کانال روند در هردو نمودار دارد، از دو کف سوییننگهای قبلی برای ساخت خط روند استفاده می‌شود. بازار تلاش می‌کند که کف کندل نزولی را شکسته و به سمت پایین شتاب گیرد ولی شکست مانند بیشتر شکست‌ها نقض می‌شود. واماندگی‌ها مخصوصاً با شکست خط کانال روند رایج هستند چراکه تلاش می‌کنند که به یک روند شتاب دهند و یک روند به‌مرور زمان تمایل به ضعیف شدن دارد.

---

[1]. پولبک کوچکی متشکل از یک تا پنج کندل که طی چند کندل پس از یک شکست رخ می‌دهد. وقتی‌که آن الگو را به‌عنوان پولبک می‌بینید، انتظار ادامه شکست را داشته باشید و پولبک مقدمه‌ای برای ادامه آن شکست می‌باشد. در مقابل، اگر فکر می‌کنید شکست نقض خواهد شد، از واژه پولبک استفاده نکنید و در عوض پولبک را به‌عنوان نقض شکست ببینید. برای مثال، اگر یک شکست پنج کندلی در بالای یک خط روند نزولی وجود داشته باشد ولی بر این باورید که روند نزولی ادامه می‌یابد، باید آن را به‌عنوان پرچم نزولی در نظر بگیرید، نه اینکه بعد از اینکه قیمت به سمت پایین تغییر روند داد فوراً به دنبال خرید پولبک باشید.

کندل ۴ یک دوجی است که یک محدوده معامله یک کندلی محسوب می‌شود ولی بسته به زمینه نمودار باز هم می‌تواند کندل موقعیت خوبی باشد. در اینجا آن دوجی یک کندل سیگنال پرچم نهایی بازگشتی است (یک شکست نقض شده پرچم ii) و یک موقعیت فروش کندل شکاف میانگین متحرک در روندی نزولی است، بنابراین سیگنال معقولی برای تست کف نزولی می‌باشد. یک رالی نزولی به سمت یک کندل شکاف میانگین متحرک معمولاً خط روند نزولی را می‌شکند و ریزش متعاقب آن که کف روند نزولی را تست می‌کند، اغلب قبل از تلاش بازار برای بازگشت، موج نزولی انتهایی می‌باشد. در اینجا، تست کف روند نزولی کندل ۱، کف پایین‌تر است و معامله‌گران باید انتظار حداقل دو موج رو به بالا را داشته باشند. اگر تست، کف بالاتر بود، آنگاه حرکت صعودی به سمت کندل ۴ اولین موج رو به بالا می‌شد و معامله‌گران باید منتظر حداقل موج دیگری از آن کف بالاتر می‌ماندند.



شکل (۴-۲) کندل‌های روند بدون روند

درست مثل اینکه دوجی‌ها همیشه به این معنی نیستند که بازار بدون روند است، کندل روند هم همیشه به معنی روند دار بودن بازار نیست. در شکل (۴-۲)، کندل ۶ کندل روند صعودی بزرگی است که یک ردیف از دوجی‌ها را می‌شکند. با این حال این حرکت ادامه نمی‌یابد. کندل بعدی به‌اندازه یک تیک به بالای کندل روند کشیده می‌شود و سپس در نزدیکی کف خود بسته می‌شود. خریداران در یک تیک زیر این کندل مکث نزولی خارج می‌شوند و فروشندگان جدید هم به همین صورت در آنجا وارد می‌شوند چراکه هردو این کندل را به‌عنوان شکست صعودی نقض شده می‌بینند. هیچکدام در نبود رفتاری از بازار که نشان‌دهنده تمایل بیشتر آن در جهت صعودی

بودن قیمت است، علاقه‌ای به خرید از خود نشان نمی‌دهند و این باعث سقوط بازار می‌شود. خریداران با تشکیل یک کندل کوچک روند صعودی (کندل ۸ موقعیتی برای خرید یک پولبک شکست است، اگرچه هرگز فعال نمی‌شود) تلاش می‌کنند از کف کندل صعودی شکست حمایت کنند، ولی بازار از کف آن پایین‌تر می‌آید. این خریداران جدید دوباره در آنجا خارج شده و فروشندگان جدید بیشتری وارد می‌شوند. در این منطقه، بعد از اینکه خریداران در دو مرحله تلاش خود شکست می‌خورند، بدون رفتار اساسی قیمت به نفع خود دیگر علاقه‌ای به خرید ندارند و آن‌ها و فروشندگان هردو در جستجوی سقوط حداقل دومرحله‌ای هستند.

کندل‌های روند می‌توانند معنی مخالف آنچه را که به معامله‌گران می‌گویند، داشته باشند. یک تازه‌کار ممکن است کندل روند بزرگ قبل از کندل ۳ را به‌عنوان شکستی به یک روند صعودی جدید دیده باشد. یک معامله‌گر باتجربه قبل از اینکه باور کند که روند نزولی به سمت بالا بازگشته است باید ادامه آن را به شکل یک کندل روند صعودی دوم یا سوم ببینند. معامله‌گران باتجربه، قیمت نهایی آن کندل، بالای آن کندل، قیمت نهایی کندل ۳ و بالای کندل ۳ را می‌فروشند. خریداران با سود یک معامله اسکالپ از خرید خود خارج شده و فروشندگان فروش جدیدی را شروع می‌کنند. همین نوع از تله خرید در کندل‌های روند صعودی که به کندل‌های ۷ و ۱۷ ختم می‌شود رخ می‌دهد. برخلاف این اتفاق در کندل ۱۹ می‌افتد، جایی که یکی از بزرگترین کندل‌های روند نزولی آن روز، یک روند نزولی را به اتمام می‌رساند. هر وقت که یک کندل بزرگ روند نزولی در یک روند نزولی که به‌اندازه ۳۰ کندل یا بیشتر بدون پولبک‌های زیادی شکل گیرد، اغلب نشان‌دهنده خلأ فروش و اوج خستگی فروش است. بعضی مواقع این ناحیه کف یک روند نزولی است و در دیگر موارد، بازار قبل از تلاش برای بازگشت، چند کندل دیگر پایین می‌آید. وقتی خریداران و فروشندگان بزرگ سطوح حمایت بیشتری را می‌بینند و انتظار تست شدن آن سطوح رادارند، بیرون بازار ایستاده و برای شکل‌گیری یک کندل روند نزولی صبر می‌کنند. زمانی که شکل گرفت، هردوی آن‌ها جسورانه می‌خرند. فروشندگان فروششان را پس می‌خرند و خریداران خرید جدیدشان را انجام می‌دهند. هردو منتظر اصلاح بزرگ‌تری هستند که باید حداقل دو موج داشته باشد، حداقل به‌اندازه ۱۰ کندل طول بکشد و اندکی به داخل میانگین متحرک نفوذ کند. بازار ممکن است به سمت یک بازگشت روند پیش برود، ولی معامله‌گران لازم است قدرت رالی را قبل از اینکه فکر کنند چقدر حرکت خواهد کرد، ببینند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

همان‌طور که در شکل (۴-۲) نشان داده شده است، قیمت در روز جاری سقف روز قبل را رو به بالا می‌شکند، ولی در یک شکست نقض شده و یک روند از ابتدا[1] نزولی به سمت پایین معکوس می‌شود. این اساساً یک روز از سرگیری روند نزولی است، اگرچه در چندین ساعت اولیه یک محدوده معامله وجود دارد. مهم‌ترین معامله روز سقوطی است که از ساعت ۱۱:۰۰ صبح شروع می‌شود. هنگام شکل‌گیری کندل شکست ۱۲، معامله‌گران باید امکان از سرگیری یک روند نزولی را در نظر داشته باشند. وقتی‌که کندل بعدی بدنه‌ای حتی بزرگتر داشته باشد، معامله‌گران باید فروش انجام دهند. حتی می‌توانند منتظر کندل بعدی مانند کندل ۱۳ بمانند که کندل روند نزولی بزرگ دیگری است. فروش ریزش بعد از یک دوره آرامش کار بسیار دشواری است به خاطر اینکه در این مناطق، معامله‌گران ازخودراضی انتظار دارند که آرامش درکل روز باقی بماند. با این حال، آن فروشی با احتمال موفقیت بسیار بالاست. کندل‌های ۱۲ تا ۱۳ بدنه‌های نزولی بزرگی دارند که با هم همپوشانی ندارند. آن‌ها اسپایک نزولی بزرگی را تشکیل می‌دهند که در چندین کندل بعد از آن ادامه می‌یابد. احتمال اینکه بازار نوعی از حرکت اندازه‌گیری شده از سقف یا شروع اولین کندل تا پایان یا کف آخرین کندل اسپایک داشته باشد بالاست. ازآنجایی‌که کندل‌ها بزرگ بوده و بازار به‌سرعت در حال حرکت می‌باشد، معامله‌گران از ریسک یک بازگشت بزرگ می‌ترسند. بهترین کاری که باید انجام داد فروش در پایان کندل ۱۳ یا کندل قبل از آن و استفاده از حد ضرری در بالای آن کندل سیگنال است. اگر می‌ترسید، با موقعیت بسیار کوچکی بفروشید که مطمئن شوید که وارد معامله شده‌اید. زمانی که کندل روند نزولی بزرگ دیگری مانند کندل ۱۴ دارید، حد ضررتان را به قیمت سربه‌سر یا به بالای سقف آن کندل منتقل کنید.

---

[1]. روندی که از کندل اولی یا یکی از کندل‌های اولی شروع می‌شود و در کندل‌های زیادی بدون هیچ پولبکی ادامه می‌یابد و شروع روند به‌عنوان یکی از حدود نهایی، اگر در تمام طول روز نباشد، بیشتر طول روز باقی می‌ماند.

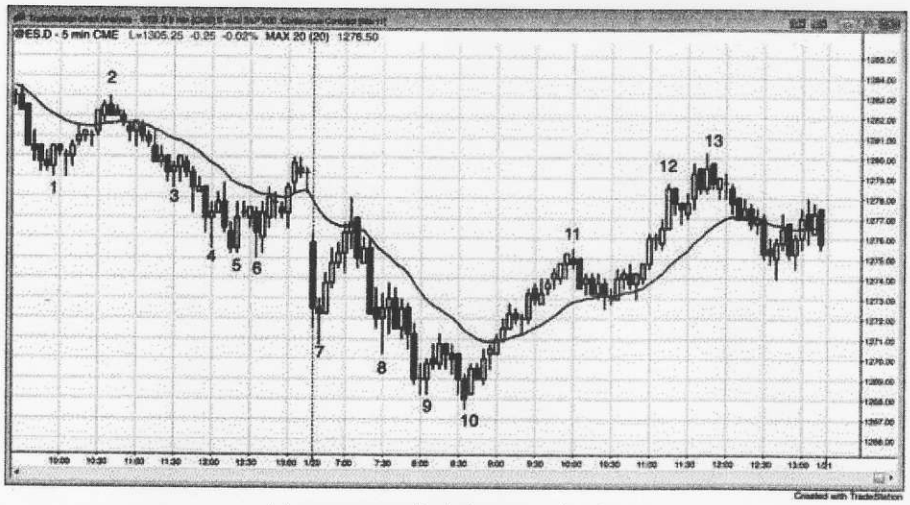


شکل (۵-۲) یک کندل روند نزولی بزرگ می‌تواند به یک روند نزولی خاتمه دهد.

در نمودار ۵ دقیقه‌ای EMINI در سمت راست شکل (۵-۲) بازار در روند نزولی قدرتمندی است، ولی بعد از کندل روند نزولی بزرگ ۸ به‌شدت به سمت بالا برمی‌گردد. کندل ۹ بازگشتی دو کندلی را در حرکت اندازه‌گیری شده‌ای از کندل ۳ تا کندل ۴ شکل می‌دهد (حرکت اندازه‌گیری شده در کتاب ۲ توضیح داده شده است). آیا معامله‌گران می‌توانند تایم فریم پایین‌تر نموداری را زیر نظر گرفته و سپس در لحظه فعال شدن الگوی بازگشت کوچکی خرید انجام دهند؟ نمودار سمت چپ یک تیک چارت است که در آن هر کندل ۱۰۰ تیک نشان داده شده است. بعد از هر ۱۰۰ معامله‌ای که رخ می‌دهد، کندل بسته شده و کندل جدید شروع می‌شود. کندل ۸ در نمودار ۵ دقیقه‌ای در ساعت ۱۱:۲۰ صبح خاتمه یافته و کندل ۸ روی نمودار تیک چارت از ۱۰۰ تیک پایانی نمودار ۵ دقیقه‌ای تشکیل می‌شود. کندل ۹ روی تیک چارت با کف کندل ۹ روی نمودار ۵ دقیقه‌ای مطابقت دارد. روی تیک چارت، بازار یک کف دوقلو شکل می‌دهد که در کندل ۹ به سمت پایین می‌شکند، ولی شکست رو به پایین خود شکست خورده و به سمت بالا بازمی‌گردد. این همراه با یک واگرایی روی اندیکاتور استوکاستیک رخ می‌دهد. این موقعیتی بسیار نظام‌مند و مرسوم است، ولی در اینجا مشکلی وجود دارد که آن را غیرقابل معامله می‌کند. کادر خاکستری در سمت چپ دقیقه آخر کندل ۵ دقیقه‌ای سمت راست است و این کادر حاوی ۳۳ کندل است!که برای یک شخص، اطلاعات بسیار زیادی است که بتواند پردازش کند و سپس قادر باشد به‌موقع سفارشات دقیق را انجام دهد. بازارها توسط کامپیوترها کنترل می‌شوند و بعضی مواقع قیمت‌ها بسیار سریع حرکت می‌کنند. معامله کردن همراه با سود همیشه دشوار است و زمانی که سرعت حیاتی است

این عمل واقعاً غیرممکن است، زیرا سرعت میکروثانیه‌ای یک امتیاز محسوب می‌شود که تنها کامپیوترها آن را در اختیار دارند. شما نمی‌توانید امید به کسب درآمد داشته باشید درحالی‌که طرف مقابل شما مزیت واضحی نسبت به شما دارد. راه‌های بسیار زیادی برای معامله‌گران باتجربه روی این نمودار ۵ دقیقه‌ای وجود دارد، مانند خرید در قیمت جاری به‌محض بسته شدن کندل ۸ یا خرید در بالای کندل ۹ و این در کتاب ۳ توضیح داده شده است.

خوب در اسپایک نزولی از کندل ۷ تا کندل ۹ چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ هر بدنه نزولی به‌طور تصاعدی بزرگ می‌شود که نشانه‌ای از افزایش قدرت فروشندگان است. با این حال، این نشانه‌ای از پتانسیل اوج فروش هم هست، همان‌طور که در اینجا چنین است. وقتی یک روند نزولی به‌اندازه ۳۰ کندل یا بیشتر پایین آمده و به سطح حمایتی می‌رسد، خریداران و فروشندگان هر دو در بیرون بازار به انتظار کندل روند نزولی بزرگی می‌ایستند و سپس با حجم بسیار زیادی می‌خرند. در کف کندل ۹ یک حرکت اندازه‌گیری شده وجود دارد، ولی همیشه هنگام بازگشت یک روند سطوح حمایت بسیار زیادی ظاهر می‌شوند، حتی با اینکه بیشترشان برای معامله‌گران تازه‌کار قابل مشاهده نیستند. به دلیل اینکه خریداران و فروشندگان بزرگ قبل از خرید منتظر یک روند قدرتمند غیرمعمول مانند این هستند، فقدان خرید زمانی که بازار به حمایت نزدیک می‌شود، منجر به یک خلاء فروش و تشکیل کندل روند نزولی بزرگ می‌شود. زمان شکل‌گیری آن کندل، فروشندگان به‌سرعت فروششان را پس می‌خرند و سودشان را می‌گیرند و خریداران خریدهای جدیدی را شروع می‌کنند. هردو می‌دانند چه اتفاقی در حال رخ دادن است و هردو انتظار یک اصلاح بزرگ یا حتی یک بازگشت را دارند، بنابراین، فروشندگان به دنبال فروش نیستند و خریداران هم در پی فروش خریدهای قبلی‌شان برای سود گرفتن نیستند تا اینکه بازار حداقل به‌اندازه دو موج و ۱۰ کندل بالا رود و دست‌کم به بالای میانگین متحرک برسد. نتیجه اغلب صعود شدیدی است و این می‌تواند با یک کندل بسیار بزرگ نزولی شروع شود.



شکل (۶-۲) روند در حال انتقال به محدوده معامله

وقتی‌که فروشندگان یک کف جدید را بجای اینکه موقعیت خوبی برای فروش موج نزولی جدیدی ببینند، به‌عنوان ناحیه خوبی برای گرفتن سود در نظر بگیرند و خریداران آن را به‌عنوان قیمتی مناسب برای خرید بینند، بازار در حال انتقال از روندی قوی به بازاری دو طرفه است. همان‌طور که در شکل (۶-۲) نشان داده شده است، در روند نزولی از کندل ۲، هر زمان قیمت به زیر آخرین کف سوییِنگ سقوط کند، یک کندل صعودی یا کندلی با سایه بلند طی یک یا دو کندل شکل می‌گیرد. این نشانه‌ای از فشار خرید است که رو به افزایش است. وقتی تعدادشان کافی باشد، خریداران می‌توانند بر بازار مسلط شده و یک رالی بزرگ یا حتی یک بازگشت روند ایجاد کنند.

در سقف کندل ۱۳، تجمع بدنه‌های نزولی افزایش می‌یابد و این فشار فروش نشانه‌ای است از اینکه بازار ممکن است به‌زودی عقب‌نشینی کند.

۳

شکست‌ها، محدوده‌های معامله، تست‌ها و بازگشت‌ها

درست مثل یک کندل که می‌تواند کندل روند یا کندل محدوده معامله باشد، هر بخش از نمودار می‌تواند به‌عنوان بخش روند دار که خریداران یا فروشندگان غالب هستند، یا بخش دو طرفه که خریداران و فروشندگان متناوباً کنترل بازار را عهده‌دار می‌شوند، طبقه‌بندی شود. وقتی بازار به سمت یک روند شکسته می‌شود، معمولاً کندل روندی وجود دارد که می‌تواند کوچک یا بزرگ باشد، به دنبال آن کندل‌های روند دار زیادی می‌آیند چراکه بازار با یک اسپایک از محدوده معامله دور می‌شود. یکی از مهم‌ترین مهارت‌هایی که یک معامله‌گر می‌تواند بیاموزد، توانایی تفکیک معتبر شکست‌های موفق از شکست‌های نقض شده است (بازگشت). آیا شکست‌ها منتهی به یک سوییینگ در جهت شکست یا در خلاف جهت آن می‌شوند؟ در کتاب ۲ با جزئیات دراین‌باره بحث شده است. در بازارهای با حجم کم، شکست بیش از اینکه به‌عنوان یک کندل روند پیدا شود می‌تواند به‌عنوان یک شکاف ظاهر شود و به همین خاطر است که کندل‌های روند باید خود نوعی از شکست‌ها محسوب شوند (در کتاب ۲ مفصلاً بحث شده است). در برخی نواحی، بازار شروع به ایجاد پولبک‌هایی کرده و سپس روند به آهستگی وارد شیب کم‌عمق‌تری می‌شود و بیشتر شبیه کانالی می‌شود که خط روند و خط کانال روند آن می‌توانند ترسیم شوند. همچنان که روند ادامه می‌یابد، خطوط باید دوباره ترسیم شوند تا گستره رفتارهای قیمت را پوشش دهد. معمولاً شیب آن کم‌عمق‌تر شده و کانال بازتر می‌شود.

شکلی از رفتار این اسپایک و کانال[۱] در کشیدگی‌هایی در هر روز در تمام بازارها رخ می‌دهد. معمولاً شروع کانال تبدیل به شروع محدوده معامله اولیه می‌شود. برای مثال اگر یک اسپایک صعودی (یک شکست روبه بالا) وجود داشته باشد که به‌اندازه چندین کندل طول بکشد، آنگاه در آنجا یک پولبک وجود خواهد داشت. وقتی‌که پولبک به اتمام رسیده و روند رو به بالا از سر گرفته می‌شود، این کار معمولاً بجای یک اسپایک تقریباً عمودی، دریک کانال انجام می‌شود و معمولاً در آنجا، همپوشانی کندل‌ها زیادتر می‌شود، پولبک‌های کوچک بیشتر می‌شوند، کندل‌های زیادی با سایه بوجود می‌آیند و تعدادی کندل روند نزولی تشکیل می‌شوند. کف فاز کانال روند، معمولاً طی یک یا دو روز تست خواهد شد. هر موقع که آن پولبک شروع شده و بازار به سمت ابتدای کانال حرکت نزولی انجام دهد، معامله‌گران گمان می‌کنند که یک محدوده معامله در حال شکل‌گیری است و درست فکر می‌کنند. معامله‌گران پرایس اکشن انتظار دارند که به‌محض خاتمه یافتن اسپایک و شروع کانال، محدوده معامله آغاز شود و تعداد کمی از فروشندگان شروع به ورود تدریجی روی اولین پولبک بعد از اسپایک می‌کنند. به خاطر اینکه مطمئن هستند که کف کانال به‌زودی تست می‌شود، آن‌ها در زمان صعود قیمت، روی پولبک‌های دیگر یا بالای سقف کندل‌های قبلی به‌تدریج وارد فروش می‌شوند. بعداً در کانال، در بالای کندل‌ها فروشندگان بیشتری به‌صورت پله‌ای وارد فروش خواهند شد. با چرخش قیمت به سمت پولبک بزرگتری که کف کانال را تست می‌کند، آن‌ها از تمام موقعیت‌های فروش خود خارج خواهند شد، طوری که روی ورودی‌های بعدی خود سود کرده و در اولین ورودی با سود سربه‌سر موقعیت را می‌بندند. از آنجا که بسیاری از فروشندگان اطراف کف کانال فروش‌های خود را پس می‌خرند، خریدهای آن‌ها به همراه خرید خریدارانی که قبلاً (در کف اولین پولبک بعد از اسپایک صعودی) خریده بودند و اکنون دوباره به خرید برمی‌گردند، یک‌بار دیگر بازار را به‌طرف بالا هدایت می‌کند و محدوده معامله پهن‌تر خواهد شد. بعد از این پرش، اثر اسپایک و کانال به پایان خواهد رسید و معامله‌گران الگوهای دیگری را جستجو خواهند کرد.

به دلیل اینکه کانال‌ها معمولاً سرانجام مسیر خود را برمی‌گردند، دیدن تمام کانال‌های صعودی به‌عنوان پرچم نزولی و تمام کانال‌های نزولی به‌عنوان پرچم صعودی به معامله‌گران کمک می‌کند. با این حال، اگر روند قدرتمند باشد، شکست ممکن است حرکت بدون روندی داشته باشد و به دنبال آن روندهای بیشتری ظاهر شوند. شکست بندرت می‌تواند در جهت روند باشد و روند می‌تواند با شدت شتاب بگیرد. برای مثال، اگر یک اسپایک صعودی و سپس یک کانال صعودی وجود داشته

---

[۱]. این الگو در فصول آینده در همین کتاب تشریح خواهد شد. م

باشد، بازار به‌ندرت خط کانال روند را رو به بالا خواهد شکست و روند صعودی شتاب خواهد گرفت. معمولاً طی ۵ کندل یا بیشتر شکست نقض شده و بازار سپس معکوس خواهد شد.

اگرچه بیشتر محدوده‌های معامله پرچم‌هایی در تایم فریم بالاتر هستند و بیشتر آن‌ها در جهت روند شکسته می‌شوند، تقریباً تمام بازگشت‌ها به‌عنوان یک محدوده معامله شروع می‌شوند که در فصل بازگشت‌ها در کتاب سوم بحث شده است.

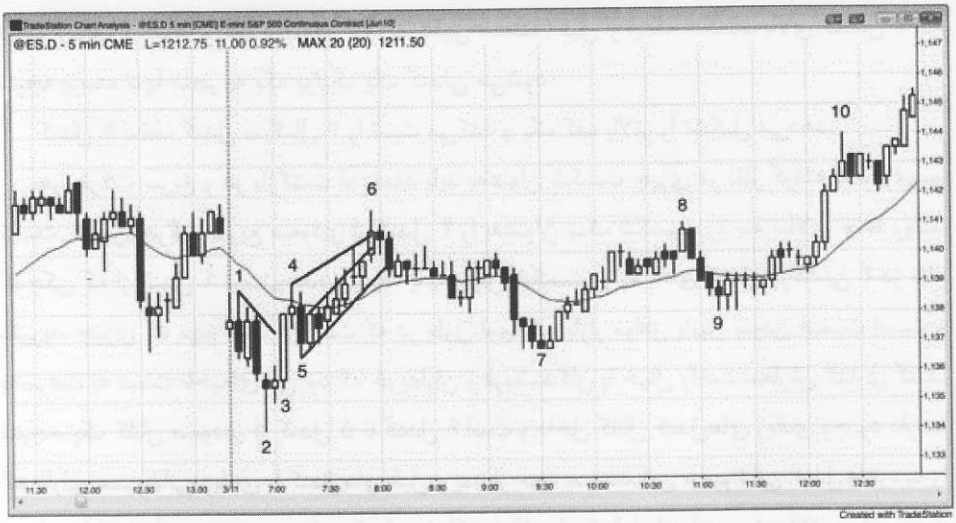
تست به معنی این است که بازار در حال بازگشت به ناحیه‌ای از حمایت یا مقاومت است، نواحی حمایت و مقاومت مانند خط روند و خط کانال روند، هدف حرکت اندازه‌گیری شده، کف یا سقف یک سوییِنگ قبلی، کف یک کندل ورودی صعودی یا سقف یک کندل ورودی نزولی، سقف کندل سیگنال صعودی یا کف کندل سیگنال نزولی، یا سقف، کف، قیمت پایانی، یا قیمت اولیه روز قبل می‌باشند. معامله‌گران اغلب بر اساس رفتار قیمت درزمان تست، معامله می‌کنند. برای مثال، اگر بازار یک سقف، یک پولبک و سپس یک رالی صعودی به سمت آن سقف داشته باشد، خریداران دوست دارند شکست قدرتمندی را ببینند. اگر یک شکست درحال‌توسعه پیدا شود، ممکن است در یک تیک بالای سقف قدیمی بخرند یا منتظر پولبک از شکست بمانند و سپس به امید ازسرگیری شکست در یک تیک بالای سقف کندل قبلی بخرند. فروشندگان به دنبال یک بازگشت هستند. اگر رالی صعودی به سمت سقف‌های قدیمی مومنتم را از دست بدهد و سپس بازار در منطقه سقف قدیمی یک کندل بازگشتی را شکل دهد، آن‌ها در زیر کندل بازگشتی می‌فروشند. اگر تست، یک سقف بالاتر، یک سقف دوقلو، یا یک سقف پایین‌تر بسازد اهمیتی به آن نمی‌دهند. آن‌ها فقط می‌خواهند ببینند که بازار قیمت‌ها را در این منطقه نپذیرد تا عقیده‌شان در مورد اینکه قیمت‌ها در این ناحیه خیلی بالا هستند را معتبر سازد.

بازگشت، تغییر از یک نوع رفتار به رفتار مخالف آن است، ولی این واژه معمولاً برای توضیح تغییری از یک روند صعودی به یک روند نزولی یا از یک روند نزولی به یک روند صعودی استفاده می‌شود. با این حال، رفتار محدوده معامله شاید برخلاف رفتار روند است و وقتی به دنبال یک روند، یک محدوده معامله می‌آید، رفتار بازار معکوس می‌شود. وقتی یک محدوده معامله تبدیل به یک روند می‌شود، رفتار بازار هم به همان اندازه معکوس می‌شود، ولی آن نوع تغییر یک شکست نامیده می‌شود. هیچ‌کس آن را بازگشت نمی‌نامد، اگرچه از نظر تکنیکال معامله دو طرفه را به معامله یک‌سویه برمی‌گرداند.

حتی با اینکه بیشتر معامله‌گران فکر می‌کنند که یک بازگشت، انتقال از روند صعودی به روند نزولی و از روند نزولی به روند صعودی است، بیشتر بازگشت‌ها در تغییر دادن روند ناکام می‌مانند و بجای آن تبدیل به انتقالی موقتی از روند صعودی یا نزولی به یک محدوده معامله می‌شوند. بازارها

دارای اینرسی بوده و در مقابل تغییر مقاومت زیادی می‌کنند. وقتی روند صعودی پرقدرتی وجود داشته باشد به‌سختی تغییر می‌کند، تقریباً هر تلاش در یک بازگشت به یک پرچم صعودی منتهی شده و روند پس از آن از سر گرفته خواهد شد. هر پرچم صعودی پس از آن تمایل به بزرگتر شدن خواهد داشت چراکه خریداران در سقف‌های جدید با نگرانی بیشتری سودشان را می‌گیرند و علاقه به خرید سنگین از خود نشان نمی‌دهند و فروشندگان بی‌پرواتر می‌شوند. در مناطقی فروشندگان بر خریداران چیره خواهند شد، محدوده معامله رو به پایین شکسته و یک روند نزولی آغاز خواهد شد. با این حال، این اتفاق معمولاً بعد از چندین تلاش برای بازگشت رخ می‌دهد که نتیجه آن بزرگ شدن فزاینده پرچم‌های صعودی است که خریداران، فروشندگان را مغلوب خود می‌کنند و روند نزولی ناکام می‌ماند. حتی با اینکه بیشتر بازگشت‌ها به‌سادگی منتهی به محدوده معامله می‌شوند، حرکت معمولاً به‌اندازه‌ای بزرگ است که منجر به یک معامله سوییینگ شده و سود قابل‌توجهی بدهد. حتی اگر درنهایت روند مخالف آشکار شود، معامله‌گران در اولین هدف معقولشان حداقل قسمتی از سودشان را خواهند گرفت، به همین دلیل بازگشت تنها منتهی به یک محدوده معامله می‌شود که معمولاً این حالت اتفاق می‌افتد.

بازگشت‌ها بسته به نموداری که از آن استفاده می‌کنید، ظواهر متفاوتی دارند. برای مثال اگر روی نمودار ماهانه یک کندل بازگشتی بزرگی را ببینید، آن کندل ممکن است بازگشت دو کندلی روی نمودار هفتگی باشد و ممکن است یک اسپایک صعودی سه کندلی که یک اوج خرید است و سپس یک محدوده معامله ۱۰ روزه و سرانجام یک شکست دوکندلی نزولی روی نمودار روزانه باشد. از زمانی که الگو را به‌عنوان بازگشت شناسایی می‌کنید، مهم نیست از چه نموداری استفاده کنید و تمام این الگوها، الگوهای بازگشتی هستند.



شکل (۱-۳) شکست‌ها، محدوده‌های معامله و تست‌ها

نمودار ۵ دقیقه‌ای EMINI در شکل (۱-۳) مثال‌هایی از شکست‌ها، محدوده‌های معامله و تست‌ها را نشان می‌دهد. هر سوییِنگ، تست یک چیز است، حتی باوجوداینکه بیشتر معامله‌گران نمی‌بینند که چه چیزی تست می‌شود. بسیاری از تست‌ها مربوط به رفتار قیمت در دیگر تایم فریم‌ها و انواع دیگر نمودار است و شامل تست‌های انواع مختلف میانگین متحرک، باندها، سطوح فیبوناچی، پیوت‌ها و چیزهای بی‌شمار دیگری است.

بازار کف روز قبل را تست می‌کند، ولی شکست نقض می‌شود و در هنگام بازگشت شدید در یک اسپایک صعودی به سمت کندل ۴، کف پایین‌تری را تشکیل می‌دهد. هر شکستی چه موفقیت‌آمیز باشد چه نقض شود، سرانجام منتهی به یک محدوده معامله می‌شود، همان‌طور که در اینجا این اتفاق رخ می‌دهد. نقض یک شکست به سمت یک کف جدید نشان می‌دهد که خریداران و فروشندگان در پایین بودن زیاد قیمت با هم توافق دارند. فروشندگان سودشان را خواهند گرفت و در این قیمت پایین خیلی نخواهند فروخت و خریداران شدیداً خواهند خرید تا اینکه هر دو به این نتیجه برسند که قیمت به ناحیه جدیدی از تعادل رسیده است که یک محدوده معامله می‌باشد.

کندل ۱ کندل سیگنال برای ریزش در ابتدا است و اگر فروشندگان هنوز کنترل بازار را در دست داشته باشند بازار نباید قادر باشد که به بالای آن برود.

کندل ۴ تست سقف بالاتر سقف کندل ۱ است و مومنتم صعودی آن‌قدر قوی است که قبل از اینکه خریداران دست از خرید بردارند بازار احتمالاً حداقل یک‌بار دیگر بالا را تست می‌کند. سقف

دوقلو (سقف دوقلوها و کف دوقلوها[1] بندرت دقیق هستند) قبل از اینکه شکست بالای کندل ۱ به نتیجه برسد، تنها منجر به یک پولبک یک کندلی می‌شود.

کندل ۵ سقف کندل سیگنال ۲ را تست می‌کند و یک کف بالاتر را تشکیل می‌دهد.

هر حرکت سریع و هر بازگشت قدرتمند باید به‌عنوان شکست چیزی در نظر گرفته شود. مهم نیست که این حرکت سریع صعودی از کندل ۲ را به‌عنوان یک شکست رو به بالای خط روند کوچکی که از کندل ۱ ترسیم‌شده ببینید، یا به‌عنوان شکست رو به بالای کندل بازگشتی ۲ در نظر بگیرید. چیزی که مهم است آن است که در طول اسپایک، بازار موافق پایین بودن قیمت است و به‌سرعت به سمت ناحیه‌ای می‌رود که خریداران و فروشندگان با خیال راحت سفارش گذاری کنند. نتیجه، یک کانال صعودی از کندل ۵ تا کندل ۶ است و داخل کانال کندل‌های زیادی وجود دارند که دارای همپوشانی زیادی با کندل‌های قبل و بعد از خود هستند. این همپوشانی کندل‌ها تردید را در خریداران نشان می‌دهد در جایی که قیمت اکنون قادر است قبل از رفتن به بالاتر برای چند تیک و چند دقیقه پایین‌تر معامله شود. همچنان که بازار بالاتر می‌رود، بعضی از خریداران سودشان را خارج می‌کنند و فروشندگان فروش خود را شروع می‌کنند. هنگام بالاتر رفتن قیمت، بسیاری بر فروش خود می‌افزایند (پله‌ای وارد می‌شوند)، درست مثل خریدارانی که بیشتر و بیشتر خارج می‌شوند (پله‌ای خارج می‌شوند). این کانال حرکت صعودی ضعیف‌تر است و کانال‌ها معمولاً شروع محدوده معامله هستند. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، بازار تا حدود ابتدای کانال تا کندل ۷ به عقب بازمی‌گردد.

کندل ۷ یک کف بالاتر تست کف سوییینگ کندل ۵ و دومین تست کف روز قبل است و بازار در یک کف دوقلو به سمت بالا برمی‌گردد.

کندل ۸ سقف پایین‌تر تست سقف کندل ۶ و تست آخرین قیمت روز گذشته است و بجای یک شکست، یک سقف دوقلو را تشکیل می‌دهد. همچنین سقف کندل داخلی نزولی بعد از کندل ۶ را تست می‌کند و آن کندل، کندل سیگنال ریزش بعدازآن است.

بازگشت نزولی به سمت کندل ۹ میانگین متحرک را تست می‌کند و به‌سادگی تبدیل به یک عقب‌نشینی از تلاش برای شکست می‌شود. بعدازآن شکست موفقی به سمت سقف جدید روز به وجود می‌آید. همچنین کندل ۹، کندل ورودی خرید را در بالای آن کندل صعودی که بعد از کندل

---

[1]. شکل‌گیری یک نمودار که در آن کف کندل کنونی تقریباً همسطح کف یک نوسان قبلی است. آن کف قبلی می‌تواند تنها یک کندل قبل، یا بیست کندل قبل، یا بیشتر باشد. کف قیمت مذکور الزاماً نباید کمترین قیمت روز باشد و عموماً در پرچم صعودی تشکیل می‌شود (یک کف دوقلوی پرچم صعودی)

۷ آمده است، تست می‌کند و به‌اندازه یک تیک از رسیدن به حد ضرر سربه‌سر باز می‌ماند. وقتی‌که خریداران قادر به جلوگیری از فعال شدن حد ضررشان باشند، قوی هستند و سقف‌های جدید معمولاً ادامه می‌یابند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱-۳) کندل ۳ یک کندل بزرگ روند صعودی و همچنین شروع یک روند صعودی می‌باشد و این کندل باید به‌عنوان یک شکست و یک شکاف شکست در نظر گرفته شود.

قیمت، پایین کانال صعودی را به سمت قیمت نهایی روز گذشته می‌شکند و یک کانال صعودی، یک پرچم نزولی است. شکست مقداری ادامه می‌یابد ولی صعودی بودن بدنه‌های کندل در آنجا و همپوشانی آن‌ها با یکدیگر، نشان‌دهنده فعال بودن خریداران است. بازار سپس کف سوییِنگ روز قبل را می‌شکند و شکست نقض شده و تبدیل به کف روز می‌شود. اگر بازگشت رو به بالای کندل ۲ از کف روز گذشته را نخریده‌اید، کندل قوی روند صعودی ۳ به شما نشان می‌دهد که موقعیت غالب[۱] صعودی است و شما باید به دنبال خرید یا در قیمت جاری یا در بالای پولبک کندل ۵ باشید. موقعیت غالب با جزئیات در کتاب ۳ تشریح شده است، ولی اساساً معنی این آن است که اگر باید همیشه داخل بازار باشید، چه در خرید چه در فروش، موقعیت غالب همان موقعیت اخیر شما هست. این مفهوم بسیار مهمی است و بیشتر معامله‌گران باید تنها در جهت موقعیت غالب معامله کنند. پولبک کف دوقلو[۲] ی کندل ۷ شانس دیگری برای خرید به امید دومین موج صعودی به سمت قیمت پایانی است.

این نوع از الگو، یک اسپایک و کانال روند صعودی است. این الگو در اینجا دارای کاربرد است زیرا انتقال بازار از معامله یک‌سویه (یک روند قوی) به معامله دوسویه (یک محدوده معامله) را نشان می‌دهد. مهم نیست که کندل ۳ را به‌تنهایی به‌عنوان یک اسپایک ببینید یا حرکت تند از کندل ۲ تا کندل ۴ را به‌عنوان یک اسپایک ببینید. بازار با سماجت کمتری به سمت کندل ۵ حرکت می‌کند. بیشتر کندل‌ها با یکدیگر همپوشانی دارند و یک معامله‌گر می‌تواند کانال را طوری ترسیم کند که به‌خوبی قیمت‌ها را در برگیرد. همچنین شما می‌توانید خط کانال روند را از سقف‌ها ترسیم کنید و نوع گوه‌ای کانال را مشخص کنید که بعداً توضیح داده خواهد شد. بعضی از معامله‌گران در

---

۱. always-in position: اگر دارای موقعیتی، چه خرید چه فروش باشید، این اصطلاح به موقعیت اخیر شما، هرچه که باشد، اطلاق می‌شود. اگر هر زمان برای شروع معامله مجبور باشید بین خرید یا فروش یکی را انتخاب کرده و در انتخاب خود اطمینان داشته باشید، آنگاه در آن لحظه بازار در حالت always in قرار دارد. تقریباً تمام این معاملات به یک اسپایک در جهت روند نیاز دارند تا به معامله گران اطمینان خاطر بدهند.

۲. موقعیت خریدی که ترکیبی از یک کف دوقلو به همراه یک پولبک عمیق است که کف بالاتری را شکل می‌دهد.

زیر کف کندل ۴ می‌فروشند و همچنان که بازار رو به بالا می‌رود روی دیگر پولبک‌ها بیشتر می‌فروشند. دیگر معامله‌گران منتظر سقف گوه می‌مانند که در آنجا سود خریدشان را بگیرند یا فروش جدیدی را آغاز کنند. به‌محض اینکه بعد از اسپایک، پولبکی به سمت کندل ۵ می‌آید و سپس رفتار نوع کانالی قیمت شروع به شکل گرفتن می‌کند، معامله‌گران این کانال صعودی را به‌عنوان یک پرچم نزولی احتمالی دیده و انتظار دارند که کف کانال تست شود. در الگوهای کوچک مانند این، تست معمولاً با تأخیر در همان روز می‌آید. ولی در الگوهای بزرگتر، تست ممکن است با یک یا دو روز تأخیر بیاید.

انتظار می‌رود بازار اصلاحی دو مرحله‌ای از سقف گوه به کف کانال داشته باشد، جایی که فروشندگان از تمام ورودی‌های خود سودشان را خواهند گرفت. ورودی‌های قبل‌تر آن‌ها تنها سربه‌سر خواهد بود، ولی فروش‌های بعدی‌شان همراه با سود خواهد بود. همچنین خریداران در اطراف کف کندل ۵ که پیش‌تر در انتهای اولین پولبک خریده بودند مجدداً در پی خرید خواهند بود و آن تبدیل به شروع کانال خواهد شد. نتیجه خرید خریداران و پوشش فروش فروشندگان[۱] معمولاً یک پرش خواهد بود. آن پرش می‌تواند یک رالی از کف دوقلو (کندل‌های ۵ و ۷) پرچم صعودی باشد، یا می‌تواند به دنبال آن یک محدوده معامله ممتد یا حتی یک روند نزولی باشد.

همچنین توجه کنید که کف کندل ۲ سومین رانش نزولی است و بنابراین یک بازگشت گوه‌ای می‌باشد.

کندل ۶ یک سقف دوقلو[۲] ی پرچم نزولی است (اولین سقف، کندل انتهایی روز قبل است) و کندل‌های ۵ و ۷ یک کف دوقلوی پرچم صعودی[۳] را ایجاد می‌کنند. به دنبال این، پولبک کف دوقلوی کندل ۹ می‌آید. می‌توانید رفتار قیمت بین کندل‌های ۵ و ۹ را به‌عنوان یک مثلث تشریح کنید که می‌تواند در هر دو جهت شکسته شود، ولی آن صعودی را که بازار به شما نشان می‌داد را نادیده می‌گیرد.

کندل ۷ یک پرچم صعودی گوه‌ای است چون‌که سومین رانش نزولی از سقف کندل ۶ است.

کندل ۸، بعد از پرچم صعودی شش کندلی که جلوتر از آن است، یک پرچم نهایی بازگشت است.

---

[۱]. پوشش فروش یعنی اینکه فروش‌هایی را که قبلاً انجام داده‌اند اکنون به‌منظور گرفتن سود می‌خرند که بر فشار خرید افزوده می‌شود. م

[۲]. شکل یک نمودار که در آن سقف کندل فعلی تقریباً در حدود سقف نوسان قبلی است. کندل قبلی می‌تواند تنها یک کندل قبل‌تر، یا بیست کندل، یا بیشتر باشد. حتماً نباید سقف قیمتی آن روز باشد و معمولاً در پرچم‌های نزولی شکل می‌گیرد

[۳]. وقفه یا پرچم صعودی در یک روند صعودی که دو کندل با سایه پایین بسیار بلند، با حدود قیمتی یکسان دارد سپس به روند صعودی خود بازمی‌گردد.

۴

اصول کندل‌ها: کندل‌های سیگنال، کندل‌های ورودی، موقعیت‌ها و الگوهای کندلی

معامله‌گران در تمام طول روز در جستجوی موقعیت‌ها هستند. موقعیت، الگوی نموداری مرکب از یک یا چند کندل است که یک معامله‌گر را به این باور هدایت می‌کند که یک سفارش گذاری با احتمال موفقیت بالا می‌تواند انجام شود. در عمل، هر کندل روی نمودار می‌تواند یک موقعیت باشد زیرا کندل بعد آن می‌تواند شروع حرکت قدرتمندی در یکی از دو جهت باشد. اگر معامله در جهت روند اخیر یا روند غالب باشد، آن معامله در جهت روند است و اگر در جهت خلاف آن باشد، معامله برخلاف روند است. برای مثال، اگر روند اخیر صعودی باشد و شما خرید انجام دهید موقعیت شما در جهت روند است اگر برعکس، فروش انجام دهید موقعیتی که شما به‌عنوان مبنای معامله خود اتخاذ کرده‌اید یک موقعیت ضد روند است و فروش شما مخالف روند می‌باشد.

یک کندل سیگنال همیشه با تأخیر، بعد از بسته شدن کندل و ورود شما به معامله، برچسب‌گذاری می‌شود. در لحظه انجام سفارش ورودی شما، کندل قبلی بجای اینکه فقط یک کندل موقعیت باشد، تبدیل به یک کندل سیگنال شده و کندل فعلی همان کندل ورودی است. کندل بعد از ورودی کندل ادامه‌دهنده است و همیشه بهتر است که کندل دیگری در جهت ورود شما وجود داشته باشد. بعضی مواقع قبل از اینکه کندل ادامه‌دهنده‌ای وجود داشته باشد، قیمت طی یک یا دو کندل به‌صورت افقی حرکت می‌کند و این باز هم خوب است زیرا تا زمانی که کندل ادامه‌دهنده وجود داشته باشد، شانس سود بیشتر در معامله شما افزایش می‌یابد.

خریداران با سفارشات خریدشان در بالای سقف کندل قبلی و فروشندگان با سفارشات فروششان در زیر کف همان کندل حضور دارند. همچنین خریداران با سفارش حد خرید خود بر روی کف کندل قبلی و پایین آن و فروشندگانی با سفارش حد فروش خود در سقف کندل قبلی و بالای آن وجود دارند؛ یعنی اینکه هر کندل، کندل سیگنالی برای معاملات هم خرید و هم فروش است با خریداران و فروشندگانی که هر دو در شکست سقف‌ها و کف‌ها وارد می‌شوند. همچنین هر کندل می‌تواند به‌عنوان محدوده معامله یک کندلی پنداشته شود. اگر کندل بعدی بالا یا پایین آن برود، معامله‌گران شکست، از این شکست انتظار خواهند داشت که مسیر را به‌اندازه کافی به نفع آن‌ها ادامه دهد تا حداقل سودی معادل سود معامله‌گران اسکالپ برایشان به ارمغان آورد. با این حال معامله‌گرانی با همان ذکاوت انتظار نقض شکست داشته و در جهت مخالف معامله خواهند کرد. اگر قیمت یک تیک بالاتر از سقف کندل قبلی برود، خریدارانی روی سفارش خریدشان خواهند خرید و کندل قبلی در حکم کندل سیگنال خریدشان می‌باشد. همچنین فروشندگانی که در سفارش حد خود و در بالای کندل قبلی خواهند فروخت و انتظار نقض شدن از شکست خواهند داشت و امیدوار خواهند بود که قیمت در زیر کف کندل ورودی آن‌ها در کندل بعد از فروششان معامله شده و کندل ورودی آن‌ها کندل سیگنالی برای معامله فروششان باشد. یکی از مهم‌ترین چیزهایی که باید در معامله‌گری بدانید این است که مهم نیست که چقدر باور دارید که حق با شماست، شخصی درست به همین اندازه باهوش و درست به همین اندازه باورمند به اینکه مخالف آن اتفاق خواهد افتاد هم وجود دارد.

مهم‌ترین مهارتی که یک معامله‌گر می‌تواند در خود پرورش دهد قابلیت تشخیص زمان‌هایی است که فروشندگان یا خریداران بیشتری در بالا یا پایین کندل قبلی وجود خواهند داشت. کندل‌های سیگنال مواقعی در زمینه درست هستند که عدم تعادل زیادی وجود دارد، برای مثال وقتی‌که یک کندل صعودی در پولبکی در یک روند صعودی وجود دارد، احتمال حضور خریداران در بالای کندل بیش از فروشندگان هستند، بنابراین اقدام به خرید در بالای کندل منطقی‌تر از فروش است. هر زمان که معامله‌گری معتقد به وجود عدم تعادل است، دارای یک مزیت است، ولی همیشه این مزیت خیلی کوچک است زیرا همیشه معامله‌گران باهوشی وجود دارند که باورشان مخالف آن است (شخصی باید در سمت مقابل معامله شما اقدام به معامله کند در غیر این صورت سفارشتان انجام نخواهد شد). به‌عنوان معامله‌گر، امتیاز ما توانایی ما در خواندن پرایس اکشن است و هرچقدر بهتر شویم امتیاز ما بیشتر می‌شود و احتمال اینکه بتوانیم با معامله‌گری درآمد کسب کنیم بیشتر می‌شود.

کندل‌های سیگنال و موقعیت‌های معمول به شرح زیر است (در دو بخش بعدی در مورد آن‌ها بیشتر بحث خواهد شد):

سیگنال‌های ادامه‌دهنده در فاز اسپایک یک روند قدرتمند: یک سیگنال ادامه‌دهنده می‌تواند خرید در سقف روند صعودی و فروش در کف روند نزولی باشد.

- کندل روند صعودی قوی یک اسپایک صعودی است.
- کندل روند نزولی قوی یک اسپایک نزولی است.

سیگنال‌های بازگشتی: یک الگوی بازگشتی می‌تواند یک بازگشت روند یا یک پولبک باشد که به اتمام رسیده و به جهت روند بازمی‌گردد.

- کندل بازگشت.
- بازگشت دو کندلی.
- بازگشت سه کندلی.
- کندل کوچک.

۱- یک کندل داخلی.

۲- یک الگوی ii[1] (یا iii).

۳- یک کندل کوچک نزدیک سقف یا کف یک کندل بزرگ یا محدوده معامله.

۴- یک الگوی .ioi

- کندل خارجی[2] و یک الگوی oo (یک کندل خارجی که به دنبال آن کندل خارجی بزرگتری بیاید).
- سقف و کف دوقلو.
- تلاش نقض شده برای بازگشت، شامل واماندگی یک کندل بازگشتی.
- تلاش نقض شده برای ادامه، مانند خرید در پایین کف ۱ کندل سیگنال در یک روند نزولی که به نظر می‌رسد کف آن روند باشد، یا فروش بالای سقف ۱ کندل سیگنال در یک روند صعودی که به نظر می‌رسد سقف آن روند باشد.
- کندل صاف: کندلی است که در بالا یا پایین خود سایه‌ای ندارد.

---

[1]. کندل‌های داخلی متوالی، طوری که دومی در درون محدوده اولی باشد. در انتهای یک موج، موقعیتی به‌صورت شکست وجود دارد و می‌تواند تبدیل به یک پرچم یا بازگشت شود. نمونه باقابلیت اعتماد کمتر آن است که کندل فقط در درون بدنه کندل قبلی باشد طوری که سایه آن کندل نادیده گرفته شود. در اینجا، بدنه دومی در دل بدنه اولی است که خود آن در دل بدنه قبلی خود است.

iii: سه کندل تودرتو در یک سطر و الگویی است باقابلیت اعتماد بیشتر در مقایسه با یک ii.

[2]. کندلی با سقف بالاتر یا مساوی با سقف کندل قبلی و کفی پایین‌تر یا مساوی با کف کندل قبل از خود را کندل خارجی می‌گویند.

- کندل روند؛ یک کندل روند صعودی می‌تواند موقعیت فروشی در یک رالی در روند نزولی قدرتمندی و نزدیک سقف یک محدوده معامله باشد و یک کندل روند نزولی می‌تواند موقعیت خریدی در یک پولبک یا روند صعودی پرقدرتی و نزدیک به کف یک محدوده معامله باشد.
- هر مکث یا کندل پولبک[1] در فاز اسپایک یک روند پرقدرت.
- تمام کندل‌ها در یک کانال: در روی کندل قبلی یا زیر آن خرید انجام دهید، روی کندل قبلی یا بالای آن بفروشید.
- هر کندلی که کف بالاتری در یک روند صعودی و یک سقف پایین‌تری در یک روند نزولی تشکیل دهد.

معامله‌گران تازه‌کار تنها زمانی باید وارد معامله شوند که کندل سیگنال، یک کندل روند در جهت معامله هم باشد و باید تنها در جهت روند معامله کنند. برای مثال، اگر معامله‌گران تازه‌کار فروش انجام می‌دهند، باید خودشان را محدود به کندل‌های سیگنالی کنند که خود آن کندل‌های سیگنال، کندل‌های روند نزولی در روندهای روبه پایین باشند چراکه بازار قبلاً فشار فروش را از خود به نمایش گذاشته است و احتمال ادامه آن بیشتر از زمانی است که کندل سیگنال در بالای اولین قیمت خود بسته می‌شود. همین‌طور، زمانی که تازه‌کاران قصد خرید دارند، تنها موقعی باید بخرند که کندل سیگنال در قیمتی بالاتر از اولین قیمتش بسته شود و یک روند صعودی در جریان باشد.

درکل، کندل‌های سیگنالی که معامله‌گران در ورودی‌های بازگشت روند لازم دارند باید قوی‌تر از کندل‌های سیگنالی معاملات ورودی پولبک روند و محدوده معامله باشد. این به دلیل آن است که بیشتر معاملات ضد روند نقض می‌شوند و لازم است هر کار ممکنی را انجام دهید تا شانس موفقیت شما افزایش یابد. معمولاً قوی‌ترین روندها کندل‌های سیگنالی دارند که بسیار نامناسب به نظر می‌رسند، ولی معاملات در این روندها هنوز هم بسیار عالی هستند. اگر موقعیتی بیش‌ازحد بدیهی باشد، بازار به‌سرعت مغایرت را برطرف خواهد کرد. حرکت بازار سریع و کوچک خواهد بود، همان‌طور که در اکثر معاملات اسکالپ این‌گونه است. در مقابل معمولاً موقعیت‌های معامله سوییننگ، احتمال موفقیت تنها ۵۰ درصدی یا کمتر دارند که در کتاب دوم بیشتر بحث خواهد شد. اغلب به نظر می‌رسد که این موقعیت‌ها تنها قسمتی از محدوده معامله باشند که برای چندین

---

[1]. در یک سوییننگ صعودی، کندل پولبک کندلی است با کف پایین‌تر از کف کندل قبلی. در سوییننگ نزولی کندلی که سقف آن بالاتر از سقف کندل قبلی باشد.

کندل ادامه خواهند یافت. روندهای قوی هر کاری می‌کنند تا معامله‌گران را بیرون نگاه دارند، به دلیل رشد بی‌امانشان، معامله‌گران را مجبور به دنبال کردن روند می‌کنند. ورودی ثانویه موقعیت بازگشتی در بالای محدوده معامله، کندل‌های سیگنالی با بدنه‌های صعودی دارد و موقعیت‌های خرید در پایین محدوده معامله معمولاً دارای کندل‌های سیگنالی با بدنه‌های نزولی هستند. با این حال، ازآنجایی‌که بیشتر تلاش‌ها برای معکوس کردن یک روند نقض می‌شود، معامله‌گران باید تنها زمانی معامله معکوس را در نظر بگیرند که همه چیز، از قبیل کندل‌های سیگنال عالی به نظر برسد تا شانس واماندگی را کاهش دهند. تازه‌کاران باید همه آن‌ها به‌جز قوی‌ترین معاملات مخالف روندهای قطعی را نادیده بگیرند و هر معامله‌گری تنها در صورتی باید انجام یک معامله را در نظر بگیرند که الگوی کلی نمودار، از یک بازگشت پشتیبانی کند. معامله‌گران حداقل باید منتظر پولبکی از شکست قدرتمند یک خط روند باشند و تنها در صورتی معامله کنند که کندل بازگشتی قوی روند وجود داشته باشد، زیرا بیشتر معاملات بازگشتی موفق با یک کندل سیگنال قوی شروع می‌شوند. در غیر این صورت، احتمال موفقیت خیلی کم است و معامله‌گران به‌مرور زمان ضرر خواهند کرد. اتفاقاً، پولبک از شکست خط روند می‌تواند به منتهی‌الیه جدیدی برسد، مانند سقف بالاتری در انتهای یک روند صعودی یا کف پایین‌تر در پایان یک روند نزولی. چراکه معامله ضد روند، رویکردی با احتمال به‌مراتب پایین است، بهترین معامله‌گران، آن معاملات را تنها زمانی انجام می‌دهند که دلیل محکمی وجود داشته باشد که روند در حال معکوس شدن است.

روندها تمایل دارند بسیار بیشتر از آنچه بیشتر معامله‌گران تصور می‌کنند ادامه یابند و در بیشتر معاملات نتیجه این شکست، معاملاتی در جهت مخالف و درنهایت ایجاد موقعیت پولبک دیگری در روند و ورودی دیگری در جهت روند است.

بعلاوه، اگر معامله‌گران قصد دارند در جهت روند معامله کنند، آن‌ها مشتاق به ورود هستند و منتظر شکل‌گیری کندل سیگنال قدرتمندی نخواهند ماند. برای مثال، اگر معامله‌گران قصد خرید پولبک کوچکی به میانگین متحرک در یک روند قوی دارند و همچنین پولبک در حال لمس کف نوسان پیشین، یک خط روند و شاید یک سری فیبوناچی باشد، حتی اگر کندل سیگنال یک کندل روند نزولی باشد معامله‌گران خرید خواهند کرد. نتیجه آن است که موفق‌ترین کندل‌های سیگنال در روندهای پرقدرت، بد به نظر می‌رسند. به‌عنوان یک قانون کلی، هر چه روند قوی‌تر باشد، ظاهر کندل سیگنال کم‌اهمیت‌تر به نظر می‌رسد و هرچه ورودی‌های شما در جهت مخالف روند بیشتر باشد، مشاهده یک کندل سیگنال قوی مهم‌تر می‌شود. در روندهای قوی بیشتر کندل‌های سیگنال نامناسب به نظر می‌رسند و کندل‌های روند در جهت روند بسیار کم هستند.

تقریباً هر کندل، یک کندل سیگنال بالقوه است، اما اکثراً هرگز منتهی به یک ورودی و بنابراین تبدیل به یک کندل سیگنال نمی‌شوند. به‌عنوان یک معامله‌گر روز، سفارشات زیادی را خواهید گذاشت که هرگز انجام نمی‌شود. معمولاً بهترین حالت این است که روی سفارشی در یک تیک بالاتر یا پایین‌تر از کندل قبلی وارد آن شوید و اگر سفارش انجام نگرفت، آن سفارش را حذف کرده و موقعیت جدیدی را برای قرار دادن یک سفارش دیگر جستجو کنید. در سهام، اغلب بهتر است که قیمت ورودی به‌اندازه دو تیک ورای کندل سیگنال قرار داده شود زیرا درجایی که بازار تنها با یک تیک شکسته شده و بازمی‌گردد، تله‌های یک تیکی رایج هستند و تمام معامله‌گرانی را که اخیراً با سفارش گذاری وارد شده بودند را به دام می‌اندازد.

اگر موقعیت ورودی فعال شود، شما تا اندازه‌ای معامله را بر اساس کندل قبلی بنا کرده‌اید بنابراین آن کندل، کندل سیگنال خوانده می‌شود (به شما سیگنال لازم برای سفارش گذاری را می‌دهد). اغلب یک کندل می‌تواند کندل موقعیتی در هر دو جهت باشد و شما موقعیت ورودی خود را در منتهی‌الیه هر دو حدود قرار خواهید داد و در مسیر هرکدام از کندل‌های شکست وارد خواهید شد.

درباره الگوهای کندلی مطالب بسیار زیادی نوشته شده است و احساس می‌شود که اسامی عجیب‌وغریب ژاپنی آن‌ها باید قدرت‌های اسرارآمیزی داشته باشند و اینکه برگرفته از دانش باستانی خاصی هستند. قدرت خدایانی که به آن‌ها بگوید چه بکنند، همان چیزی است که معامله‌گران تازه‌کار به دنبالش هستند؛ بجای آنکه بر سخت‌کوشی خودشان تکیه کنند. برای یک معامله‌گر، مهم‌ترین مسئله تشخیص این است که آیا بازار دارای روند است یا آنکه در محدوده معامله قرار دارد. وقتی زمان تحلیل تنها یک کندل فرامی‌رسد، باز هم مسئله این است که آیا کندل دارای روند است. اگر هرکدام از خریداران یا فروشندگان کنترل را در دست داشته باشند، کندل دارای یک بدنه بوده و یک کندل روند است. اگر خریداران و فروشندگان در تعادل باشند و کندل بدنه کوچکی داشته یا فاقد بدنه باشد، آن کندل یک دوجی است. بسیاری از معامله‌گران کندل‌ها از واژه فتیله در مورد خطی که بالا و پایین کندل قرار دارد استفاده می‌کنند، احتمالاً به خاطر سازگاری با مفهوم شمع‌ها از این واژه استفاده می‌شود. عده‌ای آن را سایه می‌خوانند. ازآنجایی‌که همه ما همواره به دنبال کندل‌های بازگشت هستیم و کندل‌های بازگشت بیشتر شبیه به بچه قورباغه‌ها یا ماهی کوچک هستند، عبارت «دم» اصطلاح توصیفی دقیق‌تری است.

باید تنها به کندل‌ها برحسب رفتار قیمت فکر کنید، نه مجموعه‌ای از اسامی کندل‌های بی‌معنی و گمراه‌کننده (به حدی گمراه‌کننده که این کندل‌ها بیان‌کننده تصورات قدرتی ماورایی هستند). هر کندلی تنها در ارتباط با پرایس اکشن اهمیت پیدا می‌کند و اکثریت قریب به‌اتفاق الگوهای

کندلی در بیشتر اوقات مفید نیستند چراکه آن‌ها در جایی از رفتار قیمت رخ می‌دهند که از لحاظ پیشگویی دارای ارزش خیلی بالایی نیستند؛ بنابراین، اسامی الگوهای کندلی با مشغول کردن فکرتان معامله را برای شما پیچیده‌تر خواهند کرد و ذهن شما را از معامله دور خواهند نمود.

دیدن آغاز شکل‌گیری یک کندل سیگنال در جایی که مناسب معامله می‌باشد، معمول است. شاید کندل سه تا پنج‌دقیقه‌ای، شکل فوق‌العاده‌ای، مانند یک کندل برگشتی صعودی درست بعد از شکست یک پرچم نهایی نزولی داشته باشد. سپس،۵ تا ۱۰ ثانیه قبل از بسته شدن کندل، ناگهان طی ۴ تیک یا بیشتر سایز آن افزایش یابد. وقتی‌که کندل بسته می‌شود، باز هم شکل کندل بازگشت صعودی مناسبی دارد، ولی حالا سقف آن نزدیک سقف پرچم نزولی است. با علم به اینکه در سقف یک پرچم نزولی خرید می‌کنید، چند ثانیه فرصت دارید تصمیم بگیرید که آیا هنوز می‌خواهید در سقف آن بخرید یا خیر. تا آن زمان که همواره در سود باشید و بتوانید نمودارها را به‌سرعت بخوانید، بهترین کار این است که معامله‌ای انجام ندهید و بجای آن منتظر ورودی دوم[1] باشید. باوجوداین، اگر شما مطمئن باشید که فروشندگان به دام افتاده زیادی وجود دارند، می‌توانید معامله کنید، اما تا زمانی که چندین کندل بدون روند بزرگ با همپوشانی زیادی وجود دارند خطر آن بسیار زیاد است.

تمام بازگشت‌ها با اوج‌ها مرتبطند، اما اصطلاحات اغلب به‌وسیله معامله‌گران مختلف به‌طور متفاوتی استفاده می‌شود. به خاطر داشته باشید، هر کندل روندی یک اوج یا قسمتی از یک اوج است و اوج به‌وسیله اولین کندل مکث به اتمام می‌رسد. برای مثال، اگر سه کندل صعودی پشت سر هم وجود داشته باشد و سپس کندل بعدی یک کندل کوچک صعودی با یک سایه بزرگ در بالا یا یک کندل داخلی، یک دوجی، یا کندل روند نزولی باشد آنگاه آن اوج توسط سه کندل روند صعودی تمام می‌شود.

---

[1]. (ورودی ثانویه) در عرض چند کندل بعد از کندل ورودی اول، دومین کندل ورودی بر اساس همان منطق ورودی اول، ورودی دوم است. برای مثال، درصورتی‌که یک شکست در بالای یک پرچم صعودی گوه‌ای نقض شده وجود داشته باشد و به سمت یک کف دوقلوی پرچم صعودی عقب نشیند، این پولبک سیگنال خرید دومی را برای پرچم صعودی گوه‌ای ایجاد می‌کند.



شکل (۱-۴) نمونه‌ای از کندل سیگنال

نمودار پانزده دقیقه‌ای VISA(V) در شکل (۱-۴) شکست رو به بالایی از خط روند نزولی و سپس ریزشی دو مرحله‌ای به یک کف پایین‌تر زیر کف روز قبل نشان می‌دهد. نکته‌ای که این نمودار نشان می‌دهد این است که کندل‌های سیگنال و ورودی چه هستند و الگوهای موقعیت ویژه بعداً بحث خواهند شد. موج اول به‌وسیله الگوی (iii) کامل شده و در کندل ۲ پایان می‌یابد. کندل ۳ یک کندل بازگشتی قوی صعودی است که هر دو کف روز قبل را معکوس کرده و تستی بر روی خط روند نزولی داشته و امکان خریدی را فراهم می‌سازند. سفارش خریدی در یک تیک بالای این کندل انجام خواهد شد و آنگاه کندل ۳ تبدیل به یک کندل سیگنال می‌شود (بجای اینکه فقط یک کندل موقعیت باشد) و کندلی که در آن ورود به معامله انجام می‌گیرد، کندل ورودی خواهد بود. کندل روند صعودی مطلوبی در دو کندل بعد از کندل ورودی وجود دارد و این یک کندل ادامه‌دهنده است. ازآنجایی‌که این یک معامله برخلاف روند است، معامله‌گران قبل از خرید، به یک کندل بازگشتی صعودی قوی مانند کندل ۳ نیاز دارند؛ از طرفی دیگر شانس یک معامله خوب به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای کم شده است.

کندل ۴ یک ورودی برخاسته از موقعیت ii(بعداً بحث خواهد شد) برای یک موج دوم صعودی است.

کندل ۵ یک کندل ورودی پولبک شکست برخاسته از یک کندل داخلی است (بازار آشکارا سقف کندل ۲ را با الگوی (iii) می‌شکند). بدنه‌های دوکندل مکث، هرکدام بدنه‌های داخلی هستند، بنابراین، این موقعیت در عمل همانند یک الگوی (ii) است.

۵

کندل‌های سیگنال: کندل‌های بازگشتی

کندل بازگشتی یکی از قابل‌اعتمادترین کندل‌های سیگنال است، کندل بازگشتی درواقع کندلی است که بعضی ظواهر جهت کندل یا کندل‌های قبلی را معکوس می‌کند. اگر به تایم فریم کوچکتر یک نمودار نگاه کنید، می‌بینید که هر کندل بازگشتی از یک کندل روند نزولی و سپس یک کندل روند صعودی ساخته شده است، اما حتماً نباید پشت سر هم باشند. بازار اوج فروشی دارد که یک شکست صعودی به دنبال آن می‌آید (به خاطر داشته باشید، تمام کندل‌های روند به‌طور هم‌زمان اسپایک، شکست و اوج هم هستند، اما زمینه تعیین می‌کند که کدام خصوصیت در آن زمان غالب است). مخالف موارد فوق برای یک کندل بازگشتی نزولی هم صدق می‌کند، جایی که در یک تایم فریم کوچکتر کندل روند صعودی، نشانگر آن است که یک اوج خرید اتفاق افتاده و به دنبال آن یک کندل روند نزولی آمده است که نشان می‌دهد بازار به طرف پایین شکسته است.

بیشتر معامله‌گران کندلی می‌خواهند که بدنه‌ای در جهت مخالف روند قبلی داشته باشد، ولی وجود آن کندل ضروری نیست و اجزای بسیار زیاد یک بازگشت باید در نظر گرفته شود. معروف‌ترین کندل سیگنال کندل بازگشتی است و کمترین خصوصیاتی که یک کندل بازگشتی صعودی باید داشته باشد این است که یا قیمت بسته شدن آن بالاتر از قیمت باز شدن آن باشد (بدنه صعودی) یا در قیمتی بیشتر از متوسط قیمت کندل بسته شود. بهترین کندل‌های بازگشتی صعودی بیش از یکی از موارد زیر را دارند:

- اولین قیمت آن‌ها نزدیک به آخرین قیمت کندل قبلی یا پایین‌تر از آن است و آخرین قیمت آن‌ها بالاتر از اولین قیمتشان و بالای آخرین قیمت کندل قبلی است.
- سایه پایین در حدود یک‌سوم تا نصف ارتفاع کندل بوده و سایه بالای آن بسیار کوچک است یا اصلاً سایه ندارد.
- با کندل یا کندل‌های قبلی همپوشانی زیادی ندارد.
- کندل بعد از کندل سیگنال یک کندل دوجی داخلی نیست، بجای آن کندل ورودی قدرتمندی وجود دارد (یک کندل روند صعودی با بدنه‌ای نسبتاً بزرگ و سایه‌هایی کوچک).
- در آخرین قیمت خود (در بالا بسته می‌شود) سقف‌ها و قیمت‌های پایانی بیش از یک کندل را معکوس می‌کند.

کمترین خصوصیاتی که یک کندل بازگشتی نزولی باید داشته باشد آن است که یا در قیمتی بسته شود که پایین‌تر از اولین قیمت آن باشد (بدنه نزولی) یا در قیمتی بسته شود که پایین‌تر از متوسط آن کندل باشد.

بهترین کندل‌های بازگشتی نزولی دارای مشخصات زیرند:

- اولین قیمت آن نزدیک به آخرین قیمت کندل قبلی یا بالای آن است و در قیمتی درست پایین آخرین قیمت کندل قبلی بسته می‌شوند.
- سایه بالا در حدود یک‌سوم تا نصف ارتفاع کندل بوده و سایه پایین آن بسیار کوچک بوده یا اصلاً سایه ندارد.
- با کندل یا کندل‌های قبلی همپوشانی زیادی ندارد.
- کندل بعد از کندل سیگنال یک کندل دوجی داخلی نیست بجای آن یک کندل ورودی قوی است (یک کندل روند نزولی با بدنه‌ای نسبتاً بزرگ و سایه‌هایی کوچک).
- قیمت پایانی آن (در پایین بسته می‌شود) کف‌ها و قیمت‌های پایانی بیش از یک کندل را معکوس می‌کند.

آخرین خصوصیت فوق برای هر کندل روند پرقدرتی اعم از کندل قدرتمند شکست، کندل سیگنال، یا کندل ورودی درست است. برای مثال، در کف یک موج نزولی، اگر یک کندل بازگشتی صعودی وجود داشته باشد و در قیمتی فراتر از قیمت پایانی هشت کندل قبلی بسته شود و سقف آن بالاتر از سقف پنج کندل قبلی باشد، این معمولاً بسته به زمینه، قوی‌تر از یک کندل بازگشتی

است که قیمت پایانی آن بالاتر از قیمت پایانی کندل قبلی بوده و بالاتر از سقف هیچکدام از کندل‌های اخیر نیست.

بازار بعد از هر کندلی می‌تواند روند صعودی یا نزولی به خود بگیرد و بنابراین هر کندلی، یک کندل موقعیت برای هردو ورودی خرید و فروش است. یک کندل موقعیت تنها زمانی تبدیل به کندل سیگنال می‌شود که یک معامله در کندل بعدی انجام شده باشد،که آن کندل، تبدیل به کندل ورودی می‌شود. یک کندل موقعیت به‌تنهایی نمی‌تواند دلیل ورود به یک معامله باشد. باید در ارتباط با کندل‌های قبلی دیده شود و می‌تواند در صورتی به معامله هدایت کند که قسمتی از الگوی ادامه‌دهنده یا بازگشتی باشد. یکی از سخت‌ترین چیزها برای معامله‌گران تازه‌کار این است که کندل‌های سیگنال اغلب به نظر می‌رسند که به‌طور ناگهانی بدون هشدار قبلی در زمان‌ها و موقعیت‌هایی که تا چند کندل بعد هم منطقی به نظر نمی‌رسد و در لحظات آخر بسته شدن کندل ظاهر می‌شوند. یک راهنما برای معامله‌گری آن است که به این بیندیشید که بازار می‌تواند یک سوینگ به سمت بالا یا پایین داشته باشد. درست مثل شطرنج‌بازان حرفه‌ای که به چندین حرکت پیش رو فکر می‌کنند، معامله‌گران حرفه‌ای نیز همواره به دلایلی فکر می‌کنند که چرا بازار ممکن است در کندل بعدی و در چندین کندل بعدی بالا یا پایین برود. این حالت آن‌ها را در انتظار کندل‌های سیگنال قرار می‌دهد بنابراین در صورت مهیا شدن سریع یک موقعیت خوب، آن‌ها آماده سفارش گذاری هستند.

ازآنجایی‌که همیشه معامله کردن در جهت روند عاقلانه است، یک معامله در صورتی بیشترین احتمال موفقیت را دارد که کندل سیگنال، کندل روند قدرتمندی در جهت روند باشد. به خاطر داشته باشید که شما در پی مواقعی هستید که عدم تعادل احتمالی بین خریداران و فروشندگان در بالا یا پایین کندل قبلی پیدا شود. کندل بازگشتی در زمینه مناسب اغلب در چنین زمانی، برای معامله‌گران یک امتیاز محسوب می‌شوند. حتی با اینکه شما بعد از روند فقط یک کندلی وارد می‌شوید، انتظار گرایش بیشتری در جهت خودتان دارید. انتظار برای ورود روی سفارشی ورای کندل سیگنال نیازمند آن است که بازار در جهت شما حتی بیشتر حرکت کند، در این صورت شانس موفقیت شما افزایش می‌یابد. با این حال، یک کندل روند که در جهت مخالف قرار دارد هم، بسته به رفتارهای دیگر قیمت بر روی نمودار، می‌تواند کندل سیگنال قابل‌قبولی باشد. در کل، کندل‌های سیگنال که کندل‌های دوجی یا کندل‌های روند در جهت خلاف معامله شما هستند شانس بیشتری برای نقض شدن دارند زیرا آن سمتی از بازار که نیاز دارید کنترل را در دست داشته باشد هنوز خود را اثبات نکرده است. باوجوداین، در یک روند صعودی قدرتمند می‌توانید به هر دلیلی خرید انجام دهید، ازجمله خرید در بالای سقف یک کندل روند قدرتمند نزولی، مخصوصاً

اگر از حد ضرری استفاده کنید که به‌اندازه کافی بزرگ باشد. هر چقدر روند قوی‌تر باشد،اهمیت داشتن یک کندل سیگنال قوی برای معامله در جهت روند کمتر می‌شود و اهمیت داشتن یک کندل سیگنال قوی برای معامله در جهت مخالف روند بیشتر می‌شود. همیشه بهتر است بعدازآنکه طرف درست بازار (فروشندگان یا خریداران) کنترل حداقل کندل سیگنال را برعهده گرفتند وارد بازار شویم. آن کندل به معامله‌گران اعتمادبه‌نفس بسیار بیشتر، استفاده از حد ضرر بازتر و تبادل حجم زیادتر می‌دهد و همه این‌ها شانس رسیدن به هدفشان را افزایش خواهند داد.

کندل‌های بازگشتی می‌توانند مشخصاتی داشته باشند که نشانگر قدرت است. مأنوس‌ترین کندل بازگشتی صعودی بدنه صعودی (در قیمتی بیش از اولین قیمت خود بسته می‌شود) و سایه‌ای متوسط در زیر کندل دارد. این نشان می‌دهد که قیمت به سمت پایین مبادله شده و سپس به سمت قیمت پایانی کندل حرکت کرده است و نیز نشان می‌دهد که خریداران بر فروشندگان پیروز شده‌اند و به سمت تیک آخر روبه بالا یورش برده‌اند.

وقتی معامله ضد روندی را در روند قدرتمندی تصور می‌کنید، باید منتظر باشید تا خط روندی شکسته شده و سپس یک کندل بازگشت قوی شکل بگیرد تا انتهای خط روند را لمس کند، در غیر این صورت شانس داشتن معامله پرسود بسیار کم است. همچنین، روی کندل ۱ دقیقه‌ای وارد معامله نشوید زیرا اکثریت آن‌ها نقض خواهند شد و تبدیل به موقعیت‌های در جهت روند خواهند شد. ضرر ممکن است اندک باشد، ولی اگر در پنج معامله چهار تیک ضرر کنید،در آن روز هرگز نمی‌توانید سودی داشته باشید (با هزاران زخم کاغذ، از شدت خونریزی خواهید مرد).

چرا تست منتهی‌الیه خط روند مهم است؟ برای مثال، در انتهای یک بازار نزولی، خریداران کنترل را به دست گرفته و بازار صعود می‌کند. وقتی قیمت به سمت آخرین کف خود پایین می‌آید، تست می‌کند که ببینند آیا خریداران دوباره به سمت آن قیمت یورش می‌برند یا مغلوب فروشندگانی می‌شود که تلاش می‌کنند قیمت‌ها را مجدداً به سمت پایین آخرین کف هدایت کنند. اگر فروشندگان در دومین تلاششان برای هدایت بازار به سمت پایین شکست بخورند، احتمالاً قیمت حداقل برای مدتی به سمت بالا خواهد رفت، هر زمان که بازار برای چیزی دو بار تلاش کند و شکست بخورد، معمولاً بعدازآن جهت مخالف را امتحان می‌کند. به همین دلیل کف و سقف دوقلوها ساخته می‌شوند و هم به همین دلیل است که معامله‌گران تا زمانی که انتهای روند قدیمی لمس نشود به بازگشت عمیقی اعتقاد پیدا نمی‌کنند.

اگر کندل بازگشتی با یک یا چند کندل قبلی همپوشانی وسیعی داشته باشد یا اگر یک سایه تنها با دو تیک ورای کندل‌های قبلی کشیده شود، ممکن است تنها بخشی از محدوده معامله باشد. اگر چنین است، چیزی برای بازگشت وجود ندارد، چون‌که بازار حرکت بدون روندی دارد نه روند

دار. در این حالت،نباید به‌عنوان یک کندل سیگنال استفاده شود و حتی اگر تعداد کافی از معامله‌گران به دام افتاده باشند ممکن است تبدیل به موقعیتی در جهت مخالف شود. حتی اگر کندل‌ها، شکل کندل‌های بازگشتی عالی داشته باشند، ازآنجایی‌که هیچ فروشنده‌ای در آنجا به دام نیافتاده است هیچ خریدی هم برای خروج از موقعیت خود انجام نمی‌دهند و خریداران جدید چندین کندل را به امید آنکه بازار به قیمت ورودشان بر خواهد گشت، می‌گذرانند تا بتوانند در قیمت سربه‌سر از بازار بیرون بروند. این فشار فروش سرکوب شده است.

وقتی کندل سیگنال بزرگ بوده و با دو یا سه کندل قبل از خود همپوشانی زیادی دارد، قسمتی از محدوده معامله است. این وضعیتی عادی در پرچم‌های صعودی و نزولی است و معامله‌گران بیش‌ازحد مشتاق را در جهت روند به دام می‌اندازد. برای مثال، بازاری را در نظر بگیرید که در محدوده معاملاتی روز بوده است تا اینکه با قدرت به سمت بالای میانگین متحرک معکوس می‌شود. سپس طی سه کندل به سمت افقی حرکت می‌کند و تشکیل کندل بازگشت صعودی قدرتمندی می‌دهد. اگر ورودی احتمالاً یک تیک یا بیشتر در پایین سقف پرچم صعودی باشد، تمایل برای خرید وجود دارد؛ اما در حدود ۶۰ درصد مواقع، این یک تله صعودی است و بازار به‌زودی بعد از ورودی به سمت پایین خواهد چرخید.

چقدر همپوشانی قابل‌قبول است؟ به‌عنوان یک خط راهنما، در یک بازگشت صعودی احتمالی تا زمانی که وسط یا میانه کندل بازگشت صعودی، بالای کف کندل قبلی (میانه یک کندل بازگشتی نزولی پایین‌تر از سقف کندل قبلی در یک بازگشت نزولی احتمالی) باشد، همپوشانی ممکن است بیش‌ازحد باشد و نشان می‌دهد که بجای بازگشت‌های قابل معامله، یک محدوده معاملاتی درحال‌توسعه است. این خیلی مهم‌تر است که بجای ورود در جهت روند در انتهای یک پولبک، زمانی که باید درباره موقعیت‌های بی‌نقص وسواس کمتری داشته باشید، به دنبال ورود در جهت مخالف روند باشید (برای گرفتن بازگشت در یک روند تلاش می‌کنید).

اگر بدنه طوری کوچک باشد که آن کندل دوجی محسوب شود ولی خود آن کندل بزرگ باشد، معمولاً نباید به‌عنوان مبنا برای معامله مخالف روند استفاده شود. دوجی بزرگ اساساً محدوده معامله یک کندلی است و عاقلانه نیست در بالای یک محدوده معامله در یک روند نزولی خرید انجام شود یا در پایین یک محدوده معامله در یک روند صعودی فروش انجام گیرد. بهتراست برای سیگنال دوم صبر کنید.

اگر یک کندل بازگشتی صعودی سایه بزرگی در بالا و یک کندل بازگشتی نزولی سایه بزرگی در کف داشته باشند، معامله‌گران ضد روند اعتقاد خود را نسبت به ادامه روند تا پایان کندل از

دست می‌دهند و معامله ضد روند تنها در صورتی باید انجام گیرد که بدنه به‌طور منطقی قوی به نظر بیاید و پرایس اکشن آن را حمایت کند (مانند یک ورودی ثانویه).

اگر کندل بازگشت از چندین کندل قبل از خود خیلی کوچکتر باشد، مخصوصاً اگر بدنه کوچکی داشته باشد، قدرت ضد روند خود را از دست می‌دهد و کندل سیگنال پر ریسک‌تر است. بااین‌وجود، اگر آن کندل بدنه قدرتمندی داشته باشد و در زمینه مناسب قرار گیرد، خطر معامله کردن کم است (ریسک آن یک تیک ورای سمت دیگر کندل کوچک است).

در روند قدرتمند، مشاهده شکل‌گیری یک کندل بازگشتی عادی است و سپس لحظاتی قبل از مشخص شدن قیمت پایانی آن کندل، کندل بازگشت شکست می‌خورد. برای مثال، در یک روند نزولی،می‌توانید کندل بازگشت صعودی قدرتمندی را با یک سایه بزرگ ببینید (کندل هنوز بسته نشده است) آخرین قیمت در بالای اولین قیمت کندل و بالای آخرین قیمت کندل قبلی می‌باشد و کف کندل به پایین یک کانال نزولی روند کشیده می‌شود یا بیش‌ازاندازه پرتاب می‌شود، اما پس از آن در چند لحظه قبل از بسته شدن کندل، قیمت فرو ریخته و کندل در کف خود بسته می‌شود. بجای یک کندل بازگشت صعودی از جهش اضافه خط روند کانال، بازار کندل نزولی پرقدرتی را شکل می‌دهد و تمام معامله‌گرانی که به امید بازگشت پرقدرت روند صعودی وارد آن شده بودند حال در دام گرفتار می‌شوند و به خاطر اینکه مجبورند با ضرر خارج شوند به بازار کمک خواهند کرد که به سمت پایین کشیده شود.

یک کندل بزرگ بازگشتی صعودی با یک بدنه کوچک هم باید درزمینه رفتار قبلی قیمت در نظر گرفته شود. سایه بزرگ پایینی نشان می‌دهد که فروش عقب نشسته و خریداران کنترل کندل را به دست گرفته‌اند. با این حال اگر کندل اخیر منحصراً با کندل یا کندل‌های قبلی، همپوشانی داشته باشد آنگاه ممکن است این نشان‌دهنده محدوده معامله‌ای بر روی تایم فریم کوچکتر باشد و آخرین قیمت کندل در بالای آن ممکن است نزدیک به قیمت سقف محدوده باشد، با این هدف که بعدازآن در زمان گرفتن سود توسط خریداران یک‌دقیقه‌ای فروش بیشتری انجام شود. در این وضعیت، قبل از وارد شدن به یک معامله برخلاف روند به پرایس اکشن بیشتری نیاز است. لازم نیست در بالای یک پرچم در روند نزولی وارد خرید شده یا در پایین پرچم در روند صعودی فروش انجام دهید.

برنامه‌های کامپیوتر به معامله‌گران اجازه می‌دهند از نمودارهای بر پایه محدوده وسیعی از مشخصات رفتار قیمت استفاده کنند. معامله‌گران از هر تایم فریم قابل تصوری به‌خوبی نمودارهایی که هر کندل آن بر پایه هر تعداد تیکی هست (هر معامله از هر اندازه‌ای یک تیک است) یا قراردادهای مبادله شده به‌خوبی هر چیز دیگر استفاده می‌کنند. به همین خاطر، آنچه که به‌عنوان

کندل ۵ دقیقه‌ای بازگشتی بسیار عالی ظاهر می‌شود، ممکن است شبیه به چیزی مانند یک کندل بازگشتی بر روی بسیاری از نمودارهای دیگر نباشد. اگر موقعیت بازگشتی روبه بالا را دیدید ولی کندل بازگشتی نبود، وقت خود را با جستجوی تعدادی الگوی عالی در چندین نمودار تلف نکنید. هدف شما درک آن است که بازار چه کاری انجام می‌دهد، نه یافتن الگوهای بی‌نقص. اگر دیدید که بازار در حال تلاش برای بازگشت است، حتی اگر بعد از چندین کندل این کار را انجام داد، لازم است راهی برای ورود به بازار پیدا کنید،و تمرکزتان باید بر روی آن باشد. اگر به دنبال یافتن یک کندل بازگشت خوب وقت خود را هدر دهید، به خودتان اجازه می‌دهید که از هدفتان منحرف شوید و احتمالاً در آن لحظه از نظر ذهنی آماده معامله کردن نیستید.

بیشتر کندل‌های بازگشتی در نمودار روزانه از روزهایی می‌آیند که دارای محدوده معامله رونددار هستند (در فصل ۲۲ بحث شده است)، ولی تعداد کمی از بازگشت‌های به اوج رسیده طی روز ظاهر می‌شوند. هر زمانی که معامله‌گران یک محدوده معامله را دریک روز می‌بینند، باید هشیار باشند که ممکن است بازگشت پرقدرتی بعداً در طی روز در راه باشد.



شکل (۱-۵). کندل بازگشتی در یک محدوده معاملات

همان‌طور که در شکل (۱-۵) نشان داده شده کندل بازگشت ۱ با چهار کندل قبل از خود همپوشانی زیادی دارد که نشان‌گر بازار دو طرفه است بنابراین چیزی برای بازگشت وجود ندارد. این کندل موقعیت خرید نیست. کندل بازگشت ۲ کندل سیگنال نزولی فوق‌العاده‌ای است چراکه شکست کندل بازگشتی ۱ را معکوس می‌کند (خریداران به دام افتاده در اینجا به خاطر شکست کندل بازگشت صعودی آزاد می‌شوند) و همچنین کندل ۲ شکست رو به بالای خط روند نزولی که از سقف روز شکل گرفته را به طرف پایین معکوس می‌کند. خریدارانی که مجبور می‌شوند برای خروج فروش انجام دهند، به فشار فروش فروشندگان اضافه می‌شوند. معامله‌گران زیرک می‌دانند که در زیر کف کندل ۲ تعداد فروشندگان از خریداران بیشتر است و آنجا وارد فروش می‌شوند، به انتظار حداقل ادامه فروش می‌مانند تا بتوانند سودی معادل سود یک معامله اسکالپ به دست آورند. وقتی بازار در یک محدوده معامله در سوییینگ نزولی قرار دارد، در حال تشکیل پرچم نزولی می‌باشد. معامله‌گران باهوش به دنبال فروش در نزدیکی سقف خواهند بود و اگر موقعیت خوب باشد در نزدیکی کف می‌خرند. جمله کلیشه‌ای «پایین بخر،بالا بفروش»، یکی از بهترین اصول راهنما برای معامله‌گران باقی می‌ماند. وقتی می‌گویم در کف بخرید منظورم این است که اگر در معامله فروش هستید، می‌توانید فروشتان را جهت گرفت سود پس بخرید و اگر در آنجا سیگنال خرید پرقدرتی وجود دارد، می‌توانید جهت ورود به موقعیت جدید بخرید. بعلاوه وقتی بازار به سمت سقف محدوده معامله پیش می‌رود،سقف را بفروشید. درصورتی‌که قبلاً خریده باشید، این فروش می‌تواند برای گرفتن سودتان باشد، یا اگر موقعیت فروش خوبی باشد، می‌توانید برای ورود به موقعیت فروش جدید بفروشید.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار کف روز قبلی را در شکل (۱-۵) رو به پایین می‌شکند، اما شکست نقض می‌شود و به سمت یک روند از ابتدا صعودی روز برمی‌گردد. روند صعودی با یک شکست قوی به پایان می‌رسد که در ۷:۴۸ صبح با یک موقعیت فروش کندل شکاف میانگین متحرک نقض می‌شود. حرکت رو به پایین به سمت کندل ۱، در یک کانال نزولی فشرده انجام می‌گیرد و اولین شکست رو به بالای یک کانال فشرده معمولاً در خلال یک یا دو کندل معکوس می‌شود. در آن ناحیه، ممکن است یک پولبک کف پایین‌تر یا کف بالاتر شکل بگیرد و آنگاه رالی آن از سر گرفته خواهد شد، یا شکست به‌سادگی نقض شده و روند نزولی از سر گرفته خواهد شد، همان‌طوری که در اینجا این کار انجام می‌گیرد.



شکل (۲-۵) کندل بازگشت با سایه بلند و بدنه کوچک

کندل‌های بازگشتی با سایه‌های بزرگ و بدنه کوچک باید در زمینه قبلی پرایس اکشن بررسی شوند. همان‌طور که در شکل (۲-۵) نشان داده شده، کندل بازگشتی ۱، یک شکست رو به پایین کف یک سوینگ اصلی قبلی در یک بازار بیش فروش شده می‌باشد (از شکست رو به پایین خط کانال روند شیب‌دار ۸ کندل قبلی برگشته است). همچنین قبل آن در همان روز فعالیت صعودی بسیار پرقدرتی انجام شده است، بنابراین ممکن است خریداران برگردند. دریافت‌کنندگان سود خواهان پوشش دادن فروششان هستند و قبل از آنکه مجدداً مشتاق فروش شوند، منتظر افزایش قیمت برای فروش در زمان و قیمت مناسب می‌مانند.

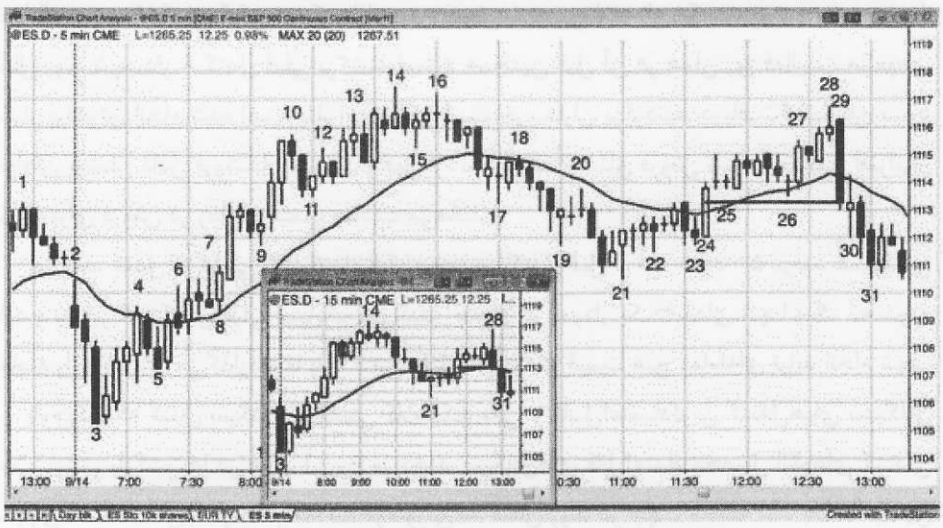
روز بعد، کندل بازگشتی ۲ با کندل قبل و چندین کندل قبل از آن حدود ۵۰ درصد همپوشانی دارد و به زیر کف کندل قبلی اسپایک نمی‌کند. احتمالاً در نمودار یک‌دقیقه‌ای تنها یک محدوده معامله را به نمایش می‌گذارد و تا پیدا شدن رفتارهای بیشتر قیمت هیچ معامله‌ای نباید انجام شود.

باوجوداینکه کندل سیگنال بازگشتی کلاسیک، یکی از قابل‌اعتمادترین کندل‌های سیگنال است، بیشتر بازگشت‌ها در غیاب آن رخ می‌دهند. سیگنال‌های قابل‌اعتماد محصول الگوهای کندلی بسیاری هستند. تقریباً در تمام حالات، درصورتی‌که کندل روند در جهت معامله شما باشد تبدیل به کندل سیگنال قوی‌تری می‌شود. برای مثال، اگر در جستجوی خرید بازگشتی احتمالی در انتهای یک روند نزولی باشید، درصورتی‌که قیمت پایانی کندل سیگنال در بالای اولین قیمت و در نزدیکی سقف آن باشد احتمال موفقیت معامله به‌طور چشم‌گیری زیاد می‌شود.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

روز اخیر (آخرین روز روی نمودار) نشان داده شده در شکل (۲-۵)، محدوده معاملاتی روز قبل را رو به بالا می‌شکند، اما شکست نقض شده و روز تبدیل به یک روز از ابتدا روند نزولی می‌شود. دومین شکست رو به پایین کف روز قبل هم نقض شده و تبدیل به کف روز می‌شود.

وقتی بازار به‌سرعت بالا و سپس پایین می‌آید، معمولاً وارد یک محدوده معامله شده است، آنگاه خریداران و فروشندگان برای کنترل بازار با یکدیگر وارد جنگ می‌شوند. حرکت به کف جدید روز در انتها پرشتاب می‌شود. یک جفت کندل بزرگ نزولی وجود دارد که اوج‌های متوالی فروش هستند. معمولاً به دنبال آن حداقل دو موج و ۱۰ کندل می‌آیند. به دلیل اینکه ریزش به سمت یک کف جدید ادامه نمی‌یابد، آن حرکت درواقع به سبب یک خلاء فروش است نه فروشندگان قوی. خریداران بزرگ از بازار انتظار دارند که کف روز را لمس کند، بنابراین آن‌ها خریدشان را متوقف می‌کنند تا اینکه به هدف برسد. کوتاهی آن‌ها در خرید در طول چندین کندل منتهی به کندل ۱ باعث فرو ریختن بازار می‌شود. چنانچه معتقد باشند که بازار در حال سقوط به زیر کف است، خرید از نظر آن‌ها منطقی نیست. چرا بخرند وقتی‌که اگر تنها چند دقیقه منتظر بمانند می‌توانند در قیمت پایین‌تر بخرند؟ با این حال وقتی‌که به منطقه خرید می‌رسد، آن‌ها بی‌امان می‌خرند و بازار در یک کانال صعودی حرکت می‌کند.



شکل (۳-۵) کندل‌های بازگشتی می‌توانند غیرمعمول باشند

یک کندل بازگشتی حتماً نباید سقفی بالاتر از سقف کندل قبلی داشته باشد، اما باید چیزی را در مورد رفتار قیمت کندل یا کندل‌های قبلی معکوس کند. در شکل (۳-۵) کندل ۲۹ یک کندل

نزولی قوی در یک موج صعودی است، بنابراین بدنه آن جهت بازار را معکوس می‌کند. قیمت پایانی این کندل، قیمت‌های پایانی ۱۳ کندل قبلی و کف‌های ۱۲ کندل قبلی را معکوس می‌کند که غیرمعمول، ولی نشانه‌ای از قدرت می‌باشد. تمام معامله‌گرانی که در قیمت پایانی کندل ۲۴ و در طول هرکدام از ۱۲ کندل بعدازآن خرید انجام داده بودند، اکنون موقعیت‌هایی آن‌ها به‌سرعت وارد ضرر می‌شوند و اگر آن‌ها در زمان شکل‌گیری کندل خارج نشوند، احتمالاً در قیمت پایانی کندل یا زمانی که کندل بعدی در زیر کف کندل فعلی معامله می‌شود، خارج می‌شوند. قوی‌ترین خریداران در طول پولبک و تا زمانی که چرخش روند را باور کنند در موقعیت خود خواهند ماند. یک کندل بازگشتی تکی قوی که بسیاری از قیمت‌های پایانی و کف‌ها را معکوس می‌کند، مانند کف ۲۹، می‌تواند مسیر غالب را بچرخاند، همچنین می‌تواند آن خریداران بزرگ را به این باور برساند که بازار احتمالاً تا اندازه‌ای پایین معامله خواهد شد، شاید به‌اندازه یک حرکت روبه پایین اندازه‌گیری شده بر پایه ارتفاع کندل که بتوانند از خریدشان خارج شوند و سپس دوباره در قیمتی بسیار پایین‌تر وارد معامله خرید شوند. این خریداران ناامید در هر فرصتی به دنبال خروج از معامله خواهند بود. آن‌ها انتظار دارند در این منطقه با ضرر خارج شوند ولی می‌خواهند با ضرری خارج شوند که تا حد امکان کوچک باشد و سفارشات حد خود را برای خروج در بالای قیمت پایانی کندل ۲۹ و در بالای سقف اولین کندل (کندل ۲۴) خواهند گذاشت. بعضی از معامله‌گران، نخستین کندل را به‌عنوان یک موقعیت سقف ۱ خواهند دید، اما این وضعیتی است که معامله‌گران به این باور می‌رسند که مسیر غالب به سمت پایین معکوس شده است؛ بنابراین آن‌ها فکر می‌کنند که ورودی‌های سقف ۱ و ۲ در رسیدن به سود کمی حتی به‌اندازه سود یک معامله اسکالپ ناکام خواهند ماند. هم خریداران و هم فروشندگان جهت فروش در بالای سقف‌های ۱ و ۲ کندل‌های سیگنال، سفارش حد می‌گذارند (ورود به سفارش حد در سیگنال‌های سقف یا کف ۱ و ۲ که انتظار دارید نقض شوند، در کتاب ۲ بحث شده است). خریداران با خروج با زیان اندکی آزاد می‌شوند، فروشندگان به این به‌عنوان فرصتی بزرگ برای فروش در بالای سقف کندل قبلی در روند جدید نگاه می‌کنند (ممکن است یک کانال نزولی باشد) ولی اگر بازار به زیر سقف ۲ کف کندل سیگنال خرید سقوط کند، حتی سرسخت‌ترین خریداران هم آن را رها خواهند کرد و بازار اغلب به یک اسپایک نزولی شکسته و سپس حداقل یک حرکت اندازه‌گیری شده رو به پایین خواهد داشت.

اگر پولبکی وجود نداشته باشد که به خریداران به دام افتاده اجازه خروج با ضرر کم طی چند کندل را بدهد، آن‌ها از بازار در قیمت جاری و با قیمت پایانی کندل‌هایی که در منطقه پایین‌تری بسته می‌شوند و در حد ضرر زیر نخستین کندل خارج می‌شوند. فروشندگان درک می‌کنند چه اتفاقی در حال رخ دادن است و به دنبال فرصت‌های مشابهی خواهند بود تا بفروشند، ولی

فروششان آغاز فروش خواهد بود نه خروج از خرید. خریدارانی که در زمان بسته شدن کندل ۲۳ در موقعیت خود مانده‌اند خریداران سوییِنگ هستند، زیرا که تمایل دارند در پولبک‌ها بمانند. معامله‌گران سوییِنگ در کل قوی‌ترین شرکت‌کنندگان هستند، چراکه بیشترشان مؤسساتی با دارایی بالا هستند و توانایی تحمل پولبک‌ها را دارند وقتی‌که قوی‌ترین خریداران تصمیم می‌گیرند که بازار بیشتر سقوط کند، هیچ‌کس خرید را ترک نخواهد کرد و قبل از تصمیم دوباره آن‌ها برای خرید، بازار معمولاً باید در حدود ۱۰ کندل و دو موج تا یک سطح حمایت، سقوط کند. تا زمانی که یک موقعیت خرید قوی ظاهر نشود آن‌ها خرید نخواهند کرد و اگر ظاهر نشود به انتظار خود ادامه خواهند داد. در اینجا، کندل‌های کافی در طول روز برای آن‌ها باقی نمی‌ماند که دوباره بخرند و بنابراین قبل از پایان روز تعدادی کافی از خریداران برای بالا بردن بازار بجا نمی‌ماند.

کندل ۲۹ یک کندل سیگنال است و بسیاری از معامله‌گران در پایین کف آن می‌فروشند آن کندل یک کندل ورودی هم می‌باشد؛ و بسیاری از معامله‌گران در جریان سقوط آن کندل به پایین کندل قبلی و زمانی که به سمت پایین کشیده می‌شود می‌فروشند زیرا باور می‌کنند که شکست رو به بالای محدوده معامله ۱۲ کندل قبلی در حال نقض شدن است. کندل ۲۹ یک کندل شکست هم محسوب می‌شود زیرا محدوده معامله را به سمت پایین هم شکسته است. این کندل به همراه کندل ۲۷ یا با کل اسپایک صعودی از کندل ۲۶ تا کندل ۲۷، تشکیل یک بازگشت می‌دهد. از نمودار کوچک داخل نمودار فوق می‌توانید ببینید که این قسمتی از یک کندل بازگشتی بزرگ روی نمودار ۱۵ دقیقه‌ای است.

کندل ۲۱ قیمت‌های پایانی سه کندل قبلی را معکوس می‌کند اما ازآنجایی‌که در داخل یک کانال شیب‌دار است، انتظار برای پولبک شکست بعد از شکست رو به بالای کانال امن‌تر است. همچنین کندل ۲۱ با دو کندل قبلی خود همپوشانی دارد و ممکن است بجای کندل بازگشتی در حال ساخت محدوده معامله باشد. کندل ۲۳ کندل سیگنال پولبک شکست قابل‌قبولی است، چراکه بازار دو بار برای ریزش تلاش می‌کند و هردو تلاش نقض می‌شوند (کندل ۱۱ و کندل قبل از ۲۳). به دلیل اینکه در دو ساعت اولیه آن روز بازار یک رالی بسیار قوی دارد، بعد از یک پولبک احتمالاً دوباره تلاش می‌کند که حرکت کند. این شانس موفقیت را برای معامله‌گرانی که در بالای کندل ۲۱ خرید کرده بودند را بالا می‌برد، مخصوصاً ازآنجایی‌که شکست اولیه را در بالای شروع محدوده (سقف کندل ۱) تست کرده و به سمت بالا برمی‌گردد.

کندل ۲۱ یک کندل سیگنال است اما کندل بعدازآن یک کندل دوجی است که فقدان ضرورت در خریداران را نشان می‌داد. کندل ۲۵ هم یک کندل سیگنال است و کندل بعدی یک کندل داخلی دوجی است. تا زمانی که کندل بعد از کندل سیگنال یک کندل دوجی کوچک باشد،بازار

ضرورت برای بازگشت را از دست می‌دهد. اگر آن کندل، یک کندل داخلی باشد، مانند کندل بعد از کندل ۲۵، معمولاً بهتر است که معامله نکنید مگر اینکه موقعیت از سوی دیگری قدرت ویژه‌ای داشته باشد. اگر دوجی کندل ورودی باشد مانند کندل بعد از ۲۱، انتخاب‌های کمی دارید. می‌توانید تلاش کنید که در یک نقطه سربه‌سر یا با یک تیک ضرر بیرون بیاید، یا اگر موقعیت سمت دیگر خوب بود،می‌توانید حد ضرر خود را زیر کندل سیگنال قرار دهید. ازآنجایی‌که این به نظر موقعیت خوبی می‌آید، ماندن در خرید با حد ضرری در زیر کندل سیگنال معقول است.

کندل بعد از کندل ۱۹ یک دوجی است، اما کندل ۱۹ سیگنال ضعیفی می‌باشد. اگر کندل ورودی بعد از سیگنال ضعیف هم ضعیف باشد، بهتر است در حدود قیمت سربه‌سر بیرون بیاید.

در کل، بالا بردن حد ضرر تا زیر یک کندل ورودی دوجی انتخاب خوبی نیست زیرا شانس ۵۰-۵۰ برای برخورد با آن وجود دارد. اگر تمایل به انجام آن دارید، شاید بهتر آن باشد که در یک نقطه سربه‌سر بیرون بیاید. هر موقع یک کندل دوجی در بین چند کندل بازگشت وجود داشته باشد، بازار در حدود ۵۰ درصد شانس دارد که در زیر آن معامله شود. همچنین وقتی‌که شما بازگشت‌ها را خرید و فروش می‌کنید، برخلاف روند معامله می‌کنید و شانس پولبک زیاد است. اگر معامله‌ای انجام دادید و به نظرتان پرقدرت آمد، باید پولبک‌ها آن را تأیید کنند یا در غیر این صورت نباید معامله کنید. اگر در عوض موقعیت ضعیف است، یک ورودی خیلی قوی لازم دارید و اگر این ورودی‌ها پیدا نشد تلاش کنید با زیان اندکی بیرون آیید (سربه‌سر یا یک یا دو تیک ضرر).

کندل روند صعودی قدرتمندی در دو کندل بعد از کندل ۱۳ قرار دارد و ازآنجایی‌که آن کندل یک کندل بازگشتی است، می‌تواند به‌عنوان یک کندل سیگنال در نظر گرفته شود. به دنبال آن یک کندل داخلی می‌باشد که می‌تواند به‌عنوان پولبک شکست در نظر گرفته شود. با این حال، ازآنجایی‌که آن کندل سیگنال صعودی همپوشانی زیادی با دو کندل قبلی خود دارد،۶۰ درصد احتمال دارد که یک تله صعودی باشد که معلوم شد که هست. پرچم‌های صعودی بالای میانگین متحرک که در آنجا سه کندل بزرگ یا بیشتر وجود دارد، که بیشترشان همپوشانی دارند اغلب تله هستند. همین در یک پرچم نزولی که در پایین میانگین متحرک که در آن ۳ کندل بزرگ نزولی قوی وجود داشته باشند که با هم همپوشانی زیادی داشته باشند درست است. حتی اگر کندل روند نزولی قدرتمندی برای یک کندل سیگنال وجود داشته باشد،احتمالات آن است که فروش به ضرر منتج می‌شود.

بین کندل‌های ۱۰ و ۱۵ چندین کندل با بدنه نزولی پرقدرت وجود دارد و این نشانه‌ای از فشار فروش است. برآیند فشار ناگهان به ریزش منجر می‌شد.

۶

کندل‌های سیگنال: انواع دیگر

به خاطر داشته باشید، کندل سیگنال کندل موقعیتی است که منجر به ورود به بازار می‌شود. با این حال، تمام معاملات ارزش ورود را ندارند و فقط به خاطر فعال نمودن یک سفارش و تبدیل کندل قبلی به کندل سیگنال، معامله را برای ورود ارزشمند نمی‌کند (برای مثال، از بسیاری از سیگنال‌ها در یک محدوده معامله فشرده، که بعداً تشریح خواهد شد، بهتر است که اجتناب شوند). در نبود پرایس اکشن، تمام کندل‌های سیگنالی که نشان می‌دهند که شکست کندل احتمالاً به‌اندازه‌ای حرکت خواهد کرد که سودی حداقلی بدهد، بی‌معنی هستند.

کندل‌های روند قدرتمند

یک کندل سیگنال بسیار مهم، مخصوصاً در طول فاز اسپایک روند، کندل روند قدرتمند است. برای مثال، اگر بازار درست در بالای یک کف در محدوده حمایت اصلی تحت تأثیر اخباری که روزها بر بازار اثر می‌کند شکسته شود، معامله‌گران هر دلیلی را برای خرید جستجو می‌کنند. یک رویکرد معمول صبر کردن برای بسته شدن کندل است و اگر کندل، کندل روند صعودی قدرتمندی باشد معامله‌گران به‌محض بسته شدن کندل خواهند خرید. بسیاری تلاش خواهند کرد تا به‌سرعت سفارش حدی را در قیمت بسته شدن کندل قرار دهند و اگر سفارش آن‌ها در خلال چند ثانیه

انجام نشود، آن‌ها آن سفارش را به سفارش بازار[1] تغییر می‌دهند. معامله‌گران دیگر در قیمتی در یک تیک بالای سقف کندل وارد آن خواهند شد. حاصل این یک سری از کندل‌های روند صعودی و اسپایک صعودی بزرگی خواهد بود.

الگوهای بازگشتی

معامله‌گران همیشه به دنبال تغییری در مسیر هستند و به الگوهای بازگشت روند به‌عنوان زودهنگام‌ترین نشانه از تغییری که ممکن است روی دهد اعتماد می‌کنند. ریسک در سمت مخالف کندل است و ریوارد اغلب چندین برابر بزرگتر است. برای مثال اگر معامله‌گری در سفارش خریدی در یک تیک بالای کندل بازگشت صعودی که ارتفاع آن هشت تیک است وارد شود، ممکن است حد ضرری را در یک تیک پایین‌تر از آن کندل قرار دهد و ریسک کلی ۱۰ تیک خواهد شد. با این حال، ممکن است معامله‌گر در نظر داشته باشد که حد سودی به‌اندازه ۲۰ تیک یا بیشتر داشته باشد.

وقتی روند پرقدرتی وجود داشته باشد که احتمالاً در حال معکوس شدن به داخل یک محدوده معامله یا روند مخالف است، معامله‌گران در پی یک موقعیت بازگشت قوی خواهند بود، که اغلب خیلی ساده بازگشت خوانده می‌شود. این به دلیل آن است که روندها در مقابل تغییر مقاومت می‌کنند و اگر معامله‌گران بر روی یک حرکت در یک جهت شرط‌بندی کنند، نیاز به نشانه‌های قوی که بازار را در آستانه بازگشت نشان دهد خواهند داشت. با این حال، اگر یک روند قوی و سپس یک پولبک وجود داشته باشد، معامله‌گران مطمئن خواهند بود که روند از سر گرفته خواهد شد طوری که آن‌ها در انتهای پولبک به موقعیت قوی بازگشت نیازی نخواهند داشت. درواقع، اکثر کندل‌های سیگنال برای معامله پولبک روند ضعیف به نظر می‌رسند. اگر یک موقعیت پولبک عالی و آسان به نظر برسد، معمولاً به معنی این است که آن روند خیلی قوی نیست. بنابراین بسیاری از معامله‌گران درخواهند یافت که اغلب این موقعیت پولبک خوب در روند تبدیل به پرچم نهایی می‌شود که منجر به اصلاح بزرگتری می‌گردد. روندها نیاز به معامله‌گرانی دارند تا ورودی‌ها را مرتباً از دست بدهند، بنابراین کشش زیاد، تمایل بالا برای ورود وجود دارد و کندل‌های سیگنال ضعیف یکی از چیزهایی هستند که باعث می‌شوند روندها به انجام برسند. برای مثال، اگر یک پولبک دو موجی بر روی میانگین متحرک در یک روند صعودی پرقدرت وجود داشته باشد، معامله‌گران ممکن است علاقه‌مند شوند که در بالای سقف کندل قبلی حتی اگر کندل روند نزولی باشد و

---

[1]. سفارش در قیمت روز

کندل روند صعودی قوی نباشد، خرید کنند،آن‌ها می‌ترسند که پولبک به سمت روند صعودی برگردد و رالی ممکن است شتاب بیشتری بگیرد. آن‌ها به دنبال پولبک هستند بنابراین می‌توانند در قیمت پایین‌تر بخرند و ازآنجایی‌که که یک پولبک بیشتر ندارند، می‌خواهند مطمئن شوند که قبل از حرکت زیاد رانش از پرچم صعودی خرید کنند. تمام معامله‌گران این ضرورت را احساس می‌کنند، به همین دلیل رالی به طرف سقف جدید اغلب بسیار سریع است. معامله‌گرانی که به دلیل اینکه سیگنال ضعیف به نظر می‌رسید معامله نمی‌کنند مشتاق خرید خواهند ماند و بسیاری فقط جهت اطمینان از اینکه موقعیت کوچکی دارند به خریدشان با مقادیر کوچک در تمام مسیر رشد ادامه خواهند داد. فروشندگان به دام افتاده برای اصلاح عمیق‌تر و یک سیگنال خرید واضح‌تر صبر می‌کنند که به آن‌ها اجازه خروج با ضرر کمتری بدهد، ولی این اتفاق هرگز نمی‌افتد و آن‌ها مجبورند همچنان که روند بالا می‌رود فروششان را در چند مرحله کم‌کم پس بخرند. اتفاقاً بیشتر روندها قبل از اینکه اصلاح عمیق‌تر از راه برسد، اوج کوچکی دارند و اوج معمولاً به دلیل این است که معامله‌گران ضعیف درنهایت دیر وارد بازار می‌شوند و آخرین معامله‌گران در سمت اشتباه سرانجام خارج می‌شوند. وقتی هیچ معامله‌گری در سمت اشتباه باقی نماند، دیگر نیازی احساس نمی‌شود و بازار معمولاً حداقل برای یک‌لحظه وارد محدوده معاملات می‌شود.

در کنار کندل بازگشتی کلاسیک،موقعیت‌های معمولی دیگر بر پا می‌شوند (بعضی الگوهای دو یا سه کندلی هستند) ازجمله موارد زیر:

✓ بازگشت دو کندلی

بازگشت‌های دو کندلی یکی از رایج‌ترین موقعیت‌های بازگشت می‌باشند و بنابراین بسیار مهم هستند. هر بازگشتی را نوعی بازگشت دو کندلی دیدن دارای فواید زیادی است زیرا این عبارت به معامله‌گران یادآور می‌شود که بازار حرکتی قوی در یک جهت و سپس حرکتی قوی در جهت مخالف ساخته است. هشدار شروع قوی‌ترین حرکت‌ها معمولاً یا با یک کندل بازگشتی یا با بازگشتی دوکندلی است. به همین دلیل آماده شدن برای انجام معامله، در زمان بوجود آمدن موقعیت‌های در حرکت قدرتمند احتمالی بسیار مهم است. بازگشت‌های دو کندلی بسیار متنوع هستند و خود بخشی از هر بازگشتی می‌باشند، اما آن‌ها ممکن است روی نموداری که استفاده می‌کنید ظاهر نشوند. با این حال، از زمانی که متوجه شدید بازار در حال برگشت است، نیازی نیست برای یافتن یک بازگشت دو کندلی بی‌نقص یا یک کندل بازگشتی عالی بسیاری از انواع نمودارها را بررسی کنید، اگرچه هردوی آن‌ها در هر بازگشتی ظاهر می‌شوند.

معروف‌ترین نسخه بازگشت‌های دو کندلی، یک جفت کندل روند ۵ دقیقه‌ای تقریباً با یک اندازه اما در جهت مخالف هستند. یک موقعیت خرید، کندل روندی نزولی است که بلافاصله

بعدازآن یک کندل روند صعودی وجود داشته باشد و یک موقعیت نزولی، کندل روندی صعودی است که بلافاصله بعدازآن یک کندل روند نزولی آمده باشد. این دو کندل، یک کندل ۱۰ دقیقه‌ای بازگشتی ایجاد می‌کنند، اما کندل بازگشت در روی نمودارهای ۱۰ دقیقه‌ای تنها ۵۰ درصد مواقع مشهود است چراکه تنها نصف بازگشت‌های دو کندلی ۵ دقیقه‌ای در یک زمان پایان می‌یابند مانند کندل ۱۰ دقیقه‌ای. نیم دیگر در تعدادی بازگشتی معمولاً ناواضح دیگر در روی نمودار ۵ دقیقه‌ای حاصل می‌شوند.

درک این مطلب مهم است که تمام بازگشت‌های اوجی، تمام کندل‌های بازگشتی و تمام بازگشت‌های دوکندلی دقیقاً یکسانند و همه در تمام بازگشت‌ها ظاهر می‌شوند و اگر به انواع مختلف نمودارها نگاه کنید قادر به دیدن آن‌ها خواهید بود. اگر این موضوع را در نظر بگیرید، حتی یک کندل کلاسیک بازگشتی هم در یک نمودار با تایم فریم کوچکتر یا نوع دیگری از نمودار مانند نمودار تیک یا نمودار حجم یا نمودار سهام را به صورت یک بازگشت دو کندلی می‌بینید. همچنین دو کندلی‌ها در جهت‌های مخالف حتماً نباید پشت سرهم باشند و بیشتر اوقات این‌گونه نیستند. با این حال، اگر به تمام نمودارهای دارای تایم فریم تا حد ممکن بالا نگاه کنید، قادر به پیدا کردن موقعیتی خواهید بود که در آن درواقع بازگشت دوکندلی کاملی وجود دارد. تقریباً همیشه می‌توانید یکی از آن‌ها را پیدا کنید که به کندل سیگنال تبدیل می‌شود. همیشه آماده تمام احتمالات باشید زیرا پس از آن موقعیت‌های بسیار زیادی را پیدا خواهید کرد که آن‌ها را می‌فهمید و اطمینان لازم برای معامله کردن را خواهید داشت. مسئله کلیدی تشخیص آن است که برگشتی در حال رخ دادن است و لازم است که از تمام راه‌هایی که آن برگشت می‌تواند آشکار شود، آگاه باشید. یک بازگشت نزولی همیشه یک کندل روند صعودی را به همراه دارد که به‌عنوان اوج خرید عمل می‌کند، متعاقب آن یک کندل روند نزولی می‌آید که به‌عنوان شکستی رو به پایین عمل می‌کند. بازگشت صعودی برعکس حالت فوق است با یک کندل روند نزولی که به‌عنوان اوج فروش عمل می‌کند و سپس یک کندل روند صعودی که به‌عنوان یک شکست صعودی عمل می‌کند.

یک کندل بازگشت می‌تواند دومین کندل از یک بازگشت دو کندلی باشد. وقتی‌که کندلی بیش از ۷۵ درصد با کندل قبلی همپوشانی دارد، بهتر است که آن دو کندل را بجای اینکه یک کندل بازگشتی فرض کنید، به‌عنوان موقعیت بازگشت دو کندلی ملاحظه کنید. اگر چنین کنید شانس معامله معکوس موفق بیشتر می‌شود. برای مثال، اگر قیمت در حال صعود باشد و یک کندل بازگشت نزولی را با کفی که یک تیک بالای کف کندل قبلی است شکل دهد، این اغلب یک تله نزولی است. قیمت مکرراً یک تیک پایین کندل بازگشتی نزولی سقوط می‌کند ولی نه زیر کندل روند صعودی که جلوتر از آن است و سپس طی دو کندل به سقف جدیدی صعود می‌کند. این

اتفاق اغلب در صورتی کمتر رخ می‌دهد که آن کندل ورودی نزولی به زیر هر دو کندل سقوط کند، نه‌فقط زیر کف کندل بازگشتی نزولی. وقتی‌که کندل بازگشتی با کندل قبلی همپوشانی زیادی داشته باشد آن‌ها یک محدوده معامله دو کندلی تشکیل می‌دهند و ورودی شکست ورای کل محدوده معامله می‌باشد. ازآنجایی‌که محدوده معامله تنها به‌اندازه دو کندل طول می‌کشد، ورودی ورای هر دو کندل است، نه فقط کندل دوم.

اگر آن کندل بازگشت نزولی به زیر کندل روند صعودی قبلی سقوط کند، با آن مانند یک کندل خارجی رفتار کنید، حتی اگر سقف آن پایین‌تر از سقف کندل قبلی باشد. در کل، بهتر است که قبل از اقدام برای فروش منتظر پولبک به یک سقف پایین‌تر بمانید. از طرفی دیگر شما در حال فروش در منطقه‌ای بسیار دور از سقف موج صعودی هستید که بسیار پرریسک است چراکه ممکن است در سطح حمایتی مانند کف یک محدوده معامله در حال گسترش،اقدام به فروش کنید و قیمت ممکن است بالا برود.

نوع ویژه‌ای از بازگشت دو کندلی وجود دارد که معامله در سمت مخالف را هشدار می‌دهد. اگر دو کندل بازگشتی وجود داشته باشند که بر کف میانگین متحرک نشسته یا آن را لمس کنند و آن دو کندل تقریباً به‌طور کامل با یک یا چند کندل قبل از خود همپوشانی داشته باشند، معمولاً شکست نقض می‌شود. اگر بازار در روند قدرتمندی باشد، بااین‌وجود، سیگنال معمولاً کار خواهد کرد، چون‌که در یک روند قوی تقریباً هر ورودی در جهت روند کار می‌کند. زمانی که روند قدرتمندی وجود نداشته باشد، سیگنال معمولاً نقض می‌شود حتی اگر بازگشت دو کندلی کاملی وجود داشته باشد. هر سه یا چند کندل بزرگ که با یکدیگر همپوشانی دارند هم نقض خواهند شد. برای مثال، اگر یک بازگشت دو کندلی صعودی درست در بالای میانگین متحرک وجود باشد و کندل‌ها نسبتاً بزرگ باشند و اغلب یک‌سوم یا یک‌چهارم اندازه کندل با یکدیگر همپوشانی داشته باشند، در بالای سقف کندل سیگنال خرید نکنید. بازار محدوده معامله کوچکی را شکل داده است؛ و معامله‌گرانی که به خود در خواندن سرتاسر پرایس اکشن اعتماد دارند اغلب می‌توانند در روی کندل سیگنال صعودی یا بالای آن به‌قصد یک معامله اسکالپ وارد فروش شوند.

✓ بازگشت‌های سه کندلی

بازگشت سه کندلی گونه‌ای از بازگشت دو کندلی است که در آن سه کندل متوالی وجود دارند، کندل‌های اولی و سومی آن کندل‌های بازگشت دو کندلی هستند و کندل وسطی یک کندل معمولی، مانند یک کندل کوچک یا یک دوجی است. هنگامی‌که کندل سومی ۵ دقیقه‌ای درهمان زمانی به اتمام برسد که کندل ۱۵ دقیقه‌ای بسته می‌شود، ایجاد یک کندل بازگشتی ۱۵ دقیقه‌ای می‌کند. وقتی این اتفاق می‌افتد، احتمالاً قابل‌اعتمادتر می‌شود به خاطر اینکه این معامله‌گرانی را

که در نمودارهایی غیر از ۱۵ دقیقه‌ای معامله می‌کردند را وارد معامله می‌کند. معمولاً در یک‌سوم موارد، سیگنال ۵ دقیقه‌ای در بعضی الگوهای بازگشتی ۱۵ دقیقه‌ای دیگر نتیجه می‌دهد. وقتی به دنبال هر ورودی بازگشتی ۵ دقیقه‌ای هستید، اگر به این فکر کنید که سه کندل متوالی که ممکن است همچنین در حال تشکیل یک کندل بازگشتی ۱۵ دقیقه‌ای باشند، به شما کمک زیادی خواهد کرد. اگر چنین باشد، باید اعتمادبه‌نفس بیشتری در معاملاتتان به شما بدهد، چراکه حرکت بزرگتر به دنبال سیگنال در تایم فریم بالاتر محتمل‌تر است و می‌توانند به‌راحتی بیشتر معاملات خود را سوییینگ کنید و از حد سود بزرگتری استفاده کنید. در کل معامله‌گران باید آن را به‌عنوان بازگشت‌های ساده ببینند و نگران این نباشند که آیا آن‌ها کندل بازگشتی ۱۵ دقیقه‌ای ایجاد می‌کنند یا خیر.

✓ **کندل‌های کوچک**

کندلی که در مقایسه با کندل‌های قبلی محدوده کوچکی داشته باشد می‌تواند یک کندل سیگنال باشد. در اینجا مثال‌های ساده‌ای آورده شده است:

- کندل داخلی، که کندلی است که سقف آن پایین‌تر از سقف کندل قبلی و کف آن بر روی کف کندل قبلی یا بالاتر از آن است یا کف آن بالاتر از کف کندل قبلی و سقف آن بر روی سقف کندل قبلی یا پایین‌تر از آن است. اگر آن کندل کوچک باشد و بدنه‌ای در جهت خلاف روند اخیر داشته باشد قابل‌اعتمادتر می‌شود و اگر کندل دوجی بزرگ باشد سطح اعتماد به آن پایین‌تر می‌آید. درواقع دوجی بزرگ بندرت سیگنال خوبی محسوب می‌شود حتی اگر یک کندل داخلی باشد و ازآنجایی‌که آن کندل یک محدوده معامله یک کندلی است، معمولاً به دنبال آن معاملات در هردو جهت رخ می‌دهد.
- الگوی ii (یا iii) که دو کندل متوالی هستند طوری که دومی در درون اولی قرار دارد (الگوی iii از سه کندل متوالی ساخته شده است).
- کندل کوچکی که در نزدیکی کف یا سقف کندل بزرگ (کندل روند یا کندل خارجی) یا محدوده معامله قرار دارد (مخصوصاً اگر بدنه آن در جهت معامله شما باشد، نشان می‌دهد که سمت شما کنترل را در دست دارد).
- الگوی ioi، که یک کندل داخلی قبل از یک کندل خارجی آمده و دوباره یک کندل خارجی بعد از هر دوی آن‌ها ظاهر می‌شود. اگر این در ناحیه‌ای اتفاق افتد که شکست در آن محتمل به نظر برسد، معامله‌گران می‌توانند در شکست دومین کندل داخلی وارد شوند. این‌ها اغلب موقعیت‌های حالت شکست هستند، یعنی اینکه حرکت در هردو جهت می‌تواند رخ دهد و معمولاً قرار دادن یک سفارش فروش در پایین و یک سفارش خرید در

بالای دومین کندل داخلی و ورود در جهت شکست می‌بایست محتاطانه باشد. آنگاه سفارش انجام نشده تبدیل به حد ضرر برای سفارشات انجام گرفته می‌شود.

توجه کنید که دوجی‌ها بندرت سیگنال‌های خوبی محسوب می‌شوند چراکه محدوده معامله یک کندلی هستند و وقتی بازار در محدوده معامله باشد، نباید در پی خرید در بالای سقف و فروش در زیر کف آن‌ها باشید. اگر آن‌ها در نزدیکی سقف یا کف یک روز محدوده معامله رخ دهند، یا اگر در یک روند قدرتمند، موقعیت هم‌جهت با روند باشند می‌توانند سیگنال‌های مناسبی برای معاملات بازگشتی باشند. در یک محدوده معامله، اگر دوجی در بالای محدوده معامله باشد، فروش در زیر آن می‌تواند معامله مناسبی باشد. مخصوصاً اگر ورودی ثانویه باشد. غلبه محدوده معامله بزرگتر بر محدوده معاملات کوچک به‌وسیله کندل دوجی نشان داده می‌شود، بنابراین فروش در زیر کندل دوجی، فروش در بالای محدوده معامله بزرگ هم هست که معمولاً معامله خوبی است.

✓ کندل خارجی

کندل خارجی کندلی است که یا سقف یا کف آن ورای کندل قبلی باشد و انتهای دیگر کندل بر روی انتهای کندل قبلی یا ورای آن باشد فصل ۷ را ببینید.

✓ میکرو کف دوقلو

به کندل‌های پشت سرهم یا تقریباً پشت سرهم با کف‌های یکسان یا تقریباً یکسان، کف دوقلوی میکرو می‌گویند. وقتی که الگوی میکرو کف دو قلو در یک اسپایک نزولی شکل می‌گیرد و متشکل از یک کندل روند نزولی است که در کف یا نزدیک به کف خود بسته می‌شود و سپس یک کندل روند صعودی که از کف یا نزدیک به کف خود باز می‌شود دومین کندل یک پرچم نزولی تک کندلی است. اگر کف‌ها یکسان باشند، فروش در یک تیک زیر کف آن را مدنظر قرار دهید. در تمام موارد دیگر به‌احتمال زیادتر یک الگوی بازگشتی است، چون بیشتر بازگشت‌های کوچک صعودی از انواعی از کف دوقلوهای میکرو ناشی می‌شود (در کتاب ۳ بحث شده است).

✓ میکرو سقف دوقلو

به کندل‌های پشت سرهم یا تقریباً پشت سرهم با سقف‌های یکسان یا تقریباً یکسان،سقف دوقلوی میکرو می‌گویند. وقتی که الگوی میکرو سقف دو قلو در یک اسپایک صعودی شکل می‌گیرد و متشکل از یک کندل روند صعودی است که در سقف یا نزدیک به سقف خود بسته شود و سپس یک کندل روند نزولی که از سقف یا نزدیک به سقف خود باز شود، دومین کندل یک پرچم صعودی یک کندلی است. اگر سقف‌ها یکسان باشند، خرید در یک تیک بالاتر از سقف آن را مدنظر قرار دهید. در تمام موارد دیگر به‌احتمال زیاد یک الگوی بازگشتی است، چون بیشتر بازگشت‌های کوچک نزولی از انواعی از سقف دوقلوهای میکرو ناشی می‌شود (در کتاب ۳ بحث شده است).

✓ **واماندگی کندل‌های بازگشتی**

کندل بازگشت واماندگی، کندل بعد از یک کندل بازگشت است که سمت مخالف یک کندل بازگشت را می‌شکند (برای مثال تصور کنید،در یک روند صعودی یک کندل بازگشتی وجود داشته باشد و کندل بعدی بجای اینکه در زیر کف آن معامله شود در بالای سقف خریده یا فروخته شود).

✓ **کندل صاف**

این کندل در یک سمت یا هردو سمت خود سایه ندارد. تنها در زمانی که یک روند قوی وجود داشته باشد شکل می‌گیرد (برای مثال، در یک روند قوی صعودی، اگر یک کندل صعودی بدون هیچ سایه‌ای در بالا و پایین آن وجود داشته باشد، آنگاه این موقعیت، یک موقعیت خرید است).

✓ **کندل خستگی**

کندلی بزرگ و غیرعادی در جهت روند می‌تواند نشانگر خستگی احساسی یک روند باشد. تمام کندل‌های روند، همزمان اسپایک، شکست، شکاف و اوج یا کندل‌های خستگی هستند و بعضی مواقع مولفه خستگی می‌تواند شکل غالب باشد.

✓ **کندل‌های روند**

کندل‌های روند در روندهای پرقدرت علاوه بر اینکه سیگنال مناسبی جهت ورودهای در جهت روند هستند، می‌توانند کندل‌های سیگنالی برای معاملات بازگشتی هم باشند، مانند پولبکی که به جهت روند معکوس می‌شود و معاملات معکوس در محدوده‌های معامله. برای مثال، اگر روند صعودی قدرتمندی وجود داشته و حداقل ۲۰ کندل پشت سرهم در بالای میانگین متحرک باشد و بازار به سمت میانگین متحرک صعودی منحرف شده باشد، در پی خرید آخرین قیمت از اولین کندل روند نزولی کوچکی که تنها یک یا دو تیک پایین‌تر از میانگین متحرک است باشید. همچنین، به دنبال خرید در بالای سقف آن باشید. شما منتظر هستید که اصلاح افقی تا نزولی پایان یافته و به سمت بالا در جهت روند برگردد.

اگر یک محدوده معامله کاملاً مشخص با بازگشت‌های متعدد و یک اسپایک دو موجی متشکل از دو کندل روند صعودی به طرف سقف تقریبی جدیدی در میانه روز وجود داشته باشد، معمولاً سیگنال خوبی برای فروش در قیمت جاری است، مخصوصاً اگر بتوانید به‌صورت تدریجی یا پله‌ای در قیمت بالاتر وارد آن شوید و مخصوصاً اگر قسمتی از الگوی دیگری باشد، مانند حالتی که در سقف یک گوه کوچک یا حالتی که تستی از یک خط روند نزولی باشد. همچنین اگر در محدوده معامله ریزشی دو مرحله‌ای وجود داشته باشد که یک کندل روند نزولی را شکل دهد که در پایین کف سوییِنگ قبل‌تری در نیمه پایین محدوده معامله بسته شود، این هم می‌تواند یک سیگنال

خرید در قیمت مظنه باشد،مخصوصاً اگر بتوانید در قیمت پایین‌تر بر خرید خود اضافه کنید یا اگر قسمتی از الگوی دیگری مانند کف یک پرچم صعودی گوه‌ای باشد.

✓ **تمام کندل‌های یک کانال**

وقتی‌که کانال صعودی پرقدرتی وجود دارد، خریداران سفارشات حدشان را در روی کندل قبلی یا کف آن قرار می‌دهند و فروشندگان سفارشات حدشان را برای فروش بر روی سقف هر کندل یا در بالای آن، و بالای سقف هر سوییگی قرار می‌دهند. خریداران همچنین سفارشات خرید خود را بالای سقف کندل‌های پولبک قرار خواهند داد و فروشندگان سفارشات فروش خود را در زیر کف کندل‌های سقف کانال قرار خواهند داد. مخالف مطالب فوق دریک کانال نزولی صادق است.

انواع زیادی از کندل‌های کوچک و وضعیت‌های مختلفی که این کندل‌ها در آن ظاهر می‌شوند وجود دارند و تمام این‌ها نشان‌دهنده فقدان اشتیاق در خریداران و فروشندگان است. هرکدام باید در زمینه نمودار بررسی شوند. چنانچه بدنه در راستای معامله باشد، یک کندل کوچک موقعیتی به‌مراتب بهتر است (یک کندل بازگشتی کوچک)، نشان می‌دهد که سمت شما مالک کندل است. اگر کندل کوچک هیچ بدنه‌ای نداشته باشد، معمولاً بهتر است که منتظر یک ورودی ثانویه باشید چون‌که احتمال موفقیت معامله خیلی کمتر است و احتمال وجود اره دو سر بسیار بالاست[1].

یک کندل داخلی حتماً نباید کاملاً داخلی باشد (سقف آن پایین‌تر از سقف قبلی، کف آن بالاتر از کف قبلی باشد). یکی یا هر دو انتهای آن می‌توانند با کندل قبلی یکسان باشد. در کل،وقتی‌که کندل کوچک باشد و وقتی‌که بدنه آن در راستایی باشد که شما قصد دارید معامله کنید، سیگنال قابل‌اعتمادتری را ارائه می‌دهد (همیشه بهتر است وقتی‌که دنبال خرید هستید کندل‌های سیگنال صعودی و وقتی به دنبال فروش هستید کندل‌های سیگنال نزولی را پیدا کنید).

وقتی‌که یک کندل داخلی بعد از یک کندل روند بزرگ شکل می‌گیرد که یک محدوده معامله را می‌شکند، می‌تواند مکثی از طرف معامله‌گران روند باشد، ولی می‌تواند به معنی بازگشت از ایده هم باشد که منجر به بازگشت می‌شود (شکست نقض شده). یک بازگشت وقتی‌که کندل کوچک یک کندل داخلی باشد و آن کندل، کندل روندی در جهت مخالف کندل بزرگ شکست باشد، محتمل‌تر است. کندل داخلی در جهت روند احتمال ادامه حرکت شکست را افزایش خواهد داد، مخصوصاً اگر بازار در جهت روند آغاز روز بوده باشد (برای مثال، حالتی که ممکن است شروع موج دومی باشد که منتظرش بودید).

---

[1]. توصیفی از چرخش سریع حرکت به سمت مخالف در زمان خاصی است. دو نوع الگوی اره دوسر وجود دارد. اولی شامل یک حرکت صعودی قیمت است که پس از آن حرکت نزولی شدیدی انجام شده و باعث می‌شود قیمت نسبت به موقعیت اصلی آن کاهش یابد. نوع دوم زمانی اتفاق می‌افتد که قیمت برای مدت کوتاهی ارزش خود را کاهش داده و ناگهان با افزایش مثبت نسبت به موقعیت اصلی افزایش می‌یابد. م

کندل‌های داخلی کوچک بعد از کندل‌های روند شکست، چیزهایی احساسی برای معامله‌گران هستند زیرا آن‌ها به فکر ورود در هردو جهت خواهند بود و مجبور خواهند بود که اطلاعات زیادی را به‌سرعت پردازش کنند. برای مثال اگر شکست صعودی در طول یک روز نزولی وجود داشته باشد، معامله‌گران اغلب سفارشی جهت خرید را در یک تیک بالاتر از سقف و سفارش دیگری جهت فروش در یک تیک پایین‌تر از کف یک کندل داخلی قرار می‌دهند. زمانی که یک سفارش انجام گرفت، سفارش دیگر تبدیل به حد ضرر سفارش قبلی می‌شود. اگر سفارش در واماندگی[1] یک شکست انجام گیرد (روی سفارش فروش)، معامله‌گر باید دو برابر کردن اندازه سفارش خرید را مدنظر قرار دهد، در این صورت شکست نقض شده تبدیل به یک پولبک می‌شود (واماندگی مخالف، یعنی این‌که خریداران و فروشندگان هردو به دام افتاده‌اند و این معمولاً معامله قابل‌اعتمادی را ایجاد می‌کند). با این حال، اگر معامله‌گر اول در سفارش خرید (در جهت روند) معامله را انجام دهد، معمولاً نباید به سمت حد ضرر برگردد، مگر اینکه روند آن روز از قبل روند نزولی باشد. هر وقت دومین یا سومین کندل واماندگی نداشته باشند، واماندگی‌ای که پس از آن رخ می‌دهد شانس ایجاد یک ورودی پولبک شکست در جهت روند جدید بیشتری نسبت به یک واماندگی قابل معامله دارد. در کل، معامله‌گران خوب بر اساس بسیاری از عوامل ظریف تصمیمات سریع و ذهنی می‌گیرند و اگر فرآیند تصمیم‌گیری خیلی احساسی و گیج‌کننده باشد، بهتر است که سفارش گذاری انجام نشود، مخصوصاً سفارشات پیچیده مانند سفارشات بر اساس شکست یا سفارشی روی بازگشت. معامله‌گران در یک معامله گیج‌کننده نباید خیلی زیاد احساسی سرمایه‌گذاری کنند، چراکه احتمالاً آماده انجام معامله واضحی که به‌زودی پیدا می‌شود نخواهند بود.

یک کندل داخلی بعد از حرکت یک سوینگ ممکن است انتهای سوینگ را مشخص کند، مخصوصاً اگر حرکت قیمت پایانی آن برخلاف روند باشد و عوامل دیگری، مانند اضافه جهش از خط روند یا خط کانال روند، اصلاح دو مرحله‌ای ABC (یک سقف یا کف ۲)، یا یک سقف سوینگ جدید در یک محدوده معامله در کار باشند. همچنین هر کندل کوچکی، خواه یک کندل داخلی باشد خواه نباشد، نزدیک یک انتهای هر کندل بزرگی (کندل روند، دوجی، کندل خارجی) می‌تواند بازگشتی را ایجاد کند، مخصوصاً اگر آن کندل کوچک، یک کندل بازگشتی کوچک هم باشد. درکل معامله‌گران باید به دنبال آن باشند که در کف بخرند و در سقف بفروشند. در یک محدوده معامله (یک روز محدوده معامله یا محدوده معامله در یک روز دارای روند)، در دو حد آن تنها ورودی‌های کندل کوچک باید برخلاف روند معامله شوند. برای مثال، اگر یک کندل کوچک در سقف یک

---

[1]. failure، دقت کنید این واژه با break یعنی شکست متفاوت بوده و معنی آن عدم موفقیت است. م

سوییِنگ، یا بعد از لمس یک خط روند نزولی یا بعد از جهش اضافه از یک خط کانال روند صعودی باشد و برگردد، تنها به دنبال ورودی فروش باشید. اگر در کف سوییِنگ باشد به دنبال خرید باشید.

در یک روند (حتی روندی که در طول یک روز محدوده معامله باشد)، یک کندل کوچک می‌تواند یک ورودی در هر دو جهت برپا کند. برای مثال، اگر حرکت صعودی قدرتمندی وجود داشته و شکست اولیه برای خط روند مهم صعودی وجود نداشته باشد، کندل داخلی در نزدیکی سقف یک کندل روند صعودی بزرگ یا کندل کوچکی که تا بالای سقف کندل روند کشیده شده است باید به‌عنوان موقعیت خرید دیده شود. اگر کندل داخلی باشد، مخصوصاً اگر یک کندل روند صعودی باشد، موقعیت خرید بسیار خوبی است. اگر درواقع کندل کوچکی باشد که تا بالای کندل روند صعودی کشیده می‌شود، درصورتی‌که روند دارای قدرت کافی است، ممکن است موقعیت خرید امنی باشد. در کل، بهتر است که منتظر یک پولبک بمانید، مگر اینکه کندل کوچک یک کندل بازگشتی صعودی باشد، که در این حالت می‌تواند فروشندگان را به دام اندازد و ممکن است خرید در یک تیک بالای سقف منطقی باشد.

الگوی (ii) یک کندل داخلی است که قبل از آن یک کندل داخلی بزرگتر می‌آید. دو کندل در یک ردیف هستند طوری که دومی در درون اولی با اندازه یکسان یا کوچکتر از آن جای گرفته است (الگوی (iii) با سه کندل در یک ردیف حتی قوی‌تر است). بعد از یک حرکت کشیده، مخصوصاً اگر یک شکست خط روند وجود داشته باشد، شکست در جهت روند یک الگوی (ii) شکل می‌دهد که اغلب تنها یک معامله اسکالپ است قبل یا بعد از رسیدن به هدف سود خود شانس خوبی برای برگشت دارد (پرچم نهایی، همان‌طور که در کتاب ۳ تشریح شده است). با این حال شکست برخلاف روند (بازگشت از پرچم نهایی) اغلب منجر به بازگشت بزرگی می‌شود. الگو اغلب در یک پرچم نهایی گسترش می‌یابد زیرا درنهایت تعادل بین خریداران و فروشندگان را نشان می‌دهد؛ حداقل به‌طور موقت، قدرت سمت ضعیف‌تر مغلوب سمت قوی‌تر می‌شود. همین‌طور، اگر سمت همراه روند کنترل را به دست گیرد، احتمال آن بالاست که سمت مخالف روند تلاش کند تا بعد از شکست جهت روند آن را پس بگیرد. حد ضرر در یک الگوی (ii) ورای سمت مخالف هر دو کندل است (نه‌تنها دومین کندل، که این کندل ازنظر فنی کندل سیگنال است)، ولی بعضی مواقع درصورتی‌که کندل‌ها نسبتاً بزرگ باشند می‌توانید از حد ضرر کوچکتری استفاده کنید (ورای دومین کندل از دو کندل بجای ورای هر دو کندل). بعد از بسته شدن کندل ورودی، حد ضرر را بسته‌تر کرده و بازگشت را در یک تیک ورای کندل ورودی در نظر بگیرید. برگشت در هر شکستی در چندین کندل بعدی را زیر نظر بگیرید چون‌که واماندگی‌ها بلافاصله بعد از شکست‌های الگوی (ii) رایج هستند، مخصوصاً درصورتی‌که الگو در میانه محدوده نوسان روز شکل گیرد.

الگوی پنج دقیقه‌ای (ii) اغلب یک پولبک کف دوقلو در تایم فریم ۱ دقیقه‌ای در یک روند صعودی، یا یک پولبک سقف دوقلو در[۱] یک روند نزولی است (در کتاب ۲ تشریح شده است)، که الگوهای بازگشتی هستند و ممکن است تشریح کنند که چرا یک الگوی کوچک (ii) می‌تواند منجر به حرکت ضد روند بزرگی شود.

وقتی‌که روند صعودی پرقدرتی وجود دارد، بعضی مواقع دو کندل پشت سر هم با سقفی یکسان و معمولاً سایه کوچکی در بالا وجود خواهند داشت. این یک موقعیت خرید سقف دوقلوی دو کندلی و یک سقف دو قلو یک نمودار ۱ دقیقه‌ای است. در یک تیک بالای سقف کندل‌ها یک سفارش خرید قرار دهید چون‌که شما در حال خرید یک سقف دوقلوی نقض شده هستید و درست همان‌جا که شما خرید می‌کنید حد ضرر کسانی است که فروخته‌اند، که موجب تقویت حرکت خواهد شد. به همین ترتیب، در یک روند قدرتمند نزولی، به دنبال فروش در یک تیک پایین موقعیت فروش در زیر کندل‌های کف دوقلو باشید.

موقعیت‌های بازگشتی دو کندلی به چندین نام خوانده می‌شوند و هرکدام یک جفت کندل روند همپوشان با سمت مخالفشان هستند و بدنه‌هایشان تقریباً اندازه‌های یکسانی دارند. در یک موقعیت خوب بازگشتی دوکندلی، کندل اولی یک کندل روند صعودی و کندل دوم کندل روند نزولی است و اگر بازار در یک محدوده معامله نباشد این ترکیب یک موقعیت فروش است. یک بازگشت کف دو کندلی، یک کندل روند نزولی و سپس یک کندل روند صعودی دارد و تشکیل یک موقعیت خرید می‌دهد. اساساً هرکدام از آن‌ها یک الگوی بازگشتی دو کندلی هستند و با یک کندل بازگشتی ۱۰ دقیقه‌ای منطبقند (تصور کنید که دو کندل ۵ دقیقه‌ای وقتی با یکدیگر ترکیب شده و تشکیل یک کندل ۱۰ دقیقه‌ای می‌دهند چگونه به نظر می‌رسند).

بازگشت دو کندلی می‌تواند یک الگوی ادامه‌دهنده (پرچم یک کندلی) یا یک الگوی بازگشتی باشد، بستگی به زمینه دارد. برای مثال اگر بازار در اسپایک نزولی قدرتمندی قرار گرفته باشد و آنگاه یک کندل نزولی و پس از آن یک کندل روند کوچک صعودی وجود داشته باشد به‌طوری‌که کف آن نزدیک به کف کندل قبلی باشد، این یک بازگشت دو کندلی است. با این حال، ازآنجایی‌که بازار در روندی پرشیب قرار دارد، هرگز نباید به فکر خرید در بالای آن باشید. بجای آن باید کندل صعودی را به‌عنوان یک پرچم تک کندلی نزولی زیر نظر گرفته و فروش در زیر آن را مدنظر داشته باشید. در مقابل اگر الگوی دو کندلی در یک روند صعودی، در پایان یک پولبک دو مرحله‌ای به

---

[۱]. موقعیت فروشی مرکب از یک سقف دوقلو به همراه یک پولبک که سقف پایین‌تری را شکل می‌دهد.

میانگین متحرک شکل گیرد، این یک بازگشت دو کندلی و یک موقعیت خرید خوب است. پولبک روند نزولی را به پایان رسانده و آن را به سمت روند صعودی معکوس می‌کند.

وقتی‌که یک کندل روند در یک روند قوی بدنه صافی داشته باشد (هیچ سایه‌ای در یک یا دو طرف کندل نباشد)، معمولاً نشانگر این است که بازار یک طرفه و قدرتمند است. با این حال، عدم وجود سایه در بالای یک کندل روند ۵ دقیقه‌ای در یک روند صعودی پرشتاب قوی‌تر از عدم وجود سایه در پایین آن است، زیرا نهایت قدرت در سمت پایان کندل است و به‌احتمال قوی به قدرتش که در ۵ دقیقه قبل رخ داده است ادامه می‌دهد؛ بنابراین کندلی که در بالای خود سایه‌ای ندارد برای خرید موقعیت خوبی است. اگر کندل یک سایه یک تیکی در سقف داشته باشد یا سایه‌ای در کف نداشته باشد، باز هم کندل قدرتمندی محسوب می‌شود ولی در کل وجود آن به‌تنهایی دلیل کافی برای خرید در بالای سقف آن نیست. همچنین کندل باید در زمینه آنالیز شود. اگر کندل در محدوده معامله قرار دارد، خرید در بالای سقف آن عاقلانه نیست، به خاطر اینکه محدوده‌های معامله علاقه دارند که حدود خود را مکرراً تست کنند و نباید نزدیک سقف خرید انجام شود درحالی‌که احتمال اینکه آن کندل، یک کندل تست باشد، بیشتر از آن است که کندل شکست موفقی باشد. به همین صورت، یک کندل روند نزولی با یک کف بدون سایه در یک روند نزولی قوی، موقعیتی برای فروش در یک تیک پایین آن است.

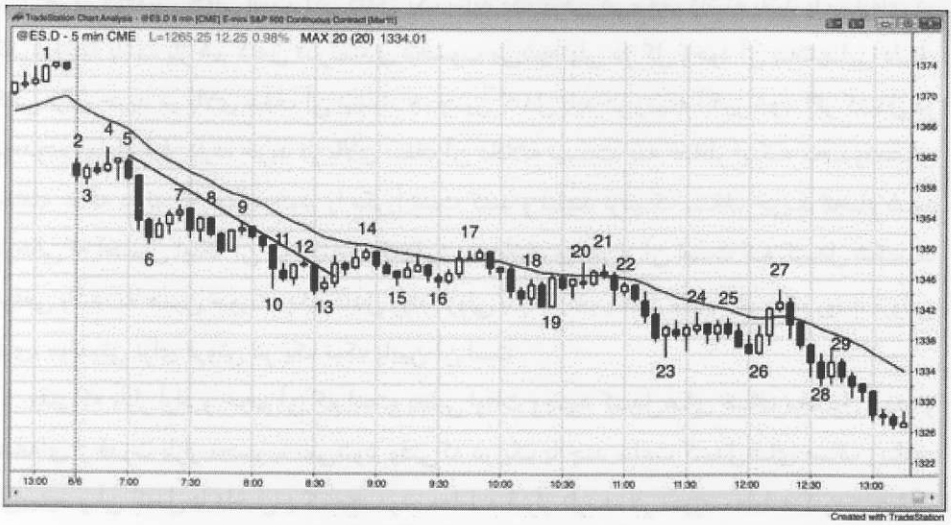
وقتی‌که بازار آرام و حجم آن کم است، بعضی اوقات وجود کندل‌های صاف معمول بوده و نشانه‌ای از قدرت بازار محسوب نمی‌شود. وقتی‌که در یک یا چند ساعت کندل‌های صاف زیادی می‌بینید و آن کندل‌ها داخل یک محدوده معامله قرار دارند، در مورد معامله کردن خیلی سختگیری کنید. هرکدام از آن کندل‌ها تله‌ای است برای اغفال معامله‌گران که باور کنند که قدرت وجود دارد، درحالی‌که وجود ندارد.

تمام کندل‌های کوچک برای معامله برخلاف جهت روند مناسب نیستند. به‌ویژه زمانی نباید از آن‌ها به‌عنوان کندل سیگنال استفاده شود که آن کندل یک دوجی کوچک باشد (کوچک نسبت به کندل اخیر)، مخصوصاً زمانی که بدنه‌ای نداشته باشد، در نزدیکی میانگین متحرک و تقریباً بین ۱۰ صبح تا ۱۱ صبح رخ دهد. این‌ها احتمال خیلی بالایی برای نقض شدن دارند و قبل از معامله کردن نیازمند پرایس اکشن بیشتری هستند.

بااینکه بیشتر کندل‌های بزرگ روند که در جهت روند هستند قدرتمندند، اگر یک کندل به‌طور غیرمعمول بزرگ باشد، معمولاً در حال نمایش اوج خستگی می‌باشد (اوج خرید). برای مثال، در یک روند صعودی، معمولاً معنی آن این است که آخرین خریداران خریدشان را با اضطراب انجام می‌دهند زیرا مجبورند در هر قیمتی وارد بازار شوند، یا اگر فروشنده هستند، مجبورند از فروششان

با هر قیمتی خارج شوند. اگر دیگر خریداری نباشد، بازار پایین خواهد آمد. هر موقعیت بازگشت استانداردی می‌تواند به‌عنوان کندل سیگنال بکار گرفته شود، اما یک ورودی ثانویه با یک کندل بازگشتی قوی همیشه امن‌ترین موقعیت در زمان معامله ضد روند است.

کندل‌های بزرگ روند در شکست‌ها معمولاً در کندل بعدی نقض می‌شوند و معامله‌گرانی که در جهت اشتباه بازار هستند را به دام می‌اندازند. این حالت مخصوصاً در روزهای محدوده معامله کم فعالیت معمول است، وقتی بازار دائم به سمت بالا و پایین محدوده موج می‌زند و معامله‌گران ساده‌لوح را به انتظار شکست موفق فریب می‌دهد.



شکل (۱-۶) کندل‌های کوچک سیگنال

یک کندل کوچک می‌تواند موقعیتی در جهت روند یا در خلاف جهت روند باشد. در یک روند، کندل کوچک روی یک پولبک تنها موقعیتی در جهت روند است. همان‌طور که در شکل (۱-۶) نشان داده شده است کندل‌های ۱۷،۱۴،۱۲،۹،۷ و ۲۱ در پولبک‌ها کندل‌های کوچک هستند و تنها سفارشی که آن‌ها برای معامله کردن پیشنهاد می‌دهند فروش در سفارشی در یک تیک زیر کف آن‌ها است. حتی با اینکه اکثراً کندل‌های دوجی هستند، همراستا با روند بوده و بنابراین فروش روی آن‌ها منطقی است. بیشتر کندل‌های سیگنال در یک روند قوی، ضعیف به نظر می‌آیند و این یکی از دلایلی است که چرا روند تمایل دارد فعالیت خود را رو به پایین ادامه دهد. فروشندگان تمایل به فروش دارند و خریداران می‌خواهند با ضرر کمتری خارج شوند و هر دو منتظر موقعیت قدرتمند فروش هستند. این به آن‌ها اطمینان می‌دهد که قیمت بالا نخواهد رفت و اینکه باید فوراً خارج شوند. موقعیت کامل هرگز نخواهد آمد و فروشندگان در خارج و خریداران در داخل بازار به

دام می‌افتند. این حالت احساس کشش دائم و اضطراری ایجاد می‌کند که بازار را به سمت پایین هدایت می‌کند. هر دو گروه در تمام طول روز به فروش‌های خرد خود ادامه می‌دهند، محض احتیاط اینکه موقعیت کامل موردنظر آن‌ها هرگز نمی‌آید و معمولاً نمی‌آید. موقعیت‌ها هرگز قوی به نظر نمی‌رسند، بنابراین معامله‌گران به‌راحتی فرض می‌کنند که روند ضعیف است و به‌زودی رشد قیمت خوبی به آن‌ها اجازه خواهد داد در قیمت بهتری بفروشند. آن‌ها قیمت را می‌بینند که در زیر میانگین متحرک ایستاده است، اما آن‌قدر سریع سقوط نمی‌کند که باعث اضطرابشان شود، بنابراین آن‌ها امیدوار به رشد بیشتر قیمت می‌مانند تا در قیمت بهتری بفروشند. کندل‌های سیگنال ضعیف عوامل مهمی در روندهای قوی بشمار می‌روند.

درصورتی‌که کندل کوچک در کف یک سوینگ رخ دهد و دلایل دیگری برای معامله ضد روند وجود داشته باشد می‌تواند یک معامله ضد روند هم در مقابل یک روند بر پا کند، مانند شکست خط روند قبلی. کندل ۱۶ کندل نزولی کوچکی است که یک خرید را پس از شکست رو به بالای خط روند نزولی و سقف ۴ در کف کانال نزولی از کندل ۷ تا ۱۳ بر پا می‌کند. در آنجا یک پولبک دو مرحله‌ای از کندل ۱۴ در حال لمس میانگین متحرک وجود دارد و بازار احتمالاً گام صعودی دیگری داشته باشد.

تنها زمانی که یک معامله‌گر باید کندل کوچک را در کف بفروشد در روند نزولی و ترجیحاً در طول یک اسپایک قدرتمند نزولی است. کندل ۲۹ به‌طور ویژه‌ای کوچک نیست، اما یک کندل داخلی است،که مانند یک کندل کوچک عمل می‌کند و چون یک کندل روند نزولی است، فروشی امن در پایین‌ترین قیمت روز را امکان‌پذیر می‌سازد.

کندل ۱۳ کندل میانی در یک بازگشت سه کندلی است،و کندل ۱۷ کندل میانی از یک بازگشت نزولی چهار کندلی است. تمام بازگشت‌های چند کندلی تنها گونه‌هایی از بازگشت‌های دو کندلی هستند. همانند سایر نمودارها،چندین بازگشت دیگر بر روی نمودار وجود دارد.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱-۶) روز با یک شکاف بزرگ رو به پایین آغاز می‌شود، بنابراین معامله‌گران از ابتدا باید در جستجوی یک روند احتمالی رو به بالا یا پایین باشند و لازم است که برای یافتن یک موقعیت، بازار را به‌دقت زیر نظر بگیرند. کندل ۳ یک کندل بازگشت صعودی است و یک موقعیت خرید خوب به خاطر شکست نقض شده و بازگشت روبه بالاست، اما کندل ورودی بدنه نزولی دارد، که هرگز برای معامله‌گری که به دنبال خرید است، مناسب نیست. این شکست نقض شده خود شکست می‌خورد و تبدیل به یک پولبک شکست موقعیت فروش شده و منجر به ازسرگیری شکست نزولی

می‌شود. خریداران در بازگشت رو به پایین زیر کندل ۴ از بازار خارج می‌شوند و بسیاری از آن‌ها به فروش روی می‌آورند. کندل بعدی هم یک کندل دوجی است و اکنون بازار در یک محدوده معامله فشرده روی یک شکاف روبه پایین روز قرار دارد. این یک الگوی بسیار خوب شکست برای روند بزرگ روبه بالا یا پایین است. کندل ۵ یک تیک بالای آن دوجی می‌رود و احتمالاً خریدارانی را که زودهنگام وارد شده‌اند و برای شکست بالای سقف محدوده معامله ترسیم‌شده از کندل ۴ صبر نمی‌کنند را به دام می‌اندازد. بهترین معامله روز، فروش در زیر کندل ۵ یا در کندل بعدازآن است وقتی‌که کف محدوده معامله فشرده را می‌شکند، یا در پایان آن، وقتی‌که مشخص می‌شود که بازار کلاً در روند نزولی است. اسپایک نزولی به سمت کندل ۶ دارای سه کندل روند نزولی بزرگ است و احتمالاً بعدازآن، حرکت اندازه‌گیری شده‌ای در یک کانال نزولی می‌آید. روند خیلی بیشتر از آن حرکت اندازه‌گیری شده، رو به پایین می‌رود.

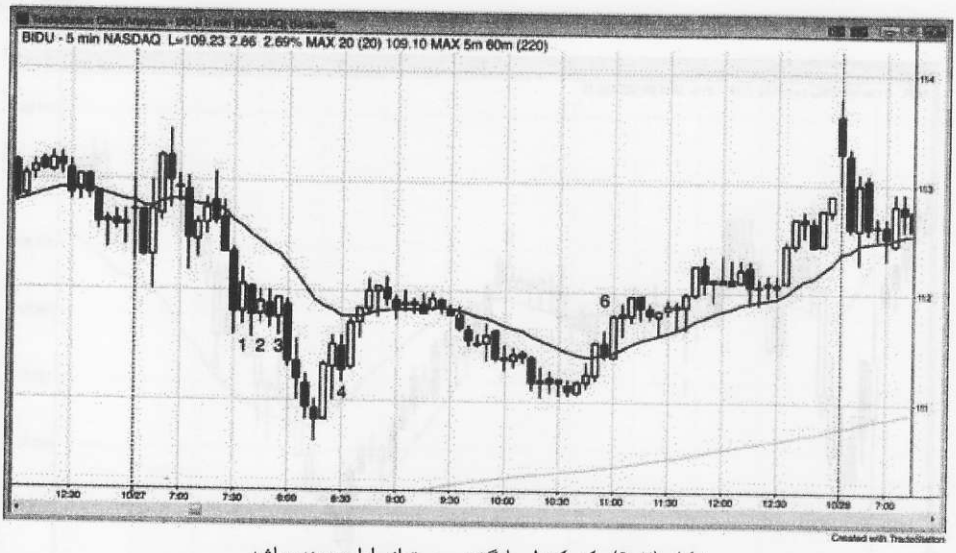
کندل ۱۳ یک کندل داخلی کوچک صعودی در کف سوییِنگ جدید و یک کندل بازگشت صعودی از یک موقعیت فروش پرچم نهایی کف ۲ است و دومین موج نزولی از یک موج نزولی ثانویه، از آن یک موقعیت خرید سقف ۴ می‌سازد. همچنین آن سومین یا چهارمین رانش رو به پایین (بسته به اینکه شما چگونه می‌خواهید رانش‌ها را شمارش کنید) در کانالی نزولی داخل یک اسپایک و کانال نزولی می‌باشد. اسپایک از ۳ کندل روند نزولی تشکیل شده است که از کندل ۵ شروع می‌شود. کانال‌ها اغلب در سومین رانش به انتها می‌رسند و معمولاً بعد از آن‌ها یک حرکت بدون روند تا صعودی دو مرحله‌ای می‌آید، که در اینجا آمده است. اصلاح اغلب به بالای کانال می‌رسد، اما در اینجا روند نزولی آن‌قدر قوی است که حرکت اصلاحی تنها می‌تواند افقی باشد نه صعودی؛ که معمولاً به معنی این است که قیمت پایین‌تر خواهد آمد.

کندل ۱۶ یک موقعیت خرید سقف ۲ در محدوده معامله رو به گسترش بعد از یک حرکت صعودی نسبتاً قدرتمند تا کندل ۱۴ است که آن‌قدر قوی است که بتواند خط روند نزولی را بشکند. این قدرت احتمالاً موج صعودی دیگری را می‌سازد.

کندل ۱۴ نزدیک است که موقعیت فروش ۲۰ کندل شکاف شود چون‌که ۲۰ کندل قبلی همه سقف‌هایی در زیر میانگین متحرک دارند. شباهت به‌اندازه کافی وجود دارد و لمس کف روند نزولی محتمل است. حرکت صعودی به کندل ۱۴ اولین شکست یک کانال فشرده هم هست و بنابراین احتمالاً به دنبال آن حداقل یک تست رو به پایین هم خواهد آمد.

کندل ۱۷ موقعیت فروش واقعی ۲۰ کندل شکاف[1] است. قیمت در پایین آن و سپس در بالای آن معامله می‌شود و سپس به کف جدید روز ریزش می‌کند. کندل ۱۷ یک دوجی موقعیت فروش کندل شکاف میانگین متحرک است ولی با وجود حرکت صعودی از کندل ۱۶ که تبدیل به اسپایک صعودی قدرتمندی می‌شود، باعث می‌شود بیشتر معامله‌گران قبل از فروش منتظر دومین سیگنال بمانند. ورودی در زیر کندل صعودی خارجی است که بعد از کندل ۱۷ می‌آید. کندل ورودی یک کندل روند پرقدرت نزولی است و تبدیل به اولین کندل در اسپایک نزولی قوی می‌شود.

الگوهای میکرو سقف دوقلو و میکرو کف دوقلوی زیادی روی نمودارها وجود دارند و این‌ها در کتاب ۳ در بخش بازگشت‌ها بحث می‌شوند. کندل‌های ۲۰ و ۲۱ نمونه‌هایی از الگوهای بازگشتی میکرو سقف دوقلوها را تشکیل می‌دهند.



شکل (۲-۶) یک کندل بازگشتی می‌تواند ادامه‌دهنده باشد

وقتی روندی دارای قدرت است، بازار اغلب بجای آنکه در بالای یک کندل بازگشتی صعودی معامله شود در پایین آن معامله می‌شود یا بجای اینکه در پایین کندل بازگشتی نزولی معامله شود در بالای آن معامله می‌شود. همان‌طور که در شکل (۲-۶) نشان داده شده است،در این نمودار ۵ دقیقه‌ای شرکت BAIDU (با نماد BIDU) کندل ۳، سومین تلاش برای بازگرداندن بازار روبه بالا است و این کندل یک کندل بازگشتی صعودی قوی است. با این حال، بجای حرکت به بالای آن،

[1]. ۲۰ یا بیشتر کندل پشت سر هم که میانگین متحرک را لمس نکرده‌اند. یک دفعه که بازار درنهایت میانگین متحرک را لمس می‌کند، معمولاً موقعیتی جهت لمس روند ایجاد می‌کند.

بازار به سمت پایین آن شکسته می‌شود. شاید خریداران جدید باشند که قبل از صدور سیگنال خرید روی کندل بازگشتی وارد شده باشند (کندل بعدی، یک تیک بالای سقف آن معامله نمی‌شود)، و این اشتیاق بیش‌ازاندازه خریداران اکنون آنان را به دام انداخته است. آن‌ها در یک تیک پایین کندل بازگشتی صعودی از خرید خود خارج می‌شوند، همان جایی که معامله‌گران باهوش وارد فروش می‌شوند.

برعکس این اتفاق در کندل بازگشتی نزولی ۶ رخ داده است، جایی که معامله‌گران پیش از هرگونه معامله‌ای در زیر کف کندل، فروش انجام داده و به دام افتاده‌اند و در کندل بعدی زمانی که در بالای کندل بازگشتی نزولی معامله می‌شود مجبورند فروششان را پوشش دهند. وجود فقط یک کندل بازگشتی برای ورود دلیل کافی نیست، حتی اگر در محدوده‌ای باشد که بازگشت قابل‌قبولی رخ دهد.



شکل (۳-۶) کندل روند بزرگ می‌تواند نشانه خستگی باشد

کندل روند غیرمعمول بزرگی که در روندی شکل می‌گیرد که حداقل ۱۰ کندل یا بیشتر طول می‌کشد معمولاً به معنی آن است که بازار دچار خستگی شده است و حداقل به‌اندازه ۱۰ کندل اصلاح شده و گاهی مواقع منجر به یک بازگشت خواهد شد.

در شکل (۳-۶) کندل ۳ کندل روند بزرگی است که تا زیر اولین کف قیمت روز سقوط کرده و از خط کانال روند عبور می‌کند و متعاقب آن یک کندل داخلی صعودی حضور پیدا می‌کند که در

بالای آن سایه‌ای وجود ندارد، یعنی اینکه خریداران درست تا پایان کندل شدیداً در حال خرید هستند. این کندل موقعیتی خوبی برای خرید است. کندل نزولی بزرگ به‌عنوان اوج فروش عمل می‌کند و شکست در بالای کندل داخلی صعودی، یک شکست صعودی محسوب می‌شود. این اسپایکی نزولی و سپس یک اسپایک صعودی می‌باشد، که درمجموع یک بازگشت را شکل می‌دهند و اگر به تایم فریم‌های بالاتر نمودارهای مختلف نگاه کنید، می‌توانید یک یا دو نمودار را پیدا کنید که در آن این کف بازگشت دو کندلی فوق‌العاده‌ای است و در نمودارهای دیگری یک کندل سیگنال بازگشت تشکیل می‌شود.

کندل ۴ یک کندل بازگشتی نزولی است اما کندل ورودی فروش ۵، به‌سرعت به سمت بالای سقف کندل ۴ معکوس می‌شود و حد ضرر کسانی را که فروش انجام داده بودند را فعال می‌کند. توجه به این نکته مهم است که فروش زیر کندل بازگشت نزولی ۴ تصمیم عاقلانه‌ای نیست زیرا مومنتم رو به بالا خیلی قوی است. ۱۱ کندل صعودی متوالی وجود دارد، بنابراین معامله‌گران نباید زیر اولین کندل نزولی فروشی انجام دهند. خرید بالای کندل بازگشتی نزولی یا بالای کندل خارجی صعودی ۵ معامله‌ای منطقی است چون‌که در آنجا فروشندگانی که با فعال شدن حد ضررشان از بازار خارج شده‌اند، پیش از فروش مجدد منتظر هستند که قیمت رفتارهای بیشتری از خود نشان دهد. اگر فروشندگان آماده فروش نباشند، خریداران بیشتر می‌توانند قیمت را به سمت بالا هدایت کنند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۳-۶) روز با یک کندل روند صعودی روی یک شکاف رو به پایین آغاز می‌شود، ولی به‌سرعت در یک موقعیت فروش پولبک شکست به سمت پایین معکوس می‌شود. با توجه به سایه‌های بلند و بدنه بزرگ دو کندل اولی و شکاف نزولی کوچک در آغاز روز، احتمال عملکرد بدون روند قیمت بالاست و بهتر است که صبر کرده و معامله فروش انجام نگیرد. با این حال، بعدازآن یک سیگنال بازگشت دو کندلی برای موقعیت شکست نقض شده آمده است که ممکن است کف روز باشد. در اینجا یک اسپایک صعودی ۴ کندلی وجود دارد اما ادامه پیدا نکرده است. در مناطقی در دو ساعت بعدی، معامله‌گران حداقل قسمتی از سودشان را خارج می‌کنند و اگر به سمت فروش بازگشت نکرده باشند، ممکن است با خروج خود در قیمتی سربه‌سر در آخرین ریزش، تعادل بازار را به هم بزنند.

کندل ۳ همچنین کف اسپایک و کانال روند نزولی است و بازگشت باید سطح قیمتی کندل ۲ را به‌عنوان شروع کانال به خود ببینند که می‌بینند. ریزش ۵ کندلی به سمت کندل ۱ اسپایک است و

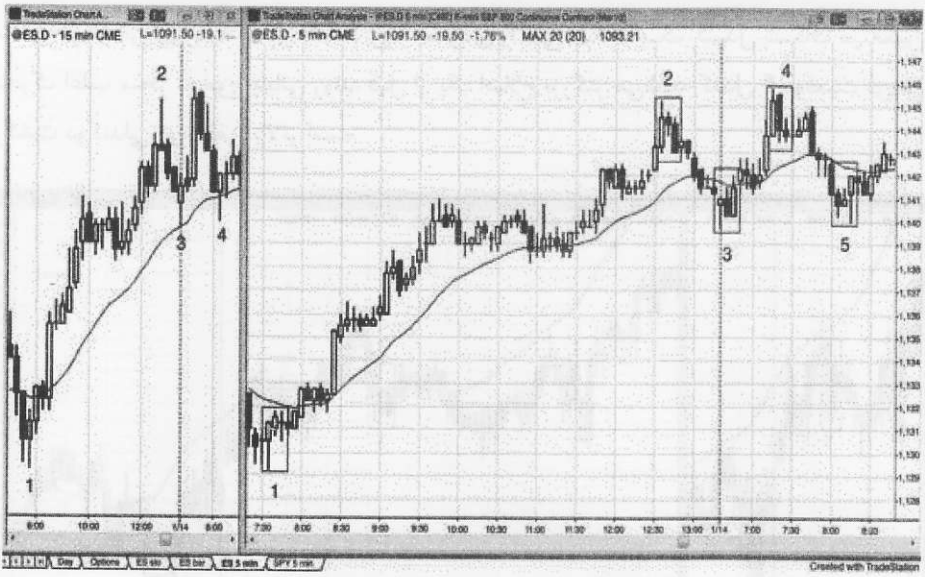
کانال نزولی در پولبک به کندل ۲ شروع می‌شود. ریزش به سمت کندل ۳ فروش اوجی است زیرا دارای چندین کندل است که سقف‌ها و کف‌هایشان پایین‌تر از سقف و کف کندل قبل از آن است. عدد واقعی خیلی مهم نیست. چیزی که مهم است آن است که کندل‌های زیادی در آنجا وجود دارند و هرچقدر تعداد آن‌ها بیشتر باشد، رفتارها ناپایدارتر و بنابراین اوجی‌تر می‌شوند. کندل روند نزولی بزرگی مانند کندل ۳ بعد از یک روند نزولی قوی یک اوج فروش محسوب می‌شود. این معمولاً منجر به یک اصلاح دو مرحله‌ای بدون روند، یا صعودی می‌شود و کمتر منتهی به روند معکوسی مانند آنچه که در اینجا ایجاد شده است می‌شود.

کندل بازگشتی نقض شده ۴ یک موقعیت خرید کف ۲ نقض شده است. این کف ۲ معامله‌گران بی‌تجربه‌ای را که در زیر کندل بازگشتی فروخته بودند را به دام انداخته اما نمی‌تواند منتظر یک نمایش قدرت نزولی اولیه باشد. در یک روند پرقدرت صعودی اگر بازار در کانال فشرده‌ای قرار داشته باشد که خط روند اولیه آن هنوز شکسته نشده است، نباید فروش انجام دهید.

متعاقب اسپایک چهار کندلی منتهی به کندل ساعت ۷:۰۵ می‌تواند یک کانال صعودی ظاهر شود. اسپایک نزولی تا کندل ۱، باوجوداین، این امکان را فراهم می‌کند که بجای آن احتمالاً یک کانال نزولی به وجود آید، که در این حالت ایجاد شده است. خرید پولبکی که در حدود ساعت ۸:۴۵ دقیقه به اتمام رسیده به امید اسپایک صعودی، خرید مناسبی است و این پولبک در زیر کندل نزولی داخلی که بعد از کندل ۲ آمده است به همین اندازه مناسب فروش است.

توجه داشته باشید که هیچکدام از کندل‌های دوجی قبل و بعد از کندل ۱ کندل‌های سیگنال خوبی نیستند، زیرا آن‌ها در وسط محدوده روز و نزدیک به یک میانگین متحرک افقی هستند.

سقف سوییننگی که پنج کندل قبل از کندل ۱ رخ داده است یک بازگشت سه کندلی را شکل می‌دهد،که مانند یک بازگشت ۱۵ دقیقه‌ای با یک بدنه صعودی به ارتفاع یک تیک روی نمودار ۱۵ دقیقه‌ای است چون‌که کندل سومی در قیمتی بسته می‌شود که کندل ۱۵ دقیقه‌ای بسته می‌شود.



شکل (۴-۶) بازگشت ۱۵ دقیقه‌ای روی نمودار ۵ دقیقه‌ای

توجه کنید که بازگشت‌های ۱۵ دقیقه‌ای می‌توانند در نمودارهای ۵ دقیقه‌ای هم دیده شوند. در شکل (۴-۶) نمودار ۱۵ دقیقه‌ای در سمت چپ چندین کندل بازگشتی دارد و الگوی سه کندلی مشابه آن‌ها در درون باکس‌هایی روی نمودار ۵ دقیقه‌ای در سمت راست است. درکل بازگشت ۱۵ دقیقه‌ای معمولاً درحرکت طولانی‌تر نتیجه بهتری می‌دهد تا یک بازگشت ۵ دقیقه‌ای. وقتی تصمیم به انجام یک معامله ۵ دقیقه‌ای دارید، اگر ترکیب سه کندلی را دیدید که بازگشت‌های ۱۵ دقیقه‌ای هم ایجاد می‌کند، معمولاً می‌توانید در مورد معامله‌ای که انجام می‌دهید احساس اطمینان بیشتری داشته باشید.

درکل،این ایده خوبی است که به هر کندل روندی که پس از آن، طی حداقل ده کندل بعدی، یک کندل روند مخالف وجود دارد که در قیمتی نزدیک به قیمت باز شدن اولین کندل بسته می‌شود[1]، به‌عنوان بازگشت نگاه کنید. این بازگشت در تایم فریم‌های بالای نمودار یک بازگشت ۲ کندلی و در حتی تایم فریم‌های بالاتر نمودار یک کندل بازگشتی خواهد بود.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار در شکل (۴-۶) میانگین متحرک را رو به پایین می‌شکند و شکست نقض شده و وارد روندی می‌شود که از ابتدا صعودی است. کندل ۳ یک کندل شکاف میانگین متحرک در یک روند قوی

---

[1]. قیمت CLOSE آن نزدیک به قیمت OPEN اولین کندل است. م

است و حرکت نزولی رو به کندل ۳ خط روند صعودی را مـی‌شـکند. یـک کنـدل شـکاف میـانگین متحرک اغلب منجر به موج پایانی روند، قبل از یک اصلاح بزرگتر می‌شود. کندل ۴ موقعیت فروش بازگشت دوکندلی در سقفی بالاتر است.



شکل (۵-۶) بازگشت‌های سه کندلی

بعضی از الگوهای سه کندلی در نمودار ۵ دقیقه‌ای، بازگشت‌های خوبی در نمودار ۱۵ دقیقـه‌ای ایجاد نمی‌کنند، ولی باز هم منجر به بازگشت‌های قابل‌قبولی می‌شـوند. در شـکل (۵-۶)، نمـودار ۵ دقیقه‌ای در سمت راست یک جفت الگوی سه کندلی دارد که به نظر می‌آیـد کـه بایـد بازگشـت ۳ کندلی فوق‌العاده‌ای در نمودار ۱۵ دقیقه‌ای داشته باشند. با این حال، ازآنجایی‌که کندل سوم در هر دو حالت بجای آنکه در ۳۰ دقیقه بعد از یک ساعت بسته شـود در ۲۵ دقیقـه بعـد از یـک سـاعت بسته می‌شود، بعد از بسته شدن کندل ۱۵ دقیقه‌ای، الگوی ۱۵ دقیقه‌ای قـدرت یکسـانی را نشـان نمی‌دهد. معامله‌گران می‌توانند الگوهای ۵ دقیقه‌ای را درصورتی‌کـه بازگشـت ۱۵ دقیقـه‌ای کـاملی باشد، معامله کنند و در یک تیک بالای سقف سه کنـدل خریـد کننـد یـا اگـر ورودی ۵ دقیقـه‌ای زودتری وجود دارد زودتر وارد معامله شوند. برای مثال، در باکس شـماره ۲ از نمـودار ۵ دقیقـه‌ای، دومین و سومین کندل یک بازگشت دوکندلی را شکل می‌دهند، بنابراین ورود در یک تیـک بـالای بازگشت دو کندلی بجای دو تیک بالاتر از سقف سه کندل قابل‌قبول است. درکل، نباید معامله‌گران در جستجوی بازگشت‌های سه کندلی زمان صرف کنند، زیرا این‌گونه از بازگشت‌هـا در روز تنهـا دو بار رخ می‌دهند و نباید دیگر موقعیت‌های معمول را درخطر از دست رفتن قرار دهند.

کندل ۲ اولین کندل از بازگشت دوکندلی است و می‌توانید تایم فریم‌هایی را پیدا کنید که در آن سه کندل روند نزولی بزرگ که منتهی به کف می‌شوند و دو کندل روند بزرگ که بعد از کندل ۲ می‌آیند، یک بازگشت دو کندلی را شکل دهند، مانند نمودار ۱۵ دقیقه‌ای در سمت چپ. همچنین می‌توانید نموداری پیدا کنید که در آن نمودار، آن کندل‌ها یک کندل بازگشتی کامل را ایجاد نمایند. به همین دلیل تمام موقعیت‌های بازگشتی با هم ارتباط نزدیکی دارند. خیلی سخت‌گیر نباشید و هدف خود را از دست ندهید. تلاش کنید که ببینید بازار چه موقع برمی‌گردد، آنگاه زمانی که باور کردید که بازگشت احتمالاً ادامه خواهد داشت، راهی برای ورود را جستجو کنید.

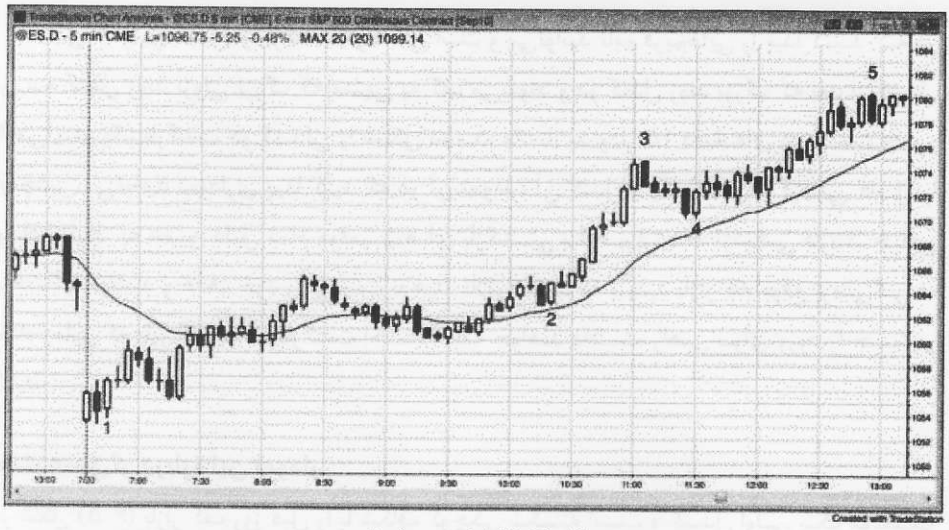
بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۵-۶) بازار کف روز قبل را با شکاف کوچکی شکسته است و کندل اولی یک موقعیت خرید شکست نقض شده در یک روند احتمالی از ابتدا صعودی است. وقتی بازگشت از کانال شیب‌داری مانند این رخ دهد، بهتراست قبل از خرید و بعد از بازگشت روبه بالا منتظر یک پولبک باشید. چند کندل بعد یک سقف بالاتر وجود دارد، اما حرکت کندل‌ها فاقد روند بوده و سایه‌های بزرگی دارند، بنابراین خریداران باید منتظر قدرت بیشتری باشند. در عوض، یک کف ۲ فروش وجود دارد که پولبک شکست فروش هم هست، ولی وقتی محدوده اولیه خود محدوده معامله کوچکی باشد که از حدود یک‌سوم متوسط نوسان روز کمتر است، بیشتر معامله‌گران ترجیح می‌دهند منتظر شکست کامل محدوده اولیه بمانند. کندل روند نزولی بزرگی که محدوده اولیه را به سمت پایین می‌شکند، نشان می‌دهد که بیشتر معامله‌گران قبل از فروش منتظر شکست بوده‌اند.

کندل ۲ بازگشت دو کندلی برای خرید بازگشت اولیه[1] است. بعدازآن یک پرچم یک کندلی آمده است و در اولین کندل قدرتمند روز قدرت خرید اولیه وجود دارد.

---

[1]. برگشتی در اولین ساعت یا اولین روز.



شکل (۶-۶) بازگشت دوکندلی

یک بازگشت دو کندلی موقعیتی مرکب از دو کندل است و ورودی یک تیک ورای هردوی آن‌ها است. در شکل (۶-۶) حتی با اینکه کندل ۵ یک کندل روند نزولی است، کف آن یک تیک بالای کف کندل قبل از آن است. وقتی‌که یک کندل بازگشتی با کندل قبل از خود تقریباً به‌طور کامل همپوشانی داشته باشد، باید به‌عنوان موقعیت بازگشت دو کندلی در نظر گرفته شود. برای مثال در اینجا، امن‌ترین ورودی فروش در پایین کندل ۵ یا کندل قبل از آن است. قیمت یک تیک پایین‌تر از کندل ۵ می‌رود، ولی کندل ۵ به همراه کندل قبل از خود تشکیل کف دوقلو می‌دهد. معامله‌گرانی که فکر می‌کردند که زیر یک کندل بزرگ نزولی برای فروش امن است با فعال شدن حد ضرر خارج می‌شوند.

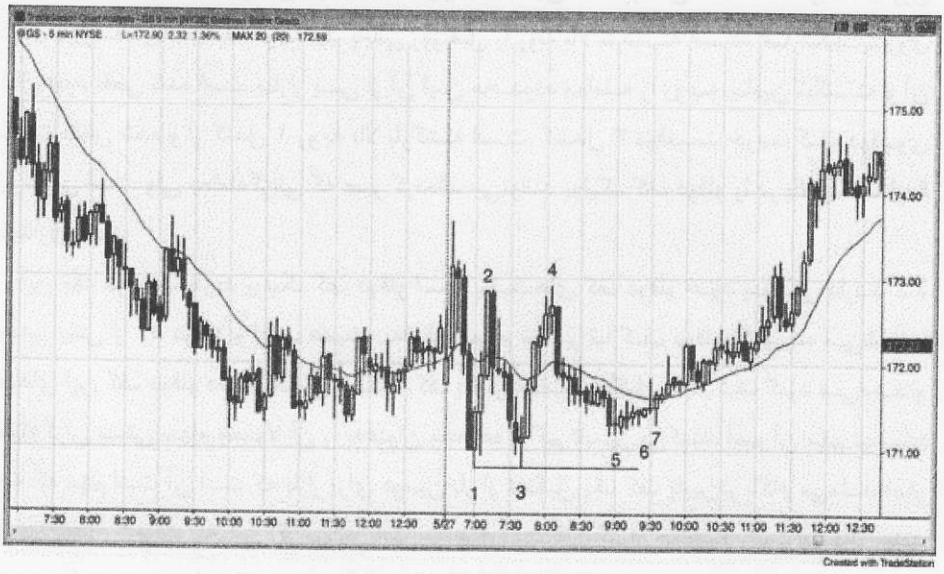
کندل ۳ وضعیت مشابه ای دارد و اگر یک معامله‌گر به فروش فکر می‌کند، فروش در زیر کف کندل قبل از آن امن‌تر است نه درست در زیر کندل ۳. در هر حالتی، فروش در اینجا خطرناک است زیرا بازار طی ۹ کندل، روند صعودی پرقدرتی داشته است. خیلی بهتر خواهد بود که فروش انجام نشود و بجای آن به دنبال خرید یک پولبک باشید، مانند بازگشت دو کندلی بالای کندل ۴.

کندل ۱ دومین کندل از موقعیت خرید بازگشت دو کندلی است که کندل دومی در بالای سقف کندل اولی قرار دارد. ورودی در بالای سقف آن کندل دوم می‌باشد.

کندل ۲ یک بازگشت دو کندلی است که سقف هر دو کندل یکسان است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۶-۶) یک شکاف بزرگ نزولی و یک کندل روند صعودی وجود دارد. سپس بازار یک بازگشت نزولی دو کندلی تشکیل می‌دهد که منجر به فروش نمی‌شود و در عوض منجر به یک بازگشت دو کندلی صعودی می‌شود. خرید بالای کندل ۱ تا دو کندل بعدازآن روند را به‌خوبی ادامه می‌دهد. ازآنجایی‌که این یک روند احتمالی از ابتدا صعودی است و نشانه‌هایی از قدرت خرید مشاهده می‌شود، معامله‌گران باید به حد ضرر خود در زیر کف آن روز اعتماد کنند تا کف بالاتری پیدا شود. هر موقع بازار از کف بالاتر با یک کندل روند قدرتمند به سمت بالا معکوس شد، می‌توانند حد ضررشان را به زیر کف جدید بالا بکشند و خریدشان را تا پایان نگاه دارند.



شکل (۷-۶) بازگشت اولین ساعت

همیشه در اولین ساعت و چند ساعت بعدازآن برای یک بازگشت آماده باشید. گلدمن ساکس[۱] (GS) روز قبل در یک روند نزولی بوده است و رالی قدرتمندی از شروع روز جاری دارد بنابراین معامله‌گران در جستجوی یک پولبک به کف پایین‌تر یا کف بالاتر و یک بازگشت روند هستند. همان‌طور که در شکل (۷-۶) نشان داده شده است، در کندل ۱ یک کف پایین‌تر وجود دارد، که

۱. شرکت خدمات مالی و بانکداری آمریکایی و چندملیتی است که بخش عمده فعالیت‌های آن در زمینه ارائه خدمات بانکداری، مدیریت سرمایه‌گذاری، بانکداری تجاری، همچنین مبادله کالاهای اقتصادی، اوراق بهادار، سهام اختصاصی و مدیریت بر صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک متمرکز می‌باشد.

یک‌بار دیگر به‌وسیله کندل ۳ لمس شده است و آن‌ها باهم تشکیل یک کف دوقلو داده‌اند. به دنبال این کف بالاتری در کندل ۵ آمده است و خریداران در جستجوی موقعیت خرید در یک روند صعودی احتمالی هستند. کندل ۵ یک کندل داخلی است و کندل بعدازآن در درون کندل ۵ است که کف آن بالاتر از کف کندل ۵ و سقف آن پایین‌تر از سقف کندل ۵ است. این یک موقعیت (ii) است و معامله‌گران در یک تیک بالای کندل دومی خرید خواهند کرد. کندل ۶ موقعیت (ii) دیگری است چون‌که این یک کندل داخلی بوده و کندل قبل از آن هم یک کندل داخلی است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

شکل (۷-۶) به‌گونه‌ای شروع می‌شود که مستلزم دقت بالایی است، وقتی‌که شک دارید، بیرون بمانید. بازار محدوده معامله دو ساعت پایانی روز قبل را روبه بالا شکسته است، اما شکست روی کندل سوم نقض شده است. بازار پس از آن این محدوده معامله را رو به پایین شکسته و آن شکست نقض شده و از کندل ۱ رو به بالا بازگشته است. کندل ۳ موقعیت خرید کف دوقلوی قابل‌قبولی است، ولی معامله‌گرانی که صبر کرده‌اند می‌توانند پولبک کف دوقلو را در بالای کندل ۶ خریداری کنند.

این یک موقعیت خرید پولبک کف دوقلو است. پولبک‌های کف دوقلو خود پولبکی دارند که به‌نوعی بیش از ۵۰ درصد و اغلب همیشه به‌اندازه تمام مسیر تا کف دوقلو کشیده می‌شوند. کف‌های این کف دوقلو دقیقاً یکسان هستند. کف بالاتر اغلب تشکیل یک کف گرد می‌دهد و معامله‌گران سنتی سهام معمولاً آن را به‌عنوان محدوده تراکم تفسیر می‌کنند. اسم آن مهم نیست؛ آنچه که مهم است آن است که بازار برای دومین بار از تشکیل یک کف پایین‌تر ناکام می‌ماند (بار اول در کندل ۳ بود)، بنابراین اگر نتواند پایین برود، فروشندگان کنار خواهند رفت و بازار روند صعودی را جستجو خواهد کرد (به دنبال فروشندگانی که تمایل به فروش در قیمت بالاتری باشند). بجای یافتن فروشندگان، بازار خریدارانی پیدا می‌کند که تمایل دارند در قیمت بالاتر بخرند.

کندل ۷ سومین ورود پشت سر هم برخلاف شکست را تدارک می‌بینند. بازار در شکست رو به بالا در بالای کندل ۶ ناکام می‌ماند و سپس در حرکت رو به پایین در کندل بعدی نقض می‌شود، یعنی اینکه خریداران و فروشندگان هر دو به دام افتاده‌اند. کندل ۷ تبدیل به یک پولبک از شکست بالای کندل ۶ می‌شود و بنابراین پولبک شکست برای موقعیت خریداست.

کندل ۴ یک موقعیت فروش سقف دوقلوی پرچم نزولی است. بعد از رشد قیمت ابتدا یک سقف پایین‌تر در کندل ۲ به وجود می‌آید که کندل ۴ آن را لمس کرده و یک سقف دوقلو می‌سازد. به

خاطر اینکه سقف دوقلو پایین‌تر از سقف شروع روز است، احتمالاً یک روند نزولی وجـود دارد و هـر پولبکی در روند نزولی باید به‌عنوان پرچم نزولی در نظر گرفته شود.



شکل (۸-۶) کندل‌های ریز هنوز هم می‌توانند مفید باشند

بعضی مواقع کندل‌ها آن‌قدر کوچک هستند که قابل‌توجه به نظر نمی‌رسند ولی هنوز می‌تواننـد چیزهای خیلی مهمی به شما بگویند. در شکل (۸-۶)، کندل سیگنال ۲ کندل بسیار کوچکی اسـت (۱۱ سنت در سهم ۱۸۵ دلاری)، ولی اگر به نمودار خطی قیمت‌های پایانی نگاه کنیـد، کـف بـالاتر کوچک در نقطه ۲ واضح است.

کندل ۲ نیمه دوم یک موقعیت بازگشتی است و کندل روند نزولی بزرگ که سه کنـدل قبـل از کندل ۱ شکل گرفته است، شروع قسمت نزولی بازگشت است. می‌توانید تایم فریم‌هـای بـالاتری از نمودار پیدا کنید که این مجموعه ۱۰ کندلی تشکیل یک بازگشت ۲ کندلی بدهند.

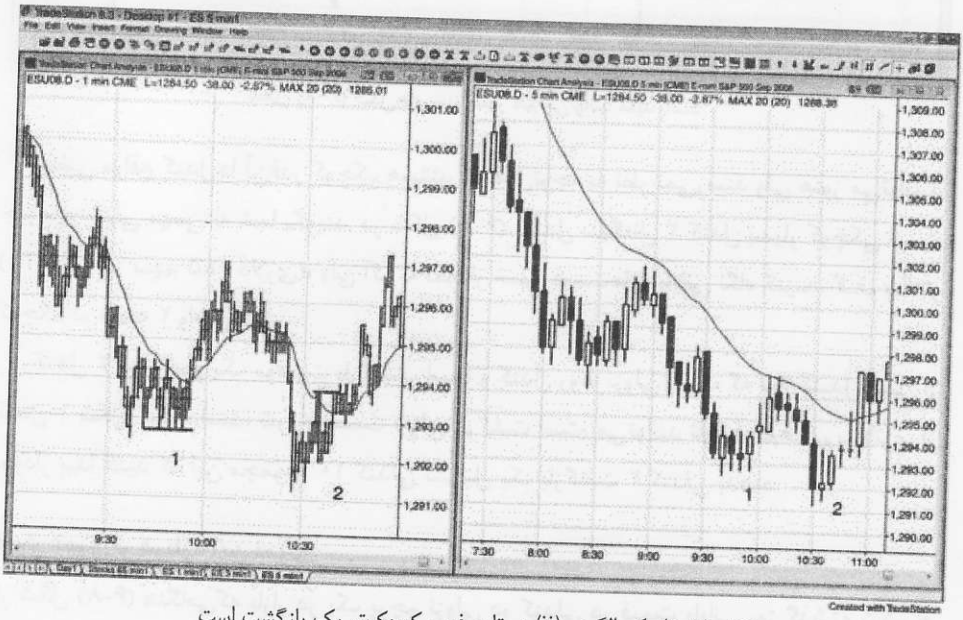
بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۸-۶) هنگامی‌که بازار در یک پرچم نزولی دو کندلی در قیمت پایانی روز گذشته شکسته می‌شود، در روز جاری در قیمت بالا باز شده و اسپایک نزولی دو کندلی دارد. بازار در کندل چهـارم تلاش می‌کند که به سمت بالا برگردد اما در آنجا کندل ورودی وجود ندارد زیرا کندل صعودی یک

کندل خارجی است بدون اینکه ادامه پیدا کند. فروش در بالای کندل سیگنال یا شاید بالای کندل صعودی خارجی ادامه پیدا می‌کند. کندل بعدی یک کندل داخلی نزولی است که موقعیت فروش کف ۲ را در یک روند از ابتدا نزولی برپا می‌کند.

کندل بازگشت صعودی سه کندل قبل از کندل ۲ ورودی خطرناک‌تری است چراکه بازار در هفت کندل قبلی در کانال نزولی بسته‌ای بوده است. امن‌تر آن است که برای شکست کانال و خرید پولبک شکست صبر کنید. این پولبک بیشتر یک مکث افقی است و منتهی به سیگنال خرید کف بالاتر کندل ۲ می‌شود. درکل ورودی‌های دوم قابل‌اعتمادترند. خیلی نزدیک به الگوی iii است، که اغلب باعث بازگشت‌ها در انتهای سوییینگ‌ها می‌شود.

کندل ۱ موقعیت خوبی برای بازگشت رو به بالا از شکست پرچم نهایی نیست زیرا کندل سیگنال یک دوجی است. بجای آن وقتی‌که کف سازی در یک روند نزولی قوی انجام می‌شود باید منتظر یک کندل روند صعودی به‌عنوان کندل سیگنال باشید. همچنین چهار کندل قبلی کندل‌های روند نزولی هستند، بنابراین مومنتم رو به پایین بسیار بیشتر از آن است که در اولین تلاش برای بازگشت خرید انجام شود، مخصوصاً وقتی‌که کندل سیگنال یک دوجی است، که نشان‌دهنده خرید قدرتمندی نیست.



شکل (۹-۶) یک الگوی (ii) در تایم فریم کوچک‌تر یک بازگشت است

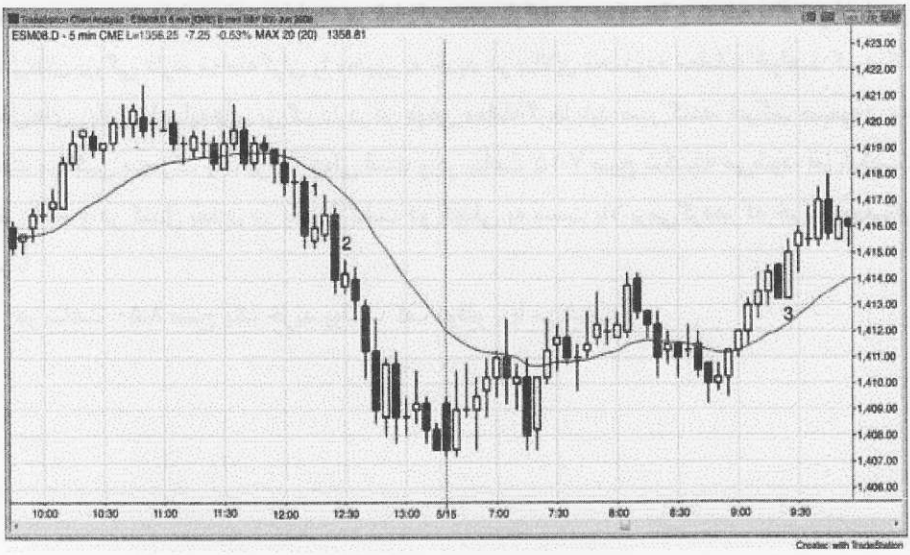
به خاطر اینکه یک الگوی (ii) همیشه یک موقعیت بازگشتی بدیهی را در تایم فریم کوچکتر نشان می‌دهد، هرگز مجبور نیستید برای تائید آن نمودار را بازبینی کنید. در شکل (۹-۶) روی نمودار ۵ دقیقه‌ای در سمت راست، دو الگوی (ii) وجود دارد (اولی (iii) است). این‌ها اغلب روی تایم فریم کوچک‌تر نمودار مانند نمودار یک دقیقه‌ای در سمت چپ، الگوهای بازگشتی واضح‌تری هستند. کندل ۱ (iii) روی نمودار ۵ دقیقه‌ای کف بالاتری دارد که در نمودار یک دقیقه‌ای مکرراً لمس شده است. کندل ۲ (ii) در نمودار ۵ دقیقه‌ای کف بالاتری بعد از یک کف بالاتر است، بنابراین بازار در حال ساختن روندی از کف‌های بالاتر است،که جزئی از یک روند صعودی است.

در هردو حالت،کندل روند صعودی در انتهای الگوی (ii) موقعیتی عالی برای ورود به خرید است. حتی با اینکه کندل‌های کوچک اهمیت جهتی کمتری دارند،همیشه بهتر است کندل نهایی کندل روندی در جهت ورودی موردنظرتان باشد.

کندل ۲ روی نمودار ۵ دقیقه‌ای با کندل روند نزولی که در دو کندل قبل تشکیل شده است یک بازگشت را شکل می‌دهد.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

کندل یک روی نمودار ۱ دقیقه‌ای در شکل (۹-۶) الگوی خرید پولبک کف دوقلو است و کندل ۲ کف ۲ شکست خورده است.



شکل (۱۰-۶) کف و سقف دوقلوی دو کندلی

کف دوقلوها و سقف دوقلوها می‌توانند به‌اندازه دو کندل پشت سرهم کوچک باشند و باز هم مهم باشند.

در شکل (۱۰-۶)، کندل ۱، یک پرچم میکرو کف دوقلو است، چون یک کندل روند نزولی است که بلافاصله بعدازآن یک کندل روند صعودی در یک اسپایک نزولی آمده است و آن‌ها کف‌های یکسانی دارند. در یک تیک پایین آن بفروشید. همچنین، می‌توانید زیر کف پولبک یک کندلی روی کندل بعدی بفروشید که ورود زودتری به شما می‌دهد.

کندل ۲ مثال دیگری است.

کندل ۳ یک کندل ورودی میکرو سقف دوقلو برای یک معامله خرید است، چون‌که کندل روند نزولی یک پرچم تک کندلی صعودی در یک اسپایک صعودی است (موقعیت خرید سقف ۱ در اسپایک صعودی). این یک میکرو کف دوقلو[1] و یک بازگشت دو کندلی به همراه کندل قبل از آن هم هست؛ بنابراین معامله‌گران می‌توانند در بالای کندل ۳ هم خرید کنند، اگرچه ورودی همراه با ریسک است چون‌که ۴ تیک پایین‌تر است. خرید بالای یک کندل بزرگ بعد از یک شکست سه کندل همپوشان هم خطرناک است زیرا آن سه کندل ممکن است آغاز یک محدوده معامله باشند.

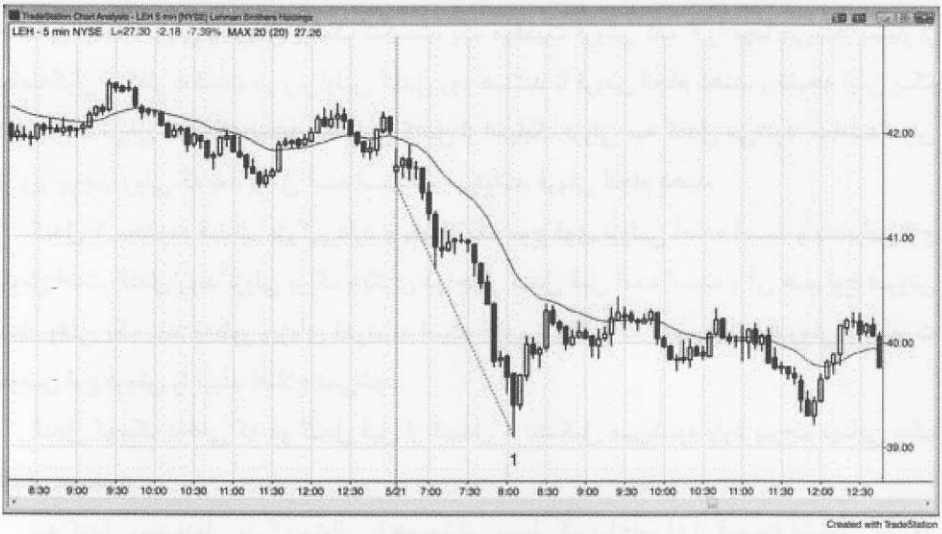
بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

اولین کندل روز در شکل (۱۰-۶) کف روز قبل را شکسته و شکست نقض می‌شود. ازآنجا که بازار هنوز در محدوده معامله ساعت پایانی روز قبل است و بازگشت دوکندلی رو به بالا در آغاز روز کندل‌های بزرگی دارد، معامله‌گران را مجبور به خرید در بالای محدوده معامله خواهد کرد که کندل‌های زیادی با سایه‌های بزرگ دارد. در عوض معامله‌گرها باید صبر کنند. حرکت صعودی به سمت میانگین متحرک یک پرچم نزولی است و در ساعت ۷:۱۵ صبح شکسته می‌شود، اما شکست نقض شده و در کندل بعدی در یک بازگشت دو کندلی به سمت بالا برمی‌گردد، که خرید معقولی است.

در ساعت ۸:۵۰ صبح یک خرید پولبک کف دوقلو برپا می‌شود.

---

[1]. کندل‌های متوالی یا تقریباً متوالی با کف‌هایی که تقریباً قیمت‌های یکسانی دارند. مخالف این تعریف برای سقف دوقلوی میکرو یا میکرو سقف دوقلو می‌باشد.



شکل (۱۱-۶) بازگشت قدرتمند دو کندلی

اگرچه معمولاً بهتراست که در اولین تلاش برای بازگشت در یک روند نزولی قوی، خریدی انجام نشود، یک بازگشت دو کندلی قدرتمند بعد از یک اوج فروش می‌تواند خرید معقولی باشد. همان‌طور که در شکل (۶-۱۱) نشان داده شده است، هولدینگ برادران لهمن (LEH) روی تست خط کانال نزولی و بعد از اوج فروش‌های متوالی یک کف بازگشتی دو کندلی دارد. این ریزش اوجی می‌باشد زیرا رفتارش ناپایدار است. ۱۶ کندل از ۱۷ کندل قبلی سقفی دارند که پایین‌تر از سقف کندل قبلی است. همچنین، سه بار اتفاق افتاده که یک کندل روند نزولی بزرگ بعد از یک سری از کندل‌های روند نزولی کوچکتر آمده است. یک اوج معمولاً بعد از اصلاح دو مرحله‌ای می‌آید که برای چند کندل طول می‌کشد (حداقل یک ساعت در نمودار ۵ دقیقه‌ای).

کندل ۱ اولین کندل از بازگشت دو کندلی است. معمولاً خرید اولین بازگشت در روند نزولی قوی خطرناک است، ولی بعد از چندین نشانه از رفتار اوجی و بازگشت دوکندلی بسیار قوی، این موقعیت خرید معقولی است. کندل ۱ کندل روند نزولی دیگری است و بنابراین اوج فروش دیگری است و دومین کندل، کندل صعودی پرقدرتی است. این کندل بزرگ بوده و در کف کندل ۱ باز شده و در سقف آن بسته می‌شود.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار در شکل (۱۱-۶) با شکستن پرچم نزولی ۹۰ دقیقه آخر روز قبل باز شده و کف روز قبل را لمس می‌کند. سومین کندل میانگین متحرک را لمس می‌کند و کندل بعدی برای یک روند

احتمالی از ابتدا نزولی و فروش پولبک شکست، یک موقعیت فروش کف ۲ را مهیا می‌کند. بسیار از معامله‌گران منتظر شکست در زیر اولین کندل روز هستند تا فروش انجام دهند، و نتیجه این یک کندل روند نزولی است که تبدیل به اولین کندل از اسپایک نزولی سه کندل می‌شود. معامله‌گران در زیر پرچم نزولی که بعد از آن آمده است هم می‌توانند فروش انجام دهند.

کندل ۱ محدوده قیمتی بزرگی دارد و بعد از یک موج قوی نزولی آمده است و بنابراین اوج فروش است. کندل روند نزولی بزرگ دیگری در چهار کندل قبل آمده است و آن هم اوج فروش است. وقتی یک روند به‌طور ویژه‌ای قدرتمند است، اغلب تا زمانی که دومین اوج فروش و بندرت سومین اوج فروش را نبیند اصلاح نمی‌شود.

کندل کوچک داخلی که دو کندل قبل از کندل ۱ تشکیل می‌شود وارد پرچم نهایی یک کندلی می‌شود.

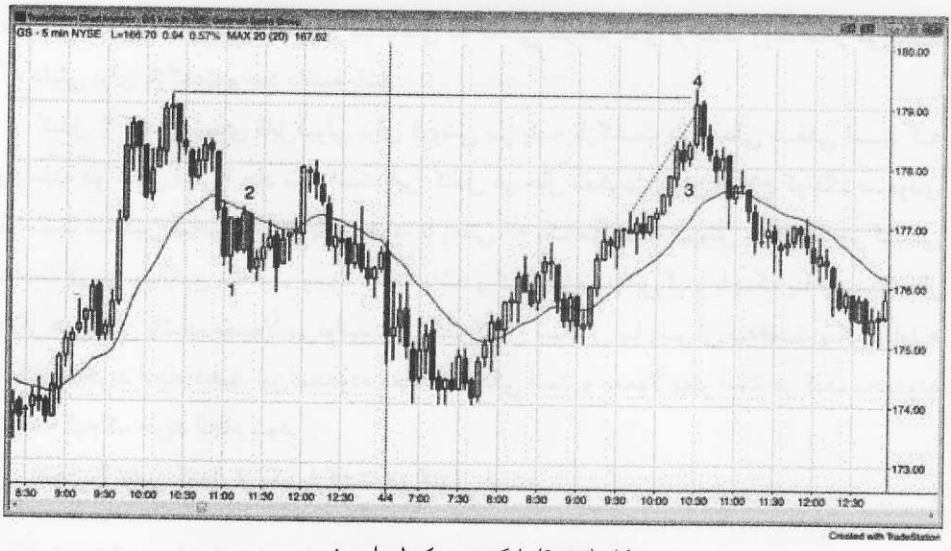
سه کندل روند نزولی بزرگ متوالی با همپوشانی بسیار کم با فاصله از قیمت ابتدایی وجود دارند[1] و یک اسپایک نزولی را ایجاد می‌کنند. بعد از اسپایک قدرتمند رو به پایین به‌طور معمول یک کانال نزولی و سپس یک پولبک و بعضی مواقع یک بازگشت می‌آید. به دنبال آن اسپایک نزولی اولیه، یک کف ۲ بدون روند و سپس حتی فروش قوی‌تری به وجود می‌آید. حتی با اینکه ادامه این فروش تقریباً عمودی است، باید به‌عنوان کانال نزولی در نظر گرفته شود که بعدازآن اسپایک نزولی اولیه می‌آید. حتی با اینکه بازار قبل از تلاش برای پولبک ریزش می‌کند، آن کف ۲ نوعی پرچم نهایی است.

اسپایک و اوج‌های[2] فروش (نوعی اسپایک و کانال روند نزولی) معمولاً طی یک یا دو روز اطراف شروع کانال نزولی را لمس می‌کند، اما وقتی فروش قوی باشد، ممکن است این اتفاق رخ ندهد، و یک الگو با تایم فریم بالاترممکن است کنترل بازار را در اختیار داشته باشد. برای مثال، کل ریزش به‌سوی کندل ۱ ممکن است در نمودار ۶۰ دقیقه اسپایک بزرگی باشد و محدوده معامله بعدازآن ممکن است پولبکی باشد که به یک کانال بزرگ نزولی تا قیمت‌های بسیار پایینی منتهی می‌شود.

---

[1]. سومین کندل از این سه کندل روند نزولی، کندلی است که برای دومین بار خطچین زیر کندل‌ها را تست می‌کند. م

[2]. این الگو در فصول بعدی این کتاب تشریح می‌شود. م



شکل (۱۲-۶) بازگشت دو کندلی اوج خرید

اولین تلاش برای معکوس کردن یک کانال صعودی قوی می‌تواند فروش قابل‌اعتمادی باشد درصورتی‌که در انتهای یک اوج خرید بوده و بازگشت دو کندلی قدرتمند باشد.

در شکل (۱۲-۶)، کندل ۴ بازگشت دوکندلی بزرگی روی شکست رو به بالای سقف روز قبل و شکست یک خط کانال روند صعودی، و بعد از شکست پرچم کوچکی (کندل ۳) است. وقتی دو کندل با یکدیگر همپوشانی زیادی داشته باشند، شانس سودآور بودن یک معامله در صورتی بیشتر می‌شود که زیر کندل پایین‌تر فروش انجام دهید نه زیر کف کندل‌های دیگر (در این حالت کندل ۴). همچنین، کندل دومی بدنه نزولی بزرگی دارد، و هنگامی‌که روند صعودی قدرتمندی وجود داشته باشد، باید فقط زیر کندل قدرتمند نزولی فروش انجام دهید و هرگز نباید زیر کندل صعودی قوی بفروشید.

کندل ۱ و کندل نزولی قبل از آن بازگشت دوکندلی مناسبی را برای خرید مهیا نمی‌کنند به خاطر اینکه مومنتم نزولی در آن دو کندل بزرگ روند نزولی (دو کندل روند نزولی قبل از کندل ۱. م) روی شکستشان از سقف پایین‌تر بسیار بالاست. کندل‌ها به‌زحمت با یکدیگر همپوشانی دارند و سایه‌هایشان کوتاه است.

بلافاصله بعدازاین کندل‌ها، موقعیت خرید بازگشت دوکندلی دیگری ایجاد می‌شود (الگوهای پشت سر هم گهگاه اتفاق می‌افتند)، اما چهار کندل همپوشان بعد از یک اسپایک نزولی، یک پرچم نزولی است و نباید در بالای محدوده معامله در روند نزولی خرید انجام شود، مخصوصاً در زیر

میانگین متحرک. تنها در صورتی بازگشت‌های دو کندلی سیگنال‌های برخلاف روند صادر می‌کنند که دلیلی برای بازگشت وجود داشته باشد.

کندل ۲ کندل ورودی قابل‌قبولی برای فروشی بر پایه بازگشت دوکندلی سقفی است که به‌وسیله دو کندل قبلی ایجاد شده است. این کندل در حال معکوس کردن اصلاح کوچک صعودی به سمت میانگین متحرک است. بااین‌وجود، تا زمانی که یک موقعیت فروش بازگشت دو کندلی درست در زیر میانگین متحرک وجود داشته باشد و کندل‌ها نسبتاً بزرگ و با یک یا چند کندل دیگر همپوشان باشند، معمولاً می‌توانید روی کف کندل سیگنال یا زیر آن به‌قصد یک معامله اسکالپ، خرید انجام دهید. این محدوده معامله کوچکی است و معمولاً بهتر است در کف محدوده معامله کوچک خرید انجام شود.

کندل ۴ اولین کندل از یک بازگشت دو کندلی است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱۲-۶)، بازگشت دو کندلی کندل ۴ بعد از یک پرچم کوچک نهایی در کندل ۳ شکل گرفته است و این سومین رانش صعودی بعد از یک اسپایک صعودی است که در ۹:۱۰ صبح شروع شده است. الگوی اسپایک و کانال اغلب بعد از سه رانش[1] رو به بالا اصلاح می‌شوند. این اسپایک اولین رانش است و پس از آن اغلب دو اسپایک دیگر وجود دارند که بعد از آن‌ها یک اصلاح می‌آید که معمولاً اطراف کف کانال را تست می‌کند.

اولین کندل روز جاری یک شکست رو به پایین کف دوقلوی پرچم صعودی ۹۰ دقیقه پایانی روز گذشته است. معامله‌گران می‌توانند با سفارش فروشی در زیر کف دوقلو یا در زیر پولبک شکست الگوی (ii) سه کندل بعدی بفروشند.

یک حرکت دو موجی بزرگ از سقف روز قبل وجود دارد که در یک کف سه قلو در آغاز روز اخیر پایان می‌یابد. شانس دیگری برای خرید در کف بالاتر در ساعت ۹:۰۵ صبح PST، بعد از موج صعودی اولیه قدرتمندی که سقف آغاز روز را لمس می‌کند وجود دارد. این یک موقعیت خرید پولبک شکست هم محسوب می‌شود (حتی با اینکه بازار هنوز سقف ابتدای روز را نشکسته است).

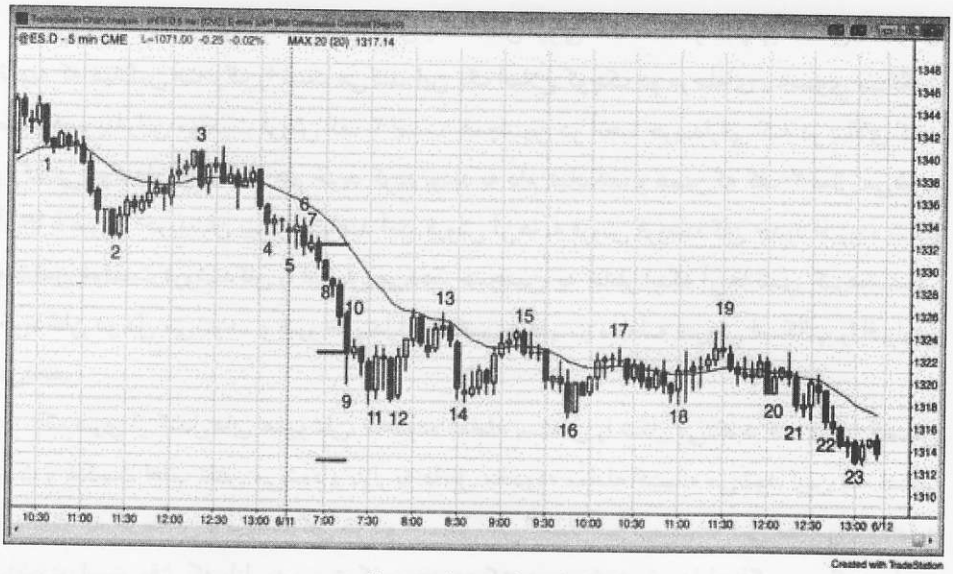
---

[1]. سه سقف نوسان، طوری که سقف هر نوسان بالاتر از سقف نوسان قبلی باشد، یا سه کف نوسان که کف هر نوسان پایین‌تر از کف نوسان قبلی باشد. در این حالت مانند یک گوه معامله می‌شود و باید گونه‌ای از آن در نظر گرفته شود. وقتی‌که قسمتی از یک پرچم است، حرکت اغلب می‌تواند به‌صورت افقی صورت گیرد و هر ورای الزاماً نباید به ورای قبلی منتهی شود. برای مثال در یک‌گوه از پرچم صعودی یا هر نوع دیگری از مثلث، رانش رو به پایین دوم می‌تواند بر روی بالای یا پایین اولی باشد و رانش سومی می‌تواند بر روی بالای یا در زیر هرکدام از اولی یا دومی و یا هر دو باشد.

کندل ۱ کندلی صعودی است و بعدازآن یک کندل نزولی آمده است و سپس کندل صعودی ثانویه که میانگین متحرک را تست می‌کند. این یک اصلاح کوچک دو مرحله‌ای به‌سوی میانگین متحرک و بنابراین موقعیت فروش کف ۲ است. همچنین در آنجا خریدارانی که در بالای کف بازگشتی دوکندلی پشت سر هم خرید کرده بودند به دام افتاده‌اند، و همین‌که کف ۲ فعال می‌شود، آن‌ها با ضرر از خریدشان بیرون خواهند آمد. فروش آن‌ها به فروش فروشندگان جدید افزوده شده و شانس موفقیت فروشندگان را افزایش می‌دهد. همچنین، به خاطر اینکه آن‌ها ضرر کرده‌اند، در خریدشان دو دل می‌شوند، و ضرر خریداران شانس موفقیت معامله فروش اسکالپ را افزایش می‌دهد.

یک سری از کندل‌های همپوشان، محدوده معامله بسته‌ای را شکل می‌دهد که دارای کشش است و شکست اغلب نقض می‌شود و بازار به داخل محدوده معامله کشیده می‌شود. این به خاطر آن است که خریداران و فروشندگان هر دو احساس می‌کنند که قیمت داخل محدوده معامله ارزشمند است. وقتی‌که بازار به سمت کف محدوده کشیده می‌شود، خریداران فکر می‌کنند این قیمت ارزش خرید را دارد بنابراین با اشتیاق بیشتری می‌خرند. فروشندگان ترجیح می‌دهند که در وسط یا بالای محدوده بفروشند. غیبت آن‌ها در کف محدوده و افزایش خرید توسط خریداران بازار را به سمت بالا حرکت می‌دهد. برعکس این حالت در بالای محدوده رخ می‌دهد، جایی که فروشندگان مشتاق‌تر می‌شوند و خریداران خریدشان را متوقف می‌کنند و منتظر قیمت پایین‌تر می‌مانند. کل این فرایند روی یک شکست تقویت می‌شود. در اینجا، فروشندگان قادرند بر خریداران فائق آیند و بازار را به سمت پایین بشکنند. بااین‌وجود، بجای پیدا کردن فروشندگان جدید در قیمت پایین که می‌توانند بازار را بیشتر به سمت پایین حرکت دهند، خریداران این قیمت پایین‌تر را حتی با ارزش‌تر از محدوده معامله بسته می‌بینند. نتیجه آن است که بازار به سمت محدوده عقب می‌کشد.

بازار بعداً تلاش می‌کند که سقف را شکسته و دوباره به سمت محدوده پولبک بزند. با این حال، همیشه درنهایت در آنجا یک شکست موفقیت‌آمیز خواهد بود.



شکل (۱۳-۶) نبود سایه یعنی قدرت

در یک روند قدرتمند، کندلی که در دو طرف خود سایه‌ای ندارد نشانه‌ای از قدرت است و معامله‌گران باید در شکست آن در جهت روند وارد شوند. در شکل (۱۳-۶)، کندل ۸ کندلی نزولی در یک روند نزولی قوی است و هیچ سایه‌ای در بالا و پایین خود ندارد که نشان‌دهنده فشار شدید فروش است (آن‌ها از شروع کندل تا پایان آن را فروخته‌اند). احتمال آن وجود دارد که فروش بیشتری در راه باشد. معامله‌گران باید به‌سرعت سفارش فروششان را بگذارند زیرا بازار بسیار سریع حرکت می‌کند. به‌طور انتخابی، آن‌ها تنها می‌توانند در مظنه بازار بفروشند یا با استفاده از یک سفارش حد روی جهش یک یا دو تیکی بفروشند.

کندل بعد از کندل ۱۰ در یک روند نزولی، در بالای خود سایه ندارد اما ازآنجایی‌که بازار در این ناحیه در سقوط آزاد[1] نیست، آن کندل به‌تنهایی دلیل کافی برای فروش نیست.

کندل بعد از کندل ۱۶ یک کندل صعودی بدون سایه در بالا و پایین است، ولی در روند صعودی نیست و بنابراین تنها بر پایه نبود سایه‌ها به‌عنوان موقعیت خرید عمل نمی‌کند.

کندل بعد از کندل ۱۷ و کندل قبل از کندل ۲۰ کندل‌های موقعیت فروش بدون سایه در بالا و پایین نیستند زیرا آن‌ها در سقوط آزاد روند نزولی نیستند.

---

[1]. ریزش شدید

روی این نمودار موقعیت‌های بازگشت دو کندلی زیاد است، همان‌طور که روی تمام نمودارها هست.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱۳-۶) بازار بدون شکاف در قیمتی باز می‌شود که محدوده معامله فشرده پایان روز قبل را ادامه می‌دهد. کندل ۸ یک شکست دوکندلی است و به خاطر روند احتمالی از ابتدا نزولی، معامله‌گران می‌توانستند در پایان کندل، یا در زیر کندل ۱۰، اولین مکث روند نزولی، یا روی سقف دوقلوی پرچم نزولی در تست میانگین متحرک در کندل ۱۳، وارد معامله فروش شوند.

کندل ۱۱ دومین کندل از بازگشت دوکندلی است و بازار ممکن است بعد از اوج فروش در حال تلاش برای بازگشت بوده باشد. کندل بعدی یک کندل دوجی داخلی و یک موقعیت فروش کف ۱ است. با این حال وقتی که کندل‌های یک پرچم نزولی محدوده معامله‌ای تشکیل دهند طوری که آن کندل‌ها با دو کندل قبلی از خود همپوشانی زیادی داشته باشند، احتمال اینکه فروش نقض شده و تبدیل به یک تله نزولی شود زیاد است. این سیگنال‌های فروش را در چنین مواردی نادیده بگیرید.

حرکت سه کندلی صعودی از کندل ۱۲ به یک موقعیت فروش شکاف ۲۰ کندلی سوق می‌دهد، اما به دلیل اینکه مومنتم رو به بالا پرقدرت است، بهتر است منتظر سیگنال ثانویه باشیم که در کندل ۱۳ رخ می‌دهد.

کندل ۱۹ موقعیت فروش یک کندلی شکاف میانگین متحرک است و به کف جدید روز منتهی می‌شود. همچنین این یک شکست نقض شده در بالای سقف‌های سوینگ کندل‌های ۱۵ و ۱۷ و یک تست حد بالای محدوده معامله است. برای یک روز دارای روند داشتن حرکت قوی برخلاف روند بین ساعت ۱۱ صبح PST تا ظهر معمول است که معامله‌گران را در جهت اشتباه به دام می‌اندازد همچنان که در اینجا انداخته است. مهم است که این را بدانید تا اینکه از نظر روحی آمادگی گرفتن موقعیت در جهت روند را داشته باشید که این موقعیت در اینجا فروش است.

ازآنجایی‌که کندل قبل از کندل ۱۰ یک کندل دارای محدوده قیمتی بزرگی در یک روند است که برای مدتی روند را ادامه داده است، اوج فروش به‌حساب می‌آید و بازار ممکن است به‌زودی تلاش کند که اصلاح افقی یا رو به بالا داشته باشد. اولین مکث در یک روند قوی معمولاً اسکالپ فروش موفقیت‌آمیزی است، حتی در یک روند نزولی قوی، ولی ممکن است تبدیل به پرچم نهایی شده و منجر به اصلاح صعودی شود (شکست زیر کف آن ممکن است طی یک یا دو کندل به سمت بالا برگردد). زمانی که یک اسپایک قدرتمند نزولی وجود دارد، معمولاً بعدازآن یک حرکت

اندازه‌گیری شده نزولی بر اساس بعضی از اندازه‌های اسپایک انجام می‌شود که معمولاً فاصله از اولین قیمت یا سقف اولین کندل تا آخرین قیمت یا کف آخرین کندل اسپایک حساب می‌شود. کف روز، حرکت اندازه‌گیری نزولی کاملی از اولین قیمت اولین کندل تا آخرین قیمت آخرین کندل است. معامله‌گران باید فروششان را حداقل تا زمانی که به این هدف‌ها برسد نگاه دارند.

کندل ۱۶ کندل بزرگ صعودی داخلی است که از کف جدید روز به سمت بالا در حال چرخش است و بازار اکنون در محدوده معامله است. همچنین این کندل یک سقف ۲ دریک محدوده معامله است و بنابراین یک موقعیت خرید قابل‌قبول می‌باشد. سقف ۱ دو کندل قبل شکل گرفته است.

اسپایک نزولی دوکندلی در قیمت پایانی روز گذشته بازار را وارد یک کانال نزولی می‌کند که در کندل قبل از کندل ۱۱ به اتمام می‌رسد. با این حال، کل کانال به‌اندازه‌ای شیب دارد که احتمالاً در یکی از نمودارهای ۱۵ دقیقه‌ای یا ۶۰ دقیقه‌ای به‌عنوان یک اسپایک عمل کند، و شاید بازار در فرایند کانالیزه شدن نزولی تا پایان روز قرار گرفته باشد.

کندل روند نزولی قوی ۲۱ یا کندل قبل از ۲۰ ممکن است به‌عنوان اسپایک نزولی کوچک در نظر گرفته شود که بازار را تا پایان روز وارد کانال نزولی می‌کند.



شکل (۱۴-۶) مثال‌هایی از کندل سیگنال

اپل (AAPL) کندل‌های سیگنال معمولی بسیار زیادی را روی نمودار ۵ دقیقه‌ای نشان داده شده در شکل (۱۴-۶) نمایش می‌دهد. حتی با اینکه کندل ۱ یک کندل چکش دوجی در کف یک

سوییِنگ نزولی است و باعث می‌شود ستایش‌کنندگان کندل تمایل به خرید پیدا کنند، مخصوصاً به دلیل اینکه با اولین کندل روز یک کف دوقلو تشکیل می‌دهد، برای معامله‌گران پرایس اکشن این وضعیت بدی محسوب می‌شود. این کندل (کندل ۱) سومین کندل دوجی دارای همپوشانی است، یعنی اینکه بازار در هردو جهت بالا و پایین در تمام این سه کندل معامله شده است. این فضایی از معاملات دو طرفه است بنابراین محدوده معامله است و زمانی که یک محدوده معامله درست در پایین میانگین متحرک باشد، احتمالاً یک شکست رو به پایین در راه است. همیشه در هر تست از پایین روی میانگین متحرک فروشندگان حضور دارند، و فضای کافی بین سقف کندل و میانگین متحرک برای گرفتن سود حتی توسط معامله‌گران اسکالپ هم وجود ندارد. اگر قصد خرید در بالای کندل ۱ دارید، باید به‌اندازه کندل‌ها توجه کنید که تمامی آن‌ها نسبتاً محدوده بزرگی دارند. این خطر معامله کردن را افزایش می‌دهد زیرا مکان حد ضرر شما باید درجایی باشد که به‌وسیله اندازه کندل‌های اخیر تعیین می‌شود. اگر بخواهید ریسک خود را روی تمام معاملاتتان یکسان نگاه دارید باید سهام کمتری معامله کنید.

کندل ۲ یک کندل بازگشتی به‌مراتب بهتری است زیرا بدنه صعودی با اندازه مناسبی دارد و دومین تلاش برای معکوس شدن به سمت بالا از زیر کف روز قبل و از کف جدید روز است (اولین تلاش کندل ۱ بود). بدنه صعودی دو کندل اول روز نشان‌دهنده قدرت صعودی اولیه است. سایه بالای آن مقداری ضعف را نمایش می‌دهد، ولی این ضعف با کندل روندی که بعدازآن می‌آید پوشانده می‌شود.

کندل ۲ دومین کندل از بازگشتی دو کندلی و وسط دو کندل بازگشتی بزرگ در تایم فریم بالاتر نمودار می‌باشد. می‌توانید نموداری پیدا کنید که کندل قبل یا بعد از کندل بازگشت تشکیل یک بازگشت دو کندلی دهد. همانند تمام بازگشت‌های دو کندلی، می‌توانید حتی تایم فریم بالاتری از نمودار بیابید که پنج کندل آن تشکیل یک کندل سیگنال بازگشت صعودی دهد.

کندل ۳ یک کندل خارجی بعد از یک کندل مکث است (یک کندلی خارجی با بدنه صعودی)، که شکست را تا سقف جدید روز همراهی می‌کند، و یک کندل ورودی برای خرید در بالای سقف کندل کوچک است. کندل‌های خارجی در روند جدید اغلب معامله‌گران را بیرون یک معامله خیلی خوب به دام می‌اندازند چون‌که با سرعت زیادی اتفاق می‌افتند. بسیاری از معامله‌گران زمان کافی برای تغییر دادن سریع دیدگاه خود از نزولی به صعودی ندارند و آنگاه مجبورند بازار را تعقیب کنند. کندل قبل از کندل ۳ یک دوجی است، بنابراین موقعیتی مناسب برای فروش نیست، حتی با اینکه بازار ممکن است بعد از شکست سقف جدید روز به سمت پایین معکوس شود، به خاطر تراکم نشانه‌های قدرت خریداران، تنها معامله‌گران اسکالپ و فروشندگان ضعیف در زیر کف آن فروش

انجام می‌دهند. کندل قبل از آن دوجی، بزرگترین بدنه صعودی روز را دارد و در سقف خود بسته می‌شود، و سومین کندل صعودی متوالی هم هست. هر سه کندل بدنه‌هایی با اندازه مناسب دارند، و دومی و سومی بیش از نصف بدنه کندل قبلی همپوشانی ندارند. احتمالاً معامله‌گران به دنبال خرید فراوان هر پولبکی هستند و سفارشات حدی دارند که هم پایین کف و هم بالای سقف دوجی را خرید کنند، و خرید آن‌قدر پرقدرت است که هردو سفارشات خرید در یک کندل انجام می‌شود.

کندل ۴ یک کندل دوجی نزولی در سقف جدید است، ولی مومنتم صعودی بسیار قوی است و کندل بازگشت آن‌قدر ضعیف است که یک معامله فروش می‌تواند تنها در ورودی دوم تصور شود. این اولین بدنه نزولی بعد از هفت کندل صعودی پشت سر هم است و بازار در اولین تلاش خود بندرت برگشت زیادی خواهد داشت، مخصوصاً وقتی‌که کندل سیگنال بجای بسته شدن در کف، در وسط خود بسته شود. فروشندگان حتی آن‌قدر قوی نیستند که کندل را در کف آن ببندند بنابراین پیش از آنکه خریداران مجدداً بر آن‌ها غلبه کنند احتمال اینکه آن‌ها بتوانند بازار را خیلی پایین بیاورند بسیار ناچیز است.

کندل ۵ کندل خارجی دیگری است که میانگین متحرک و شکست از محدوده قیمت را لمس کرده و انتهای اولین پولبک در یک حرکت قدرتمند صعودی است.

کندل ۶ یک کندل روند بازگشتی نزولی و دومین کندل ورودی فروش بعد از گذشتن از سقف سوینگ کندل ۴ و سقف روز گذشته است (اولی دو کندل قبلی بود). ازآنجایی‌که فروشندگان قدرت کافی برای لمس میانگین متحرک با کندل ۵ را دارند و روند صعودی حتی بیش‌ازاندازه بالا رفته است، فروشندگان باید قادر باشند قیمت را تا روی میانگین متحرک حتی این بار پایین‌تر از آن بیاورند. همچنان که روندی ادامه می‌یابد خریداران معمولاً قبل از جستجو برای خرید مجدد خواهان پولبک عمیق‌تری هستند.

کندل ۷ یک کندل ورودی روی یک موقعیت فروش (ii) در زمانی است که انتظار لمس میانگین متحرک را داشتید. هردو کندل (ii) بدنه نزولی دارند که شانس موفقیت یک معامله فروش را افزایش می‌دهند. اگرچه بدنه صعودی در کندل ورودی نزولی خوب نیست و کندل بعدازآن بالای آن معامله شده است، بازار در بالای هیچکدام از دو کندل (ii) که قرار است حد ضرر در آنجا باشد معامله نشده است. اگر می‌خواهید معامله‌ای در یک محدوده معاملاتی انجام دهید، باید فضای کمی به آن بدهید. آن کندل ورودی تبدیل به کندل بازگشت صعودی می‌شود، ولی کندل‌های بازگشتی کوچک بندرت خوب هستند و وقتی‌که یکی از آن‌ها در محدوده معامله بسته‌ای شکل می‌گیرد، نباید به‌عنوان کندل بازگشتی به آن نگاه کرد چون‌که هیچ چیزی برای بازگشت وجود ندارد. شکست (ii) در دو کندل بعدی به سمت بالا معکوس می‌شود که از یک (ii) وقتی‌که در میانه

محدوده روز است، این انتظار می‌رود. همچنین بازار هدفش را از دو موج نزولی و نفوذ به میانگین متحرک تکمیل می‌کند.

کندل ۸ یک کندل دوجی است در نزدیکی سقف دوقلویی که اکنون در محدوده معامله قرار دارد. کندل‌های دوجی در روندهای قوی صعودی هرگز کندل‌های سیگنال خوبی برای فروش محسوب نمی‌شوند، ولی برای فروش در محدوده‌های معامله کندل‌های سیگنال قابل‌قبولی هستند، بستگی به زمینه دارد. زمانی که بازار در حال لمس حد بالای محدوده است، آن‌ها سیگنال‌های قابل‌قبولی برای فروش هستند چون‌که بازار ممکن است کف محدوده را لمس کند.

کندل ۹ بازگشت دو کندلی بعد از کف جدید سوینگ و لمس کف کندل ۵ است. ورودی آن بالای سقف بالاتر دو کندل است که بالای کندل ۹ خواهد بود. با این حال، این کار خطرناک است زیرا همیشه زمانی که قیمت میانگین متحرک را از پایین لمس می‌کند فروشندگانی در آنجا خواهند بود. همچنین، دو کندل بزرگ هستند و خریداران را مجبور به ورود درجایی بسیار بالاتر از کف یک موج نزولی می‌کنند. وقتی ریسک بزرگتر است، بهتر است معامله نکنید و منتظر موقعیت قوی‌تری باشید.

کندل ۱۰ بازگشتی دو کندلی است که بعد از چهار کندل روند نزولی با اندازه بدنه خوب، سایه‌های کوتاه و همپوشانی خیلی کم آمده است و بنابراین موقعیت خوبی برای فروش در روند قدرتمند نزولی است.

کندل ۱۱ یک کندل صعودی بازگشتی بعد از سومین رانش روبه پایین و تلاشی برای ماندن در بالای کف روزاست. روند نزولی برای مدت طولانی ادامه پیدا کرده و در مسیرش پولبک‌های زیادی وجود دارد، بنابراین احتمال لمس میانگین متحرک بالا است. ازآنجایی‌که این کندل برخلاف جهت روند است، باید در حرکت رو به بالا تا میانگین متحرک پولبک‌ها را در نظر داشته باشید، پس خیلی زود حد ضررتان را بالا نبرید.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار در آغاز روز در شکل (۱۴-۶) میانگین متحرک را به سمت پایین می‌شکند، اما این شکست با یک کندل بازگشتی قوی نقض می‌شود کندل دومی بدنه‌ای صعودی دارد ولی درعین‌حال سایه بزرگی هم دارد و از رسیدن به بالای میانگین متحرک ناکام می‌ماند. همچنین خرید در کندل سوم که میانگین متحرک را لمس کرده و در عبور از آن ناکام مانده است، ادامه پیدا نمی‌کند. خریداران باید به فکر خروج از معاملاتشان باشند و منتظر بمانند چراکه بازار در محدوده معامله فشرده کوچکی در پایین میانگین متحرک قرار دارد و کندل‌ها و سایه‌هایشان بزرگ هستند. یک محدوده معامله فشرده در زیر میانگین متحرک معمولاً به سمت پایین شکسته می‌شود ولی در اینجا

موقعیت فروش قابل‌اعتمادی وجود ندارد. در مقابل معامله‌گران باید منتظر موقعیت بهتری باشند. کندل ۲ یک کندل بازگشتی قوی است که از نقض شکست آن محدوده فشرده معامله خریدی را ایجاد می‌کند که تبدیل به یک پرچم نهایی می‌شود.

هرگاه بازار موفق به شکستن سقف اولیه شود، وجود یک حرکت اندازه‌گیری محتمل است.

کندل ۲ یک گوه کوچک نزولی هم هست که از خط کانال روندی که می‌توان از کف سه کندل قبلی ترسیم کرد، جهش اضافه داشته است. به سایه‌ای که در کف کندل بعد از کندل ۱ وجود دارد توجه کنید. معنی آن این است که خریداران در اطراف کف کندل وارد معامله خرید می‌شوند. فروشندگان برای اینکه پایان کندل تماماً در کف کندل باشد امیدوارند که در شکست رو به پایین کف کندل فروشندگانی را پیدا کنند، ولی در عوض تعدادی خریدار در آنجا وجود دارد. این اتفاق در کندل بعدی به همان میزان بوده و حتی در کندل ۲ بیشتر رخ می‌دهد. فروشندگان سرانجام قادر خواهند بود که قیمت را تا زیر کف کندل قبلی و حتی بیشتر هدایت کنند؛ اما خریداران تهاجمی‌تر می‌شوند و بازار را معکوس می‌کنند و آن کندل در بالای اولین قیمت خود و نزدیک سقف بسته می‌شود. اگرچه گوه‌های ریز معمولاً به‌تنهایی منجر به بازگشت بزرگی نمی‌شوند، دیگر عوامل درگیر در این قسمت کف روز را ایجاد می‌کند.

همچنین کندل ۲ به همراه کندل قبل و بعدازآن یک بازگشت ۳ کندلی در تایم فریم فعلی (۵ دقیقه‌ای) و یک کندل بازگشتی در تایم فریم ۱۵ دقیقه ایجاد می‌کند زیرا اولین قیمت کندل قبل از آن با اولین قیمت کندل ۱۵ دقیقه‌ای یکسان بوده و قیمت پایانی کندل بعدازآن با قیمت پایانی کندل ۱۵ دقیقه‌ای برابر است و اولین قیمت آن کندل بالاتر از قیمت پایانی است. آنگاه کندل بعدی یک ورودی خرید را در تایم فریم ۱۵ دقیقه راه‌اندازی می‌کند.

حرکت نزولی از کندل ۴ تا کندل ۵ چندین کندل همپوشان دارد و می‌تواند یک پرچم نهایی محسوب شود. کندل ۵ و کندل متعاقب آن هر دو بدنه‌های بسیار بزرگ و سایه‌های کوچکی دارند بنابراین یک اوج خرید دو کندلی را شکل می‌دهند. وقتی یک اوج بعد از یک روند طی چند کندل رخ می‌دهد، احتمال حرکت بدون روند دو موجی تا حرکت اصلاحی نزولی حداقل برای ۱۰ کندل افزایش می‌یابد. کندل بعدی یک کندل داخلی نزولی بعد از یک اوج است و ممکن است تبدیل به یک پرچم نهایی تک کندلی شود.

کندل ۶ اولین پولبک از دومین موج برخاسته از کندل ۵ و از کف کندل ۲ است و دومین موج‌ها اغلب بازگشت‌ها هستند. همچنین، این کندل یک کف ۴ است و یک گوه با سه رانش از کندل ۴، کندل بعد از کندل ۵ و کندل ۶ می‌باشد. علاوه بر این یک گوه با سه رانش از سه کندل اول روز، کندل ۴ و کندل ۶ است. با عمل این چند عامل، یک معامله‌گر باید انتظار حداقل دو موج

نزولی را داشته باشد. همچنین این اصلاح به دنبال دو اوج خرید می‌آید، اولی اوج دو کندلی از کندل ۵ و کندل بعدازآن، و دومی کندل قبل از کندل ۶ است. معمولاً نتیجه یک اوج خرید متوالی ثانویه، حداقل اصلاحی دو موجی است که به داخل میانگین متحرک نفوذ می‌کند و حداقل به مدت یک ساعت طول می‌کشد.

پولبک دو موجی که بعد از کندل ۶ می‌آید به داخل میانگین متحرک نفوذ می‌کند و با یک کندل شکاف میانگین متحرک خاتمه می‌یابد. ازآنجایی‌که این پولبک در یک روند قوی شکل می‌گیرد، احتمال تست سقف روند وجود دارد. این با اولین رانش نزولی آن کندل قبل از کندل ۶ یک موقعیت خرید گوه پرچم صعودی می‌باشد و دومین رانش نزولی، سومین کندل بعد از کندل ۶ است. یک کندل شکاف میانگین متحرک، قبل از آنکه بازار پولبک و حتی بازگشت بزرگتری داشته باشد، اغلب منتهی به موج نهایی از روند می‌شود.

کندل ۸ سقف پایین‌تر یا یک سقف دوقلو بعد از یک کندل شکاف میانگین متحرک است که اغلب خط روند را می‌شکند و بنابراین یک بازگشت احتمالی روند است. در اینجا ریسک به ریوارد خوبی برای معامله سوینگ نزولی وجود دارد و فروشندگان باید قسمتی از موقعیت خود را به معامله سوینگ اختصاص دهند. همچنین یک پرچم بازگشت تک کندلی و با سایه‌های بالای دو کندل قبل از آن یک میکرو سقف دوقلوی بازگشتی تشکیل داده است.

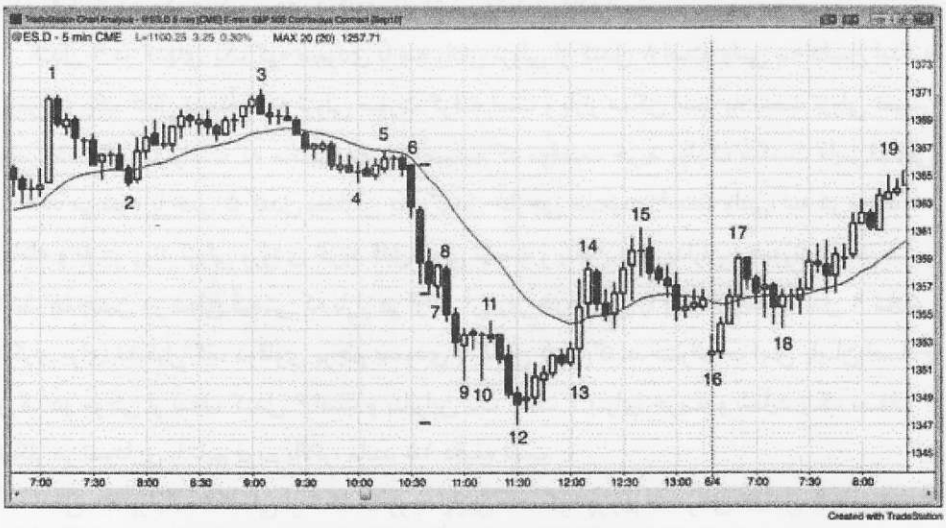
کندل ۹ در انتهای یک گوه صعودی با سه رانش نزولی از کندل ۸ است، ولی به دلیل اینکه ریزش در یک کانال نسبتاً بسته نزولی صورت گرفته است و بازار ممکن است به سمت نزولی تغییر روند داده باشد، بهتراست که منتظر بمانیم تا ببینیم که موقعیت خرید پولبک شکست قابل‌قبولی مشاهده می‌شود یا خیر. ۵ کندل بعدازآن یک کندل خارجی صعودی است ولی، نه در محدوده معامله و نه در روند نزولی ورودی خرید قابل‌قبولی نیست و بنابراین خریداران مجبورند بیشتر صبر کنند. همچنین در سطح قیمتی که بازار در اوایل آن روز خریدارانی را پیدا کرده، کندل ۹ تلاش دیگری برای تشکیل کف دوقلوی پرچم صعودی با کندل ۵ می‌کند. سرانجام، این پایان اصلاح بزرگ دو موجی از سقف کندل ۶ است و بنابراین یک سقف ۲ برای خرید و شاید یک سقف ۲ آشکار در نموداری با تایم فریم بالاتر، مانند ۱۵ دقیقه است.

کندل ۱۰ پولبک شکستی از شکست رو به پایین کف گوه پرچم صعودی کندل ۹ و سقف ۲ نقض شده است و بعد از شکستی که در زیر یک سقف دوقلوی پرچم نزولی که بعد از کندل ۹ شکل می‌گیرد ظاهر می‌شود. آن شکست ۴ کندلی یک اسپایک نزولی است و بازار به سمت عقب رو به بالا جهش می‌کند تا سقف کانال را با کندل ۱۰ لمس کند. موقعیت فروش سقف دوقلوی پرچم نزولی با سقف کندل ۱۰ و کندلی که ۴ کندل بعدازآن شکل می‌گیرد وجود دارد. تمام

شکست‌ها اسپایک و اوج محسوب می‌شوند، و اوج فروش دیگری در دو کندل قبل از کندل ۱۱ وجود دارد؛ یک اوج فروش ثانویه معمولاً منجر به یک پولبک حداقل دو موجی می‌شود. یک اسپایک شکست اغلب منجر به حرکتی اندازه‌گیری شده می‌شود. تعداد تیک‌های مابین اولین قیمت اولین کندل از این چهار کندل و قیمت پایانی چهارمین کندل نزولی را شمرده و آن را از بالای اولین پولبک (سقف کندل ۱۰) روبه پایین تصویر کنید[۱].

کندل ۱۱ در ظاهر شبیه به کندل ۱ است که قبلاً خریداران در این قیمت پیدا شدند و شاید آن‌ها دوباره بخواهند خرید کنند. ازآنجایی‌که هنوز شکست خط روند نزولی رخ نداده است، احتمال محدوده معامله بیشتر از احتمال یک بازگشت قابل‌توجه است. حرکت نزولی از کندل ۶ یک کانال است و کانال نزولی باید به‌عنوان پرچم صعودی تصور شود، بنابراین ممکن است قبل از خرید حرکت صعودی قدرتمندی وجود داشته باشد. همچنین، کل حرکت نزولی از کندل ۶ حرکتی دو موجی پیچیده با موج دوم نزولی که از کندل ۸ شروع می‌شود؛ ممکن است در تایم فریم بالاتری از یک نمودار مانند نمودار ۶۰ دقیقه‌ای، این حرکت، دو موج اصلاحی ساده باشد.

کندل ۱۱ به همراه سایه کندل دوجی صعودی که جلوتر از آن است، یک میکرو کف دوقلوی بازگشتی است.



شکل (۱۵-۶) پرچم نزولی یک کندلی

[۱]. فاصله بین اولین قیمت (OPEN) از اولین کندل تا آخرین قیمت (CLOSE) از کندل چهارم را حساب کرده و به همین اندازه از سقف کندل ۱۰ رو به پایین حرکت می‌کنیم تا هدف حرکت اندازه‌گیری به دست آید. لازم به ذکر است که چهارمین کندل، دو کندل قبل از کندل ۱۰ و اولین کندل، ۴ کندل قبل از آخرین کندل می‌باشد که هر چهار کندل نزولی هستند. م

یک کندل بازگشتی صعودی در اسپایکی نزولی می‌تواند یک پرچم نزولی تک کندلی باشد. در شکل (۱۵-۶)، کندل ۸ شکست رو به پایین یک کندل بازگشت صعودی در روندی نزولی قدرتمند است (کندل بازگشت نقض شده) و فرصت فروش خیلی خوبی به‌حساب می‌آید زیرا خریدارانی که اخیراً خرید کرده‌اند در دام افتاده و مجبورند در زیر کف آن بفروشند.

کندل‌های ۸ تا ۱۴ در نموداری با تایم فریم بالا تشکیل یک بازگشت دو کندلی می‌دهند و حتی در تایم فریمی بالاتر یک کندل سیگنال می‌باشند.

کندل‌های ۹ و ۱۰ کف دوقلوی کوچکی را تشکیل داده و کندل ۱۱ کندل ورودی برای خرید است، ولی یک کندل دوجی سیگنال خوبی برای معامله در جهت مخالف روندی پرقدرت نیست. پولبک قبلی در این ریزش شدید وجود ندارد و ازآنجایی‌که معمولاً اولین پولبک در یک روند قوی نقض می‌شود، معامله‌گران باهوش از این کف انتظار شکست دارند. آن‌ها سفارش فروش خود را دقیقاً درجایی می‌گذارند که خریداران متضرر با فروش از معامله خود خارج می‌شوند که یک تیک زیر کندل ۱۱ است.

یک دوجی یک محدوده معامله تک کندلی بشمار می‌رود و کندل‌های ۹ و ۱۰ با یک دوجی کوچک در بینشان، تشکیل یک جفت دوجی بزرگ می‌دهند. این سه کندل تشکیل محدوده معامله افقی کوچکی در یک روند نزولی قوی می‌دهند که یک پرچم نزولی است، بنابراین یک شکست نزولی محتمل است. ازآنجایی‌که کندل ۱۱ دومین تلاش برای رشد قیمت است (اولین تلاش دو کندل جلوتر بود ولی نتوانست حتی بالای دوجی قبل از خود بیاید)، خریداران تقریباً به‌طور کامل در زیر کندل ۱۱ خارج می‌شوند و تا زمانی که بازار یک یا دو کندل پایین نرفته به دنبال خرید مجدد نیستند. به خاطر اینکه این خریداران موقعیت خود را فروخته‌اند، فروش آن‌ها بر فشار فروش از طرف معامله‌گران باهوشی که از این کف ضعیف انتظار شکست داشتند اضافه می‌شود و بنابراین در زیر کندل ۱۱ می‌فروشند. تنها معامله‌گرانی که تمایل به خرید داشتند، می‌خرند و ضرر می‌کنند، بنابراین بازار برای لحظاتی حرکت افقی داشته و سرانجام سقوط می‌کند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

کندل ۷ یک کف دوقلوی کوچک را با سایه‌ای در زیر کندل نزولی بزرگ دو کندل قبل از آن تشکیل می‌دهد (کف نباید حتماً در قیمتی یکسان باشد). ازآنجایی‌که بازار در یک اسپایک نزولی قرار دارد، فروختن در شکست کف دوقلوی زیر کندل ۷، فروش قابل‌قبولی محسوب می‌شود. این کف، با میکرو کف دوقلوی کوچک کندل ۱۸ که در یک پولبک از اسپایک چهار کندلی صعودی است نه در یک اسپایک نزولی، متفاوت است (با سایه کندل دوجی در دو کندل قبل از آن). خرید

در بالای کندل ۱۸ منطقی است (همان‌طور که در کتاب ۳ در فصل مربوط به بازگشت‌ها بحث شده است، بیشتر بازگشت‌های صعودی کوچک از نوعی کف دوقلوی کوچک پدید می‌آیند)، ولی فروش در زیر آن خوب نیست. کندل ۱۱ با سقف کندلی که در دو کندل قبل از آن وجود دارد، تشکیل سقف دوقلوی کوچکی می‌دهد و تبدیل به یک کندل سیگنال فروش پرچم نزولی کف ۲ می‌شود.

کندل ۱۵ با قدرت خط روند نزولی را در شکل (۱۵-۶) رو به بالا می‌شکند و شکافی نزولی اولیه تا کندل ۱۶ موقعیت خرید کف بالاتری برای موج صعودی دیگری که انتظار آن می‌رفت می‌باشد. بازار میانگین متحرک و کف دوقلوی پرچم صعودی ساعات پایانی روز گذشته را رو به پایین شکسته و شکست نقض می‌شود.

کندل ۱۸ یک پولبک شکست خرید برای شکست پرچم صعودی از کندل ۱۵ تا کندل ۱۶ است.

کندل ۶ و کندل بعدازآن کندل‌های بزرگ روند نزولی هستند که کف دوقلوی کندل‌های ۲ و ۴ را می‌شکنند. سایه‌ها کوچک و بدنه‌ها بزرگ هستند و فروش بیشتر محتمل است. هر شکست بزرگ نزولی یک اوج فروش است اما آن به معنی این نیست که بازار برگشت خواهد کرد. این شکست قوی به نظر می‌رسد و خریداران بعد از اوج فروش تنها می‌توانند قبل از آنکه دوباره مغلوب فروشندگان شوند، مکثی دو کندلی را ایجاد کنند. یک شکست فقط یک اوج نیست بلکه یک اسپایک هم محسوب می‌شود و وقتی شکست به این اندازه قوی باشد، معمولاً به دنبال آن قبل از ایجاد یک کف قابل معامله یک کانال نزولی شکل می‌گیرد. فروشندگان هر مکث و هر پولبک کوچکی را بشدت می‌فروشند تا اینکه یک کف احتمالی شکل گیرد. کف معمولاً در هدف بعضی حرکت‌های اندازه‌گیری شده قرار خواهد گرفت و اولین حرکتی که باید تصور شود حرکتی نزولی اندازه‌گیری شده از بالای محدوده معامله قبل از شکست تا پایین آن است. بعد، به ابتدای کندل شکست تا قیمت پایانی یا کف کندل روند نزولی قدرتمند نهایی شکست نگاه کنید که ممکن است کندل قبل از کندل ۷ یا کندل قبل از آن باشد. به نظر می‌رسد که روند نزولی در یک حرکت اندازه‌گیری شده با استفاده از تصویر فاصله سقف اسپایک تا کف سومین و آخرین کندل نزولی اسپایک کف خود را ساخته است. باید همچنین به دنبال تصاویر حرکت اندازه‌گیری شده احتمالی دیگری هم باشید، به خاطر اینکه اگر بازار تلاش کند که در خلال دو تیک از یکی از این کشش‌ها برگردد، باید اطمینان شما را برای معامله کردن افزایش دهد. بااین‌وجود، تنها بر اساس یک حرکت اندازه‌گیری شده نمی‌توانید در جهت مخالف وارد معامله شوید چراکه اکثر این حرکت‌ها نقض می‌شوند و مجبورید دیگر حرکت‌ها را زیر نظر بگیرید. احتمال موفقیت خیلی کم است. بااین‌وجود،

درصورتی‌که دلایل دیگری برای معامله کردن وجود دارد، مانند جهش از خط کانال روند و بازگشت یا بازگشت از پرچم نهایی، احتمال موفقیت به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد.

بعد از یک اسپایک نزولی قوی، محتمل‌ترین امتداد حرکت نوعی کانال و درنهایت یک تست سقف کانال خواهد بود. معامله‌گران به فروش خود در تمام مسیر نزولی ادامه می‌دهند و سپس در کف کانال روی پولبک تا بالای کانال می‌خرند.

کندل ۸ و کندل بعدازآن کندل‌های روند نزولی بزرگ با همپوشانی کم هستند و بنابراین اوج فروش دیگری را ایجاد می‌کنند. اگرچه یک اوج فروش ثانویه معمولاً منجر به حرکت افقی تا صعودی دو موجی می‌شود و حداقل برای ۱۰ کندل امتداد می‌یابد، حرکت نزولی به‌سوی کندل ۹ آن‌قدر پرشیب است که خریداران برای خرید بی‌میل هستند و فروشندگان هنوز هم مشتاق فروش بیشتر هستند.

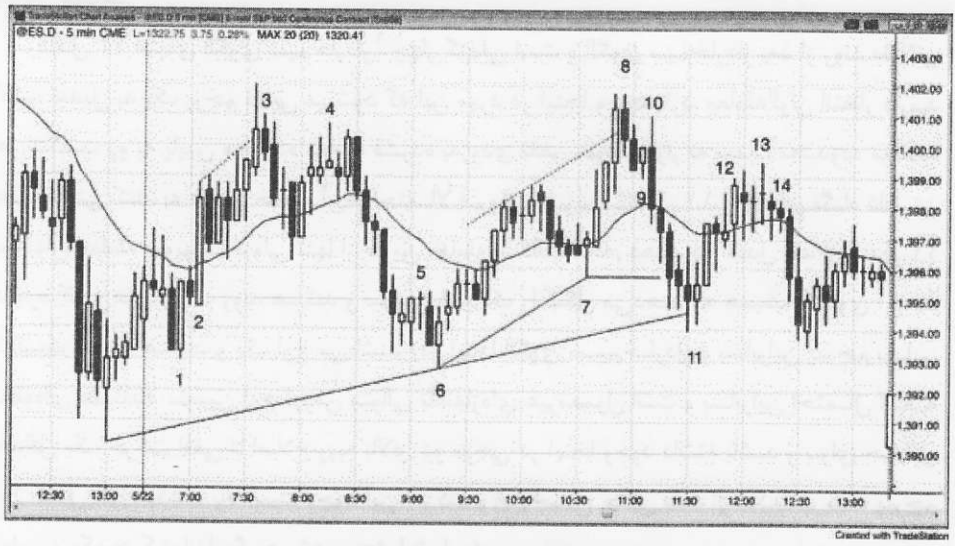
کندل ۱۱ انتهای الگوی سیم‌خاردار[1] چهار کندلی است و الگوی سیم‌خاردار بعد از روند طولانی اغلب تبدیل به یک پرچم نهایی می‌شود که این مورد در اینجا وجود دارد. معامله‌گران انتظار دارند هر شکست رو به پایین محدوده معامله فشرده به‌زودی نقض شود و بازار به سمت محدوده معامله عقب‌نشینی کند. به همین خاطر، آن‌ها احتمالاً فروش در زیر کندل ۱۱ را بجای نگاه داشتن به‌عنوان معامله سوینگ نزولی تنها از طریق معامله اسکالپ انجام دهند. دو کندل بعد از کندل ۱۱ دوباره کندل‌های بزرگ روند هستند و سومین اسپایک را شکل می‌دهند که همیشه هردوی آن‌ها، شکست چیزی هستند و یک اوج می‌باشند (در اینجا الگوی سیم‌خاردار و بنابراین پرچم نهایی بالقوه‌ای هستند). سومین اوج فروش متوالی تا اندازه‌ای غیرمعمول است و بنابراین احتمال اینکه حداقل یک حرکت افقی تا اصلاح روبه بالای دو موجی در اینجا وجود داشته باشد و برای حداقل ۱۰ کندل طول بکشد، بالا است. وجود این حرکت و این اصلاح حتی بعد از شکست یک پرچم نهایی و یک حرکت اندازه‌گیری شده محتمل‌تر است.

حتی با اینکه کندل سیگنال ۱۲ در کف نمودار بدنه‌ای نزولی دارد، در بالای میانه کندل بسته می‌شود و بنابراین خریداران باید قدرتی نسبی داشته باشند. همچنین این کندل بعد از شکست اسپایک سومین رانش نزولی است (کندل‌های ۷ و ۹ دو رانش اول بودند) و کانال‌هایی که بعد از

---

[1]. الگوی سیم‌خاردار یا barbed wire pattern درواقع یک محدوده معامله است که در نزدیکی میانگین متحرک رخ می‌دهد و شامل سه کندل یا بیشتر است که بیشتر آن‌ها با یکدیگر همپوشانی داشته و یک یا چند عدد از آن‌ها دوجی هستند. این الگو نوعی محدوده معامله فشرده با سایه بزرگ است و اغلب کندل‌های نسبتاً بزرگ دارد. همان‌طور که می‌دانید دوجی‌ها، محدوده‌های معامله یک کندلی هستند که نشان می‌دهند خریداران و فروشندگان در تعادل هستند. درواقع زمانی که این الگوها ظاهر می‌شوند، معامله کردن در بازار بسیار خطرناک می‌شود؛ بنابراین قویاً توصیه می‌شود زمانی که بازار در چنین شرایطی قرار دارد، از قرار دادن هرگونه سفارش در هر اندازه‌ای خودداری کنید.

اسپایک می‌آیند، اغلب با یک رانش سوم پایان می‌یابند. در زمینه یک پرچم نهایی، سومین اوج فروش متوالی، کف گوه و یک حرکت اندازه‌گیری شده، موقعیت‌های مناسبی برای صعود قیمت هستند. هدف اول لمس سقف الگوی سیم‌خاردار در اطراف کندل سقف ۱۱ و لمس میانگین متحرک است. هدف دیگر آن یک حرکت افقی تا صعودی دو موجی است که در حدود ۱۰ کندل یا حدود ۱ ساعت طول می‌کشد. آخرین هدف لمس سقف کانال بعد از اسپایک اولیه است و آن سقف کانال، سقف کندل صعودی ۷ است. اگرچه حرکت صعودی به سمت کندل ۱۵ دو موج دارد، بیشتر آن حرکت در داخل یک کانال انجام می‌شود و بنابراین احتمال بسیار زیاد اولین موج پیچیده در یک الگوی دو موجی بزرگتر است که همان هم هست. موج صعودی دوم در کندل ۱۶ ابتدای روز اخیر شروع می‌شود.



شکل (۱۶-۶) موقعیت‌های خوب رایج هستند

همه روزه و روی هر نموداری موقعیت‌های خوب بسیاری وجود دارند و هرچه تجربه شما در کشف آن‌ها در زمان شکل‌گیری بیشتر باشد، شانس توانایی شما درگرفتن سود از آن‌ها بیشتر می‌شود.

در شکل (۱۶-۶)، کندل ۱ یک موقعیت خرید بازگشت دوکندلی بعد از کنده شدن از کف اولیه است و این کف در مقایسه با کف روز قبل کف بالاتری محسوب می‌شود.

کندل بازگشتی کوچک نزولی قبل از کندل ۲ میانگین متحرک را لمس می‌کند و این کندل تلاشی برای ایجاد شکست بازگشت دو کندلی است. این تلاش ناکام مانده و تنها تبدیل به پولبکی از شکست بالای کندل ۱ می‌شود. وقتی بازار تلاشی برای صعود انجام می‌دهد، خریدن در بالای پولبک‌ها ایده خوبی است.

کندل ۳ یک کندل داخلی نزولی بعد از تلاشی برای شکست رو به بالای یک خط کانال روند صعودی و سقف روز گذشته است. این یک موقعیت فروش ایجاد می‌کند زیرا اگر بازار در زیر کف آن معامله شود، معامله‌گران فکر می‌کنند شکست نقض شده است و باید پولبکی در آنجا وجود داشته باشد.

کندل ۴ یک کندل دوجی بعد از ۲ دوجی دیگر است و کندلی با بدنه کوچک و یک گوه کوچک سقف ساخته شده از دوجی‌ها، بندرت موقعیت قابل‌اعتمادی را ایجاد می‌کند. دوجی‌های همپوشان معامله دو طرفه و بنابراین تردید در معامله‌گران را نشان می‌دهند. باوجوداین، سه سایه در بالای کندل‌ها نشانه‌هایی از ایجاد فشار فروش هستند. یک موقعیت ورودی ثانویه در دو کندل بعد به شکل بازگشت دو کندلی ظاهر می‌شود و ورودی فروش در زیر کندل پایین‌تر، از بین این دو کندل قرار دارد. آن ورودی پایین کندل روند نزولی، همچنین شکست روبه پایین کف دوقلوی کوچکی است که به‌وسیله آن کندل روند نزولی و کندل دوجی دو کندل قبل از آن شکل گرفته است.

کندل ۵ یک شکست رو به بالای نقض شده در بالای یک الگوی (ii) است.

کندل ۶ یک کندل بازگشتی صعودی است و دومین تلاش برای رشد صعود روی تست کف روز است.

کندل ۷ یک کندل دوجی است اما پولبکی بر روی میانگین متحرک با بدنه‌ای صعودی بعد از یک حرکت صعودی قدرتمند بوده و دومین تلاش برای رشد قیمت محسوب می‌شود (اولی کندل قبل از آن است).

کندل ۸ یک کندل داخلی نزولی است، اما بعد از سه کندل روند صعودی قوی آمده است. با آن مومنتم رو به بالای بسیار زیاد، بهتر است قبل از فروش منتظر ورودی دوم باشید.

کندل ۸ یک بازگشت دو کندلی است و در درون یک بازگشت دو کندل در تایم فریم بالاتر نمودار قرار گرفته است. اجزای صعودی آن بازگشت تایم فریم بالاتر به‌وسیله سه کندل روند صعودی قبل از کندل ۸ شکل گرفته‌اند و اجزای نزولی یک سری از کندل‌های روند نزولی هستند که در کندل ۱۱ پایان می‌یابند. در بعضی از نمودارها با تایم فریم‌های بالاتر، تمام آن کندل‌ها به‌عنوان بازگشت استفاده می‌شوند و در نمودارهای دیگر بیشتر معاملاتی که در طول آن کندل‌ها رخ می‌دهند استفاده می‌شوند.

کندل ۹ یک کندل بازگشتی صعودی است ولی در مقایسه با کندل‌های اخیر نسبتاً کوچک است و بنابراین بعید است منجر به خرید موفقی شود. بهتر است منتظر ورودی بهتری باشیم مگر اینکه هرگز ظاهر نشود. در عوض خریدارانی که در بالای کندل ۹ خرید کرده بودند وقتی‌که بازار به

سمت یک کندل نزولی خارجی معکوس می‌شود به‌سرعت در تله قرار می‌گیرند. فروش در زیر کف کندل ۹ قابل‌قبول است زیرا این در واقع گرفتن پول از آن دسته از خریدارانی است که مجبورند خریدشان را با ضرر بفروشند. با این حال یک معامله‌گر باید سریع فکر کند تا این موضوع را درک کرده و سفارش گذاری کند.

کندل ۱۱ یک الگوی (ioi)[1] و ورودی دیگری به موقعیت خرید در رانش زیر کف سوییینگ کندل ۷ است. در روزهای دارای محدوده معامله، بازار معمولاً شکست‌ها را به سمت بالا و پایین مناطق سوییینگ قبلی بازمی‌گرداند و سیگنال‌های ثانویه به‌طور ویژه‌ای قابل‌اعتماد هستند. اولین سیگنال در دو کندل قبل است، ولی مومنتم نزولی در آن نقطه آن‌قدر زیاد است که خرید در آنجا عاقلانه نیست. کندل ۱۳ ورودی خرید خطرناکی است زیرا تا زمانی که سه همپوشانی یا بیشتر وجود داشته باشد، و کندل‌های نسبتاً بزرگی بر روی میانگین متحرک قرار گیرند، شکست صعودی معمولاً تله است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱۶-۶) در شروع روز بازار رشد قیمت از پایان روز قبل را ادامه می‌دهد، یک عقب‌نشینی تا میانگین متحرک کرده و موقعیت فروش پولبک میانگین متحرک را ایجاد می‌کند. بااین‌وجود، مومنتم صعودی قوی است، بنابراین بهتراست در اولین ورودی معامله فروش انجام ندهید و در عوض منتظر ورودی ثانویه باشید. بازار به زیر اولین قیمت روز سقوط می‌کند و شکست تا کف جدید ناکام می‌ماند. این بازگشت رو به بالا یک کف احتمالی برای این روز است و با اولین کندل روز و یک کف بالاتر تشکیل یک کف دوقلو می‌دهد.

کندل ۱ موقعیت خرید کف ۲ شکست خورده است که با کف قبل از پایان روز قبل اولین رانش نزولی می‌باشد.

کندل ۲ یک کندل ادامه‌دهنده قوی برای ورود به خرید در بالای کندل ۱ است و تبدیل به کندل شکست بزرگی بعد از کف ۲ شکست خورده می‌شود. به دنبال یک کف ۲ شکست خورده معمولاً یا یک رانش صعودی و یک موقعیت فروش پرچم گوه‌ای شکل نزولی می‌آید یا دو رانش صعودی بیشتر و یک کف ۴ فروش ظاهر می‌شود. اگر شکست قوی باشد، همان‌طور که در اینجا هست، کف ۴ محتمل‌تر است. ازآنجایی‌که یک اسپایک خیلی قوی صعودی وجود دارد، کانال صعودی هم محتمل است. کانال به شکل یک گوه فرض می‌شود. وقتی‌که یا کانال یا گوه معکوس می‌شود، اولین هدف لمس ابتدای الگو است.

---

[1]. INSIDE_OUTSIDE_INSIDE

کندل ۳ موقعیت فروش کف ۴ بعد از کف ۲ شکست خورده‌ای است که انتظار آن می‌رفت. همچنین مقدمه‌ای برای بازگشت نزولی از سقف دو گوه است. گوه کوچکتر کندل بعد از کندل ۲ را به‌عنوان اولین رانش دارد و دومین گوه با دومین کندل روز شروع می‌شود و دومین رانش آن کندل بعد از کندل ۲ است. بعد از هردو گوه باید حداقل دو موج افقی تا نزولی وجود داشته باشد و آن‌ها باید شروع هر گوه را تست کنند. آغاز تست گوه کوچکتر در کندل بعد از کندل ۳ اتفاق می‌افتد. دو موج کوچک دارد، به همراه سایه دوجی که در دو کندل بعد از کندل ۳ تشکیل شده و این اولین موج نزولی می‌باشد. این کندل به سمت آخرین قیمت به عقب پرتاب می‌شود و دومین رانش نزولی روی کندل بعدی می‌آید. این رانش با کف سوییگی که سه کندل بعد از کندل ۲ تشکیل می‌شود یک کف دوقلوی پرچم صعودی است و زمانی که بازار کف کانال یا گوه را تست می‌کند این موقعیتی معمولی محسوب می‌شود.

این دو موج کوچک اولین موج نزولی برای سقف گوه بزرگتر هستند و کندل ۶ انتهای دومین موج بوده و بازگشت صعودی از تست کف آن گوه می‌باشد و یک شکست نقض شده ۵ تیکی به حساب می‌آید.

کندل ۵ سومین کندل کوچک بدون روند بعد از یک ریزش است و هر الگوی بدون روند بعد از یک حرکت می‌تواند تبدیل به یک پرچم نهایی شود که در اینجا شده است. به خاطر اینکه این کار را با یک واماندگی پنج تیکی انجام داده، در آنجا فروشندگان به دام افتاده‌ای وجود دارند که فروششان را در بالای کندل ۶ پس می‌خرند و به فشار خرید اضافه می‌شوند. کندل ۶ همچنین با کف کندل ۱ تشکیل یک کف دوقلوی پرچم صعودی می‌دهد و همان‌طور که انتظار می‌رفت منجر به پس زدن آن می‌شود. همچنین این مقدمه‌ای برای خرید از پرچم صعودی گوه‌ای است که اولین رانش نزولی را در سه کندل بعد از کندل ۳ دارد و دومین رانش نزولی آن سه کندل قبل از کندل ۵ است.

کندل ۷ یک پرچم صعودی گوه‌ای در یک حرکت صعودی قدرتمند است. اولین رانش نزولی کندلی است که درست قبل از ساعت ۱۰ صبح آمده است و دومین رانش رو به پایین دو کندل قبل از کندل ۷ به اتمام می‌رسد. با اینکه دوجی‌ها در کل سیگنال‌های قابل‌اعتمادی نیستند می‌توانند در یک روند یا در موج‌های قوی در محدوده معامله متعلق به پولبک‌ها باشند.

کندل ۸ یک کندل روند نزولی داخلی است که انتهای دومین موج صعودی در یک محدوده معامله روز و تستی بر بالاترین قیمت روز محسوب می‌شود، هر یک از آن‌ها اغلب منجر به بازگشت می‌شوند. همچنین این کندل بعد از شکست یک خط کانال روند می‌آید و سومین رانش روبه بالا در یک کانال صعودی است (کندل ۵ اولی بود).

کندل ۱۱ از نظر تکنیکی سقف ۳ است، ولی انتظار می‌رود که مانند یک سقف ۲ رفتار کند چراکه کندل خارجی ۱۰ که تله‌ای برای خریداران است، باید شروع سوییِنگ نزولی در نظر گرفته شود (نه سقف نوسان واقعی کندل ۸).



شکل (۱۷-۶) یک کندل بازگشتی نزولی می‌تواند منجر به یک پرچم صعودی شود

یک کندل نزولی بازگشتی در یک روند صعودی دلیل کافی برای فروش نیست و بعضی مواقع تبدیل به یک پرچم صعودی می‌شود. در شکل (۱۷-۶) کندل بعد از کندل ۱ یک کندل بازگشتی نزولی قوی است ولی بعد از ۵ کندل روند صعودی قوی آمده است. در غیاب قدرت اولیه در سمت فروشندگان، این موقعیت فروش خوبی بشمار نمی‌آید. تنها ورودی دیگری می‌تواند در نظر گرفته شود که آن هم فروش در زیر کندل ۲ است. با این حال کندل ۲ یک دوجی است و ۴ کندل همپوشان بزرگ در یک روند قوی وجود دارد. بجای فروش بهتراست که منتظر یک پولبک جهت خرید باشید. بازگشت دو کندلی در میانگین متحرک چهار کندل آخر موقعیت خوبی است.

اگرچه خرید بالای کندل نزولی در یک اسپایک صعودی اغلب معامله خوبی است، خرید بالای کندل روند نزولی در اینجا یا بالای کندل بازگشتی صعودی که بعدازآن می‌آید خطرناک است. کندل ۱ کندل روند صعودی بزرگی بعد از چندین کندل روند صعودی دیگر است بنابراین یک کندل اوجی است. بعد از یک اوج خرید، خطر بسیار زیاد یک حرکت بدون روند تا حرکت اصلاحی نزولی وجود دارد. اگر به سقف‌های کندل‌ها تا بالای کندل ۱ نگاه کنید، می‌بینید که شیب آن در

حال افزایش است. این منحنی پارابولیک[1] هم نشانه رفتار اوجی است و خطر اصلاح را بسیار پررنگ می‌کند. خرید پولبک یا جستجو برای فروش، دیدگاه بهتری است.

کندل ۴ یک بازگشت دوکندلی بعد از یک شکست رو به پایین دو کندل دوجی کوچک است و کندل ۳ پرچم نزولی افقی ۷ کندلی را در نزدیکی میانگین متحرک رو به پایین می‌شکند. به خاطر اینکه روند نزولی ۱۵ کندل گذشته یا بیشتر تنها پولبک‌های بسیار کوچکی دارند، علی‌رغم کندل روند صعودی بزرگ خارجی، در بهترین حالت این یک معامله خرید اسکالپ است.

کندل ۵ یک کندل کوچک بازگشت صعودی با یک قیمت پایانی در نزدیکی سقف آن است و در شش کندل گذشته سومین رانش نزولی بشمار می‌آید، بنابراین خریداران شروع به ورود می‌کنند. اگرچه بازار هنوز در کانال نزولی دو ساعت گذشته قرار دارد، این موقعیت خرید اسکالپ خوبی است.

کندل ۶ کندل نزولی بزرگی با سایه پایینی بلند است و در قیمتی بالاتر از وسط کندل بسته می‌شود که می‌تواند برای نشان دادن قدرت خریداران جهت معکوس کردن بازار، مخصوصاً بعد از یک ریزش در انتهای روند نزولی کافی باشد. همچنین جهش اضافه از چندین خط کانال روند نزولی هم هست (نشان داده نشده است). با چهار کندل نزولی بزرگ در یک ردیف، تنها ورودی ثانویه‌ای که می‌توان در نظر گرفت در کندل خارجی صعودی ۷ آمده است. کف کندل ۷ کف بالاتر کوچکی است که شروع دومین موج صعودی است. خرید بالای کندل شش قابل‌قبول است ولی بهتراست بالای یک کندل صعودی مانند کندل بعد از کندل شش خرید انجام شود، بهترین حالت خرید در یک سیگنال ثانویه وجود دارد. کندل ۷ آن سیگنال ثانویه است و می‌توانید به‌محض اینکه به سمت بالا حرکت کرد بخرید؛ زیرا به بالای سقف آن کندل صعودی قدرتمندی که بعد از کندل ۶ آمده است، یا بالای سقف کندل ۷ می‌رود.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱۷-۶)، بازار جهت ایجاد یک اسپایک صعودی با یک شکاف صعودی و یک کندل روند صعودی باز می‌شود و سپس در دومین کندل اندکی عقب‌نشینی می‌کند و در قیمتی به‌اندازه قیمت وسط اولین کندل معامله می‌شود. این تنها پولبک قبل از حرکت پارابولیک بازار می‌باشد، بازار ایجاد یک شکاف اسپایک و کانال روند صعودی کرده و روندی از ابتدا صعودی ایجاد می‌کند. سهموی بودن یعنی اینکه روند بعد از قدرت اولیه خود شتاب می‌گیرد. در اینجا، اگر یک خط کانال

---

[1]. سهموی

روند از سقف‌های سه کندل اول ترسیم کنید که شیب روند را مشخص‌تر کند، خواهید دید که چهارمین کندل خط کانال روند را رو به بالا می‌شکند. اگر به ترسیم خطوط کانال روند از سقف کندل‌های پی‌درپی ادامه دهید خواهید دید که خطوط شیب‌دارتر و سپس در بالا صاف‌تر (کم شیب‌تر) می‌شوند. این یک شکل پارابولیک است و حرکت پارابولیک نوعی از اوج خرید است. ازآنجایی‌که بازار هنوز در روندی از ابتدا صعودی قرار دارد، نباید روی یک پولبک در اولین تلاش، خرید انجام شود، زیرا بعد از اولین پولبک تقریباً همیشه یک تست سقف در طی چند کندل می‌آید.

هر چقدر هم که مومنتم صعودی قوی‌تر باشد، معامله‌گران باید همیشه آگاه باشند که بازار در هر زمانی می‌تواند معکوس شود، مخصوصاً در ساعات اولیه. بازار اغلب به سمت بعضی کشش‌هایی که اغلب مشهود نیستند سرعت می‌گیرد و زمانی که آن را تست کرد، آنگاه آزاد است که هر کاری را، ازجمله بازگشت، انجام دهد.

تا زمانی که هر نوع از اوج وجود دارد، بازار شروع به اصلاح می‌کند، اصلاح معمولاً در دو موج و حداقل ۱۰ کندل انجام می‌پذیرد.

درست قبل از کندل ۳، یک پرچم نزولی افقی شامل ۷ کندل وجود دارد و محدوده معامله‌های بسته بعد از یک روند برای ۱۰ کندل یا بیشتر اغلب تبدیل به پرچم‌های نهایی می‌شوند. در آنجا یک سیگنال فروش کف ۲ با یک کندل سیگنال نزولی وجود دارد، ولی به خاطر امکان وجود یک بازگشت پرچم نهایی، بهتر است که فروش فقط به‌صورت معامله اسکالپ صورت گیرد. شکست پرچم نزولی کندل روند بزرگ نزولی ۳ است که همیشه یک اسپایک و اوج فروش است. وقتی اوج فروشی بعد از یک روند طولانی شکل می‌گیرد، می‌تواند نقض شده و منجر به یک حرکت افقی تا اصلاح رو به بالای دو موجی شود که برای حدود ۱۰ کندل طول می‌کشد. با این حال، نشانه قابل‌توجهی از قدرت در روند نزولی به چشم نمی‌خورد، بنابراین اگر بازار تلاشی برای بازگشت به خرج دهد، بهتراست که فقط به دنبال یک معامله اسکالپ باشید.

اسپایک بعد از پرچم نزولی گوه‌ای شکل می‌آید که به‌وسیله دوجی بعد از کندل ۳، کندل خارجی صعودی بعد از کندل ۴، و دوجی کوچک دو کندل بعدازآن شکل گرفته است. همچنین می‌تواند با کندل ۴ به‌عنوان اولین رانش نزولی و فروش در زیر کندل کوچک صعودی داخلی چهار کندل بعدازآن، به‌عنوان کف ۲ فروش دیده شود.

حرکت مشتمل بر چهار کندل روند نزولی قوی به سمت کندل ۶ اسپایک دیگری است و بنابراین اوج فروش دیگری است و سومین رانش نزولی بعد از اسپایک کندل ۳ است. کانال‌هایی که بعد از اسپایک می‌آیند اغلب با سه رانش پایان می‌یابند، ولی وقتی مومنتم نزولی خیلی قوی باشد، بهتر است قبل از جستجو برای خرید منتظر سیگنال ثانویه باشید و این اتفاق با کندل ۷ رخ

می‌دهد. کانال نزولی، یک پرچم صعودی است، بنابراین وقتی‌که در بالای کانال نزولی شکست اتفاق می‌افتد بازار باید حرکت صعودی داشته باشد. همچنین، بعد از اسپایک نزولی کندل ۳ باید ابتدای کانال را تست کند، ولی بعضی مواقع صعود بازار تا روز بعد هم کامل نمی‌شود.



شکل (۱۸-۶) کندل‌های ضعیف بازگشتی بیشتر مورد نیازند

وقتی‌که یک کندل بازگشتی قدرت ویژه‌ای ندارد، اگر دلیل اضافه‌ای برای معامله کردن وجود دارد، باز هم می‌تواند موقعیت خوبی باشد.

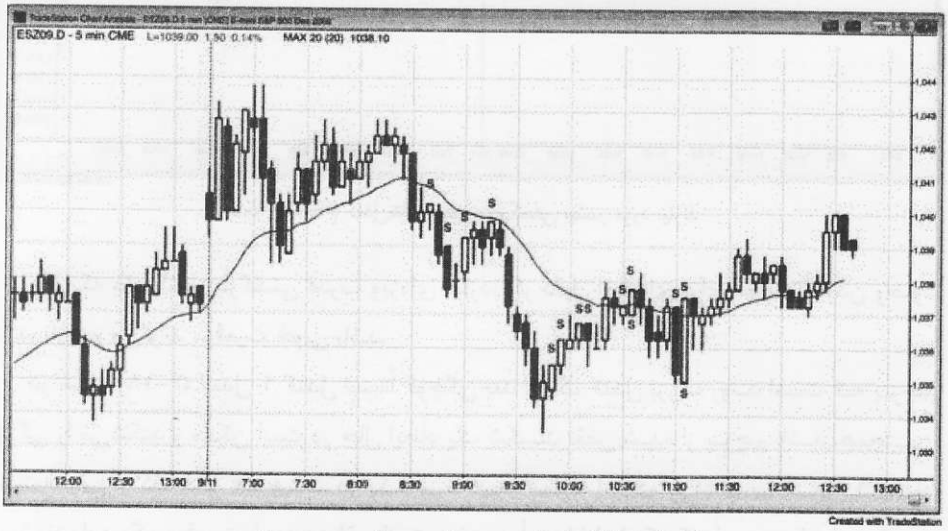
در شکل (۱۸-۶) کندل ۱ کندل نسبتاً کوچکی بعد از یک کندل بزرگ روند است که پرچم بزرگی را می‌شکند و ممکن است در حال ایجاد یک شکست نقض شده از پرچم باشد. همچنین تست دقیقی از کف قبلی هم هست. در یک روز محدوده معامله این دو بازگشت با کندل ۱ ایجاد می‌شوند، این یک موقعیت خرید منطقی است، مخصوصاً به خاطر اینکه کندل بعدی ایجاد موقعیت خرید بازگشتی دوکندلی می‌کند. صعود قیمت از کندل ۱ و ریزش به همین محدوده قیمتی در روز بعد، بازگشت دو کندلی روی تایم فریم بالاتر نمودار و یک کندل بازگشتی تنها، روی تایم فریم حتی بالاتر نمودار تشکیل می‌دهد.

کندل ۲ کندل بازگشتی نزولی کوچکی بعد از یک کندل روند صعودی بزرگ است که محدوده معامله کوچکی را می‌شکند. این یک کندل سیگنال فروش شکست نقض شده قابل‌قبولی است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار در شکل (۱۸-۶) سقف روز قبل را شکسته است، ولی شکست نقض شده و منجر به یک روند از ابتدای روز نزولی می‌شود.

کندل ۲ یک موقعیت فروش پرچم نهایی بعد از شکست نقض شده از یک محدوده معامله فشرده می‌باشد. محدوده‌های معاملاتی فشرده بعد از ۱۰ کندل یا بیشتر از یک سوییننگ معمولاً تبدیل به یک پرچم نهایی می‌شوند. همچنین با سقفی در ۷:۳۰ صبح یک سقف دوقلوی پرچم نزولی است. به خاطر داشته باشید، شباهت به‌اندازه کافی وجود دارد. روند نزولی که به دنبال آن می‌آید بسیار بزرگ است و بازار در ۳۰ پوینت پایین‌تر بسته می‌شود، ولی مابقی روز نشان داده نشده است زیرا این کندل روند صعودی را تا جایی که عادی به نظر برسد کوچک می‌کند بجای آنکه نشان دهد که در زمان خودش چگونه ظاهر می‌شود.



شکل (۱۹-۶) کندل‌های بدون سایه می‌توانند بی‌معنی باشند

کندل‌هایی که در بالا و پایین خود سایه ندارند همیشه نشانه قدرت نیستند. وقتی تعداد زیادی از این کندل‌ها کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، معامله‌گران باید بسیار محتاط باشند چراکه ممکن است بجای آنکه قدرت در یک روند را نمایان سازند، نشانگر حجم پایین در یک محدوده معامله باشند. در اولین دسته از چهار کندل بدون سایه بالا در شکل (۱۹-۶) (که با "s"مشخص شده‌اند)، روند نزولی هنوز قدرتمند است. بااین‌وجود در دسته دوم، بازار در یک محدوده معامله است و آن‌ها ممکن است تنها نشان دهند که حجم پایین است. در معامله کردن در این موقعیت‌ها بسیار محتاط باشید.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱۹-۶) بازار با یک شکاف صعودی سقف روز قبل را رو به بالا می‌شکند، ولی اولین کندل یک کندل روند نزولی است و بنابراین نشانه‌ای از ضعف خریداران است. بازار می‌تواند در یک شکست نقض شده، به سمت پایین معامله شود ولی در عوض با یک کندل روند صعودی قدرتمند به سمت بالا شکسته می‌شود. این می‌تواند منتهی به یک روند قدرتمند از ابتدای روز صعودی شود ولی در عوض یک کندل روند نزولی بزرگ بعدازآن می‌آید. این برای شکستی نقض شده بازگشتی دو کندلی ایجاد می‌کند، ولی فروش هرگز انجام نمی‌شود و خریداران باز هم موقعیتشان را حفظ می‌کنند. بازار پس از آن به بیرون از الگوی (ii) به سمت بالا شکسته می‌شود با این حال، شکست ناکام می‌ماند، یک موقعیت فروش شکست نقض شده و یک سقف احتمالی روز ایجاد می‌شود.

وقتی چندین کندل با محدوده نوسان زیاد که یک محدوده معامله بدون روند فشرده را شکل می‌دهند وجود داشته باشند، ورود روی یک شکست خطرناک است زیرا بیشتر شکست‌ها به دلیل اثر کشش محدوده معامله بسته، خود شکست می‌خورند. بازار به سمت بالا و سپس به سمت پایین شکسته می‌شود و سپس از میانگین متحرک دور شده و به سمت محدوده معامله بالا می‌آید. بعد از اسپایک نزولی به سمت میانگین متحرک پولبک پایین‌تری می‌آید که تشکیل سقف پایین‌تری می‌دهد و سپس درگیر یک سقف دوقلو در یک پرچم نزولی می‌شود. پولبک به تست سقف روز مومنتم کمی دارد که با کندل‌های همپوشان زیاد، چندین کندل نزولی و چندین کندل با سایه‌هایشان مشخص می‌شود. آن چیزی نیست که شبیه به موج صعودی باشد.

۷

کندل‌های خارجی

اگر سقف کندل فعلی بالاتر از سقف کندل قبلی باشد و کف آن در زیر کف کندل قبلی باشد، این کندل یک کندل خارجی است. کندل‌های خارجی برای خواندن پیچیده هستند زیرا خریداران و فروشندگان در بعضی نقاط در کندل اخیر یا کندل قبلی کنترل را به دست می‌گیرند و مهارت و باریک‌بینی زیادی در تحلیلشان وجود دارد. اندازه بزرگ‌شده کندل نشان می‌دهد که خریداران و فروشندگان تمایل دارند باقدرت بیشتر وارد بازار شوند، ولی اگر قیمت پایانی در نزدیکی وسط کندل باشد، به‌طور حتم یک محدوده معامله یک کندلی است. درواقع طبق تعریف، ازآنجایی‌که یک کندل خارجی به‌طور کامل با کندل قبل از خود همپوشانی دارد، هر کندل خارجی قسمتی از یک محدوده معامله است که دو یا چند کندل با یکدیگر همپوشانی گسترده‌ای دارند. در مواقع دیگر، می‌توانند به‌عنوان کندل بازگشتی یا کندل روند عمل کنند. معامله‌گران باید به زمینه‌ای که آن‌ها در آن رخ می‌دهند توجه کنند.

تحلیل تکنیکال سنتی می‌گوید که کندل‌های خارجی کندل‌های موقعیت شکست در هر دو جهت هستند و اینکه باید یک سفارش ورود در پایین و بالای محدوده قرار دهید. وقتی‌که یکی انجام شد، اندازه سفارش انجام‌نشده را دو برابر کنید و آن را سفارش بازگشت قرار دهید. بااین‌حال تقریباً همیشه ورود در شکست یک کندل خارجی ۵ دقیقه‌ای عاقلانه نیست، مخصوصاً اگر کندل خارجی بزرگ باشد، به خاطر ریسک بیشتری که فاصله حد ضرر مستلزم آن است. بعضی مواقع زمانی آن‌ها رخ می‌دهند که شما به دنبال بازگشت اصلی می‌گردید و بسیار مطمئن هستید که در آنجا بازگشت بزرگ و قوی وجود خواهد داشت. وقتی آن اتفاقات رخ می‌دهند، به‌محض اینکه کندل

از حد کندل قبلی بیرون آمد ورود منطقی است. اگر اطمینان ندارید، می‌توانید منتظر بسته شدن کندل بمانید و سپس وارد شکست کندل خارجی شوید. اگر در شکست وارد کندل خارجی شوید و حد ضررتان خیلی بزرگ باشد، استفاده از حد ضرر پولی را در نظر بگیرید (مانند دو پوینت در EMINI) یا قراردادهای کمتری را معامله کنید. ازآنجاکه کندل خارجی یک محدوده معامله یک کندلی است و بهتر است در بالای بازار بدون روند خرید یا در پایین آن فروش انجام نشود، معمولاً بهترین کار این است که در شکست یک کندل وارد آن نشوید.

کندل‌های خارجی درصورتی‌که کندل قبل از آن‌ها کندل سیگنال خوبی باشند کندل‌های ورودی قابل‌اطمینانی هستند. برای مثال، اگر یک معامله‌گر دنبال خرید در کف یک سوییینگ نزولی باشد و بازار یک کندل قوی بازگشت صعودی را تشکیل دهد ولی کندل بعدی در زیر آن معامله شود، معامله‌گر باید به فکر انصراف از خرید در قیمت جاری باشد. اگر کندل ناگهان به بالای کندل سیگنال برگردد، سفارش خرید فعال خواهد شد و کندل اخیر تبدیل به کندل خارجی و کندل ورودی خواهد شد. در کل، معامله‌گران روی یک کندل خارجی نباید وارد یک معامله معکوس شوند مگر اینکه کندل قبل از آن کندل سیگنال مناسبی باشد.

بعضی مواقع مجبور می‌شوید که روی یک کندل خارجی وارد معامله شوید (نه در شکست آن) به خاطر اینکه می‌دانید که در آن ناحیه معامله‌گران به دام افتاده‌اند. این مخصوصاً بعد از حرکتی قدرتمند درست است. اگر یک کندل خارجی به‌عنوان ورودی ثانویه در یک بازگشت قوی از شکست خط روند یا جهش اضافه از خط کانال روند رخ دهد، می‌تواند کندل ورودی عالی باشد. برای مثال، اگر بازار برای دومین بار به زیر کف یک سوییینگ ریزش کند و از یک اضافه جهش خط کانال روند به سمت بالا بازگردد، احتمالاً دنبال خرید هستید و به جابجایی یک سفارش خرید به یک تیک بالای سقف کندل قبلی ادامه می‌دهید تا اینکه سفارشتان انجام گیرد. بعضی مواقع سفارش در بالای کندل خارجی انجام خواهد گرفت. این معمولاً معامله معکوس خوبی است و این به دلیل وجود خریداران بزرگ است.

اگر یک کندل خارجی در میانه محدوده معامله باشد، این کندل معنی خاصی ندارد و نباید برای انجام معاملات از آن استفاده شود، مگر اینکه به دنبال آن کندل کوچکی در نزدیکی سقف یا کف کندل خارجی بیاید که معامله مخالف روندی را ایجاد می‌کند. کندل خارجی در یک محدوده معامله تنها آنچه را که دیگران از قبل می‌دانستند را تأیید می‌کند که هردو طرف در تعادلند و به انتظار حرکتی به سمت انتهای دیگر کندل خارجی، هردو در نزدیکی سقف محدوده می‌فروشند و هردو در نزدیکی کف محدوده می‌خرند. در عوض اگر بازار از طرف دیگری شکسته شود، آن را رها کرده و به دنبال آن باشید که یک شکست نقض شده از کندل خارجی را در جهت مخالف معامله

کنید که به‌طور معمول در چند کندل رخ می‌دهد. در غیر این صورت تنها منتظر پولبک باشید (شکست نقض شده‌ای که نقض می‌شود یک پولبک شکست است).

اگر کندل بعد از کندل خارجی یک کندل داخلی باشد، این ترکیب یک الگوی (ioi) است (inside-outside-inside) و می‌تواند موقعیتی برای ورود در جهت شکست کندل داخلی باشد. بااین‌وجود، تنها در صورتی وارد معامله شوید که دلیلی وجود داشته باشد که باور کنید بازار می‌تواند به‌اندازه‌ای حرکت کند که به هدف سود شما اصابت کند. برای مثال، اگر الگوی (ioi) در سقف سوینگ جدیدی باشد و کندل داخلی ثانویه یک کندل نزولی باشد که در نزدیکی کف خود بسته شود، یک شکست نزولی می‌تواند فروش خوبی باشد زیرا احتمالاً یک ورود ثانویه است (اولین ورودی شاید به‌عنوان کندل خارجی که در زیر کف کندل قبل از آن معامله شده است باشد). اگر این کندل یک الگوی سیم‌خاردار داخلی باشد (یک محدوده معامله بسته)، مخصوصاً اگر کندل داخلی، بزرگ و نزدیک وسط کندل خارجی باشد، معمولاً بهتر است منتظر موقعیت قوی‌تری باشیم.

وقتی‌که یک کندل خارجی هم جهت با روند در اولین موج از بازگشت روند رخ دهد و کندل روند قبلی قوی باشد، این کندل مانند یک کندل روند قوی عمل می‌کند نه یک کندل از نوع محدوده معامله. برای مثال در یک روند نزولی، اگر بازگشت صعودی قدرتمندی وجود داشته باشد، ممکن است معامله‌گران بیشتر در جستجوی یک روند صعودی باشند. بسیاری از معامله‌گران به دنبال خرید در بالای سقف کندلی با کف بالاتر خواهند بود و معامله‌گران کمتری به دنبال فروش در زیر کف کندل قبلی خواهند بود. اگر خریداران جسارت ویژه‌ای داشته باشند، بجای اینکه صبر کنند تا در بالای سقف آن خرید کنند، در زیر کف کندل قبلی خرید می‌کنند و در چندین دقیقه بعدازآن به خریدشان ادامه می‌دهند تا جایی که بیشتر معامله‌گران می‌بینند که خریداران کنترل بازار را به دست گرفته‌اند. این باعث خواهد شد که کندل تا بالای کندل قبلی کشیده شود. بعد از رخ دادن این اتفاق، آن کندل تبدیل به یک کندل خارجی صعودی می‌شود و آن فروشندگانی که اخیراً در زیر کف کندل قبلی فروش انجام داده‌اند احتمالاً از فروش خود با ضرر خارج خواهند شد و اشتیاقی برای فروش مجدد حداقل برای دو کندل بعدی نخواهند داشت. با فروشندگان بسیار کم و خریداران بسیار تهاجمی، بازار یک طرفه می‌شود و احتمالاً حداقل برای یک یا دو کندل بالا خواهد رفت. ناگهان همگی برای جهت جدید بازار به توافق می‌رسند و بنابراین حرکت مومنتم زیادی خواهد داشت و آن‌قدر کشیده خواهد شد که احتمالاً سقف آن بعد از یک پولبک تست خواهد شد و موج صعودی دیگری را ایجاد خواهد کرد. این کف بالاتر و نه کف نزولی واقعی، شروع موج صعودی است، زیرا این زمانی است که بازار به‌طور ناگهانی موافقت کرده است که موج بعدی

صعودی است نه نزولی. معمولاً در آنجا دو موج صعودی از کف کندل خارجی وجود دارد. اگرچه سوییِنگ صعودی به‌عنوان سه موج صعودی از کف نزولی واقعی روی نمودار ظاهر خواهد شد، در عمل تنها دو موج صعودی است چراکه بازار موافق حرکت صعودی نخواهد شد مگر اینکه به جای کف واقعی، کف بالاتری شکل بگیرد. در اینجا است که معلوم می‌شود که خریداران کنترل بازار را به دست آورده‌اند.

چرا حرکت اغلب دارای قدرت است؟ فروشندگان قدیمی که در زیر کف کندل قبلی فروش انجام داده‌اند، به خیال اینکه پرچم نزولی دیگری است، در دام می‌افتند. آنگاه کندل ورودی‌شان به‌سرعت به سمت یک کندل خارجی صعودی معکوس می‌شود و فروشندگان را در داخل و خریداران را در خارج به دام می‌اندازد. بسیاری از خریداران به دلیل اینکه دوست ندارند درزمان شکل‌گیری کندل خارجی وارد شوند در بیرون بازار به دام می‌افتند از این‌رو بسیاری از کندل‌های خارجی منجر به محدوده معامله می‌شوند. همواره بازار برای چندین کندل به‌سختی روند صعودی به خود می‌گیرد به خاطر اینکه همه درک می‌کنند که بازار بازگشته است و تلاش می‌کنند که ببینند چگونه خود را در موقعیت قرار دهند. فروشندگان به امید نزول قیمت اندکی هستند به‌قدری که بتوانند با ضرر کمتری خارج شوند و خریداران نیز همان مقدار پایین آمدن قیمت را لازم دارند تا بتوانند با حد ضرر محدودتری خرید بیشتری انجام دهند. وقتی همگی یک چیز را می‌خواهند، آن چیز اتفاق نمی‌افتد زیرا هر دو شروع به خرید خواهند کرد حتی پولبک‌های دو تیکی و سه تیکی را هم می‌خرند و اجازه نمی‌دهند پولبک‌های دو کندلی و سه کندلی رشد کنند تا روند مسافت بیشتری را طی کند. معامله‌گران پرایس اکشن هوشمند در ابتدا از این امکان باخبر خواهند شد و اگر به دنبال یک حرکت گسترده دو موجی صعودی باشند، شکست روبه پایین پرچم نزولی را به‌دقت زیر نظر می‌گیرند و انتظار واماندگی آن را دارند. آن‌ها سفارشات ورودی‌شان را در بالای سقف کندل قبلی قرار خواهند داد، حتی اگر به معنی ورود روی یک کندل صعودی خارجی باشد (مخصوصاً اگر آن کندل ورودی برای فروشندگان باشد).

اگر از زاویه دید مؤسسات به این موضوع نگاه کنید، نیاز به یک موقعیت فروش پرچم نزولی خواهید داشت که فعال شود. برای اینکه در آنجا خریدارانی خواهند بود که در بیرون از بازار به دام افتاده و نظاره‌گر صعود بازار خواهند بود و همچنین فروشندگان جدیدی که در داخل به دام افتاده و مجبور خواهند بود در صورت نقض شکست نزولی، با ضرر بازار را ترک کنند. این وضعیتی ایده آل برای مؤسساتی است که صعودی در قیمت را می‌خواهند و انتظار دارند؛ بنابراین، به‌عنوان یک موسسه چکاری می‌توانید انجام دهید تا در این کار مشارکت داشته باشید؟ تا بعد از تله به‌صورت تهاجمی خرید نکنید. درواقع، شما با فروختن در زمانی که ورودی فروش فعال می‌شود، تلاش

می‌کنید که دام را ایجاد کنید و سپس هنگامی‌که تمام آن فروشندگان فروش انجام می‌دهند و خریداران با ضرر در زیر کف کندل قبلی خارج می‌شوند شدیداً خرید می‌کنید. شما در سمت مقابل آن‌ها معامله می‌کنید و در زیر کف کندل قبلی خرید سنگینی انجام می‌دهید. زمانی که همه آن‌ها را به دام انداختید، می‌توانید در تمام مسیر صعودی با شتاب زیاد خرید کنید. آن‌ها بازار صعودی را دنبال خواهند کرد تا وقتی‌که تله را ببینند و این اتفاق آرا مبنی بر بالا رفتن بازار، بازار را به سمت بالا سوق خواهد داد.

مهم‌ترین چیزی که باید در مورد کندل‌های خارجی به خاطر سپرد آن است که تا زمانی که یک معامله‌گر درباره کاری که می‌خواهد انجام دهد مطمئن نیست، بهترین تصمیم آن است که بیشتر صبر کند تا رفتار قیمت گسترش بیشتری یابد.



شکل (۱-۷) کندل‌های خارجی فریبنده هستند

کندل‌های خارجی خطرناک هستند و معامله‌گران مجبورند محتاطانه‌تر به رفتاری از قیمت آن‌ها توجه کنند که منجر به آن کندل‌ها می‌شود.

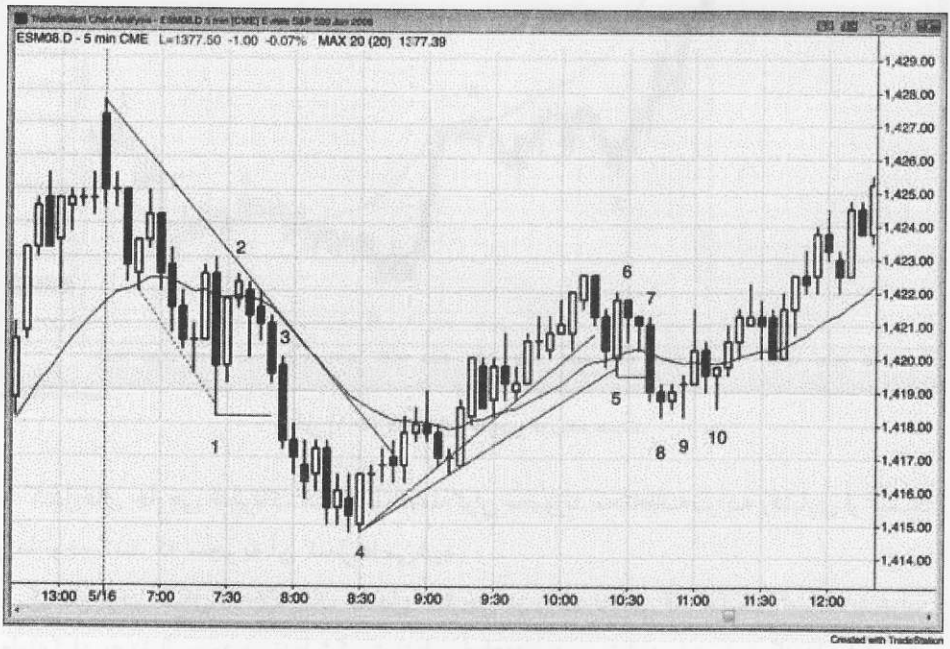
کندل ۱ در شکل (۱-۷)، یک کندل خارجی در روند نزولی قدرتمندی است، بنابراین معامله‌گران به دنبال ورود در تنها شکست نزولی خواهند بود. می‌توانید یا در زیر کندل ۱ فروش

انجام دهید یا صبر کنید ببینید کندل شکست بعد از بسته شدن چه شکلی خواهد شد. این در اینجا یک کندل روند نزولی قوی می‌باشد و خریداران به دام افتاده احتمالاً در زیر کندل روند نزولی قوی خارج می‌شوند. به همین خاطر، فروش در زیر کف کندل نزولی منطقی است.

کندل ۵ یک کندل نزولی خارجی است اما بازار اساساً با کندل‌های همپوشان زیادی در حال حرکت بدون روند است، بنابراین برای ورودی شکست موقعیت قابل‌اعتمادی نیست. کندل داخلی که بعدازآن می‌آید (ioi) بسیار بزرگ‌تر از آن است که به‌عنوان سیگنال شکست استفاده شود، زیرا یا در کف محدوده معامله خواهید فروخت یا در سقف آن خواهید خرید درحالی‌که تنها باید در کف بخرید و در سقف بفروشید.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱-۷) بازار کف روز گذشته را روبه پایین می‌شکند، و اولین کندل یک کندل روند نزولی متعلق به روندی از ابتدا نزولی است. کندل ۱ و کندل قبل از آن اولین پولبک را تشکیل می‌دهند و معمولاً بعد از اولین پولبک دست‌کم یک معامله اسکالپ نزولی وجود دارد. در کندل ۳ پولبکی دو موجی به میانگین متحرک وجود دارد که یک موقعیت فروش شکاف ۲۰ کندلی هم محسوب می‌شود.



شکل (۲-۷) یک الگوی ioi

کندل‌های خارجی فریبنده هستند، زیرا خریداران و فروشندگان در بعضی مناطق در طول کندل اخیر یا کندل قبلی کنترل را در دست داشته‌اند بنابراین حرکت در چند کندل بعدازآن می‌تواند بازگشت‌های بیشتری داشته باشد. در شکل (۲-۷) کندل ۱، کندلی خارجی است که تشکیل یک الگوی (ioi) داده است. شکست کندل ۲ بعد از کندل ۱ نقض می‌شود که این عمل رایج است، مخصوصاً وقتی‌که کندل داخلی بزرگ باشد. این به خاطر آن است که خریداران مجبورند در نزدیکی سقف الگوی (ioi) خرید کنند که محدود معامله است و خرید در این منطقه ابداً چیزی خوبی نیست، به‌ویژه وقتی‌که بازار در حال سقوط است.

کندل ۲ کندل کوچکی در نزدیکی سقف محدوده معامله است که ناحیه خوبی برای جستجوی یک ورودی فروش محسوب می‌شود. ازآنجایی‌که معامله‌گران انتظار دارند خریداران در زیر کف کندل ۲ با ضرر خارج شوند که کندل ورودی فروشندگان می‌باشد، آن‌ها در یک تیک در زیر کندل ۲ می‌فروشند که نقض شکست الگوی (ioi) در بالای محدوده معامله است. به دلیل اینکه کندل‌های (ioi) خیلی بزرگ هستند، فضای فراوانی در زیر کندل ۲ برای حداقل یک معامله اسکالپ نزولی وجود دارد.

کندل ۴ تقریباً یک کندل صعودی خارجی است و در معامله‌گری اگر چیزی الگوی تقریباً قابل‌قبولی باشد، احتمالاً حاصل آن هم نتیجه قابل‌اعتمادی است. کندل ۴ سومین کندل روند صعودی در بین ۵ کندل قبل از آن است و بنابراین در حال برگشت روبه بالا از سومین رانش نزولی است. همچنین قوی‌ترین کندل هم هست که با بزرگترین محدوده و کوچکترین سایه‌ها، نشان می‌دهد که خریداران در حال به دست گرفتن قدرت هستند.

کندل ۵، کندلی خارجی است که بعدازآن یک کندل کوچک داخلی نزدیک سقف آن آمده است. دوباره، حاصل این هم یک فروش عالی با کمترین ریسک است، مخصوصاً به دلیل اینکه کندل داخلی یک کندل نزولی است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

اولین کندل در شکل (۲-۷) سقف روز گذشته را رو به بالا شکسته و آن شکست نقض می‌شود. کندل تبدیل به یک کندل روند نزولی می‌شود و روندی از ابتدا نزولی ایجاد می‌کند.

کندل ۸ و کندل ۹ کف دوقلوی کوچکی را تشکیل می‌دهند، که مومنتم نزولی آن چیزی نیست که معامله‌گران بعد از کندل شکست نزولی ۷ انتظار آن را دارند. به دنبال این فقدان مومنتم نزولی، کندل کف دوقلوی صعودی ۱۰ وجود دارد.

کندل ۹ هم یک سقف ۲ صعودی روی پولبک دو موجی رالی قیمت از کندل ۴ است. این کندل کف بالاتر آن روز را بعد از شکست خط روند نزولی شکل می‌دهد که بازگشت احتمالی روند را ایجاد می‌کند.



شکل (۳-۷) کندل‌های خارجی به زمینه بستگی دارند

کندل‌های خارجی در زمینه خود دو تفسیر دارند. در شکل (۳-۷)، کندل داخلی دوجی بعد از کندل ۱ کندل سیگنال خوبی برای فروش نیست چراکه در آنجا سه کندل بدون روند وجود دارند و کندل ۱، کندل نزولی قبل از خود را معکوس می‌کند. احتمال آن می‌رود که بازار دست‌کم طی یک یا دو کندل بعدازآن بازگشت اولیه، مخصوصاً باوجود میانگین متحرک نسبتاً افقی، به‌صورت افقی یا صعودی حرکت کند. از این کندل تا میانگین متحرک فضای خالی کافی برای یک معامله اسکالپ وجود دارد و بهترین کار این است که در بالای کندل‌های صعودی خرید انجام گیرد. کندل داخلی یک مکث و بنابراین نوعی پولبک بعد از بازگشت روبه بالا می‌باشد، بنابراین خرید در بالای سقف آن و بالای سقف کندل ۱ منطقی است. معامله‌گر می‌تواند سفارش خرید خود را در یک تیک بالای کندل ۱ بگذارد و زمانی که کندل ۲ در زیر کندل داخلی معامله می‌شود نگه‌داشتن سفارش در جای خود عاقلانه است. منطق همچنان پشتیبان خرید باقی می‌ماند و حال فروشندگانی که اشتباه فروش زیر یک کندل سیگنال ضعیف را مرتکب شده بودند در دام افتاده و در بالای کندل سیگنال از فروش خود با ضرر خارج می‌شوند. این باعث می‌شود ورود به خرید روی کندل ۲ هنگام خروج از محدوده کندل خارجی، معامله خوبی باشد. به همان اندازه کندل قبل از کندل خارجی، کندل سیگنال مناسبی است، ورود روی کندل خارجی می‌تواند معامله معقولی باشد.

کندل ۳ یک کندل بازگشتی نزولی در نزدیکی میانگین متحرک است و فروش قابل‌قبولی محسوب می‌شود، ولی این‌ها در مقایسه با بدنه کندل‌های ۱ و ۲ کوچک هستند بنابراین بازار ممکن است کف بالاتری را شکل داده و سپس صعود بیشتری داشته باشد، که اغلب زمانی رخ می‌دهد که در بازگشت روندی احتمالی یک کندل روند خارجی قوی وجود داشته باشد. بنابراین، درهرصورت معامله‌گران در زیر کندل ۳ فروش انجام می‌دهند، آن‌ها مجبورند برای خرید یک کف بالاتر آماده باشند، و الگوی (ii) صعودی کوچک دو کندل بعدازآن سیگنال خوبی است.

کندل ۴ یک کندل خارجی است، اما بازار طی ۵ کندل بدون روند حرکت می‌کند. بنابراین کندل ۴ فقط قسمتی از محدوده معامله است نه یک کندل سیگنال.

کندل ۵ کندل خارجی حتی بزرگتری است که تشکیل یک الگوی[۱] (oo) می‌دهد. این معمولاً یک محدوده معامله بزرگ‌تر است. کندل ۵ در اینجا، بدنه نزولی بزرگی دارد و در زیر کف کندل ۴ بسته می‌شود؛ معامله‌گرانی که اشتباهاً در زیر کندل خارجی ۴ فروخته‌اند به دام می‌افتند. در کل، فروش شکست در محدوده معامله وقتی بسیاری از کندل‌های محدوده نسبتاً بزرگ هستند و سایه‌های بلندی دارند، ایده خوبی نیست، زیرا احتمال اینکه شکست نقض شود زیاد است. کندل دوجی کوچک صعودی که بعدازآن می‌آید کندل سیگنال خوبی برای خرید بازگشتی نقض شده است.

کندل ۶ موقعیت فروشی را بعد از شکست سقف یک کندل خارجی صعودی ایجاد می‌کند.

کندل ۷ سقف یک سوییِنگ را شکسته و سپس به‌عنوان یک کندل خارجی که در کف خودش بسته می‌شود به سمت پایین معکوس می‌شود. این مرحله‌ای است که در آن خریداران به دام افتاده و در آن بعد از یک رالی، یک بازگشت روند قدرتمند نزولی اتفاق می‌افتد. بااین‌حال، این‌یک روز دارای محدوده معامله است و هر زمان که یک موج بیش از ۵ کندل طول بکشد، معامله‌گران بازگشتی را جستجو خواهند کرد (خرید در کف، فروش در سقف در یک روز محدوده معامله). اگرچه در زمان معامله کندل در زیر کندل نزولی کوچک قبل از آن، فروش قابل‌قبول است، بهتر است در زیر کندل ۷ فروش انجام دهید زیرا در هنگام ادامه روند در زیر یک کندل بازگشت روند نزولی قوی می‌فروشید.

---

۱. OUTSIDE-OUTSIDE

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۳-۷)، بازار با یک شکاف نزولی بزرگ و یک کندل روند نزولی به سمت پایین می‌شکند اما بجای معامله رو به پایین و ایجاد یک روند از ابتدا نزولی، شکست روبه پایین نقض شده و به روندی از آغاز روز صعودی به سمت بالا بازمی‌گردد.

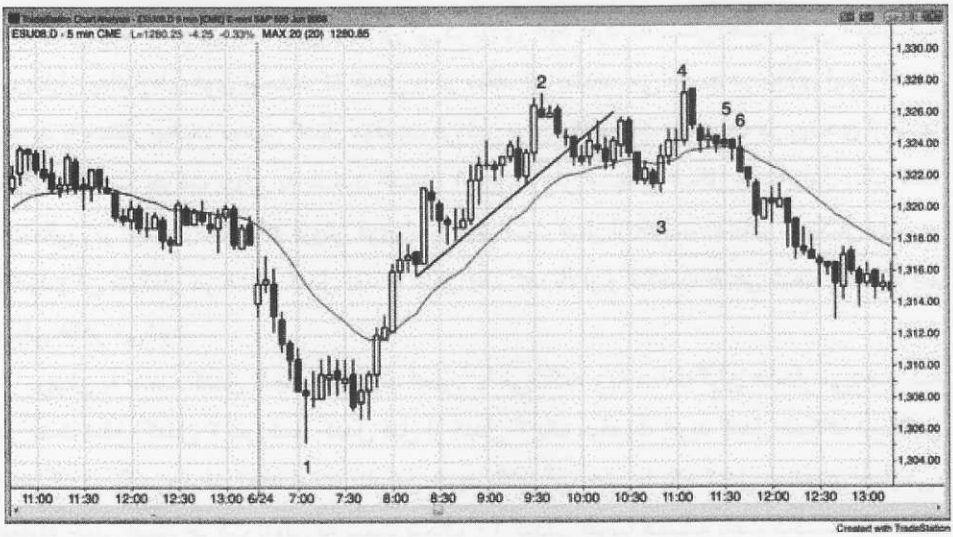
کندل ۲ یک کندل خارجی و یک کف احتمالی روز است زیرا بازار از یک شکاف بزرگ نزولی معکوس می‌شود. یعنی اینکه بازار روی کندل ۲ به این نتیجه می‌رسد که روند صعودی است و بنابراین کندل فوق باید ابتدای حرکت رو به بالا تصور شود. اگرچه کندل ۳ یک کف ۲ فروش است، بازار آن را به‌عنوان یک کف ۱ فروش می‌بیند زیرا اولین پولبک در حرکتی صعودی است که از کندل ۲ شروع می‌شود، و بنابراین احتمالاً منتهی به کف بالاتری می‌شود. معامله‌گران انتظار شکست آن را دارند و مهم نیست که حرکت روبه بالای آن را به‌عنوان یک کف ۲ شکست‌خورده یا یک کف ۱ شکست‌خورده می‌بینید چون هر دو در یک موقعیت احتمالی برای خرید مناسبند.

کندل ۵ شکست یک الگوی سیم‌خاردار است؛ بیشتر شکست‌ها از سیم‌خاردار نقض می‌شوند، بنابراین معامله‌گران باید به دنبال موقعیت معامله مخالف روند باشند. الگوی سیم‌خاردار یک محدوده تشدید تردید و معامله‌گری دو طرفه است. خریداران در نزدیکی کف با تمام توان خرید می‌کنند و خریدشان را در نزدیکی سقف متوقف می‌کنند. فروشندگان در نزدیکی سقف شدیداً می‌فروشند ولی در نزدیکی کف فروش را متوقف می‌کنند. همان‌طور که از روی حجم‌های معامله‌شده در طول هر کندل پیداست، برنامه‌های خرید و فروش بزرگی در اینجا مشغول به فعالیت هستند. خریداران و فروشندگان هردو به‌راحتی در اینجا معامله می‌کنند و اگر یک سمت قادر باشد به مدت کوتاهی بر دیگری غلبه کند و شکست ایجاد کند معمولاً اثر کششی الگو باعث عقب‌نشینی بازار می‌شود. زمانی که بازار به سمت پایین می‌شکند، خریدارانی که از خرید بالاتر خود در میانه آن محدوده معامله خوشحال بودند، از خرید در قیمت پایین‌تر حتی خوشحال‌تر می‌شوند. همچنین فروشندگانی که خوشحالند از این که در سقف محدوده معامله فروخته‌اند اگر بلافاصله بعد از شکست ادامه نیابد، فروششان را در کف به‌سرعت می‌خرند. این عوامل احتمال نقض شدن شکست را بالا می‌برند و به سمت الگوی سیم‌خاردار عقب‌نشینی می‌کند همان‌طور که در اینجا عقب‌نشینی کرده است. بعضی مواقع بازار بعدازآن از سمت مقابل شکسته می‌شود و در دیگر مواقع محدوده معامله ادامه پیدا می‌کند. درنهایت حرکتی به سمت خارج از الگو خواهد بود.

اولین کندل و چندین کندل اول روز اغلب از قبل خبر می‌دهند که چند ساعت بعدی چه خبر است و در بیشتر مواقع درکل روز همین اتفاق رخ خواهد داد. روز با یک بازگشت دو کندلی و سپس یک دوجی که یک بازگشت درون کندلی است شروع می‌شود، و پس از آن یک کندل

خارجی صعودی بازگشتی پدید می‌آید. سپس یک بازگشت نزولی و چندین کندل کوچک سایه‌دار به وجود می‌آید که نشانگر تردید هستند. بازگشت‌های متعدد، سایه‌های بزرگ و تردید، همگی از مشخصات روز محدوده معامله هستند، که در طول روز می‌آیند. با آن تردید اولیه، معامله‌گران معاملاتشان را با خیالی راحت‌تر در هردو طرف قرار می‌دهند، بخش بزرگی از موقعیت‌های خود را اسکالپ می‌کنند و کمتر گرایش به معامله سوییِنگ دارند.

در ساعت ۱۱:۲۵ صبح، یک کندل صعودی خارجی وجود دارد که تشکیل یک بازگشت دو کندلی می‌دهد، و بنابراین، یک موقعیت خرید خلق می‌کند. این الگو همچنین با کندل دوجی قبل از خود یک میکرو کف دوقلو را ایجاد می‌کند.



شکل (۴-۷) یک کندل خارجی به‌عنوان کندل ورودی

یک کندل خارجی بعضی مواقع می‌تواند کندل ورودی منطقی باشد. در شکل (۴-۷)، کندل ۳ یک کندل خارجی صعودی و یک کندل ورودی قابل‌قبول است زیرا بازگشتی صعودی بعد از یک اصلاح دو موجی در یک روند صعودی قدرتمند است و یک کندل صعودی روند در دو کندل قبل از آن وجود دارد که نشانگر قدرت است. معامله‌گران به‌محض این که کندل ۳ بالاتر از سقف کندل قبلی خود می‌رود می‌خرند، اما امن‌تر آن است که برای چند تیک بیشتر صبر کنند تا این کندل به بالای سقف کندل روند صعودی که در دو کندل قبل از کندل ۳ قرار دارد برود. خرید در بالای یک کندل صعودی معمولاً شانس بیشتری برای سودده بودن معامله به همراه دارد. سرانجام، معامله‌گران می‌توانند منتظر بسته شدن کندل خارجی صعودی بمانند تا ببینند که در نزدیکی

سقف و بالای کندل قبلی بسته می‌شود یا خیر که بسته می‌شود. زمانی که آن‌ها قدرت را می‌بینند، می‌توانند در بالای سقف کندل خارجی بخرند.

کندل ۶ یک کندل خارجی نزولی است و ۵ کندل از ۶ کندل قبل از آن بدنه نزولی دارند. کندل ۶ در کف خود بسته می‌شود و معامله‌گران بلندپرواز بعد از یک چنین قدرت نزولی می‌توانند در زیر آن بفروشند، مخصوصاً به خاطر اینکه خریداران را به دام خرید روند صعودی قبلی می‌اندازد که ممکن است اکنون به پایان رسیده باشد.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار در شکل (۴-۷) محدوده معامله ساعت پایانی روز گذشته را رو به پایین می‌شکند. اولین کندل یک کندل روند صعودی است ولی سایه بزرگی در بالای خود دارد که نشان‌دهنده این است که خریداران به‌اندازه‌ای قوی نیستند که کندل را در سقف آن ببندند. می‌توانید در بالای این کندل بخرید یا منتظر بمانید. دومین کندل موقعیت فروشی برای یک پولبک شکست در روندی از ابتدا نزولی روزاست. حرکت نزولی به سمت کندل ۱ اوج فروش سهمی شکل و بنابراین یک کف احتمالی روز است. ازآنجایی‌که فروش قوی است بهتر است قبل از خرید منتظر سیگنال بهتری باشید و آن سیگنال در هشت کندل بعد به شکل یک کف بالاتر و شکست نقض شده یک پرچم نزولی ظاهر می‌شود.

ریزش به سمت کندل ۳ یک خط روند اصلی[۱] را می‌شکند و به معامله‌گران هشدار می‌دهد که در تست سقف کندل ۲ بفروشند. کندل قبل از کندل ۳ یک موقعیت خرید کندل شکاف میانگین متحرک در یک روند قدرتمند است، بنابراین خرید بالای آن، حتی با یک کندل صعودی خارجی، معامله خوبی است. حرکت نزولی به سمت شکاف ۲۰ کندلی تقریباً همیشه باعث شکست یک خط روند می‌شود و حرکت صعودی برخاسته از این کندل معمولاً سقف روند را یا با سقف بالاتر یا سقف پایین‌تر تست می‌کند. اگر بعدازآن یک بازگشت نزولی وجود داشته باشد، معمولاً به حداقل دو موج دست‌کم ۱۰ کندلی و اغلب یک بازگشت روند منجر می‌شود.

کندل ۳ همچنین، دومین کندل از بازگشت دوکندلی، با کندل نزولی قبل از آن و نیز با کندل نزولی دو کندل قبل‌تر می‌باشد، بنابراین بسیاری از خریداران در بالای سقف کندل ۳ می‌خرند.

کندل ۴ کندل روند صعودی بزرگی است (اوجی) که سقف بالاتر را شکل می‌دهد و بعدازآن یک کندل نزولی داخلی قدرتمند آمده است که سیگنالی برای فروش محسوب می‌شود. معامله‌گران

---

[۱]. هر خط روندی که شامل اغلب رفتارهای قیمت بر روی صفحه نمایش بوده و بطور نمونه با استفاده ازحداقل ۱۰ کندل مجزا ترسیم شده باشد.

از چنین موقعیت قدرتمندی انتظار دو موج نزولی را دارند. همین‌طور، معامله‌گران هوشمند منتظر تشکیل یک سقف ۱ و سپس یک سقف ۲ خواهند شد و خودشان را آماده می‌کنند که در صورت نقض این موقعیت خرید و به دام افتادن خریداران، بیشتر بفروشند.

کندل ۵ موقعیت فروشی برای نقض سقف ۱ است و کندل ۶ تله بزرگی برای خریداران شمرده می‌شود. سقف ۲ نقض می‌شود و کندل ورودی خرید به سمت یک کندل خارجی نزولی متمایل می‌گردد و خریداران را در داخل و فروشندگان را در بیرون از بازار به دام می‌اندازد. این کندل خارجی مانند یک کندل روند نزولی عمل می‌کند، نه‌فقط کندل خارجی. به خاطر اینکه کندل مذکور یک کندل خارجی است، کندل ورودی و واماندگی آن با فاصله یک یا دو دقیقه از یکدیگر اتفاق می‌افتند و به معامله‌گران زمان کافی برای پردازش اطلاعات نمی‌دهند. طی یک یا دو کندل، آن‌ها می‌فهمند که بازار درواقع تبدیل به روند نزولی شده است. خریداران به امید پولبک دو کندلی یا سه کندلی هستند تا با ضرر کمتری خارج شوند، درحالی‌که فروشندگان منتظر رالی کوچکی هستند که فروش خود را با ریسک کمتری انجام دهند. اتفاقی که رخ می‌دهد آن است که هر دو طرف شروع به فروش هر پولبک دو یا سه کندلی می‌کنند، بنابراین تا زمانی که بازار مسیری طولانی را طی نکرده باشد، صعود دو یا سه کندلی ظاهر نمی‌شود.

توجه کنید که خرید در سقف ۲ موقعیت خرید بسیار بدی است زیرا ۵ کندل از ۶ کندل قبلی نزولی بوده و کندل باقی‌مانده یک دوجی می‌باشد. یک سقف ۲ به‌تنهایی یک موقعیت به‌حساب نمی‌آید. اولی باید دارای قدرت اولیه، معمولاً به شکل یک موج سقف ۱ که یک خط روند را می‌شکند، یا حداقل کندل روند صعودی قدرتمندی باشد.

۸

اهمیت قیمت پایانی کندل

معمولاً یک کندل ۵ دقیقه‌ای چیزی شبیه ظاهر ثانیه‌ها تا یک یا چند دقیقه پایانی آن کندل، قبل از بسته شدن آن فرض می‌شود. اگر قبل از بسته شدن کندل وارد شوید گاهی مواقع ممکن است یک یا چند تیک در معامله خود سود کنید. اگرچه، یک یا دو بار در روز، سیگنالی را که فکر می‌کردید اتفاق می‌افتد، رخ نمی‌دهد و حدود ۸ تیک ضرر خواهید کرد؛ یعنی اینکه برای هرکدام از سیگنال‌هایی که منتهی به ضرر می‌شوند باید ۸ ورود زودهنگام[1] داشته باشید تا مطابق برنامه پیش بروید و آن اتفاق به‌سادگی رخ نمی‌دهد. می‌توانید در یک روند قدرتمند زودتر در جهت روند وارد شوید و احتمالاً بهتر عمل خواهید کرد. بااین‌وجود، وقتی روند قدرتمندی وجود دارد، شما اعتماد بسیار زیادی به سیگنال دارید طوری که فکر می‌کنید هیچ افت قیمتی وجود ندارد که منتظر بسته شدن بمانید و سپس در ورای آن کندل وارد شوید. درصورتی‌که ورودی زودهنگام مناسب باشد، روی هر کندل نمی‌توانید تصمیم بگیرید چراکه باید تصمیمات مهم دیگری بگیرید. اگر در کنار سایر کارهای خود به آن تصمیم‌گیری‌ها هم فکر کنید، احتمالاً هر روز را در حالی به پایان خواهید رساند که معاملات خوب زیادی را از دست داده‌اید و فرصت‌های از دست رفته‌ای را که نادیده

---

[1]. معامله گرانی هستند که بجای آنکه تا بسته شدن کندل صبر کنند در زمان شکل گیری کندل سیگنال ورود، در یک تیک بالای سقف آن خرید و در یک تیک پایین کف فروش را انجام می دهند.

می‌گیرید بسیار بیشتر از یک ورودی زودهنگام موفق اتفاقی است که می‌توانید از آن سود کسب کنید.

این موضوع در تمام تایم فریم‌ها درست است. برای مثال، به یک نمودار روزانه نگاه کنید کندل های زیادی را خواهید دید که در نزدیکی کف خود باز شده ولی در وسط کندل بسته می‌شوند. هرکدام از آن کندل‌ها، کندل روند قدرتمندی است که در زمان‌هایی در طول روز، آخرین قیمت آن‌ها معادل قیمت سقفشان است. اگر بر اساس این فرض که کندل در سقف خود بسته می‌شود خرید کرده باشید و خرید شما در نزدیکی سقف کندل باشد و در مقابل کندل در وسط بسته شود، متوجه اشتباه خود خواهید شد. اگر در پایان روز به آن نگاه کنید هیچگاه وارد آن نمی‌شوید.

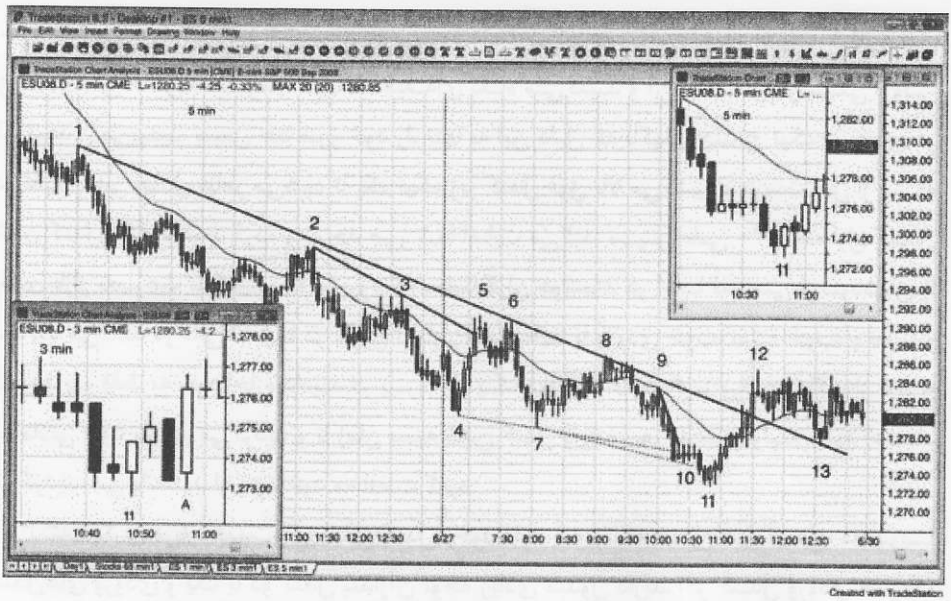
دو مسئله رایج وجود دارند که مرتباً در نمودار ۵ دقیقه‌ای رخ می‌دهند. پرهزینه‌ترین حالت زمانی است که تلاش می‌کنید تا یک کف را دریک روند قدرتمند معامله کنید. به‌عنوان نمونه کف پایین‌تری را بعد از شکست یک خط روند می‌بینید و معامله‌گران به امید یک کندل بازگشتی قوی خواهند بود، مخصوصاً اگر جهش اضافه‌ای از خط کانال روند نزولی هم وجود داشته باشد. کندل به‌خوبی بر پا می‌شود و در دقیقه سوم یا بیشتر تبدیل به کندل بازگشتی صعودی قدرتمندی می‌شود. قیمت برای چند دقیقه در نزدیکی سقف کندل معلق می‌ماند، معامله‌گران ضد روند بیشتر و بیشتری که می‌خواهند زودتر وارد شده و بنابراین ریسکشان کمتر شود (حد ضررشان در زیر کندل خواهد بود) را به‌سوی خود جذب می‌کند، ولی پس از آن طی ۱ تا ۵ ثانیه باقیمانده تا بسته شدن کندل، قیمت ریزش می‌کند و کندل در پایین‌ترین مقدار خود بسته می‌شود. تمام آن خریداران زود هنگامی‌که تلاش می‌کردند که یک یا دو تیک کمتر ریسک کنند با ضرر دو یا چند پوینت معامله را پایان می‌دهند. این خریداران به خودشان اجازه می‌دهند که در معامله بدی گیر بیافتند. زمانی که کندل سیگنال درست قبل از بسته شدن شکل می‌گیرد همین وضعیت در طول روز بارها رخ می‌دهد. برای مثال، ممکن است معامله‌گری به دنبال فروش در زیر یک کندل بازگشتی نزولی که چند ثانیه مانده تا بسته شود باشد و قیمت کنونی در کف کندل است. در کمتر از یک ثانیه مانده تا کندل بسته شود، کندل به‌اندازه دو یا سه تیک از کف خود به سمت بالا پرتاب می‌شود و با فاصله از کف خود بسته می‌شود. بازار به معامله‌گران می‌گوید که سیگنال اکنون ضعیف‌تر است و معامله‌گر باید از گیر افتادن در معامله‌ای که بر پایه انتظار و امیدی که تنها در سه ثانیه پیش داشت اجتناب کند.

مسئله رایج دیگر گیرکردن در بیرون از یک معامله مناسب می‌باشد. برای مثال، اگر اخیراً خرید کرده باشید و معامله شما به انداز ۳ تا ۵ تیک وارد سود شود اما بازار نتواند تا ۶ تیک بالا رود،

اجازه خروج با سود اسکالپ ۴ تیکی داده می‌شود، شما کم‌کم عصبی می‌شوید. حدود ۱۰ ثانیه قبل از بسته شدن کندل به نمودار ۳ یا ۵ دقیقه‌ای نگاه می‌کنید و آن را کندل بازگشتی نزولی قدرتمندی می‌بینید. سپس حد ضرر خود را، تنها به این دلیل که ناگهان چندین تیک صعودی در دو ثانیه پایانی کندل ظاهر می‌شود تا یک تیک زیر کندل فوق بالا می‌کشید و درست قبل از بسته شدن کندل، بازار سقوط کرده و به حد ضرر شما اصابت می‌کند. سپس طی ۳۰ ثانیه اول کندل بعدی بازار به‌سرعت تا ۶ تیک بالا می‌رود که معامله‌گران هوشمند در آنجا قسمتی از سودشان را دریافت می‌کنند درحالی‌که شما در بیرون از بازار ایستاده‌اید. با ورودی خوب، نقشه خوب، و نظم و انضباط بد، فقط به خود اجازه دادید در بیرون از یک معامله خوب گیر بیافتید. اگر از نقشه معاملاتی خود پیروی می‌کردید و تا زمان بسته شدن کندل ورودی به حد ضرر اولیه خود اعتماد می‌کردید، می‌توانستید از سود خود محافظت کنید.

نکته دیگری درباره قیمت‌های پایانی کندل وجود دارد. به بسته شدن هر کندل، مخصوصاً کندل‌های ورودی و یک یا دو کندل بعدازآن توجه زیادی مبذول دارید. اگر کندل ورودی ۶ تیک ارتفاع داشته باشد، ترجیح می‌دهید بدنه کندلی را ببینید که ناگهان بدنه آن در ثانیه‌های پایانی از ۲ تیک به ۴ تیک افزایش یابد. آنگاه احتمالاً تعداد معاملاتی که با سودی معادل یک معامله اسکالپ از آن خارج خواهید شد را کاهش می‌دهید. این برای دو کندل بعدی هم درست است. اگر قیمت‌های پایانی کندل قوی باشد، باید تمایل به انجام معاملات بیشتری داشته باشید آن‌ها را بیشتر از زمانی نگاه دارید که این کندل‌ها قیمت‌های پایانی ضعیفی دارند.

دلیل دیگر اینکه چرا قیمت بسته شدن مهم است آن است که بسیاری از معامله‌گران موسسه‌ای سفارشات را بر اساس قیمت قرار می‌دهند نه پرایس اکشن و زمانی که به نمودارها نگاه می‌کنند، نمودارهای آن‌ها خطی هستند که این نمودارها بر پایه قیمت پایانی تنظیم شده‌اند. اگر نمودارها بر تصمیماتشان تأثیری نداشته باشد به‌هیچ‌وجه به آن‌ها نگاه نمی‌کنند و تنها قیمتی که در نظر می‌گیرند قیمت پایانی است که اهمیت آن را بالا می‌برد.



شکل (۱-۸) نمودار با تایم فریم کوچکتر منتهی به ضرر بیشتری می‌شود

حد ضرر معامله در تایم فریم‌های پایین‌تر نمودارها، کوچکتر است ولی خطر خروج معامله‌گر از یک معامله خوب را هم افزایش می‌یابد. در شکل (۱-۸)، نمودار قرار داده شده در سمت چپ نشان می‌دهد معامله‌گرانی که از نمودار ۳ دقیقه‌ای استفاده کرده‌اند با ضرر خارج شده‌اند ولی معامله‌گرانی که به نمودار ۵ دقیقه‌ای اعتماد کرده‌اند خارج نشده‌اند.

نمودار ۵ دقیقه‌ای EMINI در یک روند نزولی قوی می‌باشد و اکنون پولبک بزرگتری را آغاز کرده است. هر کف پایین‌تری خریداری می‌شود و خریدها معاملات خلاف روند سودآوری هستند. خریداران اطمینان بیشتری دارند و فروشندگان بیشتر متمایل می‌شوند سودشان را دریافت کنند. نمودار کوچک سمت چپ یک نمودار ۳ دقیقه‌ای است و نموداری که در سمت راست است نمای نزدیکی از نمودار ۵ دقیقه‌ای است.

کندل ۱۱ یک کندل بازگشتی صعودی قوی و یک بازگشت دو کندلی است و این دومین تلاش برای بازگشت روبه بالا از یک کف پایین‌تر است (اولین تلاش الگوی (ii) بعد از کندل ۱۰ است) و این سومین رانش نزولی در آن روز است (کف احتمالی یک گوه). این معامله خریدی با احتمال موفقیت بسیار بالاست، ولی حد ضرر باید در زیر کف آن باشد، ۳ پوینت پایین‌تر از قیمت ورود. این حد ضرر بیشتر از آن چیزی است که در EMINI مورد نیاز است (با توجه به اینکه میانگین محدوده قیمت روزانه در اینجا بین ۱۰ تا ۱۵ پوینت است، ۲ پوینت هم جواب می‌دهد)، ولی این حد ضرر چیزی است که پرایس اکشن به ما می‌گوید. اگر معامله‌گران عصبی باشند، تنها می‌توانند

نیمی از اندازه را معامله کنند، ولی آن‌ها باید موقعیت‌های قدرتمند اینچنینی را معامله کنند و نقشه‌ای برای سوییِنگ کردن نصف اندازه داشته باشند

این مثالی فوق‌العاده برای مسئله رایجی است که معامله‌گران وقتی تلاش می‌کنند که ریسکشان را با نگاه کردن به نمودار با تایم فریم کوچکتر، کم کنند با این مشکلات مواجه می‌شوند. ریسک کوچکتر است ولی احتمال موفقیت پایین می‌آید. ازآنجایی‌که معاملات بیشتری روی نمودار ۳ دقیقه‌ای هست، خطر از دست دادن بهترین معامله هم زیاد است و این می‌تواند منجر به کم شدن سودمندی کلی معاملات ۳ دقیقه‌ای برای بسیاری از معامله‌گران شود.

درست مثل نمودار ۵ دقیقه‌ای، نمودار ۳ دقیقه‌ای هم دارای یک کندل بازگشتی در کندل ۱۱ است. بااین‌حال، حد ضرر زیر کندل ورودی به‌وسیله کندل روند نزولی بدون سایه‌ای در بالا و پایین فعال می‌شود که نشان‌دهنده قدرت فروشندگان است. در این نقطه تطابق آن بر روی نمودار ۵ دقیقه‌ای بسیار دشوار است که حد ضرر در آن فعال نشده است. اندازه بزرگ حد ضرر موردنیاز در نمودار ۵ دقیقه‌ای معامله‌گران را متمایل‌تر می‌سازد که با کمی ضرر زودتر از معامله خارج شوند. اگر معامله‌گران نمودار ۳ دقیقه‌ای را هم نگاه کنند، تقریباً به‌طور قطع با ضرر از معامله خارج شده و به‌واسطه آن کندل نزولی قوی در بیرون بازار گیر خواهند افتاد. کندل بعدی در نمودار ۳ دقیقه‌ای، یک کندل روند صعودی خارجی بسیار قوی است که نشان می‌دهد که خریداران بشدت از یکدیگر در ایجاد یک کف بالاتر حمایت می‌کنند ولی بیشتر طرف‌های ضعیف که با ضرر خارج شده‌اند احتمالاً می‌ترسند طوری که وارد معامله نمی‌شوند و در عوض منتظر پولبک می‌مانند.

فعال شدن حد ضرر در نمودار ۳ دقیقه‌ای در بازگشت‌های مهم خیلی معمول‌تر از نمودار ۵ دقیقه‌ای است و معامله‌گران هوشمند به آن به‌عنوان فرصت‌های عالی می‌نگرند. این به خاطر آن است که آن‌ها خریداران ضعیف را در بیرون بازار به دام انداخته و آن‌ها را مجبور به دنبال کردن بازار صعودی می‌کنند. همیشه بهتر است که یک نمودار را نگاه کنید و در همان نمودار معامله کنید چراکه بعضی مواقع اتفاقات برای معامله‌گران خیلی سریع‌تر از آن رخ می‌دهند که بتوانند با سرعت کافی فکر کنند، و سفارشات‌شان را قرار دهند درصورتی‌که آن‌ها به دو نمودار نگاه می‌کنند و تلاش می‌کنند که تضادها را بر هم منطبق کنند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱-۸) کندل ۵ یک خط روند را رو به بالا می‌شکند، و کندل ۸ از خط روند دیگری با کسری از یک تیک عبور می‌کند. هردو شکست نقض شده و فروش در جهت روند را ایجاد می‌کنند.

۹

صندوق‌های سرمایه قابل معامله در بورس و نمودارهای معکوس

بعضی مواقع اگر بعضی چیزها را در نمودار تغییر دهید رفتار قیمت واضح‌تر می‌شود. می‌توانید نوع نمودار را خطی یا کندلی کنید، نمودار را بر اساس حجم یا تیک تنظیم کنید، یا تایم فریم‌ها را کم یا زیاد کنید، یا به‌سادگی از نمودار پرینت بگیرید. چندین صندوق قابل معامله در بورس (ETF)، هم مفید هستند. برای مثال، SPDRS&P500ETF(SPY)[۱] تقریباً در ظاهر با نمودار EMINI یکسان است و بعضی مواقع رفتار قیمت واضح‌تری دارد.

همچنین، در نظر گرفتن نمودار از دیدی مخالف می‌تواند مفید باشد. اگر به یک پرچم صعودی نگاه می‌کنید ولی به نظر می‌رسد یک چیز کاملاً درست نیست، به نمودار UltraShort ProShares[۲] (SDS S&P 500 نگاه کنید که یک ETF است که بر پایه SPY[۳] وارونه است (ولی با لوریج دو برابر). اگر به آن نگاه کنید، ممکن است دریابید که پرچم صعودی که آن را روی EMINI و SPY زیر نظر داشته‌اید حالا شبیه به یک کف گرد روی SDS[۴] می‌باشد. اگر چنین باشد، کار عاقلانه این است که EMINI را خرید نکنید و در عوض منتظر بمانید که رفتارهای بیشتری از قیمت برملا

---

۱. اولین ETF در سال ۱۹۹۳ با نام اسپایدر (SPDR) به بازار معرفی شد که به‌قصد پیروی از شاخص S&P500 طراحی شده است. م

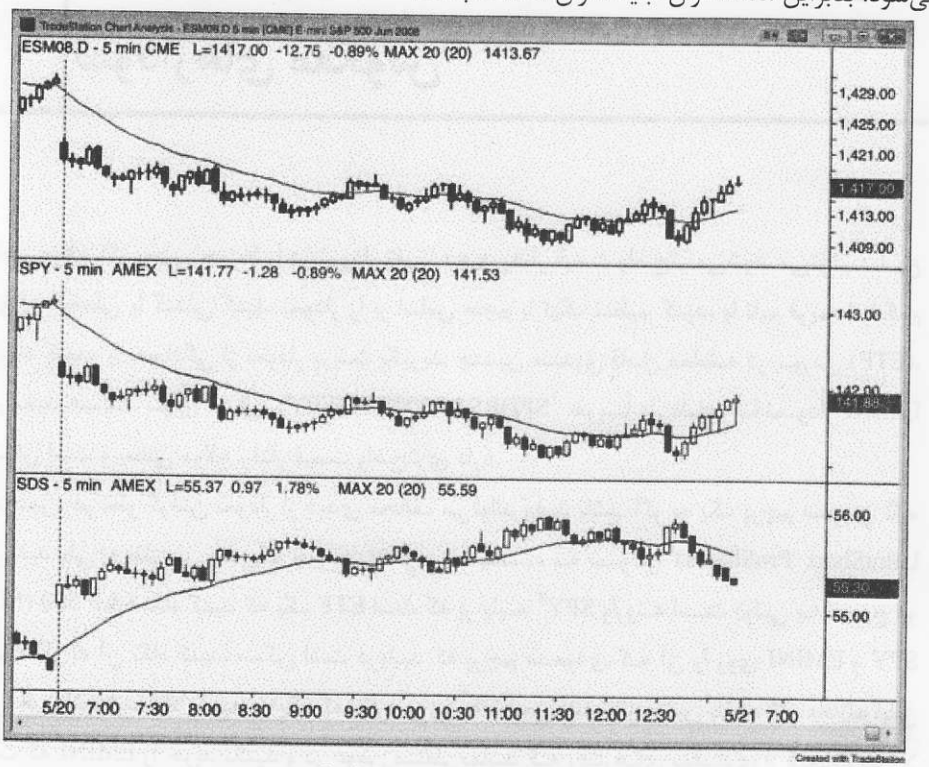
۲. نوعی ETF است که بطور روزانه میزان سرمایه‌گذاری را قبل از هزینه و درآمد جستجو می کند. م

۳. نوعی ETF است که با خرید یک سهم از آن صاحب درصد کوچکی از تمامی سهم‌های موجود در S&P500 می‌شوید. م

۴. نوعی ETF معکوس است که نتایج روزانه سرمایه‌گذاری را جستجو می کند که برابر با قرینه دو برابر (X۲) عملکرد روزانه S&P500 می‌باشد. م

شود (مانند انتظار برای شکست و سپس فروش آن در صورت نقض شدن). بعضی مواقع الگوها روی دیگر آتی‌های شاخص سهام واضح‌ترند، مانند EMINI,NASDAQ-100، یا ETF آن، QQQ،[1] یا دو برابر قرینه آن، QID[2] ولی معمولاً نگاه کردن به این‌ها ارزش چندانی ندارد و بهتراست به EMINI و بعضی مواقع SDS بچسبید.

ازآنجایی‌که ETF یک صندوق است، شرکتی که آن را اداره می‌کند همه کار می‌کند تا درآمد کسب کند یعنی اینکه از ETF درآمد خود را به دست می‌آورد. نتیجه این است که ETF همیشه دقیقاً مسیر بازارهای مشابه را دنبال نمی‌کند. برای مثال، در روزهای سه‌گانه غیرعادی SPY اغلب در هنگام باز شدن شکافی به‌مراتب بزرگتر از EMINI دارد و شکاف به دلیل این است که قیمت با SPY همسان‌سازی می‌شود. همیشه در کل روز تا حد زیاد تیک به تیک همراه با EMINI معامله می‌شود؛ بنابراین معامله‌گران نباید نگران اختلاف باشند.



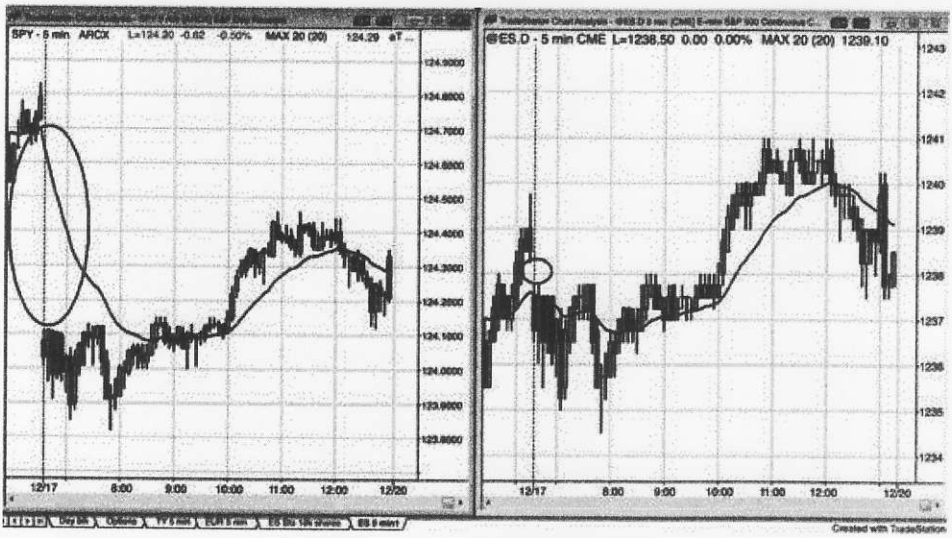
شکل (۱-۹) EMINI و SPY مشابه یکدیگر هستند

---

[1]. نوعی ETF روی شاخص DASDAQ 100 می‌باشد. م

[2]. QID از ترکیبی از آتی‌ها و سوآپ‌ها در QQQ و سوآپ‌های NASDAQ 100 استفاده می‌کند. (QID) به گونه‌ای طراحی شده است که حالت وارونه خود را به صورت روزانه ارائه دهد، نه به عنوان یک شرط قرینه بلندمدت در برابر شاخص.

همان‌طور که در شکل (۱-۹) نشان داده شده است، نمودار بالا متعلق به EMINI است که ضرورتاً با SPY (نمودار وسطی) یکسان است، ولی رفتار قیمت روی SPY بعضی مواقع آسان‌تر خوانده می‌شود زیرا اندازه کوچکتر تیک‌ها اغلب الگوها را واضح‌تر می‌کند. نمودار پایینی SDS است که یک ETF است که معکوس SPY (با لوریج دو برابر) می‌باشد. بعضی مواقع نمودار SDS باعث می‌شود خوانش خود از نمودار EMINI را تجدیدنظر کنید.



شکل (۲-۹) تنظیمات SPY در روزهای سه‌گانه غیرعادی

همان‌طور که در شکل (۲-۹) نشان داده شده است، سه‌گانه غیرعادی[1] قیمت SPY تنظیم می‌شود، و نتیجه این اغلب در یک شکاف اولیه مشخص می‌شود که ممکن است خیلی بزرگتر از EMINI باشد (SPY در سمت چپ و EMINI در سمت راست است). بااین‌حال، آن‌ها سپس تا حد زیادی تیک به تیک هماهنگ معامله می‌شوند، مانند هر روز دیگر، بنابراین با دیدن شکاف نگران نباشید و فقط بر اساس پرایس اکشنی که در روز آشکار می‌شود معامله کنید.

---

[1]. روزهای سه گانه غیر عادی عبارت است از انقضای سه ماهه آپشن‌ها، شاخص‌های آتی، و قراردادهای سهام که همه در روز یکسانی انجام می‌گیرند. این اتفاق چهار بار در سال در سومین جمعه مارس، ژوئن، سپتامبر و دسامبر برگزار می‌شود. م

۱۰

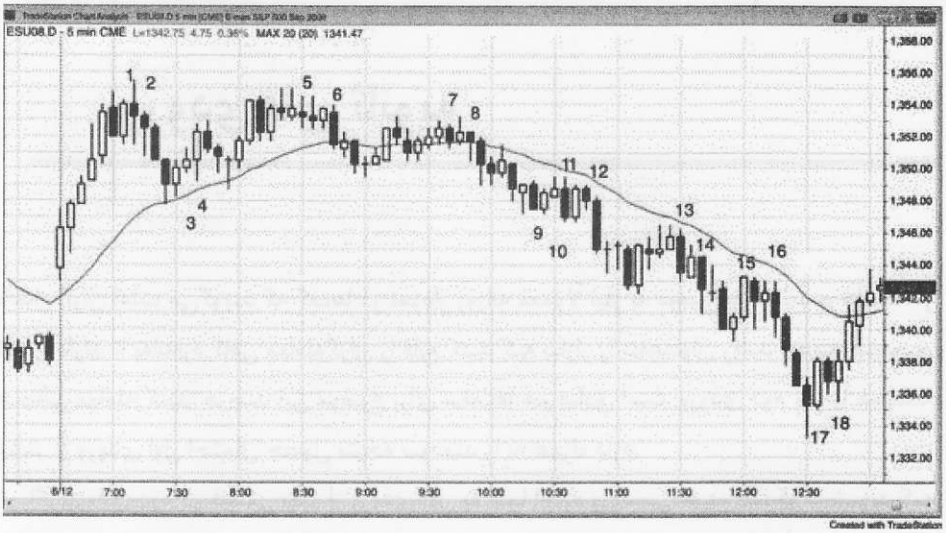
ورودی‌های ثانویه

تحلیل گران اغلب می‌گویند که کف‌ها در نمودار روزانه معمولاً نیاز به دومین بازگشت برخاسته از کف را دارند تا به‌اندازه کافی معامله‌گران را قانع کند که بازار را به‌عنوان روند جدید صعودی احتمالی معامله کنند. هرچند این موضوع برای سقف‌ها هم صادق است. ورودی دوم تقریباً همیشه بیشتر از ورودی اول احتمال حصول نتیجه سودمند را به همراه دارد.

اگر ورودی دوم در قیمتی بهتر از ورودی اول به شما اجازه ورود می‌دهد، مشکوک شوید که ممکن است یک تله باشد. بیشتر ورودی‌های ثانویه خوب درهمان قیمت ورودی‌های اول یا بدتر از آن‌ها هستند. معامله‌گر ورودی دوم کسی است که دیر وارد می‌شود، تلاش می‌کند ریسک خود را کاهش دهد و بازار معمولاً او را وادار می‌کند که به خاطر آن مفروضات اضافه اندکی بیشتر هزینه کند. اگر هزینه کمتری برای شما دارد، ممکن است شما را آماده کند که با یک سیگنال نقض شده پولتان را از شما بگیرد.

معامله‌گرانی که به دنبال دومین ورودی هستند، جسورتر و مطمئن‌تر بوده و در تایم فریم‌های کوچکتر وارد معامله می‌شوند. در نتیجه این‌ها معمولاً معامله‌گرانی هستند که در نمودارهای ۵ دقیقه‌ای بعد از بسیاری از معامله‌گران دیگر که قبلاً وارد شده‌اند وارد شده و ورودی را کمی بدتر می‌کنند. اگر بازار به شما اجازه می‌دهد که در قیمت بهتری وارد شوید، باید شک کنید که چیزی را از دست داده‌اید و باید معامله نکردن را در نظر بگیرید. بیشتر اوقات انجام خوب یک معامله برابر است با یک معامله بد (و انجام بد یک معامله برابر است با یک معامله خوب).

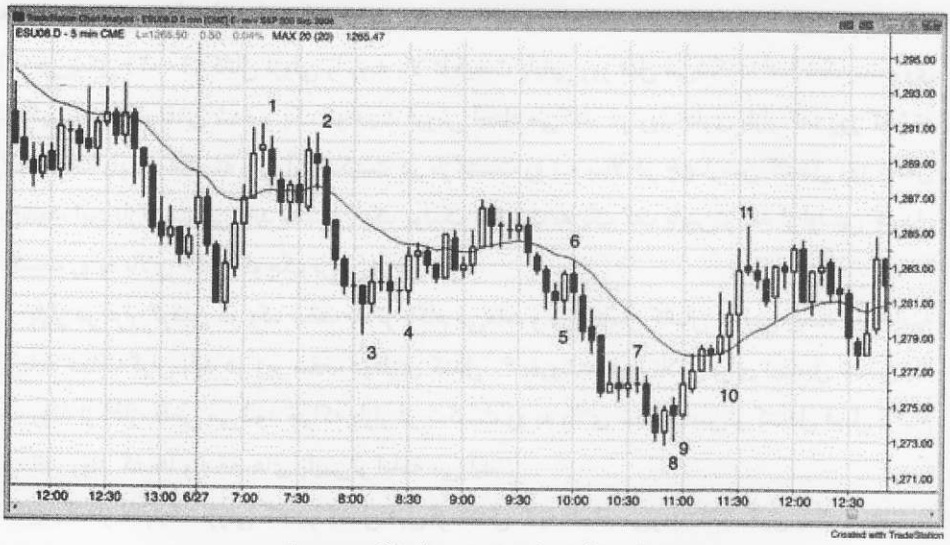
وقتی‌که یک حرکت را در جهت مخالف روند معامله می‌کنید، برای مثال فروش اولین بازگشت در یک روند صعودی قوی که حرکت آن در حدود ۴ کندل روند پشت سرهم یا دو یا سه کندل روند صعودی بزرگ ادامه داشته باشد، مومنتم صعودی خیلی زیادتر از آن است که سفارشی را در جهت مخالف روند قرار دهید. بهتر است منتظر یک ورودی بمانید، آن معامله را انجام ندهید و منتظر روند بمانید تا طی یک یا دو کندل از سر گرفته شود و سپس در دومین تلاش بازار برای بازگشت وارد آن شوید.



شکل (۱-۱۰) ورودی‌های ثانویه

در روز جاری تعداد زیادی معاملات ورودی ثانوی وجود دارد. (شکل (۱-۱۰) را ببینید) و همه به‌جز یکی در همان قیمت یا در قیمتی بدتر از اولین ورودی آن هستند. به کندل صعودی ۱۰ نگاه کنید. بازار به شما اجازه می‌دهد در یک تیک بهتر از معامله‌گرانی که در کندل ۹ خرید کرده‌اند بخرید. در کل «انجام خوب، معامله بد»، اصل کاربردی است و وقتی بازار به شما معامله‌ای را پیشنهاد می‌کند، باید بدانید که شاید نمودار را اشتباه می‌خوانید و معمولاً بهتر است معامله نکنید حتی اگر کندل ۱۰ دومین ورودی باشد، همان‌طور که در کانال نزولی فشرده از کندل ۸ دیده می‌شود، مومنتم رو به پایین قوی است. قبل از انجام یک معامله ضد روند همیشه بهتر است شواهدی را در چندین کندل قبل پیدا کنید مبنی بر اینکه خریداران قادرند بازار را بیش از تنها دو تیک تا بالای کندل قبلی حرکت دهند.

همان‌طور که در کتاب ۳ بحث شده است بیشتر سقف‌ها از انواع کوچکی از سقف‌های دوقلوی میکرو رخ می‌دهند، مانند کندل ۱ و کندل بازگشت نزولی از دو کندل قبلی و بیشتر کف‌ها از انواع کوچکی از کف‌های دوقلوی میکرو اتفاق می‌افتند، مانند کندل ۱۸ و کندل قبل از کندل ۱۷.



شکل (۲-۱۰) درحرکت قوی منتظر بازگشت دوم باشید

وقتی مومنتم قوی است، بهتر است منتظر دومین بازگشت قبل از معامله در خلاف جهت روند باشیم (شکل (۲-۱۰) را ببینید).

کندل ۱ بعد از ۵ کندل روند صعودی آمده است که حرکت این ۵ کندل مومنتم صعودی خیلی زیادی جهت فروش اولین تلاش برای حرکت نزولی دارد. معامله‌گران هوشمند منتظر می‌مانند تا ببینند که خریداران در دومین تلاششان برای صعود، قبل از شروع فروش، شکست می‌خورند یا خیر و این اتفاق در دومین ورودی فروش در کندل ۲ می‌افتد.

کندل ۳ در یک کف جدید روز اولین ورودی خرید است، ولی بعد از ۶ کندل که هیچکدام صعودی نیستند، انتظار برای ورودی ثانویه را منطقی‌تر می‌کند که در کندل ۴ اتفاق می‌افتد.

کندل ۵ بعد از ۴ کندل روند نزولی آمده است که مومنتم نزولی برای خرید خیلی زیاد است، ورودی دوم هرگز توسعه نمی‌یابد، بنابراین معامله‌گران هوشمند با صبر کردن ضرر را از خود دور می‌کنند.

کندل ۱۰ بعد از ۶ کندل با کف‌های بالاتر آمده است و تنها دو کندل با بدنه نزولی کوچک وجود دارد که نشان‌گر قدرت خیلی زیاد صعودی برای فروش است. در کندل بازگشت نزولی ۱۱ ورودی دیگری وجود دارد.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار در شکل (۲-۱۰) کانال نزولی را روبه بالا تا قیمت پایانی روز قبل می‌شکند؛ اما شکست روی میانگین متحرک نقض شده و یک موقعیت فروش ایجاد می‌کند. در روز جاری بازار کف روز گذشته را به سمت پایین شکسته ولی آن شکست در بازگشت رو به بالا در چهارمین کندل روز نقض می‌شود، این بازگشت می‌تواند به‌عنوان یک پولبک شکست به یک کف پایین‌تر بعد از اولین کندل شکست رو به بالای کانال کوچک نزولی فرض شود.

بازار در قرار گرفتن در یک سقف بالاتر ناکام می‌ماند و در مقابل کانال نزولی روند دار ادامه می‌یابد. معامله‌گران باید در زیر سقف دوقلوی کندل[1] ۶ بفروشند زیرا تلاش برای تبدیل شدن به یک روند از آغاز، نقض می‌شود چراکه بازار در شکست رو به بالای سقف پایین‌تر کندل قبل ناکام می‌ماند. روند کف‌ها و سقف‌های پایین‌تر ادامه می‌یابد.

پولبک از اسپایک نزولی که در کندل قبل از کندل ۳ به اتمام می‌رسد تشکیل یک موقعیت فروش کف ۴ می‌دهد که با یک کندل روند نزولی در ساعت ۹:۳۵ صبح فعال می‌شود. شکست نزولی به اسپایک ۴ کندلی نزولی رشد می‌کند.

کندل ۵ سقف ۲ است ولی بعد از ۴ کندل روند نزولی می‌آید و بنابراین خرید نباید انجام شود.

کندل ۶ شروع یک اسپایک نزولی ۴ کندلی است.

کندل ۷ الگوی (ii) یک پرچم نهایی محتمل است.

کندل ۷ منتهی به یک اسپایک نزولی دو کندلی می‌شود. تمام سه اسپایک نزولی در این کانال نزولی از آن کف ۴، اوج فروش‌های متوالی را تشکیل می‌دهد و زمانی که آن اسپایک‌ها ۳ تا باشند، شانس وجود یک رالی حداقل دو موجی بالاست.

معامله‌گران در کندل ۹ بعد از کندل بازگشت ۸، به انتظار حداقل دو موج صعودی بعد از یک پرچم نهایی و روند نزولی ممتد می‌توانند خرید انجام دهند. کندل ۸ یک میکرو کف دوقلو است (موقعیت خرید) زیرا بازار در کندل ۸ پایین می‌رود و همچنین در دو کندل قبل حرکت نزولی داشته است (کندل نزولی).

---

[1]. احتمالاً منظور نویسنده کندل ۲ می‌باشد. -م

کندل ۱۰ یک کف ۱ است ولی قدرت صعودی برای فروش زیاد است، و جستجو برای خرید یک کف بالاتر یا حتی سفارش حدی در زیر کندل قبل معقول‌تر می‌باشد. با این مومنتم صعودی زیاد، بازار به‌احتمال‌زیاد دست‌کم سقف موج صعودی را لمس می‌کند.

کندل ۱۱ یک کندل بازگشتی دوجی بعد از یک کندل روند بزرگ است. یک کندل روند صعودی بزرگ بعد از ۵ تا ۱۰ کندل روند صعودی یک اوج خرید محسوب می‌شود و احتمالاً به دنبال آن‌ها قبل از بازگشت صعودی حدوداً حداقل ۱۰ کندل بدون روند تا نزولی می‌آید. همچنین این کندل (کندل ۱۱) در محدوده سقف پایین‌تر نهایی روند نزولی قرار دارد که ایجاد سقف دوقلو پرچم بالقوه می‌کند. با وجود خریدارانی با این قدرتی که آن‌ها دارند بیشتر معامله‌گران می‌پندارند که بازار کف بالاتری خواهد داشت ولی آن‌ها سقف دوقلوی پرچم نزولی را به‌عنوان محدوده‌ای برای گرفتن سود استفاده خواهند کرد. بعضی فروشندگان اسکالپ در آنجا به امید حداقل لمس میانگین متحرک می‌فروشند. با کندل‌های روند صعودی بسیار در آن رالی احتمال دارد که بازار تشکیل کف بالاتری بدهد چون خریداران به‌طور واضح تهاجمی هستند.

۱۱

ورودی‌های دیرهنگام و اشتباه

اگر به نموداری که در ورودی اصلی وارد آن شده‌اید نگاه کنید و تصمیم به حفظ موقعیت سوییـنگ خود بگیرید، آنگاه باید در قیمت جاری مجدداً وارد شوید. بازار موقعیـت غالـب واضـحی دارد و لازم است که در روند وارد شوید زیرا احتمال به دست آوردن سود بالاست. با این حال، بایـد تنهـا بـا آن تعداد سهم یا قراردادی که در ورودی اصلی گرفته‌اید و هنوز در اختیـار داریـد وارد شـوید و از حـد ضرر متحرک یکسانی برای هر دو معامله استفاده کنید. حد ضرر شما معمولاً بزرگتـر از آن چیـزی خواهد بود کـه مـی‌خواهیـد در معاملـه اسـکالپ اسـتفاده کنیـد و بنـابراین نیـاز اسـت کـه انـدازه موقعیت‌هایتان را کوچکتر بگیرید تا ریسک پولی خودتان را یکسـان نگـاه داریـد. بـرای مثـال، اگـر روندی قدرتمند در GS مشاهده کردید که در جریان اسـت و در ورودی اصـلی بـا ۳۰۰ سـهم وارد شده بودید و اکنون می‌خواهید تنها ۱۰۰ سهم را با حد ضرر ۱,۵ دلاری نگاه دارید، باید ۱۰۰ سـهم در قیمت جاری بخرید و حد ضرر خود را ۱,۵ دلار قرار دهید. منطقاً، هیچ تفاوتی ندارد کـه بخـش سایز سوییـنگ را اکنون بخرید، یا موقعیت سوییـنگی ورودی قبلی را نگاه دارید. اگرچه ممکن اسـت در نظر گرفتن معامله‌ای با سود بدیهی در زمانی که پول فرد دیگری در معـرض خطراسـت، از نظـر عاطفی راحت‌تر باشد، آن حس عاطفی واقعیت ندارد. این پول شماست و آنچه که ریسک می‌کنیـد از خرید کنونی با همان ریسک ۱,۵ دلاری تفاوتی ندارد. معامله‌گران ایـن را مـی‌داننـد و معاملـه را بدون درنگ اجرا می‌کنند. اگر این کار را نکنند پس معتقد نیستند که می‌خواسـتند سـهمی را کـه قبلاً وارد آن شده بودند را هنوز نگاه دارند، یا آن‌ها باید روی این موضوع احساسی کار کنند.

موقعیتشان را تا یک تیک پایین کندل سیگنال ۶ بالا بکشند و سپس آن را تبدیل به حد ضرر متحرک[1] کنند.

ورود دیرهنگام در زمان استفاده از حد ضرر اصلی با خرید قسمت سوییِنگ موقعیت اصلی، با استفاده از حد ضرر یکسان کاملاً یکسان است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

اولین کندل روز در شکل (۱-۱۱) قیمت سقف سوییِنگ پایان روز گذشته را روبه بالا می‌شکند و در بالای میانگین متحرک ایجاد موقعیت فروش سقف دوقلوی کوچک در یک پرچم نزولی می‌کند. بااین‌حال، این دومین تلاش برای شکست رو به پایین پرچم نزولی که در کندل ۱ شروع شده نقض می‌شود. کندل ۲ باقدرت به سمت بالا برمی‌گردد و یک بازگشت صعودی دو کندلی شکل می‌دهد. کندل بعدی یک کندل داخلی صعودی و کندل سیگنال مناسبی برای روند از ابتدا صعودی است. همچنین این کندل از شکست روبه پایین کف دوقلوی کوچک تشکیل شده به‌وسیله ۴ کندل نهایی روز گذشته به سمت بالا بازمی‌گردد.

ریزش به سمت شکاف میانگین متحرک کندل ۱۱ خط روند صعودی را می‌شکند و باید انتظار آن وجود داشته باشد که منجر به تست سقف بالاتر یا سقف پایین‌تر سقف صعودی شود. به‌طور نرمال، بازار پس از آن اصلاح پیچیده‌تر و بزرگتری خواهد داشت. بااین‌حال، رالی رو به کندل ۱۰ در یک کانال بسیار فشرده قرار دارد که نشان می‌دهد خریداران فوق‌العاده قوی هستند. کل رالی ممکن است در تایم فریم بزرگ‌تر نمودار یک اسپایک باشد و احتمالاً قبل از آنکه اصلاح‌های زیادی در نمودار ۵ دقیقه‌ای رخ دهد، در تایم فریم بالاتر پس از آن اسپایک یک کانال صعودی شکل خواهد گرفت. کندل شکاف میانگین متحرک ۱۱، یک پولبک شکاف ۲۰ کندلی، هم هست. بعدازاینکه اولین سقف جدید به دنبال یک پولبک ۲۰ کندلی ظاهر می‌شود، بازار معمولاً عقب‌نشینی می‌کند و سپس مجدداً سقف را لمس می‌کند، بنابراین، این کندل شکاف میانگین متحرک احتمالاً بیشتر شبیه به موقعیت ۲۰ کندلی عمل می‌کند تا نوعی موقعیت کندل شکاف میانگین متحرک.

---

[1]. trailing stop

۱۲

تغییر شکل الگو

به خاطر داشته باشید که کندل اخیر می‌تواند همیشه آغازگر حرکت بزرگی دریکی از دو جهت باشد و باید رفتارهای قیمت را در هنگام آشکار شدنشان به‌دقت زیر نظر بگیرید تا ببینید آیا یک کندل به چیزی تغییر می‌کند که منتهی به معامله در جهت مخالف شود یا خیر. الگوها مرتباً در حال تغییر به الگوهای دیگر بوده و به الگوهای بزرگتر رشد می‌کند و نتیجه هردو حالت می‌توانند معاملاتی در یک جهت یا در دو جهت مخالف باشد. بیشتر اوقات، اگر پرایس اکشن را درست بخوانید، الگوی اصلی حداقل سودی معادل یک معامله اسکالپ را فراهم می‌کند. بعلاوه، الگوهای بزرگتر هم باید همین‌قدر خوب باشند. این مهم نیست که شما الگوی بزرگتر را به‌عنوان نسخه توسعه‌یافته الگوی اصلی برچسب‌گذاری کرده باشید. اسامی هرگز مهم نیستند. فقط مطمئن باشید که نمودار جلوی خودتان را درست می‌خوانید و معامله خود را انجام دهید و الگوهایی که در دو کندل قبل تکمیل شده‌اند را نادیده بگیرید.

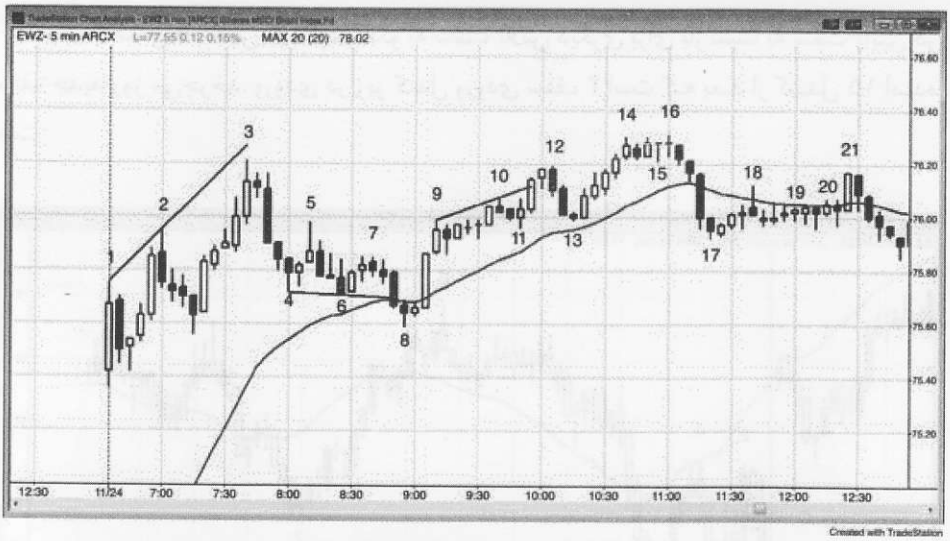
رایج‌ترین مثال از یک الگوی تغییر شکل داده شده، یک واماندگی است، در جایی که یک الگو نقض می‌شود تا دست‌کم سودی معادل یک معامله اسکالپ تولید کند و سپس به سیگنالی در جهت مخالف تبدیل می‌شود. این رفتار، معامله‌گران را در سمت اشتباه به دام می‌اندازد و زمانی که این معامله‌گران مجبور به خروج با ضرر می‌شوند، آنگاه آن‌ها انرژی موردنیاز را فراهم می‌آورند که قیمت را دست‌کم به‌اندازه‌ای که سود یک معامله اسکالپ را فراهم کند، در جهت مخالف هدایت کنند. این اتفاق ممکن است با هر الگویی رخ دهد چراکه همگی می‌توانند نقض شوند. اگر واماندگی طی تعدادی از کندل‌ها فقط حرکت بی روندی انجام دهد و سپس کندل جدیدی گسترش یابد،

منطقی‌تر است که به الگوی جدید توجه شود که مستقل از الگوی اولی است. الگـوی اول را نادیـده بگیرید زیرا معامله‌گران به دام افتاده زیادی که با خروج اجباری و همراه با ضرر خود باعـث حرکـت قیمت می‌شوند، باقی نمی‌مانند.

با اینکه مهم نیست که در این قسمت با تمام الگوهای کتاب آشنا شوید، در بخـش‌هـای بعـدی مثال‌های معمول از تغییر شکل الگو را خواهید دید. مثلث پهن شونده بعضی مواقع از ۵ مـوج بـه ۷ موج بسط می‌یابد. شکست خط روند میکرو[۱]، معمولاً نقض شده و سپس یک پولبـک شکسـت دارد. وقتی پرچم نهایی نزولی از معکوس کردن قیمت بازمی‌ماند، معمولاً بـه‌تـدریج تبـدیل بـه موقعیـت فروش پولبک شکست می‌شود. اغلب بعدازآن به یک موقعیت بازگشت گوه‌ای، یا بـه یـک محـدوده معامله بزرگ بسط می‌یابد که معمولاً تبدیل به یـک پـرچم نهـایی بزرگتـر مـی‌شـود. الگـوی رونـد اسپایک و کانال صعودی معمولاً به یک محدوده معامله و سپس کف دوقلوی پرچم صعودی تبـدیل می‌شود. در ساعت اول، سقف دوقلوی پرچم‌های نزولی اغلب تبـدیل بـه کـف دوقلـوی پـرچم‌هـای صعودی می‌شوند و برعکس. اگر در بازار مـورد بحـث بـه‌صـورت تهـاجمی معاملـه مـی‌کنیـد، بایـد حواستان باشد که هردو ورودی را بگیرید و قسمتی از آن را سوییـنگ کنید به خاطر اینکـه حرکـت بزرگ از یکی از دو الگوی اولی یا دومی معمول است.

---

[۱] – خط روندی ترسیم شده از سقف‌ها یا کف‌های ۳ تا ۵ کندل متوالی را خط روند میکرو می‌گویند.
شکست خط روند میکرو: خط روندی روی هر تایم فریمی که از ۲ تا حدود ۱۰ کندل ترسیم شده طوری که اغلب کندل‌ها یا خـط رونـد را لمـس کرده یا نزدیک آن هستند و سپس یکی از کندل‌ها شکست اشتباهی از خط روند دارد. این شکست اشـتباه، یـک ورودی در جهـت رونـد را ایجـاد می‌کند. اگر بین یک یا دو کندل بعد آن شکست نقض شود، معمولاً یک معامله ضد روند انجام شده است.



شکل (۱-۱۲) موقعیت‌ها می‌توانند تبدیل به الگوهای پیچیده‌تر شوند

الگوهای قابل‌اعتماد در حدود ۴۰ درصد مواقع اعتبار خود را از دست می‌دهند و اغلب به الگوی بزرگتری که ورودی در هر دو جهت را ایجاد می‌کند، تبدیل می‌شوند. شکل (۱-۱۲) نمودار ۵EWZ دقیقه‌ای را نشان می‌دهد؛ که شاخص سرمایه‌گذاری iShares MSCI Brazil است. در اینجا موقعیت فروش کف ۲ در زیر کندل ۲ نقض می‌شود ولی الگو به گوه سقف بزرگتر با یک ورودی در زیر کندل بعد از کندل ۳ تبدیل می‌شود.

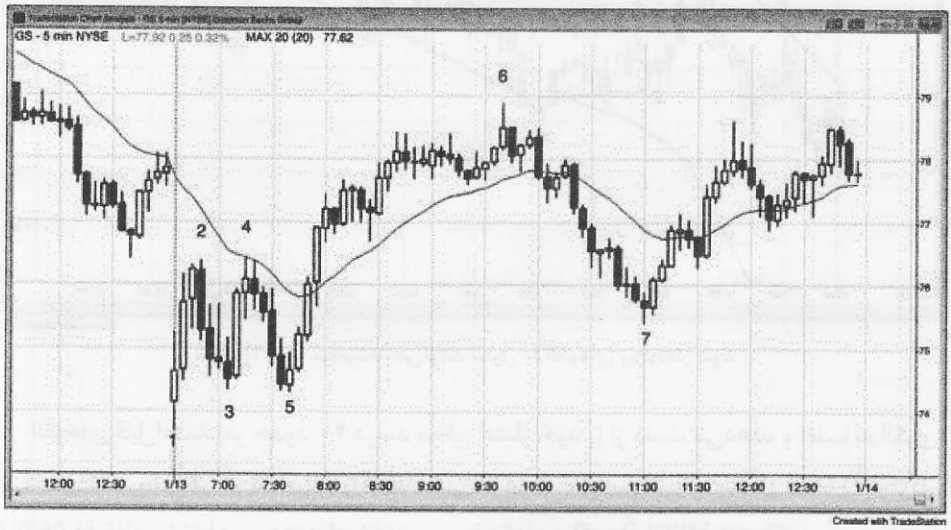
کف ۲ کندل ۱۹ پرچم نزولی تبدیل به یک کف ۲ پیچیده‌تر موقعیت فروش در زیر بازگشت ۲ کندلی کندل ۲۱ می‌شود. اولین رانش صعودی کندل ۱۸ است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

سقف ۲ بعد از کندل ۶ در شکل (۱-۱۲) در بالای کندل ۸ روی میانگین متحرک تبدیل به یک پرچم صعودی گوه‌ای می‌شود. این پرچم همچنین یک اسپایک و کانال نزولی است که کندل ۸ سومین رانش نزولی در این کانال محسوب می‌شود که اغلب پایان کانال است.

کف ۲ در کندل ۱۰ احتمالاً نقض خواهد شد به خاطر اینکه اسپایک صعودی تا کندل ۹ قدرتمند است. ورودی کف ۱ دو کندل قبل از کندل ۱۰ است. الگو تبدیل به یک موقعیت خرید کف ۲ نقض شده در کندل ۱۱ و سپس سقف یک اسپایک و کانال در کندل ۱۲ می‌شود که کانال در سومین رانش نزولی به پایان می‌رسد که معمول است.

سقف ۲ کندل ۱۵ نقض می‌شود و الگو به سمت تلاش دیگری برای بازگشت به سمت پایین در سقف جدید روز می‌چرخد. ورودی در زیر کندل ورودی سقف ۲ است که بعد از کندل ۱۵ آمده است.



شکل (۲-۱۲) حالت شکست در ساعت اولیه

در ساعت اول، دیدن سقف دوقلو و کف دوقلو طبیعی است که بازار را در حالت شکست قرار می‌دهد. در شکل (۲-۱۲) سقف دوقلو در GS به کف دوقلو پرچم صعودی تبدیل می‌شود. این یک الگوی عادی است و باید هر دو ورودی را بگیرید (فروش زیر کندل ۴ و سپس خرید بالایی کندل ۵) و قسمتی را سوییِنگ کنید به خاطر اینکه بعد از الگوی اولی یا دومی به‌طور طبیعی یک حرکت بزرگ می‌آید. به خاطر داشته باشید، یک انتها، معمولاً در ساعات اولیه شکل می‌گیرد که به این معنی است که بازار طی بیش از دو ساعت بعدی، و اگر کل روز روند دار باشد، درکل روز از آن انتهای اولیه فاصله می‌گیرد. در اینجا GS شکاف نزولی بزرگی دارد که خط کانالی از روز قبل را در جهت نزولی شکسته و در اولین کندل روز، به سمت بالا بازمی‌گردد. بازار یک کف ۲ و یک سقف دوقلوی پرچم نزولی در روی میانگین متحرک در حال سقوط در کندل ۴، تنها برای بازگشت رو به بالا در کف دوقلوی پرچم صعودی کندل ۵ تشکیل می‌دهد. بازار پس از آن به‌اندازه ۳ دلار تا سقف روز در کندل ۶ رو به بالا می‌رود.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

شکاف‌های بزرگ در آغاز روز اغلب منجر به روز روند در یکی از دو جهت می‌شوند. در شکل (۲-۱۲) با سه کندل قدرتمند صعودی در ابتدا، یک روند صعودی محتمل‌تر است مخصوصاً بعد از بازگشت صعودی برخاسته از جهش اضافه، از کانال روند نزولی روز گذشته. بااین‌حال، روند نزولی تلاش می‌کند در میانگین متحرک خود را دوباره به اثبات برساند ولی وقتی بازار به سمت کندل ۵ پایین می‌آید، مجدداً در محدوده کف کندل ۳ خریداران قوی وارد می‌شوند. در کندل ۴ دومین تلاش برای ایجاد یک روز روند نقض می‌شود، و زمانی که دومین تلاش کندل ۵ برای ساخت یک کف، به انجام می‌رسد، قیمت پس از آن اقدام به ایجاد یک کانال صعودی می‌کند.

بازار یک اسپایک صعودی به سمت کندل ۲ و کندل ۴ و اسپایک نزولی به سمت کندل ۳ و کندل ۵ دارد. همچنان که خریداران و فروشندگان در تلاشی برای ایجاد یک کانال در مسیر خودشان به معامله کردن ادامه می‌دهند، نتیجه تلاش آن‌ها به صورت یک محدوده معامله دیده می‌شود. در اینجا بازار تشکیل یک اسپایک صعودی ۵ کندلی بسیار قوی از کندل ۵ می‌دهد و سپس یک کانال سه موجی صعودی به سمت کندل ۶ شکل می‌دهد. بعضی معامله‌گران به این نمودارها نگاه می‌کنند و فکر می‌کنند که حرکت صعودی رو به کندل ۲ یک اسپایک، و محدوده معامله به‌سوی کندل ۵ یک پولبک است که منجر به کانالی به سمت کندل ۶ می‌شود. دیگر معامله‌گران فکر خواهند کرد که اسپایک صعودی از کندل ۵ شکل غالب روز است و اینکه کانال صعودی که قبل از آن اسپایک ۵ کندلی شروع شده است به پایان می‌رسد. پاسخ مشخص وجود ندارد هردو معامله‌گران تفسیر درستی دارند. آنچه مهم است این است که ببینند که اسپایک‌های صعودی از کندل ۱ و ۵ قوی‌تر از اسپایک‌های نزولی از کندل ۲ و ۴ است و بنابراین شانس، متوجه یک کانال صعودی است.

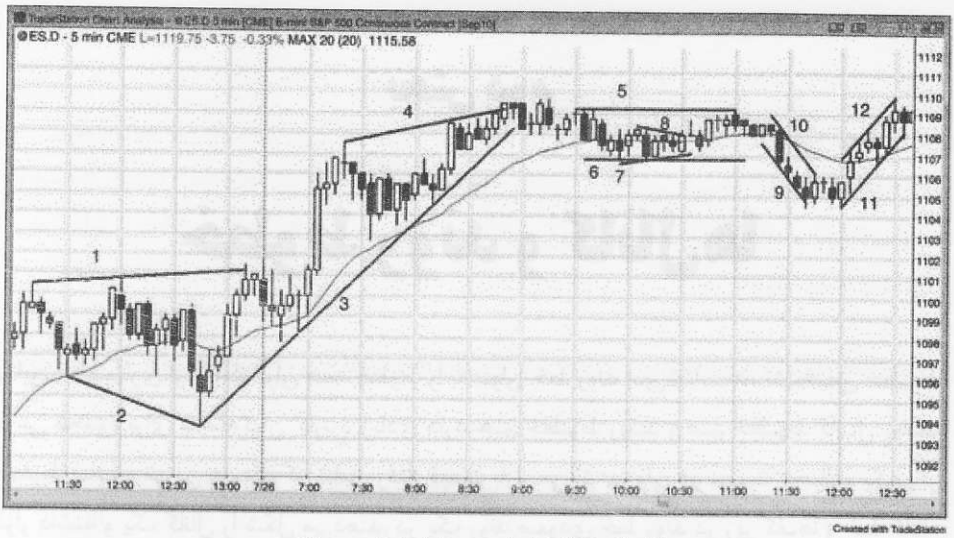
این می‌توانست روندی از آغاز روز نزولی باشد ولی در عوض تبدیل به یک روز محدوده معامله می‌شود. کندل ۷ محدوده معامله پایین‌تر را لمس می‌کند و سپس رو به بالا به سمت پایان روز، در نزدیکی سقف محدوده معامله بالاتر بازمی‌گردد.

بخش دوم

خطوط روند و کانال‌ها

با این که بسیاری از معامله‌گران همه خطوط را به‌عنوان خط روند می‌شناسند، تشخیص خطوط فرعی محدود برای معامله‌گران کاربرد زیادی دارد. هم خطوط روند و هم خطوط کانال روند، خطوط صاف و موربی هستند که شامل رفتار قیمت بازار می‌باشند، ولی در سمت مخالف یکدیگر قرار داشته و یک کانال را شکل می‌دهند. در یک روند صعودی خط روند در زیر کف‌ها و خط کانال روند در بالای سقف‌ها قرار دارد، و در یک روند نزولی خط روند در بالای سقف‌ها و خط کانال روند در زیر کف‌ها قرار دارد خطوطی که کانال‌ها را تعریف می‌کنند اغلب یا موازیند یا تا حدودی موازی هستند، اما در گوه‌ها و بیشتر مثلث‌های دیگر همگرا هستند، در مثلث‌های پهن شونده واگرا هستند. خطوط روند اغلب، معاملات هم‌جهت با روند ایجاد می‌کنند، خطوط کانال روند بیشتر برای پیدا کردن معاملات ضدروند قابل معامله استفاده می‌شوند. خطوط منحنی و باندها خیلی ذهنی هستند و بنابراین هنگام تلاش جهت اجرای سریع معامله، به تفکر زیادی نیازمندند.

یک کانال می‌تواند صعودی، نزولی، یا بدون روند، به‌عنوان حالتی از محدوده معامله باشد. وقتی کانالی بدون روند باشد، خطوط افقی هستند و خط بالایی خط مقاومت و خط پایینی خط حمایت می‌باشد. بعضی معامله‌گران سهام، به خطوط مقاومت به‌عنوان محدوده توزیع نگاه می‌کنند، جایی که معامله‌گران از خریدشان خارج می‌شوند و خطوط حمایت را به‌عنوان محدوده‌ای برای تجمیع می‌شناسند، جایی که معامله‌گران به خریدشان می‌افزایند. بااین‌حال، با وجود مؤسسات زیادی که اکنون به‌اندازه خریدشان می‌فروشند، یک خط مقاومت به همان اندازه که محدوده‌ای برای خروج از معامله فروش است، به همان اندازه ناحیه‌ای برای ورود به خریدهای جدید می‌باشد.



شکل (PII-۱) خطوط، روندها را مشخص می‌کند

خطوط می‌توانند جهت مشخص کردن رفتار قیمت ترسیم شوند که شروع و مدیریت معامله را آسان‌تر می‌کنند (شکل (PII-۱) را ببینید).

خط ۱، خط کانال روندی در بالای یک مثلث پهن شونده است؛ و خط ۲، یک خط کانال روند در پایین یک مثلث پهن شونده است. به دلیل اینکه کانال پهن شونده است روندی وجود ندارد بنابراین خط روند وجود ندارد.

خط ۳ یک خط روند در زیر کندل‌ها در یک روند صعودی بوده و یک خط حمایت محسوب می‌شود، ولی خط ۱۰ یک خط روند در بالای سقف‌ها در یک روند نزولی یک خط مقاومت شمرده می‌شود.

خط ۴ یک خط کانال روند در یک روند صعودی و در بالای سقف‌ها است و خط ۹ یک خط کانال روند دریک روند نزولی است و در زیر کف‌ها قرار دارد.

خطوط ۵ و ۶ خطوط افقی در یک محدوده معامله هستند که یک کانال افقی است. خط ۵ در بالای سقف‌ها و یک خط مقاومت است و خط ۶ در زیر کف‌ها و یک حمایت است.

کانالی که به‌وسیله خطوط ۳ و ۴ تشکیل می‌شود همگرا و صعودی است و بنابراین گوه محسوب می‌شود.

خط ۷ و ۸ در یک مثلث کوچک متقارن خطوط روند هستند که یک کانال همگرا می‌باشد. ازآنجایی‌که در یک مثلث متقارن یک روند صعودی کوچک و یک روند نزولی کوچک وجود دارد، کانال از دو خط روند ساخته شده است و خط کانال روندی وجود ندارد. یک مثلث همگرا می‌تواند

به متقارن، افزایشی و کاهشی تقسیم شود. ولی ازآنجایی‌که همه آن‌ها به یک روش معامله می‌شوند، این اصطلاحات ضروری نیستند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (PII-۱) اولین کندل آن روز، سقف روز قبل را روبه بالا می‌شکند ولی شکست نقض می‌شود. ازآنجایی‌که ۶ کندل آخر روز گذشته کندل‌های روند صعودی بودند، تنها یک ورودی فروش ثانویه می‌تواند مدنظر باشد، ولی هیچ سیگنال منطقی وجود ندارد. بازار در ۷ کندل اول، وارد محدوده معامله کوچکی می‌شود، و بنابراین بازار در حالت شکست قرار دارد. معامله‌گران روی سفارشی در یک تیک بالای سقف خرید کرده و در یک تیک پایین کف محدوده اولیه روز فروششان را انجام می‌دهند. بازار به سمت بالا شکسته می‌شود و کمترین هدف آن حرکتی اندازه‌گیری شده به‌اندازه ارتفاع مثلث پهن شونده است.

۱۳

خطوط روند

خط روند صعودی خطی است که از کف‌ها در یک روند صعودی ترسیم می‌شود، و خط روند نزولی خطی است که در یک روند نزولی از سقف‌ها ترسیم می‌شود. زمانی که در جهت روند روی پولبک‌ها و در خلاف جهت روند بعد از شکست خط روند، در جستجوی ورودی‌ها هستید، یک خط روند بیشترین کمک را به شما می‌کند. خطوط روند می‌توانند با استفاده از نقاط سوییِنگ یا با استفاده از بهترین تکنیک‌ها مانند محاسبات رگرسیون خطی[1] یا به‌طور ساده با ترسیم تقریبی سریع ترسیم شوند. همچنین خطوط روند می‌توانند به‌عنوان یک خط موازی با خط کانال روند ترسیم شوند و سپس با کشیدن آن به سمتی از کندل که باید خط روند باشد به وجود آیند، ولی این روش بندرت موردنیاز می‌شود زیرا معمولاً خط روند قابل‌قبولی وجود دارد که می‌تواند با استفاده از نقاط سوییِنگ ترسیم شود. بعضی مواقع منطبق‌ترین خط روند را می‌توان با استفاده از بدنه کندل‌ها و با نادیده گرفتن سایه‌ها ترسیم کرد؛ این در الگوهای گوه معمول است که اغلب شکل گوه‌ای ندارند. درواقع وقتی‌که خط روند واضح است نیازی به ترسیم آن نیست. اگر خطی را رسم می‌کنید بعد از اینکه بررسی کردید که بازار آن را لمس کرد، معمولاً می‌توانید لحظاتی بعد آن را پاک کنید، زیرا خطوط زیاد بر روی نمودار می‌توانند گیج کننده باشند.

---

[1]. رگرسیون خطی نوعی تابع پیش‌بینی کننده خطی است که در آن متغیر وابسته – متغیری که قرار است پیش‌بینی شود – به‌صورت ترکیبی خطی از متغیرهای مستقل پیش‌بینی می‌شود. م

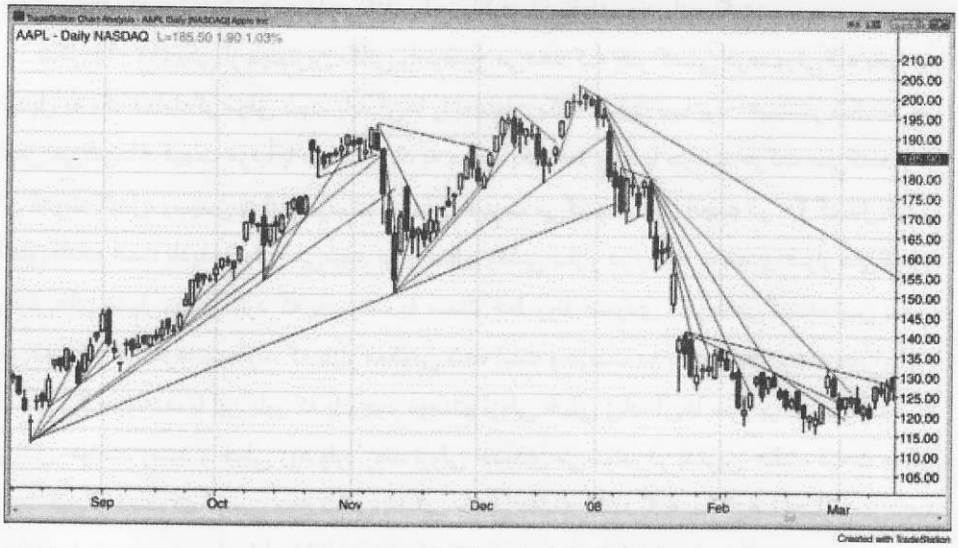
زمانی که روندی بر اساس یک سری از کف‌ها و سقف‌ها ایجاد می‌شود، سودمندترین معاملات، در جهت روند هستند تا اینکه خط روند شکسته شود. در هر زمان که قیمت به محدوده‌ای در اطراف خط روند به عقب کشیده شود، حتی اگر به خط روند نرسیده یا از آن بیش‌ازاندازه دور شده باشد، به دنبال یک بازگشت از خط روند باشید و سپس در جهت روند وارد شوید. حتی بعد از شکست یک خط روند، درصورتی‌که قیمت طی چندین کندل تحت تأثیر روند بوده باشد، شانس لمس مجدد منتهی‌الیه روند بعد از یک پولبک زیاد است. پس از تست خط روند ممکن است، ادامه روند یا بازگشت روند وجود داشته باشد، یا قیمت وارد یک محدوده معامله شود. تنها نکته مهم در مورد شکست یک خط روند این است که آن شکست اولین نشانه به پایان رسیدن کنترل قیمت به دست فقط یک سمت از بازار (خریداران یا فروشندگان) می‌باشد و حال شانس معامله دوطرفه بسیار افزایش می‌یابد. بعد از هر شکست خط روند، نقطه سوییینگ جدیدی بوجود خواهد آمد که بر اساس آن می‌توان خط جدیدی را ترسیم کرد. به‌نوعی، هر خط پی‌درپی شیب کمتری نسبت به خط قبلی خود دارد که نشان‌دهنده این است که روند در حال از دست دادن مومنتم است. در نقاطی، خط روند در جهت مخالف مهم‌تر خواهد شد از این جهت که کنترل بازار از دست خریداران به دست فروشندگان یا بلعکس خواهد افتاد.

اگر قیمت مرتباً طی چندین بارو با تعداد کندل نسبتاً کمی خط روندی را لمس کند و نتواند از خط روند خیلی منحرف شود، یکی از دو حالت احتمالاً رخ خواهد داد. بیشتر اوقات، قیمت خط روند را خواهد شکست و تلاش خواهد کرد که روند را معکوس کند. بااین‌حال، گاهی اوقات قیمت کاری برخلاف آن را انجام می‌دهد و به‌سرعت از خط روند دور می‌شود به خاطر اینکه معامله‌گران دست از تلاش برای شکستن خط روند برمی‌دارند. آنگاه روند بیشتر از بازگشت‌ها شتاب می‌گیرد.

قدرت شکستن خط روند شاخصی را برای قدرت معامله‌گران مخالف روند فراهم می‌آورد. هر چه حرکت در خلاف جهت روند سریع‌تر و بزرگ‌تر باشد، احتمال رخ دادن یک بازگشت بیشتر خواهد شد، ولی معمولاً اول انتهای روند را لمس می‌کند (برای مثال، به شکل یک سقف پایین‌تر یا یک سقف بالاتر در تست سقف روند صعودی).

در نظر گرفتن شکاف اولیه قیمت و هر کندل روند بزرگ، به‌منظور شکست مؤثر، به معامله‌گر کمک می‌کند و با هرکدام باید به‌عنوان روندی یک کندلی رفتار شود، چراکه شکست به‌طور معمول نقض می‌شود و در صورت وجود یک موقعیت می‌بایست آن‌ها را در جهت مخالف روند معامله کنید. هر حرکت بدوند روند در طول چند کندل بعدی روند را خواهد شکست. معمولاً، آن کندل‌ها پرچمی را بر پا کرده و به دنبال آن‌ها حرکتی در جهت روند به سمت خارج پرچم می‌آید، ولی بعضی مواقع شکست آن پرچم‌ها نقض خواهد شد و بازار بازخواهد گشت. ازآنجایی‌که کندل‌های

بدون روند، خط روند پرشیب را می‌شکنند، درصورتی‌که سیگنال بازگشت خوبی وجود داشته باشد، باید به دنبال آن باشید که معاملات خود را در جهت خلاف روند انجام دهید.



شکل (۱-۱۳) تمام خطوط روند مهم هستند

کدام خط روند معتبر است؟ هرکدام از آن‌ها که می‌توانید ببینید پتانسیل ایجاد یک معامله را دارند. هر نقطه پیوت ممکن را جستجو کنید و ببینید آیا یک نقطه قبلی وجود دارد که بتوان به خط روند متصل کرد و سپس خط را به سمت راست بکشید و ببینید که قیمت در زمان لمس یا نفوذ چگونه به آن خط پاسخ می‌دهد. توجه کنید چگونه خطوط روند متوالی تمایل دارند تا افقی‌تر شوند تا به نقاطی برسند که خطوط روند جهت مخالف اهمیت بیشتری پیدا کنند.

در عمل، وقتی خط روندی احتمالی را مشاهده می‌کنید و مطمئن نیستید که با کندل اخیر چقدر فاصله دارد، آن را ترسیم کنید تا ببینید که آیا بازار با آن برخورد کرده است سپس سریع آن را پاک کنید. خطوط روی نمودارتان را برای بیش از چند ثانیه نیاز ندارید زیرا حواستان را پرت خواهد کرد. باید بر روی کندل‌ها تمرکز کنید تا چگونگی رفتار آن‌ها را هنگامی‌که به خط روند نزدیک می‌شوند بررسی کنید، نه روی خطوط روند.

همچنان که روند به پیشروی خود ادامه می‌دهد، حرکات ضد روند خطوط روند را می‌شکنند و معمولاً شکست‌ها نقض می‌شوند و ورودی‌هایی در جهت روند ایجاد می‌کنند. هر شکست دچار واماندگی شده تبدیل به نقطه ثانویه برای ایجاد روند جدید، بزرگتر و با شیب کمتر می‌شود. سرانجام یک شکست نقض شده از رسیدن به منتهی‌الیه جدید ناکام می‌ماند. این ناکامی ایجاد

پولبکی می‌کند که ممکن است تبدیل به یک روند جدید مخالف جهت روند فعلی شود و مجوز ترسیم خط روند در جهت مخالف را صادر می‌کند. بعد از شکسته شدن خط روند اصلی، خط روند جهت مخالف اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و احتمالاً در آن نقطه روند بازمی‌گردد.

شکل (۱-۱۳) یکی از مهم‌ترین نکاتی را توضیح می‌دهد که هر کسی درصورتی‌که بخواهد تبدیل به یک معامله‌گر موفق شود، باید آن‌ها را به‌عنوان یک حقیقت بپذیرد—«بیشتر شکست‌ها نقض می‌شوند!». قیمت مرتباً با مومنتم زیاد به سمت یک خط روند با سرعت حرکت می‌کند و با آن قدرت کندل، رسیدن به این مومنتم به‌آسانی صورت می‌گیرد و هر آنچه در ۲۰ کندل قبلی اتفاق افتاده است نادیده گرفته می‌شود. برای مثال، وقتی بازار در روند صعودی قرار می‌گیرد، ریزش‌های بسیار زیادی دارد که به‌سرعت به سمت خط روند صعودی سقوط می‌کنند. این باعث می‌شود که تازه‌کارها بپندارند که بازار معکوس شده است و درست در بالای خط روند، روی آن و یا در زیر آن بفروشند، با این باور که با وجود مومنتم نزولی خیلی زیاد، آن‌ها سوار بر آن موج، به سود زیادی خواهند رسید و خیلی زود وارد روند نزولی جدیدی می‌شوند. در بدترین حالت، قیمت ممکن است قبل از دست‌کم دومین موج نزولی، اندکی جهش داشته باشد که به آن‌ها اجازه می‌دهد بتوانند با سود سربه‌سر از بازار خارج شوند. وقتی‌که تصمیم خود را با این امید که روند جدیدی در حال شروع شدن است می‌گیرند که در جهت مخالف روند معامله کنند، تمام آنچه آن‌ها می‌بینند سودی است که ایستاده‌اند تا آن را دریافت کنند. بااین‌وجود، آن‌ها دو ملاحظه واجب برای هر معامله را در نظر نمی‌گیرند: ریسک و احتمال موفقیت. تمام این سه مورد باید قبل از استقرار یک معامله مورد ارزیابی قرار گیرند[1].

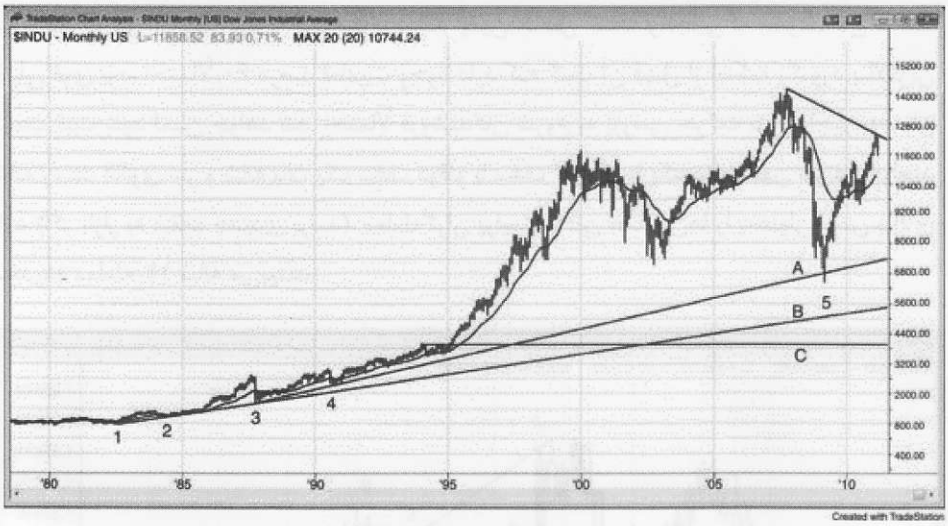
زمانی که تازه‌کاران در ریزش قوی نزدیک خط روند صعودی معامله فروش انجام می‌دهند، معامله‌گران با تجربه برخلاف این کار را در نظر می‌گیرند. آن‌ها سفارشات حد خرید[2] خود را درروی خط روند و درست زیر آن قرار می‌دهند، یا با سفارشات خرید[3] در آنجا معامله خواهند کرد. قیمت در طول یک ریزش تند معمولاً باید حداقل اندکی به زیر خط روند برود تا اطلاعاتی به دست آورد. باید بداند که آیا فروشندگان بیشتر هستند یا خریداران. بیشتر اوقات خریداران بیشتر خواهند بود و روند صعودی از سر گرفته خواهد شد، ولی تنها بعد از اینکه شکست بزرگی در زیر خط روند رخ داد و سپس رالی دیگری که سقف روند صعودی قدیم را با تشکیل یک سقف بالاتر یا یک سقف پایین‌تر لمس کرد، بازگشت روند انجام می‌پذیرد.

---

[1]. مقدار سود، مقدار ریسک، احتمال موفقیت. م

[2]. BUY LIMIT

[3]. BUY STOP



شکل (۲-۱۳) خطوط روند ماهانه

خطوط روند در تمامی تایم فریم‌ها مهم هستند، از جمله نمودار ماهانه صنایع داو جونز (INDU). توجه داشته باشید در شکل[1] (۲-۱۳) چگونه ریزش سال ۱۹۸۷، در کندل ۳ روی لمسی بر خط روند B ترسیم‌شده از کندل ۱ و ۲ به پایان رسیده است. بازار نزولی سال ۲۰۰۹، از خط روند A که از ریزش سال ۱۹۸۷ و کف ۱۹۹۰ ترسیم شده است، به سمت بالا بازمی‌گردد، ولی به دلیل اینکه روند نزولی سال ۲۰۰۹ خیلی قدرتمند است، احتمال معقولی وجود دارد که بازار دوباره خط B را تست کند. بعید است که بازار تمام مسیر را تا شکست خط C بازگردد که با به قدرت رسیدن جمهوری خواهان در مجلس نمایندگان و مجلس سنا در سال ۱۹۹۴ هم‌زمان شده است. معمولاً وقتی‌که به دنبال یک شکست، روندی طولانی می‌آید، احتمال لمس دوباره روند بسیار کم است، ولی معمولاً تست می‌شود. ازآنجایی‌که ما هرگز به‌طور مؤثر آن را تست نمی‌کنیم، ممکن است به شکل چیزی مانند کشش باقی بماند، و قیمت را به سمت پایین بکشد. بااین‌حال، قبل از آن کندل‌های زیادی وجود دارند و احتمالاً مقداری یا تمام نیروی جاذبه خود را از دست می‌دهد.

ضمناً، جهت بازار معمولاً در حدود ۵۰ درصد قطعی است زیرا در بیشتر مواقع خریداران و فروشندگان قدرت برابری دارند. بااین‌حال، وقتی روند قدرتمندی وجود دارد، معامله‌گران اغلب

[1]. توجه داشته باشید که در متن اصلی کتاب این توضیحات مربوط به شکل (۳-۱۳) آمده است ولی با توجه به اینکه توضیحات مربوط به نمودار ماهانه (INDU) می‌باشد، این توضیحات نمی‌تواند مربوط به تصویر (۳-۱۳) باشد، زیرا تصویر مذکور اولاً مربوط به (INDU) نیست، ثانیاً نمودار شکل (۳-۱۳) یک نمودار ۵ دقیقه‌ای است نه ماهانه، بنابراین احتمالاً این توضیحات مربوط به شکل (۲-۱۳) است و به‌تبع آن شکل‌های قبل و بعد از این هم به‌اشتباه و جابجا توضیح داده شده است که در ترجمه این مورد اصلاح شده است. م

می‌توانند در مورد جهت بازار ۶۰ درصد یا بیشتر یقین حاصل کنند. ازآنجایی‌که سقوط سال ۲۰۰۹ خیلی قوی بود، احتمالاً ۶۰ درصد قطعیت وجود دارد که کف آن قبل از اینکه رکورد بالاترین قیمت ثبت شود لمس خواهد شد. احتمالاً فروشندگان شروع به بررسی حرکت نزولی اخیر به‌عنوان شانه راست الگوی سر و شانه بالا، یک سقف دوقلو با سقف ۲۰۰۷، یا یک مثلث پهن شونده خواهند کرد (اگر بازار به سقف جدیدی برسد). معامله‌گران پرایس اکشن همه این‌ها را به‌عنوان لمس بالای محدوده معامله ۱۲ ساله می‌بینند.



شکل (۳-۱۳) خط روند به‌عنوان یک توازی ایجاد شده است

خط روند می‌تواند به‌موازات خط کانال روند ترسیم شود، ولی بندرت معاملاتی را فراهم می‌کند که قبلاً با استفاده از تحلیل‌های پرایس اکشن معمول‌تر دیگری آشکار نشده باشند.

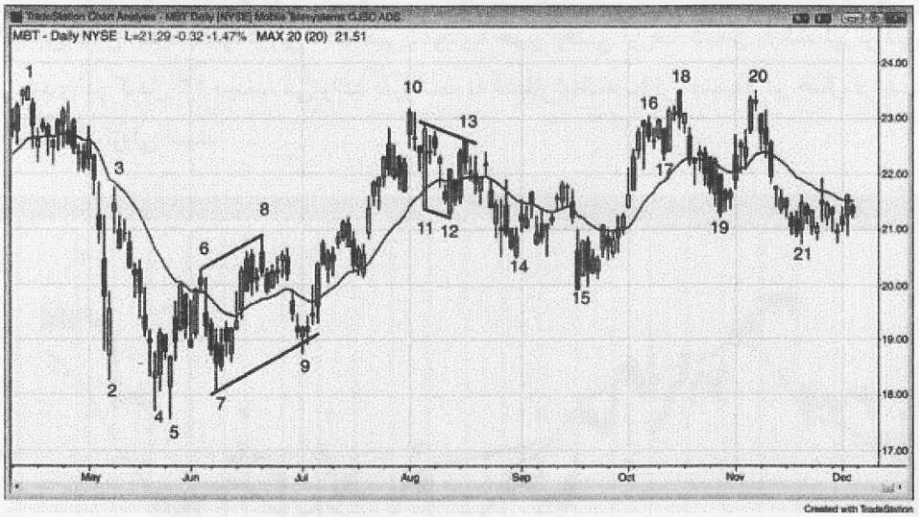
در شکل (۳-۱۳)، یک خط کانال روند برای ترسیم یک خط موازی از کندل‌های ۱ تا ۴ استفاده شده است و خط موازی به سمت مقابل قیمت کشیده شده و در سقف کندل ۲ قفل می‌شود (زیرا این شامل ابتدا و انتهای خط کانال روند تمام قیمت‌ها از ۱ تا ۴ است).

کندل ۶ دومین تلاش برای بازگشت شکست در بالای آن خط است و بنابراین موقعیت خوبی برای فروش است.

خط روندی که به‌موازات خط کانال روند از کندل ۱ تا ۴ ترسیم شده است، از خط روند ایجادشده از سقف‌های کندل ۲ و کندل ۵ (نشان داده نشده است) تقریباً غیرقابل تشخیص است و بنابراین به معامله‌گری که در جستجوی فروش است، چیزی اضافه نمی‌کند. این خط تنها برای تکمیل مطالب نشان داده شده است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

کندل ۶ در شکل (۳-۱۳) یک جهش اضافه شکست‌خورده از خط کانال روند کندل‌های ۳ و ۵ است که موقعیت فروش کندل ۶ را مثالی از یک معامله خطوط دوئل[1] می‌سازد. این جایی است که یک خط کانال در یک پولبک یا یک موج از یک کانال، خط کانال روند را قطع می‌کند. در اینجا، پولبک به خط روند به شکل یک پرچم نزولی گوه‌ای ایجادشده به‌وسیله کندل‌های ۳،۵ و ۶ است.



شکل (۴-۱۳) خط کانال روند ایجاد یک کانال می‌کند

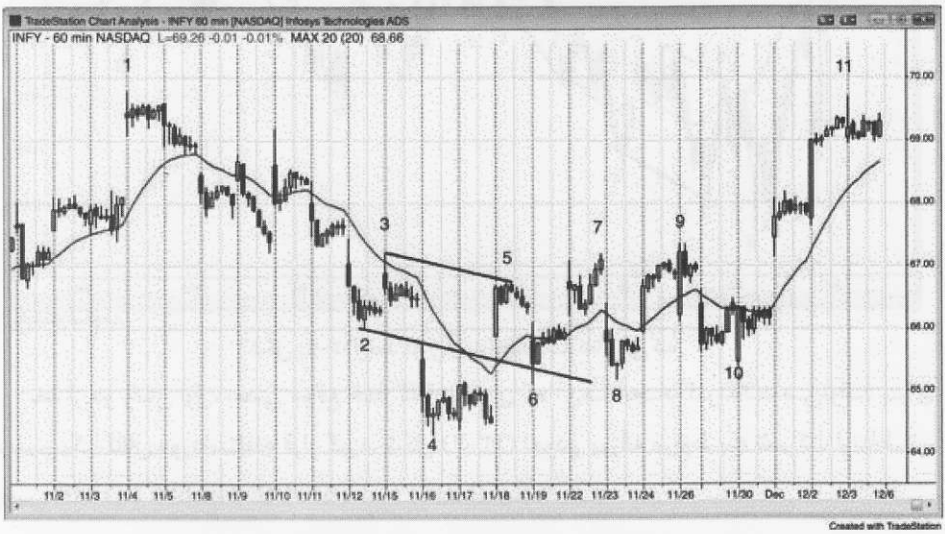
بعد از دو رانش اول، بعضی مواقع خط کانال روندی که آن‌ها ایجاد کرده‌اند می‌توانند برای ترسیم یک کانال مورداستفاده قرار گیرد. شکل (۴-۱۳) نمودار روزانه مربوط به شرکت ارتباطاتی روسی MOBIE TELESYSTEMS با نماد (MBT) است.

---

[1]. هنگامی‌که یک پولبک مشمول یک خط کانال روند باشد و در یک حمایت یا مقاومت از تایم فریم بالاتر به اتمام برسد، این یک الگوی خط دوئل است و اغلب منجر به معامله قابل‌اعتمادی در جهت روند بزرگتر می‌شود. این روندی کوتاه‌مدت است که در حمایت یا مقاومت روند بلندمدت خاتمه می‌یابد.

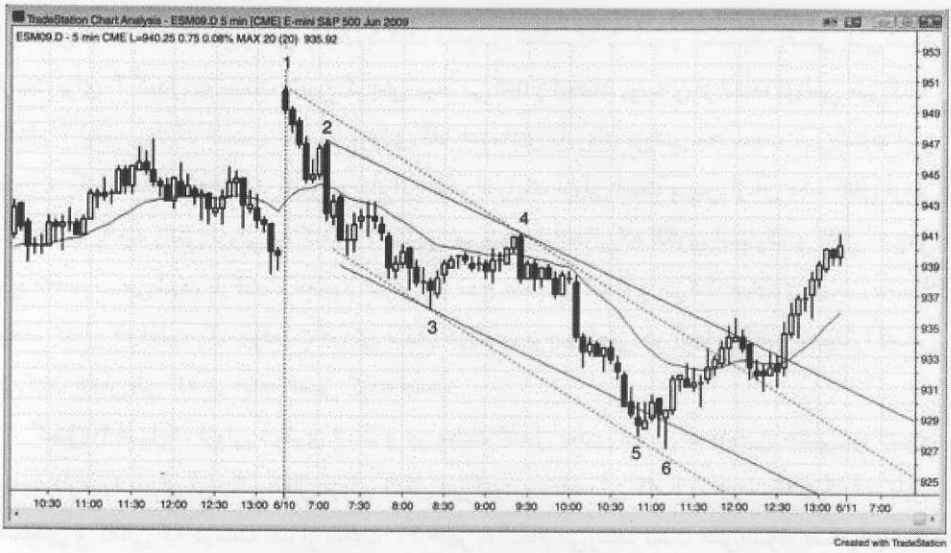
رانش صعودی رو به کندل ۶ دارای قدرت زیادی است و دومین رانش صعودی قوی به سمت کندل ۸ حرکت می‌کند. بعد از کف گوه در کندل ۴، قیمت احتمالاً درحال‌توسعه یک بازگشت روند و یک کانال صعودی است. معامله‌گران می‌توانند از خط کانال روند از کندل ۶ تا کندل ۸ جهت ترسیم یک خط موازی استفاده کنند و سپس می‌توانند آن خط را تا کف سوینگ در کف کندل ۷ بین آن دو بکشند تا یک کانال ایجاد شود. معامله‌گران سپس ریزش از کندل ۸ را نظاره می‌کنند تا ببینند آیا به دنبال آن در کف کانال یک بازگشت صعودی هم می‌آید یا خیر. کندل بازگشتی صعودی ۹ موقعیت خرید است.

به همین ترتیب کندل ۱۰ در محدوده سقف کندل ۱ است، بنابراین معامله‌گران از امکان وجود یک سقف دوقلو آگاه هستند. بازار شکاف نزولی در کندل ۱۱ و موج نزولی دیگری به‌سوی کف کندل ۱۲ دارد. معامله‌گران می‌توانند یک خط کانال روند نزولی از کف‌هایشان ترسیم کنند و سپس می‌توانند آن خط را به سقف بین آن‌ها بکشند که می‌تواند سقف کندل ۱۱ باشد. آن‌ها پس از آن منتظر یک رشد قیمتی برخاسته از کف کندل ۱۲ خواهند ماند تا ببینند آیا مقاومتی در بالای این کانال جدید بالقوه نزولی دیده می‌شود یا خیر. وقتی آن‌ها کندل بازگشتی نزولی قدرتمندی در کندل ۱۳ دیدند، می‌توانند بفروشند، به انتظار اینکه بازار احتمالاً در حال فرایند ساخت کانال نزولی است.



شکل (۵-۱۳) سروشانه با استفاده از خط کانال روند

همان‌طور که در شکل (۵-۱۳) نشان داده شده است، وقتی یک الگوی سروشانه احتمالی برپا می‌شود (محدوده اطراف کندل ۴ سر این الگو است)، یک خط کانال روند از خط گردن ترسیم می‌شود (کندل‌های ۳ و ۵) و به شانه چپ کشیده می‌شود (کندل ۲) بعضی مواقع موقعیت تقریبی شکل‌گیری شانه راست را نشان می‌دهد (کندل ۶). وقتی بازار به آن سطح سقوط می‌کند، معامله‌گران شروع به جستجوی موقعیت خرید می‌کنند، مانند کندل قدرتمند داخلی صعودی که بعد از کندل اوج فروش ۶ آمده است. این از اهمیت کمتری برخوردار است زیرا بیشتر کندل‌های اخیر همیشه در تصمیم‌گیری موقعیت ورود خیلی مهم‌تر هستند. این نمودار ۶۰ دقیقه‌ای از INFOSYS TECHNOLOGIES با نماد (INFY)، یکی از شرکت‌های پیشرو در نرم‌افزار در هند است.



شکل (۶-۱۳) خط کانال روند ایجاد کانال می‌کند

در شکل (۶-۱۳)، خط کانال روند نقطه‌چین که از کف کندل ۳ تا درست کف کندل ۵ ترسیم شده است به‌عنوان یک خط موازی با خط روند نزولی نقطه‌چین ترسیم‌شده از سقف کندل‌های ۱ و ۴ است. با اینکه نه کندل ۵ و نه کندل ۶ آن را لمس نکرده‌اند، به‌اندازه کافی نزدیک شده‌اند و بسیاری از خریداران خواهند پذیرفت که کف کانال تا اندازه قابل‌قبولی تست شده است بنابراین بازار می‌تواند برای خرید مناسب باشد. بااین‌حال، بسیاری از معامله‌گران ترجیح می‌دهند که قبل از جستجو برای یک بازگشت صعودی، نفوذ در کانال را مشاهده کنند که باید به‌عنوان کمترین هدف به سقف کانال نفوذ کند.

وقتی یک خط کانال روند آن‌قدر شیب دارد که لمس می‌شود ولی شکسته نمی‌شود، بهتر است روش‌های دیگری را برای ترسیم خط جستجو کنید. شاید بازار چیزی را می‌بیند که شما هنوز نمی‌توانید ببینید. ازآنجایی‌که روند نزولی با شدت زیاد، با کندل روند نزولی بزرگ ۲ شروع می‌شود، معقولانه است که به‌عنوان نقطه شروع یک خط روند در نظر گرفته شود. اگر خط روندی را از کندل ۱ تا ۴ ترسیم کنید و سپس یک خط به‌موازات آن بکشید و آن خط موازی را تا کف کندل ۳ ادامه دهید، متوجه خواهید شد که کندل ۶ دومین بازگشت صعودی از جهش کف آن کانال است (اولین بازگشت کندل ۵ بود). بازار، همان‌طوری که انتظار می‌رود، رشد کرده و سقف کانال را رو به بالا می‌شکند. سپس پولبک زده و حتی بیش‌ازپیش حرکت می‌کند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

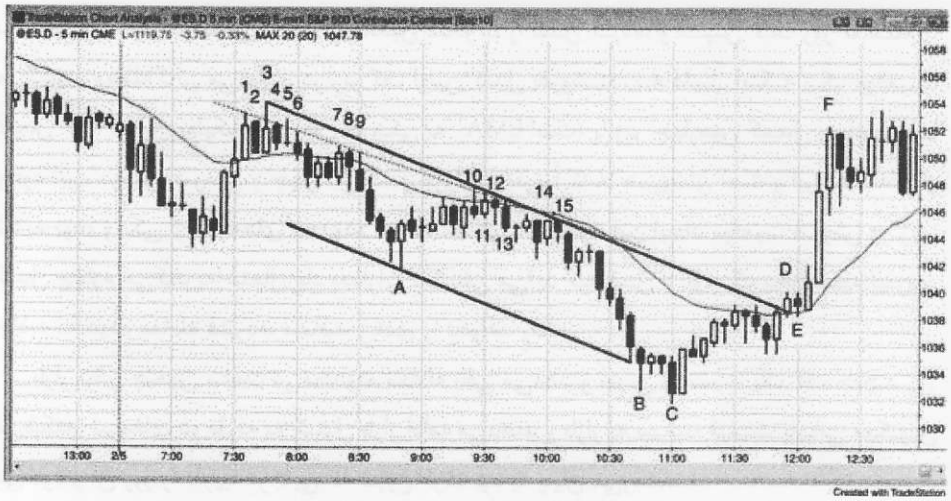
در شکل (۶-۱۳) سقف روز قبل با یک شکاف صعودی شکسته شده، و شکست نقض می‌شود. قیمت برای ۴ کندل به سمت پایین گرایش پیدا می‌کند و ایجاد روندی از ابتدا نزولی می‌کند. کندل ۲ اولین پولبک است و معمولاً ورودی قابل‌اعتمادی به روند نزولی محسوب می‌شود. این حرکت یک شکست به سمت پایین و بنابراین یک اسپایک نزولی است و پس از آن یک کانال نزولی می‌آید که با سه رانش نزولی به کندل ۳ منتهی می‌شود. ازآنجایی‌که الگوی اسپایک و کانال[1] نوعی اوج محسوب می‌شود، بازگشت معمولاً دارای دو موج صعودی است و حرکت صعودی قیمت معمولاً سقف کانال که اغلب یک موقعیت فروش سقف دوقلوی پرچم نزولی در آنجا برپا می‌شود را لمس می‌کند، همان‌طور که در اینجا لمس کرده است.

کندل ۴ اسپایک نزولی دیگری است و در هشت کندل بعدی اسپایک نزولی حتی بزرگتری وجود دارد. به دنبال آن یک کانال نزولی شکل می‌گیرد و سقف آن کانال به‌وسیله یک اسپایک صعودی و کانالی که درست بعد از ساعت ۱۲ ظهر به اتمام می‌رسد، تست می‌شود. بعدازآن یک ریزش ۴ کندلی وجود دارد که نزدیک کف آن کانال صعودی را لمس کرده و یک کف دوقلوی پرچم صعودی را برپا می‌کند و سپس رانش قدرتمندی که سقف کندل ۴ را لمس می‌کند. این یک موقعیت سقف دوقلوی پرچم نزولی بالقوه است که به روز بعد موکول می‌شود.

---

[1]. الگوی اسپایک و کانال الگویی است با دو مؤلفه. هر روند دارای فاز اسپایک و فاز کانال است و هر روندی در تمام اوقات در یکی از این دو فاز قرار دارد. نخست، یک اسپایک متشکل از یک یا چند کندل وجود دارد، جایی که قیمت حرکت سریع انجام می‌دهد. حس ضرورت در اینجا وجود دارد و همگی بر این باورند که قیمت بیش از این حرکت خواهد کرد. اسپایک، یک شکاف فرار است (در کتاب ۲ با این نوع از شکاف آشنا خواهید شد) که در آن قیمت از یک سطح قیمتی با سرعت زیاد به سطح دیگری حرکت می‌کند. دوم، یک پولبک وجود دارد که می‌تواند به کوتاهی یک کندل باشد یا به‌اندازه چندین کندل طول بکشد و حتی به ورای نقطه شروع اسپایک برگردد. م

متوسط محدوده روز در حدود ۲۰ پوینت است، بنابراین قیمت به‌اندازه ۲۰ پوینت از اولین قیمت خود پایین آمده است، این دلیل دیگری برای معامله‌گران است که به دنبال یک جهش باشند.



شکل (۷-۱۳) لمس‌های پی دی پی خط روند

همان‌طور که در شکل (۷-۱۳) نشان داده شده است، خط نقطه روند نزولی در حدود ۱۵ بار لمس شده است و سرانجام خریداران از تلاش بیشتر دست می‌کشند. خط روند فوق منطبق‌ترین خطی است که از سقف‌ها عبور می‌کند تا تمام لمس‌های خط مقاومت را نمایش دهد. خریداران سرانجام تلاش خود را متوقف می‌کنند. آن‌ها خریدهایشان را می‌فروشند و به فشار فروش بازار می‌افزایند، و دست از جستجوی موقعیت خرید می‌کشند تا اینکه قیمت چند کندل بیشتر سقوط کند؛ بنابراین بازار بسیار یک طرفه می‌شود و فروشندگان قادرند که به روند نزولی شتاب ببخشند. معمولاً وقتی قیمت خط روندی را مرتباً لمس کند و نتواند از آن به سمت پایین سقوط کند، آن را روبه بالا می‌شکنند. در سایر مواقع، مانند اینجا، بازار به سمت پایین شتاب گرفته و در نزدیکی کف یک کانال، یک اوج را به اتمام می‌رساند. خط روندی که با عبور از سقف کندل‌های ۳ و ۱۵ ترسیم شده است، شامل تمام سقف‌ها می‌باشد و بنابراین انتخاب معقولی برای سقف یک کانال است. یک خط موازی در کف کندل A موقعیت می‌گیرد و هردو کندل B و C کف کانال را شکسته و به سمت بالا بازمی‌گردند. وقتی‌که بازگشت به‌وسیله بازگشت دو کندلی در کندل C و کندل بعدازآن تأیید می‌شود، اولین هدف این موج صعودی تست سقف کانال است. یک شکست در کندل D وجود دارد، سپس یک مکث یک کندلی که نوعی پولبک است. بازار در خط روند نزولی بجایی پیدا کردن

مقاومت و فروشندگان، خرید قدرتمندی پیدا کرده و شکست صعودی قدرتمندی در بالای کانال نزولی پیدا می‌کند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار در روز جاری در شکل (۷-۱۳) میانگین متحرک را لمس کرده، و سپس کف روز گذشته را می‌کشند. معامله‌گران می‌توانند در زیر کف اولین کندل بفروشند، به دلیل اینکه یک موقعیت فروش کف ۲ (این پولبک دو موجی کوچکی به EMA[1] است) یا زیر چهارمین کندل روزاست. با وجود این، دومین، سومین و چهارمین کندل بزرگ و تقریباً کاملاً همپوشان است و این نشانه‌ای از تردید بوده و یکی از نشانه‌های محدوده معامله محسوب می‌شود. این ایجاد موقعیت فروش در زیر کندل چهارم می‌کند به‌احتمال‌زیاد بعدازآن شکستی می‌آید که قبل از پولبک به‌واسطه نیروی جاذبه محدوده معامله فشرده، مسافت زیادی را نخواهد رفت.

بازار برای چندین ساعت در محدوده معامله باقی می‌ماند و سپس به سمت یک کف جدید روز می‌شکند. نیروهای دو طرفه به کنترل بازار ادامه می‌دهند و بازار به سمت قیمت پایانی معکوس می‌شود و آن روز را تقریباً درجایی که شروع کرده بود به پایان می‌رساند.

---

[1]. میانگین متحرک نمایی.

۱۴

خطوط کانال روند

در یک کانال صعودی یا نزولی، خط کانال روند در سمت مقابل رفتار قیمت خط روند است و شیب کلی یکسانی با خط روند دارد. در یک روند صعودی، خط روند در زیر کف‌ها و خط کانال روند در بالای سقف‌ها قرار دارند و هر دو از چپ به راست صعودی هستند. خط کانال روند ابزار مفیدی برای معامله کردن در جهت مخالف روندی است که مسافتی طولانی را با سرعت زیادی حرکت کرده باشد. به دنبال اضافه جهشی باشید معکوس شده باشد، مخصوصاً اگر برای دومین بار در خط کانال روند نفوذ کرده و مجدداً بازگردد.

یک کانال روند می‌تواند خطوط تقریباً موازی داشته باشد، یا خطوط می‌توانند همگرا یا واگرا باشند. وقتی آن‌ها همگرا هستند و کانال صعودی یا نزولی است، آن کانال یک گوه محسوب می‌شود و این اغلب موقعیت معامله معکوسی را ایجاد می‌کند. در کل، هر کانالی که از چپ به راست صعودی باشد می‌تواند به‌عنوان یک گوه نزولی در نظر گرفته شود و این احتمال وجود دارد که کانال از قسمت پایین شکسته شود. شکست می‌تواند منجر به یک بازگشت روند یا محدوده معامله شود که این محدوده می‌تواند از پایین یا بالا شکسته شود. بعضی مواقع بازار به سمت بالا شتاب گرفته و سقف کانال را می‌شکند. وقتی این اتفاق می‌افتد، معمولاً یک رالی صعودی اوجی است که منجر به بازگشت به داخل و به سمت کف کانال شده و اغلب از کف آن عبور می‌کند، ولی بعضی مواقع می‌تواند شروع موج صعودی دیگری در داخل یک روند صعودی حتی قوی‌تر باشد.

به همین ترتیب کانالی که از راست به چپ شیب نزولی دارد می‌تواند به‌عنوان یک پرچم صعودی در نظر گرفته شود و بازار احتمالاً کانال را رو به بالا خواهد شکست. این می‌تواند شروع

بازگشت یک روند یا یک محدوده معامله باشد. اگر قیمت از کف یک کانال نزولی سقوط کند، معمولاً طی حدود ۵ کندل نقض شده و منجر به یک بازگشت می‌شود ولی می‌تواند شروع یک موج جدید نزولی قوی‌تر هم باشد.

خط کانال روند می‌تواند به‌عنوان یک خط موازی با خط روند ایجاد شود که به سمت مخالف پرایس اکشن جابجا می‌شود. همچنین می‌تواند از طریق اسپایک‌های سمت مخالف کانال ترسیم شود، یا می‌تواند به‌عنوان منطبق‌ترین خط ترسیم شود، مانند خط رگرسیون خطی یا به‌طور ساده بهترین خطی که به‌صورت بصری ترسیم می‌شود. در یک روند صعودی، خط روند از طریق دو کف ترسیم می‌شود. چنانچه از آن خط روند جهت ترسیم خطی موازی استفاده شود که به‌عنوان خط کانال روند استفاده خواهد شد، آن خط موازی را به سمت مخالف خط روند جابجا کنید. شما این خط را برای آن می‌خواهید که شامل تمام سقف‌های (بالای تمام سقف‌های) بین دو کندلی که برای ترسیم خط روند استفاده شده‌اند باشد، بنابراین آن را به سقف هر کندلی که آن خط را لمس می‌کند بکشید. گاهی مواقع اگر شما خط را روی کندلی خارج از آن دو کندل جای دهید، منطقی‌تر می‌شود. همیشه کاری کنید که روند نمایان‌تر باشد.

بعضی مواقع یک اسپایک صعودی تنها، در داخل کانال نسبتاً بسته‌ای خواهد بود و وقتی این حالت وجود دارد، بهترین کار آن است که آن‌ها را نادیده گرفته و از کندل‌های دیگر برای موقعیت دهی خط کانال روند استفاده کنید. بااین‌وجود، از این امکان باخبر باشید که بازار ممکن است بالاخره تصمیم بگیرد که خط کانال را از آن اسپایک صعودی عبور دهد. اگر بازار نوسانات گسترده‌تری را شروع نماید و همه آن‌ها در سقف کانالی که از آن اسپایک صعودی به‌عنوان تکیه‌گاهی برای خط کانال روند استفاده کرده، متوقف شوند، آنگاه باید از کانال پهن‌تری استفاده کنید.

خط کانال روند می‌تواند بجای ترسیم به‌موازات خط روند، به‌تنهایی هم رسم شود. در یک سوییینگ نزولی، یک خط روند شیب نزولی دارد و روی سقف‌ها ترسیم می‌شود. خط کانال روند هم شیب مشابهی خواهد داشت، ولی آن را در سوییینگ نزولی بین هر دو کف سوییینگ ترسیم کنید. درصورتی‌که این خط تمام کندل‌های دیگر در سوییینگ را در بر گیرد (در زیر همه آن‌ها باشد) بیشترین کاربرد را خواهد داشت، بنابراین کندل‌هایی را انتخاب کنید که آن نتیجه را به شما بدهد.

جهش‌های اضافه از خطوط کانال روند ارتباط تنگاتنگی با گوه‌ها دارند و طوری باید دیده و معامله شوند که گویا یکی و یکسان هستند. اغلب گوه‌ها، شکست نقض شده از خط کانال روند را به‌عنوان نقطه ورود برای یک معامله بازگشتی در اختیار دارند و بیشتر اضافه جهش‌ها از خطوط کانال روند و بازگشت‌ها، بازگشت‌های گوه‌ای هم محسوب می‌شوند، اگرچه گوه‌ها ممکن است واضح

نباشند یا شکل گوه کاملی نداشته باشند. وقتی‌که خط کانال روند به‌موازات خط روند ترسیم شده باشد، گوه‌ها کمتر به چشم می‌خورند و کمتر احتمال حضورشان وجود دارد، ولی باز هم اغلب گوه‌ها حضور دارند.

وقتی کانالی گوه‌ای شکل باشد، به خاطر ضرورت جهت ورود است. برای مثال در یک گوه صعودی، شیب‌خط روند از شیب‌خط کانال روند بیشتر است. خط روند جایی است که معامله‌گران در جهت روند وارد می‌شوند و معامله‌گران ضد روند خارج می‌شوند و برعکس این اتفاق در خط کانال روند می‌افتد؛ بنابراین اگر شیب‌خط روند بیشتر است، یعنی اینکه خریداران در پولبک‌های کوچکتر می‌خرند و فروشندگان در حال خروج از ریزش‌های کوچکتر هستند. چیزی که باعث تشخیص یک گوه از یک کانالی که خطوط آن موازی هستند می‌شود، دومین پولبک است. زمانی که دومین موج رو به بالا شروع به بازگشت رو به پایین می‌کند، معامله‌گران می‌توانند یک خط کانال روند ترسیم کنند و سپس از آن برای ایجاد یک خط موازی استفاده کنند. وقتی آن خط موازی را به کف اولین پولبک جابجا می‌کنند، یک خط روند و یک خط کانال روند ایجاد کرده‌اند. این خط به خریداران و فروشندگان می‌گوید که حمایت کجاست، در آنجا خریداران تصمیم به خرید خواهند گرفت و فروشندگان مصمم خواهند بود که سودهایشان را دریافت کنند. هرچند اگر در بالای آن سطح خریداران شروع به خرید کنند و فروشندگان از فروششان خارج شوند، بازار قبل از اینکه به خط روند برسد به سمت بالا خواهد چرخید. هردو این کار را انجام می‌دهند زیرا نوعی ضرورت جهت انجام معامله احساس می‌کنند و می‌ترسند که بازار بر روی آن حمایت سقوط نکند؛ یعنی اینکه هر دو احساس می‌کنند که خط روند باید شیب‌دارتر باشد و اینکه روند صعودی قوی‌تر است.

بعد از چرخش بازار به سمت بالا، معامله‌گران خط روند را دوباره ترسیم می‌کنند. بجای استفاده از خط موازی با خط کانال روند، آن‌ها اکنون می‌توانند خط روندی را با استفاده از کف‌های دو پولبک نخست ترسیم کنند. آن‌ها اکنون می‌بینند که آن خط، شیب‌دارتر از خط کانال روند است و کم‌کم به این باور می‌رسند که بازار در حال ساخت یک گوه است که می‌دانند اغلب یک الگوی بازگشتی است. درصورتی‌که بازار بجای یک گوه در حال شکل دادن کانال موازی شیب‌دارتری باشد، معامله‌گران خطی به‌موازات آن خط روند شیب‌دارتر ترسیم کرده و آن را به بالای دومین رانش صعودی جابجا می‌کنند. خریداران و فروشندگان نگاه می‌کنند تا ببینند که آیا خط کانال اصلی شامل رشد قیمت خواهد بود یا روند شیب‌دارتر جدیدی از راه خواهد رسید. اگر روند اصلی شامل رالی شده و بازار معکوس شود، معامله‌گران به این فکر می‌کنند که اگرچه ضرورت بیشتری در خرید روی دومین پولبک وجود دارد، آن ضرورت در سومین رانش صعودی ادامه نمی‌یابد.

خریداران در خط کانال روند اصلی ضعیف‌تر سودهایشان را دریافت می‌کنند، یعنی اینکه زودتر از آنچه می‌توانستند خارج می‌شوند. خریداران به این امید هستند که بازار به سمت خط کانال روند شیب‌دارتری رشد خواهد داشت ولی اکنون ناامید شده‌اند. فروشندگان خیلی مشتاق فروش هستند چراکه می‌ترسند که بازار به خط کانال روند شیب‌دارتر و بالاتری نرسد بنابراین در خط اصلی شروع به فروش می‌کنند. حال این فروشندگان هستند که احساس ضرورت می‌کنند و این خریداران هستند که احساس ترس دارند. معامله‌گران شاهد چرخش رو به پایین بازار از سقف گوه هستند و بیشترشان قبل از آنکه الگوی اصلی بعدی برای خرید یا فروش را جستجو کنند، منتظر حداقل دو موج نزولی می‌مانند.

به‌محض اینکه بازار اولین موج نزولی خود را ایجاد کند، گوه را به سمت پایین خواهد شکست. در بعضی مناطق، فروشندگان سودشان را دریافت خواهند کرد و خریداران دوباره خواهند خرید. خریداران می‌خواهند که دلیل شکست سقف گوه باشند. وقتی بازار می‌خواهد جهت تست سقف گوه حرکت صعودی داشته باشد، فروشندگان مجدداً شروع به فروش می‌کنند. اگر خریداران شروع به گرفتن سودهایشان کنند، بر این باورند که از فشار آوردن به بازار تا به بالای سقف قدیمی ناتوان هستند. وقتی سود گرفتن آن‌ها با فروش‌های جدید فروشندگان ترکیب می‌شود، به حجم بحرانی می‌رسد، آن‌ها بر خریداران باقی‌مانده غلبه خواهند کرد و بازار برای آن دومین موج به سمت پایین خواهد چرخید. در برخی مناطق، خریداران باز خواهند گشت و فروشندگان سودهایشان را دریافت خواهند کرد و هردو طرف پولبک دو موجی را خواهند دید و کنجکاو خواهند شد که آیا روند صعودی از سر گرفته خواهد شد یا خیر. در این نقطه، گوه خود را از بازی خارج کرده و بازار به دنبال الگوی بعدی خواهد بود.

چرا بسیاری از بازگشت‌ها بعد از یک جهش اضافه از خط کانال روند رخ می‌دهند درحالی‌که همه می‌دانند که جهش اضافه معمولاً منجر به بازگشت می‌شود؟ آیا کسانی که پیش‌تر وارد شده‌اند جلوی رسیدن به آن خط را نخواهند گرفت؟ معمولاً به این صورت است که معامله‌گران تازه‌کار در سمت اشتباه موقعیت خود را آن‌قدر نگاه می‌دارند تا اینکه بیشتر از آن نمی‌توانند درد ناشی از زیان را تحمل کنند، سپس ناگهان همگی با هم از بازار خارج می‌شوند و ایجاد یک خلاء یا یک اوج سهمی‌وار می‌کنند. به‌عنوان مثال در یک کانال صعودی، بازار در مسیر خود به‌سوی مقاومتی بالا می‌رود، حتی اگر خیلی آشکار نباشد یا جذابیتی نداشته باشد، اندکی به داخل آن مقاومت نفوذ می‌کند و باعث می‌شود که آخرین فروشندگان بیش از این تمایلی به تحمل درد نداشته باشند.

آن‌ها دست از فروش برمی‌دارند. به‌محض اینکه جبران این فروش‌ها[1] به‌طور هماهنگ انجام گرفت، بسیاری از خریداران بی‌تجربه و خوشحال، این صعود انفجاری را می‌بینند و وارد آن می‌شوند و به آن حرکت ناگهانی و تندوتیز اضافه می‌شوند که خط کانال روند را رو به بالا می‌شکند. این اسپایک صعودی باعث می‌شود تعدادی از فروشندگان که باقی‌مانده‌اند، با خرید از فروششان خارج شوند و حرکت جذاب صعودی باعث می‌شود که تعداد زیادی از خریداران بی‌تجربه، شروع به خریدهای جدیدی بکنند؛ اما پس از آن فروشندگانی باقی نمی‌مانند تا با خرید از فروش خود خارج شوند و بازار را به سمت بالاتر حرکت دهند و خریداران خوشحالی که بیشتر بر اساس احساسات معامله می‌کنند نه بر اساس منطق، وقتی ناگهان شتاب صعودی بازار کم شود یا مکثی در بازار ایجاد شود و یا شروع به بازگشت نماید، مضطرب می‌شوند. آن‌ها ناگهان متوجه می‌شوند که در سقف یک اوج احتمالی خرید کرده‌اند و به‌سرعت خارج می‌شوند. با نبود خریداران بیشتر و با وجود خریداران جدیدی که به دام افتاده و با اضطراب موقعیتشان را می‌فروشند، بازار ناگهان یک طرفه می‌شود و به‌وسیله فروشندگان تصرف می‌شود بنابراین تنها می‌تواند سقوط کند. این منطق مرسومی است و مهم نیست که آیا درست است یا خیر. درواقع ممکن است این مؤلفه معنی‌داری از یک بازگشت در بازار غول‌آسایی همانند EMINI که مؤسسات در آنجا مسلط هستند و بیشتر معاملات احتمالاً به‌وسیله کامپیوترها ایجاد می‌شوند، نباشد. معامله‌گران هوشمند برخلاف روند معامله نمی‌کنند تا اینکه یا یک پولبک از شکست یک خط روند قوی اتفاق افتد یا بازگشتی از اضافه جهش خط کانال روند به وجود آید. به‌عنوان مثال در یک روند صعودی، پول هوشمند[2] به خرید ادامه خواهد داد تا اینکه آن‌ها قیمت را تا بالای خط کانال روند می‌برند و سپس سودشان را می‌گیرند. ممکن است دو تلاش ناکام برای بازگشت وجود داشته باشد و بازار ممکن است با یک حرکت آهسته ولی شتابدار به رشد خود ادامه دهد و ایجاد خطوط کانال روند شیب‌دارتری کند. اتفاقاً، اگر خودتان را به‌طور مرتب در حال ترسیم مجدد خطوط کانال یافتید، این معمولاً نشانه‌ای از این است که شما در سمت اشتباه بازار قرار دارید. شما به دنبال یک بازگشت هستید ولی روند در حال قوی‌تر شدن است. باید بجای اینکه شدیداً دنبال بازگشت روند باشید در جهت روند معامله کنید.

درنهایت بازار به توافق می‌رسد که کدام خط کانال روند، خط کانال روند نهایی است و بازگشت متقاعدکننده‌ای را خواهید دید. صبور باشید و تا زمانی که روند در جریان است تنها در جهت روند

---

[1]. خرید معاملات فروش قبلی جهت خروج از بازار. م

[2]. پول هوشمند یا SMART MONEY، پولی است که توسط افراد به‌اصطلاح باتجربه، با اطلاعات خوب و با دانش سرمایه‌گذاری می‌شود آن‌ها می‌توانند قبل از هر کس دیگری روند را تشخیص دهند یا پیش‌بینی کنند، همچنین پول هوشمند می‌تواند به معنی برآیند نیروهای حجم عظیمی از پولی باشد که می‌تواند بازار را حرکت دهد. م

معامله کنید؛ هرگز برخلاف روند معامله نکنید تا اینکه به‌طور واضح بازگردد. درهمان زمانی که برخی معامله‌گران سودشان را دریافت می‌کنند، بسیاری برخلاف معامله قبلی، معامله خواهند کرد و بسیاری از معامله‌گران دیگر که قبلاً موقعیتی نداشته‌اند[1]، فروش را آغاز خواهند کرد. دیگر معامله‌گران هوشمند روی نمودار منتظر یک بازگشت خواهند ماند و آنجا ورودی معامله‌گران در برگشت‌ها، روی تمام انواع نمودارها خواهد بود (نمودارهای ۱ تا ۵ دقیقه و نمودارهای حجم و نمودارهای تیک از هر اندازه‌ای).

زمانی که آن‌ها به این باور رسیدند که به سقف نزدیک شده‌اند، پول هوشمند بیش از این به دنبال خرید نخواهد بود. آن‌ها فروشنده‌اند و بیشتر این معامله‌گران تا رسیدن به سقف جدید ادامه خواهند داد، علی‌رغم شروع همراه با ضرر در موقعیت فعلی‌شان، بر این باورند که سقف نزدیک است یا قیمت پایانی نزدیک است. درواقع، بسیاری در بالای سقف اضافه می‌شوند، هر دو به خاطر اینکه میانگین قیمت بهتری برای فروش خود به دست آورند، به رانش نزولی بازار کمک می‌کنند. بازیگران بزرگ تنها به فکر فروش هستند و به‌جز اتفاقات نادری از نقض ورودی دوم یا از یک واماندگی عظیم از چیزی نمی‌ترسند (برای مثال، شاید در ۳ پوینت بالاتر از ورودشان در EMINI). هیچ خریداری باقی نمانده است بنابراین بازار تنها یک راه برای رفتن دارد.

اگرچه وقتی‌که تصمیم می‌گیرید که درجایی موقعیت بگیرید، نیازی ندارید که به حجم نگاه کنید چراکه بسیار غیرقابل‌اعتماد است، اغلب، در نقاط بازگشت کلیدی، مخصوصاً در کف‌ها، حجم بسیار عظیم است. هر معامله بین یک یا چند خرید و یک یا چند فروش مؤسسات است. خریداران اصلی در کف بازار شامل دو گروه: فروشندگانی که سودشان را جمع‌آوری می‌کنند و خریداران جدید هستند. چرا یک شرکت در تیک پایین یک بازار نزولی می‌فروشد؟ هر شرکتی از استراتژی‌ای استفاده می‌کند که به‌دقت تست شده است و به‌گونه‌ای ایجاد شده است که سود ده باشد، ولی دیگران ۳۰ تا ۷۰ درصد پولشان را در معاملات خود از دست می‌دهند. شرکتی که در تیک پایینی خود می‌فروشد همان است که در تمام مسیر نزولی در تیک پایین می‌فروشد و از بسیاری از ورودی‌های قبلی خود سود می‌گیرد و درواقع به استفاده از آن استراتژی ادامه می‌دهد تا زمانی که به‌طور واضح مشخص شود که روند برگشته است؛ بنابراین، بله آن‌ها در آن معامله فروش در تیک نهایی پایین در روند نزولی ضرر کرده‌اند، ولی فروش‌های قبلی آن‌ها آن‌قدر سود داشته است که درنهایت با سود به پایان برسند. شرکت‌های HFT هم وجود دارند که حتی به‌قصد یک تیک به سمت پایین روند، معامله اسکالپ انجام می‌دهند. به یاد داشته باشید، کف همیشه در یک سطح

---

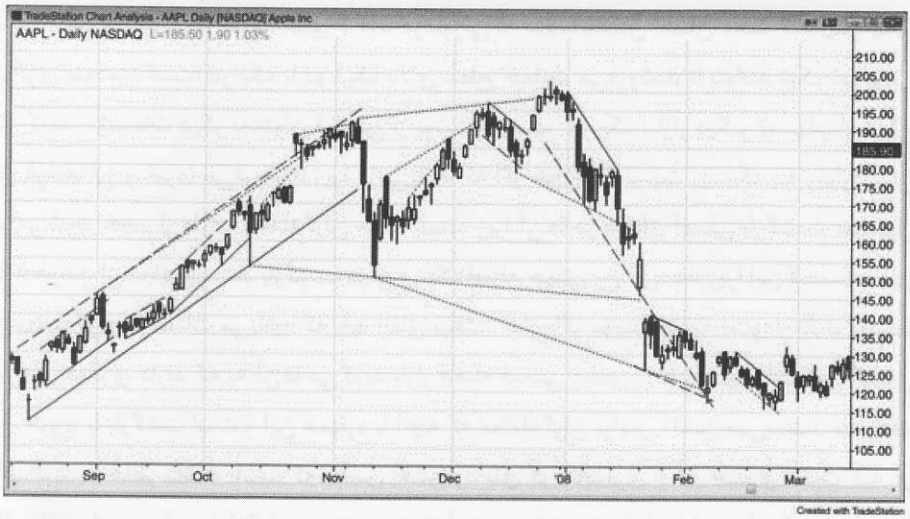
[1]. flat

حمایت است و بسیاری از شرکت‌های HFT، درصورتی‌که سیستمشان نشان دهد که این یک استراتژی سودمند است، در یک یا دو تیک بالای سطح حمایت می‌فروشند تا بتوانند تیک نهایی را شکار کنند. مؤسسات دیگر به‌عنوان قسمتی از پوشش ریسک[1] در یک بازار دیگر (سهام، اختیار، اوراق قرضه، ارز و غیره) می‌فروشند زیرا درمی‌یابند که اگر هج کنند نسبت ریسک به ریواردشان بهتر می‌شود. حجم از طرف معامله‌گران خرد نیست، زیرا آن‌ها در مناطق اصلی بازگشت مسئول تنها ۵ درصد از حجم هستند. بازگشت در روی یک اضافه جهش رخ می‌دهد زیرا این قسمت جدی روح معامله‌گری مؤسسات می‌باشد که باید اتفاق بیافتد. حتی اگر مؤسسات به نمودار نگاه نکنند معیارهای دیگری دارند که به آن‌ها می‌گوید بازار فاصله قیمتی زیادی را طی کرده است و اکنون زمان خروج یا بازگشت است و این همواره با آنچه که معامله‌گران پرایس اکشن می‌بینند مصادف خواهد بود. به خاطر داشته باشید که پرایس اکشن رد پای گریزناپذیری از آن چیزی است که در هنگام تلاش انبوهی از معامله‌گران جهت به دست آوردن بیشترین پول از بازار، برای قیمت اتفاق می‌افتد. پرایس اکشن در یک بازار بزرگ، نمی‌تواند دستکاری شود و همیشه از لحاظ بنیادی یکسان خواهد بود.

یک مشاهدات جزئی نهایی آن است که شیب پرچم نهایی یک روند اغلب شیب تقریبی روند جدید را فراهم می‌کند. این ارزش محدودی نزد یک معامله‌گر دارد زیرا فاکتورهای مهم‌تر دیگری وجود دارند که منجر به تصمیم‌گیری برای انجام یک معامله می‌شوند، ولی این مشاهده جالبی است.

---

۱. پوشش ریسک (hedge)، نوعی سرمایه‌گذاری است که موجب پایین آمدن ریسک سرمایه‌گذار می‌شود. در حالت عادی، از ابزارهای مالی متفاوتی نظیر برگه سهام، پیمان‌های آتی، قراردادهای سوآپ و اختیار معامله، همچنین انواع مختلفی از ابزارهای مشتقه، قراردادهای آتی و معاملات فرابورس تشکیل می‌شود. در حالت حرفه‌ای، استراتژی پوشش ریسک، شامل یک سرمایه‌گذاری ثانویه می‌باشد که قیمت آن، همواره در جهت عکس سرمایه‌گذاری اولیه حرکت می‌کند. برای مثال سرمایه‌گذار می‌تواند، با تنظیم قرارداد آتی، سهام خود را به قیمتی مشخص در آینده به فروش رساند. در این صورت نوسانات بازار، تأثیری بر قیمت سهام خریداری شده، نخواهد داشت و سرمایه‌گذار این سهام را در زمان آتی، با قیمتی مشخص، به فروش خواهد رساند. گرچه پوشش ریسک، تنها محدود به فروش در قیمتی مشخص، از طریق قرارداد آتی نیست. سرمایه‌گذار همچنان می‌تواند با ورود به دو بازار که افت‌وخیز قیمت‌ها در بازارهای موردنظر، اغلب در جهت عکس یکدیگر حرکت می‌کنند، ریسک سرمایه‌گذاری خود را کاهش دهد. برای مثال سرمایه‌گذار می‌تواند از یک‌سو با خرید ارز، (برای نمونه؛ دلار آمریکا) در بازار فارکس و از سوی دیگر، خریداری فلزات گران‌بها، (برای نمونه؛ طلا) ریسک سرمایه‌گذاری خود را کاهش دهد. م



شکل (۱-۱۴) لمس خط کانال روند

یک خط کانال روند در مسیر روند مشخص شده است ولی در سمت مخالف خط روند بوده و به‌موازات خط روند است. آن را به سمت راست امتداد دهید و ببینید زمانی که قیمت در خط کانال نفوذ می‌کند چگونه عمل می‌کند. آیا معکوس می‌شود یا اینکه روند بدون در نظر گرفتن خط شتاب می‌گیرد؟

خطوط کانال روند به‌طورمعمول به یکی از دو روش زیر ترسیم می‌شوند. اولین روش ترسیم آن به‌عنوان خط موازی (خط‌چین در شکل (۱-۱۴)) با خط روند است (خط پر)، آن را به سمت مخالف عمل قیمت منتقل کنید و درجایی قرار دهید که نقطه سوینگی بین دو کندل مورد استفاده برای ترسیم خط روند را لمس کند. نقطه‌ای را انتخاب کنید که شامل تمام کندل‌های بین خطوط کانال و روند باشد. نوع دوم از خط کانال روند (خطوط نقطه‌چین در شکل (۱-۱۴)) از نقاط سوینگ ترسیم شده و از هر خط روندی مستقل است. همچنین می‌توانید درواقع منطبق‌ترین خط را ترسیم کنید ولی این‌ها معمولاً در معامله کاربردی ندارند.



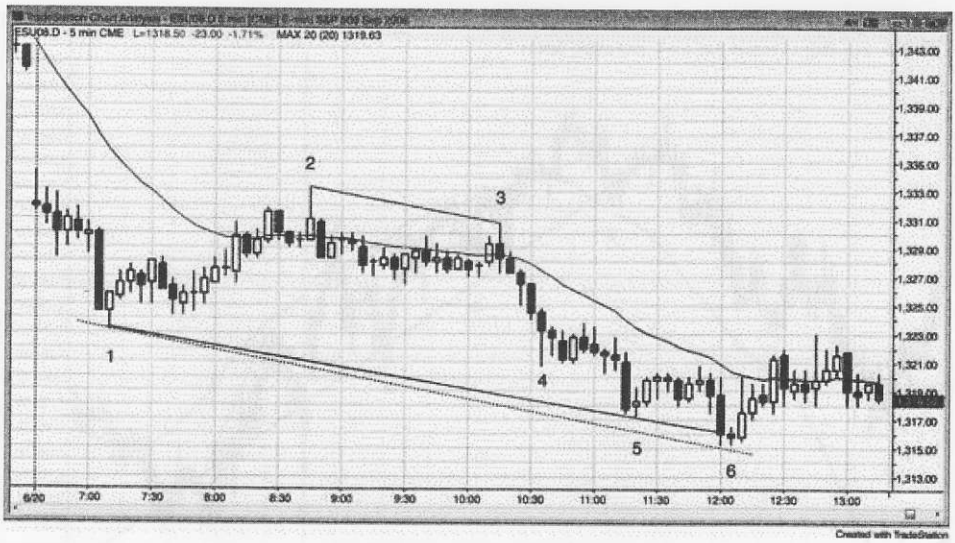
شکل (۲-۱۴) شیب پرچم نهایی

شیب پرچم نهایی در روند صعودی، مسیر حرکت روند نزولی متعاقب را در شکل (۲-۱۴) فراهم می‌کند. یک رگرسیون خطی خط روند که بین کندل‌های ۱ و ۲ ترسیم شده است تبدیل به خط کانال روند نزولی غیردقیق برای ریزشی می‌شود که تا روز بعد امتداد می‌یابد. ممکن است که این موجب مشارکت در خرید در کندل ۷ شود، ولی خرید در کندل ۷ خریدی بر مبنای شکست خط روند ترسیم شده طی ساعات اولیه معامله و دومین تلاش برای بازگشت در زیر کف کندل ۵ است. معمولاً سفارش گذاری بر اساس آخرین رفتارهای قیمت، در صورت فراهم شدن توجیهی برای یک معامله، بسیار بهتر از دیدن دست‌کم ۳۰ کندل قبلی است.

اگر به عقب نگاه کنید می‌بینید که روند صعودی عملاً در کندل ۱ به اتمام می‌رسد، حتی اگر قیمت بعد از کندل ۲ سقف بالاتری ساخته باشد. حرکت نزولی به سمت کندل ۲ اولین موج نزولی در کانال نزولی است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار در دو ساعت نهایی روز قبل در شکل (۲-۱۴) در یک کانال نزولی قرار دارد، بنابراین احتمال موفقیت اولین تلاش برای بازگشت رو به بالا خیلی زیاد نیست. شکست رو به پایین خط کانال روند با اولین کندل روز به سمت بالا بازمی‌گردد که یک کندل روند صعودی است، ولی شکست نقض شده تنها طی چند کندل قبل از ایجاد پولبک شکست حرکت می‌کند.



شکل (۳-۱۴) خط کانال روند طویل

در شکل (۳-۱۴)، خطی به‌موازات خط روند ایجاد شده از کندل ۲ و ۳ ترسیم می‌شود که به کندل ۱ منتقل شده و به سمت راست گسترش می‌یابد. این خط کانال روند تحت نفوذ کندل ۶ قرار نمی‌گیرد. همچنین به کندل ۱ متصل می‌شود که بین کندل‌های ۲ و ۳ نیست (کندل‌های مورد استفاده برای ترسیم خط روند اصلی). بااین‌حال معامله‌گران همیشه باید مواظب هر احتمالی باشند. درصورتی‌که یک نفوذ و بازگشت وجود داشته باشد احتمال رالی دو موجی از کندل ۵ بسیار زیاد می‌شود.

کندل ۶ در خط کانال روند ساده ترسیم شده از کف کندل‌های ۱ و ۵ نفوذ می‌کند، ولی این خط، خط روند ایده آلی برای استفاده به‌عنوان مبنا در یک معامله مخالف روند نیست به خاطر اینکه کندل‌های ۱ و ۵ با یکدیگر فاصله زیادی داشته و کندل‌های ۵ و ۶ بسیار به هم نزدیک هستند. خطوط روند زمانی بهترین عملکرد را دارند که توسط یک سه موجی تست شوند. در اینجا کندل‌های ۵ و ۶ ضرورتاً از یک موج هستند (سه رانش نزولی، کندل‌های ۴ و ۵ و ۶). معامله هنوز ارزش انجام دادن را دارد زیرا کندل ۶ کوچک است، بنابراین نرخ ریسک به ریوارد خوب است. این همچنین یک الگوی نردبان[1] انقباضی است (بعداً توضیح داده خواهد شد ولی یک سری از کف‌های

[1]. الگویی پلکانی که اغلب آخرین شکست‌ها از شکست قبلی کوچکتر هستند. یک سری سه‌تایی یا بیشتر از سقف‌های در یک روند صعودی یا کف‌های رونددار در یک روند نزولی که در آن هر شکستی به سطح جدید بالاتری با تغییر قیمت کمتری نسبت به قبلی که نشان‌دهنده کاهش مومنتم است رخ می‌دهد. می‌تواند یک الگوی سه فشاری باشد، اما الزاماً نباید شبیه یک‌گوه باشد بلکه می‌تواند هر سری از نوسانات زیاد یک روند باشد.

پایین‌تر است که هرکدام از شکست‌های پی‌درپی کوچکتر از قبلی است) کـه نشـان‌دهنـده کـاهش مومنتم نزولی و حمایت از یک خرید است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

شکاف بزرگ نزولی در شکل (۳-۱۴)، همانند تمـام شـکاف‌هـای بـزرگ یـک شکسـت اسـت و روز به‌عنوان روندی از ابتدا نزولی شروع می‌شود. نوسان کوچک اولیه، بـازار را در حالـت شکسـت قـرار می‌دهد و کندل شکست نزولی بزرگی وجود دارد. بااین‌حال، کندل روند نزولی غیرمعمولی کـه بعـد از طی مسیر زیادی به‌وسیله روند نزولی، شکل می‌گیرد، اوج فروشی است که به دنبال آن دست‌کـم یک اصلاح دو موجی بدون روند تا صعودی تشکیل می‌شود که حـداقل بـه‌انـدازه ۱۰ کنـدل طـول می‌کشد. کندل ۱ کندل بازگشت صعودی قدرتمندی است که موقعیت خرید شکست نقض شـده را ایجاد می‌کند. یک اصلاح بدون روند دو موجی وجود دارد که با شکست نقـض شـده یـک محـدوده معامله فشرده در کندل ۳ به پایان رسیده و با کندل ۲ تشکیل یک سقف دوقلوی تقریبی می‌دهـد. حتی با اینکه بیشتر معاملات بدون روند هستند، روز هنوز در نزدیکی سقف آن شروع می‌شـود و در نزدیکی کف آن به پایان می‌رسد. این یک روز دارای محدوده معامله جهت‌دار با محدوده‌های معامله بالا و پایین است[۱].

---

[۱]. یعنی در این روزها دو یا چند محدوده معامله وجود دارند که هرکدام نسبت به قبلی بالاتر یا پایین‌تـر هسـتند، بنـابراین دارای رونـد هسـتند بـه همین خاطر به این روزها، روز دارای محدوده معامله روند دار گویند. م

۱۵

کانال‌ها

وقتی معامله کردن عمدتاً بین دو خط محصور شده باشد، این معامله در یک کانال قرار دارد. درصورتی‌که با دقت بالایی نگاه کنید بازار همیشه داخل نوعی کانال قرار دارد، مخصوصاً اگر به تایم فریم‌های دیگر نگاه کنید، یکی را و به‌طور هم‌زمان چندین مورد را می‌یابید. کانال روند کانالی است که مورب بوده و شامل یک خط روند و یک خط کانال روند می‌باشد. برای مثال، یک کانال نزولی، یک خط روند کاهشی در بالا (خط روند نزولی) و یک خط کانال کاهشی در پایین خود دارد (خط کانال روند نزولی). محدوده معامله در بین یک خط حمایت افقی در پایین و یک مقاومت در بالا واقع شده است. بعضی مواقع محدوده معامله می‌تواند اندکی صعودی یا نزولی باشد، در این صورت بهتراست به‌عنوان یک کانال روند ضعیف در نظر گرفته شود.

مثلث‌ها هم جز کانال‌ها هستند، زیرا در محدوده پرایس اکشن مابین دو خط قرار دارند. ازآنجایی‌که آن‌ها یا دارای سقف‌های بالاتر یا کف‌های پایین‌تر هستند، یا در حالت مثلث پهن شونده هر دو مورد را دارا می‌باشند، علاوه بر رفتار مشابه محدوده معامله، دارای رفتارهای مشابه روندها هم هستند. یک مثلث پهن شونده بین دو خط واگرا قرار دارد، هریک از آن‌ها از نظر تکنیکی خط کانال روند هستند. خط پایینی از کف‌های پایین‌تر می‌گذرد، بنابراین در زیر یک روند نزولی است و به همین دلیل خط کانال روند است و خط بالایی از سقف‌های بالاتر می‌گذرد و بنابراین یک خط کانال روند صعودی است. یک مثلث جمع شونده در بین دو خط روند است، زیرا بازار هم در یک روند نزولی کوچک با سقف‌های پایین‌تر و هم در یک روند صعودی با کف‌های بالاتر است. یک مثلث افزایشی دارای یک خط مقاومت در بالا و یک خط روند در زیر است و مثلث

کاهشی دارای یک خط حمایت در پایین و یک خط روند نزولی در بالای خود است. یک گوه، یک کانال افزایشی یا کاهشی است که در آن خط روند و خط کانال روند همگرا هستند و این نوعی از مثلث است. یک اصلاح ABC در یک روند صعودی، یک کانال نزولی کوچک است و وقتی در روند نزولی باشد، یک کانال کوچک صعودی است.

اگرچه میانگین متحرک در یک روند قوی اغلب به‌عنوان حمایت یا مقاومت عمل می‌کند و معامله‌گران زیادی کانال‌ها و باندهای دارای انحنا را بر پایه میانگین متحرک و عوامل بسیار دیگری می‌سازند، خطوط روند صاف و خطوط کانال روند همواره موقعیت‌های قابل‌اعتمادتر و معاملات سودآورتری ایجاد می‌کنند.

یک کانال صعودی می‌تواند در محدوده معامله، در یک روند صعودی، در یک روند نزولی، یا در کف احتمالی یک روند نزولی باشد چراکه بازار شروع به بازگشت رو به بالا می‌کند. وقتی در محدوده معامله قرار دارد، زمانی که در نیمه پایینی محدوده است معامله‌گران می‌توانند خرید را مدنظر قرار دهند، ولی به‌محض اینکه کانال به نیمه بالایی محدوده رفت احتمال موفقیت کمتر می‌شود. وقتی یک کانال در روند صعودی است، قیمت‌های بالاتر قطعی‌تر هستند و معامله‌گران باید به دنبال خرید در نزدیکی کف کانال باشند. شانس موفقیت تا آن زمان که فشار فروش بزرگی ظاهر می‌شود خوب باقی می‌ماند، یا تا زمانی که به مقاومت قابل‌توجهی نزدیک شود. وقتی یک کانال دارای فشردگی ویژه‌ای است، به این معنی است که خط روند و خط کانال روند به یکدیگر نزدیک هستند و پولبک‌ها کوچک هستند، این نشانه‌ای از قدرت روند است و در تایم فریم بالاتر می‌تواند یک اسپایک محسوب شود. ممکن است بعد از آن کانال پهن‌تری شکل بگیرد که به هدف اندازه‌گیری شده‌ای بر اساس ارتفاع کانال فشرده برسد. کانالی که خیلی فشرده است طوری که پولبکی ندارد یا تنها یک یا دو پولبک ریز دارد یک میکرو کانال[1] بشمار می‌آید که در فصل بعدی درباره آن بحث شده است.

وقتی یک کانال صعودی در یک روند نزولی شکل می‌گیرد، یک پرچم نزولی است و معامله‌گران باید به دنبال فروش در نزدیکی سقف کانال، یا روی پولبکی در شکست نزولی باشند. بعضی مواقع وقتی یک روند نزولی شروع به بازگشت رو به بالا می‌کند، اولین ۵ تا ۱۰ کندل در یک کانال صعودی ضعیف، با کندل‌های همپوشان بسیار و یک یا دو تلاش برای شکست رو به پایین پرچم نزولی هستند، ولی این‌ها نقض شده و به‌سرعت به سمت بالا معکوس می‌شوند. بعد از یک کف ۲ یا

---

[1]. کانال بسیار فشرده‌ای است که کف‌ها و سقف‌های هر کندل در آن، خط روند و اغلب، خط کانال روند را هم لمس می‌کند. میکرو کانال شکل نهایی یک کانال فشرده است و هیچ پولبکی ندارد یا تنها یک یا دو پولبک کوچک دارد.

کف ۳ شکست خورده، بازار بعدازآن در برخی اوقات از پرچم نزولی به سمت بالا می‌شکند، بازار ناگهان تبدیل به بازاری با خرید مداوم می‌شود و یک بازگشت رو به بالا شروع می‌شود. وقتی معامله‌گران مشکوک به این می‌شوند که یک پرچم نزولی ممکن است شروع یک روند صعودی باشد، بسیاری در پایین کف ۱ و ۲ یا ۳ کندل‌های سیگنال می‌خرند و از آن‌ها انتظار نقض شدن و از بازار انتظار بازگشت روبه بالا را دارند.

وقتی یک کانال در حال شکل‌گیری است، معامله‌گران مردد هستند که آیا واقعاً یک کانال خواهد بود یا اینکه یک حرکت دو موجی است و سپس بازمی‌گردد. درواقع تا زمانی که بازار از حرکت دو موجی شروع به بازگشت نکند و بازگشت نقض نشود و موج سوم شروع نشود، معمولاً نمی‌توانید حتی خطوط کانال را ترسیم کنید. برای مثال اگر بازار تنها دو موج رو به بالا را کامل کند و شروع به بازگشت کند، درصورتی‌که حرکت صعودی روند قدرتمندی نباشد بسیاری از معامله‌گران بازگشت را می‌فروشند. بااین‌حال، اگر موج نزولی به پایان برسد و از نظر اندازه با موج نزولی اول قابل مقایسه باشد (موج بعد از اولین موج صعودی) و سپس مجدداً به سمت بالا معکوس شود، معامله‌گران کم‌کم فرض می‌کنند که یک کانال صعودی در جریان است نه بازگشتی به سمت موج نزولی. زمانی که موج دوم به پایان می‌رسد معامله‌گران خط روندی را از کف اولین موج نزولی به دومین موج نزولی ترسیم می‌کنند و آن را به سمت راست امتداد می‌دهند. آن‌ها هر وقت که بازار مجدداً به سمت خط روند بازگشت کند به دنبال خرید خواهند بود. همچنین خطی به‌موازات آن خط ترسیم کرده و آن را به سمت بالای اولین موج رو به بالا جابجا می‌کنند و این اولین ترسیم کانالشان می‌باشد. هر وقت که بازار به‌سوی خط کانال روند رشد کند، معامله‌گران سود خریدشان را گرفته و به دنبال فروش خواهند بود. ازآنجایی‌که یک کانال صعودی نیاز به حداقل اولین موج نزولی به سمت کف برای تأیید وجود کانال دارد و بازار معمولاً پس از آن بالای سقف دومین موج صعودی را لمس می‌کند، کانال‌های صعودی حداقل سه رانش صعودی دارند. معامله‌گران معمولاً تا بعد از شکل‌گیری سومین موج صعودی، به دنبال یک بازگشت و شکست رو به پایین کانال نیستند. باوجوداین، زمانی که این اتفاق می‌افتد، مخصوصاً اگر جهشی اضافه از خط کانال روند و یک کندل روند نزولی قدرتمند هم وجود داشته باشد، معامله‌گران با توان بالایی می‌فروشند زیرا احتمال شکست نزولی موفقیت‌آمیز افزایش می‌یابد. به همین دلیل بسیاری از کانال‌های صعودی بعد از سومین رانش صعودی به اتمام می‌رسند. به همین ترتیب، بسیاری از کانال‌های نزولی بعد از سومین رانش نزولی خاتمه می‌یابند.

چرا بازار با سرعت زیاد، به سمت بالا و پایین کانال حرکت می‌کند؟ به خاطر اثر خلأ است. برای مثال، اگر یک کانال صعودی وجود داشته باشد و یک موج در حال نزدیک شدن به خط کانال روند

بالا باشد، معامله‌گران به این باور می‌رسند که بازار آن خط را لمس خواهد کرد و ممکن است حتی یک یا دو تیک بالای آن برود. زمانی که آن‌ها فکر می‌کنند بازار حداقل مقدار کمی از آنچه که اکنون است بالاتر می‌رود، فروششان را به تعویق می‌اندازند. خریداران خریدشان را یکجا می‌فروشند تا درنهایت سودهایشان را بگیرند و فروشندگان می‌خواهند بفروشند تا فروش جدیدی را آغاز کنند. عدم حضور نسبی فروش موجب ایجاد یک عدم تعادل در خرید می‌شود و هر زمانی که عدم تعادل وجود داشته باشد، بازار به‌سرعت حرکت می‌کند. نتیجه این است که اغلب یک یا دو کندل بزرگ صعودی در هنگام لمس سقف کانال شکل می‌گیرند. این اغلب خریداران مشتاق را در بالای اسپایک جذب خرید می‌کند چراکه فکر می‌کنند بازار در حال شکل دادن موج صعودی جدید و قدرتمندی است. بااین‌حال، بیشتر تلاش‌ها برای شکست به ناکامی منتهی می‌شوند و این یکی هم به همین راحتی نقض می‌شود. چرا؟ به خاطر معامله‌گران موسسه‌ای.فروشندگان بزرگ می‌خواهند که بفروشند، ولی آن‌ها بر این باورند که بازار خط کانال روند بالاتر را لمس خواهد کرد، بنابراین صبر می‌کنند. زمانی که بازار به آنجا می‌رسد، آن‌ها فروش سنگین انجام داده و بر خریداران غالب می‌شوند. آن‌ها علاقه دارند که کندل روند صعودی قدرتمندی را ببینند زیرا باور دارند که بازار پایین‌تر خواهد رفت و قیمتی بهتر از فروش در بالاترین قیمت روند صعودی نیست. بازار ممکن است طی کندل کوچکی در بالای کندل روند صعودی مکث کند چراکه هم خریداران و هم فروشندگان هر دو به نتیجه برسند که آیا شکست نقض خواهد شد یا خیر، ولی معمولاً به‌سرعت سقوط می‌کند به دلیل اینکه خریداران و فروشندگان موسسه‌ای هر دو می‌دانند که احتمالات قویاً به نفع آن است که تمام تلاش‌ها برای شکست نقض شوند.

خوب آن خریداران قدرتمند موسسه‌ای چه می‌کنند؟ آن‌ها خرید را متوقف کرده و به‌سرعت خریدهایشان را به‌منظور گرفتن سودی بادآورده به‌طور یکجا می‌فروشند. می‌دانند که این فرصت احتمالاً مختصر خواهد بود زیرا بازار برای مدتی طولانی در انتها نخواهد ماند، بنابراین خارج شده و حداقل به مدت یک یا دو کندل به دنبال خرید مجدد نخواهند بود. غیبت نسبی خریداران موسسه‌ای و جاه‌طلبی فروشندگان موسسه‌ای بازار را مجبور به نزول سریع به‌سوی کف کانال می‌کند، جایی که فرایند مخالف شروع می‌شود. فروشندگان و خریداران انتظار دارند پایین خط روند لمس شود، فروشندگان به فروششان تا زمانی که بازار به آن نقطه برسد ادامه می‌دهند و پس از آن فروششان را دوباره می‌خرند چون‌که سودشان را گرفته‌اند و خریداران تا زمانی که بازار به آنجا نرسیده نمی‌خرند. این ایجاد یک حرکت مختصر و سریع می‌کند که معامله‌گران تازه‌کار که منتظر یک شکست نزولی هستند را اغوا کرده و آن‌ها را به سمت فروش می‌کشاند، ولی آن‌ها دقیقاً مخالف مؤسسات کار می‌کنند. به خاطر داشته باشید وظیفه شما پیروی از آن چیزی است که مؤسسات

انجام می‌دهند. نباید کاری انجام دهید که امیدوارید آن‌ها به‌زودی انجام دهند و هرگز نباید کاری برخلاف آن‌ها انجام دهید. هرکدام از این عقب‌نشینی‌های کوچک خلأ فروش بسیار ریزی است. زمانی که بازار به کف کانال نزدیک می‌شود، فروشندگان و خریداران هردو از بازار انتظار رسیدن به خط روند صعودی دارند و خریدشان را متوقف می‌کنند تا اینکه به آن نقطه برسد. زمانی که به آنجا رسید، خریداران به‌منظور شروع یک خرید جدید می‌خرند و فروشندگان از اسکالپ فروش خود سودشان را دریافت می‌کنند. هردو انتظار سقف جدید کانال و یک تست از سقف کانال را دارند که فرایند دوباره شروع شود. این در تمام کانال‌ها، از جمله محدوده معامله و مثلث رخ می‌دهد.

حتی در یک کانال روند، معامله دو طرفه در حال رخ دادن است و این رفتار محدوده معامله است. درواقع، یک کانال روند می‌تواند به‌عنوان محدوده معامله شیب‌دار در نظر گرفته شوند. وقتی شیب تندتر و کانال فشرده‌تر می‌شود، بیشتر شبیه یک روند رفتار می‌کند و معامله تنها باید در جهت روند انجام شود. وقتی شیب کندتر و سوینگ‌ها در داخل کانال بزرگتر می‌شوند و بعضی از آن‌ها طی ۵ تا ۱۰ کندل طول می‌کشند، بازار بیشتر شبیه محدوده معامله عمل می‌کند و در هر دو طرف می‌توان معامله انجام داد؛ مانند تمام محدوده‌های معاملات نیروی جاذبه‌ای در وسط محدوده معامله وجود دارد که تمایل دارد بازار را در محدوده نگاه دارد. چرا بازار در کانال باقی می‌ماند و به‌طور ناگهانی شتاب نمی‌گیرد؟ به خاطر این‌که مانند تمام محدوده‌های معامله، تردید زیادی وجود دارد.

برای مثال در یک کانال صعودی خریداران می‌خواهند بیشتر بخرند، ولی در قیمتی پایین‌تر. فروشندگان ضعیف یک ریزش را می‌خواهند طوری که بتوانند با ضرر کمتری خارج شوند. خریداران و فروشندگان ضعیف، نگرانند که ممکن است پولبکی در کار نباشد تا به آن‌ها اجازه خرید تمام سهامی را که می‌خواهند در قیمت بهتری بخرند، بدهد (فروشندگان ضعیف موقعیت فروش خود را دوباره می‌خرند)، بنابراین همچنان که بازار بالاتر می‌رود به خرید پله‌ای خود ادامه می‌دهند و این بر فشار خرید می‌افزاید. آن‌ها حتی در هر دره کوچکی شدیداً خرید می‌کنند، مانند سفارش حد در پایین کندل قبلی یا روی میانگین متحرک یا نزدیک خط روندی که کف کانال را شکل می‌دهد.

درکل وقتی کانالی در حال شکل‌گیری است بهتر است که در جهت روند معامله شود و همین‌طور که به ناحیه هدف خود نزدیک می‌شود و معامله دو طرفه بیشتری توسعه می‌دهد، معامله‌گران مجرب اغلب معامله در خلاف روند را شروع می‌کنند؛ بنابراین در شروع یک کانال صعودی، بهتر است که خرید در زیر کف کندل‌ها انجام گیرد، ولی وقتی‌که کانال به ناحیه مقاومت می‌رسد و شکل‌گیری کندل‌های همپوشان، کندل‌های نزولی، پولبک‌های عمیق‌تر و سایه‌های

برجسته‌تر شروع می‌شود، بهتر است بجای خرید در پایین کندل‌ها، به فکر فروش در بالای آن‌ها باشید.

بااین‌حال برای معامله‌گرانی که به‌تازگی اقدام کرده‌اند، هر زمانی که کانالی را می‌بینند باید تنها در جهت روند معامله انجام دهند. معامله کانال‌ها بسیار دشوار است زیرا کانال‌ها همیشه تلاش می‌کنند که معکوس شوند، ونیز دارای پولبک‌های زیادی هستند. این برای معامله‌گران تازه‌کار گیج‌کننده است و آن‌ها اغلب در معاملاتشان مرتباً ضرر می‌کنند. در صورت وجود یک کانال صعودی، باید فقط به دنبال خرید باشند. معتبرترین سیگنال خرید، یک کف ۲ با یک کندل سیگنال صعودی روی میانگین متحرک خواهد بود جایی که ورودی در نزدیکی بالای کانال نباشد. این‌گونه موقعیت‌های عالی اغلب اتفاق نمی‌افتد. اگر معامله‌گران اخیراً قصد ورود دارند، باید منتظر بهترین موقعیت‌ها باشند، حتی اگر به قیمت از دست رفتن کل روند تمام شود. معامله‌گران باتجربه‌تر می‌توانند با سفارشات حد، در زیر سیگنال‌های فروش ضعیف و نزدیک میانگین متحرک و نزدیک کف کانال خرید انجام دهند. اگر معامله‌گران سود مداوم به دست نمی‌آورند، باید از گرفتن هر نوع سیگنال فروشی در یک کانال صعودی خودداری کنند، حتی اگر سقف پایین‌تر کوچکی وجود داشته باشد. بازار در روند صعودی است و آن‌ها نباید به دنبال فروش باشند، حتی با وجود سیگنال‌های زیادی که قابل‌قبول به نظر می‌آیند. قبل از جستجو برای فروش، صبر کنید تا بازار آشکارا روند غالب نزولی به خود بگیرد. روند غالب نزولی معمولاً نیاز به اسپایک نزولی قدرتمندی دارد که کف کانال و کف میانگین متحرک را رو به پایین بشکند و به حرکت خود ادامه دهد و سپس یک سقف پایین‌تر با یک کندل سیگنال نزولی به وجود آید. اگر موقعیت به هر مقداری ضعیف‌تر از این باشد، تازه‌کاران باید صبر کرده و تنها به دنبال خرید پولبک‌ها باشند. تصور ساده‌انگارانه نداشته باشید و فکر نکنید چون کانال خیلی ضعیف به نظر می‌رسد پس موعد بازگشت مدت‌هاست که به سر آمده است. بازار می‌تواند رفتار ناپایدار خود را بسیار بیشتر از آنکه شما بتوانید حسابتان را حفظ کنید ادامه دهد طوری که شما بر سر آن روند به نظر بسیار ضعیف شرط‌بندی کنید.

همچنان که قیمت بالاتر می‌رود، بسیاری از خریداران به‌صورت تدریجی وارد موقعیت‌های خریدشان می‌شوند و آن‌ها از هر دیدگاه منطقی قابل تصوری برای انجام این کار استفاده می‌کنند. بعضی‌ها روی پولبکی به سمت میانگین متحرک، یا در زیر کف کندل قبلی، یا روی پولبک‌ها در فاصله‌های ثابت، مانند هر ۵۰ سنت در زیر آخرین سقف در سهم اپل (APPL) خرید خواهند کرد. دیگران به‌محض اینکه مشخص شد که بازار در حال از سر گرفتن کانال است می‌خرند، مانند هر ۲۵ سنت در بالای کف قبلی. اگر شما بتوانید رویکردی را در نظر بگیرید، پس یک برنامه‌نویس هم

می‌تواند و اگر او بتواند نشان دهد که این رویکرد از نظر ریاضیات عملی است، شرکت او احتمالاً تلاش خواهد کرد که با استفاده از آن رویکرد معامله کند.

با تمایل به قیمت‌های پایین‌تر توسط خریداران و فروشندگان به دام افتاده، ولی ترس از اینکه هرگز آن قیمت‌ها نخواهند آمد، هر دو به خرید ادامه می‌دهند تا اینکه چیزی برای خرید برایشان باقی نمی‌ماند. این اتفاق همیشه در سطوح جذابی نظیر یک حرکت اندازه‌گیری شده یا خط روند در تایم فریمی بالاتر یا خط کانال روند رخ می‌دهد. ازآنجایی‌که کانال‌ها اغلب بسیار بیشتر از آنچه که معامله‌گران انتظار دارند حرکت می‌کنند، روند معمولاً به ورای اولین یا چندمین سطح مقاومت واضح به حرکت خود ادامه می‌دهد تا اینکه به سطحی برسد که در آنجا خریداران و فروشندگان بزرگ به این توافق برسند که بازار به‌اندازه کافی بالا رفته است و احتمالاً بالاتر نخواهد رفت. در آن نقطه بازار از زیر فشار خرید رها می‌شود و خریداران قدرتمند سودشان را می‌گیرند و موقعیت‌های خریدشان را می‌فروشند و فروشندگان بزرگ وارد شده و با جسارت بیشتری می‌فروشند. نتیجه این امر بازگشتی به اصلاح عمیق‌تر یا روندی در جهت مخالف است. روند صعودی اغلب با شکستی در بالای یک کانال به اتمام می‌رسد طوری که آخرین فروشندگان بیچاره با ناامیدی فروش‌هایشان را پس می‌خرند و ضعیف‌ترین خریداران که برای قیمت‌های پایین‌تر مدت زیادی را منتظر مانده‌اند، درنهایت اخیراً به قیمت مظنه بازار خرید انجام می‌دهند. فروشندگان بزرگ انتظار آن را دارند و اغلب منتظر شکست قوی می‌مانند و سپس بی‌امان شروع به فروش می‌کنند. آن‌ها معتقدند که این فرصت کوتاهی برای فروش در قیمتی بسیار بالا می‌باشد و اینکه قیمت مدت زیادی در اینجا نخواهد ماند. خریداران بزرگ اسپایک صعودی را به‌عنوان یک هدیه می‌بینند و از موقعیت خریدشان خارج می‌شوند و اکنون دوباره بعد از دست‌کم یک پولبک دو موجی که حداقل به‌اندازه ۱۰ کندل به طول می‌انجامد خواهند خرید. آن‌ها اغلب خرید نخواهند کرد مگر اینکه بازار تا ابتدای کانال پایین بیاید، جایی که قبلاً در یک معامله پرسود خرید کرده بودند. فروشندگان بزرگ این را می‌دانند و دقیقاً درجایی که خریداران بزرگ مجدداً خرید خواهند کرد به دنبال گرفتن سودشان خواهند بود. نتیجه معمولاً یک پرش قیمت است سپس اغلب یک محدوده بی روند معامله که هر دو طرف درباره جهت حرکت بعدی قیمت مردد هستند. تردید معمولاً به این معنی است که بازار در یک محدوده معامله قرار دارد.

یا حداقل موارد مذکور استدلال مرسوم است، اما احتمالاً پیچیده‌تر، غیرطبیعی‌تر و غیرقابل درک‌تر است. تمام مؤسسات با این الگو آشنا هستند و می‌توانید یقین حاصل کنید که برنامه‌نویسانشان همواره به دنبال راهی هستند که بر روی آن سرمایه‌گذاری کنند. یک چیز که یک موسسه ممکن است انجام دهد تلاش برای ایجاد یک اوج خرید است. اگر در تمام مسیر صعود در

حال خرید بوده و آماده برای سود گرفتن باشد اما می‌خواهد مطمئن شود که در اوج قرار دارد یا خیر، می‌تواند به‌صورت ناگهانی آخرین بخش بزرگ را بخرد با علم به اینکه ممکن است ضرر اندکی هم داشته باشد، ولی باهدف ایجاد یک بازگشت از اوج روی نمودار این کار را می‌کند. اگر شرکت موفق باشد و اگر احتمالاً چندین موسسه دیگر هم برنامه‌هایی را فعال کنند که همین کار را انجام دهند، آن شرکت می‌تواند از تمام موقعیت‌های خرید خود خارج شود که بیشتر آن‌ها با سود همراه است و سپس حتی به سمت فروش تغییر جهت دهد، با این اطمینان که اکنون فروشندگان بازار را در اختیار دارند.

آیا این اتفاق در تمام قله‌ها رخ می‌دهد؟ این را نمی‌توان دانست و ربطی هم به بحث ما ندارد. هدف شما دنبال کردن آن چیزی است که مؤسسات انجام می‌دهند و این را می‌توانید روی نمودارها ببینید. هرگز نیازی به این ندارید که چیزی درباره برنامه پس الگوها بدانید و مؤسسات خودشان هرگز نمی‌دانند که دیگر مؤسسات چه نوع برنامه‌ای بکار می‌برند. آن‌ها تنها برنامه‌های خودشان را می‌شناسند، ولی بازار بندرت مسیر زیادی خواهد رفت مگر آنکه مؤسسات زیادی در زمان واحد در سمت واحدی قرار داشته باشند و آن‌ها باید با اندازه حجمی معامله کنند تا بتوانند بر مؤسسات دیگری که در طرف مقابلشان قرار دارند غالب شوند. تنها زمانی که اکثریت غریب به‌اتفاق مؤسسات در یک طرف بازار قرار دارند زمان فاز اسپایک یک روند قوی می‌باشد و این اتفاق کمتر از ۵ در صد از کندل‌های نمودار رخ می‌دهد.

هنگام صعود کانال، این تنها خریداران و فروشندگان ضعیف نیستند که سفارشات خود را قرار می‌دهند. فروشندگان بزرگ هم درحالی‌که بازار بالاتر می‌رود می‌فروشند و پله‌ای وارد موقعیتشان می‌شوند و معتقدند که حرکت صعودی قیمت محدود است و سرانجام معامله آن‌ها با سود همراه خواهد بود. فروش آن‌ها شروع به ایجاد فشار فروش به شکل کندل‌هایی با بدنه‌های نزولی، سایه‌هایی در بالای کندل‌ها و کندل‌های زیادی با کف‌هایی پایین‌تر از کف‌های کندل قبلی خواهد کرد. آن‌ها به دنبال یک شکست رو به پایین کانال و شاید حتی لمس کف کانال هستند. ازآنجایی‌که آن‌ها می‌خواهند در بهترین قیمت ممکن بفروشند، همچنان که بازار بالاتر می‌آید قبل از انتظار برای بازگشت، فروش را انجام می‌دهند. این عمل آن‌ها به خاطر این است که بازگشت ممکن است سریع و قدرتمند باشد و آنگاه آن‌ها به فروش بیشتر خود در زیر باند بالایی کانال خاتمه می‌دهند تا اینکه باورشان سودمند باشد.

آن‌ها چندین راه برای افزودن به موقعیت فروششان، مانند فروش در بالای سقف کندل قبلی یا بالای سوییگ کوچک در کانال، در هر لمس سقف کانال روی خط کانال روند، در هدف‌های حرکت اندازه‌گیری شده در فاصله ثابتی همچنان که بازار بالا می‌رود (مانند هر ۵۰ سنت حرکت رو

به بالا در اپل)، یا هر سقف بالقوه دارند. در هنگام بازگشت قیمت، ممکن است موقعیت خود را به‌طور کامل به امید بازگشت بزرگی حفظ کنند، یا ممکن است در یک حد سود خارج شوند، مانند تست روی خط روند در کف کانال یا حتی در قیمت ورودی اولین فروش آن‌ها که اغلب در نزدیکی شروع کندل است. اگر این کار را انجام دهند، اولین فروششان یک معامله سربه‌سر خواهد بود و ورودی‌های بالاترشان همراه با سود خواهند بود.

اگر در حال ورود پله‌ای به معامله فروش در آن کانال صعودی هستید، بهترین کار این است که تنها در دوسوم اول روز این کار را انجام دهید. نباید خودتان را در حالی ببینید که فروش سنگینی در یک کانال صعودی انجام داده‌اید با ورودی سربه‌سری که به‌اندازه‌ای پایین‌تر از قیمت کنونی است که زمان کافی برای خروج بدون ضرر ندارید، حالا سود زیاد مهم نیست. در کل، اگر کانالی را در نیمه دوم روز معامله می‌کنید، خیلی بهتر است که فقط در جهت روند معامله کنید، مانند خرید در زیر کف کندل قبلی، یا بالای هر کندل بازگشتی صعودی روی میانگین متحرک.

اگر بازار تا بالاتر از آنچه فروشندگان احتمال می‌دادند برود، آن‌ها موقعیت کامل خود را با ضرر پس می‌خرند و این شاید کمک‌کننده بزرگی به شکست در اوج صعودی باشد که بعضی مواقع در انتهای یک کانال می‌آید. آن‌ها دیگر به این زودی منتظر پولبک نمی‌مانند که به آن‌ها اجازه دهد در قیمت بهتری بخرند و بجای آن در قیمت مظنه بازار می‌خرند و ضررهای تمام ورودی‌های فروش خود را جبران می‌کنند. ازآنجایی‌که بسیاری معامله‌گر مومنتم هستند، بسیاری به موقعیت خرید می‌روند. تمام خریداران معاملات مومنتم همچنان که بازار به سمت بالا شتاب می‌گیرد با شدت زیادی خرید می‌کنند زیرا می‌دانند که احتمالات ریاضیاتی بازار به نفع آن‌هاست. احتمال اینکه تیک بعدی بالاتر باشد نه پایین‌تر بیش از ۵۰ درصد است، بنابراین آن‌ها دارای یک مزیت هستند. حتی باوجوداینکه ممکن است شکست مختصر و بازگشت سریع باشد، برنامه خرید آن‌ها تا زمانی به خرید ادامه می‌دهد که حمایت‌های منطقی هم به کار خود ادامه دهند. باوجوداین، این مانند صندلی موزیکال است، به‌محض اینکه موسیقی مومنتم قطع شود، همه به‌سرعت یک صندلی را می‌ربایند، یعنی اینکه به‌سرعت از خریدشان بیرون می‌آیند. همچنان که آن‌ها از خریدهایشان خارج می‌شوند، به همان اندازه فروشندگان با اشتیاق می‌فروشند و این می‌تواند عدم تعادل قدرتمندی را به نفع فروشندگان ایجاد نماید. اگر فروشندگان کنترل را به دست گیرند، ریزش معمولاً حداقل به‌اندازه ۱۰ کندل به طول خواهد انجامید و معمولاً بازگشتی به زیر خط کانال روند و به داخل کانال و سپس یک شکست باند پایینی کانال خواهد بود.

کارشناسان تلویزیون شکست‌های صعودی سریع را به بعضی از بخش‌های اخبار نسبت خواهند داد و همیشه اخبار زیادی برای انتخاب شدن وجود دارند، به خاطر اینکه آن‌ها بازار را تنها از

درک این نکته مهم است که اغلب شکست‌های رو به بالا از کانال‌های صعودی نقض می‌شوند. اگر خریداران قادر به ایجاد شکست رو به بالا باشند و بر فروشندگان غلبه کنند، معمولاً تنها برای چند کندل می‌توانند این کار را انجام دهند. در آن نقطه، خریداران می‌بینند که بازار به حد افراط رسیده است و سودشان را خارج می‌کنند. آن‌ها تا زمانی که بازار برای لحظاتی اصلاح نشود خرید نخواهند کرد. اثر جاذبه وسط کانال معمولاً بازار را به داخل کانال خواهد کشید و باعث نقض شکست کانال می‌شود و شکست را تبدیل به یک اوج خرید می‌کند. هنگام برگشت به داخل کانال، بازار معمولاً اندکی به کف کانال به‌عنوان حداقل هدف خود نفوذ می‌کند. اوج خرید معمولاً منجر به اصلاح دو مرحله‌ای می‌شود که در حدود ۱۰ کندل به طول می‌انجامد و معمولاً کف کانال را می‌شکند. زمانی که شکست رو به پایین اتفاق می‌افتد، اگر فروش ادامه یابد هدف بعدی حرکتی اندازه‌گیری شده معادل ارتفاع کانال است. فروشندگان همچنین می‌دانند که بعد از خرید در اوج یک اصلاح خواهد آمد و آن‌ها با طمع بیشتری می‌فروشند. با فروش خریدهای قبلی خریداران، فشار فروش قدرتمندی ظاهر می‌شود و بازار رو به پایین اصلاح شده و حتی روند می‌تواند نزولی شود.

بعضی مواقع شکست رو به بالای یک کانال قدرتمند بوده و در طول چند کندل محدود نقض نمی‌شود. در این حالت بازار معمولاً به سمت هدف اندازه‌گیری شده‌ای حرکت می‌کند و شکست تبدیل به شکاف اندازه‌گیری شده می‌شود. برای مثال اگر کانال صعودی شکل گوه‌ای داشته باشد و به سمت پایین بشکند، اما شکست رو به پایین طی چند کندل محدود نقض شود و بازار به سمت بالا با سرعت حرکت کرده و سقف گوه را رو به بالا بشکند، صعود معمولاً به حرکتی اندازه‌گیری شده معادل ارتفاع گوه می‌رسد. آنگاه کندل یا کندل‌های روند که بالای گوه را می‌شکنند تبدیل به شکاف‌های اندازه‌گیری شده می‌شوند. شکاف‌ها، حرکت‌های اندازه‌گیری شده و شکست‌ها در کتاب ۲ بحث شده‌اند.

اگر بجای یک شکست رو به بالا، یک شکست رو به پایین ولی بدون شکست رو به بالای نقض شده، اوج خرید و بازگشت نزولی وجود داشته باشد، بازار معمولاً طی تعدادی کندل به‌صورت افقی حرکت خواهد کرد. این ممکن است یک سقف پایین‌تر و سپس موج نزولی دیگری تشکیل دهد، یا محدوده معامله ممکن است تبدیل به یک پرچم صعودی شده و منجر به ازسرگیری روند صعودی شود. کمتر معمول است که یک اسپایک قدرتمند نزولی و بازگشت قدرتمند نزولی وجود داشته باشد. مخالف تمام این‌ها برای کانال‌های نزولی صادق است.

ازآنجایی‌که یک کانال درواقع یک محدوده معاملاتی شیب‌دار است، معمولاً مانند یک پرچم عمل می‌کند. اگر یک کانال صعودی باشد فارغ از اینکه چقدر شیب‌دار بوده یا چقدر طول می‌کشد،

معمولاً در نقاطی شکست رو به پایین خواهد داشت و بنابراین می‌تواند به‌عنوان پرچم نزولی تصور شود حتی اگر قبل از آن روند نزولی نباشد. در برخی نقاط، خریداران قوی سودشان را خواهند گرفت و آن‌ها تنها بعد از پولبک قابل‌توجهی تمایل به خرید مجدد خواهند داشت. آن پولبک اغلب باید تمام مسیر به سمت شروع کانال را طی کند، جایی که آن‌ها قبلاً شروع به خرید کرده‌اند و این قسمتی از دلیل این است که چرا کانال‌ها منجر به اصلاحی به تمام مسیر تا کف کانال می‌شوند، جایی که معمولاً یک جهش قیمت وجود دارد. فروشندگان بزرگ به‌اندازه خریداران بزرگ باهوش هستند و عموماً درست زمانی که خریداران بزرگ خرید را متوقف می‌کنند، فروشندگان بزرگ به‌صورت تهاجمی شروع به فروش می‌کنند. درواقع، آن‌ها قیمت‌های بالاتر را حتی ارزشمندتر خواهند دید و بیشتر خواهند فروخت. آن‌ها در کجا سود فروششان را می‌گیرند؟ نزدیک کف کانال، دقیقاً جایی که خریداران بزرگ ممکن است تلاش کنند که خریدهایشان را دوباره برپا کنند.

به دلیل اینکه کانال صعودی مانند پرچم نزولی رفتار می‌کند، باید مانند یک پرچم نزولی معامله شود. به همین ترتیب، کانال نزولی باید مانند یک پرچم صعودی دیده شود. ممکن است یک روند صعودی قبل از آن باشد یا نباشد، ولی ربطی ندارد. بعضی مواقع تایم فریم بالاتری از روند صعودی خواهد بود که ممکن است در تایم فریم ۵ دقیقه‌ای مشهود نباشد و زمانی که این اتفاق رخ می‌دهد، کانال نزولی به‌عنوان یک پرچم صعودی بر روی آن نمودار ظاهر می‌شود. اگرچه در روندی با تایم فریم‌های بالاتر ممکن است شانس شکست صعودی و شانس قدرتمند بودن آن شکست افزایش یابد و آن روند بالاتر برود، اغلب شکست‌های غول‌آسایی از کانال‌های نزولی خواهید دید که الزاماً نباید آن‌ها را در تایم فریم‌های بالاتر روند صعودی جستجو کرد تا کانال را مانند یک پرچم صعودی معامله کرد. برخلاف این در کانال صعودی صادق است که عملاً پرچم‌های نزولی هستند.

ازآنجایی‌که کانال صعودی همان پرچم نزولی است، معمولاً درنهایت یک شکست نزولی وجود دارد. بعضی مواقع، باوجوداین، شکست صعودی در بالای کانال داریم. در بیشتر مواقع، این شکست اوجی و ناپایدار است. این کار ممکن است تنها برای یک یا دو کندل به طول انجامد، ولی بعضی مواقع قبل از اینکه بازار به سمت پایین معکوس شود به‌اندازه ۵ کندل یا بیشتر طول می‌کشد. بندرت روند صعودی به‌صورت یک روند بسیار قدرتمند امتداد خواهد یافت. اگر معکوس شود مجدداً وارد کانال می‌شود و با هر شکست کانالی که دوباره وارد کانال می‌شود، معمولاً سمت مقابل کانال را تست می‌کند. بعد از نقض شکست بالای یک کانال صعودی، ازآنجایی‌که نوعی اوج محسوب می‌شود، بازگشت باید حداقل دو موج نزولی داشته باشد و حداقل به‌اندازه ۱۰ کندل طول بکشد و این معمولاً تبدیل به یک بازگشت روند می‌شود. مخالف این برای شکست روبه پایین کانال

نزولی هم صادق است. شکست نزولی معمولاً اوج فروش است و در بالای کانال صعودی معکوس شده و دست‌کم دو موج صعودی دارد.

تمام کانال‌ها سرانجام با یک شکست خاتمه می‌یابند که می‌تواند شدید یا با مومنتم بسیار کم باشد. کانال‌های روند معمولاً بیشتر از آنچه که اکثر معامله‌گران فکر می‌کنند طول می‌کشد و آن‌ها اغلب معامله‌گرانی را که زودتر از موقع وارد معامله در جهت بازگشت می‌شوند را به دام می‌اندازند. بیشتر کانال‌ها قبل از به اتمام رسیدن حداقل دارای سه موج هستند. این مخصوصاً در مثلث‌ها و به‌ویژه در گوه‌ها بسیار واضح است. در مثلث‌ها معمولاً شکست قطعی است ولی جهت اغلب مشخص نیست.

هر چقدر شیب زیادتر و خطوط کانال به هم نزدیکتر باشند، کانال قوی‌تر و مومنتم بیشتر می‌شود. وقتی یک کانال شیب‌دار و فشرده است، نوع خاصی از کانال است که به کانال فشرده معروف است. وقتی افقی است، یک محدوده معاملات بسته است که در کتاب ۲ بحث شده است. وقتی یک کانال قدرتمند است، معامله کردن بر اساس اولین شکست مخالف روند خطرناک است و احتمالاً کل کانال در تایم فریم بالاتر یک اسپایک خواهد بود؛ بنابراین اگر یک کانال نزولی وجود داشته باشد و بیشتر پولبک‌های درون کانال تنها به‌اندازه یک کندل طول بکشد، بهتر است هیچکدام از آن شکست‌های بالای کندل قبلی خریداری نشود، حتی اگر خط روند نزولی را رو به بالا شکسته باشد. در عوض، بهتر است صبر کنید و ببینید که آیا پولبک شکستی وجود دارد که بتواند کف یا سقف پایین‌تر باشد. اگر باشد و بازگشت رو به بالا قوی به نظر آید (برای مثال، شاید ۲ یا ۳ کندل صعودی با اندازه مناسب در بین چندین کندل قبلی وجود داشته باشد)، آنگاه می‌توانید خرید پولبک شکست را مدنظر قرار دهید. اگر پولبکی نباشد و بازار با شتاب روبه بالا حرکت کند، آنگاه شانس قیمت‌های حتی بالاتر هم خوب است و می‌توانید منتظر هر پولبکی بمانید که طی ۵ کندل یا بیشتر باید ظاهر شود. شانس سودمند بودن خرید درصورتی‌که صعود به بالای میانگین متحرک برود و اولین پولبک بالای میانگین متحرک قرار گیرد بهتر می‌شود. این نشانه‌ای از قدرت است. اگر اولین پولبک پایین میانگین متحرک شکل گیرد، خریداران ضعیف‌ترند و شانس صعود موج بعدی کمتر می‌شود. اگر بازار به ریزش بعد از شکست صعودی ادامه دهد، شکست نقض شده و حرکت نزولی از سر گرفته می‌شود.

قدرت کانال مخصوصاً زمانی مهم است که بازار در فرایند بازگشت روند قرار گیرد. برای مثال اگر روند صعودی قوی بوده و سپس ریزش قدرتمندی که خط روند صعودی را می‌شکند وجود داشته باشد، معامله‌گران حرکت بعدی را با دقت زیادی بررسی می‌کنند. می‌خواهند بدانند که آیا رالی صعودی سقف را تست خواهد کرد یا در عوض باقدرت سقف را رو به بالا خواهد شکست و به

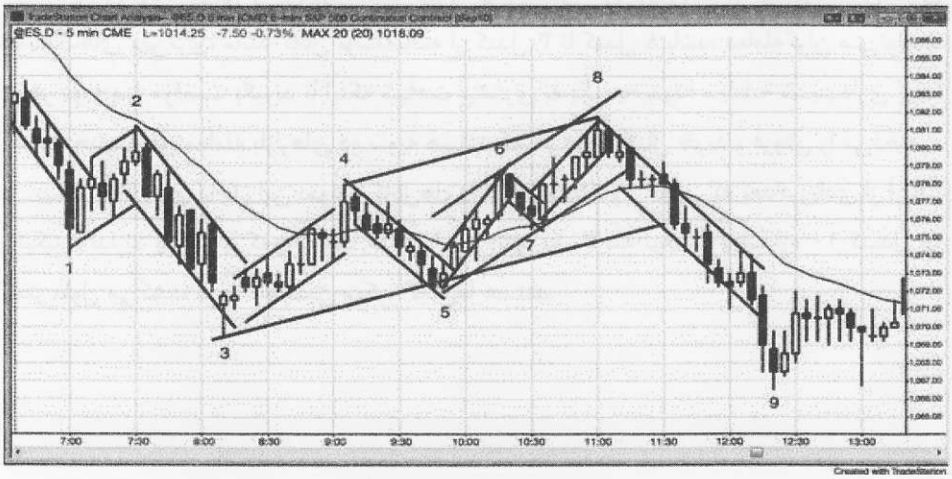
دنبال آن رالی قدرتمند دیگری در روند صعودی خواهد آمد. یکی دیگر از مهم‌ترین ملاحظات مومنتم تست سقف خرید است. اگر رالی در یک کانال بسیار فشرده و پرشیب بدون پولبک قرار گرفته و همپوشانی بسیار کمی بین کندل‌ها وجود داشته باشد و رالی بدون مکث یا پولبکی بسیار بالاتر از سقف خرید برود، مومنتم قوی است و احتمال ازسرگیری روند صعودی علی‌رغم ریزش زیاد و شکست خط روند صعودی، بالا خواهد رفت. معمولاً اولین شکست یک کانال فشرده و ممتد نقض خواهد شد. روند بعدازآن از سر گرفته خواهد شد و اغلب به منتهی‌الیه جدیدی شکسته خواهد شد و به حرکت اندازه‌گیری شده جدیدی تقریباً معادل ارتفاع آن شکست اولیه خواهد رسید.

به نسبت اگر رالی صعودی کندل‌های همپوشان زیاد، چندین کندل روند نزولی بزرگ، دو یا سه پولبک واضح، شاید یک‌شکل گوه‌ای و شیبی داشته باشد که به‌طور قابل‌توجهی از شیب (مومنتم) روند صعودی اصلی کمتر بوده و ریزش بیشتر باشد، ممکن است که تست سقف خرید منجر به یکی از دو حالت سقف پایین‌تر یا سقف کمی بالاتر و سپس تلاش دیگری برای ریزش شود. بازار ممکن است در حال برگشت به روند نزولی باشد، ولی دست‌کم یک محدوده معاملات محتمل است.

هر زمانی که شکستی از هر کانال و سپس بازگشت به داخل آن کانال وجود داشته باشد، بازار تلاش خواهد کرد که سمت مقابل کانال را تست کند و معمولاً تلاش خواهد کرد که آن سطح را حداقل به مقدار کمی بشکند، اگر شکست کانال در یکی از دو جهت موفق‌آمیز باشد، حداقل هدف بعدی حرکت اندازه‌گیری شده‌ای برابر با ارتفاع کانال خواهد بود. برای مثال یک سقف دوقلو یک کانال افقی است و اگر شکست موفقی به سمت پایین وجود داشته باشد، کمترین هدف برابر با ارتفاع کانال است. باوجوداین، شکست می‌تواند یک برگشت روند باشد و حرکت می‌تواند بسیار بزرگتر شود. اگر برعکس، شکست به سمت بالا باشد، هدف مجدداً حرکت اندازه‌گیری شده‌ای معادل ارتفاع سقف دوقلو می‌باشد. اگر APPL در حال تشکیل یک سقف دوقلو باشد و ارتفاع الگو به‌اندازه ۵ دلار بالاتر از کف باشد، هدف اولیه هر شکست به‌اندازه ۵ دلار بالاتر از سقف می‌باشد. اگر شکست رو به پایین باشد، اولین هدف به‌اندازه ۵ دلار زیر کف الگو است. در مورد کف گوه هم به همین صورت است. اولین هدف لمس سقف گوه می‌باشد. اگر بازار به صعود خود ادامه دهد، حرکت بعدی یک حرکت اندازه‌گیری شده است. اگر صعود ادامه داشته باشد، بازار بعدازآن ممکن است در یک روند صعودی قرار گیرد. حتی وقتی‌که کانال دارای شیب باشد، اولین هدف حرکتی به‌اندازه ارتفاع کانال می‌باشد. در یک کانال صعودی، برای مثال، هر کندل را گرفته و مستقیماً به خطوط بالا و پایین کانال نگاه کنید. به‌طور ساده اندازه‌گیری کنید که چقدر از هم دور هستند تا اینکه مقدار حرکت بعدی‌شان را تجسم کنید. هدف حرکت اندازه‌گیری شده تقریبی است، ولی بازار اغلب

دقیقاً با آن‌ها برخورد می‌کند و سپس متوقف می‌شود، پولبک می‌زند، یا بازمی‌گردد. اگر بازار بسیار فراتر از هدف برود، ممکن است روند جدیدی در راه باشد.

در تمام شکست‌ها ۳ اتفاق می‌تواند رخ دهد: می‌توانند موفق باشد و در آن جهت معاملات بیشتری انجام شود، می‌تواند نقض شده و تبدیل به یک بازگشت اوجی شود، یا بازار می‌تواند افقی شده و الگو می‌تواند تبدیل به یک محدوده معامله شود. بیشتر شکست‌ها تمایل دارند که در طول چند کندل برگردند. اگر کندل بازگشتی در مقایسه با کندل شکست قوی‌تر باشد، شانس نقض شکست و بازگشت زیاد است. اگر کندل بازگشتی در مقایسه با کندل شکست کوچک است، احتمال آن است که تلاش برای شکست نقض خواهد شد و طی یک یا دو کندل یک پولبک شکست را ایجاد خواهد کرد و شکست از سر گرفته خواهد شد. اگر کندل‌های بازگشت و شکست تقریباً دارای قدرتی برابر باشند، معامله‌گران به کندل بعد از کندل سیگنال بازگشتی نگاه می‌کنند. برای مثال، اگر یک کندل روند صعودی قوی وجود داشته باشد که یک پرچم صعودی را بشکند و کندل بازگشت نزولی بعدی به همان اندازه مؤثر باشد، کندلی که بعد از آن‌ها می‌آید بسیار مهم است. اگر در زیر کندل بازگشتی معامله‌ای انجام گیرد، شکست حداقل برای آن لحظه نقض می‌شود. اگر پس از آن قیمت پایانی نزولی قدرتمندی داشته و خود هم کندل روند نزولی قدرتمندی باشد، شانس اینکه بازگشت به سمت پایین ادامه پیدا کند افزایش خواهد یافت. اگر در مقابل کندل بازگشت صعودی قوی باشد، احتمال این است که نقض شکست موفقیت‌آمیز نخواهد بود و این کندل بازگشت صعودی به یک کندل سیگنال برای خرید پولبک شکست در یک تیک بالای سقف آن تبدیل می‌شود. شکست‌ها در کتاب ۲ بحث شده است.

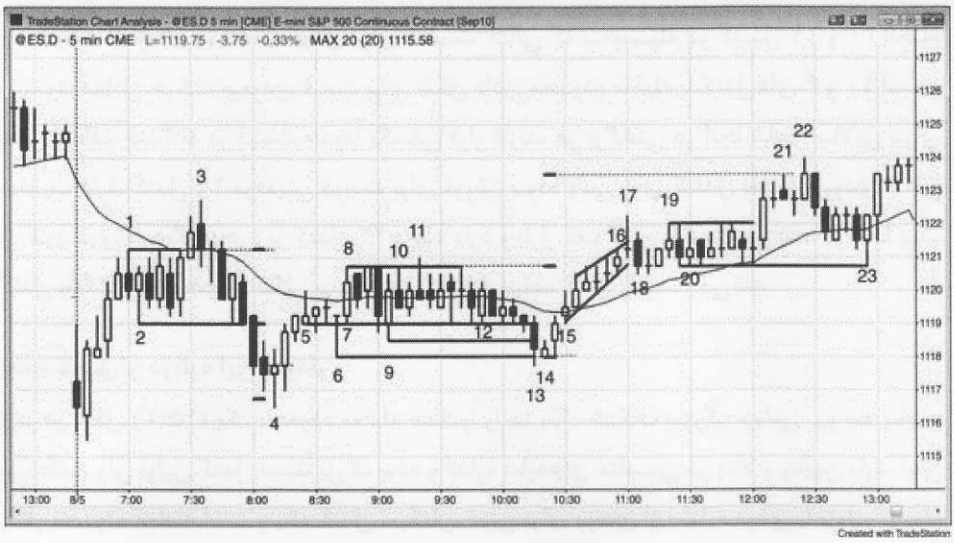


شکل (۱-۱۵) کانال‌های تودرتو

کانال‌ها در تمام نمودارها معمول هستند و بعضی کانال‌های کوچک‌تر در دل کانال‌های بزرگ‌تر قرار می‌گیرند. در شکل (۱-۱۵)، توجه کنید که خطوط همیشه حتماً نباید طوری ترسیم شوند که تمام سقف‌ها و کف‌های کانال‌ها را در برگیرند. ترسیم بهترین حالت خطوط به واضح‌تر نمودن رفتار کانال کمک کرده و پیش‌بینی سیگنال‌های آن‌ها را راحت‌تر می‌کند. ازآنجایی‌که بیشتر معاملات را موسسه‌ها و با کمک برنامه‌های کامپیوتری انجام می‌دهند، معقول است که فرض شود که هر کانال کوچک و فشرده‌ای، حاصل کار برنامه معاملاتی است. ازآنجایی‌که شرکت‌های بسیار زیادی هستند که برنامه‌هایشان را در تمام طول روز اجرا می‌کنند، یک کانال تنها زمانی می‌تواند شکل گیرد که چندین شرکت برنامه‌هایشان را در جهتی یکسان و با حجمی کافی اجرا کنند تا بتوانند بر برنامه‌هایی غلبه کنند که تلاش می‌کنند بازار را در جهت مخالف حرکت دهند. برای مثال، در کانال نزولی از کندل ۴، برنامه‌های فروش کافی در حال اجرا بوده‌اند تا بر قدرت برنامه‌های خرید چیره شوند و بازار به سمت پایین حرکت کند. وقتی برنامه‌های خرید و فروش به‌طور گسترده‌ای در تعادل باشند، بازار در یک محدوده معاملاتی فشرده، حرکت بدون روند انجام می‌دهد که یک کانال افقی است.

کانال‌های صعودی از پرچم‌های نزولی قابل تشخیص نیستند و کانال‌های نزولی باید به‌عنوان پرچم‌های صعودی در نظر گرفته شوند. وقتی یک کانال مانند کانال از کندل ۲ تا ۳ فشرده باشد، خریداران قبل از خرید باید منتظر بمانند تا اینکه یک شکست نقض شود و جهت بازار به سمت بالا برگردد، همان‌طور که در کندل ۳ این اتفاق رخ داده است. همچنین می‌توانند بعد از شکست منتظر یک پولبک بمانند، مانند خرید بالای سقف کندل کوچکی که ۵ کندل بعد از کندل ۳ شکل گرفته است. تا زمان توسعه یکی از این دو، معامله‌گران تنها باید در حال فروش باشند. وقتی کندل دارای سوییینگ‌های پهن‌تری، مانند کانال توسعه‌یافته از کندل ۳ تا کندل ۸ باشد، معامله‌گران می‌توانند در هر دو جهت موقعیت بگیرند تا اینکه شباهت بیشتری به یک محدوده معامله شیب‌داری پیدا کند و محدوده‌های معامله بازارهای دو سویه هستند که هر دو سیگنال خرید و فروش را می‌دهند.

بیشتر کانال‌های داخل این نمودار، کانال‌های فشرده هستند و ازآنجایی‌که تعداد زیادی از آن‌ها پولبک یا ندارند یا پولبک کوچک یک کندلی است (تنها یک تا سه تیک) و به‌اندازه ۱۰ کندل یا کمتر طول می‌کشد، آن‌ها همچنین میکرو کانال‌ها هستند.



شکل (۲-۱۵) شکست نقض شده کانال‌ها

وقتی شکست یک کانال و سپس بازگشت به داخل کانال وجود داشته باشد، بازار معمولاً سمت مقابل کانال را تست می‌کند و اغلب سمت دیگر را حداقل به مقدار اندکی می‌شکند. اگر شکست تا آخر ادامه یابد، اولین هدف، حرکت اندازه‌گیری شده‌ای به‌اندازه ارتفاع کانال است. در شکل (۲-۱۵)، کندل ۳ سمت محدوده معامله را رو به بالا شکسته و به سمت پایین برمی‌گردد. بعد از شکستن کف کانال، کف کندل ۴ یک تیک پایین‌تر از یک حرکت اندازه‌گیری شده کامل است.

کندل ۱۱ سقف محدوده معامله را رو به بالا شکسته و سپس بازار کف محدوده را با کندل ۱۳ لمس می‌کند. بعضی مواقع برای ترسیم خطوط چندین کندل وجود دارد که انتخاب شوند و معمولاً آگاهی از تمام احتمالات ارزشمند است زیرا تا چندین کندل بعد نمی‌دانید که کدام‌یک بهترین است. پهن‌ترین کانال مطمئن‌ترین است.

کندل صعودی داخلی بعد از کندل ۱۳ یک موقعیت خرید شکست نقض شده را ایجاد می‌کند. ازآنجایی‌که بازار دوباره به سمت داخل کانال بازمی‌گردد، اولین هدف لمس سقف کانال است. شکست سقف کانال موفقیت‌آمیز بوده و هدف دوم حرکتی اندازه‌گیری شده به سمت بالا است. کندل ۲۲ یک تیک به بالای هدف می‌رود. بعضی مواقع یک روند شروع شده و بسیار بالاتر می‌رود.

کندل ۱۷ یک میکرو کانال یا یک گوه را به سمت بالا شکسته و در کندل بعدی به سمت پایین بازمی‌گردد. ازآنجایی‌که کانال بسیار فشرده است، هدف تست انتهای پایینی کانال در کندل بعدی انجام می‌شود، اما فضای مناسبی برای فروش پرسود نبوده و نباید فروش انجام شود.

حرکت اندازه‌گیری شده صعودی برای شکست کانالی که به‌وسیله دو کندل ۱۹ و ۲۰ انجام می‌شود، معادل حرکت صعودی قیمت برای شکل دادن محدوده معامله با کندل‌های ۶ و ۱۰ است. وقتی اهداف چندگانه در قیمت حدوداً یکسانی قرار دارند، هر برگشتی در آنجا شانس بالایی برای موفقیت دارد. کندل ۲۱ موقعیتی درست برای فروش بوده ولی روی کندل بعد از ورودی نقض می‌شود. ورودی دیگری در زیر کندل ۲۲ وجود دارد و بازار کف کانال را تست می‌کند. در آنجا یک کندل بازگشتی صعودی را شکل می‌دهد و آنگاه بازار سقف کانال را تست می‌کند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار در شکل (۲-۱۵) یک محدوده معامله همگرا را با یک شکاف بزرگ نزولی[۱] رو به پایین می‌شکند، ولی اولین کندل نسبتاً بزرگ بوده و اندازه سایه‌های مناسبی در بالا و پایین دارد. این رفتار محدوده معامله است و یک کندل سیگنال خوبی برای روندی از ابتدا صعودی یا نزولی نیست. کندل بعدی یک کندل قدرتمند بازگشتی صعودی می‌باشد و سیگنال خریدی به دلیل شکستی نقض شده و روندی از ابتدا صعودی می‌دهد. بازار درست در پایین میانگین متحرک وارد یک محدوده معامله فشرده می‌شود و تبدیل به یک پرچم نهایی با شکستی نقض شده و بازگشت رو به پایین می‌شود. اگرچه معامله‌گران می‌توانند به‌محض اینکه کندل ۳ به زیر کندل قبلی رفت فروش انجام دهند، مطمئن‌تر آن است که صبر کنند تا کندل به‌منظور تأیید نزولی بودن بدنه خود بسته شود، سپس در پایین کف آن فروش انجام دهند.

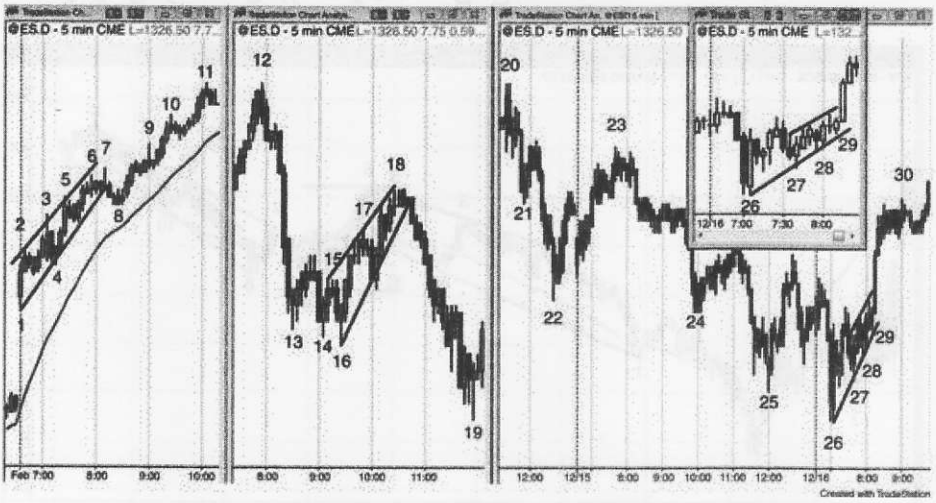
حرکت صعودی به سمت کندل ۱ در داخل یک میکرو کانال انجام می‌شود، بنابراین شکست نزولی کندل ۲ احتمالاً بدون پولبک فاصله زیادی را طی نخواهد کرد. وقتی‌که بازار به بالای سقف کندل شکست ۲ می‌رود، شکست نقض می‌شود. در آن ناحیه، بازار حرکت بدون روندی انجام می‌دهد چراکه معامله‌گران بر سر کنترل بازار در حال مبارزه هستند. فروشندگان به دنبال یک پولبک سقف یا کف بالاتر از کندل شکست ۲ می‌گردند و خریداران در جستجوی نقض شکست و سپس موج صعودی دیگری هستند.

فروشندگان برنده می‌شوند و بازار در یک میکرو کانال نزولی تا کندل ۴ پایین می‌آید، جایی که فرآیند معکوس می‌شود. کندل ۵ کندل سیگنالی برای نقض شکست است، ولی چهار کندل اسپایک صعودی به‌اندازه‌ای قوی هستند که معامله‌گران به این باور برسند که بازار احتمالاً سطوح بالاتری را خواهد دید که این حرکت روبه بالا تا صعود به کندل ۸ انجام می‌گیرد.

---

[۱]. شکاف ابتدای نمودار. م

حرکت از کندل ۱۴ تا کندل ۱۷ میکرو کانال صعودی دیگری است و کندل ۱۸ کندل شکست محسوب می‌شود. بازار پیش از آنکه روند کوچک تا کندل ۲۲ از سر گرفته شود به‌صورت افقی حرکت می‌کند.



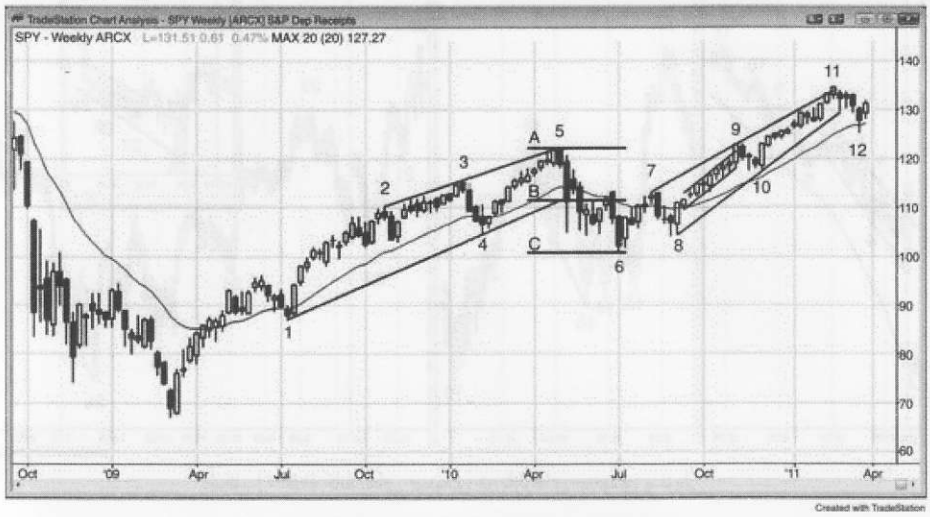
شکل (۳-۱۵) کانال‌های صعودی در بازارهای صعودی و نزولی

در هر نوع بازاری یک کانال صعودی می‌تواند رخ دهد. در شکل (۳-۱۵) در سمت چپ نمودار ۵ دقیقه‌ای EMINI یک کانال صعودی در یک روند صعودی قوی وجود دارد، جایی که بازار یک شکاف رو به بالا داشته و تبدیل به روندی از آغاز روند صعودی روزانه می‌شود. پولبک‌ها کوچک بوده و بازار در تمام طول روز بالا می‌رود. به خاطر اینکه کل روز دارای روند قدرتمندی است، معامله‌گران در حال خرید پولبک‌های کوچک، مانند روی کف کندل قبلی و زیر آن هستند.

کانال صعودی در نمودار وسط یک پرچم نزولی گوه‌ای شکل در یک روند نزولی می‌باشد و معامله‌گران نباید در جستجوی خرید باشند. می‌توانند در زیر الگوی (ii) در کندل ۱۸ یا روی هرکدام از چندین کندل بعدی بفروشند، چراکه روند غالب بازار نزولی می‌باشد.

کانال صعودی سمت راست یک پرچم نزولی کوچک در یک روند افراطی نزولی است. این کانال در ابتدای خود بعد از کندل روند نزولی بزرگی تشکیل می‌شود که سومین رانش نزولی است. کندل ۲۶(در تصویر کوچک ببینید) یک جفت کندل بازگشتی قوی صعودی از کف روز قبل برپا می‌کند. حتی با اینکه کانال شروع شده از کندل ۲۶ تا کندل قبل از کندل ۲۹ یک پرچم نزولی است، معامله‌گران بر این باورند که بازار در حال بازگشت رو به بالا می‌باشد و در زیر کندل‌های قبلی خرید انجام می‌دهند، به امید اینکه موقعیت فروش کف‌های ۱ و ۲ نقض شود. کندل ۲۹ کندل

روند صعودی قدرتمندی است که سقف پرچم نزولی را رو به بالا می‌شکند و بازار را در وضعیتی که روند غالب صعودی است قرار می‌دهد. تمام کندل‌های نزولی از سمت پایین شکسته نمی‌شوند. بعضی از آن‌ها تبدیل به پرچم نهایی روند نزولی شده، از سمت بالا شکسته می‌شوند و منجر به یک روند صعودی می‌شوند، همان‌طور که در اینجا اتفاق می‌افتد.



شکل (۴-۱۵) شکست کانال و حرکت اندازه‌گیری شده

وقتی بازار با موفقیت هر کانالی را می‌شکند، اولین هدف حرکتی اندازه‌گیری شده است. در شکل (۴-۱۵)، نمودار هفتگی SPY، خط روند از کف کندل‌های ۱ و ۴ ترسیم شده و خط کانال روند از سقف کندل‌های ۲ و ۳ کشیده شده است و در کندل ۵ هم لمس شده است. این یک کانال صعودی است و خطوط همگرایی ملایمی دارند. خط افقی A از سقف کندل ۵ عبور کرده و خط کف کانال B، مستقیماً زیر کف کندل ۵ است. خط C یک حرکت اندازه‌گیری شده نزولی به‌اندازه فاصله خطوط A تا B است. کندل ۶ حمایت را روی حرکت اندازه‌گیری شده بنا نهاده و به دنبال آن یک رالی صعودی آمده است.

هدف مشابهی با استفاده از چنگال اندروز[1] پیش‌بینی شده است، ولی ازآنجایی‌که تحلیل پرایس اکشن اساسی همان نتیجه را می‌دهد، این روش تحلیل بازار تمام آن چیزی است که شما بدان نیاز دارید. ممکن است دلایل بی‌شماری وجود داشته باشد که چرا فروشندگان در حوالی کف کندل ۶ سودشان را خارج می‌کنند و چرا خریداران با حرص و طمع خرید می‌کنند. هیچ‌کدام از آن‌ها مهم

[1]. یکی از ابزارهای تحلیل تکنیکال است که در پلت فرم متا تریدر هم قابل‌دستیابی است. م

نیستند چون هیچ راهی وجود ندارد که بدانید چه مقدار پول به هر دلیلی معامله می‌شود. تمام چیزی که می‌دانید آن است که نمودار نتیجه چکیده تمام آن پول‌هایی است که به دلایل بی‌شماری معامله شده‌اند و درک الگوهای تکراری شما را در موقعیتی قرار می‌دهد که بدانید چه موقع سود بگیرید و چه موقع معاملات معکوس را در نظر داشته باشید.

حرکت نزولی به سمت کندل ۱ اولین شکست در زیر یک کانال فشرده و قدرتمند بوده و بنابراین احتمالاً نقض می‌شود. وقتی اولین شکست نقض و روند ازسر گرفته شود، اغلب رو به بالا به سمت یک حرکت اندازه‌گیری شده کشیده می‌شود که تقریباً معادل ارتفاع آن تلاش اولیه برای بازگشت است. در اینجا بسیار بیشتر کشیده شده است.

کانالی که بعد از کندل اسپایک صعودی ۱ شروع می‌شود هم بسیار فشرده است و اسپایک نزولی به سمت کندل ۴ اولین شکست قدرتمند است. بازگشت نقض شده و روند از سر گرفته می‌شود. خریداران تلاش می‌کنند که حرکت صعودی را تا حدود یک حرکت اندازه‌گیری شده امتداد دهند. آن حرکت اندازه‌گیری شده معادل ارتفاع از کندل ۳ تا کندل ۴ است که به بالای کندل ۳ اضافه می‌شود، ولی بازار به‌طور کامل به هدف نمی‌رسد.

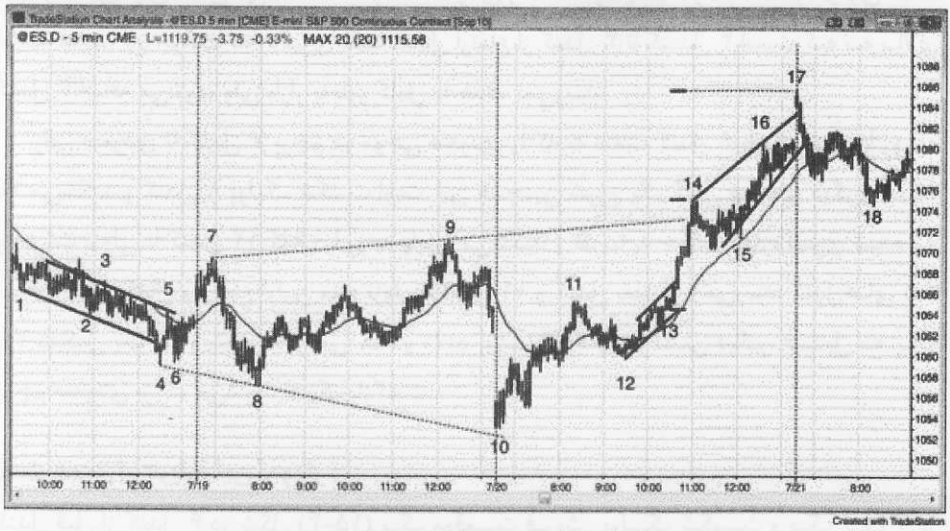
رالی صعودی تا کندل ۷ پرچم دو موجی صعودی را که به سمت کندل ۶ پایین آمده را رو به بالا می‌شکند و کندل ۸ پولبک شکست است. این همچنین شروع یک کانال صعودی دیگری است و حرکت نزولی تا کندل ۱۲ کانال را رو به پایین می‌شکند و تقریباً به حرکت اندازه‌گیری شده بر مبنای ارتفاع کانال و ارتفاع اولین موج نزولی (کندل ۱۱ و کندل بعدازآن) می‌رسد. کندل‌های ۳،۵ و ۷ تشکیل یک سر و شانه بالا را می‌دهند و مانند بیشتر الگوهای بازگشتی دیگر، تبدیل به یک پرچم صعودی بزرگ می‌شوند نه یک بازگشت.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

کندل قبل از کندل ۶ در شکل (۴-۱۵) یک موقعیت فروش پولبک شکست و یک کف ۲ در میانگین متحرک است. کندل بعد از کندل ۵ سایه بلندی دارد، همان‌طور که چندین کندل بعدازآن دارند و محدوده معامله زیر میانگین متحرک یک الگوی سیم‌خارداراست که اغلب تبدیل به پرچم نهایی می‌شود، چنانکه در اینجا شده است.

در کف نمودار یک اسپایک رو به بالای تک کندلی وجود دارد که بعدازآن یک کانال بسیار فشرده آمده است. درواقع، در این رالی سه یا چهار کانال بسیار فشرده وجود دارد (بعضی معامله‌گران اسپایک ثانویه از کندل ۱ تا کندل ۳ را به‌عنوان تنها یک کانال شیب‌دار یا اسپایک می‌بینند و عده‌ای آن را دو کانال یا اسپایک می‌بینند). وقتی یک کانال فشرده است، اغلب مانند

یک اسپایک عمل می‌کند و بعدازآن یک کانال می‌آید. متعاقب پولبک به کندل ۱، یک اسپایک دو کندلی می‌آید و سپس کانال دیگری که بازهم آن‌قدر فشرده است که احتمالاً باید به‌عنوان قسمتی از اسپایک اولیه عمل کند. بعد از پولبک از کندل ۲، کانال صعودی چندین کندل با بدنه نزولی دارد که نشانی از ایجاد فشار فروش است. نتیجه آن یک اسپایک نزولی ۴ کندلی تا کندل ۴ است. فشار فروش در حال ساخت است و خریداران در هنگام تست سقف احتمالاً در حال گرفتن سودشان می‌باشند. اگرچه کانال صعودی از کندل ۴ فشرده بوده و بنابراین احتمالاً اسپایک دیگری است، یک اسپایک می‌تواند به‌عنوان یک اوج هم عمل کند. این سومین یا چهارمین اوج خرید متوالی است (هر اسپایکی، خواه یک کندلی خواه چند کندلی، یک اوج محسوب می‌شود) و بعدازآن یک اسپایک نزولی قدرتمند ظاهر می‌شود. اوج‌های پی‌درپی معمولاً منجر به اصلاح بزرگتری می‌شوند، همان‌طور که در اینجا شده‌اند.



شکل (۵-۱۵) شکست نزولی اوجی کانال نزولی

یک کانال نزولی که کف آن شکسته می‌شود می‌تواند با یک روند نزولی حتی قوی‌تری دنبال شود، ولی معمولاً شکست به‌زودی تبدیل به اوج فروش می‌شود و همان‌طور که در شکل (۵-۱۵) نشان داده شده است، آشکارا با یک صعود حداقل دو موجی دنبال می‌شود. کندل ۴ کف کانال را می‌شکند ولی همان‌طور که انتظار می‌رفت، تبدیل به یک اوج فروش می‌شود و به دنبال آن یک رالی دو موجی می‌آید که در کندل ۷ به اتمام می‌رسد.

یک اسپایک صعودی تا کندل ۱۴ وجود دارد که متعاقب آن پولبکی در کندل ۱۵ می‌آید و پس از آن یک کانال گوه‌ای شکل توسعه می‌یابد. بازار روی شکاف تا کندل ۱۷ به سمت بالا

شکسته می‌شود، ولی این شکست تنها یک اوج خرید بوده که به سمت کانال صعودی برمی‌گردد و سپس به سمت پایین امتداد می‌یابد. این اصلاح دارای دو موج است که در کندل ۱۸ به پایان می‌رسد. بسیاری از کانال‌ها قبل از بازگشت در درونشان دارای سه رانش می‌باشند و کندل‌های ۱۶،۱۴ و ۱۷ سه رانش صعودی هستند.

کانال صعودی کوچکی که از کندل ۱۲ آغاز شده است به سمت بالا کشیده می‌شود و شکست روبه بالا بسیار قدرتمند است. تمام شکست‌ها اوج محسوب می‌شوند ولی همیشه تمام اوج‌ها منجر به بازگشت نمی‌شوند. بعضی‌ها، مانند این یکی، می‌توانند تبدیل به شکست‌های بسیار قوی شوند. وقتی درنهایت آن‌ها اصلاح را به پایان رسانده و روند از سر گرفته می‌شود، این کار را معمولاً با مومنتم کمتری انجام می‌دهند (شیب کمتر است) و معمولاً همپوشانی کندل‌ها بیشتر می‌شود که نشانه‌ای از این است که معامله دوطرفه در حال افزایش است.

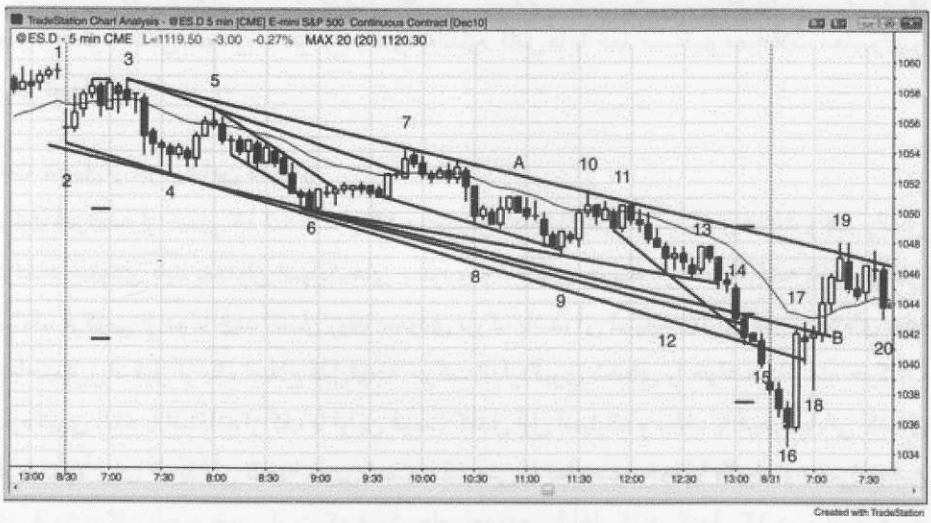
وقتی‌که یک روند صعودی قدرت بالایی داشته باشد، معامله‌گران معمولاً در ناحیه تست میانگین متحرک، مانند کندل‌های ۱۳ و ۱۵ خرید می‌کنند؛ بنابراین میانگین متحرک خود شامل روند می‌شود و مانند خط پایینی کانال عمل می‌کند. می‌توانید اندیکاتورهایی بنویسید که خطی به‌موازات خط روند را ایجاد کند و آن را بالای سقف‌ها قرار دهید تا یک کانال ایجاد شود، ولی معمولاً خطوط کانال منحنی یا هر نوع باندی به‌اندازه کانال‌ها با خط مستقیم معاملات معتبری را فراهم نمی‌کنند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

حرکت قدرتمند از کندل ۱۳ تا کندل ۱۴ در شکل (۵-۱۵) تقریباً عمودی است و هر رانش قدرتمند صعودی باید به‌عنوان اسپایک‌های صعودی و اوج‌های خرید در نظر گرفته شود. وقتی اسپایک ترکیبی از دو یا چند کندل روند صعودی بزرگ باشد، آن اسپایک دارای قدرت ویژه‌ای بوده و به‌احتمال‌زیاد قبل از یک اصلاح قابل‌توجه حرکت اندازه‌گیری شده‌ای را خواهد داشت. حرکات اندازه‌گیری شده با استفاده از کف یا اولین قیمت کندل اول اسپایک و سقف یا قیمت پایانی کندل آخر معمولاً برای خریداران ناحیه خوبی است تا قسمتی یا تمام سود خود را بگیرند و بعضی مواقع برای فروشندگان ناحیه خوبی است که فروش‌های جدیدی را آغاز کنند. کندل ۱۳ در پایین هیچ سایه‌ای ندارد و در نزدیکی سقف خود پایان می‌یابد؛ این اولین کندل از کندل‌های صعودی بسیاری است، بنابراین کف اسپایک می‌باشد. ارتفاع اسپایک با استفاده از اولین قیمت کندل ۱۳ و سقف کندل ۱۴ در بالای اسپایک، حرکت اندازه‌گیری شده‌ای را تا دقیقاً سقف کانال، سقف کندل،۱۷ تصویر می‌کند.

کندل ۷ ورودی فروش کندل شکاف میانگین متحرک دیگری دریک روند نزولی است که اغلب قبل از توسعه بازگشتی بزرگتر، منجر به یک موج پایانی در یک روند نزولی می‌شود. رالی صعودی به سمت کندل ۷ خط روند نزولی را می‌شکند و به دنبال آن در کندل ۸ یک کف پایین‌تر روند بازگشتی ظاهر می‌شود.

کندل ۱۰ کف پایین‌تر دیگری است که در آن نقطه یک محدوده معاملاتی محسوب می‌شود، اما کف یک مثلث پهن شونده نیز است. مثلث‌های پهن شونده اغلب به سقف جدیدی صعود کرده و یک مثلث پهن شونده صعودی را ایجاد می‌کنند. بازار تمایل دارد آن کار را در کندل ۱۴ انجام دهد، ولی مومنتم بازار آن‌قدر قوی است که هرکسی که بخواهد به فکر فروش باشد باید منتظر ورودی دیگری باشد که هرگز ایجاد نمی‌شود. بسیار بهتر است بجای اینکه بعد از یک چنین شکست قدرتمندی فروش را در نظر داشته باشید، به دنبال خرید یک پولبک باشید. سقف مثلث پهن شونده همان‌طور که انتظار می‌رفت نقض می‌شود و به دنبال شکست در بالای خط کانال روند و سقف کندل ۹ روز قبل یک اصلاح پولبک شکست بدون روند دو موجی به میانگین متحرک در کندل ۱۵ می‌آید.



شکل (۶-۱۵) بازگشت‌ها در خطوط

وقتی‌که بازار دارای روند ظاهر می‌شود، در جستجوی تمام خطوط روند و خطوط کانال روند ممکن باشید زیرا این‌ها مناطقی هستند که در آنجا امکان بازگشت بازار وجود دارد. معامله‌گران از تمام تکنیک‌ها، مانند اتصال نقاط سوییینگ به یکدیگر، ایجاد خطوط موازی و استفاده از منطبق‌ترین خطوط برای ترسیم خطوط استفاده خواهند کرد. شکل (۶-۱۵) بعضی از بدیهی‌ترین

خطوط را نشان می‌دهد، ولی در آنجا خطوط زیادتری وجود دارند. برخی بر مبنای بازارهای مرتبطی هستند مانند شاخص پول و بعضی بر پایه انواع دیگری از نمودارها، مانند نمودارهای حجم و نمودارهای تیک هستند. فروشندگان می‌توانند قسمتی از سودشان را در هنگام لمس کف کانال‌ها نزدیک خطوط کانال روند بگیرند و خریداران سلطه‌جو در آنجا می‌توانند خریدهای اسکالپ را آغاز کنند.

خط روند نزولی A ایجاد شده به‌وسیله سقف کندل‌های ۳ تا ۷، شش کندل بعد از کندل ۷ دقیقاً لمس شده و در کندل ۱۰ و کندل ۱۱ مجدداً تست شده است و تمام رفتارهای صعودی قیمت را در بر گرفته است. این عملکرد خط روند مشخص می‌کند که این خط در روزی جاری بسیار مهم بوده است. به خاطر اهمیت بالای این خط، ترسیم یک خط (خط B) به‌موازات آن و اتصال آن به کف یک سوییِنگ که تمام ریزش‌ها را در برگیرد، احتمالاً کانالی را ایجاد خواهد کرد که معامله‌گران احساس کنند بسیار مهم است. کندل ۶ انتخابی معقول برای اتصال خط B است.

زمانی که کندل ۱۴ کف کانال را می‌شکند، معامله‌گران به یک حرکت اندازه‌گیری شده نزولی به استفاده از ارتفاع کانال در زمان شکست جهت تصویر یا مقدار یک حرکت اندازه‌گیری شده احتمالی فکر می‌کنند. این حرکت از اولین قیمت روز بعد عبور می‌کند. وقتی یک کانال نزولی بجای بالا، به سمت پایین می‌شکند، حتی اگر شکست سریع باشد همان‌طور که در اینجا هست، معمولاً قبل از بازگشت تنها به تعداد چند کندل پایین می‌رود. وقتی در کندل ۱۷ به داخل کانال بازمی‌گردد، هدف نفوذ اندکی به سقف کانال است که این نفوذ اندک در کندل ۱۹ رخ می‌دهد.

ریزش از کندل ۱۳ تا کندل ۱۶ شامل ۱۰ کندل نزولی با اندکی همپوشانی و بدنه‌های بزرگ و سایه‌های کوچکی است، همگی نشانگر قدرت روند نزولی هستند. این رفتار ناپایدار و بنابراین اوجی است. این باید یک کندل بزرگ نزولی غیرمعمول در تایم فریم‌های بالاتر باشد، هرچند با جستجو در نمودار تایم فریم‌های بالاتر چیزی به دست نمی‌آید. هر کندل روند نزولی بزرگ یک اسپایک، یک شکست و یک اوج فروش است. حرکت صعودی قدرتمند تا کندل ۱۹ با ریزش از کندل ۱۳ تا کندل ۱۶ یک بازگشت دو کندلی در تایم فریم‌های بالا ایجاد می‌کند و حتی در تایم فریم‌های بالاتر تشکیل یک کندل بازگشتی می‌دهد. هرگز دیدن تصویر بزرگ را از دست ندهید و از یک ریزش بزرگ غیرمعمول نترسید. بله یک اسپایک نزولی غول‌آسا، درواقع یک اوج فروش قدرتمند است و اغلب متعاقب آن یک کانال نزولی ممتد ظاهر می‌شود، ولی می‌تواند خستگی را هم به نمایش بگذارد و منجر به بازگشت بزرگی شود، همان‌طور که در اینجا شده است.

بازار معمولاً به دلیل اثر جاذبه وسط کانال، با سرعت بالایی به بالا و پایین کانال حرکت می‌کند. برای مثال، کندل ۷ کندل روند صعودی قدرتمندی است و کندل روند صعودی قوی

دیگری در دو کندل قبل از آن هم وجود دارد. خریداران ضعیف یک اسپایک سه کندلی و یک بازگشت صعودی قوی رو به بالا را در روز می‌بینند و در زمان شکل‌گیری کندل ۷، روی قیمت پایانی آن و در سقف ۱ سه کندل بعدازآن خرید می‌کنند. در عوض خریداران بزرگ در هنگام لمس سقف کانال نزولی از خریدشان خارج می‌شوند.

خوب پس چرا باوجوداین چنین فشارهایی بر روی روند نزولی روز وقتی‌که فروشندگان به‌طور واضح کنترل بازار را در اختیار دارند، بازار به سمت بالا کشیده می‌شود؟ به خاطر این‌که فروشندگان معتقدند که خط روند باید تست شود، بنابراین همچنان که بازار به آن نزدیکتر و نزدیکتر می‌شود، آن‌ها مطمئن‌تر می‌شوند که قیمت به‌زودی به خط روند نزولی خواهد رسید. زمانی که باور دارند که در چند دقیقه آتی می‌توانند در قیمت بهتری بفروشند انگیزه‌ای برای فروش در آن‌ها باقی نمی‌ماند. این فقدان فروشندگان قوی ایجاد یک حرکت روبه بالا می‌کند که بازار را به‌سرعت به سمت خط روند بالا می‌کشد. معامله‌گران مومنتم تا زمانی به خرید خود ادامه می‌دهند که مومنتم متوقف شود و ازآنجایی‌که فروشندگان کمتری وجود دارند که تمایل به فروش داشته باشند، بازار به‌سرعت تا قیمتی بالا می‌رود که برای فروشندگان ارزشمند باشد. در آن زمان، فروشندگان که منتظر تست بودند، با توان بالایی می‌فروشند. آن‌ها قادرند که در تمام طول روز بر خریداران پیروز شوند، چنانکه روند روز نزولی دیده می‌شود و فروشندگان و خریداران هردو می‌دانند که کنترل بازار در دست فروشندگان است. یک کانال نزولی در آنجا وجود دارد و بازار بیشتر روز را در زیر میانگین متحرک سپری می‌کند.

ازآنجاکه همه به‌جز معامله‌گران نوآموز می‌دانند که احتمال، بشدت به نفع واماندگی هرگونه تلاش برای شکست رو به بالای خط روند است، این مکانی که خط روند تست می‌شود موقعیتی بسیار عالی برای خروج از فروش‌ها با کمترین زیان است. همچنین، (موقعیتی عالی برای. م) فروش می‌باشد زمانی که خریداران در حال ارائه یک ورودی بسیار عالی به فروشندگان هستند. آن‌ها بازار را بیش‌ازحد امتدادیافته می‌بینند و احتمالاً بالاتر از آن نخواهد رفت. ازآنجایی‌که آن‌ها معتقدند بازار ممکن نیست یک تیک دیگر بالا رود، درنهایت به بازار برگشته و فروش سنگین و بی‌امانی انجام می‌دهند، حتی باوجوداینکه برای چندین کندل خارج از بازار بوده‌اند. خریداران از آن تست به‌عنوان جایی برای خارج کردن سود معاملات اسکالپ خود استفاده می‌کنند. خریداران و فروشندگان هردو می‌دانند که بازار به مدت کوتاهی در بالای کانال خواهد بود، بنابراین هردو به‌سرعت عمل می‌کنند. خریداران به‌سرعت از خریدهای اسکالپ خود خارج می‌شوند زیرا نمی‌خواهند خطر بازگشت سریع بازار به زیر قیمت متوسط ورودشان را بپذیرند و فروشندگان شروع به فروش سنگین می‌کنند و به فروش خود در تمام مسیر روبه پایین تا تست کف کانال ادامه می‌دهند. در آنجا (کف کانال. م)

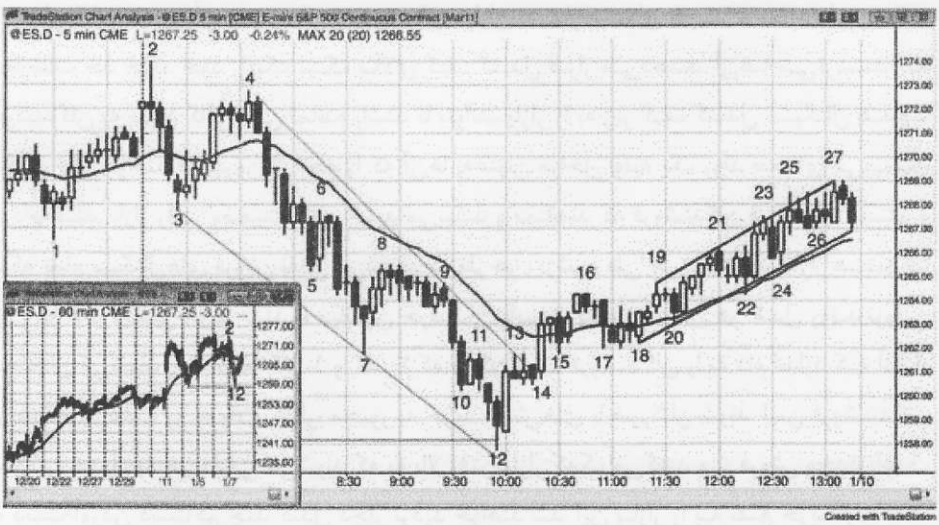
بعضی‌ها قسمتی از سودشان را خارج می‌کنند و بقیه به فروش خود ادامه می‌دهند تا اینکه بازگشت قوی روند را ببینند که تا روز بعد نخواهد آمد.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار یک پرچم نزولی گوه‌ای را با کندل‌های ۲،۴ و ۶ در شکل (۶-۱۵) تشکیل می‌دهد و زمانی که بازار پرچم را به سمت پایین می‌شکند تا حرکت اندازه‌گیری شده‌ای پایین می‌آید و سه کندل قبل از پایان روز به هدف می‌رسد.

روز با یک شکاف کوچک نزولی شروع می‌شود ولی اولین کندل یک دوجی است و بنابراین موقعیت ضعیفی برای خرید یک شکست نقض شده است. پیرامون کندل ۳، روز دریک محدوده معامله قرار می‌گیرد و بنابراین فروش در زیر کف ۲ کندل ۳ قابل‌قبول است، مخصوصاً به این دلیل که سقف و کف روز معمولاً در ساعات اولیه شکل می‌گیرد و این سقف احتمالی روز است. در اینجا ممکن است بازار در حال شکل دادن سقف پایین‌تری باشد و نتوانند در بالای میانگین متحرک باقی بماند.

کندل ۵ تستی است برای خروج سر بسر برای کسانی که در زیر کندل ۳ فروخته‌اند و کف ۲ دیگری را روی میانگین متحرک برای فروش ایجاد کرده است. بازار در حال ایجاد سقف‌ها و کف‌های پایین‌تری است و ممکن است در مراحل ابتدایی یک روند نزولی باشد.



شکل (۷-۱۵) کانال‌ها همیشه تلاش می‌کنند که بازار را معکوس کنند

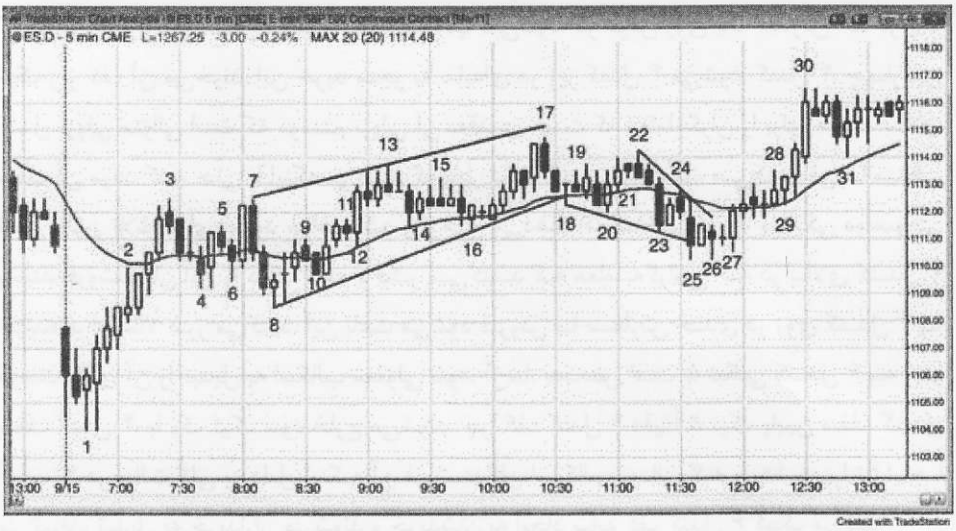
وقتی بازار داخل یک کانال است، موقعیت‌های بازگشتی اغلب کاملاً درست به نظر نمی‌رسند. به خاطر اینکه آن‌ها اصلاً موقعیت بازگشتی نیستند، بلکه تنها شروع پولبک‌های پرچم هستند. در شکل (۷-۱۵)، EMINI یک پرچم صعودی گوه‌ای شکل را تا کندل ۱۲ کامل می‌کند که به‌اندازه دو تیک در پایین کفی قبل‌تر در نمودار ۶۰ دقیقه‌ای (تصویر کوچک) نفوذ می‌کند و کف دوقلوی بزرگ یک پرچم صعودی را ایجاد می‌کند. معامله‌گران بازار را در حال چرخش به سمت موقعیت غالب خرید در کندل بعد از کندل ۱۲، در کندل ۱۴، یا در شکست رو به بالای کندل سیگنال ۱۸ مربوط به شکست صعودی مثلثی کوچک می‌بینند (کندل‌های ۱۵، ۱۷ و ۱۸ سه رانش نزولی هستند).

روند صعودی یا در یک اسپایک قرار دارد یا در یک کانال. ازآنجایی‌که بازار در اسپایک قدرتمندی نیست، معامله‌گران فرض می‌کنند که در یک کانال صعودی است که به معنی این است که در آنجا پولبک وجود خواهد داشت. هر چیزی که شبیه به یک کف ۱ و کف ۲ کندل سیگنال باشد، یک سیگنال خرید محسوب می‌شود. بجای فروش در زیر آن کندل‌ها، احتمالاً خریداران بیشتری در روی کف کندل‌های سیگنال یا زیر آن‌ها خواهند بود. این اتفاقی است که با کف ۱ کندل سیگنال فروش در بعد از کندل ۱۷ رخ می‌دهد. معامله‌گران شکست رو به پایین کندل داخلی نزولی را می‌خرند، به خاطر اینکه بازار را در روند غالب صعودی و داخل یک کانال می‌بینند، نه در یک موج نزولی. آن‌ها می‌خواهند، به امید نقض سیگنال فروش کف ۲ بر روی کف کندل قبل از کندل ۱۸ و در زیر آن بخرند. بااین‌وجود، خریداران بسیار مشتاق خرید هستند طوری که سفارشات حد خرید خود را یک تیک بالای کف کندل قرار می‌دهند. آن‌ها می‌ترسند که فروشندگان به تعداد کافی باقی نمانده باشند تا بتوانند بازار را به زیر کف کندل سیگنال هدایت کنند و نمی‌خواهند در بیرون از آنچه را که آن‌ها به‌عنوان مراحل اولیه یک روند صعودی می‌بینند، به دام افتند. بازار را در وضعیت غالب خرید می‌بینند و معتقدند که فروشندگان در اشتباه هستند و اینکه تمام سیگنال‌های فروش نقض می‌شوند. منتظر هر ریزشی، طی هر فرصتی در بازار هستند تا روی هر افت قیمتی خرید کنند تا میانگین خریدشان پایین‌تر باشد. با دیدن هر کندل روند نزولی خوشحال می‌شوند، مخصوصاً کف ۱ و کف ۲ که ممکن است فروشندگان را به دام اندازد که آنگاه در هنگام بازگشت رو به بالای بازار، مجبور به خرید فروش‌های با ضررشان شوند. این فروشندگان بعدازاین تبدیل به خریدارانی می‌شوند که به بالا رفتن بازار کمک می‌کنند و از فروش مجدد باهدف به دست آوردن دست‌کم چند کندل دچار تردید خواهند شد. این بازار را به نفع خریداران یک طرفه می‌کند و به آن‌ها حداقل سودی معادل یک معامله اسکالپ و شاید هم یک معامله سوئینگ می‌دهد.

به خاطر اینکه سه رانش صعودی تا کندل ۱۶ در یک کانال صعودی فشرده قرار دارد، بسیاری از معامله‌گران آن گوه را تنها به‌صورت یک اسپایک صعودی می‌بینند و به دنبال یک کانال صعودی هستند که بعد از یک پولبک ظاهر شود. ازآنجایی‌که سه پولبک قبلی در این رالی، بین ۵ و ۹ تیک هستند، خریداران سفارشات حد خرید خود را جهت خریدن پولبک‌های حدوداً همان اندازه قرار می‌دهند. اندازه پولبک به کندل ۲۰، هفت تیک، پولبک به کندل ۲۲ هشت تیک و بالاخره پولبک به کندل ۲۴ هم هشت تیک است. دیگر معامله‌گران تنها با سفارشات حد، در یک تا سه تیک زیر کف کندل قبلی در کانال می‌خرند و حد ضررشان را در زیر آخرین سوییِنگ قرار می‌دهند. برای مثال، آن‌ها در هنگام افت کندل ۲۰ به زیر دوجی کوچک قبل از آن، یا در زیر کندل ۱۹ می‌خرند و حد ضررشان را در زیر کندل ۱۷ قرار می‌دهند. برای یک مبتدی این کار به دور از عقل سلیم است، ولی برای یک معامله‌گر مجرب این یک فرصت است. آن‌ها می‌دانند که ۸۰ در صد از تلاش‌ها جهت شکست رو به پایین کانال نقض خواهد شد، بنابراین خرید در جایی که بازار در حال تلاش برای شکست است احتمالاً تبدیل به معامله خوبی می‌شود.

فروشندگانی که کل حرکت صعودی از کندل ۱۲ را به‌عنوان اتمام یک رالی نزولی افراطی می‌بینند از اینکه سیگنال‌های فروش در کندل ۱۳، کندل قبل از کندل ۱۵، کندل ۱۶، کندل بعد از کندل ۱۹، کندل قبل از کندل ۲۱، کندل ۲۳ و کندل بعد از کندل ۲۵ چقدر ضعیف هستند خوشحال نیستند. هر زمانی که بازار در یک کانال نسبتاً فشرده به سمت بالا حرکت کند، تمام سیگنال‌های فروش تمایل دارند که سیگنال بدی به نظر آیند، به خاطر اینکه آن‌ها واقعاً سیگنال فروش نیستند، آن‌ها تنها شروع یک پرچم صعودی هستند. ازآنجایی‌که خریداران بزرگ در زیر کف کندل‌های قبلی و در سفارشات حدی که بین احتمالاً ۵ تا ۱۰ تیک زیر سقف آخرین سوییِنگ قرار دارند می‌خرند، فروش دقیقاً درجایی که خریداران بزرگ می‌خرند معامله‌ای با احتمال موفقیت بسیار پایین است. در یک کانال فشرده صعودی، فروش در زیر یک کندل بندرت عاقلانه به نظر می‌رسد مگر اینکه بازگشت اوجی قدرتمندی بعد از شکست در بالای کانال باشد و حتی در آن صورت اغلب بهتر است تا بعد از ریزشی که پس از آن یک سقف پایین‌تر آمده فروش انجام نگیرد. به خاطر داشته باشید، بازار در روند غالب صعودی قرار دارد، تا چرخش بازار به سمت روند غالب نزولی همیشه بهتر است که تنها خرید انجام شود. اینکه به کانال نگاه کنید و بگویید که کانال ضعیف است و به ریزش تا کندل ۱۲ نگاه کنید و بگویید که فروشندگان بر خواهند گشت سخت نیست، ولی باید بازاری که روبروی شماست را معامله کنید، نه بازاری که اخیراً به پایان رسیده یا بازاری که فکر می‌کنید به‌زودی باید شروع شود.

وقتی یک کانال کندل‌های نسبتاً کوچک، با سایه‌های نسبتاً بزرگ و کندل‌های روند در جهت مخالف دارد، معاملات دو طرفه قابل‌توجهی در حال رخ دادن است، حتی اگر کانال دارای یک روند باشد. این فرصتی برای معامله‌گران اسکالپ که برخلاف روند معامله می‌کنند، فراهم می‌کند. کانال از کندل ۱۸ مثالی در این مورد است. فروشندگان در قیمت پایانی کندل‌های روند صعودی در بالای سقف سوییِنگ قبلی، مانند کندل بعد از کندل ۲۲ و قیمت پایانی کندل کوچک صعودی که بعد از آن‌ها می‌آید، مانند کندل ۲۳، برای معامله اسکالپ خواهند فروخت. بسیاری تمایل دارند در قیمت‌های بالاتر به‌تدریج وارد شوند (ورود تدریجی یا پله‌ای در کتاب ۲ توضیح داده شده است). برای مثال، اگر قیمت‌های پایانی بعد از کندل ۲۰ و یکی یا چند تا از قیمت‌های پایانی کندل‌های صعودی کوچکی که بعدازآن می‌آید، یا یک یا چند پوینت بالاتر از ورود اولیه‌شان را بفروشند، آنگاه آن‌ها سودشان را در تمام موقعیت‌هایشان خارج خواهند کرد. ورودی اصلی تبدیل به معامله سربه‌سر شده و ورودی بعدی‌شان به آن‌ها سودی معادل سود معاملات اسکالپ خواهد داد. این فروشندگانی که سود اندکی را می‌گیرند فروش خود را در کف کندل ۲۲ پس می‌خرند، چراکه کف آن به زیر قیمت ورودی اولیه آن‌ها (قیمت پایانی کندل صعودی روند بعد از کندل ۲۰) سقوط می‌کند. آن کندل تستی بر میانگین متحرک هم هست، بنابراین در آنجا علاوه بر فروشندگانی که سود معادل معاملات اسکالپ خود را گرفته و از آن خارج می‌شوند، خریدارانی هم هستند که آن تست‌ها را خریداری کنند، به خاطر اینکه بازار به حد سودی که آن‌ها از آن استفاده می‌کنند، مانند قیمت پایانی کندل بعد از کندل ۲۰، میانگین متحرک، تست شکستی بر سقف کندل ۱۶، یا پنج تیک زیر سقف کندل دوجی بعد از کندل ۲۰ رسیده است (همان‌طور که در کتاب دوم بحث شده است، آن یک سیگنال خرید ضعیف است، بنابراین فروشندگان با یک سفارش حد فروش در سقف آن می‌فروشند و با سود کمی در یک پوینت پایین‌تر خارج می‌شوند، این یعنی اینکه بازار باید به‌اندازه پنج تیک سقوط کند که در کف کندل ۲۲ این کار انجام می‌شود). همیشه در تمام طول روز به هر دلیل ممکن معامله‌گران مختلف زیادی در هر تیک وارد یا خارج می‌شوند. هرچقدر دلایلی که در یک جهت فراهم می‌شود بیشتر باشد، احتمال اینکه بازار روند پیدا کند بیشتر می‌شود.



شکل (۸-۱۵) فروش در سفارشات حد در کانال‌ها

علاوه بر ورود در سفارشات، ورود روی سفارشات حد (یا مظنه بازار)، زمانی که بازار در هر نوع از کانال از جمله مثلث‌ها و محدوده معامله قرار دارد، می‌تواند رویکرد مؤثری باشد. در شکل (۸-۱۵)، بازار در یک اسپایک قدرتمند صعودی تا رسیدن به کندل ۳ دارای ۸ کندل روند پشت سرهم صعودی است، بنابراین بازار احتمالاً بعد از یک پولبک تستی بر روی سقف دارد. با اینکه فروشندگان در پایین کندل روند نزولی بازگشتی ۳ می‌فروشند، خریداران طی سفارشات حد در زیر کف کندل به‌صورت تدریجی وارد می‌شوند. عده‌ای روی سفارش حدی در کف کندل ۳ می‌خرند، ولی به دلیل اینکه کندل بعدی کندل نزولی قدرتمندی است، در آنجا سفارشات فروش بسیار بیشتری هست. دیگر خریداران در یک سفارش حد خرید در یک تیک بالای میانگین متحرک می‌خرند، چراکه بازار ممکن است تنها میانگین متحرک را لمس کند و سفارش حد خرید را دقیقاً در بالای میانگین متحرک انجام نشود. بعضی از خریداران که در قیمت پایین‌تر به‌صورت پله‌ای وارد می‌شوند، ممکن است خرید بیشتری با فاصله یک تیک انجام دهند. اگر این کار را بکنند، آنگاه می‌توانند با قرار دادن یک سفارش حد در نقطه ورود، در روی یا درست زیر کف کندل ۳، از هر دو موقعیت خود خارج شوند. آن‌ها روی کندل ۵ سفارشات خود را انجام می‌دهند و حتی در اولین ورودی خود با ضرر مواجه می‌شوند و روی دومین ورودشان سود خواهند داشت. این سود گرفتن‌ها به‌وسیله این خریداران به بازگشت‌های نزولی در کندل ۵ کمک می‌کند.

معامله‌گران، کندل داخلی دوجی بعد از کندل روند نزولی که به دنبال کندل ۳ آمده است را می‌بینند و بسیاری فکر می‌کنند این موقعیت فروش خوبی نیست. ازآنجایی‌که آن‌ها بر این باورند

که فروش در زیر این کندل منجر به سود اسکالپ نمی‌شود، در عوض روی یک سفارش حد در یک تیک زیر کف آن می‌خرند. این خرید منجر به سایه‌ای در زیر کندل ۴ می‌شود. کندل ۴، چهارمین کندل نزولی متوالی است که مومنتم نزولی آن به‌قدری هست که معامله‌گران را برای خرید بالای سقف آن مردد کند، حتی با اینکه می‌دانند که بازار سقف کندل ۳ را تست می‌کند. آن‌ها منتظر نقض اولین تلاش برای صعود خواهند شد و ترجیح می‌دهند که منتظر خرید پولبکی دو موجی بمانند. فروشندگان این را درک کرده و فکر می‌کنند که معامله‌گرانی که در بالای کندل ۴ خریده‌اند احتمالاً ضرر می‌کنند. این باعث می‌شود فروش با سفارش حدی در روی کندل ۴ یا درست بالای آن را تبدیل به اسکالپ معقولی شود. آن‌ها، به‌محض افت ۵ تیکی کندل ۶ به زیر سقف کندل ۴، با یک تیک سود خارج می‌شوند. چرا کف کندل ۶ دقیقاً ۵ تیک پایین سقف کندل ۴ است؟ در حالت کلی به دلیل اینکه آن فروشندگان اسکالپ زمانی که سودشان را تا اینجا می‌گیرند، تبدیل به خریداران می‌شوند و خریدشان به ایجاد سایه کف کندل ۶ کمک می‌کند.

ازآنجاکه بیشتر معامله‌گران هنوز بر این باورند که بازار باید سقف کندل ۳ را تست کند، هنوز به دنبال خرید هستند. به دلیل اینکه بازار در اسپایکی از کندل ۱ تا ۳ آشکارا صعودی می‌شود و هنوز بازگشت واضحی به فروش دیده نمی‌شود، موقعیت غالب هنوز هم صعودی است؛ بنابراین معتقد نیستند که فروش در زیر کندل ۵ ممکن است معامله خوبی باشد. با این فرض، آن‌ها فکر می‌کنند آن معامله با ضرر همراه خواهد شد، بسیاری از معامله‌گران هم برخلاف این کار را انجام داده و طی یک سفارش حد خرید روی کف کندل ۵ یا زیر آن می‌خرند. خرید آن‌ها، بعلاوه خرید فروشندگانی که در حال گرفتن سود اسکالپشان از بالای کندل ۴ هستند، آن سایه کف کندل ۶ را ایجاد می‌کنند.

کندل ۶ یک اصلاح افقی دو موجی از سقف کندل ۳ است و بسیاری از معامله‌گران روی سفارشی در بالای کندل ۶ باهدف گرفتن تست سقف کندل ۳ خرید می‌کنند. در همان زمان، بسیاری از معامله‌گران که در زیر کندل ۵ خرید کرده‌اند باهدف اسکالپ پرسودی خرید قبلی خود را در آن رالی می‌فروشند.

با اینکه بازار در کندل ۷ یک سقف دوقلو می‌سازد، بسیاری از معامله‌گران انتظار بازگشت روند را ندارند و در عوض انتظار یک محدوده معامله و سپس یک کانال صعودی را دارند زیرا این چیزی است که معمولاً بعد از این‌چنین اسپایک قدرتمندی در یک روز رخ می‌دهد که یک حالت قوی می‌تواند باعث شود که کندل ۱ احتمالاً کف روز باقی بماند. کندل ۷ با کندل قبل از خود، یک بازگشت دوکندلی را شکل می‌دهد و ورودی بهتر در زیر کف پایین‌تر از این دو کندل می‌باشد. مشکل ورود در زیر کف کندل نزولی ۷ آن است که بازار اغلب تله یک تیکی نزولی دارد؛ یعنی

اینکه بازار یک تیک پایین کندل نزولی افت می‌کند ولی نه زیر هر دو کندل بازگشت دو کندلی و سپس رالی از سر گرفته می‌شود. اگر در زیر کف هردو کندل وارد شوید، ریسک کمتر می‌شود و به خاطر همین است که بازار در ۶ تیک بعد بازمی‌گردد. فروشندگان فروششان را با سفارش حد سودمندی که در ۵ تیک پایین کف کندل سیگنال قرار داده بودند را پس می‌خرند که معمولاً نیازمند آن است که بازار ۶ تیک سقوط کند. کف کندل ۸ دقیقاً ۶ تیک زیر کف دو کندل بازگشتی است.

اگر این روند نزولی قدرتمندی باشد، معامله‌گران می‌توانند روی سفارشی در زیر سوییننگ قبلی بفروشند. ازآنجایی‌که بیشتر معامله‌گران معتقدند که کف روز شکل گرفته است و بازار احتمالاً یک کانال صعودی را شکل خواهد داد، فکر می‌کنند که فروش در زیر کف کندل ۴ ایده بدی است؛ یعنی اینکه خرید در زیر کف آن ممکن است خرید خوبی باشد، مخصوصاً اگر بتوانند در صورت نیاز کمی پایین‌تر به‌صورت پله‌ای وارد شوند. همچنین به این دلیل که بازار احتمالاً در حال شکل دادن یک کانال است که می‌تواند ساعت‌ها طول بکشد و ممکن است دوباره به این سطح برنگردد، این خریداران می‌توانند قسمتی یا کل موقعیت‌های خود را به‌صورت سوییننگ معامله کنند.

خریداران دیگری کندل ۸ را به‌عنوان دومین موج نزولی از کندل ۳ می‌بینند (کندل ۴ اولین موج نزولی بود) و روی سفارشی در بالای کندل ۸ می‌خرند. کندل بعد از کندل ۸ یک کندل دوجی است که نشان می‌دهد بازار هنوز دو طرفه است. کندل ۸ کندل بازگشتی قدرتمندی نیست و اسپایک دوکندلی نزولی از کندل ۷ معامله‌گران را نگران می‌کند که آیا ممکن است بازار در حال بازگشت باشد یا خیر. معامله‌گران باید استنتاج کنند آیا فکر می‌کنند که کندل ۹ قصد دارد پولبک سقف پایین‌تر باشد که منجر به یک کانال نزولی خواهد شد، یا تصور می‌کنند روند غالب هنوز صعودی است و بازار به‌زودی در مراحل اولیه یک کانال صعودی قرار می‌گیرد.

ازنظر معامله‌گرانی که فکر می‌کنند در کف قرار دارند، کندل ۹ موقعیت بدی برای فروش است و سفارش حد خرید خود را روی و زیر آن می‌گذارند. بسیاری از این خریداران درصورتی‌که بازار به زیر کندل ۸ افت کند بر خریدشان اضافه می‌کنند. فروشندگانی که پایین‌تر از کندل ۹ می‌فروشند وقتی‌که بازار به بالای کندل ورودی ۱۰ بازمی‌گردد فروششان را پس می‌خرند. خریداران با این باور که این نقض شکست شاهدی است بر اینکه کانال صعودی در حال شکل‌گیری است همچنان می‌خرند.

کانال‌ها پولبک‌های زیادی در مسیر خود دارند و خریداران به خودشان اجازه نمی‌دهند که با یک پولبک حد ضررشان فعال شود. در عوض طی یک سفارش حد خرید روی کف کندل قبلی یا زیر آن، مانند زیر کندل ۹ و ۱۱ می‌خرند. ازآنجایی‌که کانال‌ها معاملات دو سویه دارند تا زمانی که

کانال‌ها خیلی فشرده و خیلی شیب‌دار نیستند، فروشندگان درروی سقف سوییِنگ یا بالای آن خواهند فروخت. برای مثال، زمانی که کندل ۱۲ بالای کندل ۷ می‌رود می‌فروشند و عده‌ای هم در یک تیک بالای آن به خرید خود اضافه می‌کنند. این تا اندازه‌ای دلیل آن است که سقف کندل ۱۳ دقیقاً ۵ تیک بالای کندل ۷ است. زمانی که بازار به بالای سقف کندل ۱۳ می‌رود، در حرکت صعودی تا کندل ۱۷ فروش را انجام می‌دهند. بعضی از فروشندگان حتی رالی پرشتاب به سمت کندل ۳۰ را هم هنگام عبور از سقف کندل ۱۷ می‌فروشند و در یک پوینت بالاتر بر فروش خود می‌افزایند. زمانی که بازار به زیر کندل ۳۱ سقوط می‌کند می‌توانند هر دو فروششان را در قیمت ورودی اصلی خود پس بخرند. فروش اصلی آن‌ها سود سربه‌سر و فروش‌های اضافه‌شان با یک پوینت سود همراه خواهد بود.

خریداران به رالی صعودی به سمت کندل ۲۹ می‌نگرند که در سقف‌ها، کف‌ها و قیمت‌های پایانی دارای روند است و بنابراین به این باور می‌رسند که این رالی قدرتمند است. برخی روی سفارش خریدی در یک تیک بالای سقف کندل ۱۷ بیشتر می‌خرند. آن‌ها در کندل ۳۰ می‌توانند با سود خارج شوند. هر زمان که خروج از یک معامله با سود همراه باشد، این نشانه‌ای از آن است که روند دارای قدرت می‌باشد. اگرچه، این مطلق نیست و اگر بازار بیشتر اوقات دریک محدوده معامله باشد که در این روز بوده است، ممکن است تا آخر ادامه نیابد.

در طول روز معامله دو سویه وجود دارد و خریداران و فروشندگان در سفارشات حد و سفارشات معمولی وارد می‌شوند. برای مثال، وقتی‌که موقعیت غالب خرید در بالای الگوی گوه کندل ۱۷ به سمت فروش می‌چرخد (بازگشت‌های گوه‌ای بعداً بحث می‌شود)، فروشندگان در بالای سقف کندل‌های قبلی، مانند کندل ۱۸، ۲۰ و کندل بعد از کندل ۲۴، شروع به فروش می‌کنند. خریداران در پایین کف سوییِنگ قبلی، مانند زیر کندل ۲۰ و ۲۳ می‌خرند. در طول این روز موقعیت‌های زیاد دیگری وجود دارد، همان‌طور که در تمام روزها وجود دارد، ولی هدف این نمودار این نیست که تمام معاملات ممکن را به شما نشان دهد. هدف بیان این موضوع است که وقتی بازار در کانال صعودی است، خریداران در زیر کف کندل قبلی می‌خرند و فروشندگان در بالای سقف سوییِنگ می‌فروشند. در کانال‌های نزولی، آن‌ها برخلاف این کار را انجام می‌دهند خریداران در زیر کف سوییِنگ می‌خرند و فروشندگان در بالای سقف کندل قبلی می‌فروشند.

۱۶

میکرو کانال‌ها

خط روند میکرو، خط روندی روی هر تایم فریمی است که از ۲ تا ۱۰ کندل را در برمی‌گیرد که بیشترشان یا خط روند را لمس می‌کنند یا به آن نزدیک می‌شوند و کندل‌ها معمولاً نسبتاً کوچک هستند. یک خط کانال روند به‌نوعی می‌تواند در دو انتهای مخالف کندل‌ها هم ترسیم شود و نتیجه کانالی بسیار فشرده است که میکرو کانال گفته می‌شود. برخلاف یک کانال معمولی که در آن‌ها پولبک‌ها معمول هستند، یک میکرو کانال بدون پولبک به رشد خود ادامه می‌دهد، یا پولبک‌های کوچک و نادری دارد که آن کانال را بسیار فشرده می‌سازد.

هر چقدر کندل‌ها بیشتر باشند، قدرتشان بیشتر است (مانند کندل‌هایی با بدنهٔ روند دار بزرگ در جهت میکرو کانال) و هرچقدر سایه‌ها کوچک‌تر باشند، میکرو کانال‌ها قوی‌تر می‌شود و احتمال آن‌که اولین پولبک برای برگرداندن روند نقض شود بیشتر خواهد شد. یک میکرو کانال می‌تواند به‌اندازه ۱۰ کندل یا بیشتر طول بکشد و دفعات بعدی حدود ۱۰ کندل به طول می‌انجامد، یک پولبک می‌زند و سپس به‌اندازه یک ده کندل دیگر یا بیشتر ادامه می‌یابد. فرقی نمی‌کند که شما کل یک کانال را به‌عنوان یک میکرو کانال بزرگ (میکرو کانال نوعی کانال فشرده است)، دو میکرو کانال متوالی که با یک پولبک کوچک از یکدیگر جدا می‌شوند، یا یک کانال فشرده بزرگ ببینید، زیرا شما آن‌ها را به یک روش معامله خواهید کرد. روند بسیار قوی است و معامله‌گران تلاش‌ها برای بازگشت را زیر نظر می‌گیرند تا نقض شده و تبدیل به پولبک شود و روند ادامه یابد.

ده سال پیش (از تاریخ انتشار این کتاب. م)، معامله‌گران میکرو کانال‌ها را نشانه‌ای از برنامه معامله‌گری می‌دیدند. اکنون ازآنجاکه بیشتر معاملات به‌وسیله کامپیوترها انجام می‌گیرد، چیزی به

این جمله که «میکرو کانال‌ها نشانه‌ای از برنامه معامله هستند» اضافه نمی‌شود، به خاطر این‌که هر کندل در نمودار معلول برنامه معامله است. یک میکرو کانال تنها نوع بخصوصی از برنامه معامله است و احتمالاً معلول کار برنامه‌های شرکت‌های متعددی است که به‌طور هم‌زمان فعال شده‌اند. یک یا چند شرکت آن را شروع می‌کنند، ولی زمانی که مومنتم در جریان باشد، برنامه‌های مومنتم آن را تشخیص می‌دهند و در همان جهت شروع به معامله می‌کنند و به قدرت روند اضافه می‌کنند. وقتی‌که روند شروع به شکستن رو به بالای سطوح مقاومت می‌کند، برنامه‌های شکست شروع به معامله می‌کنند. بعضی‌ها در جهت روند معامله خواهند کرد و بعضی دیگر شروع به ورود پله‌ای در جهت مخالف روند می‌کنند، یا از خریدهایی که قبلاً در قیمت‌های پایین‌تر انجام داده بودند، به‌صورت پله‌ای خارج می‌شوند.

سرانجام یکی از کندل‌ها به داخل خط روندیا خط کانال روند نفوذ کرده و ایجاد شکست می‌کنند. میکرو کانال‌های صعودی و نزولی می‌توانند در روندهای صعودی یا نزولی و محدوده معاملات رشد کنند. محیطی که در آن اتفاق می‌افتد تعیین می‌کند که آن‌ها را چگونه باید معامله کرد. هم کانال‌های صعودی و هم کانال‌های نزولی می‌توانند به سمت بالا یا پایین حرکت داشته باشند. پس از اتمام شکست‌ها، سه چیز می‌تواند رخ دهد: شکست می‌تواند موفقیت‌آمیز باشد و به دنبال آن معاملات بیشتری در آن مسیر رخ دهد، می‌تواند نقض شده و تبدیل به بازگشت اوجی شود، یا بازار می‌تواند فقط افقی حرکت کرده و پس از آن الگو به داخل یک محدوده معامله کشیده شود.

در هر شکستی، معامله‌گران یا در جهت شکست به امید ادامه آن، معامله خواهند کرد، یا اگر انتظار نقض شکست را داشته باشند، در جهت مخالف آن معامله می‌کنند. شکست‌ها، شکست‌های نقض شده و پولبک‌های شکست ارتباط نزدیکی با هم دارند و در مورد آن‌ها در کتاب ۲ بحث شده است. به‌عنوان یک راهنما، معامله‌گران قدرت شکست را باقدرت تلاش برای بازگشت مقایسه می‌کنند. اگر یکی آشکارا قوی‌تر باشد، بازار احتمالاً در آن جهت حرکت خواهد کرد. اگر آن‌ها قدرت برابری داشته باشند، معامله‌گران قبل از اینکه نتیجه بگیرند که بازار به کدام طرف می‌رود باید منتظر کندل‌های بیشتری بمانند.

وقتی یک میکرو کانال نزولی در یک روند صعودی پدید می‌آید، معمولاً یک پرچم صعودی است و معامله‌گران یک کندل سیگنال را جستجو می‌کنند و سپس یک سفارش خرید را در بالای سقف آن قرار می‌دهند تا وارد شکست میکرو کانال نزولی و پرچم صعودی شوند. وقتی‌که یک میکرو کانال صعودی در یک روند نزولی پیدا می‌شود، معمولاً یک پرچم نزولی یا موج پایانی یک پرچم نزولی است و معامله‌گران در زیر هر کندل سیگنالی خواهند فروخت.

اگر بجای یک میکرو کانال نزولی که در یک پرچم صعودی شکل می‌گیرد، آن میکرو کانال یک میکرو کانال بالارونده (میکرو کانال صعودی) در یک روند صعودی باشد، اولین رانش روبه پایین (اولین پولبک) معمولاً مسافت زیادی را طی نخواهد کرد و معمولاً با شدت زیادی خریده خواهد شد. هرچقدر تعداد کندل‌ها در یک میکرو کانال صعودی بیشتر باشد، احتمال آنکه شکست نزولی روند صعودی را معکوس نکند بیشتر خواهد شد. برای مثال اگر یک میکرو کانال ۵ کندلی در یک روند صعودی شکل گرفته باشد، احتمالاً خریداران بسیار بیشتری از فروشندگان در روی کف آن کندل پنجم و زیر آن حضور دارند. اگر قیمت در آن کندل پنجم رو به پایین معامله شود، کندل یک شکست رو به پایین کانال صعودی را ایجاد می‌کند. بااین‌حال، احتمالاً به بیش از یک یا دو کندل فروش منجر نمی‌شود زیرا خریداران مشتاق هستند که اولین پولبک از میکرو کانال روند صعودی قوی را خریداری کنند. به خاطر داشته باشید، بسیاری از معامله‌گران در طول پنج کندل بازار را زیر نظر داشته‌اند و منتظر هر پولبکی بوده‌اند تا آن را بخرند. آن‌ها علاقه‌مند خواهند بود که در زیر کندل پنجم و بالای سقف کندل پولبک خرید انجام دهند که یک کندل سیگنال خرید شکست نقض شده محسوب می‌شود (یک موقعیت خرید سقف ۱). اگر بازار روند صعودی را فعال کند ولی طی یک یا دو کندل یک کندل بازگشتی نزولی ایجاد کند، آنگاه این یک سیگنال فروش سقف دوقلوی میکرو را ایجاد کرده است. همچنین می‌تواند به‌عنوان پولبکی از شکست رو به پایین میکرو کانال صعودی در نظر گرفته شود، حتی اگر سقف آن بالاتر از بالاترین کندل موجود در کانال باشد. آنگاه آن کندل بازگشتی درواقع یک بازگشت سقف بالاتر خواهد بود که نسخه کوچکی از بازگشت یک روند اصلی است (بازگشت‌ها در کتاب ۳ بحث شده‌اند).

درک این مطلب مهم است که معامله‌گران مجبور نیستند برای خرید منتظر پولبک بمانند. بسیاری از معامله‌گران مجرب بعد از دومین یا سومین کندل از میکرو کانال صعودی می‌فهمند که در یک روند صعودی چه اتفاقی در حال رخ دادن است. آن‌ها فکر می‌کنند که بازار در مراحل اولیه از یک برنامه خرید بسیار قوی است جایی که برنامه‌های خرید مومنتم هم بسیار تهاجمی خرید می‌کنند. این معامله‌گران تلاش خواهند کرد که آنچه را که کامپیوترها انجام می‌دهند را انجام دهند و هر قیمت پایانی کندل‌های صعودی را خواهند خرید و سفارش حد خریدشان را در یک یا دو تیک پایین‌تر از قیمت پایانی هر کندل و یک یا دو تیک بالای کف کندل قبلی قرار می‌دهند. اگر بزرگترین پولبک یک میکرو کانال ۵ تیک باشد، آن‌ها سفارش حد خریدشان را برای خرید هر پولبک سه یا چهار تیکی قرار می‌دهند. آن‌ها انتظار دارند که اولین بار که یک کندل به زیر کف کندل قبلی سقوط کند، حتی خریدهای بیشتری را جذب خواهد کرد، بنابراین می‌دانند که علی‌رغم وجود پولبک، آخرین خریدهایشان احتمالاً با سود همراه خواهد بود. ازآنجایی‌که آن‌ها در

تمام مسیر رو به بالا پول‌سازی می‌کنند، نگران این نیستند که در اولین ورودشان به‌صورت سربه‌سر خارج شوند یا زمانی که سرانجام پولبکی از راه برسد، مقدار کمی ضرر در ورودی‌های آخرشان داشته باشند.

همانند هر کانال دیگری، یک میکرو کانال صعودی در یک محدوده معامله، یا درون یک روند صعودی یا نزولی هم می‌تواند شکل بگیرد. وقتی‌که در یک روند صعودی قرار دارد، قیمت احتمالاً بالاتر خواهد رفت و معامله‌گران باید دقت کنند که در نزدیکی میانه یا کف کندل قبلی خرید کنند. وقتی یک میکرو کانال فشردگی ویژه‌ای دارد، می‌تواند در یک نمودار با تایم فریم بالاتر یک اسپایک باشد; یک کانال پهن‌تر ممکن است به دنبال آن بیاید و ممکن است به هدف اندازه‌گیری شده‌ای برمبنای ارتفاع میکرو کانال برسد. وقتی یک میکرو کانال صعودی در یک روند نزولی قرار دارد، یک پرچم نزولی است و معامله‌گران باید در پی فروش شکست‌های نزولی یا پولبک از یک شکست نزولی باشند. وقتی یک میکرو کانال صعودی بعد از یک کف احتمالی در یک روند نزولی تشکیل می‌شود، می‌تواند تبدیل به پرچم نهایی در یک روند نزولی شود و بجای شکست رو به پایین به سمت بالا شکسته شود و این شکست می‌تواند اسپایکی باشد که منجر به یک روند صعودی می‌شود. وقتی یک شکست صعودی رخ می‌دهد، معمولاً بعدازآن یک کف ۲،۱ و ۳ نقض شده خواهد آمد.

یک میکرو کانال درواقع یک محدوده معامله شیب‌دار فشرده است و بنابراین نیروی جاذبه قدرتمندی دارد که تمایل دارد از حرکت زیاد شکست‌ها جلوگیری کند. همچنین به‌اندازه‌ای فشرده است که بعضی مواقع به‌عنوان یک اسپایک عمل می‌کند و به دنبال آن می‌تواند یک کانال پهن‌تر ظاهر شود و یک الگوی اسپایک و کانال روند ایجاد کند. وقتی شکستی از میکرو کانال وجود دارد، معمولاً حرکت آن فقط به‌اندازه یک یا دو کندل است و اغلب درنتیجه گرفتن سود از طرف معامله‌گران می‌باشد. برای مثال، اگر یک میکرو کانال صعودی وجود داشته باشد (یک میکرو کانال با شیب روبه بالا)، کندلی که در پایین‌تر از کف کندل قبلی معامله شده است، یک شکست رو به پایین میکرو کانال است. این در درجه اول به خاطر سود گیری خریداران است، اگرچه در آنجا تعدادی فروشنده فعال هم وجود دارند. طی یک یا دو کندل، خریداران دیگر وارد می‌شوند، بعضی فروشندگان خارج می‌شوند و بازار معمولاً بالای کندل قبلی معامله می‌شود. بعضی معامله‌گران این را به‌عنوان نقض شکست میکرو کانال خواهند دید و همچنان که قیمت به بالای سقف کندل قبلی می‌رود آن‌ها خرید می‌کنند. برای آن‌ها این یک موقعیت خرید سقف ۱ است. بقیه فرض خواهند کرد که روند در حال بازگشت است، آن‌ها صبر خواهند کرد که بازار طی دو کندل بعدی یک پولبک شکست سقف بالاتر یا پایین‌تر تشکیل دهد، آنگاه در زیر کف کندل قبلی فروش خواهند

داشت. سرتاسر زمینه نمودار می‌تواند سرنخی بدهد که کدام پیامد محتمل‌تر است. برای مثال، اگر بازار در یک روند نزولی قدرتمندی قرار داشته و میکرو کانال صعودی تنها یک پولبک باشد، احتمال قوی‌تر آن است که متعاقب شکست رو به پایین میکرو کانال، فروش بیشتری در جریان خواهد بود. اگر قیمت به‌طرف بالای کندل شکست معامله شود، فروشندگان سفارشات‌شان برای فروش را در زیر کندل قبلی قرار می‌دهند. اگر بجای آن، میکرو کانال صعودی به‌عنوان یک شکست از محدوده معامله در بازاری صعودی در حال شکل‌گیری باشد، احتمال به نفع آن است که شکست رو به پایین آن میکرو کانال تبدیل به پولبکی در روند صعودی شود و در این صورت خریداران سفارشات خریدشان را در یک تیک بالای سقف کندل قبلی قرار خواهند داد.

شکست خط روند یک ورودی در جهت روند را مهیا می‌کند. برای مثال، اگر یک میکرو کانال صعودی وجود داشته باشد و بازار هم در روند غالب صعودی باشد و سپس یک کندل وجود داشته باشد که کف آن زیر میکرو خط روند صعودی[1] باشد، آنگاه خرید سقف آن کندل می‌تواند یک معامله منطقی بشمار آید. این یک پرچم تک کندلی ریز ولی قدرتمند است (یک موقعیت خرید سقف ۱) و این یک سیگنال خرید شکست نقض شده است. ممکن است در یک تایم فریم کوچک‌تر یک اصلاح دو موجی باشد، بااین‌حال، بهتر است که آن را بررسی نکنید، زیرا خودتان را وسط اطلاعات بسیار زیادی خواهید دید که باید در زمان کوتاهی پردازش شوند و احتمالاً کنترل را از دست خواهید داد یا معامله نخواهید کرد.

اگر میکرو کانال صعودی بجای روند صعودی قدرتمند در داخل یک محدوده معامله یا یک روند نزولی باشد، باید قبل از خرید در بالای شکست نزولی نقض شده، چیزهای دیگری را در نظر بگیرید. اگر کانال در بالای محدوده معامله باشد، اغلب بهتر است که شکست‌های نقض شده را نخرید و در عوض صبر کنید تا ببینید که آیا بازگشت رو به بالا دچار واماندگی شده و تبدیل به یک پولبک سقف بالاتر از شکست می‌شود یا خیر. اگر تنها به‌اندازه یک یا دو کندل بالاتر برود و سپس یک کندل بازگشت نزولی را شکل دهد، زمانی که در نزدیکی سقف محدوده معامله است می‌تواند یک موقعیت فروش منطقی محسوب شود (یک میکرو سقف دوقلوی، در کتاب ۳ بحث شده است). اگر میکرو کانال صعودی، یک پرچم نزولی درست پایین میانگین متحرک باشد، باید فقط به دنبال فروش باشید، چراکه احتمال این است که فروش توسط فروشندگان بر خریدارانی که پولبک را خریده‌اند غلبه خواهد کرد. منتظر شکست رو به پایین کانال و سپس واماندگی آن و یک رانش

---

[1]. همان‌طور که قبلاً توضیح داده شد، میکرو خط روند یا خط روند میکرو، خط روندی روی هر تایم فریمی است که از ۲ تا ۱۰ کندل را در برمی‌گیرد که بیشترشان یا خط روند را لمس می‌کنند یا به آن نزدیک می‌شوند و کندل‌ها معمولاً نسبتاً کوچک هستند. م

صعودی دیگر باشید. اگر آن بازگشت رو به بالا طی یک یا دو کندل، یک کندل بازگشتی نزولی روی میانگین متحرک تشکیل دهد، این معمولاً موقعیت فروش پولبک شکست قابل‌اعتمادی است (یک کف ۲). بازار پایین میکرو کانال صعودی را رو به پایین می‌شکند و سپس به‌سوی یک سقف بالاتر کوچک کشیده می‌شود. سرانجام، اگر به سمت پایین معکوس شود، شکست رو به پایینی را بنا می‌نهد که تبدیل به پرچم نزولی می‌شود.

مانند هر شکست رو به پایین کانال صعودی، ممکن است پولبکی وجود داشته و سپس فروش از سر گرفته باشد. آن پولبک می‌تواند یک سقف پایین‌تر یا بالاتر باشد (سقف بالاتر به این معنی است که سقف کندل به بالای سقف آخرین سوینگ می‌رود که احتمالاً بالاترین کندل موجود در کانال است). به خاطر اینکه بیشتر تلاش‌ها در بازگشت یک روند نقض می‌شوند، احتمالات به نفع نقض حرکت نزولی و تبدیل شدن به پولبکی در روند صعودی است که به دنبال آن از سرگیری روند صعودی می‌آید. در حالتی که حرکت نزولی نقض می‌شود و روند صعودی از سر گرفته می‌شود، معامله‌گران باید سفارشی را جهت خرید در یک تیک بالاتر از سقف کندل شکست قرار دهند.

بااین‌حال، معامله‌گران باید آگاه باشند که خریدشان ممکن است یک تله صعودی باشد که آن‌ها را در یک معامله خرید همراه با ضرر به دام اندازد. به خاطر داشته باشید، اگرچه بیشتر تلاش‌ها برای بازگشت یک روند نقض می‌شوند، بعضی از آن‌ها به نتیجه می‌رسند. بازار قبل از ازسرگیری حرکت نزولی ممکن است بجای نقض شکست رو به پایین، تنها در حال عقب‌نشینی مختصری از شکست نزولی به سمت بالا و در حال تشکیل سقف بالاتر یا پایین‌تر کوچکی باشد. به دنبال آن می‌تواند یک بازگشت روند موفقی به‌سوی یک موج یا یک روند نزولی بیاید. به همین خاطر درصورتی‌که رفتار کلی قیمت یک بازگشت را مناسب جلوه دهد، معامله‌گر باید آماده بازگشت به فروش در زیر کندل ورودی خرید خود باشد. در این حالت این یک موقعیت فروش پولبک شکست است. هر موقع شکستی نقض می‌شود، این واماندگی موقعیتی را در جهت روند اصلی ایجاد می‌کند. اگر آن هم نقض شود، آنگاه تبدیل به پولبک شکستی از شکست نزولی اصلی (واماندگی‌های مخالف ایجاد یک پولبک شکست می‌کنند) و دومین تلاش جهت بازگشت روند روبه پایین می‌شود.

اگر موقعیت فروش پولبک شکست فعال شود (توسط کندلی که یک تیک زیر کف کندل قبلی می‌رود که (آن کندل قبلی. م) معمولاً کندل شکست صعودی است)، به‌اندازه بدنه چند کندل اخیر نگاه کنید. اگر کندل‌ها، کندل‌های روند صعودی یا نزولی باشند، آنگاه این واماندگی ثانویه شانس بالایی برای تبدیل شدن به دومین ورودی فروش موفق را دارد. یادآوری می‌شود که اولین واماندگی زمانی است که فروشندگان روی شکست نقض شده نزولی ضرر کرده و خودشان را در خارج از

معامله فروششان به دام می‌اندازند. دومین واماندگی زمانی است که خریداران با ورود به معامله زیان ده خود به دام می‌افتادند که توسط شکست نزولی نقض شده در زیر کانال ایجاد شده است. اگر اکنون دوباره بازار به سمت پایین برگردد، فروشندگان در بیرون از بازار و خریداران داخل بازار به دام می‌افتند. در کل، اگر هر دو طرف در داخل یا خارج به دام بیافتند، شانس موفقیت موقعیت بعدی افزایش می‌یابد. اگر کندل‌ها بیشتر شبیه به یک دوجی به نظر آیند، آنگاه بازار احتمالاً در حال ورود به محدوده معامله است ولی احتمالات هنوز به نفع حرکت نزولی است. اگر مطمئن نیستید، صبر کنید به خاطر اینکه احتمالاً بیشتر معامله‌گران مطمئن نیستند و معمولاً یک محدوده معامله بعدازآن خواهد آمد.

اگرچه اکثریت غریب به‌اتفاق شکست‌های خطوط روند میکرو پولبک‌های یک موجی و دو موجی در نمودار ۱ دقیقه‌ای هستند، باید از معامله کردن در آن نمودار پرهیز کنید زیرا احتمالاً ضرر خواهید کرد. بیشتر معامله‌گران قادر نیستند تمام سیگنال‌ها را بگیرند و همواره ضررهای زیادی دارند و بردشان کم است. بهترین معامله‌گران هم خیلی اوقات معامله را با سرعت بالا برپا کرده و سریعاً معامله می‌کنند و بنابراین به‌راحتی اشتباه می‌کنند. بسیاری از معاملات زیان ده اغلب در برپایی بسیار کند هستند و به معامله‌گر زمان زیادی برای ورود می‌دهند و آن‌ها را در جهت اشتباهی به دام می‌اندازند.

آن میکرو کانال صعودی در عوض می‌تواند در تلاشی جهت ایجاد یک روند صعودی حتی شیب‌دارتر، شکستی به سمت بالای خط کانال روند داشته باشد. اگر نقض شود و یک کندل بازگشتی روند نزولی وجود داشته باشد، این اوج خرید یک موقعیت بالقوه فروش است.

وقتی یک خط روند میکرو به‌اندازه ۱۰ کندل یا بیشتر کشیده می‌شود، احتمال اینکه به‌زودی یک بازگشت قابل معامله وجود داشته باشد به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد. این نوع از روند پایدار نیست و بنابراین نوعی اوج است که سرانجام بعدازآن یک پولبک یا یک بازگشت خواهد آمد. بعد از این‌چنین رفتار اوجی، آماده باشید تا یک ورودی پولبک شکست را بگیرید. این دومین تلاش برای معکوس کردن روند است، شکست خط روند اصلی اولین تلاش می‌باشد.

شکست یک خط روند میکرو نه‌فقط زمانی که خط روند میکرو قسمتی از میکرو کانال است، بلکه هر زمانی که هر روند قدرتمندی در جریان باشد هم دارای اهمیت بالایی است. اگر یک روند نزولی قدرتمند با کندل‌های روند نزولی بزرگ و همپوشانی ناچیز بین کندل‌های متوالی وجود داشته باشد و بین ۴ تا ۵ کندل، پولبکی وجود نداشته باشد، احتمالاً اشتیاق به فروش دارید. به دنبال هر میکرو روند نزولی باشید و آنگاه در زیر کف هر کندلی که نفوذ رو به بالای اندکی به داخل خط روند نزولی میکرو داشته باشد بفروشید. هر نفوذی به داخل آن یک موقعیت برای

ورودی فروش شکست نقض شده است. در یک تیک زیر کندلی که خط روند نزولی میکرو را روبه بالا شکسته وارد شوید (یک موقعیت فروش کف ۱).

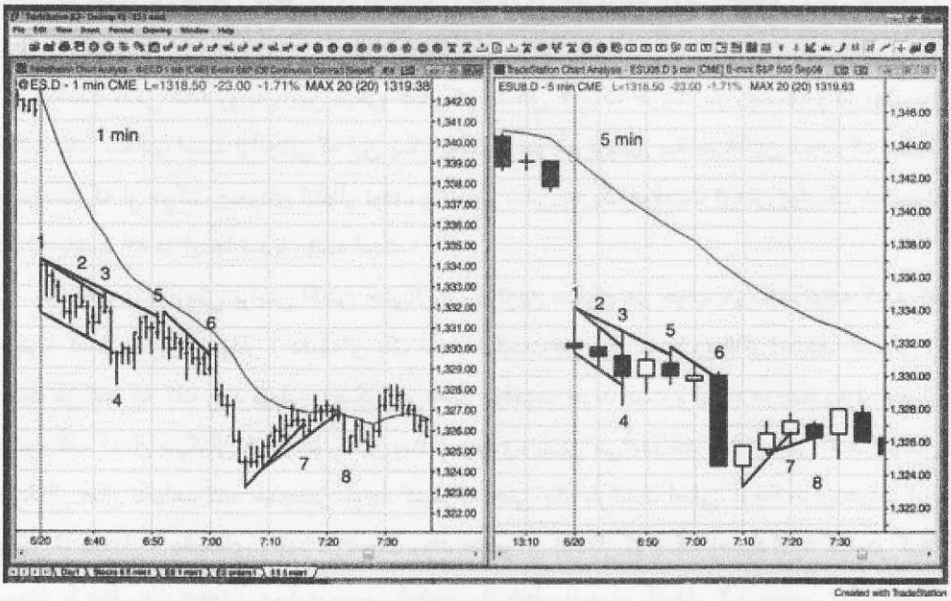
خطوط روند شیب‌دار کوچک که حتی با استفاده از دو کندل متوالی ترسیم شده‌اند، اغلب موقعیت معامله در جهت روند را مهیا می‌کنند. اگر روند پرشیب باشد، بعضی مواقع یک کندل پولبک کوچک یا یک کندل مکث می‌تواند اندکی به داخل خط روند میکرو نفوذ کند. وقتی این کار انجام شد، می‌تواند کندل سیگنالی برای یک ورودی در جهت روند باشد. بعضی از این نفوذها در نمودار EMINI کمتر از یک تیک هستند، ولی هنوز ارزش خود را دارند.

وقتی‌که یک روند و سپس یک پولبک موجود باشد، دیدن یک خط روند میکرو در پولبک طبیعی است. برای مثال، در پولبکی در یک روند صعودی، اگر یک خط روند میکرو وجود داشته باشد که ۳ تا ۱۰ کندل طول بکشد و سپس شکست رو به بالایی در آن خط روند نزولی میکرو وجود داشته باشد، از نظر تئوری یک موقعیت فروش را بر روی شکست نقض شده برپا می‌کند. ازآنجایی‌که این اتفاق طی یک روند صعودی و تقریباً همیشه در بالای میانگین متحرک یا نزدیک آن رخ می‌دهد، نباید این الگو را بفروشید. (در صورت فروش) خودتان را در حالی خواهید یافت که در کف یک پرچم صعودی، در نزدیک یک میانگین متحرک رو به بالا در روندی صعودی فروش انجام داده‌اید که احتمال موفقیت در این معامله بسیار کم است. ازآنجایی‌که این فروش احتمالاً نقض می‌شود، باید این انتظار را داشته باشید و آماده باشید که این شکست را بخرید و دقیقاً درجایی وارد شوید که فروشندگان به دام افتاده خارج می‌شوند. خرید شما، خرید یک پولبک شکست خواهد بود چراکه بازار خط روند نزولی میکرو را رو به بالا می‌شکند و سپس یا به سمت کف پایین‌تر یا به سمت کف بالاتر عقب‌نشینی می‌کند، آنگاه بازار حرکت خود را در جهت شکست از سر می‌گیرد که جهت روند اصلی روز هم هست.

به خاطر داشتن این مطلب که خطوط روند میکرو تنها باید زمان شناسایی موقعیت‌های در جهت روند استفاده شوند، بسیار مهم و حیاتی است. بااین‌حال، زمانی که روند بازمی‌گردد، مثلاً بعد از شکسته شدن یک خط روند صعودی و سپس یک بازگشت نزولی از سقف بالاتر، باید به دنبال موقعیت‌های فروش خطوط روند میکرو باشید، حتی اگر آن‌ها روی میانگین متحرک یا درست بالای آن باشند.

همانند هر الگوی کانال، ظاهر میکرو کانال در نمودارها با تایم فریم بالاتر و پایین‌تر از آن متفاوت است. حتی باوجوداینکه معمولاً کندل‌های روند در یک میکرو کانال یا هر نوع کانال فشرده دیگر بزرگ نیستند و معمولاً همپوشانی زیادی بین کندل‌های همجوار وجود دارد، روند به‌اندازه‌ای قدرتمند است که در نموداری با تایم فریم بالاتر، یک کندل روندیا یک سری از کندل‌های روند

بزرگ محسوب شود؛ یعنی اینکه مانند هر اسپایک و کانال دیگر روند، معمولاً به‌عنوان یک اسپایک عمل می‌کند و اغلب به دنبال آن یک کانال پهن‌تر به وجود می‌آید. همچنین باوجوداینکه هیچ پولبکی در میکرو کانال وجود ندارد، اگر به نمودارها با تایم فریم کوچکتر نگاه کنید، می‌بینید که در آن‌ها پولبک‌های بسیاری وجود دارد.



شکل (۱-۱۶) خطوط روند میکرو

خطوط روند میکرو می‌توانند در طول روز فرصت‌های اسکالپ زیادی ایجاد کنند، مخصوصاً روی نمودار ۱ دقیقه‌ای که بندرت ارزش معامله را دارند. در شکل (۱-۱۶)، نمودار سمت چپ یک نمودار ۱ دقیقه‌ای از EMINI است و شماره‌ها مربوط به همان کندل‌ها در تایم فریم ۵ دقیقه‌ای در سمت راست هستند. هر دو نشان می‌دهند که شکست‌های نقض شده از خطوط روند بسیار کوچک می‌تواند منتج به معاملات پرسودی در جهت مخالف روند شوند. موقعیت معاملات دیگری روی نمودار ۱ دقیقه‌ای وجود دارند که نشان داده نشده است زیرا هدف از این تصویر تنها نشان دادن این است که چگونه خطوط روند میکرو روی نمودار ۵ دقیقه‌ای با خطوط روند واضح‌تر و طولانی‌تر روی نمودار ۱ دقیقه‌ای ارتباط دارند، بنابراین اگر بتوانید نمودار ۵ دقیقه‌ای را بخوانید، مجبور نیستید برای سفارش گذاریتان علاوه بر نمودار ۵ دقیقه‌ای، نمودار ۱ دقیقه‌ای را هم بررسی کنید. بسیاری از این معاملات می‌توانند اسکالپ‌های پرسودی روی نمودار ۱ دقیقه‌ای باشند.

توجه کنید که بسیاری از شکست‌ها روی خطوط روند میکرو روی نمودار ۵ دقیقه‌ای به‌راحتی چشم‌پوشی می‌شوند و از نظر اندازه کمتر از یک تیک هستند. برای مثال، کندل‌های ۳،۵،۶ و ۷ شکست خط روند میکرو را روی نمودار ۵ دقیقه‌ای نقض کرده‌اند که برای بسیاری از معامله‌گران قابل رویت نیست، ولی روی کندل ۵ به‌طور خاصی قابل‌توجه است و منجر به معامله اسکالپ فروش خوبی می‌شود. این دومین تلاش برای شکست رو به بالای خط روند نزولی است (اولی کندل ۳ بود).

شکست نقض شده رو به پایین میکرو کانال در کندل ۷ یک خرید پر ریسک و در بهترین حالت یک اسکالپ است. ازآنجایی‌که این یک پولبک پرچم نزولی به میانگین متحرک است، بهتراست که از حرکت صعودی انتظار توقف و تبدیل شدن به یک موقعیت فروش پولبک شکست داشته باشید که در اینجا تبدیل شده است.

معامله‌گری به روش پرایس اکشن حتی روی ریزترین سطوح هم جواب می‌دهد. توجه کنید که چگونه کندل ۸ روی نمودار ۱ دقیقه‌ای یک تست شکست بر روی سقف بالاتر (سقف کندلی را تست می‌کند که کف روند نزولی را شکل می‌دهد) موقعیت خرید است و اینکه هرچند بازار جهت تست کف کندل سیگنال ۸، در دو کندل بعد از ورودی، پایین می‌آید، حد ضرر پایین کف کندل سیگنال فعال نخواهد شد. همچنین توجه کنید که حتی یک بازگشت اصلی کوچک‌تری هم در این بخش از نمودار ۱ دقیقه‌ای وجود دارد. یک روند صعودی بسیار کوچک وجود دارد که در کف نمودار با خط روند صعودی میکرو، سپس شکستی از خط روند در کندل ۷ و سپس یک تست سقف بالاتر انتهای روند صعودی نشان داده شده است. ازآنجاکه الگو بسیار کوچک است، بازگشت روند به‌سوی کندل ۸ تنها یک موقعیت اسکالپ است، همان‌طور که انتظار می‌رفت.

روی نمودار ۵ دقیقه‌ای، کندل ۸ هیچ موقعیت خریدی را ایجاد نمی‌کند، چرا؟ زیرا این کندل پولبکی در یک روند نزولی است. نباید سقف پولبک را در یک روز با روند نزولی بخرید. در عوض هر زمانی که موقعیت خرید روی خط روند میکرو را دیدید، جهت فروش واماندگی آن آماده باشید، دقیقاً درجایی وارد شوید که خریداران به دام افتاده مجبور به خروج با ضرر می‌شوند.



شکل (۲-۱۶) نقض شکست خط روند میکرو

وقتی که شکست کوچکی وجود دارد که به سرعت باز می‌گردد حتی خطوط روندی که با استفاده از تنها دو یا سه کندل پشت سر هم در یک روند شیب‌دار ایجاد شده‌اند؛ می‌توانند ورودی‌های در جهت روند را ایجاد کنند. هر شکست جدیدی می‌تواند تبدیل به نقطه دومی (برای ترسیم خط روند. م) در یک روند بلندتر و کم شیب‌تر شود تا اینکه درنهایت خطوط روند مخالف اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند و در آن نقطه روند معکوس می‌شود.

در شکل (۲-۱۶)، کندل ۱ به زیر یک خط روند سه کندلی می‌رود و به سمت بالا برمی‌گردد و یک ورودی خرید را در یک تیک بالای کندل قبلی ایجاد می‌کند.

کندل ۲ زیر یک خط روند ۶ کندلی می‌رود. معامله‌گران سفارش خریدشان را در بالای سقف آن قرار می‌دهند. وقتی‌که سفارششان انجام نمی‌گیرد، آن‌ها سفارششان را به بالای سقف کندل بعدی انتقال می‌دهند و روی کندل ۳ سفارششان انجام می‌شود. این یک ورودی خرید سقف ۱ است و بیشتر شکست‌های نزولی از میکرو کانال‌های صعودی در یک روند صعودی نقض شده و تبدیل به یک موقعیت خرید سقف ۱ می‌شوند. ازآنجایی‌که میکرو کانال‌ها معمولاً بالای چیزی را می‌شکنند، مانند سقف کندل قبلی، همان‌طور که در اینجا هنگام رفتن به بالای اولین کندل روز انجام می‌شود، موقعیت سقف ۱ معمولاً یک موقعیت خرید پولبک شکست هم محسوب می‌شود. تصادفاً، کندل قبل از کندل ۲ یک موقعیت فروش احتمالی بر مبنای نقض شکست خط کانال روند

میکرو است (نشان داده نشده) که به‌موازات خط روند کوچک سه کندلی ترسیم می‌شود که تا کندل ۱ امتداد می‌یابد. مومنتم صعودی برای فروش بدون دومین ورودی خیلی قوی است، ولی این نشان می‌دهد که خطوط کانال روند میکرو چگونه می‌توانند موقعیت معامله در خلاف جهت روند را ایجاد می‌کنند.

کندل ۴ یک کندل داخلی کوچک است که تا زیر یک روند دو کندلی کشیده می‌شود (نفوذ نشان داده نشده است). خرید در سفارشی روی یک تیک بالاتر از سقف کندل کوچک داخلی می‌باشد.

کندل ۵ خط روند اصلی روز را می‌شکند (هر روندی که به‌اندازه یک ساعت یا بیشتر طول بکشد مهم‌تر است)، بنابراین معامله‌گران فکر خواهند کرد که یک پولبک دو موجی محتمل‌تر خواهد بود. بعد از شکست رو به بالای یک خط روند نزولی روی کندل بعد از کندل ۵، یک موقعیت فروش روی سقف پایین‌تر کندل ۶ فعال می‌شود. وقتی‌که کندل‌ها، کندل‌های دوجی کوچکی مانند کندل‌های بعد از کندل ۵ باشند، معمولاً بهترین کار این است که قبل از اینکه معاملات بیشتر انجام دهید، منتظر یک کندل روند بزرگتری بمانید، ولی این بازگشت‌های خط روند باز هم منجر به اسکالپ سودمند ۳۰ تا ۵۰ سنتی در آمازن (AMZN) می‌شوند. ازآنجایی‌که کندل ۵ اولین شکست از کانال صعودی نسبتاً فشرده بشمار می‌آید، بهتر است آن را نفروشید و بجای آن منتظر فروش یک پولبک شکست بمانید.

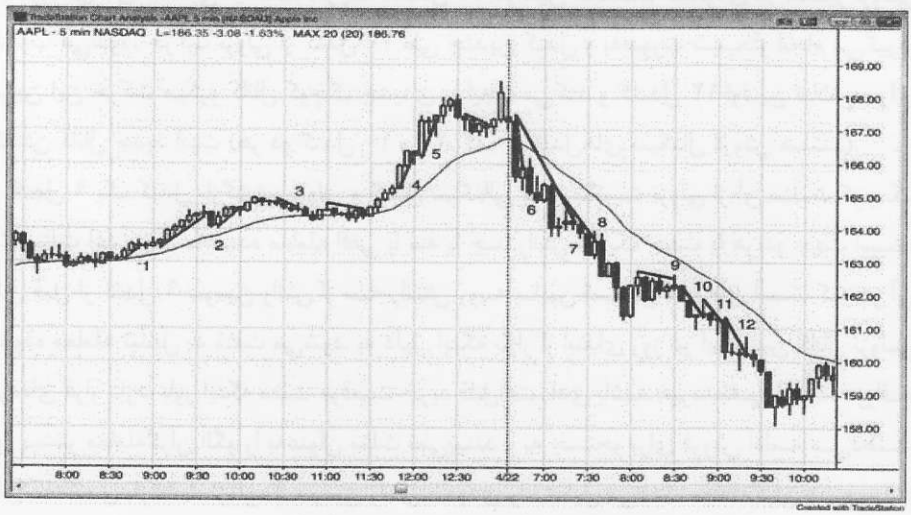
کندل ۶ ورودی فروش پولبک شکست سقف پایین‌تر معقولی برای اسکالپ نزولی به‌سوی میانگین متحرک می‌باشد. این یک معامله بازگشت روند خوبی نیست زیرا بعد از تست سقف روند صعودی، باز هم تستی از میانگین متحرک وجود ندارد.

کندل ۶ یک موقعیت فروش خط روند میکرو در یک روند صعودی است که وقتی‌که در نزدیکی میانگین متحرک رخ می‌دهد معامله بدی محسوب می‌شود. در اینجا، باوجوداین، فضای فراوانی تا میانگین متحرک وجود دارد، بعلاوه، به دنبال آن سقف یک گوه وجود دارد و بنابراین احتمالاً قسمتی از یک اصلاح دو موجی رو به پایین است.

برخلاف یک کانال معمولی که در آن پولبک‌ها رایج هستند، در یک میکرو کانال کمبود پولبک یکی از مشخصات تعریف‌شده آن است. برای مثال، در میکرو کانال صعودی که از کندل قبل از کندل ۸ شروع می‌شود، اولین موج در پولبک کندل کوچک ۹ به پایان می‌رسد. بعضی معامله‌گران، با کندل ۹ به‌عنوان پولبک، چهار کندل بعدی را به‌عنوان قسمتی از یک کانال می‌بینند و دیگر معامله‌گران کندل ۹ را به‌عنوان آغاز یک میکرو کانال ثانویه می‌بینند. این‌ها واقعاً اهمیتی ندارند، زیرا حرکت بدون روند تا کندل ۱۰ هر دو میکرو کانال را به سمت پایین می‌شکند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازار در شکل (۲-۱۶) به سمت بالا شکاف پیدا می‌کند و بنابراین قیمت پایانی روز قبل را رو به بالا می‌شکند و اولین کندل یک کندل روند صعودی است. بدنه آن کندل قدرت معقولی دارد و سایه‌ای در پایین آن وجود دارد که هردو نشانگر فشار خرید هستند. روز قبل با کندل‌هایی با بدنه‌های صعودی بسته می‌شود که دوباره نشان‌دهنده قدرت خریداران است، پس این کندل، سیگنال قدرتمندی برای فروش بر مبنای موقعیت شکست نقض شده مهیا نمی‌کند. دومین کندل بدنه‌ای نزولی دارد و به زیر کف اولین کندل می‌رود و یک موقعیت خرید پولبک شکست منطقی برای روند احتمالی از ابتدا صعودی روز محسوب می‌شود. چهار کندل روند صعودی در آنجا وجود دارد که ایجاد یک اسپایک صعودی می‌کنند، ولی آخرین کندل دارای محدوده بزرگی است و ممکن است نشانگر خستگی باشد. این اسپایک منجر به ایجاد اولین موقعیت پولبک خرید می‌شود و کندل ۳ یک کندل قدرتمند ورودی می‌باشد. این کندل همچنین یک پولبک شکست صعودی برخاسته از شکست رو به بالای سقف اولیه است. ازآنجایی‌که اولین کندل روز به‌طور غیرطبیعی بزرگ است، این می‌تواند منجر به یک حرکت اندازه‌گیری شده رو به بالا شود و می‌شود.



شکل (۳-۱۶) خط روند میکرو در روندهای قوی

خطوط روند کوچک در روندهای قوی، حتی زمانی که با استفاده از کندل‌های مجاور ترسیم می‌شوند، اغلب شکست‌هایی را نقض می‌کنند که در جهت روند ورودهای خوبی را ایجاد می‌کنند. بسیاری از این‌ها موقعیت‌های پولبک دو موجی (اصلاح ABC) روی نمودارهای یک‌دقیقه‌ای

هستند، ولی زمانی که یک شکست اشتباه را روی نمودار ۵ دقیقه‌ای می‌بینید نیازی نیست که به نمودار ۱ دقیقه‌ای نگاه کنید.

هنگام معامله، بیشتر اوقات واقعاً مجبور نیستید که خطوط روند را روی نمودار رسم کنید، زیرا بیشتر روندها بدون نیاز به ترسیم خطوط قابل‌رؤیت هستند.

در نمودار پنج‌دقیقه‌ای APPL در شکل (۳-۱۶)، ورودی‌های در جهت روند زیادی بر مبنای شکست‌های نقض شده خط روند میکرو وجود دارند. وقتی روند دارای شیب است، باید تنها به فکر معامله در جهت روند باشید و نباید بازگشت‌های کوچک را معامله کنید. برای مثال، حتی بااینکه کندل ۳ خط روندی میکرو را رو به بالا می‌شکند، روند نزولی درواقع یک پرچم صعودی در یک روند صعودی قدرتمند است که بازار طی بیش از بیست کندل در بالای میانگین متحرک بوده است. باید تنها در جستجوی خرید باشید نه فروش، مخصوصاً نه درست در بالای میانگین متحرک.

کندل ۲ یک شکست رو به پایین یک میکرو کانال در یک روند صعودی قدرتمند است و باید از آن انتظار نقض شدن را داشته باشید. این کندل یک موقعیت خرید سقف ۱ را ایجاد می‌کند.

کندل ۱۰ و ۱۲ اولین شکست‌های روبه بالای کانال‌های شیب‌دار و فشرده هستند بنابراین برای خرید ورودی‌های مناسبی نیستند. اگرچه کندل ۱۲ دومین شکست صعودی در مسیر نزولی محسوب می‌شود، حرکت نزولی از کندل ۱۰ طی چندین کندل و به‌صورت شیب‌دار انجام می‌گیرد، بنابراین این حرکت میکرو کانال کوچک جدیدی را ایجاد می‌کند و کندل ۱۲ اولین تلاش برای شکستن کانال جدید است (هر دو کندل ۱۰ و ۱۲، کف ۱ کندل‌های سیگنال فروش هستند).

کندل ۹ یک کندل بازگشتی نزولی و کندل سیگنالی برای شکست نزولی از آن مثلث کوچک است. مثلث اغلب یک محدوده معامله افقی با سه یا چند رانش در یک جهت یا هر دو جهت است، کندل قبل از کندل ۹ سومین رانش از سه رانش روبه پایین است و نقطه‌ای است که در آن محدوده معامله تبدیل به مثلث می‌شود. به دلیل اینکه بازار از ابتدای روز در این‌چنین کانال نزولی فشرده‌ای قرار دارد، باور اینکه مثلث موقعیت خرید قابل‌اعتمادی باشد غیرمنطقی است. درواقع هنوز بیشتر معامله‌گران الگو را به‌عنوان مثلث نمی‌بینند و به جستجو برای فروش ادامه می‌دهند. زمانی که کندل بازگشت نزولی ۹ سومین رانش صعودی را تشکیل می‌دهد، معامله‌گران می‌فهمند که این الگو مثلثی در یک روند نزولی و موقعیت قابل‌اعتمادی برای فروش است. حتی با اینکه کندل ۹ بدنه‌ای صعودی دارد، این بدنه دوجی کوچکی است که فشار خرید زیادی به همراه ندارد. بااین‌حال هنوز یک کندل بازگشتی محسوب می‌شود چراکه در پایین نقطه وسط خود بسته می‌شود. درصورتی‌که کندل ۹ بدنه‌ای نزولی داشته باشد، کندل سیگنال قوی‌تری محسوب می‌شود.

کانال فشرده نزولی که در سه کندل بعد از کندل ۸ خاتمه می‌یابد، چندین میکرو کانال در درون خود جای داده است. چه معامله‌گر کانال فشرده‌ای را به‌عنوان یک میکرو کانال بزرگ با دو پولبک کوچک و سه میکرو کانال کوچک ببیند، چه آن را به‌عنوان کانال فشرده بزرگ نزولی ببیند، اهمیتی ندارد، زیرا او در بازار به یک روش معامله خواهد کرد. حرکت نزولی بسیار قدرتمند است و احتمالاً در تایم فریم بالاتر نمودار یک اسپایک پرقدرت است. معامله‌گران باهوش هر پولبکی را جهت فروش جستجو می‌کنند و انتظار دارند که هر پولبک، جایی برای سود گرفتن فروشندگان باشد و به دنبال آن قیمت‌های پایین‌تری می‌آید نه یک برگشت روند. در روند قدرتمندی مانند این، معامله‌گران در بالای سقف کندل قبلی و زیر کف هر پولبکی مانند زیر کندل‌های ۹،۱۰ و ۱۲ می‌فروشند.

بسیاری از روندهای صعودی که تنها پولبک‌های کوچکی دارند ولی نتیجه آن‌ها سودهای بزرگی است موقعیت‌های فروش کم احتمالی دارند. برای مثال کندل‌های ۱۰ و ۱۲ که کندل‌های دوجی در محدوده کندل‌های دیگر سایه‌دار محسوب می‌شوند و بنابراین نشانه‌ای از وجود معامله دو طرفه هستند. وقتی بازاری شروع به توسعه نشانه‌هایی از بازار دو طرفه می‌کند، اغلب در حال ورود به محدوده معامله است، یعنی اینکه فروش در نزدیکی کف آن امیدواری برای شکست یک محدوده معامله درحال‌توسعه، فروش کم احتمالی است. احتمال سوییینگ نزولی موفق ممکن است تنها ۴۰ درصد باشد. باوجوداین، ازآنجایی‌که سود معامله چندین برابر ریسک آن است، معادله[1] معامله‌گران هنوز بسیار مناسب است. معامله‌گرانی که ترجیح می‌دهند فقط معاملات با شانس موفقیت بالا را انجام دهند، در زیر کندل‌های ۱۰ یا ۱۲ فروش انجام نمی‌دهند و بجای آن منتظر بازگشت‌های محتمل می‌مانند تا آن‌ها را بخرند (مانند کندل بازگشتی صعودی بعد از یک سری از اوج‌های فروش در پایین‌ترین قیمت روز، بازگشت‌ها در کتاب ۳ بحث شده‌اند)، یا پولبک جهت فروش (مانند مثلث کندل ۹)، یا اسپایک‌های قدرتمند به سمت پایین (مانند قیمت پایانی کندل ۱۱، ازآنجاکه یک شکست رو به پایین کف یک گوه است، کف کندل قبل از کندل ۱۱ و سقف کندل ۱۲ یک شکاف اندازه‌گیری شده را شکل می‌دهد که در کتاب ۲ بحث شده است).

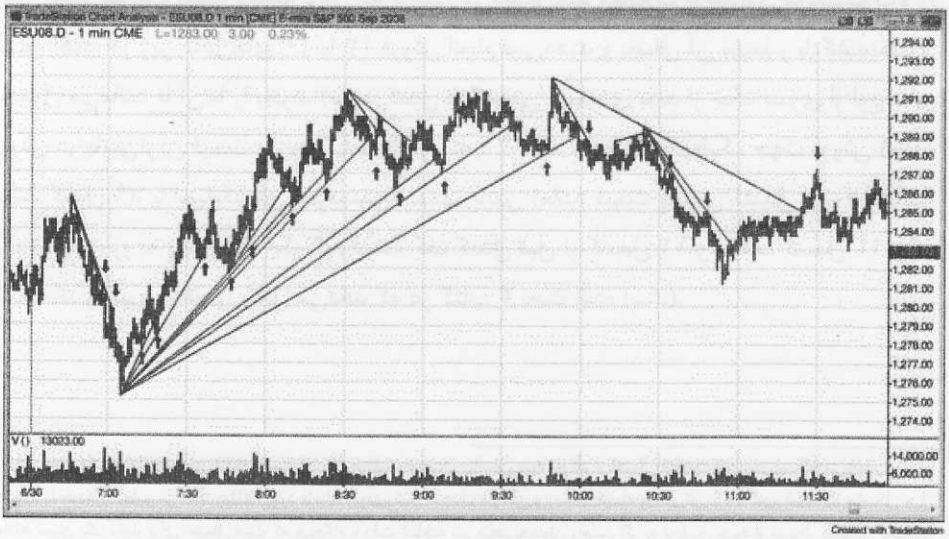
---

[1]. برای انجام یک معامله باید باور داشته باشید، احتمال موفقیت ضرب‌در پتانسیل سود بزرگتر از احتمال شکست ضرب‌در ریسک می‌باشد. ریسک و ریوارد را خودتان تنظیم می‌کنید چراکه ریوارد فاصله ورودی شما تا هدف سودتان و ریسک فاصله ورودی‌تان تا حد ضرر شماست. مشکل حل معادله، تعیین یک مقدار برای احتمال است که هیچگاه با دقت شناخته نمی‌شود. به‌عنوان راهنما، اگر به تحلیل خود از نمودار مطمئن نیستید، فرض کنید ۵۰ درصد شانس برد یا باخت دارید و اگر مطمئن هستید، شانس برنده شدنتان را ۶۰ درصد و ۴۰ درصد شانس باخت را برای خود در نظر بگیرید.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۳-۱۶) روز قبل با یک کندل روند صعودی شکست از یک پرچم صعودی تا حد زیادی افقی بعد از یک روند صعودی امتدادیافته بسته می‌شود. این یک موقعیت فروش پرچم نهایی می‌باشد و در اولین کندل روز اخیر فعال می‌شود. معامله‌گران می‌توانند در زیر کندل روند صعودی یا در زیر اولین کندل که بدنه نزولی کوچکی دارند، یا در زیر کف پرچم نهایی بفروشند. کندل ورودی اسپایک نزولی بزرگی است و به دنبال آن یک کانال نزولی فشرده و بنابراین بسیار قدرتمند می‌آید. روز جاری دارای روندی از ابتدا نزولی می‌باشد.

اولین تلاش برای بازگشت از میکرو کانال درنتیجه خروج سود می‌باشد. برای مثال، وقتی کندل نزولی قبل از کندل ۲ میکرو کانال صعودی را رو به پایین می‌شکند، بیشتر به دلیل این است که خریداران سودشان را خارج می‌کنند. دیگر خریداران مشتاق به خرید هستند، چراکه این اتفاق در روندی صعودی رخ می‌دهد و زمانی که آن کندل روند نزولی به زیر کف کندل قبلی سقوط می‌کند، با استفاده از سفارش حد می‌خرند و دیگران از یک تا چندین تیک پایین‌تر می‌خرند. عده‌ای در قیمت پایانی کندل نزولی می‌خرند و از آن انتظار دارند که به یک شکست نقض شده تبدیل شود. ورودی‌های سفارش حد در کتاب ۲ بحث شده‌اند. معامله‌گرانی که سفارش خرید را ترجیح می‌دهند در بالای دو کندل بازگشتی ۲ خرید می‌کنند که یک موقعیت خرید سقف ۱ و پولبک شکست محسوب می‌شود.

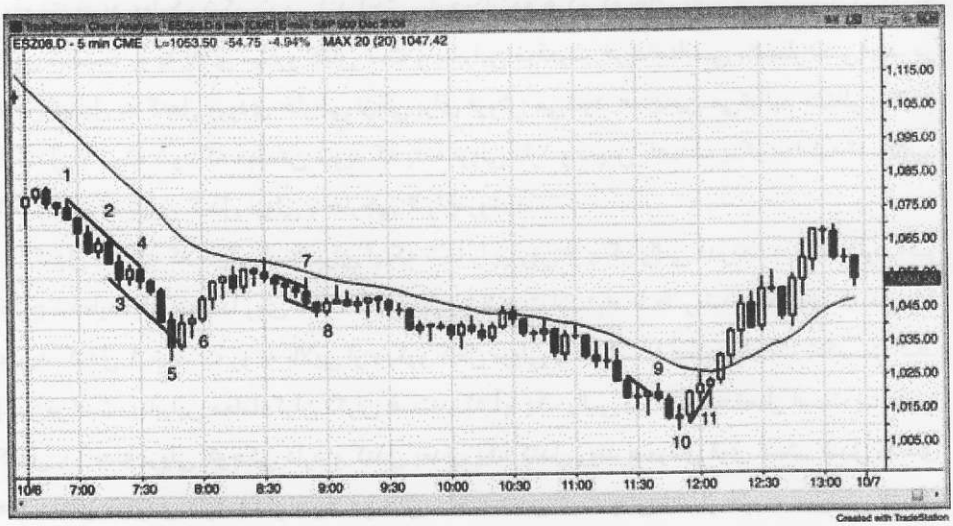


شکل (۴-۱۶) خط روندهای میکرو تنها خطوط روند در تایم فریم‌های کوچک‌تر هستند

آنچه که به‌عنوان موقعیت‌های خط روند میکرو در نمودار ۵ دقیقه‌ای ظاهر می‌شود، معمولاً پولبکی ۳ تا ۱۰ کندلی بر روی نمودار ۱ دقیقه‌ای است (شکل (۴-۱۶) را ببینید). نمودار ۱ دقیقه‌ای EMINI روی تست‌های خط روند و جهش اضافه خط کانال روند و بازگشت‌ها در تمام طول روز ورودی‌هایی را فراهم می‌کند. بسیاری از نفوذها کمتر از یک تیک هستند ولی هنوز معنی دارند. خطوطی که نشان داده شده‌اند تنها تعدادی از خطوطی هستند که می‌توان بر روی این نمودار ترسیم کرد، تعداد زیاد دیگری هم هستند. تنها به این دلیل که وقتی‌که در پایان روز به نمودار یک‌دقیقه‌ای نگاه می‌کنید آسان به نظر می‌آیند، به معنی آن نیست که با معامله کردن نمودار، بلافاصله به‌راحتی سود کسب می‌شود. این‌گونه نیست. همواره بهترین موقعیت‌ها، بد به نظر می‌آید ولی برپایی و فعال شدن آن‌ها بسیار سریع‌تر از آن رخ می‌دهد که بتوان آن‌ها را معامله کرد، درحالی‌که موقعیت‌های زیان ده زمان زیادی برای ورود در اختیارتان قرار می‌دهند. نتیجه این است که شما معاملات بد بسیاری را به انجام می‌رسانید و معاملات خوب شما آن‌قدر نیست که بتواند زیان‌های شما را جبران کند و شما در آن روز متضرر خواهید شد.

خطوط روند متوالی در شکل (۴-۱۶) کم شیب تر می‌شوند تا اینکه خطوط روند در جهت مخالف بر رفتار قیمت چیره شوند.

یک میکرو کانال معمولاً یک کندل روند (یک اسپایک) در تایم فریم‌های بالاتر نمودار و یک کانال با پولبک‌های زیاد در تایم فریم کوچکتر می‌باشد.



شکل (۵-۱۶) خطوط روند میکرو وقتی داو جونز به‌اندازه ۷۰۰ پوینت ریزش می‌کند

خطوط روند و کانال‌های میکروی زیادی در نمودار روزانه EMINI در شکل (۵-۱۶) وجود دارد (تنها چهارتا نشان داده شده است)، یک روز بسیار غیرعادی هنگامی‌که داو به‌اندازه ۷۰۰ پوینت سقوط می‌کند اما روند صعودی را در پیش گرفته و نیمی از زیان را جبران می‌کند.

کندل ۵ یک اضافه جهش از میکرو کانال روند است که تبدیل به اولین کندل از دو کندل بازگشتی می‌شود. خط کانال موازی با خط روند میکرو از کندل‌های ۱ تا ۴ است. همچنین می‌توانید از کف‌ها برای ترسیم خط کانال استفاده کنید (کف کندل بعد از کندل ۱ و کف کندل ۳). یک موقعیت عالی الگوی (ii) وجود دارد جایی که هردو کندل در قیمت بالاتر بسته می‌شوند که همیشه هنگام معامله خلاف روند در یک روند نزولی قدرتمند، دلخواه است. کندل بعد از کندل ۵، با کندل ۵ تشکیل بازگشت دو کندلی می‌دهد.

وقتی میکرو کانالی ۵ تا ۱۰ کندل داشته باشد مانند کانالی که از ابتدای روز شروع شده و در کندل ۵ به اتمام می‌رسد، می‌توانید آن را عیناً به‌عنوان یک کانال به‌حساب آورید. واژه مهم نیست به خاطر اینکه یک میکرو کانال درواقع یک کانال است و تنها دلیلی که آن‌ها را از کانال‌های بزرگتر مجزا می‌کند این است که میکرو کانال‌ها اغلب در روندها، معاملات اسکالپ در جهت روند ایجاد می‌کنند.

کندل‌های ۷ و ۹ موقعیت‌های اسکالپ نزولی شکست خطوط روند میکروی نقض شده هستند و بلافاصله به دنبال آن‌ها موقعیت اسکالپ خرید به‌عنوان واماندگی‌های نقض شده می‌آید و ایجاد موقعیت خرید پولبک شکست می‌کند (حتی باوجوداینکه هردو کف‌های پایین‌تر هستند). کندل ۷ اولین شکست رو به بالای میکرو کانال است و بنابراین موقعیت خرید مناسبی بشمار نمی‌آید. در عوض تبدیل به کندل ورودی خارجی نزولی برای فروش می‌شود. همچنین می‌توانید منتظر بمانید تا کندل ۷ بسته شود که مطمئن شوید که بدنه نزولی دارد و سپس باهدف یک معامله اسکالپ، شکست رو به پایین کندل نزولی و خارجی ۷ را بفروشید.

کندل ۱۱ تله کلاسیکی است برای اینکه شما را بیرون از یک رالی قدرتمند نگاه دارد. اگر خارج شده‌اید، باید مجدداً روی سقف ۱ در بالای شکست اشتباه خط روند میکروی کندل ۱۱ بخرید. کندل ۹ شکست رو به بالایی از میکرو کانال نزولی و کندل ۱۰ یک پولبک شکست کف پایین‌تر است، بنابراین معامله‌گران نگران هستند که آیا یک رالی بزرگتر محتمل است یا خیر. کندل ۱۰ بدنه نزولی کوچکی دارد و کندل بعدی یک کندل روند صعودی قوی است. کندل بعدی هم بدنه‌ای صعودی دارد. فشار خرید در حال ساخته شدن است و آن فشار خرید سومین کندل صعودی را به موقعیت فروش کف ۱ ضعیفی تبدیل کرده است. معامله‌گران انتظار شکست را از آن دارند و در کف و زیر کف آن می‌خرند. آن‌ها نمی‌دانند که یک روند صعودی در راه است، ولی به

این اعتقاد دارند که بازار به‌اندازه‌ای بالا خواهد رفتد کـه دسـت‌کـم یـک معاملـه خریـد اسـکالپ را برایشان مهیا کند. طی یک یا دو کندل بعد از کنـدل ۱۱، معاملـه‌گـران بـازار را دارای رونـد غالـب صعودی می‌بینند و باقیمانده خریدشان را سوییـنگ می‌کنند و حتی به آن‌ها اضافه هم می‌کنند.

بسیاری از کندل‌های روز جاری محدوده نوسـان بـالای ۶ تـا ۸ پـوینتی دارنـد. کـاهش انـدازه موقعیت گرفته شده تا حدود نصف یا کمتر، افزایش حد ضرر به ۴ پوینت و حـد سـود تـا ۲ پوینـت کاری محتاطانه خواهد بود. از طرفی دیگر، این یکی دیگر از روزهایی است که قیمت رفتار منابسـبی دارد.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

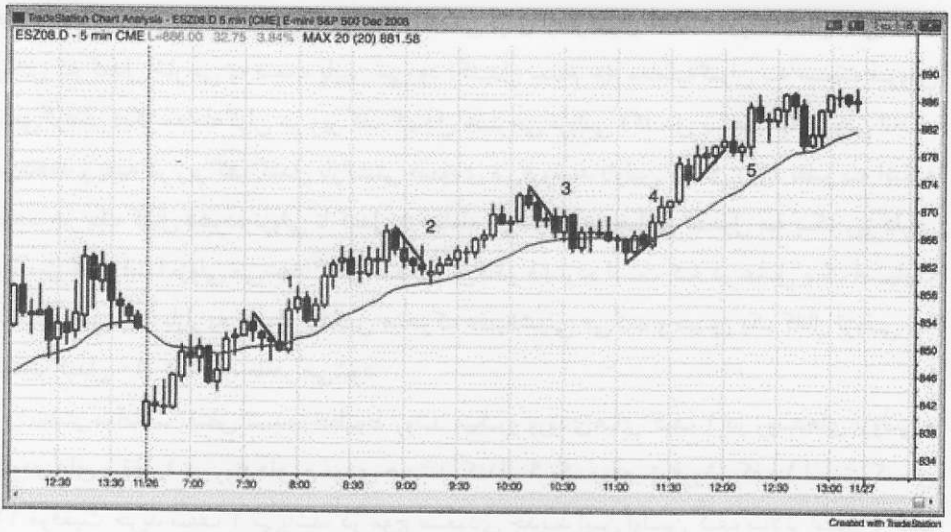
در شکل (۵-۱۶)، روز جاری با شکاف نزولی بزرگی باز مـی‌شـود، ولـی اولـین کنـدل، یـک کنـدل بازگشتی صعودی است و بنابراین بر اساس سیگنال خرید شکست نقض شده در زیر آخرین قیمـت روز گذشته روندی را از ابتدای روز ایجاد می‌کند. سومین کندل یک کندل قدرتمند نزولـی اسـت و بنابراین یک اسپایک نزولی محسوب می‌شود، ولی بازار ممکن است قبل از ازسرگیری رالی، در حال تشکیل یک کف بالاتر باشد. در عوض، قیمت در بالای یک کف بالاتر معامله مـی‌شـود و سـپس در یک کندل خارجی نزولی (کندل ۱) به سـمت پـایین برمـی‌گـردد و یـک موقعیـت فـروش پولبـک شکست را فعال می‌کند. شکاف رو به پایین یک شکست است و شکست نقض شـده و تـلاش بـرای صعود نیز نقض می‌شود و تبدیل به پولبک شکستی برای ازسرگیری شکست رو به پایین مـی‌شـود. زمانی که کندل خارجی به سمت پایین می‌رود (کنـدل سـوم. م)، معاملـه‌گـران بـه سـمت فـروش برمی‌گردند. دیگر معامله‌گران در زیر کف کنـدل خـارجی نزولـی (کنـدل پـنجم. م) فـروش انجـام می‌دهند و بقیه در زیر کف کندل بازگشتی صعودی می‌فروشند (اولین کنـدل روز). نظـر بـه اینکـه قیمت در یک کانال فشرده نزولی تا کندل ۵ معامله می‌شود، روز جـاری تبـدیل بـه یـک روز دارای روند بزرگ از ابتدا نزولی می‌شود. کانال مـذکور آن‌قـدر فشـرده اسـت کـه در عمـل یـک اسـپایک محسوب می‌شود. بازار به سمت میانگین متحرک عقب‌نشینی می‌کند و سپس یک کانال نزولـی بـه سمت کندل ۱۰، کف روز، ظاهر می‌شود.

بیشتر معاملات نقـض شـده، خطـوط رونـد میکـرو ورودی‌هـای کـف ۱ در رونـدهای نزولـی و ورودی‌های سقف ۱ در روندهای صعودی هستند. کندل ۹ یک موقعیت فروش کف ۱ اسـت. کنـدل ۱۱ موقعیت خرید سقف ۱ می‌باشد، در موج صـعودی جدیـد ایـن اولـین کـف بـالاتر اسـت و کـف بالاتری بعد از بازگشت روند احتمالی به روند صعودی موقعیت خرید مناسـبی محسـوب مـی‌شـود. کندل سیگنال کف ۱، قبل از کندل ۱۱ یک کنـدل دوجـی بـوده و بـه دنبـال آن دو کنـدل رونـد صعودی می‌آیند. اولی، کندل صعودی قدرتمندی است که ممکـن اسـت بـه سـمت رونـد صـعودی

طولانی مدت برگردد. (بعد از پرچم نهایی یک کندلی ۹، این به همراه کندل بعد از کندل ۹ یک بازگشت دو کندلی می‌باشد). خریداران تهاجمی با سفارشات حد خرید در کف کندل سیگنال کف ۱ معامله می‌کنند و از فروش احتمال نقض شدن دارند.

معاملات پولبک شکست که سقف بالاتر یا کف پایین‌تر دارند، پرچم‌های نهایی بازگشتی کوچک هستند. برای مثال، کندل ۹ یک شکست رو به بالای یک خط روند میکرو است و شکست نقض شده و به‌سوی کف پایین‌تری در کندل ۱۰ ریزش می‌کند. کندل ۱۰ می‌تواند به‌عنوان یک پولبک از شکست کندل ۹ در نظر گرفته شود و به سمت یک کف پایین‌تر عقب‌نشینی می‌کند، کاری که پولبک‌های شکست بعضی مواقع انجام می‌دهند. وقتی‌که به سمت بالا برمی‌گردد، کندل ۹ تبدیل به یک پرچم نهایی تک کندلی می‌شود.

ریزش به کندل ۵ در یک کانال فشرده اتفاق می‌افتد، ولی آن‌قدر قدرتمند است که در تایم فریم بالاتر یک نمودار باید یک اسپایک نزولی باشد. سپس بازار به سمت میانگین متحرک صعود می‌کند، جایی که سیگنال فروش ۲۰ کندل شکاف وجود دارد. به دنبال این یک کانال نزولی طولانی تا کندل ۱۰ می‌آید تا الگوی اسپایک و کانال نزولی را تکمیل کند. اولین هدف بازگشت، سقف اولین موقعیت قدرتمند خرید است که بازگشت دو کندلی در کندل ۵ است. بعدازآن، هدف بعدی شروع کانال نزولی است که تست میانگین متحرک در ساعت ۸:۳۰ می‌باشد.



شکل (۶-۱۶) خط روند میکرو در یک روند صعودی

در یک روز روند صعودی قوی باید از موقعیت فروش‌هایی نظیر موقعیت فروش‌های خطوط روند میکرو، مخصوصاً در نزدیکی میانگین متحرک یا بالای آن اجتناب کرد. در شکل (۶-۱۶)

فروش درروی کندل‌های ۱،۲ و ۳، فروش برخلاف روند صعودی در محدوده میانگین متحرک یا در بالای میانگین متحرک محسوب می‌شود. بله شیب نزولی خط روند میکرو نشان می‌دهد که روند نزولی کوچکی وجود دارد ولی هرکدام در یک روند بسیار قوی به‌عنوان قسمتی از یک پولبک رخ می‌دهند و باید تنها به فکر خرید باشید. این‌ها پرچم‌های صعودی بوده و در بالای میانگین متحرک قرار دارند که نشان‌دهنده قدرت خریداران است. هیچ شکست قابل‌توجهی از روند صعودی دیده نمی‌شود که به دنبال یک بازگشت رو به پایین از یک سقف بالاتر یا سقف پایین‌تر تست سقف صعودی آمده باشد. تنها ارزش میکرو روندهای نزولی در روز روند صعودی آن است که به شما پیغام می‌دهد که پولبک شکست را زمانی که موقعیت فروش خط روند میکروی نزولی نقض می‌شود، را بخرید. به‌عبارتی‌دیگر، روی کندل‌های ۱،۲ و ۳ فروش انجام ندهید و در عوض درجایی که خروج از فروش‌ها انجام می‌گیرد، خرید کنید. واماندگی، کف پایین‌تر کوچکی را شکل می‌دهد (مانند شکست‌های نقض شده خط روند میکرو بعد از کندل ۲ و ۳) یا یک کف پایین‌تر کوچک (مانند شکست نقض شده روی کندل ۱) و تبدیل به پولبکی در شکست صعودی از میکرو روند صعودی می‌شود (یک موقعیت خرید پولبک شکست).

ورودی‌های خط روند میکرو در جهت روند، مانند خرید روی کندل‌های ۴ و ۵، معاملات با احتمال بالایی هستند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

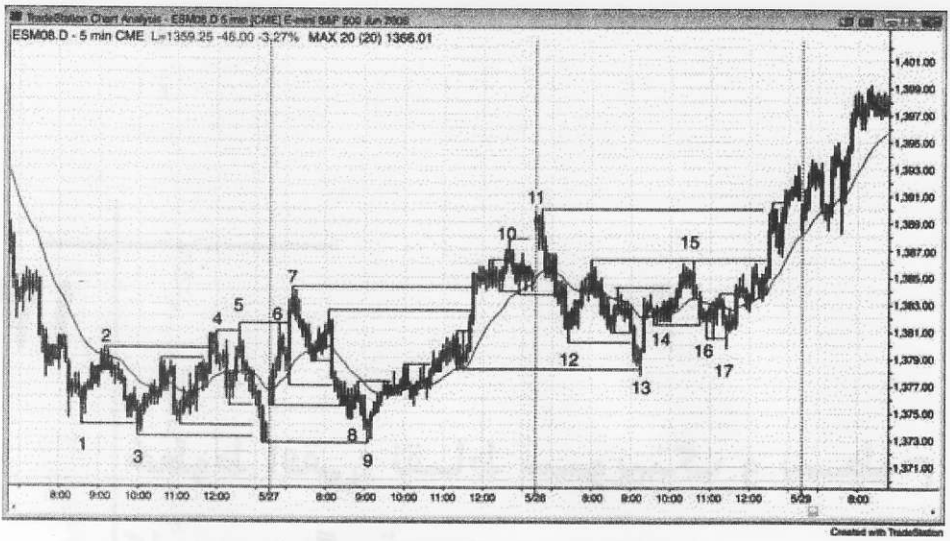
در شکل (۶-۱۶) یک روند از ابتدا صعودی روز نشان داده شده است، بنابراین از فروش‌هایی نظیر خطوط روند میکرو، مخصوصاً نزدیک و بالای میانگین متحرک، باید اجتناب کرد. بازار میانگین متحرک را رو به پایین می‌شکند ولی به‌سرعت به داخل یک شکست نقض شده بازمی‌گردد. فروشندگان تلاش می‌کنند که رالی را به داخل یک پولبک شکست نزولی در میانگین متحرک برگردانند، ولی رالی چندین کندل با بدنه صعودی قوی دارد که به این معنی است که معامله‌گران باید تنها روی یک ورودی ثانویه بفروشند. هیچ ورودی دیگری وجود ندارد. ریزش مختصر بوده و تبدیل به کف پایین‌تری می‌شود.

۱۷

خطوط افقی: نقاط سوییننگ و سطوح کلیدی دیگر قیمت

بیشتر روزها روزهای محدوده معامله هستند یا محدوده‌های معامله فعال زیادی دارند. در این روزها متوجه می‌شوید که خطوط افقی که از کف‌ها و سقف‌های سوییننگ‌ها عبور می‌کنند، اغلب به‌عنوان موانعی بکار گرفته می‌شوند که منتج به شکست‌های نقض شده و سپس بازگشت‌ها می‌شوند. انتظار می‌رود که شکست سقف سوییننگ‌ها نقض شود و موقعیت‌های بازگشتی سقف بالاتر را شکل دهد و شکست کف سوییننگ نقض شده و موقعیت بازگشتی کف پایین‌تر را تشکیل دهد. بعضی مواقع واماندگی‌ها خود نقض می‌شوند که یک موقعیت پولبک شکست محسوب می‌شود و بازار حدود ثانویه سقف‌های بالاتر یا کف‌های پایین‌تر دیگری را می‌سازد. یک موقعیت معامله در جهت خلاف روند از یک سقف بالاتر یا کف پایین‌تر ثانویه حتی احتمال موفقیت بیشتری را به همراه خواهد داشت، زیرا آن‌ها تلاش‌های ثانویه برای معکوس نمودن بازار هستند و سیگنال‌های ثانویه در روزهای دارای محدوده معامله موقعیت‌های مناسبی هستند.

در روزهای دارای روند، خطوط افقی باید عموماً برای ورود به پولبک‌ها استفاده شوند. برای مثال، اگر شکست صعودی قدرتمندی از یک محدوده معامله در یک روز روند صعودی وجود داشته باشد، ممکن است بعد از چند کندل پولبکی به سطح شکست باشد. اگر روی تست یک موقعیت بازگشتی صعودی وجود داشته باشد، این یک موقعیت خرید پولبک شکست خوبی است.



شکل (۱-۱۷) شکست‌ها می‌توانند بازگشت‌ها را ایجاد کنند

بیشتر روزها، روزهای روند قوی نیستند و در این روزها معامله‌گران باید به سقف‌ها و کف‌های سوینگ قبلی توجه کنند تا ببینند آیا بازار شکست‌های نقض شده ایجاد می‌کند یا خیر که می‌تواند منجر به ورودی‌های بازگشتی شود. سیگنال‌های ثانویه بهترین هستند. یک سقف بالاتر یا کف پایین‌تر نقاط دارای حد بیشتری در یک روز محدوده معامله است که وسط این روز همانند یک نیروی جاذبه عمل می‌کند و بنابراین، این حد بالاتر به‌احتمال‌زیاد سودهای اسکالپ بیشتری می‌دهد. برای مثال در شکل (۱-۱۷)، کندل ۵ یک سقف بالاتر ثانویه بالای کندل ۲ است.

کندل ۹ دومین تلاش برای بازگشت صعودی بعد از سقوط به زیر اولین کف و یک کف دوقلو با کف روز قبل می‌باشد.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

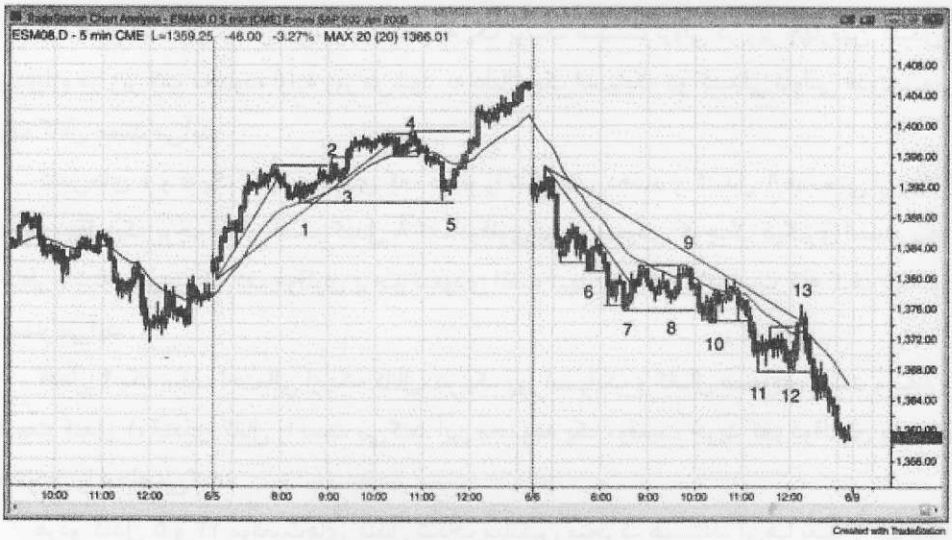
کندل ۵ سومین رانش صعودی از کف کندل ۳ در شکل (۱-۱۷) است. حتی با اینکه شکل گوه‌ای ندارد، الگوهای سه رانشی معمولاً مانند گوه‌ها رفتار می‌کنند و می‌توانند به‌عنوان گونه‌ای از گوه‌ها در نظر گرفته شود.

کندل ۹ هفتمین نقطه از کف یک مثلث پهن شونده است (اگرچه با کف روز قبل یک کف دوقلو محسوب می‌شود و یک کف پایین‌تر نیست، به‌اندازه کافی به آن شبیه است) و کندل ۱۱ سقف یک مثلث پهن شونده بشمار می‌آید. همچنین یک مثلث پهن شونده است که کندل ۱۰ دومین رانش صعودی و حدوداً ۵ کندل بعد از اولین رانش است.

کندل ۱۳ یک پولبک بزرگ کف دوقلو است. کف‌های متعددی جهت برچسب‌زنی کف دوقلو وجود دارند و کندل‌های ۳ و ۹ می‌توانند بهترین انتخاب باشند. همچنین یک موقعیت خرید سقف ۲ می‌باشد چراکه در کف دو موج بزرگ و پیچیده قرار دارد، ازآنجایی‌که از کندل ۹ تا ۱۱ یک کانال صعودی تشکیل می‌شود که یک پرچم نزولی به‌حساب می‌آید، کندل ۱۳ شکست نقض شده آن پرچم نزولی است. همچنین یک پرچم گوه‌ای بزرگی وجود دارد که کف سوییِنگ کوچک قبل یا بعد از کندل ۱۰ اولین رانش نزولی آن و کندل ۱۲ دومین رانش آن پرچم می‌باشد.

کندل ۱۵ یک پرچم نزولی سقف دوقلو است. زمانی که یک کندل شکست صعودی به بالای سقف آن می‌رود، این پرچم نقض می‌شود و بازار به‌طور قابل‌توجهی صعودی‌تر می‌شود.

کندل ۱۷ دومین کف پایین‌تر در پایین کندل ۱۴ و کف پایین‌تری در زیر کندل ۱۶ است. همچنین به همراه کندل‌های ۱۴ و ۱۶ و یک پولبک شکست به کف بالاتر بعد از شکست رو به بالای پرچم صعودی کندل‌های ۱۱ تا ۱۳، یک پرچم صعودی گوه‌ای محسوب می‌شوند.



شکل (۲-۱۷) برخلاف روندهای قوی معامله نکنید

در روزهای دارای روندهای قدرتمند، تنها در صورتی معامله مخالف روند را در سقف سوییِنگ‌ها در روندهای صعودی و در کف سوییِنگ‌ها در روندهای نزولی را در نظر بگیرید که اولاً یک شکست خط روند مناسب و ثانیاً یک کندل بازگشتی قدرتمند وجود داشته باشد. در شکل (۲-۱۷)، هر دو روز دارای روند قوی با یک منتهی‌الیه در نزدیکی باز شدن بازار هستند و سپس تا بیش از دو ساعت خبری از پولبک میانگین متحرک نیست (موقعیت‌های ۲۰ کندل شکاف پولبک). کندل ۴ یک کندل بازگشتی نزولی و نیز یک بازگشت نزولی از شکست رو به بالای یک محدوده معامله، بعد

از یک بازگشت کوچک صعودی برخاسته از یک شکست رو به پایین می‌باشد. همچنین، کندل ۸ نخستین کندل از یک بازگشت دو کندلی کوچک و یک کف بالاتر در بالای کندل ۷ است. باوجوداین، ازآنجایی‌که موارد فوق برخلاف روند هستند و تنها حداقل مومنتم در شکست‌های خط روند وجود دارد، این معاملات قوی نبوده و تنها باید برای اسکالپ به سراغ آن‌ها بروید. درصورتی‌که انجام این معاملات در جایی که باید بیشتر موقعیت‌های خود را سوییینگ کنید شما را از معامله در جهت روند غافل می‌کنند، از انجام آن‌ها چشم‌پوشی کنید.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۲-۱۷)، روز جاری با شکستی رو به پایین از کانال صعودی در ساعت پایانی روز قبل آغاز می‌شود. یک کانال صعودی همواره باید به‌عنوان یک پرچم نزولی در نظر گرفته شود. اولین کندل بدنه‌ای نزولی دارد که نشانگر قدرت فروشندگان در ابتدا است، اما کندل بعدی در تلاشی جهت ایجاد یک شکست نقض شده و یک روند از ابتدا صعودی رو به سمت بالا بازمی‌گردد. در عوض، شکست نقض شده خود نقض می‌شود و منجر به یک پولبک شکست نزولی در زیر چهارمین کندل و دوباره در زیر کف محدوده اولیه روز می‌شود. به دنبال یک اسپایک دو کندلی نزولی قدرتمند، یک کانال ممتد می‌آید.

کندل‌های ۱ و ۵ یک پرچم صعودی کف دوقلو را شکل می‌دهند و کندل ۹ قسمتی از یک سقف دوقلو یک پرچم نزولی است. کندل ۸ کف دوقلوی پرچم صعودی کوچک دیگری است. به خاطر داشته باشید، یک کف دوقلوی پرچم صعودی اغلب تنها یک کف بالاتر است که کف دوقلو بشمار می‌آید.

کندل ۴ یک سقف احتمالی از یک کانال، در یک روز اسپایک و کانال صعودی است و بازار قیمت کندل ۱، ابتدای کانال را تست می‌کند. این مجموعه یک موقعیت خرید کف دوقلوی پرچم صعودی را ایجاد می‌کند.

هردو کندل ۵ و ۱۳ موقعیت‌های کندل شکاف میانگین متحرک هستند. آن‌ها بعد از ساعت ۱۱:۳۰ صبح، زمانی که اغلب حرکت خلاف روند قدرتمندی که معامله‌گران را خارج از روند و در جهت اشتباهی به دام می‌اندازد، وجود دارند. این مجموعه‌ها معامله در جهت روند قابل‌اعتمادی که معمولاً در منتهی‌الیه جدیدی به نتیجه می‌رسد و تا انتها به طول می‌انجامد را مهیا می‌کند.

بخش سوم

روندها

روند، یکسری از تغییرات قیمت است که بیشتر یا به سمت بالا (روند صعودی یا صعودی) یا به سمت پایین (روند نزولی یا نزولی) هستند. روند هنگامی‌که در معامله کردن رخ می‌دهد دارای اهمیت بسیاری است، زیرا یک معامله‌گر معمولاً نباید دنبال خرید باشد مگر اینکه بازار حداقل در حال تشکیل یک کف بالاتر باشد و نباید به دنبال فروش باشد مگر آنکه بازار دست‌کم در حال تشکیل یک سقف پایین‌تر باشد. یک روند می‌تواند به کوتاهی یک کندل باشد (به خاطر بیاورید، یک کندل روند در تایم فریم کوچکتر از یک روند ساخته شده است) یا به‌اندازه تمام کندل‌های سال بر رو صفحه مانیتور باشد. روندها می‌توانند به‌صورت بی‌قاعده در چهار طبقه همپوشان و اغلب غیرقابل تغییر تقسیم‌بندی شوند: روند، سوییِنگ، پولبک و موج. تفاوتشان تنها در خطوط راهنماست زیرا هرکدام از سه نسخه کوچکتر نسخه متفاوتی در تایم فریم‌های متفاوتی است. برای مثال، یک پولبک روی نمودار تایم فریم ۶۰ دقیقه‌ای، ممکن است روند نزولی قدرتمندی روی نمودار یک‌دقیقه‌ای باشد. همچنین، هر طبقه شامل یک یا چند نسخه کوچکتر خواهد بود. یک روند ممکن است از ده سوییِنگ ساخته شده باشد، هرکدام شامل یک تا چهار پولبک باشد، و هر پولبک ممکن است یک تا چهار موج داشته باشد. هر سوییِنگ رو به بالا و سوییِنگ روبه پایین از هر اندازه‌ای به‌طور معمول به‌عنوان یک گام یا موج شناخته می‌شود؛ بنابراین تفاوت‌ها خیلی مهم نیستند، اما هر قسمت یک تفاوت بسیار ریزی با آن دارد.

در ساده‌ترین حالت، وقتی‌که نمودار بر روی صفحه کامپیوتر شما در یکی از دو گوشه سمت چپ شروع شده و به‌طور مورب در گوشه مخالف صفحه مانیتور بدون نوسان بزرگی در بین آن به اتمام برسد روند ظاهر می‌شود. برای مثال اگر کندل‌های سمت چپ نزدیک گوشه پایین سمت چپ مانیتور شما باشند، و کندل‌های سمت راست نزدیک گوشه بالای سمت راست مانیتور باشند و نوسانات بزرگ و صعودی بالا یا پایین در وسط مانیتور وجود نداشته باشد، آنگاه این روند یک روند صعودی است. گیرنده شخصی شما می‌تواند به شما بگوید که آیا بازار با احتمال زیاد در یک روند است یا اینکه در یک موج قوی داخل یک محدوده معامله است. اگر احساس تردید داشته باشید،

بازار احتمالاً در یک محدوده معامله قرار دارد. اگر در عوض احساس ضرورت داشته باشید و امیدوار به یک پولبک باشید، آنگاه بازار احتمالاً در یک روند قرار دارد.

روندها می‌توانند بسیار پرشیب بوده مجموعه‌ای از کندل‌های روند با بدنه‌های بزرگ، همپوشانی بسیار کم بین کندل‌های همجوار و سایه‌های بسیار کوچکی داشته باشند. این فاز اسپایک یک روند است و می‌تواند به‌اندازه یک کندل کوتاه باشد. این زمانی است که بازار در نگاه بیشتر معامله‌گران درصورتی‌که در یک روند صعودی جدید باشد خریدنی است، یا اینکه در حالت روند نزولی جدید فروختنی است. بازار سرانجام شروع به داشتن معاملات دو طرفه به شکل پولبک می‌کند و سپس روند به فاز کانال منتقل می‌شود که می‌تواند بسیار بیشتر از آنچه که بیشتر معامله‌گران انتظار آن را دارند طول بکشد. روندها می‌توانند اسپایک‌های کوچک با کانال‌های بزرگ یا کوچک، یا اسپایک‌های بزرگ با کانال‌های بزرگ یا کوچک داشته باشد. اسپایک‌ها می‌توانند بین کندل‌ها همپوشانی داشته باشند و شباهت بیشتری به یک کانال فشرده پیدا کنند و کانال‌ها می‌توانند شیب‌دار بوده همپوشانی بسیار کمی بین کندل‌های همجوار داشته باشند و شباهت بیشتری به یک اسپایک بزرگ داشته باشند. نکته کلیدی آن است که بسیاری از روندها تمایل دارند در هنگام شروع بسیار قوی بوده و زمانی که مقداری رشد کردند مومنتم خود را از دست بدهند و سرانجام بازار پولبک‌های بزرگی داشته و وارد یک محدوده معامله شود. محدوده معامله درواقع در تایم فریم بالاتر یک پولبک است. در بعضی نقاط، بازار به سمت یک اسپایک در جهت مقابل شکسته می‌شود و سپس بازار به یک روند در جهت دیگری معکوس می‌شود.

نمودار تنها یک یا دو روند را نشان می‌دهد. اگر بیش از دو روند در یک نمودار ظاهر شود، ارجح‌تر است که روندها را با استفاده از یکی از سه طبقه‌بندی[1] شده دیگر تشریح کنیم زیرا عمل دو طرفه فرصت‌های معاملاتی مختلفی را ایجاد می‌کند. سوییینگ‌ها و امواج، هر دو، روندهای کوچکتری روی نمودار هستند و حداقل دو روند روی نمودار وجود دارد. واژه سوییینگ زمانی استفاده می‌شود که دو یا چند روند کوچکتر روی نمودار باشد، حتی با اینکه سرتاسر نمودار ممکن است بدون روند باشد.

یک موج، روند کوچکتری است که قسمتی از یک روند بزرگتر باشد، موج می‌تواند یک پولبک (حرکتی برخلاف روند)، یک سوییینگ در یک روند یا در یک بازار افقی، یا یک حرکت در جهت روند باشد که بین دو پولبک در درون یک روند رخ می‌دهد.

---

[1]. سوییینگ، پولبک، موج. م

پولبک یک حرکت موقتی مخالف روند بوده و قسمتی از روند، سوییِنگ، یا موج می‌باشد. برای مثال، یک پولبک صعودی یک حرکت افقی یا نزولی در یک روند صعودی، سوییِنگ، یا موج است که به دنبال آن حداقل یک تست از سقف قبلی می‌آید.

هر کندل یا هر سری از کندل‌ها که هر مکث یا کاهش مومنتم را نشان دهند یک پولبک است، حتی اگر حرکت روبه عقب وجود نداشته باشد. از جمله یک کندل داخلی که به‌طور واضح تا زیر کف یا بالای سقف کندل قبلی کشیده نمی‌شود. وقتی پولبک یک کندل باشد، آن کندل یک کندل مکث، یا کندل عقب‌نشینی می‌باشد. این پولبک‌های یک کندلی از یک سری از سوییِنگ‌های کوچک روی تایم فریم کوچکتر نمودار ساخته شده است. بااین‌حال، ممکن است به سراغ یک نمودار یک‌دقیقه‌ای یا نمودار ۱۰۰ تیکی بروید تا آن‌ها را ببینید. این برای یک معامله‌گر اتلاف وقت است، اما برای آگاهی از واقعیت مفید است زیرا اصولی را برای در نظر گرفتن معامله فراهم می‌کند.

در درون هر روند، تعدادی روند مخالف کوچکتر وجود دارد، بعضی‌ها تنها به‌اندازه یک یا دو کندل طول می‌کشند. همه آن‌ها باید چنان در نظر گرفته شوند که احتمالاً نقض می‌شوند و بنابراین موقعیت‌هایی برای معامله در جهت روندهای بزرگتر محسوب می‌شوند. در یک روند صعودی، سوییِنگ‌ها باید در جهت صعودی روند داشته باشند، یعنی اینکه هر پولبکی باید در بالای پولبک قبلی باشد؛ و نتیجه آن سقف‌ها جدید باشد (سقف‌ها و کف‌ها یا سوییِنگ‌ها روند داشته باشند). هر حرکتی با مومنتم قوی معمولاً حداقل یک تست از انتهای آخرین پولبک دارد (تمام حرکات قدرتمند معمولاً حداقل دو موج دارند، حتی اگر دومین کوتاه شده و معکوس شود).

تمام روندها، فارغ از اینکه چقدر کوچک باشند، باید در ابتدا یک خط روند از روند قبلی یا یک خط حمایت یا یک خط مقاومت از محدوده معامله قبلی را بشکنند و سپس یک سوییِنگ دارای روند داشته باشند (برای مثال یک سری از سقف‌ها و کف‌های بالاتر در یک روند صعودی). در غیاب هرکدام از این‌ها، روندی وجود ندارد. بهترین نرخ ریسک / ریوارد زمانی اتفاق می‌افتد که شما به اولین پولبک بعد از شکست خط روند، قبل از اینکه یک روند به‌طور واضح ایجاد شود وارد شوید. همچنان که روند احتمالی روز در حال آشکار شدن است، معامله‌گران بایستی به دنبال نشانه‌های قدرت باشند، هرکدام شانس ادامه روند را افزایش می‌دهند.

چرا تشخیص موجودیت یک روند مهم است؟ به خاطر اینکه بعدازآن باید بیشتر معاملات شما در همان جهت باشد و شما باید تلاش کنید تمام ورودی‌های در جهت روند را معامله کنید و بندرت ورودی‌های برخلاف روند را معامله کنید. بسته به این‌که شما چگونه یک روند و تمایل به بازگشت را تعریف می‌کنید، در حدود ۸۰ درصد تمایلات به بازگشت یک روند نقض می‌شوند. بازارها دارای اینرسی هستند و تمایل دارند آنچه را که در حال انجام آن هستند را ادامه دهند. به

خاطر این اینرسی، از نظر ریاضیاتی بسیار منطقی است که برای گرایش به نقض بازگشت و درواقع تبدیل شدن به یک پولبک در روند صبر کنید و سپس در جهت روند وارد شوید. اتفاقاً، اینرسی بازار به این معنی هم هست که اگر بازار در یک محدوده معامله باشد، در مقابل ورود به یک روند مقاومت می‌کند و حدود ۸۰ درصد تمایلات برای شکست نقض می‌شوند.

هرچه زودتر روند را ببینید پول بیشتری به دست خواهید آورد. تمرکز بر روی موقعیت‌های برخلاف روند احتمالاً شمارا از سود بسیار بیشتری باز خواهد داشت اما ورودی‌های در جهت روند اغلب ترسناک‌ترند. ورودی‌ها در جهت روند ترسناکند به خاطر اینکه بازار همیشه به نظر می‌آید که بیش‌ازاندازه رشد کرده است و سخت است تصور فروش نزدیک کف یک روند نزولی که بیش‌ازاندازه رشد کرده یا خرید در نزدیک سقف یک روند صعودی فراتر رفته هرگز بتواند سود ده باشد. بااین‌حال، دقیقاً همان است! برای مثال، در یک روند نزولی، هیچ‌کس مطمئن نیست که آیا جهشی وجود دارد که بتوانند در قیمت بهتری بفروشند یا خیر ولی همه مطمئن هستند که بازار به‌زودی حتی پایین‌تر خواهد رفت. به همین دلیل، همه در قیمت مظنه بازار یا روی پولبک‌های بسیار کوچکی می‌فروشند و پولبک‌های بزرگتر عملی نمی‌شوند. خریداران لازم است در هر قیمتی خارج شوند و فروشندگان می‌خواهند در هر قیمتی وارد شوند، به خاطر اینکه هر دو بر این باورند که بازار رو به پایین است و نمی‌خواهند مادامی‌که صبر می‌کنند یا به امید یک جهش هستند با از دست دادن آن خطر کنند.

وقتی روندی به‌طور ویژه قوی است، معمولاً تا آخر کندل بعدی یا روزهای بعدی ادامه می‌یابد. برای مثال اگر روند امروز یک روند صعودی روز غول‌آسا باشد، مخصوصاً اگر یک بازگشت، یا شکستی وجود داشته باشد و احتمالاً شروع یک حرکت بزرگ محسوب شود، قیمت در آن روز معمولاً در نزدیکی سقف بسته می‌شود و روز بعد هم معمولاً در بالاتر از قیمت اولیه بسته می‌شود. ممکن است این برای چندین روز متوالی ادامه یابد. اولین قیمت‌ها اغلب ریزش تندی دارند که خریداران را در خارج و فروشندگان را داخل بازار به دام می‌اندازند ولی معمولاً حمایت را در میانگین متحرک ۱۵ و ۶۰ دقیقه یا در سطوح حمایت دیگر پیدا می‌کند (این مطلب در بخش حمایت‌ها و مقاومت‌ها در کتاب ۲ بحث شده است).

روند محدوده‌ای از اطمینان نسبی است که احتمال اینکه بازار قبل از اینکه به‌اندازه X تیک در خلاف جهت روند حرکت کند، به‌اندازه X تیک در جهت روند بیشتر پیش رود به‌اندازه ۵۰-۵۰ خواهد بود. روند یک سری از اسپایک‌هایی است که با محدوده‌های معامله کوچک جایگزین شده است و در طول هر فاز اسپایک کوچکی، احتمالات بیش از ۵۰-۵۰ است، ولی در هر فاز محدوده معامله، تردید افزایش می‌یابد و احتمالات دوباره اطراف ۵۰-۵۰ می‌چرخد. یکی از مشکلات معامله

کردن روند آن است که فازهای اسپایک اغلب مختصر هستند و درهمان لحظه متوجه می‌شوید که یکی از آن‌ها وجود دارند ممکن است در آنجا تیک‌ها به‌اندازه کافی نباشند که احتمال به دست آوردن سود را افزایش دهد. قبل از اینکه از آن باخبر شوید، یک محدوده معامله شکل گرفته است و احتمالات به سمت ۵۰-۵۰ برگشته است. یکی از بهترین راه‌ها برای معامله کردن یک روند آن است که زمان وقوع یک اسپایک را پیش‌بینی کرده و در زمان شروع آن وارد شوید. با این روش می‌توانید اسپایکی که ۶۰ درصد احتمال سود X تیکی قبل از زیان X تیکی را به همراه دارد را شکار کنید و اگر در این روش مهارت کسب کنید، به یک معامله‌گر موفق تبدیل خواهید شد.

معامله‌گران بزرگ از ورود به یک معامله در طول فاز اسپایک آن مردد نمی‌شوند، زیرا انتظار ادامه قابل‌توجهی دارند، حتی زمانی که بلافاصله بعد از ورودشان یک پولبک وجود داشته باشد. اگر پولبکی رخ دهد، اندازه موقعیتشان را افزایش می‌دهند. برای مثال، اگر شکست صعودی قدرتمندی به‌اندازه چندین کندل طول بکشد، موسسه‌های بیشتر و بیشتری به این اطمینان می‌رسند که بازار در حال روند صعودی بوده و با هر تیک بالاتر جدیدی خریدنی است و زمانی که مطمئن شدند که بازار بالا خواهد رفت، شروع به خرید می‌کنند. این باعث رشد سریع اسپایک می‌شود. آن‌ها روش‌های بسیاری برای ورود دارند، مانند خرید در قیمت مظنه بازار، خرید پولبک‌های یک یا دو تیکی، خرید بالای کندل قبلی در یک سفارش، یا خرید در شکست بالای سقف سوییِنگ. مهم نیست که چگونه وارد معاملات می‌شوند، زیرا تمرکز آن‌ها روی گرفتن حداقل یک موقعیت کوچک است؛ و سپس همچنان که بازار بالاتر می‌رود یا عقب‌نشینی می‌کند، به دنبال خرید بیشتر هستند. به خاطر اینکه آن‌ها با بالاتر رفتن بازار بر حجم موقعیتشان اضافه می‌کنند، آن اسپایک می‌تواند برای چندین کندل طول بکشد. یک معامله‌گر تازه‌کار رشد اسپایک را می‌بیند و متعجب می‌شود که چگونه کسی می‌تواند در بالای این‌چنین حرکت عظیمی خرید کند. چیزی که درک نمی‌کنند آن است که مؤسسات خیلی مطمئن هستند که بازار به‌زودی بالاتر خواهد رفت طوری که آن‌ها در تمام مسیر رو به بالا خرید می‌کنند، به خاطر اینکه نمی‌خواهند در انتظار تشکیل یک پولبک، حرکت را از دست بدهند. تازه‌کاران همچنین می‌ترسند که حد ضررشان باید در زیر اسپایک یا حداقل در زیر نقطه میانی آن باشد که بسیار دورتر است. مؤسسات این را می‌دانند و درواقع اندازه موقعیت خود را طوری در نظر می‌گیرند که دلارهای تحت ریسکشان مشابه سایر معاملاتشان باشد.

در هر روندی، فارغ از اینکه چقدر قوی باشد، بازار سرانجام مقدار کمی عقب‌نشینی می‌کند. برای مثال، اگر حرکت قدرتمندی، یا روندی از ابتدا صعودی وجود داشته باشد، جایی که یک اسپایک صعودی از چهار کندل روند بزرگ متوالی با سایه‌های کوچکی ساخته شده باشد و سپس کندل پنجم به زیر کف کندل قبلی سقوط کرده باشد، این یک پولبک است. اگر همه دنبال خرید

یک پولبک باشند، چرا اصلاً پولبکی رشد می‌کند؟ چون همه دنبال خرید نیستند. معامله‌گران با تجربه‌ای که از قبل خرید انجام داده بودند اکنون سودشان را می‌گیرند (آن‌ها شروع به خروج پله‌ای از خریدشان خواهند کرد) و بعضی مواقع موقعیتشان را به‌طور کامل می‌فروشند. این‌ها خریدارانی نیستند که به دنبال خرید در چند تیک پایین‌تر در اولین پولبک باشند. معامله‌گرانی که قسمتی یا کل سودشان را دریافت می‌کنند، از بازگشت یا پولبک عمیق‌تری که به آن‌ها اجازه می‌دهد دوباره در چند تیک پایین‌تر بخرند، هراس دارند. اگر آن‌ها باور داشتند که پولبک تنها برای چند تیک طول خواهد کشید و سپس روند صعودی دوباره از سر گرفته خواهد شد، هرگز خارج نمی‌شدند. همیشه سودشان را روی برخی سطوح مقاومت، مانند یک هدف اندازه‌گیری شده، یک خط روند، یک خط کانال روند، یا در کف یک محدوده معامله در بالای بازار خارج می‌کنند. بیشتر معاملات به‌وسیله کامپیوترها انجام می‌شوند، بنابراین هر چیزی مبنای ریاضیاتی دارد، یعنی اینکه اهداف گرفتن سود بر پایه قیمت‌هاست که هرکسی می‌تواند روی صفحه مانیتور خود ببیند. با تمرین، معامله‌گران می‌توانند مناطقی را مشخص کنند که ممکن است کامپیوترها سودشان را در آن مناطق بگیرند، و چون متعاقب آن انتظار پولبک دارند، می‌توانند سودشان را در همان قیمت خارج کنند.

بعضی مواقع یک اسپایک، کندل یا الگویی دارد که به فروشندگان تهاجمی، چنانچه فکر کنند که پولبک حتمی است و فضای کافی برای فروشی پرسود وجود دارد، اجازه می‌دهد که اسکالپ‌های کوچکی را بگیرند. بااین‌حال، بسیاری از معامله‌گران که تمایل به این کار دارند ضرر خواهند کرد، به خاطر اینکه بیشتر پولبک‌ها به‌اندازه‌ای که سود خوبی حاصل شود سقوط نمی‌کنند، یا معادله معامله‌گران ضعیف می‌شود (احتمال به دست آوردن سود در معامله اسکالپ آن‌ها ضرب‌در اندازه سود کوچکتر از احتمال ضرر ضربدر اندازه حد ضررشان می‌باشد). همچنین، معامله‌گرانی که می‌فروشند به سودهای کوچکشان بسیار امیدوارند، حال‌آنکه همواره خریدهای بسیار پرسودتری را که طی چند دقیقه بعد شکل می‌گیرند را از دست می‌دهند.

برخی معامله‌گران علاقه‌ای به خرید اسپایک ندارند به خاطر اینکه نمی‌خواهند زیاد ریسک کنند. آن‌ها ترجیح می‌دهند احساس کنند که در قیمت بهتری خرید می‌کنند (دریک افت قیمت). این خریداران ارزش، تنها پولبک‌ها را خواهند خرید و منتظر پولبکی خواهند ماند تا شکل گیرد. خریداران دیگری که خرید اولیه را از دست می‌دهند یا طی اسپایک به‌اندازه کافی خرید نمی‌کنند، با بیتابی منتظر اولین پولبک می‌مانند تا بخرند یا اینکه به موقعیتشان اضافه کنند. آن‌ها سفارش حد روی کف کندل قبلی پایین آن، به امید عمق کوچکی می‌گذارند، طوری که بتوانند خرید کنند. به همین دلیل اولین عقب‌نشینی تنها به‌اندازه چند تیک به زیر کف کندل قبلی نزول می‌کند. وقتی

خریداران به‌طور ویژه تهاجمی هستند، آن‌ها در بالای کف کندل قبلی می‌خرند و آن چیزی که ظاهر می‌شود کندلی است که تبدیل به یک کندل پولبک می‌شود، در عوض ممکن است به زیر کف کندل قبلی سقوط نکند.

اگر خریدارانی که خریدهای سودمندشان را نگاه می‌دارند فکر کنند که اسپایک صعودی در حال ضعیف شدن است و اینکه کندل بعدی در زیر کندل کنونی معامله خواهد شد، بعضی از آن‌ها خریدشان را یکجا در قیمت مظنه بازار خواهند فروخت. دیگران منتظر بسته شدن کندل خواهند ماند و اگر کندل یک کندل روند قدرتمند دیگری نباشد، در قیمت بسته شدن کندل خواهند فروخت، آن‌ها ممکن است خیلی زود بفروشند، ولی از اینکه قادرند در قیمت بالایی بفروشند خوشحالند. سرانجام، کندل پولبک درستی با کفی در زیر کندل قبلی خواهد بود. تا زمانی که این کندل وجود دارد، خریداران دیگر سفارشاتی را در بالای سقف آن قرار خواهند داد تا خرید کنند، به خاطر اینکه این کندل موقعیت خرید سقف ۱ در یک اسپایک صعودی قدرتمند است، بنابراین یک موقعیت خرید بسیار محتمل است. بعضی از معامله‌گران ترجیح می‌دهند که در سفارشات بالای کندل‌ها خرید کنند نه در سفارشات حد در زیر کندل‌ها، زیرا می‌خواهند زمانی که وارد می‌شوند بازار در جهت دلخواهشان حرکت کند، بنابراین بجای اینکه برخلاف جهت رودخانه شنا کنند در جهت رودخانه شنا می‌کنند. آن‌ها مایلند بعضی از سودهای بالقوه خود را در برابر احتمال بالاتری از موفقیت مبادله کنند. درصورتی‌که معادله معامله‌گران به نفع معاملاتشان باشد، هردو دیدگاه قابل‌قبول هستند. روندهای صعودی در تایم فریم‌های بالاتر نمودار تمایل دارند که در ۳۰ تا ۶۰ دقیقه پایانی روی تایم فریم ۵ دقیقه‌ای نمودار صعودی باشند. بعضی خریدها از طرف شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بعضی از طرف پوشش فروش هستند، ولی بیشترشان درواقع برنامه‌های بر پایه آماری هستند که تست‌هایی که برنامه نویسان انجام داده‌اند نشان می‌دهد که خرید تا بسته شدن کندل در یک روند صعودی، استراتژی سودمندی است. اتمام قدرتمند اغلب قیمت پایانی را به بالای قیمت اولیه روز می‌راند. نتیجه یک کندل روند صعودی در نمودار روزانه است. وقتی بازار در روندی صعودی است، در ساعات پایانی به دنبال موقعیت خرید باشید. بعلاوه، وقتی یک نمودار روزانه در روند نزولی باشد، به دنبال موقعیت فروش در ساعت پایانی باشید، ازآنجایی‌که نمودارهای ۵ دقیقه‌ای اغلب به‌سوی قیمت پایانی ریزش خواهند کرد، باعث می‌شوند که کندل در نمودار روزانه یک کندل روند نزولی باشد.

آخرین کندل‌ها در یک روند صعودی در بالای صفحه مانیتور شما و در یک روند نزولی در پایین صفحه هستند و از نظر روانشناسی فضای بیشتری برای اینکه بازار بیشتر حرکت کند وجود ندارد. نتیجه آن است که بسیاری از معامله‌گرها در بالای یک روند صعودی سیگنال خرید خوب، یا

در پایین یک روند نزولی سیگنال فروش مناسبی نخواهند گرفت و در عوض به دنبال بازگشت‌ها هستند. ولی آن فریب صفحه کامپیوتر کاری به کار بازار ندارد و اگر بتوانید فضایی را بالا و پایین نمودار اضافه کنید، ناگهان فضای زیادی برای حرکت روند فراهم می‌شود. بازار در خلاف جهت معامله‌گران امتداد می‌یابد و اگر دقیقاً در جهت روند و درجایی که آن‌ها با ضرر خارج می‌شوند وارد شوید، آن‌ها بازار را در جهت دلخواه شما حرکت خواهند داد، حتی با اینکه به نظر بیاید بازار بیش‌ازحد کشیده شده باشد.

حرکت به بالای سقف سوینگ قبلی دریک روند صعودی به نحو چشمگیری منجر به یکی از سه پیامد زیر خواهد شد: خرید بیشتر، گرفتن سود (احتمال بسیار معمول)، یا فروش. وقتی روند قوی است، خریداران بزرگ شکست رو به بالای سقف قدیمی را (آن‌ها خریدشان را «پرسینگ[1]» می‌کنند یا اضافه می‌کنند) خواهند خرید و در آنجا یک حرکت اندازه‌گیری شده رو به بالا از بعضی انواع این حرکت وجود خواهد داشت. برای مثال، اگر یک روند صعودی گوه سقف را شکل دهد، ولی پس از آن سقف گوه را رو به بالا بشکند، اگر خریداران کافی در حال پرسینگ خریدشان باشند بازار اغلب برای یک حرکت اندازه‌گیری شده معادل ارتفاع گوه بالا می‌رود. فروشندگان به‌سرعت می‌بینند که چه حرکت قدرتمندی است و فروششان را پس می‌خرند. این فروش اضطراری شکست را تقویت و در تعیین اندازه اسپایک صعودی دخالت می‌کند. فروشندگان بزرگی که در سقف گوه فروخته‌اند حال می‌بینند که فرضیه آن‌ها اشتباه بوده است. آن‌ها انتظار یک حرکت اندازه‌گیری شده صعودی را خواهند داشت و سریعاً فروش‌های متضررشان را پس خواهند خرید و تا چندین کندل بعد و شاید تا زمان تست بعضی از مناطق مقاومت مانند هدف حرکت اندازه‌گیری شده، فروش مجدد را مدنظر قرار نخواهند داد. این اغلب منجر به شکست صعودی قدرتمندی می‌شود که به‌اندازه یک یا چند کندل با امتداد در چندین کندل بعد، به طول می‌انجامد. اگر حرکت صعودی خیلی قوی باشد، فروشندگان ممکن است طی چندین کندل و احتمالاً برای باقی‌مانده روز به دنبال فروش مجدد نباشند.

هر وقت که بازار به‌اندازه‌ای به بالای شکست برود که معامله‌گری را قادر سازد که قبل از به وجود آمدن یک پولبک، حداقل یک معامله اسکالپ سودآوری انجام دهد، آنگاه آن معامله‌گر فرض می‌کند که غالباً خریدهای جدیدی در سقف انجام شده است. اگر حرکت افقی انجام گیرد، فرض می‌کند که گرفتن سود در کار بوده است و اینکه خریداران اندکی پایین‌تر دوباره به دنبال خرید

---

[1]. در یک روند صعودی خریداران بر میزان خریدشان در قالب یک اسپایک صعودی می‌افزایند به‌طوری‌که بازار سقف جدیدی را می‌شکند، چون‌که انتظار گام دیگری به سمت حرکت اندازه‌گیری شده دارند، این افزایش فشار خرید است و برعکس این موارد برای افزایش فشار فروش است.

بوده‌اند. اگر بازار به‌شدت به سمت پایین برگردد، فرض می‌کند که فروشندگان قوی در سقف جدیدی مسلط شده‌اند و بازار احتمالاً حداقل به‌اندازه دو موج و حداقل ده کندل به سمت پایین معامله خواهد شد.

در غیاب بعضی اتفاقات خبری نادر و دراماتیک معامله‌گران به‌طور ناگهانی مسیر خود را از روند صعودی به روند نزولی تغییر نمی‌دهند. این یک انتقال تدریجی است. یک معامله‌گر ابتدا خرید را کم می‌کند، سپس در بیرون می‌ایستد و آنگاه فروش را زیاد می‌کند. زمانی که معامله‌گران به تعداد کافی این انتقال را انجام دهند، بازار به سمت یک اصلاح عمیق‌تر یا یک روند نزولی بازمی‌گردد. هر شرکتی معیار خودش را از عدم تعادل دارد و در بعضی نقاط تعداد کافی از شرکت‌ها به این نتیجه می‌رسند که روند به‌اندازه کافی رشد کرده است. آن‌ها معتقد می‌شوند که چنانچه خرید در بالای سقف قبلی را متوقف کنند ریسک اندکی برای از دست دادن یک حرکت بزرگ صعودی وجود دارد و فقط در پولبک‌ها می‌خرند. اگر بازار در بالای سقف قدیم دچار تردید شود، دو سویه شده و خریداران بزرگ از سقف جدید برای گرفتن سود خود استفاده می‌کنند.

سود گرفتن یعنی اینکه معامله‌گران هنوز در خریدند و به دنبال خرید یک پولبک هستند. بیشتر سقف‌های جدید درنتیجه سود گرفتن می‌آیند. هر سقف جدید یک سقف بالقوه است، اما بیشتر تلاش‌ها برای بازگشت نقض می‌شوند و تبدیل به شروع یک پرچم صعودی می‌شوند، تا بعد از آن‌ها سقف جدیدی شکل بگیرد. اگر یک رالی که برای تست سقف حرکت می‌کند دارای چندین پولبک کوچک درون موج صعودی، کندل‌های همپوشان بسیار زیاد، چندین بدنه نزولی و سایه‌های بلندی در بالای کندل‌ها باشد و بیشتر کندل‌های روند صعودی ضعیف باشند، آنگاه بازار به‌طور فزاینده‌ای در حال تبدیل شدن به بازار دوطرفه است. خریداران در بالای کندل‌ها سودشان را می‌گیرند و تنها در کف کندل‌ها می‌خرند و فروشندگان در بالای کندل‌ها شروع به فروش می‌کنند. به همین ترتیب، همچنان که بازار به بالای روند صعودی نزدیک می‌شود خریداران سودشان را خارج می‌کنند و فروشندگان بیشتر می‌فروشند. اگر بازار به بالای سقف صعودی برود، احتمالاً سود گرفتن و فروش حتی قوی‌تر می‌شود.

بیشتر معامله‌گران علاقه ندارند که به جهت مخالف برگردند، بنابراین اگر انتظار سیگنال بازگشت را داشته باشند، ترجیح می‌دهند که از خریدشان خارج شوند و سپس منتظر آن سیگنال باشند. ضرر این خریداران روی موج صعودی پایانی در روند به ضعف حرکت صعودی به سمت سقف نهایی کمک می‌کند. اگر بعد از اینکه بازار سقف قبلی را رو به بالا شکست بازگشت نزولی قدرتمندی وجود داشته باشد، فروشندگان بزرگ کنترل بازار را حداقل برای مدتی کوتاه به دست می‌گیرند. زمانی که آن اتفاق رخ می‌دهد، در مقابل خریدارانی که امید به خرید یک پولبک کوچک

داشتند، به این باور می‌رسند که بازار بیشتر سقوط خواهد کرد؛ بنابراین آن‌ها منتظر خرید پولبک بزرگتری می‌مانند، و فقدان آن‌ها به فروشندگان اجازه می‌دهد که بازار را تا اصلاح بزرگتری به پایین هدایت کنند که به‌اندازه ۱۰ کندل یا بیشتر طول می‌کشد و اغلب دارای دو یا چند موج می‌باشد.

وضعیتی وجود دارد که شکست در یک‌روند صعودی به‌طور طبیعی با فروش‌های بی‌وقفه که معمولاً بر بازار غالب می‌شوند، مصادف می‌شود. پولبک یک روند جزئی در جهت مخالف است و معامله‌گران انتظار دارند که این روند کوچک به‌زودی به اتمام رسیده و روند بزرگتر از سر گرفته شود. وقتی پولبکی در یک روند قوی نزولی وجود داشته باشد، بازار اغلب در روند کوچک صعودی، دو موج صعودی خواهد داشت. همچنان که بازار به بالای سقف اولین موج صعودی پیش می‌رود، سقف یک سوییینگ قبلی را در یک روند صعودی جزئی، رو به بالا می‌شکند. بااین‌حال، ازآنجایی‌که بیشتر معامله‌گران حرکت صعودی را به‌عنوان پولبکی خواهند دید که خیلی زود به اتمام خواهد رسید، معامله‌گران مسلط روی شکست بجای خریداران جدید تهاجمی یا کسانی که سود خود را خارج می‌کنند، معمولاً فروشندگان تهاجمی خواهند بود، و روند صعودی کوچک بعد از شکست روبه بالای اولین یا دومین سقف سوییینگ در پولبک معمولاً به سمت روند اصلی نزولی برمی‌گردد.

موارد فوق برای کف‌های جدید در روندی نزولی صادق است. وقتی روند نزولی قوی است، فروشندگان قدرتمند با افزودن به موقعیتشان روی شکست تا یک کف جدید، فشار فروششان را زیاد می‌کنند و بازار به ریزش خود ادامه می‌دهد تا اینکه به هدف اندازه‌گیری شده‌ای برسد. همچنان که روند ضعیف می‌شود، رفتار قیمت در کف جدید کمتر واضح می‌شود که به معنی این است که فروشندگان بزرگ از کف‌های جدید بیشتر از اینکه منطقه‌ای برای افزودن به فروششان استفاده کنند به‌عنوان منطقه‌ای برای گرفتن سود در فروششان استفاده می‌کنند. زمانی که روند نزولی قدرت خود را از دست می‌دهد، درنهایت خریداران بزرگ کف جدید را به‌عنوان قیمتی عالی برای شروع خرید می‌بینند و قادر خواهند بود که یک الگوی بازگشتی و سپس رالی قابل‌توجهی را ایجاد کنند.

وقتی‌که روند به حد کمال می‌رسد، معمولاً به محدوده معامله منتقل می‌شود، ولی معمولاً به دنبال اولین محدوده‌های معامله‌ای که شکل می‌گیرند ادامه روند وجود دارد. زمانی که روند کامل می‌شود خریداران و فروشندگان بزرگ چگونه عمل می‌کنند؟ در یک روند صعودی وقتی روند دارای قدرت است، پولبک‌ها کوچک هستند زیرا خریداران قوی می‌خواهند روی پولبک بیشتر بخرند. ازآنجایی‌که آن‌ها مشکوک هستند به اینکه ممکن است تا زمانی که بازار خیلی بیشتر بالا رود پولبکی نباشد، پولبک‌های کوچک را می‌خرند، ولی خریدشان بی‌امان است. آن‌ها هر دلیلی

برای خرید را جستجو می‌کنند و باوجود انبوهی از معامله‌گران در بازار، خریدها به هر دلیل قابل تصوری وجود خواهند داشت. آن‌ها سفارشات حد خرید را در چند تیک پایین‌تر می‌گذارند و سفارشات حد خرید دیگری در چند تیک بالای کف کندل قبلی، در کف کندل قبلی و در زیر کندل قبلی می‌گذارند. سفارشات خرید در بالای سقف کندل قبلی و روی شکست هر سقف سوییِنگ قبلی می‌گذارند. همچنین روی قیمت پایانی هر کندل صعودی یا نزولی خرید می‌کنند. کندل‌های نزولی روند را به‌عنوان فرصتی گذرا برای خرید در قیمت بهتری می‌بینند و کندل صعودی روند را به‌عنوان نشانه‌ای می‌بینند که بازار در آستانه یک حرکت سریع صعودی است.

فروشندگان بزرگ باهوش هستند و می‌بینند چه اتفاقی در حال رخ دادن است. ازآنجایی‌که درست مثل خریداران بزرگ، بر این باورند که بازار قبل از خرید تمایل دارد که بالاتر برود، فروش برای آن‌ها منطقی نیست. آن‌ها فقط کنار می‌ایستند و صبر می‌کنند تا اینکه در قیمتی بالاتر بفروشند. چقدر بالاتر؟ هر موسسه‌ای معیار خودش را از عدم تعادل دارد، ولی وقتی‌که بازار به سطح قیمتی می‌رسد که شرکت‌های فروشنده به تعداد کافی باور کنند که ممکن است بالاتر نرود، شروع به فروش خواهند کرد. اگر به تعداد کافی از آن‌ها در حدود سطح قیمت یکسانی بفروشند، کندل‌های روند نزولی بیشتر و بزرگتری شکل می‌گیرند و کندل‌ها شروع به ایجاد سایه در سقفشان می‌کنند. این‌ها نشانه‌هایی از فشار فروش هستند و به تمام معامله‌گران می‌گویند که خریداران در حال ضعیف‌تر شدن و فروشندگان در حال قدرت گرفتن هستند. خریداران بزرگ سرانجام خرید را در بالای سقف سوییِنگ قبلی متوقف می‌کنند و در مقابل زمانی که بازار به بالای سقف جدیدی می‌رود شروع به خارج کردن سودشان می‌کنند. آن‌ها هنوز خریدارند ولی سخت پسند هستند و تنها در پولبک‌ها خواهند خرید. همچنان که معاملات دو طرفه افزایش می‌یابد و ریزش‌ها کندل‌های نزولی روند بیشتری دارند و ریزش طی کندل‌های بیشتری انجام می‌گیرد، خریداران بزرگ تمایل پیدا می‌کنند که تنها در کف محدوده معامله در حال گسترش خرید کنند و در سقف سودهایشان را خارج می‌کنند. در سقف جدید فروشندگان بزرگ شروع به فروش می‌کنند و اکنون مایلند به‌صورت پله‌ای در قیمت‌های بالاتر وارد شوند. درصورتی‌که فکر کنند که بازار ممکن است برگردد و سقف جدیدی را بشکند، ممکن است قسمتی از سودشان را در نزدیکی کف محدوده نوسان در حال گسترش خارج کنند، ولی همچنان به دنبال فروش در سقف‌های جدید هستند. در برخی نقاط، بازار تبدیل به یک بازار ۵۰-۵۰ می‌شود و نه خریداران نه فروشندگان کنترل بازار را در دست ندارند. سرانجام فروشندگان بر بازار مسلط می‌شوند، یک روند نزولی شروع می‌شود و فرایند مخالف آشکار می‌شود.

روندی که طی ۳۰ کندل یا بیشتر رفته باشد، اغلب یک شکست قدرتمند غیرمعمول خواهد داشت، درعین‌حال می‌تواند یک اوج خستگی محسوب شود. برای مثال، در یک روند صعودی کشیده، تمام فروشندگان و خریداران بزرگ دوست دارند که یک یا دو کندل روند صعودی را مشاهده کنند، مخصوصاً اگر به‌طور استثنایی بزرگ باشد، زیرا انتظار دارند که این موقعیت کوتاه بوده و به‌طور غیرطبیعی فرصت بزرگی باشد. زمانی که بازار به‌جایی که خریداران و فروشندگان بزرگ می‌خواهند بفروشند، مانند نزدیک به هدف حرکت اندازه‌گیری شده یا خط کانال روند، نزدیک شود، مخصوصاً اگر آن حرکت دومین یا سومین اوج خرید متوالی باشد آن‌ها کنار می‌روند. فقدان فروش توسط بزرگترین معامله‌گران منتج به کشش رو به بالای بازار می‌شود که کندل روند نسبتاً بزرگی را ایجاد می‌کند. این اسپایک صعودی تنها نشانه‌ای است که معامله‌گران بزرگ منتظر آن بوده‌اند و تا زمانی که آنجاست، بدون هیچ هشداری ظاهر می‌شوند و فروش خود را شروع می‌کنند. خریداران سودشان را از خریدهایشان خارج می‌کنند و فروشندگان فروش جدیدی را شروع می‌کنند. هردو روی قیمت بسته شدن کندل، بالای سقف آن، روی قیمت پایانی کندل بعدی (مخصوصاً اگر کندل ضعیف‌تری باشد) و روی قیمت پایانی کندل قبل آن شدیداً می‌فروشند، مخصوصاً اگر کندل شروع به ساخت بدنه‌های نزولی کند. همچنین در زیر کف کندل قبلی می‌فروشند. وقتی یک کندل روند قوی نزولی را می‌بینند، روی قیمت پایانی و زیر کف آن می‌فروشند. خریداران و فروشندگان انتظار اصلاح بزرگی را دارند و خریداران خرید مجدد را در نظر ندارند تا اینکه ۱۰ کندل، اصلاح دو موجی به وجود آید، و حتی پس از آن، تنها در صورتی می‌خرند که ریزش ضعیف به نظر آید. فروشندگان هم انتظار همان ریزش را دارند و اشتیاقی به گرفتن سود زودهنگام ندارند.

معامله‌گران ضعیف‌تر آن کندل روند نزولی بزرگ را به روش مخالفی می‌بینند. خریداران ضعیف که در کناری به امید پولبک آسانی جهت خرید ایستاده‌اند، می‌بینند که بازار از آن‌ها در حال دور شدن است و می‌خواهند مطمئن شوند که موج صعودی بعدی را می‌گیرند، مخصوصاً به این دلیل که کندل بسیار پرقدرت است و روز تقریباً تمام شده است. فروشندگان ضعیفی که زودتر فروخته بودند و شاید پله‌ای وارد شده بودند، از سرعت حرکت کندل به سمت سقفی جدید به وحشت می‌افتند. آن‌ها از ادامه خرید بی‌امان می‌ترسند، بنابراین فروش‌های خود را پس می‌خرند. این معامله‌گران خرد بر اساس احساسشان معامله می‌کنند و با کامپیوترهایی رقابت می‌کنند که احساس را به‌عنوان یکی از متغیرهای الگوریتم‌ها نمی‌شناسند. ازآنجاکه کامپیوترها بازار را کنترل می‌کنند، احساسات معامله‌گران ضعیف، آن‌ها را به باخت‌های بزرگی روی کندل‌های صعودی بزرگ روند در انتهای یک روند صعودی افراطی محکوم می‌کنند.

وقتی خریدار بزرگی شروع به معامله پولبک‌هایی می‌کند که نسبتاً بزرگ هستند، پولبک‌ها که همیشه محدوده‌های نوسان کوچکی بشمار می‌آیند بیشتر شبیه محدوده‌های معامله رفتار می‌کنند تا پرچم صعودی. جهت شکست مبهم‌تر می‌شود و معامله‌گران فکر می‌کنند که احتمال یک شکست نزولی تقریباً به‌اندازه احتمال شکست صعودی است. اکنون سقف جدید در بالای یک محدوده معامله تلاشی برای شکست محسوب می‌شود و احتمال نقض آن زیاد است. بعلاوه، وقتی‌که روند نزولی بزرگ شروع به ایجاد پولبک‌های نسبتاً بزرگی می‌کند، آن پولبک‌ها بیشتر شبیه به یک محدوده معامله رفتار می‌کنند تا یک پرچم نزولی و بنابراین یک کف جدید تلاشی برای شکست رو به پایین یک محدوده معامله به شمار می‌آید و احتمال شکست آن‌ها بالا خواهد بود.

هر محدوده معامله یا درون یک روند صعودی است یا داخل یک روند نزولی. تا زمانی که معامله دو طرفه به‌اندازه‌ای قدرت دارد که محدوده معامله‌ای را ایجاد کند، آن روند مدت زیادی در قدرت نمی‌ماند، حداقل تا زمانی که محدوده معامله مؤثر باشد. درنهایت همیشه یک شکست از محدوده وجود خواهد داشت و اگر شکست صعودی و بسیار قوی باشد، بازار در یک روند قوی صعودی است. اگر شکست نزولی و قوی باشد، بازار در یک روند قدرتمند نزولی قرار می‌گیرد.

زمانی که فروشندگان به‌اندازه‌ای قدرتمند باشند که پولبکی را به زیرخط روند صعودی و میانگین متحرک هدایت کنند، آن‌ها به‌اندازه‌ای یقین دارند که بازار احتمالاً خیلی بالاتر نخواهد رفت و در بالای سقف قدیم با اشتیاق بالایی می‌فروشند. در این نقطه، خریداران به این نتیجه خواهند رسید که تنها باید پولبکی عمیق را بخرند. اکنون در این سقف جدید طرز فکر جدیدی غالب شده است. اینجا بیش از این مناسب خرید نیست، زیرا بیش از این قدرت روند را نشان نمی‌دهد. بله در اینجا خریداران سودشان را خارج می‌کنند، ولی بسیاری از معامله‌گران بزرگ اکنون به سقف جدید به‌عنوان فرصتی عالی برای فروش نگاه می‌کنند. بازار به نقطه اوج خود رسیده است و بیشتر معامله‌گران جستجو برای خرید پولبک‌ها را متوقف کرده‌اند و بجای آن در جستجوی فروش رالی‌ها هستند. فروشندگان بر اوضاع مسلط هستند و فروش‌های پرقدرت احتمالاً منجر به یک اصلاح بزرگ یا حتی بازگشت روند خواهد شد. بعد از فشار نزولی قوی بعدی، فروشندگان به دنبال سقف پایین‌تری خواهند بود تا دوباره بفروشند یا اینکه به موقعیت فروششان اضافه کنند، و خریدارانی که آن پولبک را خریده بودند نگران خواهند شد که روند ممکن است برگردد یا حداقل پولبک خیلی بزرگتری در آنجا باشد. بجای امیدواری برای سقف صعودی جدید جهت گرفتن سود در خریدهایشان، حال در سقف پایین‌تری سودشان را خارج می‌کنند و تا بعد از یک اصلاح بزرگتر به دنبال خرید مجدد نیستند.

هنوز خریدارانی خواهند بود که خیلی پایین‌تر خریده‌اند و می‌خواهند به روند صعودی هر شانس ممکنی را بدهند تا از سر گرفته شود. معامله‌گران می‌دانند که بیشتر تلاش‌ها برای بازگشت نقض می‌شوند و بسیاری از کسانی که سوار بر روند صعودی شده‌اند از خریدشان خارج نخواهند شد تا بعد از اینکه فروشندگان توانایی هدایت شدید بازار به سمت پایین را از خود نشان دهند. بسیاری از خریداران از قرارداد اختیار[1] برای محافظت از خود در حالت بازگشت شدید استفاده می‌کنند. قراردادهای اختیار به آن‌ها اجازه می‌دهند که صبر کنند تا به روند صعودی هر شانس ممکنی را برای ازسرگیری بدهند. آن‌ها می‌دانند که این قراردادها ضررشان را محدود می‌کنند، مهم نیست که بازار چقدر افت خواهد کرد، زمانی که این فشار فروش مؤثر را می‌بینند، پس از آن به دنبال یک رالی می‌گردند تا درنهایت از خریدشان خارج شوند و به‌محض اینکه آن رالی شروع شود سودشان را از قراردادهایشان می‌گیرند. همچنین بسیاری از قراردادهایشان در چند ماه منقضی می‌شود و زمانی که منقضی شد، معامله‌گران دیگر محافظی در مقابل تنزل قیمت ندارند؛ یعنی اینکه آن‌ها نمی‌توانند موقعیت خود را نگاه دارند مگر اینکه بیشتر و بیشتر به خرید اختیار معامله ادامه دهند. اگر معتقد باشند که بازار احتمالاً بیشتر سقوط خواهد کرد و برای ماه‌های زیادی دوباره صعود نخواهد داشت، منطقی نیست که برای قراردادهای محافظ مداوم هزینه کنند. در عوض در پی فروش کامل موقعیت‌های خود هستند. عرضه آن‌ها رالی را محدود خواهد کرد و فروششان، به فروش به‌وسیله فروشندگان فعال و خروج سود توسط خریدارانی که ریزش را به‌عنوان یک فرصت خرید می‌بینند، اضافه شده و موج نزولی دیگری را ایجاد خواهد کرد.

این خریداران مُصر هرکدام یک سطح قیمتی در زیر آن خواهند داشت که اگر به آن برسد، آن‌ها را وادار خواهد کرد که روی رالی بعدی خارج شوند. همچنان که بازار به کار خود در پایین ادامه می‌دهد، خریداران بیشتر و بیشتری به این نتیجه خواهند رسید که روند صعودی به این زودی از سر گرفته نخواهد شد و اینکه روند ممکن است به‌سوی یک روند نزولی بچرخد. این خریداران جان‌سخت به‌طور بالقوه منتظر یک پولبک در سوییِنگ نزولی می‌مانند که از خریدشان خارج شوند و موقعیت آن‌ها عرضه‌ای را به نمایش می‌گذارد که بازار را بلاتکلیف می‌کند. آن‌ها در زیر سقف آخرین سوییِنگ می‌فروشند زیرا گمان نمی‌کنند که بازار بتواند به بالای سقف آخرین سوییِنگ برسد، از خروج در هر قیمتی بالاتر از آخرین کف خوشحال هستند. فروشندگان همچنین

---

[1]. قرارداد اختیار فروش یا PUT OPTION قراردادی است که به صاحب آن حق (نه التزام) فروش مقداری مشخص از دارایی را در قیمتی از پیش تعیین‌شده در چارچوب زمانی مشخصی می‌دهد. اگر در این قرارداد صاحب حق مقدار مشخصی را پرداخت کند و این حق را از آن خود نماید، این قرارداد اختیار خرید یا (CALL OPTION) است، ولی درصورتی‌که آن را بفروشد قرارداد اختیار فروش یا (PUT OPTION) است. م

در پی پولبک از هر کف جدیدی برای افزایش فروش و قرار دادن فروش‌های جدید هستند، نتیجه آن یک سلسله از سقف‌ها و کف‌های پایین‌تر است که تعریف روند نزولی است.

اگر بازار وارد یک روند نزولی شود، این فرآیند معکوس خواهد شد. وقتی روند نزولی قوی است، معامله‌گران در زیر کف قبلی می‌فروشند. زمانی که روند ضعیف می‌شود، فروشندگان سودشان را در کف‌های جدید خواهند گرفت و بازار احتمالاً وارد یک محدوده معامله خواهد شد. بعد از یک رالی قدرتمند در بالای خط روند و میانگین متحرک، فروشندگان سودشان را در کف جدیدی خواهند گرفت و خریداران بزرگ فعالانه خرید می‌کنند و تلاش می‌کنند کنترل بازار را به دست گیرند. نتیجه یک رالی نزولی بزرگتری خواهد شد یا ممکن است بازگشتی به یک روند صعودی باشد.

وضعیت مشابه زمانی رخ می‌دهد که پولبکی وجود داشته باشد که به‌اندازه‌ای بزرگ باشد که معامله‌گران را نگران بازگشت روند کند. برای مثال، اگر یک پولبک عمیق و تیزی در یک روند صعودی وجود داشته باشد، معامله‌گران شروع به بررسی حرکات زیر کف‌های آخرین سوییننگ می‌کنند، ولی این بجای اینکه قسمتی از یک روند نزولی باشد، مفهوم یک پولبک در یک روند صعودی است. همچنان که بازار به زیر کف سوییننگ قبلی سقوط می‌کند، آنچه را که اتفاق می‌افتد را زیر نظر می‌گیرند. آیا بازار به‌اندازه کافی به نفع فروشندگانی که در زیر کف آن سوییننگ در یک سفارش فروش وارد شده بودند تا سودی نصیبشان شود سقوط خواهد کرد؟ کف جدید خریداران بیشتر پیدا خواهد کرد یا فروشندگان؟ اگر سقوط کند، نشانه آن است که فروشندگان قوی هستند و اینکه پولبک احتمالاً بیشتر ادامه خواهد یافت. روند حتی ممکن است به سمت پایین معکوس شود.

یک احتمال دیگر در شکست به سمت کف جدید آن است که بازار وارد یک محدوده معامله می‌شود که شاهدی است بر اینکه فروشندگان سودشان را دریافت کرده‌اند و اینکه خرید مؤثری به‌وسیله خریداران صورت نمی‌گیرد. چاره نهایی آن است که بازار بعد از شکست به سمت کف جدید، به طرف بالا بازگردد؛ یعنی اینکه خریداران قوی در زیر کف آن سوییننگ قرار دارند که منتظرند بازار آنجا را تست کند. این نشانه‌ای از آن است که ریزش به‌احتمال‌زیاد فقط پولبک بزرگی در یک روند صعودی در حال رشداست. در شکست به کف جدید سود فروش‌های بالاتر خارج می‌شود زیرا آن‌ها اعتقاد دارند که روند هنوز صعودی است. خریداران بزرگ با اشتیاق می‌خرند زیرا معتقدند بازار بیش از این سقوط نخواهد کرد و اینکه یک رالی وجود خواهد داشت که سقف صعودی را تست کند.

هر وقت که شکست رو به پایین کف یک سوییننگ وجود داشته باشد، معامله‌گران با دقت زیاد به دنبال شاهدی بر بازگشت خریداران به بازار یا کنترل بازار به‌وسیله فروشندگان می‌گردند. باید

استنتاج کنند که در کف جدید چه چیزی بیشترین نفوذ را دارد و از رفتار بازار برای این نتیجه‌گیری استفاده می‌کنند. اگر شکست بزرگی وجود داشته باشد، آنگاه فروش جدیدی غالب است. اگر حرکت بازار با تردید همراه باشد، آنگاه گرفتن سود توسط فروشندگان و خرید ضعیف توسط خریداران در حال رخ دادن است و احتمالاً بازار وارد محدوده معامله خواهد شد. اگر بازگشت صعودی قدرتمندی وجود داشته باشد، پس خرید فعالانه از طرف خریداران مهم‌ترین عامل است.

این قسمت از کتاب الگوهای معمولی روند بسیاری را تشریح می‌کند که باید هر روز آن‌ها را دنبال کنید. بااینکه یک‌روند می‌تواند در طول روز با هر کندلی شروع شود، اکثر روزهای روند از اولین ساعت یا چند ساعت اول شروع می‌شوند. اگر یک الگوی روند را دیدید که در یک یا دو ساعت اولیه روز شکل گرفت، احتمالاً چندین معامله همسو با روند بسیار محتمل وجود خواهد داشت که می‌توانید آن‌ها را انجام دهید. باید روزانه چندین بار به نتیجه برسید که آیا آن روز شباهتی با هر نوع از روندهایی که بعداً در این بخش تشریح می‌شود دارد یا خیر، اگر شبیه است خودتان را مجبور کنید که در جهت روند معامله کنید.

بااین‌حال، اگر هیچکدام از این الگوها ظاهر نشود، آن روز، روز محدوده معامله است و باید در پی فرصت‌هایی باشید که در حدود جدید برخلاف روند معامله کنید. همچنین اگر بازار حرکتی را به مدت دو ساعت انجام دهد و آن روز به‌عنوان یک روز محدوده معامله ظاهر شود، آگاه باشید که ممکن است در طی دو ساعت بعدی منتهی‌الیه مخالف از بین برود، بنابراین خیلی طمع نکنید که در معامله معکوستان، به‌صورت سوییِنگ سود کنید. احتمال اینکه بازگشت حداقل به وسط نوسان روز برسد، بسیار بالاست.

بعد از یک کاهش اساسی در یک بازار نزولی در نمودار روزانه، مردم درباره پولی که از دست داده‌اند بسیار نگران می‌شوند و نمی‌خواهند پول بیشتری را از دست دهند. این باعث می‌شود که آن‌ها صرف‌نظر از عوامل بنیادی، دست به فروش بزنند. مشکل دیگری در بازار نزولی سال ۲۰۰۸ وجود داشت. افرادی که بعد از جنگ جهانی دوم به دنیا آمده بودند[1]، در آستانه بازنشستگی بودند و با دیدن اینکه اندوخته‌هایی که باید رفاه را برای آن‌ها به ارمغان می‌آورد، ۴۰ درصد ارزش خود را از دست می‌دادند، دچار هراس می‌شدند. خوب چه باید می‌کردند؟ آن‌ها به فروش هر صعودی ادامه می‌دادند چراکه تلاش می‌کردند هرچه باقی مانده است را حفظ کنند. همچنین، تمام آن پولی را که از بازار خارج می‌کردند، هرگز نمی‌توانست که قیمت‌ها را دوباره برگرداند. آن‌ها پولشان را از تمام نقاط «خدایا شکرت» در طول مسیر، بیرون می‌آورند. این نقاط درست در زیر سقف سوییِنگ قبلی

[1]. افرادی که در دوران ازدیاد زادوولد در آمریکا به دنیا آمده‌اند (baby boomer)، که این دوره مصادف با بعد از جنگ جهانی دوم است.

بود، جایی که خارج می‌شدند و به خدا قول می‌دادند که هرگز خرید مجدد نکنند، در عوض از او می‌خواستند تا اجازه دهد که قسمتی از ضررشان جبران کنند. این تصمیم آن‌ها یک سری از سقف‌ها و کف‌های پایین‌تر ایجاد می‌کرد تا اینکه آخرین فروشنده هم بفروشد. زمانی که این اتفاق افتاد، بازار پس از آن قادر بود که به بالای سقف‌های سوینگ قبلی صعود کند.

نتیجه اینکه مردم صرفه نظر از عوامل بنیادی می‌فروشند آن است که بازار اغلب در روزهای دارای روند نزولی غول‌آسا سقوط می‌کند، سقوط بیشتر از آن است که عوامل بنیادی آن را مجاز بشمارند و اغلب سقوط سنگین بزرگی در ۳۰ دقیقه پایانی وجود دارد چراکه صندوق‌های سرمایه‌گذاری به خاطر نقد شدن حسابشان مجبور به فروش هستند. در طول مسیر رالی‌های شدید وجود خواهد داشت به خاطر اینکه مردم متقاعد می‌شوند که قیمت‌ها به کف رسیده‌اند و در برگشتن به خرید دچار اضطراب می‌شوند. همچنین به خاطر اینکه روند آشکارا نزولی است، فروشندگان زیادی وجود خواهند داشت. آن‌ها ممکن است به هر بازگشتی هجوم بیاورند، که نتیجه آن کندل‌های صعودی روند بسیار بزرگی در نمودار روزانه است، حتی اگر بازار هنوز هم نزولی باشد. نتیجه نهایی درزمانی که روند نزولی در جریان باشد، مجموعه‌ای از نوسانات روزانه بسیار بزرگی است. نوسانات بزرگ فرصت‌های بسیار عالی معامله روزانه پرایس اکشن را پیشنهاد می‌کند ولی شاید مجبور باشید اندازه حد ضررهایتان را بالا ببرید و بنابراین مجبور خواهید بود که اندازه موقعیت خودتان را کاهش دهید. مادامی‌که عده زیادی از مردم که نمودارهای روزانه را دنبال می‌کنند در حال فروش روی کف و خرید در سقف هر تله‌ای باشند (هر فروش بزرگ رالی را پوشش می‌دهد)، معامله‌گری احساسی بیشتر از معامله‌گری عقلی است، یک معامله‌گر پرایس اکشن خوب می‌تواند تنها با جستجوی موقعیت‌های استاندارد پرایس اکشن خیلی خوب عمل کند.

این طرز تفکر منحصر به سرمایه‌گذاران بی‌تجربه نیست. در رکود ۲۰۰۸، بیشتر صندوق‌های سرمایه‌گذاری در طول سال رو به ورشکستگی بودند و همچنان که بازار به ریزش خود ادامه می‌داد، سرمایه‌گذاران ماهرشان با شتاب پولشان را بیرون می‌کشیدند صندوق‌های سرمایه‌گذاری مجبور بودند روی هر صعود کوچکی تسویه کنند تا اوراق رهنی و اوراق رهنی پیش‌بینی‌شده را پرداخت نمایند. این عمل هدایت رو به پایین بازار را مستقل از عوامل بنیادی ادامه می‌دهد و درست مانند سرمایه‌گذاران غیر ماهر، فروش آن‌ها تا زمانی ادامه خواهد داشت که همه آن موقعیت‌های باقی‌مانده، موقعیت‌هایی باشند که سرمایه‌گذاران آن‌ها را تا سطح صفر نگاه دارند.

همچنین، برای بسیاری از مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری قسمت بزرگی از درآمدشان بر پایه مشوق‌هاست. برای مثال، هر فصلی که صندوق‌ها در سقف جدیدی بسته می‌شود، ممکن است ۲۰ درصد از آن سود بالای سقف قبلی سرمایه را بردارند. اگر سرمایه در عوض در طول سال ۳۰

درصد پایین بیاید، نیاز است که حدوداً ۵۰ درصد به دست آورند تا دوباره به سطح مشوق برسند. بعلاوه بعد از چندین سال کار مجانی، ممکن است منطقی‌تر باشد که سرمایه را ببندند و با سرمایه جدیدی شروع کنند. بااین‌حال، وقتی سرمایه را می‌بندند، مجبورند تسویه کنند و ازآنجایی‌که برای آن‌ها هیچ مشوقی وجود ندارد، می‌توانند در هر قیمتی تسویه کنند، مهم نیست که چقدر پایین باشد. این به فروش افزوده می‌شود که مستقل از ارزش ذاتی سهام است. اگر ۱ میلیارد دلار سرمایه داشته باشند، سرمایه جدیدشان از صفر شروع می‌شود و چند سالی طول می‌کشد تا دارایی کافی داشته باشند و صاحب سهامی به‌اندازه آنچه که با سرمایه قدیم داشتند شوند، بنابراین خرید با سرمایه جدید بلافاصله بازار را حرکت نمی‌دهد.

زمانی که نوسانات به سطح بیش‌ازحد بالایی برسد، انتهای روند نزولی نزدیک است چراکه معامله‌گران به این اره دونفره پاسخ نداده و به این نتیجه می‌رسند که چیزی باقی نمی‌ماند که در هر قیمتی بفروشند. وقتی بیش از این فروشنده‌ای وجود نداشته باشد و بازار بر پایه عوامل بنیادی بیش‌ازحد حرکت کرده باشد، یک رالی خوبی باید بعدازآن بیاید؛ و یک سهم خوش‌نام چقدر می‌تواند در بازار نزولی ریزش کند؟ خیلی بیشتر از آنچه ممکن است فکر کنید حتی برای مرغوب‌ترین سهام‌ها. سیسکو (CSCO) بعد از ورشکستگی سال ۹۰،۲۰۰۰ درصد از ارزش خود را در ۳ سال از دست داد و اپل ۹۵ درصد ارزش خود را در طول شش سال بعد از ۱۹۹۱، جنرال موتورز ۹۰ درصد ارزش خود را طی ۷ سال از سال ۲۰۰۱ از دست دادند؛ بنابراین طمع نکنید که سهمی را فقط به خاطر اینکه سطح ۳۸، ۵۰، یا حتی ۶۲ درصد فیبو را تکمیل کرده است بخرید. منتظر یک موقعیت پرایس اکشن بمانید و آن موقعیت باید شامل شکست قبلی روند نزولی باشد.

۱۸

نمونه چگونگی معامله یک روند

وقتی بازار در روندی قرار دارد، معامله‌گران باید هر دلیلی را برای ورود جستجو کنند. تنها وجود یک روند، دلیل کافی برای ورود به دست‌کم موقعیت کوچکی در قیمت مظنه بازار را فراهم می‌کند. در اینجا برخی دیدگاه‌های منطقی وجود دارد که برای سفارشات ورود استفاده می‌شود:

- در یک روند صعودی خرید یک پولبک سقف ۲ به میانگین متحرک.
- فروش یک پولبک کف ۲ به میانگین متحرک در یک روند نزولی.
- خرید یک پرچم صعودی گوه‌ای در روندی صعودی.
- فروش یک پرچم نزولی گوه‌ای در یک روند نزولی.
- خرید یک پولبک شکست بعد از شکستی از یک پرچم صعودی در روندی صعودی.
- فروش یک پولبک شکست بعد از شکستی از یک پرچم نزولی در یک روند نزولی.
- خرید یک پولبک سقف ۱ در یک اسپایک صعودی قدرتمند در روندی صعودی، ولی نه بعد از یک اوج خرید.
- فروش یک پولبک کف ۱ در یک اسپایک نزولی قدرتمند در روندی نزولی، ولی نه بعد از یک اوج فروش.
- وقتی‌که یک روند صعودی خیلی قوی است، خرید در سفارشی در بالای سقف سوییینگ قبلی.
- وقتی‌که یک روند نزولی خیلی قوی است، فروش در سفارشی در زیر کف سوییینگ قبلی.

ورود با استفاده از سفارش حد نیاز به تجربه بالایی در خواندن نمودار دارد، زیرا معامله‌گران وارد بازاری می‌شوند که در جهت خلاف معامله در حال حرکت است. باوجوداین، معامله‌گران مجرب می‌توانند با اطمینان از سفارشات حد یا سفارشات بازار[1] با موقعیت‌های بالقوه زیر استفاده کنند:

- خرید یک اسپایک در یک شکست قدرتمند صعودی در قیمت مظنه بازار، در قیمت پایانی هر کندل روند صعودی داخل اسپایک، یا در یک سفارش حد در کف کندل قبلی یا زیر کف آن (ورود به اسپایک‌ها نیاز به حد ضرر بازتری دارند و سرعت رخداد آن‌ها بالاست، بنابراین این مجموعه برای بسیاری از معامله‌گران مسئله بغرنجی است).
- فروش یک اسپایک نزولی در یک شکست قدرتمند نزولی در قیمت مظنه بازار، در قیمت پایانی هر کندل روند نزولی داخل اسپایک، یا در یک سفارش حد در سقف یا بالای سقف کندل قبلی (ورود به اسپایک‌ها برای بسیاری از معامله‌گران سخت است).
- خرید قیمت پایانی اولین کندل نزولی در یک اسپایک صعودی.
- فروش قیمت پایانی اولین کندل صعودی در یک اسپایک نزولی.
- در یک روند صعودی، خرید روی خط روند صعودی یا کف سوییِنگ قبلی (یک کف دوقلوی بالقوه پرچم صعودی).
- در یک روند نزولی، فروش روی خط روند نزولی یا سقف سوییِنگ قبلی (یک سقف دوقلوی بالقوه پرچم نزولی).
- خرید روی یک کف ۱ یا ۲ یا زیر آن از کندل سیگنال ضعیف روی یک سفارش حد در یک روند جدید احتمالی، بعد از یک بازگشت قدرتمند رو به بالا، یا در کف یک محدوده معامله.
- فروش روی سقف ۱ و ۲ یا بالای آن از کندل سیگنال ضعیف روی یک سفارش حد در یک روند جدید نزولی احتمالی، بعد از یک بازگشت قدرتمند نزولی یا بالای یک محدوده معامله.
- خرید در کف یا زیر کف کندل قبلی در سفارش حدی در یک پرچم صعودی روی میانگین متحرک.

---

[1]. دستور سفارش بازار (market order) در نزد معامله‌گرانی که مدتی در بازار فارکس فعالیت نموده‌اند دستور بسیار ساده و ملموسی است، این دستور ساده‌ترین نوع دستور خرید یا فروش است که شامل دستور خرید یا فروش سریع می‌باشد. در پلت فرم متا تریدر این دستور با نام (instant execuation) مشخص می‌باشد. درواقع خرید با استفاده از این دستور همان خرید در قیمت مظنه بازار است. م

- فروش در سقف یا بالای سقف کندل قبلی در سفارش حدی در یک پرچم نزولی روی میانگین متحرک.
- خرید به امید یک پولبک شکست، در زیر یک کندل صعودی که یک پرچم صعودی را رو به بالا می‌شکند.
- فروش به امید یک پولبک شکست، در بالای یک کندل نزولی که کف یک پرچم نزولی را می‌شکند.
- هنگام تلاش برای انجام معامله سوییِنگ در یک روند صعودی، خرید یا افزودن به موقعیت روی تست یک شکست که این تست شکست تلاشی برای فعال نمودن حد ضرر سربه‌سر در یک معامله قبلی است.
- هنگام تلاش برای انجام معامله سوییِنگ در یک روند نزولی، فروش یا افزودن به موقعیت فروش روی یک تست شکست که این تست شکست تلاشی برای فعال نمودن حد ضرر در یک معامله قبلی است.
- خرید در تعداد رند تیک‌های نزولی از سقف، در یک روند صعودی. برای مثال خرید یک پولبک ۳،۲، یا ۴ پوینتی در یک روند صعودی در EMINI وقتی متوسط نوسانات روزانه حدوداً ۱۲ پوینت است. همچنین، اگر بزرگترین پولبک در دو ساعت اول ۱۰ تیک بود، خرید پولبک در حدود ۸ تا ۱۲ تیک.
- فروش در تعداد رند تیک‌های صعودی از کف در یک روند نزولی. برای مثال، فروش یک رالی نزولی ۵۰ سنتی در (GS) وقتی متوسط نوسانات روزانه در حدود ۲ دلار است. چنانچه بزرگترین پولبک در دو ساعت اول ۶۰ سنت باشد، فروش یک پولبک تقریباً ۵۰ تا ۷۰ سنتی.
- ورود تدریجی در جهت روند زمانی که بازار برخلاف جهت شما حرکت می‌کند. اگر پله‌ای وارد می‌شوید، از قبل برنامه‌ریزی کنید که اندازه موقعیت شما چقدر باشد تا اندازه ریسک کلی شما به همان مقداری باشد که در یک معامله معمولی ریسک می‌کنید. خیلی راحت خودتان را با یک موقعیت خیلی بزرگ و یک حد ضرر بسیار بزرگ می‌بینید، بنابراین خیلی دقت کنید.
- در یک روند صعودی که طی ۲۰ کندل یا بیشتر هیچ‌گونه عقب‌نشینی به سمت میانگین متحرک نداشته است، روی میانگین متحرک در سفارش حد بخرید و در قیمت‌های پایین‌تر پله‌ای وارد شوید. برای مثال، اگر در EMINI روند صعودی بزرگی وجود داشته باشد، طوری که بازار طی ۲۰ کندل یا بیشتر بالای میانگین متحرک باشد، با یک سفارش

حد در یک تیک بالای میانگین متحرک بخرید.۱،۲ و شاید ۳ پوینت پایین‌تر بیشتر بخرید. اگر پله‌ای وارد می‌شوید، در اولین نقطه ورود، خروج از کل موقعیت‌ها را در نظر داشته باشید، ولی اگر روند صعودی قدرتمند است، به دنبال خروج در تست یک سقف باشید.

- در یک روند نزولی که به‌اندازه ۲۰ کندل یا بیشتر به میانگین متحرک عقب‌نشینی نکرده است، در یک سفارش حد فروش روی میانگین متحرک وارد شوید و در قیمت‌های بالاتر پله‌ای وارد شوید. برای مثال، اگر روند نزولی بزرگی در EMINI وجود داشته باشد طوری که بازار به‌اندازه ۲۰ کندل یا بیشتر در زیر میانگین متحرک قرار گیرد، با یک سفارش حد فروش در یک تیک پایین‌تر از میانگین متحرک بفروشید. در ۱،۲ و شاید ۳ پوینت بالاتر بیشتر بفروشید. اگر پله‌ای وارد شدید در نظر داشته باشید که در اولین قیمت ورودی از کل موقعیت‌هایتان خارج شوید، اما اگر روند قدرت داشت، روی تست یک کف خارج شوید.
- در یک روند صعودی قوی، در قیمت پایانی اولین کندل نزولی که قیمت نهایی پایین‌تر از میانگین متحرک داشت بخرید.
- در یک روند نزولی قوی، در قیمت پایانی اولین کندل صعودی که قیمت نهایی بالاتر از میانگین متحرک داشت بفروشید.
- در یک روند قدرتمند صعودی، یک پولبک درواقع یک روند نزولی کوچک است. خریداران انتظار خواهند داشت که یک شکست رو به پایین کف سوییِنگ قبلی در این روند نزولی کوچک نقض شود و در زیر آن با یک سفارش حد، خواهند خرید.
- در یک روند نزولی قدرتمند، یک پولبک در حقیقت روند صعودی کوچکی است. فروشندگان انتظار خواهند داشت که یک شکست رو به بالای سقف سوییِنگ قبلی در این روند کوچک نقض شود و در آنجا با یک سفارش حد فروش، خواهند فروخت.
- یک معامله‌گر می‌تواند همیشه در موقعیت خرید، فروش، یا بدون هیچ موقعیتی باشد. در هر لحظه در طول روند تنها دو مورد از گزینه‌های فوق با یک معامله‌گر موفق سازگاری دارد. درصورتی‌که بازار در روند صعودی باشد، معامله‌گران موفق فقط در خریدند یا بدون موقعیت هستند. اگر روند نزولی باشد، آن‌ها یا در فروشند یا موقعیتی اتخاذ نمی‌کنند. تعداد بسیار کمی از معامله‌گران قادرند همواره با معامله برخلاف روند درآمد کسب کنند و باید فرض کنید که شما عضوی از آن گروه نیستید، متأسفانه بیشتر معامله‌گرانی که

قصد دارند که طی سال‌ها باور کند که جزء این گروه هستند، همواره پولشان را ماه‌به‌ماه از دست می‌دهند و با تعجب می‌پرسند چرا؟ شما اکنون پاسخ را می‌دانید.

هر نوع بازاری کاری انجام می‌دهد که معامله را مشکل سازد. بازار پر از افراد باهوشی است که به همان اندازه که شما تلاش می‌کنید تا از حسابشان پول به دست آورید، سخت تلاش می‌کنند تا از حساب شما پول به دست آورند، بنابراین هیچ‌چیز آسان نیست. به دست آوردن سود در یک روند قدرتمند هم جزء همین سودهاست. وقتی بازار باقدرت با کندل‌های روند بزرگ دارای روند می‌شود، ریسک آن بزرگ است به خاطر اینکه اغلب حد ضرر ورای شروع اسپایک است. همچنین، اسپایک به‌سرعت رشد می‌کند و معامله‌گران بسیاری از اندازه و سرعت رانش شوکه می‌شوند چراکه قادر نیستند که سایز موقعیت خود را کم کنند و در نتیجه حد ضررشان افزایش می‌یابد و بجای آن حرکت سریع روند را زیر نظر می‌گیرند و امید به یک پولبک دارند. زمانی که روند وارد فاز کانال خود می‌شود، همیشه شبیه آن است که در حال بازگشت است. برای مثال، در یک روند صعودی، گرایشات به بازگشت زیاد است، ولی تقریباً همه آن‌ها، به‌سرعت وارد پرچم‌ها می‌شوند. بیشتر کانال‌های صعودی کندل سیگنال خرید ضعیفی دارند و این سیگنال‌ها خریداران را مجبور می‌کنند که در بالای کانال ضعیف خرید کنند. این خریدی با احتمال موفقیت پایین است، حتی اگر بازار به بالا رفتن خود ادامه دهد. معامله‌گران سوینگی که با گرفتن موقعیت‌های خرید با احتمال پایین راحت هستند در نزدیکی سقف کانال ضعیف این نوع رفتار قیمت را دوست دارند، به خاطر اینکه چندین برابر آنچه را که ریسک می‌کنند را می‌توانند به دست آورند و این، احتمال پایین موفقیت را جبران می‌کند. بااین‌حال، برای بیشتر معامله‌گران خرید یک موقعیت با احتمال پایین در نزدیکی سقف یک کانال ضعیف صعودی دشوار است. معامله‌گرانی که فقط می‌خواهند معاملات با احتمال بالا را انجام دهند اغلب عقب می‌نشینند و حرکت پر زحمت رو به بالای روند را برای چندین کندل زیر نظر می‌گیرند. نتیجه این است که بازار را در حال بالا رفتن می‌بینند و می‌خواهند بخرند، ولی کل روند را از دست می‌دهند. آن‌ها فقط معامله با احتمال بالا، مثل یک پولبک سقف ۲ به میانگین متحرک را می‌خواهند. اگر پولبک قابل‌قبولی را شکار نکنند، بیشتر منتظر می‌مانند و این‌گونه روند را از دست می‌دهند. این قابل‌قبول است زیرا معامله‌گران باید همیشه در آرامش باشند. اگر تنها با گرفتن موقعیت‌های با احتمال بالا راحت هستند، آنگاه با صبوری کردن کار بهتر را انجام می‌دهند. کانال تا ابد امتداد نخواهد یافت و آن‌ها به‌زودی موقعیت قابل‌قبولی را پیدا خواهند کرد. معامله‌گران مجرب در اطراف و زیر کف کندل‌های قبلی با سفارش حد، خرید می‌کنند و بعضی مواقع در طول کانال صعودی معاملات اسکالپ فروش انجام می‌دهند. اگر روی سطح مقاومت یک کندل بازگشتی

نزولی قوی وجود داشته باشد و دلایلی برای اینکه فکر کنند که یک پولبک حتمی است، هردو از جمله فروش، می‌توانند معاملات با احتمال بالا باشند.

با روش‌های بسیار عالی کسب درآمد، چرا بسیاری از معامله‌گران ضرر می‌کنند؟ به خاطر اینکه راه‌های حتی بیشتری برای اشتباه کردن هم وجود دارد. یکی از رایج‌ترین راه‌ها این است که یک معامله‌گر با یک نقشه شروع می‌کند و به‌یک‌باره در معامله، آن را بر اساس نقشه دیگری مدیریت می‌کند. برای مثال، اگر معامله‌گری اخیراً روی دو معامله خرید سوییِنگ قبلی خود متضرر شود و حال سومی را خریده باشد، ممکن است از ضرر دوباره خیلی ترس داشته باشد که با سود کمی خارج می‌شود، فقط به خاطر اینکه ببیند که آن معامله وارد روند غول‌آسایی شود. معامله‌گران سوییِنگ جهت پوشش دادن به زیان‌های بزرگ به این بردهای بزرگ نیاز دارند، چراکه معامله کردن به روش سوییِنگ اغلب کمتر از ۵۰ درصد موفقیت‌آمیز است. اگر معامله‌گران برای سوییِنگ صبر نکنند، آن‌ها بردهای بزرگی که لازم دارند به دست نخواهند آورد و ضرر خواهند کرد. بعضی مواقع چیزی برخلاف این می‌تواند برای معامله‌گران اسکالپ رخ دهد. ممکن است یک معامله اسکالپ پرسودی را انجام داده باشند، ولی وقتی‌که معامله آن‌ها به سمت یک روند بزرگی تغییر جهت می‌دهد ناراحت شده و از بیرون بازار نظاره‌گر می‌شوند. وقتی موقعیت اسکالپ دیگری را می‌بینند، وارد آن می‌شوند، ولی وقتی به حد سودشان می‌رسد، به این نتیجه می‌رسند که معامله می‌تواند تبدیل به یک معامله سوییِنگ شود، درست مثل دفعه قبل و خارج نمی‌شوند. چند دقیقه بعد، بازار برمی‌گردد و به حد ضررشان اصابت می‌کند و آن‌ها ضرر می‌کنند. این به آن دلیل است که بیشتر معاملات اسکالپ، احتمال موفقیت بالایی دارند و وقتی‌که امتیاز معامله‌ای بزرگ و بدیهی باشد، حرکت معمولاً کوچک و مختصر است و شروع سوییِنگ بزرگی نیست. بهترین راه برای کسب درآمد، داشتن یک استراتژی بی‌عیب و نقص و سپس چسبیدن به آن برنامه است. برای بیشتر معامله‌گران تازه‌کار، برنامه باید نوعی معامله سوییِنگ باشد، به خاطر اینکه درصد برد موردنیاز برای تبدیل‌شدن به یک معامله‌گر اسکالپ خوب بسیار بالاتر از بیشتر معامله‌گرانی است که می‌توانند به مدت زیادی در موقعیت باقی بمانند.

زمانی که معامله‌گران وارد موقعیتی می‌شوند، آنگاه باید تصمیم بگیرند که چگونه آن را مدیریت کنند. مهم‌ترین تصمیمی که باید بگیرند آن است که آیا دنبال یک معامله اسکالپ هستند یا دنبال یک سوییِنگ، هردو مورد با جزئیات در کتاب ۲ بحث شده است، همچنان که مدیریت معامله تشریح شده است. تنها باتجربه‌ترین معامله‌گران باید معامله‌گری اسکالپ را در نظر داشته باشند، زیرا ریسک بعضی مواقع بیشتر از پتانسیل سود است؛ یعنی اینکه باید در حدود ۷۰ درصد تعداد معاملات را برنده باشند که برای هرکسی غیر از یک معامله‌گر فوق‌العاده ماهر ممکن نیست. باید

فرض کنید که هرگز به این خوبی نخواهید شد، زیرا این یک واقعیت است. بااین‌حال، باز هم می‌توانید یک معامله‌گر بسیار سودآور باشید. اگر معامله‌گران زمانی که متوسط نوسانات روزانه در حدود ۱۰ تا ۱۵ پوینت است در حال تبادل EMINI باشند، عموماً باید ریسکی معادل ۲ پوینت داشته باشند. برای مثال چنانچه در یک روند صعودی دست به خرید می‌زنند، حد ضرر آن‌ها باید حدوداً ۲ پوینت پایین‌تر از نقطه ورودشان باشد. از طرفی دیگر، حد ضرر می‌تواند یک تیک پایین‌تر از کف کندل سیگنال باشد که معمولاً باز هم در حدود ۲ پوینت است. برخی معامله‌گران درصورتی‌که اطمینان داشته باشند که روند درنهایت ازسر گرفته خواهد شد، روی یک معامله سوییینگ به‌اندازه ۵ پوینت یا بیشتر ریسک می‌کنند. این می‌تواند برای معامله‌گرانی که معادله معامله‌گران را درک کرده‌اند طرز فکر سودآوری باشد: **تنها زمانی معامله کنید که شانس موفقیت ضرب‌در پتانسیل سود به‌مراتب بزرگتر از شانس واماندگی ضرب‌در ریسک باشد.**

اگر معامله‌گری در حال معامله اسکالپ است، پس او تلاش می‌کند که بین ۱ تا ۳ پوینت در آن معامله به دست آورد. بااین‌حال، بعضی از معامله‌گران اسکالپ فکر می‌کنند که معاملات دو پوینتی و سه پوینتی درواقع معاملات کوچک سوییینگ هستند و یک معامله یک پوینتی را یک اسکالپ در نظر می‌گیرند. اگرچه معاملات زیادی در طول روز پیدا می‌شوند که معامله‌گر می‌تواند در مقابل ریسک دو پوینتی، یک پوینت سود به دست آورد و ۸۰ درصد شانس موفقیت داشته باشد، موقعیت‌های زیاد دیگری هستند که به نظر ساده‌تر می‌آیند ولی تنها ۵۰ درصد شانس موفقیت دارند. مشکلی که بیشتر معامله‌گران دارند تشخیص تفاوت بین دو مورد فوق است و حتی دو مورد تشخیص اشتباه در یک روز می‌تواند به معنی تفاوت بین به دست آوردن و از دست دادن سود باشد. بیشتر معامله‌گران نمی‌توانند تفاوت بین این دو را فوراً استنباط کنند و در صورت انجام معامله اسکالپ، به ضرر کردنشان پایان دهند. معامله‌گری که در طول روز دو یا سه موقعیت عالی را با حجم کافی اسکالپ می‌کند، ممکن است به‌عنوان یک معامله‌گر اسکالپ قادر به کسب درآمد بالایی باشد، ولی زمانی که یکی از این موقعیت‌های نادر و مختصر آشکار شود، ممکن است او زیر نظر گرفتن بازار برای ساعت‌ها و آمادگی برای گرفتن سریع موقعیت را دشوار ببیند.

بهترین روشی که معامله‌گران تازه‌کار می‌توانند از طریق آن سود کسب کنند، سوییینگ کردن معاملاتشان است. آن‌ها می‌توانند به‌یک‌باره وارد شوند، یا در زمان حرکت بازار در مسیر دلخواهشان با ورود پله‌ای بر فشار موقعیتشان اضافه کنند. این یعنی اینکه هم‌زمان با افزایش سودهای قبلی، آن‌ها در حال افزودن به موقعیت هستند. زمانی که معامله در مسیر دلخواهشان حرکت می‌کند، می‌توانند یا به‌یک‌باره از آن خارج شوند یا خروج تدریجی داشته باشند. برای مثال، اگر در یک روند صعودی زود خریده باشند، حد ضرر اولیه آن‌ها دو پوینت است و مطمئن هستند که معامله مؤثر

واقع خواهد شد، باید فرض کنند که احتمال موفقیت حداقل ۶۰ درصد است. به همین دلیل، نباید هیچ سودی را خارج کنند تا اینکه معامله حداقل به‌اندازه دو پوینت حرکت کند. ریاضیات معامله در کتاب دوم بحث شده است. یک معامله‌گر تنها زمانی باید از معامله خارج شود که شانس موفقیت (در اینجا ۶۰ درصد یا بیشتر) ضرب‌در پتانسیل سود به‌طور قابل‌توجهی بزرگتر از شانس واماندگی (در اینجا ۴۰ درصد یا کمتر) ضرب‌در مقدار ریسک باشد. ازآنجایی‌که حد ضرر دو پوینت پایین‌تر از قیمت ورودی است، ریسک دو پوینت می‌باشد؛ یعنی اینکه زمانی معادله معامله‌گران مطلوب می‌شود که مقدار سود دو پوینت یا بیشتر باشد؛ بنابراین اگر معامله‌گران سود کمتری را بگیرند، به‌مرور زمان ضرر خواهند کرد، مگر اینکه معتقد باشند که احتمال موفقیتشان ۸۰ درصد است که بندرت این اتفاق می‌افتد. وقتی این اتفاق رخ دهد، یک معامله‌گر مجرب می‌تواند در سود یک پوینتی قسمتی از سود را خارج کرده و زمانی که از حد ضرر دو پوینتی استفاده می‌کند، هنوز در حال سود کردن باشد. بیشتر معامله‌گران نباید بیش از مقدار سودشان ریسک کنند.

خوب، معامله‌گران در آن روند صعودی چگونه باید معاملاتشان را سوییِنگ کنند؟ در این مورد در کتاب دوم بیشتر گفته شده است. معامله بروش سوییِنگ بسیار سخت‌تر از آن چیزی است که به نظر یک معامله‌گر در هنگام نگاه کردن به یک نمودار در پایان روز می‌رسد. موقعیت‌های سوییِنگ تمایل دارند یا غیرواضح باشند یا واضح ولی ترسناک باشند. بعد از اینکه یک معامله‌گر موقعیت معقولی را می‌بیند، باید آن را معامله کند. این موقعیت‌ها تقریباً همیشه از موقعیت‌های اسکالپ نامطمئن‌تر ظاهر می‌شوند و احتمال پایین‌تر آن‌ها، تمایل دارد معامله‌گران را منتظر نگاه دارد. یک روند یا از محدوده معامله یا بعد از بازگشت از روند جاری با یک شکست شروع می‌شود. وقتی بازگشت بالقوه‌ای وجود دارد و آن بازگشت دارای کندل سیگنال قدرتمندی است، این بازگشت معمولاً زمانی می‌آید که روند قدیمی دریک اسپایک قوی، نهایی و اوجی، با سرعت زیادی حرکت کند. معامله‌گران تازه‌کار همواره بر این باورند که روند قدیمی هنوز تأثیر خود را دارد و احتمالاً در چندین معامله قبلی برخلاف روند در روز جاری ضرر کرده‌اند و نمی‌خواهند بیش از این ضرر کنند. انکارشان (در بی‌اثر بودن روند قبلی و شروع بازگشت) موجب می‌شود ورود به‌موقع در بازگشت روند را از دست بدهند. ورود در هنگام تشکیل کندل شکست، یا بعد از بسته شدن آن، دشوار است زیرا اسپایک شکست اغلب بزرگ است و معامله‌گران مجبورند به‌سرعت تصمیم بگیرند که بسیار بیشتر از آنچه که معمولاً ریسک می‌کنند، خطر کنند. نتیجه این است که آن‌ها اغلب از انتخابشان صرفه نظر می‌کنند تا منتظر پولبک بمانند. حتی اگر اندازه موقعیت خود را کاهش دهند چنانکه ریسک پولیشان به‌اندازه هر معامله دیگری شود، فکر ریسک دو یا سه برابری آن‌ها را می‌ترساند. ورود به یک پولبک دشوار است زیرا هر پولبک با بازگشت کوچکی شروع می‌شود و آن‌ها

نگران می‌شوند که شاید پولبک آغاز یک اصلاح عمیق باشد، (در این صورت) حد ضررشان فعال خواهد شد و ضرر خواهند کرد. آن‌ها به انتظارشان برای پولبک پایان می‌دهند تا اینکه روز تقریباً به پایان برسد. وقتی‌که درنهایت به این نتیجه می‌رسند که روند آشکار شده است، زمان زیادی برای قرار دادن موقعیت برایشان نمانده است. روندها هر کاری را می‌کنند تا بتوانند معامله‌گران را بیرون نگاه دارند که تنها راهی است که می‌توانند باعث شوند معامله‌گران در طول روز بازار را دنبال کنند. وقتی موقعیتی راحت و بدیهی به نظر می‌آید، یعنی احتمال بالایی برای موفقیت دارد، این حرکت معمولاً یک اسکالپ سریع و کوچک است. اگر حرکت بخواهد مسیر طولانی را طی کند، باید غیر بدیهی و معامله کردن آن سخت باشد تا معامله‌گران را در بیرون نگاه داشته و مجبورشان کند که روند را دنبال کنند.

ازآنجایی‌که روند صعودی دارای سقف‌ها و کف‌های روند داری است، سپس بازار هرزمانی به سقف جدیدی می‌رسد، معامله‌گران باید حد ضرر خود را تا یک تیک زیر آخرین کف بالا بیاورند. به این عمل تریلینگ کردن[1] حد ضرر گفته می‌شود. همچنین اگر سودشان به‌اندازه کافی بزرگ باشد، زمانی که بازار به بالای آخرین سقف می‌رود باید دریافت قسمتی از سود را در نظر داشته باشند. معامله‌گران بسیاری این کار را انجام می‌دهند و به همین دلیل است که بازار بعد از رسیدن به یک سقف جدید پولبک می‌زند. پولبک اکثر مواقع به زیر قیمت ورودی می‌رود و معامله‌گران سوییننگ بی‌تجربه حد ضررشان را نزدیک به قیمت سربه‌سر قرار می‌دهند و از یک معامله روند عالی خارج می‌شوند. زمانی که بازار قیمت ورودی اصلی را تست می‌کند و سپس به سقف جدیدی می‌رود، بیشتر معامله‌گران حد ضررشان را دست‌کم تا قیمت ورودی‌شان بالا می‌آورند زیرا نمی‌خواهند بازار بعد از رسیدن به سقف جدیدی پس از اولین تست، برای دومین بار جهت تست آن برگردد. دیگر معامله‌گران حد ضرر خود را در زیر کف پولبکی می‌گذارند که اخیراً ورودی اصلی آن‌ها را تست کرده است.

بعضی معامله‌گران تا زمانی پولبک‌ها را در زیر کندل سیگنال خواهند پذیرفت که معتقد باشند فرض قبلی‌شان از یک روند صعودی هنوز معتبر است. برای مثال، فرض کنید متوسط نوسان در EMINI به‌تازگی در حدود ۱۰ تا ۱۵ پوینت بوده است و آن‌ها یک پولبک سقف ۲ را در یک روند صعودی روی نمودار ۵ دقیقه‌ای خریده باشند. اگر ارتفاع کندل سیگنال به‌اندازه دو پوینت باشد،

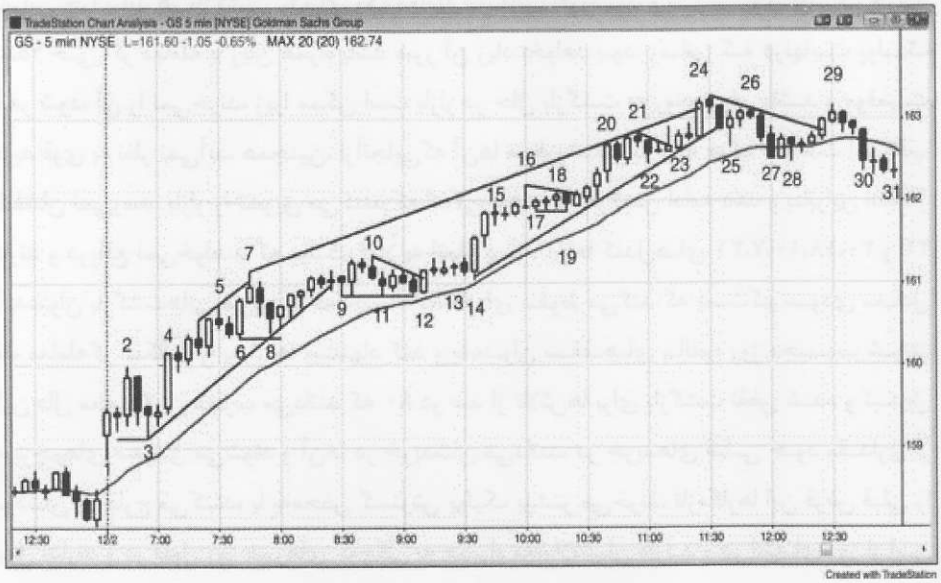
---

[1]. (TRAILING) به معنی به دنبال کشیدن است، با استفاده از این دستور پس از اینکه موقعیت اندکی بیشتر از مقدار مشخص شده جهت تریلینگ، وارد سود می‌شود، با هر تیک حرکت بازار در جهت معامله، حد ضرر هم به همان مقدار و در همان جهت جابجا می‌شود و هنگام حرکت معکوس بازار، حد ضرر معکوس نمی‌شود و در آخرین موقعیت خود باقی می‌ماند و این باعث می‌شود که معامله پس از ورود به سود با مقداری مشخص همواره در سود باقی بماند و با ضرر بسته نشود. م

ممکن است تمایل داشته باشند که در موقعیتشان بمانند. حتی اگر بازار به زیر کف کندل سیگنال سقوط کند، فکر می‌کنند که پولبک ممکن است به سمت سقف ۳ رشد کند که یک موقعیت خرید پرچم صعودی گوه‌ای است. بعضی ممکن است حتی موقعیتی را بخرند که دو برابر بزرگتر از موقعیت اولشان باشد، زیرا آن‌ها سیگنال قوی دومی را قابل‌اعتمادتر می‌بینند. بسیاری از این معامله‌گران چنانچه فکر کنند که سیگنال به نظر کاملاً درست نمی‌آید، در سیگنال خرید سقف ۲ فقط نصف اندازه موقعیت را می‌خرند. آن‌ها امکان شکست سقف ۲ و سپس منجر شدن به یک پرچم صعودی گوه‌ای را در نظر می‌گیرند که ممکن است حتی قوی‌تر به نظر بیاید. اگر به نتیجه مطلوبی برسد، آنگاه با معامله معمول با اندازه کامل خود احساس راحتی خواهند کرد.

دیگر معامله‌گران وقتی‌که سیگنال‌های نامطمئن را می‌بینند با نصف سایز معامله می‌کنند، اگر حد ضررشان فعال شود خارج می‌شوند و سپس اگر سیگنال دوم قوی باشد با سایز کامل معامله می‌کنند. معامله‌گرانی که پله‌ای وارد می‌شوند به‌محض اینکه به‌طور واضح معامله‌ای برخلافشان حرکت کند از انتهای کندل سیگنال برای حد ضرر اولیه خود استفاده نمی‌کنند و بسیاری به دنبال ورود پله‌ای دقیقاً درجایی هستند که معامله‌گران دیگر در حال ضرر روی حد ضررهایشان هستند. برخی از حد ضرر بزرگی استفاده می‌کنند. برای مثال، وقتی‌که متوسط نوسان روزانه در EMINI کمتر از حدوداً ۱۵ پوینت است، یک پولبک در یک روند بندرت بیش از ۷ پوینت می‌باشد. بعضی معامله‌گران تصور می‌کنند که روند هنوز به قوت خود باقی است مگر اینکه بازار بیش از ۵۰ تا ۷۵ درصد متوسط نوسان روزانه سقوط کند. تا زمانی که پولبک داخل حدود تحملشان باشد، موقعیت خود را نگاه می‌دارند و تصور می‌کنند که فرض قبلی‌شان درست است. اگر پولبکی را در روند صعودی بخرند و ورودی‌شان ۳ پوینت پایین‌تر از سقف روز باشد، آنگاه ممکن است ۵ پوینت ریسک کنند. ازآنجایی‌که معتقدند که روند به قوت خود باقی است، این اعتقاد را دارند که شانس ۶۰ درصدی یا بیشتر از یک حرکت هم فاصله دارند؛ یعنی اینکه آن‌ها دست‌کم ۶۰ درصد اطمینان دارند که بازار قبل از اینکه ۵ پوینت به سمت حد ضررشان حرکت کند، ۵ پوینت در جهت دلخواهشان حرکت خواهد کرد که معادله معامله‌گران مناسبی را ایجاد می‌کند. اگر سیگنال خرید اولیه آن‌ها در پولبک صعودی تا ۵ پوینت زیر سقف بیاید، آنگاه ممکن است فقط ۳ پوینت ریسک کنند و روی یک تست سقف از خریدشان خارج خواهند شد. ازآنجایی‌که این پولبک نسبتاً بزرگ است، روند ممکن است مقداری ضعیف شود و این ممکن است باعث شود آن‌ها در زیر سقف روند سودشان را بگیرند. آن‌ها تلاش می‌کنند حداقل به‌اندازه ریسکی که کرده‌اند سودشان را بگیرند، ولی ممکن است درصورتی‌که نگران ورود بازار به محدوده معامله باشند، تمایل داشته باشند که درست در زیر سقف قبلی خارج شوند یا حتی ممکن است به سمت روند نزولی بچرخند.

در بعضی نقاط، فشار فروش به‌اندازه‌ای قوی خواهد شد که روند را بـه محـدوده معاملـه تبـدیل کند که به معنی این است که پولبک ممکن است به زیـر آخـرین کـف سـقوط کنـد. معاملـه‌گـران مجرب زمان انتقال بازار از یک روند به یک محدوده معامله را به‌خوبی احساس می‌کننـد و بسـیاری از آن‌ها وقتی‌که باور می‌کنند که این اتفاق در حال رخ دادن است، از موقعیت‌هـای باقیمانـده خـود خارج می‌شوند. آنگاه ممکن است محدوده معاملـه را بـا اسـتفاده از روش مخصـوص بـه آن معاملـه کنند، یعنی به دنبال سودهای کوچکتری باشند. این بحث در کتاب دوم مطرح شده است. از طـرف دیگر ممکن است قسمتی از موقعیت خریدشان را حفظ کنند تا اینکه یا بازار بسته شود یا بـازار بـه سمت روند نزولی غالب بچرخد. درصورتی‌که این اتفاق رخ دهد آن‌ها یـا از خریـدهای خـود خـارج می‌شوند یا به سمت فروش تغییر جهت می‌دهند. معامله‌گران بسیار کمی می‌تواننـد همـواره تغییـر مسیر دهند و بیشترشان ترجیح می‌دهند از خریدشان خارج شوند و بازار را مجدداً بررسـی کننـد و شاید قبل از تصمیم گرفتن برای فروش کمی استراحت کنند.



شکل (۱-۱۸) روند روزانه قوی در GS

هر روز روش‌های انبوهی برای معامله کردن وجود دارد، ولی وقتی روندی ماننـد رونـد صـعودی در (GS) نشان داده شده در شکل (۱-۱۸) وجود دارد، معامله‌گـران بایـد تـلاش کننـد تـا حـداقل قسمتی از معاملاتشان را سوییـنگ کنند. من سال‌ها قبل با یکـی از معاملـه‌گرانـی کـه در روزهـایی مانند این‌ها دارای استعداد بسیار شگرفی بود، بحـث‌هـای گسـترده‌ای را انجـام داده‌ام.او زود خریـد می‌کرد و حد ضرر اولیه خود را مشخص می‌نمـود (حـد ضـرر او چقـدر از قیمـت ورودی او فاصـله

داشته باشد). او نصف موقعیت خود را زمانی که بازار به دو برابر ریسک اولیه‌اش می‌رسید، می‌بست و نصف دیگر آن را تا زمانی که بازگشت واضحی به وجود می‌آمد نگاه می‌داشت. اگر هیچ‌گاه بازگشت قدرتمندی به وجود نمی‌آمد، در دقایقی قبل از بسته شدن خارج می‌شد. بعد از هر سقف جدید، او حد ضررش را به زیر بالاترین کف انتقال می‌داد تا زمانی که روند به ساختن سقف‌ها و کف‌های بالاتر ادامه می‌داد، آن روند هنوز قدرتمند شمرده می‌شد. توقف ساخت کف‌های بالاتر، آغاز ضعف محسوب می‌شد.

یک راه مطمئن برای از دست دادن یکنواخت پول در روزی مانند این وجود دارد و همه معامله‌گران آن را می‌دانند. معامله‌گران موفق از آن اجتناب می‌کنند، ولی تازه‌کاران سخت به سمت آن کشیده می‌شوند. آن‌ها بازار را همواره بیش‌ازحد رشد کرده می‌بینند. آخرین کندل همیشه در بالای صفحه مانیتور است و مطمئناً فضای کافی برای بالاتر رفتن آن نمی‌تواند وجود داشته باشد و بدیهی است که فضای زیادی در زیر آن وجود دارد. همچنین، می‌دانند روندها پولبک‌هایی دارند، بنابراین چرا نباید هر بازگشتی را برای یک معامله اسکالپ بفروشند و سپس روی پولبک خرید کنند؟ حتی اگر معامله با زیان همراه باشد ضرر آن زیاد نخواهد بود. زمانی که درنهایت پولبک ظاهر شود، آن را نمی‌خرند، زیرا ممکن است بازار در حال بازگشت به روند نزولی باشد و موقعیت خرید قوی به نظر نمی‌آید. همچنین، ازآنجایی‌که آن‌ها می‌فروشند و بازار به هدف معاملات اسکالپ کاملشان نمی‌رسد، بازار را تشویق می‌کنند که اندکی بیشتر به حرکتش ادامه دهد و بنابراین انتظار ندارند و درواقع نمی‌خواهند که پولبک فعلاً به اتمام برسد. آن‌ها کندل‌های ۲۱،۷،۱۰،۱۸،۲۰ و ۲۴ را به‌عنوان بازگشت‌هایی می‌بینند که احتمالاً به‌اندازه‌ای سقوط می‌کند که دست‌کم سودی معادل یک معامله‌گر اسکالپ را به آن‌ها پیشنهاد کند و به‌عنوان سقف‌های بالقوه روز محسوب شوند. بااین‌حال معامله‌گران مجرب می‌دانند که ۸۰ در صد از تلاش‌ها برای بازگشت نقض شده و تبدیل به پرچم‌های صعودی می‌شوند و آن‌ها در خریدشان می‌مانند، در خریدهای قبلی خود مقداری از سودشان را خارج می‌کنند، یا به‌محض گسترش پولبک بیشتر می‌خرند. تازه‌کارها این فرض قبلی را قبول ندارند و در طول روز ضررهای کوچکی به همراه معاملاتشان دارند و در انتهای روز از این ضررهای فروان شگفت‌زده می‌شوند. آن‌ها در دیگر مشاغل زندگی خود بسیار موفق بوده‌اند و بسیار باهوش هستند. آن‌ها معلمان معامله‌گری را در تلویزیون می‌بینند که بیشتر شبیه دلقک‌ها و دلالان اتومبیل بکار گرفته شده هستند تا رقبای نیرومند، بنابراین یقین دارند که می‌توانند به‌خوبی آن به‌اصطلاح کارشناسان معامله کنند. آن‌ها در تشخیص خود از توانایی آن کارشناسان تلویزیون درست می‌گویند، ولی در پندار خود از اینکه آن‌ها معامله‌گران خوبی هستند اشتباه می‌کنند. آن‌ها مجریانی برای سرگرم کردن مردم هستند و تلویزیون آن‌ها را اجیر کرده تا دنبال کنندگانی را

فراهم کنند که باعث به دست آوردن پول تبلیغات شوند. شبکه‌های تلویزیون شرکت‌هایی هستند که مانند تمام شرکت‌ها، هدفشان کسب درآمد است، نه کمک به تماشاگران به هر روشی. تازه‌کاران تا زمانی که قادر به خودداری از فروش در روندهای صعودی (کف‌ها در روندهای نزولی) نباشند، به ضرر کردن پایان نمی‌دهند. آن‌ها تنها زمانی می‌توانند سود کردن را شروع کنند که قبول کنند که هر سقفی شروع یک پرچم صعودی است.

بعضی از مطالبی که در ادامه بحث می‌شوند، در کتاب‌های دوم و سوم پوشش داده خواهد شد و در اینجا هم گنجانده می‌شوند زیرا در معامله روند دارای اهمیت هستند.

سوینگ‌های عالی معمولاً با موقعیت‌های ضعیف شروع می‌شوند، مانند برگشت‌های دوکندلی که در کندل ۳ شروع شده است. هر دو کندل، دوجی‌های کوچکی هستند و قبل از آن‌ها بازگشت دو کندلی بسیار بزرگی در سقف وجود دارد. موقعیتی که منجر به شکست می‌شود معمولاً به‌اندازه ضعیف است که معامله‌گران را در خارج به دام بیندازد. معامله‌گران بعد از رخ دادن شکست، منتظر موقعیت محتمل‌تری می‌مانند و شکست اولیه را از دست می‌دهند. ورود به موقعیت‌های کم احتمال یا محتمل‌تر بعد از شکست، ازنظر ریاضیاتی دو روش بی‌عیب و درستی هستند.

بیشتر معامله‌گران به این نتیجه می‌رسند که مسیر غالب به‌واسطه کندل‌های ۲ یا ۴ صعودی است؛ یعنی اینکه آن‌ها معتقدند که بازار در یک روند صعودی است و بنابراین به دنبال دلایل منطقی برای خرید خواهند بود و دلایل منطقی بسیاری وجود دارد. می‌توانند زمانی که کندل ۴ بالای کندل ۲ قرار می‌گیرد، روی قیمت پایانی کندل ۴، یا در یک تیک بالای سقف آن خرید کنند. می‌توانند سفارش حد خریدی را در کف یا زیر کف کندل بعدی یا چندین کندل بعدی قرار دهند. سفارش آن‌ها در زیر کندل ۵ انجام خواهد شد. بعضی از آن‌ها سفارشات خود را جهت خرید پولبک کوچکی به میانه کندل قبلی، یا شاید ۲۰ سنت پایین‌تر قرار می‌دهند. آن‌ها همچنین به دنبال آن هستند که قیمت پایانی یک روند نزولی را بخرند زیرا معتقدند که تلاش‌ها برای بازگشت باید نقض شوند. حرکت از کندل ۴ تا کندل ۵ یک کانال فشرده است، بنابراین تمایل برای شکست به سمت پایین احتمالاً نقض می‌شود. آن‌ها می‌توانند در پایین کندل ۵، در قیمت پایانی کندل روند نزولی کوچکی که به دنبال آن می‌آید، یا در بالای آن به‌عنوان یک شکست نقض شده رو به پایین یک میکرو کانال صعودی بخرند. کندل ۷ یک پولبک شکست نزولی محسوب می‌شود ولی معامله‌گران انتظار آن را دارند که تنها منتهی به یک پولبک شود. بازار در حرکت نزولی کندل ۵، میکرو کانال صعودی را رو به پایین می‌شکند و رالی صعودی به سمت کندل ۷ یک پولبک شکست سقف بالاتر است. معامله‌گران از بازگشت انتظار نقض شدن دارند؛ و بعضی‌ها سفارشات حد خود را احتمالاً ۵۰ سنت پایین‌تر از آن قرار می‌دهند و در محدوده کف کندل ۶، انتظار یک کف دوقلوی

پرچم صعودی را دارند. بعضی معامله‌گران حد ضررشان را در زیر کف کندل ۶ قرار می‌دهند چراکه کندل ۶ یک کندل روند صعودی قوی است و معمولاً یک روند قدرتمند صعودی به زیر چنین کندلی سقوط نمی‌کند؛ بنابراین، خرید در درست بالای کف آن معامله‌ای کم ریسک، پربازده و با حداقل ۵۰ درصد شانس موفقیت است. همچنین می‌توانند در بالای کندل صعودی برگشتی بخرند که بعد از کندل ۸ آمده است چراکه یک موقعیت کف دوقلوی پرچم صعودی و یک سقف ۲ خریداست (کندل ۶ سقف ۱ است).

کندل ۹ شکست رو به پایین میکرو کانال صعودی دیگری است و معامله‌گران از آن انتظار نقض شدن دارند. بعضی از معامله‌گران زمانی که میکرو کانال در حال رشد است، سفارشات حد خرید خود را در کف کندل قبلی قرار می‌دهند و سفارشات آن‌ها روی کندل ۹ انجام می‌شود. دیگر معامله‌گران در بالای سقف کندل ۹ به‌عنوان یک شکست رو به پایین نقض شده میکرو کانال صعودی می‌خرند.

کندل ۱۱ موقعیت خرید سقف ۲ دیگری است، ولی بازار طی ۱۰ کندل حرکت غالباً افقی دارد و کندل‌ها در حال کوچک شدن هستند. با اینکه این یک سیگنال خرید کف دوقلو هم شمرده می‌شود، محدوده معامله فشرده می‌تواند ادامه پیدا کند، بنابراین بسیاری از معامله‌گران منتظر می‌مانند تا ببینند آیا یک رانش نزولی سومی وجود دارد یا خیر و آنگاه به دنبال خرید در بالای پرچم صعودی گوه‌ای هستند که برخی معامله‌گران آن را به‌عنوان یک مثلث می‌بینند، به خاطر اینکه بجای سقوط به‌صورت افقی حرکت می‌کند. این معامله‌گران روی کندل ۱۲ و بالای کندل ۱۲ می‌خرند. بعد از شکست این پرچم صعودی، بازار برای چندین کندل افقی حرکت می‌کند و یک ورودی خرید پولبک شکست در بالای کندل ۱۳ و دوباره کندل روند صعودی خارجی ۱۴ ایجاد می‌کند. این یک کندل ورودی سقف ۲ است چراکه کندل ۱۳ یک کندل ورودی سقف ۱ بوده و پولبک رو به پایین کندل بعدی موج نزولی دیگری در این محدوده معامله فشرده ۴ کندلی است.

بعضی معامله‌گران به‌محض اینکه بازار سقف کندل ۱۰ را رو به بالا می‌شکند خرید می‌کنند و این را به‌عنوان شکست یک محدوده معامله در یک روند صعودی می‌بینند. همچنین قیمت پایانی کندل ۱۴ و بالای سقف آن را می‌خرند. کندل بعدی به‌خوبی تا آخر ادامه می‌یابد که نشانه‌ای از قدرت است و بنابراین معامله‌گران قیمت پایانی و بالای سقف آن را می‌خرند. یک مکث دو کندلی آنجا وجود دارد که پولبک شکست پرچم صعودی کوچکی را ایجاد می‌کند و معامله‌گران شکست در بالای کندل بعد از کندل ۱۵ می‌خرند.

کندل ۱۶ یک دوجی سقف است ولی از قبل، قدرت روند نزولی مشاهده نمی‌شود و فشار فروش قابل‌توجهی وجود ندارد و کندل در مقایسه با کندل اسپایک صعودی ۱۴ کوچک و ضعیف است.

معامله‌گران انتظار دارند که تلاش برای بازگشت نقض شود و بنابراین سفارشات حد خرید خود را در کف و زیر کف آن قرار می‌دهند. کندل ۱۷ سیگنال خرید سقف نقض شده‌ای است و کندل ۱۹ دومین رانش نزولی کوچک و بنابراین یک موقعیت خرید سقف ۲ محسوب می‌شود. معامله‌گران درست زمانی که قیمت به بالای سقف آن و بالای سقف کندل صعودی بعدازآن می‌رود می‌خرند که یک موقعیت بازگشت دو کندلی شمرده می‌شود.

حرکت به‌سوی کندل ۲۰، اسپایک قدرتمند دیگری است. معامله‌گران در کف و زیر کف کندل قبلی، در قیمت پایانی کندل‌های روند صعودی و در قیمت پایانی اولین کندل نزولی روند، مانند کندل بعد از کندل ۲۰ می‌خرند. ازآنجایی‌که کندل ۲۰ در یک روند جاافتاده صعودی، کندل روند صعودی به‌طور ویژه بزرگی است، این کندل برای یک اوج خرید کافی است تا اصلاح بزرگتری را تضمین کند، اصلاحی که ممکن است حرکت افقی انجام دهد یا به‌سوی میانگین متحرک سقوط کند. در اینجا برای خریدارانی که انتظار سقف ۲ یا یک مثلث را دارند، ضرورت ورود کمتراست.

کندل ۲۱ پرچم نهایی بازگشت تک کندلی بوده ولی مومنتم رو به بالا قدرتمند است. معامله‌گران انتظار پرچم صعودی دیگری را دارند نه یک بازگشت. زمانی که دیگران منتظرند که ببینند که آیا آن، سقف ۲ است، یا یک پرچم صعودی گوه‌ای، یا یک مثلث است، بعضی‌ها در زیر کف آن می‌خرند. کندل ۲۲ کف دوقلوی دیگر و بنابراین یک موقعیت خرید سقف ۲ است. معامله‌گران سفارش‌های خود را برای خرید در بالای سقف آن و در بالای سقف کندل داخلی بعدازآن قرار می‌دهند. برخی کندل ۲۳، با کندل بعد از کندل ۲۰ به‌عنوان سیگنالی برای سقف ۱ را به‌عنوان سقف ۲ موقعیت خرید می‌بینند. دیگران آن را همانند کندل نزولی بعد از کندل ۲۰ به‌عنوان یک پرچم صعودی گوه‌ای با اولین رانش نزولی می‌بینند. همچنین آن یک موقعیت خرید پولبک شکست برای شکست رو به بالای پرچم صعودی می‌باشد که روی کندل قبلی رخ می‌دهد.

کندل ۲۴ کندل بسیار مهمی است. این کندل سومین رانش صعودی و سومین اوج خرید متوالی بعد از اسپایک صعودی از کندل ۱۴ می‌باشد (سقف اسپایک اولین رانش صعودی است). کانال در یک الگوی اسپایک و کانال صعودی اغلب در سومین رانش صعودی پایان می‌یابد و سپس به دنبال آن یک اصلاح می‌آید. همچنین کندل ۲۴ در یک روند صعودی ممتد، دارای قدرت ویژه‌ای است؛ و این درست همان کندلی است که خریداران و فروشندگان منتظر آن بودند. هر دو گروه این کندل را به‌عنوان پایان موقت احتمالی روند می‌بینند و انتظار دارند که قبل از توسعه یک پولبک بزرگتر، فرصتی کوتاهی برای فروش در اختیارشان قرار دهد. هر دو گروه انتظار اصلاحی دارند که حداقل دو موج و ۱۰ کندل داشته باشد و به میانگین متحرک نفوذ کند. خریداران جهت گرفتن سودشان در حال فروش هستند و فروشندگان جهت آغاز یک معامله فروش می‌فروشند.

هردو گروه در قیمت پایانی کندل ۲۴، در بالای سقف آن، در قیمت پایانی کندل بعدی و در زیر کف آن می‌فروشند.

خریداران فکر می‌کنند بازار ممکن است در حال انتقال به یک محدوده معامله باشد و اینکه شانس معقولی برای اینکه بتوانند در قیمت‌های پایین‌تر بخرند، وجود دارد. کندل ۲۸ یک اصلاح دو موجی به میانگین متحرک و بنابراین یک موقعیت خرید سقف ۲ است. همچنین اولین لمس میانگین متحرک در طول روز و بنابراین یک موقعیت خرید شکاف ۲۰ کندلی بوده و احتمالاً به دنبال آن یک تست سقف صعودی می‌آید. فروشندگان در اینجا سودشان را از فروش‌هایشان می‌گیرند و خریداران به‌قصد موج صعودی دیگری می‌خرند.

بزرگترین پولبک روز از زمانی که رالی صعودی در کندل ۳ شروع می‌شود ۷۵ سنت روی پولبک به کندل ۸ است. بعضی از معامله‌گران انتظار دارند که بزرگترین پولبک روز، بعد از ساعت ۱۱:۰۰ صبح یا بعدازآن ظاهر شود بنابراین سفارشات حد خرید خود را در ۷۵ سنت پایین‌تر از سقف آخرین سوییِنگ می‌گذارند. آن‌ها ممکن است در ۷۵ سنت پایین‌تر از آن به‌صورت پله‌ای وارد شوند و شاید اندکی بیش از دو برابر اندازه آن پولبک یا در حدود ۱,۶ دلار ریسک کنند. در تمام طول روز، معامله‌گران انتظار پولبک‌هایی خواهند داشت که کمتر از اولین پولبک باقی بماند و سفارشات حد خرید برای هر پولبکی که نصف اندازه آن، یا شاید ۴۰ تا ۵۰ سنت باشد، خواهند داشت. پولبک به کندل ۱۱ به‌اندازه ۴۰ سنت است، یعنی اینکه معامله‌گران تلاش می‌کنند پولبک ۵۰ سنتی را بخرند و زمانی که در دومین تلاش روی کندل قبل از کندل ۱۲ سفارش آن‌ها انجام نشود، تصمیم می‌گیرند که بازار را به سمت بالا دنبال کنند و در بالای سقف کندل ۱۲ بخرند. بعضی از معامله‌گران کف دوقلوی کندل‌های ۹ و ۱۱ را می‌بینند و سفارش حد خریدشان را درست در بالای کف آن‌ها، شاید ۳۰ سنت پایین‌تر از سقف قرار می‌دهند. معامله‌گران پس از آن باید مشخص کنند که بدترین حالت حد ضرر کجا خواهد بود. آن‌ها باید سطحی را مشخص کنند که بیش از این نمی‌خواهند در آنجا خرید کنند. یک موقعیت بدیهی در زیر کف کندل ۸ می‌باشد، ازآنجایی‌که یک روند صعودی دارای یک رشته از سقف‌ها و کف‌های بالاتر است و بعد از هر سقف جدید، خریداران انتظار دارند که پولبک بعدی در بالای آخرین کف بالاتر قرار گیرد. ازآنجایی‌که آن‌ها قصد دارند که در قیمت ۱۶۱,۳۵ دلار، ۳۰ سنت پایین‌تر از سقف بخرند و باید حد ضررشان را در حدود قیمتی ۱۶۰,۳۵ یا ۷۰ سنت پایین‌تر قرار دهند، باید اندازه موقعیت را مشخص کنند. اگر به‌طور معمول ۵۰۰ دلار یا کمتر در یک معامله ریسک می‌کنند، می‌توانند ۶۰۰ سهم (GS) را بخرند. ازآنجایی‌که تنها ۷۰ سنت ریسک می‌کنند همیشه باید سودی داشته باشند که حداقل به‌اندازه ریسکشان باشد، حد سودشان باید حداقل به‌اندازه ۷۰ سنت بالای ورودی آن‌ها باشد. روز

جاری به‌طور آشکارا دارای یک روند قدرتمند در این ناحیه است و بنابراین احتمال موفقیت آن دست‌کم ۶۰ در صد یا بیشتر است.

در روز دارای روندی مانند این روز، بسیار بهتر است که از حد سود بزرگتری استفاده شود. معامله‌گران نباید تلاش کنند که سودی را بگیرند تا اینکه بازار به‌اندازه ۲ برابر ریسک آن‌ها یا ۱,۴۰ دلار بالاتر از قیمت ورودی آن‌ها حرکت کند. آن‌ها سفارش حد را جهت فروش نصف موقعیتشان در قیمت ۱۶۲,۴۵ قرار می‌دهند. بعدازاینکه کندل روند قدرتمند صعودی ۱۲ مثلث را رو به بالا می‌شکند (عده‌ای فکر می‌کنند که این یک پرچم صعودی گوه‌ای است)، می‌توانند آن‌ها حد ضرر خود را تا درست زیر کف آن در قیمت ۱۶۱,۰۵ بالا بکشند که ریسک خود را به کمتر از ۲۰ سنت کاهش دهند. بعد از رانش کندل روند صعودی قدرتمند ۱۴، آن‌ها می‌توانند حد ضرر خود را تا درست زیر کف آن بالا بیاورند و ریسک خود را تا ۱ سنت کاهش دهند. سفارش حد آن‌ها برای گرفتن سود روی ۳۰۰ سهم روی کندل ۲۰ انجام می‌شود و ۴۲۰ دلار به آن‌ها سود می‌دهد. در آن ناحیه آن‌ها می‌توانند حد ضرر خود را به زیر کندل ۱۹، شروع آخرین اسکالپ بالا بیاورند. چنانچه حد ضرر آن‌ها فعال شود، از ۳۰۰ سهم باقی‌مانده در حدود ۸۰ سنت سود نصیب آن‌ها می‌شود. در این ناحیه، آن‌ها موقعیت خود را تا زمانی که یک بازگشت واضح نزولی ظاهر شود یا کندل بسته شود نگاه می‌دارند. وقتی سود بزرگی داشته باشید، معمولاً عاقلانه است که در ساعات پایانی یا بعدازآن روی هر موقعیتی که بتواند منجر به پولبک بزرگ‌تری شود خارج شوید و سپس شاید زمانی که یک پولبک دو موجی کامل می‌شود، دوباره به دنبال خرید باشید. کندل بازگشتی نزولی در کندل ۲۴ سومین رانش صعودی بوده و به دنبال آن کندل اوج خرید می‌آید، بنابراین بازار می‌تواند درنهایت آماده شود تا به سمت میانگین متحرک عقب‌نشینی کند. اگر معامله‌گران در زیر کف آن خارج شوند، ۲ دلار از هر سهم یا ۶۰۰ دلار از ۳۰۰ سهم باقی‌مانده‌شان سود به دست خواهند آورد. اگر تا بسته شدن کندل صبر کنند، ۷۵ دلار از آن سهم‌ها به دست خواهند آورد. بازار هرگز به‌طور واضح روند نزولی غالب را به خود نخواهد گرفت.

بسیاری از معامله‌گران در سفارش حد خریدی در یک تیک بالاتر از میانگین متحرک، زمانی که کندل ۲۷ آن را تست می‌کند، می‌خرند، چون یک موقعیت شکاف ۲۰ کندلی است و موقعیت خود را جهت تست سقف نگاه می‌دارند. عده‌ای از معامله‌گران روی قیمت بسته شدن کندل ۲۷ می‌خرند زیرا کندل ۲۷ اولین کندل روند نزولی است که در پایین میانگین متحرک بسته می‌شود. اگرچه این دومین کندل از اسپایک نزولی دو کندلی است و یک شکست رو به پایین کف کندل ۲۵ محسوب می‌شود، فروشندگان قبل از اینکه باور کنند بازار به سمت روند نزولی غالب چرخیده است، به ادامه روند جدید نیاز دارند و در مقابل برای کندل بعدی یک کندل داخلی صعودی ظاهر

می‌شود. این کندل کف یک محدوده معامله در حال گسترش است و تست شروع کانال صعودی از پولبک کندل ۲۲ از اسپایک صعودی چهار کندلی به کندل ۲۰ است. کندل صعودی که بعد از کندل ۲۷ آمده است هم در بالای میانگین متحرک بسته می‌شود. بعضی از خریداران در قیمت بسته شدن آن کندل صعودی می‌خرند، درحالی‌که دیگران در ۱ تیک بالای سقف آن می‌خرند. ورودی آن‌ها در سه کندل بعد خواهد بود. معامله‌گران همچنین می‌خواهند در بالای سقف آن کندل داخلی که بعد از کندل ۲۸ آمده است خرید کنند، زیرا آن کندل یک سیگنال خرید سقف ۲ است که به دو موج نزولی از سقف روز پایان می‌دهد. همچنین آن را می‌توان یک پرچم صعودی گوه‌ای در نظر گرفت که کندل ۲۵ اولین رانش نزولی آن و کندل ۲۷ دومین رانش می‌باشد.

پولبک روندی کوچکی در جهت مخالف روند است و معامله‌گران از آن انتظار دارند که به‌زودی پایان یابد و روند اصلی از سر گرفته شود. وقتی (GS) دومین موج نزولی خود را از سقف ۲۴ شروع می‌کند، سقف پایین‌تری را در کندل ۲۶ تشکیل می‌دهد و باید یک رشته از سقف‌ها و کف‌های پایین‌تر ایجاد شوند تا فروشندگان را متقاعد کنند که روند به سمت پایین برگشته است. بنابراین بعضی‌ها هنگامی‌که قیمت کف کندل سوینگ ۲۵ را به‌طرف پایین می‌شکند به امید یک سری از کندل‌های روند نزولی بزرگ می‌فروشند. در عوض، کندل ۲۵ کندل روند نزولی کوچکی است و ادامه‌ای در کار نیست. درواقع، رالی صعودی نشان می‌دهد که بیشتر معامله‌گران در مقابل شکست رو به پایین کف کندل ۲۵ را می‌خرند زیرا باور دارند که ریزش تنها یک پولبک است و تلاش آن برای بازگرداندن روند اصلی به یک روند نزولی محکوم‌به شکست است. ازآنجایی‌که بیشتر تلاش‌ها برای بازگشت نقض می‌شوند، اولین پولبکی که در یک روند صعودی پرقدرت دومین موج نزولی را دارد معمولاً موقعی که زیر کف سوینگ قبلی را می‌شکند، با طمع بالا خریده می‌شود و بسیاری از خریداران این یکی را می‌خرند، حتی با اینکه چندین کندل قبل از آن است که خریداران بتوانند بازار را مجدداً به سمت بالا معکوس کنند. این نشانه آن است که آن‌ها به‌اندازه‌ای که می‌توانستند خرید زیاد نکرده‌اند. این به معامله‌گران می‌گوید که ممکن است آن پولبک منتهی به یک محدوده معامله شود که درنهایت این اتفاق رخ می‌دهد.

بسیاری از معامله‌گران خطوط روند را برای ورود و خروج استفاده می‌کنند. بعضی‌ها در نزدیکی سقف کندل ۷ هنگامی‌که به بالای خط کانال روند حرکت می‌کند، قسمتی از سودش را خارج می‌کنند. آن‌ها همچنین زمانی که کندل ۹ به زیر خط روند صعودی افت می‌کند و در بالای سقف کندل ۹ خرید می‌کنند، زیرا کندل ۹ را به‌عنوان یک نقض شکست کانال می‌بینند. کندل ۱۲ خط روند نزولی کوچکی را رو به بالا می‌شکند و موقعی که کندل به بالای خط می‌رود، خرید انجام می‌دهند چراکه آن را به‌عنوان انتهای پولبک و ازسرگیری روند صعودی می‌بینند. کندل ۲۴ سومین

رانش صعودی در آن کانال است که به دنبال آن اسپایک صعودی دو کندلی که از کندل ۱۴ شروع می‌شود آمده است و بعضی معامله‌گران در بالای آن خط، حتی روی قیمت پایانی قدرتمند کندل صعودی ۲۴ سود خریدشان را می‌گیرند. آن کندل، یک کندل روند صعودی فوق‌العاده بزرگ و سومین اوج خرید متوالی از کندل ۱۴ است و بازار احتمالاً یک اصلاح پیچیده‌تری خواهد داشت. برای گرفتن سود از معامله خرید چه جایی بهتر از کشش تست خط کانال روند روی سومین اوج خرید متوالی وجود دارد؟ حرکت نزولی به سمت کندل ۲۸ خط روند صعودی را به سمت پایین می‌شکند و برای چندین کندل در پایین آن می‌ماند، بنابراین معامله‌گران نگران می‌شوند که آیا ممکن است اصلاح بزرگتری شروع شود یا خیر. این باعث می‌شود معامله‌گرانی که سریع‌تر هستند، سودشان را خارج کنند. وقتی‌که حرکت رو به بالا از کندل ۲۸ نتواند هیچ کندل روند صعودی قدرتمندی را ایجاد کند، معامله‌گران فکر می‌کنند که بازار ممکن است وارد یک محدوده معامله شده باشد بنابراین روی کندل ۲۹ که سقف پایین‌تر کندل ۲۶ را تست می‌کند سودشان را می‌گیرند. این یک پرچم سقف دوقلوی بالقوه و یک سقف پایین‌تر بازگشت روند است. کندل بعدی یک کندل روند نزولی است که نشان می‌دهد که خریداران طمع خود را کمتر کرده و فروشندگان در حال قوی‌تر شدن هستند.

وقتی یک روند صعودی دارای قدرت بالایی باشد، چنانچه معامله‌گران از حد ضرر به‌اندازه کافی گسترده‌ای استفاده کنند، به هر دلیلی می‌توانند خرید کنند و بسیاری از معامله‌گران دوست دارند روی شکست‌های روبه بالای سقف‌های سوییینگ قبلی بخرند. بااین‌وجود، خرید پولبک‌ها قبل از شکست به‌طور کل سود بیشتر، ریسک کمتر و احتمال بالاتری برای موفقیت به همراه دارد. معامله‌گران شکست سفارش خریدشان را در یک تیک بالای سقف قدیمی قرار می‌دهند و به‌محض اینکه بازار سقف قدیمی را رو به بالا می‌شکند، وارد خریدهایشان می‌شوند. رایج‌ترین دلیل برای معامله‌گرانی که خرید یک پولبک را از دست می‌دهند آن است که آن‌ها به امید یک پولبک بزرگتر یا بهتر می‌مانند. بسیاری از پولبک‌ها کندل سیگنال فروش دارند یا به دنبال دو یا سه کندل اسپایک‌های نزولی می‌آیند و باعث می‌شوند معامله‌گران باور کنند که روند صعودی پیش از ازسرگیری، باید بیشتر اصلاح شود. بااین‌حال ورود به خرید هنگامی‌که روند قدرتمند است، از اهمیت بالایی برخوردار است و زمانی که روند خیلی قوی است، یک معامله‌گر باید سفارش خریدی را در بالای سقف سوییینگ قبلی بگذارد، در این حالت پولبک مختصر است و روند به‌سرعت از سر گرفته می‌شود. ورودی‌های مناسب شامل شکست رو به بالای سقف کندل ۲ به‌وسیله کندل ۴ و رانش به سمت بالای کندل ۱۰ زمانی که به بالای کندل ۷ می‌رود، کندل اسپایک ۱۴ موقعی که به بالای کندل ۱۰ می‌رود و کندل اسپایک ۲۰ زمانی که به بالای کندل ۱۶ می‌رود. این سقف‌های

قدیمی اغلب سقف‌های کندل‌ها در تایم فریم‌های بالاتر، مانند نمودارهای ۱۵ یا ۶۰ دقیقه‌ای هستند، بنابراین ورودی معمولاً شکست رو به بالای سقف کندل روند صعودی قبلی، روی این نمودارها با تایم فریم‌های بالاتر است. ازآنجاکه نمودارهای تایم فریم بالاتر کندل‌های بزرگتری دارند و حد ضرر محافظ در ابتدا در زیر کندل سیگنال است، ریسک آن‌ها بالاتر است و معامله‌گران باید با سایز کوچکتری معامله کنند، مگر اینکه آن‌ها تنها در پی اسکالپ کوچک و سریع باشند. بعد از اینکه روند برای مدتی حرکت کرد، پولبک عمیق‌تر شده و طی کندل‌های بیشتری به طول می‌انجامد. زمانی که معامله‌گری دو طرفه ظاهر می‌شود، خریداران بزرگ در بالای سقف‌های سوییِنگ بجای خرید موقعیت‌های جدید، شروع به گرفتن سودشان می‌کنند و زمانی که قیمت به بالای سقف قدیمی می‌رود، فروشندگان بزرگ شروع به ورود پله‌ای به فروش می‌کنند. برای مثال، کندل نزولی بعد از کندل ۲۰ و کندل نزولی ۲۲ نشانه‌هایی از فشار فروش هستند، بنابراین بیشتر معامله‌گران از حرکت رو به بالای سقف کندل ۲۱ بجای اینکه بیشتر بخرند برای گرفت سودهایشان استفاده می‌کنند. در بعضی نقاط، بیشتر معامله‌گران سقف‌های جدید را به‌عنوان فرصت فروش می‌بینند و نه محدوده‌ای برای گرفتن سودشان. با اینکه بسیاری از معامله‌گران در زیر کندل نزولی بعد از کندل ۲۴ می‌فروشند، بیشتر معامله‌گران هنوز بر این عقیده هستند که روند صعودی بوده و اینکه تستی از سقف صعودی بعد از یک پولبک وجود دارد. تا موقع به وجود آمدن حرکت نزولی قدرتمندی که خط روند صعودی را رو به پایین می‌شکند، فروشندگان بزرگ معمولاً بر بازار مسلط نمی‌شوند.

ازآنجایی‌که روز جاری دارای روند است، یک معامله‌گر به‌طور ایده ال قسمتی از معاملات را سوییِنگ می‌کند، در طول مسیر سودش را می‌گیرد و سپس روی هر پولبکی با سایز کامل موقعیت وارد می‌شود. بااین‌حال، بیشتر معامله‌گران نمی‌توانند قسمتی از موقعیت خود را برای یک معامله سوییِنگ نگاه دارند و همچنین قسمت‌های دیگر را مرتباً اسکالپ می‌کنند. در عوض معامله‌گران باید تلاش کنند زودتر موقعیت با سایز کامل را بگیرند و سیگنال‌های اضافه نگیرند و در عوض زمانی که قیمت بالاتر می‌رود، به‌صورت پله‌ای و تدریجی سودشان را خارج کنند. روش‌های زیادی برای انجام آن وجود دارد. برای مثال، اگر زود می‌خرند و مجبورند در حدود ۱ دلار (شاید کمتر) ریسک کنند، ممکن است یک‌چهارم آن را بعد از ۱ دلار سود خارج کنند و یک‌چهارم بعدی را در ۲ دلار سود خارج کنند و شاید یک‌چهارم سومی را در ۳ دلار سود خارج کنند و یک‌چهارم نهایی را نگاه دارند تا اینکه یا یک سیگنال قوی فروش شکل بگیرد یا تا آخر روز در آن موقعیت بمانند. بهتر می‌شد اگر بجای آن، قبل از اینکه سود اولیه خود را بگیرند، منتظر بمانند تا قیمت به‌اندازه ۲ دلار یا دو برابر میزان ریسکشان صعود کند، زیرا باید مطمئن باشند که به‌اندازه کافی پاداش بابت

آن یک دلار ریسک دریافت می‌کنند. مهم نیست که چگونه آن کار را انجام می‌دهند، ولی درصورتی‌که قیمت در حال بازگشت باشد، این مهم است که قسمتی از سودشان را در طول مسیر بگیرند. بااین‌وجود، ازآنجایی‌که معامله‌گران خودشان را در معرض ریسک قرار می‌دهند، باید در مقابل وسوسه خروج با سود ناچیز مقاومت کنند. تا زمانی که روند خوب است، همیشه بهترین راه تلاش برای مقاومت در برابر گرفتن سود است تا اینکه قیمت حداقل به‌اندازه دو برابر اندازه ریسک اولیه شما بالا برود. درصورتی‌که معامله‌گران از نیمی از موقعیتشان خارج شده ولی پس از آن سیگنال خرید دیگری را ببینند، ممکن است قسمتی یا تمام نصف دیگر موقعیت خود را دست‌کم به‌قصد یک معامله اسکالپ نگاه دارند، اما بیشتر معامله‌گران باید به برنامه اصلی خود بچسبند و از رشد سودشان لذت ببرند.

با تمام این سیگنال‌های خرید، درصورتی‌که معامله‌گران به خریدهای جدید خود ادامه دهند، ممکن است موقعیت خرید نامساعد بزرگی را انباشته سازند که نباید این کار انجام گیرد. بجای آن، درواقع باید موقعیت خود را تا زمان پایان احتمالی روند، مانند کندل ۲۴ حفظ کنند، یا می‌توانند بعد از هر سقف جدید، هنگام شکل‌گیری قیمت پایانی ضعیفی روی یک کندل قیمت مانند کندل‌های ۱۶، ۲۱، یا ۲۴، قسمتی از موقعیت خود را با سود کمی خارج سازند. آنگاه وقتی‌که سیگنال خرید دیگری را مشاهده می‌کنند می‌توانند قسمت معامله اسکالپ خود را حفظ کنند. آن‌ها به نگهداری از قسمت سوییننگ‌شان تا انتهای روند ادامه خواهند داد.

معامله‌گران چه زمانی این روز را به‌عنوان یک روز روند می‌بینند؟ خریداران پر طمع فکر می‌کنند که شکاف رو به بالا و کندل روند قدرتمند، شانس خوبی برای منتهی شدن به یک روند از ابتدا صعودی روز را دارد و ممکن است روی قیمت پایانی کندل ۱ یا یک تیک بالای آن بخرند. حد ضررهای اولیه آن‌ها یک تیک زیر کف کندل ۱ است و تصمیم می‌گیرند قسمتی یا تمام موقعیتشان را تا قیمت پایانی یا تا شکل‌گیری آشکار یک سیگنال فروش حفظ کنند.

دیگر معامله‌گران همواره در روزهایی که با شکاف صعودی همراه است به دنبال کف‌های دوقلو می‌گردند و در بالای آن بازگشت دوکندلی که از کندل ۳ شروع می‌شود می‌خرند که با کندل ۱ یا با کف کندل دوجی بعدازآن یک کف دوقلوی تقریبی را شکل می‌دهند.

کندل ۴ یک کندل روند قدرتمند صعودی است که محدوده اولیه را رو به بالا می‌شکند و در بالای سقف کندل ۲ پایان می‌یابد. برخی معامله‌گران در یک تیک بالای سقف کندل ۲ می‌خرند و دیگر معامله‌گران در قیمت پایانی کندل ۴ یا یک تیک بالای سقف آن می‌خرند. این کندل شکست وضعیتی است که توسط خریدارانی که بر بازار مسلط هستند ایجاد می‌شود و بیشتر معامله‌گران در این ناحیه معتقدند که بازار در روند غالب صعودی قرار دارد. در ضمن، بهترین مکان برای قرار دادن

یک حد ضرر یک تیک زیر کف آن است، ولی ازآنجایی‌که آن تقریباً یک دلار پایین‌تر است، سایز موقعیت معامله‌گران باید آن‌قدر کوچک انتخاب شود که معامله آن‌ها در ناحیه تسکین[1] شان قرار گرفته باشد.

بیشتر معامله‌گران با دیدن کندل‌های ۵ یا ۷ و شاید به‌محض بسته شدن کندل ۴، روز را به‌عنوان یک روز روند صعودی می‌بینند. زمانی که معامله‌گران می‌پذیرند که آن روز دارای روند است اگر موقعیت باز ندارند، باید موقعیت کوچکی را یا در مظنه بازار یا روی هر پولبک کوچکی بخرند. معامله‌گران می‌توانند سفارش حد خرید خود را در زیر کف کندل قبلی و برای خرید در رقم‌های پایین‌تری از سنت مانند شاید ۲۰، ۳۰ یا ۵۰ سنت قرار دهند. دیگر معامله‌گران در پی آن هستند که روی موقعیتی در بالای سقف ۲ یا پولبکی به میانگین متحرک بخرند. خرید در بالای بازگشت دو کندلی ۸ خرید معقولی است، چراکه یک پرچم صعودی گوه‌ای است (برخی آن را مثلث می‌بینند) که در یک بازگشت دو کندل در کندل ۱۲ به پایان می‌رسد. حد ضرر آن‌ها هنوز هم در زیر کف کندل ۴ یا شاید در زیر نقطه وسط آن است. معامله‌گران باید آن‌قدر سایز موقعیت خود را کوچک در نظر بگیرند که ریسکشان در محدوده تحملشان قرار گیرد. دیگر معامله‌گران حد ضررشان را در زیر کف دوقلوی کندل‌های ۶ و ۸ قرار می‌دهند و چنانچه با حد ضرر خارج شوند ولی بازار پس از آن سیگنال خرید دیگری را شکل دهد و به این باور برسند که روند صعودی هنوز دست نخورده است، دوباره می‌خرند.

مهم‌ترین چیزی که معامله‌گران باید خود را مجبور به انجام آن کنند و معمولاً دشوار است، آن است که به‌محض اینکه دریافتند که آن روز دارای یک روند است، باید حداقل موقعیت کوچکی را بگیرند. باید مشخص کنند که بدترین حالت حد ضرر کجا باشد که معمولاً نسبتاً دور است و از آن به‌عنوان حد ضررشان استفاده کنند. در صورت ورود دیرهنگام، به دلیل اینکه حد ضرر بزرگ خواهد بود، باید موقعیت اولیه آن‌ها کوچک باشد. زمانی که بازار در جهت دلخواه آن‌ها حرکت می‌کند طوری که بتوانند حد ضررشان را بسته‌تر کنند، آنگاه می‌توانند به دنبال افزایش موقعیتشان باشند، ولی هرگز نباید از سطح نرمال ریسکشان فراتر روند. زمانی که همه به دنبال پولبک هستند، معمولاً برای مدت زمان طولانی پولبکی در کار نخواهد بود. به خاطر اینکه همه بر این باورند که قیمت به‌زودی بالاتر خواهد رفت، ولی ضرورتاً اعتقاد ندارند که قیمت به این زودی پایین بیاید. معامله‌گران باهوش این را می‌دانند و بنابراین شروع به خرید در چند مرحله می‌کنند. به خاطر اینکه باید حد ضرر خود را در کف اسپایک قرار دهند، خرید کوچکی می‌کنند. اگر ریسکشان سه

---

[1]. ناحیه‌ای که معامله گران در هنگام انجام معامله در استرس نباشند. م

برابر حد طبیعی‌شان باشد، یک‌سوم اندازه معمول خود خرید می‌کنند تا ریسک کلی پولشان را درون محدوده نرمالشان حفظ کنند. وقتی خریداران بزرگ به خریدشان در اندازه‌های کوچک ادامه می‌دهند، این فشار خرید است و این به ضرر تشکیل یک پولبک عمل می‌کند. فروشندگان بزرگ روند را می‌بینند و آن‌ها هم باور می‌کنند که قیمت به‌زودی بالاتر می‌رود. ازآنجایی‌که فکر می‌کنند قیمت به‌زودی بالاتر می‌رود، جستجو برای فروش را متوقف می‌کنند. درصورتی‌که فکر کنند در چند کندل بعدی می‌توانند در قیمت بهتری بفروشند، فروش برای آن‌ها منطقی نیست؛ بنابراین فروشندگان بزرگ در حال فروش نیستند و خریداران بزرگ در حال خرید در اندازه‌های کوچک هستند، در این حالت تا مدت‌ها پولبکی وجود ندارد، نتیجه چیست؟ بازار به بالا رفتن خود ادامه می‌دهد. ازآنجایی‌که شما باید کاری را انجام دهید که معامله‌گران باهوش انجام می‌دهند، باید حداقل مقدار کمی در قیمت مظنه بازار یا در پولبک یک یا دو تیکی یا پولبک‌های ۱۰ یا ۲۰ سنتی بخرید و ریسک خود را در کف اسپایک قرار دهید (کف کندل ۴ برای بیشتر معامله‌گران، ولی بعضی هم حد ضررشان را در زیر کف کندل ۳ می‌گذارند). حتی اگر پولبک روی تیک بعدی شروع شود، احتمالات آن است که قبل از اینکه معامله‌گران باهوش آن را در قیمت ارزشمندی دیده و شدیداً بخرند، سقوط زیادی نمی‌کند. به خاطر داشته باشید، همگی منتظر خرید یک پولبک هستند، بنابراین وقتی درنهایت پولبکی ظاهر شود، آن پولبک کوچک خواهد بود و مدت زمان زیادی به طول نمی‌انجامد. همه آن معامله‌گرانی که منتظر خرید بودند این پولبک را به‌عنوان فرصتی که می‌خواستند می‌بینند. نتیجه آن است که موقعیت شما یک‌بار دیگر خیلی زود سودآور خواهد بود. زمانی که بازار به‌اندازه کافی بالا رود، می‌توانید قسمتی از سود خود را خارج کنید یا می‌توانید روی یک پولبک بیشتر بخرید که احتمالاً در قیمت بالای ورودی اصلی شما خواهد بود. نکته مهم آن است که به‌محض اینکه شما به این نتیجه رسیدید که خرید یک پولبک ایده‌ای عالی است، باید دقیقاً کاری را بکنید که خریداران بزرگ می‌کنند و حداقل موقعیت کوچکی را در قیمت مظنه بازار بخرید.

بعد از رفتن قیمت به بالای سقف کندل ۷، بسیاری از معامله‌گران حد ضررشان را به زیر کف آخرین سوییننگ منتقل می‌کنند که در کندل ۸ است. تا زمانی که قیمت در زیر کف آخرین سوییننگ باشد، روند احتمالاً هنوز دارای قدرت بالایی است. زمانی که شروع به ساخت کف پایین‌تر می‌کند، بازار می‌تواند در حال انتقال به یک محدوده معامله یا حتی یک روند نزولی باشد. در هردو حالت، معامله‌گران آن را به‌گونه‌ای متفاوت از آن‌گونه که در بازار یک طرفه (یک روند) معامله می‌کردند، معامله می‌کنند.

خریداران در تمام طول روز به خرید پولبک‌ها ادامه می‌دهند و بعد رفتن قیمت به یک سقف سوییِنگ جدید دیگر، حد ضرر خود را به زیر کف آخرین سوییِنگ منتقل می‌کنند. برای مثال، زمانی که قیمت به بالای سقف کندل ۱۶ می‌رود، معامله‌گران حد ضررشان را به زیر کف کندل ۱۹ منتقل می‌کنند. زمانی که در آنجا پولبکی وجود داشته باشد که قیمت ورودی‌شان را تست کندو سپس قیمت سقف جدیدی را تجربه کند، بسیاری از معامله‌گران حد ضررشان به نقطه سربه‌سر منتقل می‌کنند. آن‌ها دوست ندارند که قیمت یک‌بار دیگر به سمت نقطه ورودشان پایین بیاید و اگر قیمت نزولی شود، آن‌ها به این باور می‌رسند که روند قدرتمند نیست.

کندل ۲۴ سومین رانش صعودی از اسپایک صعودی به سمت کندل ۱۵ است (کندل ۲۱ دومین رانش رو به بالا است)، بنابراین بازار احتمالاً طی دو موج افقی تا نزولی اصلاح می‌شود. کندل بعدازآن یک کندل داخلی نزولی است بنابراین بازار احتمالاً در این نقطه به سمت پایین بازمی‌گردد، مخصوصاً به دلیل اینکه این یک شکست نقض شده رو به بالا از خط کانال روند محسوب می‌شود. بازار در اوایل روز دو بار تلاش می‌کند که به سمت میانگین متحرک عقب‌نشینی کند، بنابراین منطقی است که فرض کنیم که ممکن است این بار عقب‌نشینی آن موفقیت‌آمیز باشد. اینجا مکان خوبی برای گرفتن سود در خریدهای سوییِنگ است. معامله‌گران پر طمع ممکن است به‌قصد یک معامله اسکالپ بفروشند، اما بیشتر معامله‌گران صبر می‌کنند که ببینند آیا سیگنال خرید ۲۰ کندل شکاف روی میانگین متحرک شکل می‌گیرد یا خیر.

آیا معامله‌گران باید تلاش کنند که در بیشتر این ورودی‌ها وارد شوند؟ مطلقاً نه. بااین‌حال، اگر بازار را از بیرون زیر نظر دارند و نگرانند که چگونه وارد آن شوند، تمام این موقعیت‌ها منطقی هستند. اگر تنها در یک تا سه عدد از این ورودی‌های سوییِنگ وارد شوند، در حال انجام تمام آن چیزی هستند باید انجام دهند و نباید نگران تمامی ورودی‌های دیگر باشند.

۱۹

نشانه‌های قدرت در روند

مشخصات زیادی از روندهای پرقدرت وجود دارد. بدیهی‌ترینشان آن است که آن‌ها از یک سمت گوشه نمودارتان به‌صورت قطری به سمت دیگر نمودار با پولبک‌های کوچکی حرکت می‌کنند. به هر حال، در مراحل اولیه یک روند، نشانه‌هایی وجود دارد که مشخص می‌کند که روند دارای قدرت است و احتمالاً قدرت آن به طول می‌انجامد. هرچه این نشانه‌ها بیشتر ظاهر شوند، شما باید تمرکز بیشتری بر ورودی‌های در جهت روند داشته باشید. باید تنها زمان موقعیت‌های موافق روند بسیار خوب، موقعیت‌های مخالف روند را زیر نظر بگیرید تا در سفارشی دقیقاً درجایی وارد شوید که آن معامله‌گران مخالف روند با ضرر مجبور به خروج از بازار خواهند شد.

یکی از پدیده‌های جالب در روزهای روند آن است که در بسیاری از این روزها، بهترین کندل‌های بازگشت و بزرگترین کندل‌های روند تمایل دارند که برخلاف روند باشند تا معامله‌گران را در جهت اشتباه به دام اندازند. همچنین فقدان کندل‌های سیگنال در جهت روند باعث می‌شود معامله‌گران برای ورودی‌شان تردید داشته باشند و آن‌ها را مجبور می‌کند که بازار را تعقیب کرده و دیرهنگام وارد آن شوند.

درنهایت، هنگامی‌که متوجه می‌شوید که بازار در روند قدرتمندی قرار دارد، برای ورود به موقعیتی نیاز ندارید. درصورتی‌که آرزوی داشتن حد ضرر نسبتاً کوچکی را داشته باشید، می‌توانید هر زمانی در طول روز در قیمت مظنه بازار وارد شوید. تنها هدف یک موقعیت، کمینه کردن ریسک است.

در اینجا برخی مشخصات وجود دارند که در یک روند قدرتمند رایج هستند:

- در آغاز روز شکاف بزرگی وجود دارد.
- سقف‌ها و کف‌های دارای روند[۱] وجود دارند (سوییننگ).
- بیشتر کندل‌ها، کندل‌های روند در جهت روند هستند.
- در کندل‌های متوالی همپوشانی بدنه‌ها بسیار کم است. برای مثال، در یک اسپایک صعودی، بسیاری از کندل‌ها کف‌هایی دارند که روی قیمت‌های پایانی کندل قبلی یا درست یک تیک پایین‌تر از آن قرار دارند. بعضی کندل‌ها کف‌هایی دارند که روی قیمت پایانی کندل قبلی قرار می‌گیرند و نه زیر آن، بنابراین معامله‌گران تلاش می‌کنند که در یک سفارش حد در قیمت پایانی کندل قبلی بخرند، سفارششان انجام نشده و مجبورند در قیمت بالاتری بخرند.
- کندل‌هایی بدون سایه یا سایه کوتاه در هر دو جهت وجود دارند که نشانگر اضطرار هستند. برای مثال در یک روند صعودی، اگر یک کندل روند صعودی روی تیک پایین خود باز شده و روند صعودی را در پیش گیرد، به‌محض بسته شدن کندل قبلی[۲] معامله‌گران مشتاق به خرید آن می‌شوند. اگر روی تیک بالای خود یا نزدیک به آن بسته شوند، معامله‌گران به انتظار ورود خریداران جدید درست بعد از بسته شدن کندل، خرید قوی خود را ادامه می‌دهند. آن‌ها تمایل دارند زمانی که به سمت قیمت بسته شدن کندل حرکت می‌کند بخرند زیرا می‌ترسند که اگر منتظر بسته شدن کندل بمانند، ممکن است دو یا سه تیک بالاتر بخرند.
- گهگاه بین بدنه‌ها شکاف‌هایی وجود دارد (برای مثال، باز شدن یک کندل در روندی صعودی ممکن است بالاتر از بسته شدن کندل قبلی باشد).
- یک شکاف شکست در آغاز روند به شکل یک کندل روند قدرتمند ظاهر می‌شود (کندل روند نوعی شکاف است، همان‌طور که در کتاب ۲ بحث شده است).
- شکاف‌های اندازه‌گیری درجایی رخ می‌دهند که تست شکست نقطه شکست را پوشش نمی‌دهد. برای مثال، پولبک از یک شکست صعودی به زیر سقف کندلی که شکست در آن رخ می‌دهد سقوط نمی‌کند.

---

[۱]. سه کندل یا بیشتر که سقف‌ها یا کف‌هایشان تشکیل خط روند را می‌دهند. در یک روند صعودی، هر سقفی بالای سقف قبلی قرار دارد و در روند نزولی، کفی پایین تراز کف قبلی است. اگر الگو برای کندل‌های زیادی طول بکشد، می‌تواند یک یا دو کندل وجود داشته باشد که سقف‌ها و کف‌های آن در یک روند نیستند.

[۲]. قیمت پایانی کندل قبلی را به خود ببینید. م

- شکاف‌های اندازه‌گیری میکرو درجایی ظاهر می‌شوند که یک کندل روند قدرتمند و شکاف بین کندل قبل از آن و کندل بعدازآن وجود داشته باشد. برای مثال، اگر کف کندل بعد از یک کندل روند قدرتمند صعودی در یک روند صعودی روی سقف کندل قبل از کندل روند یا بالای آن باشد، این یک شکاف و یک تست شکست و نشانه‌ای از قدرت است.
- اوج‌های بزرگی ظاهر نمی‌شوند.
- کندل‌های خیلی بزرگی ظاهر نمی‌شوند (حتی کندل‌های روند بزرگ هم ظاهر نمی‌شوند). اغلب، بزرگترین کندل‌های روند برخلاف جهت روند هستند و معامله‌گرانی را که به دنبال معامله در خلاف جهت روند هستند را به دام انداخته و باعث می‌شود معامله در جهت روند را از دست بدهند. موقعیت‌های برخلاف روند تقریباً همیشه بهتر از موقعیت‌های در جهت روند به نظر می‌رسند.
- جهش اضافه قابل‌توجهی از خط کانال روند رخ نمی‌دهد و تعداد کمی هم که رخ می‌دهد تنها منتهی به اصلاح‌های افقی می‌شود.
- اصلاح‌های بعد از شکست خط روند بجای حرکت در خلاف جهت روند به‌صورت بدون روند حرکت می‌کنند.
- گوه‌های نقض شده و دیگر بازگشت‌های نقض شده رخ می‌دهند.
- یک توالی از شکاف میانگین متحرک ۲۰ کندلی وجود دارد (۲۰ کندل یا بیشتر که میانگین متحرک را لمس نمی‌کنند، در کتاب ۲ بحث شده است).
- اگر معاملات برخلاف روند سوددهی وجود داشته باشد تعدادشان کم است.
- پولبک‌های کوچک، کمیاب و بیشتر افقی وجود دارند. برای مثال، اگر متوسط نوسانات EMINI در حدود ۱۲ پوینت باشد، همه پولبک‌ها احتمالاً کمتر از سه یا چهار پوینت خواهد بود و بازار اغلب به‌اندازه ۵ کندل یا بیشتر بدون پولبک حرکت می‌کند.
- حس ضرورت شدیدی وجود دارد. خودتان را در بین انبوهی از کندل‌ها به انتظار یک پولبک خوب در جهت روند می‌بینید و آن پولبک هرگز نمی‌آید، هنوز بازار به‌آرامی به روند خود ادامه می‌دهد.
- پولبک‌ها موقعیت‌های قوی دارند. برای مثال، پولبک‌های سقف ۱ و سقف ۲ در یک روند صعودی، برای کندل سیگنال کندل‌های بازگشت صعودی قدرتمندی دارند.
- در قوی‌ترین روندها، پولبک‌ها معمولاً کندل‌های سیگنال ضعیف دارند که باعث می‌شوند بسیاری از معامله‌گران از آن‌ها استفاده نکنند و معامله‌گران را مجبور به تعقیب بازار

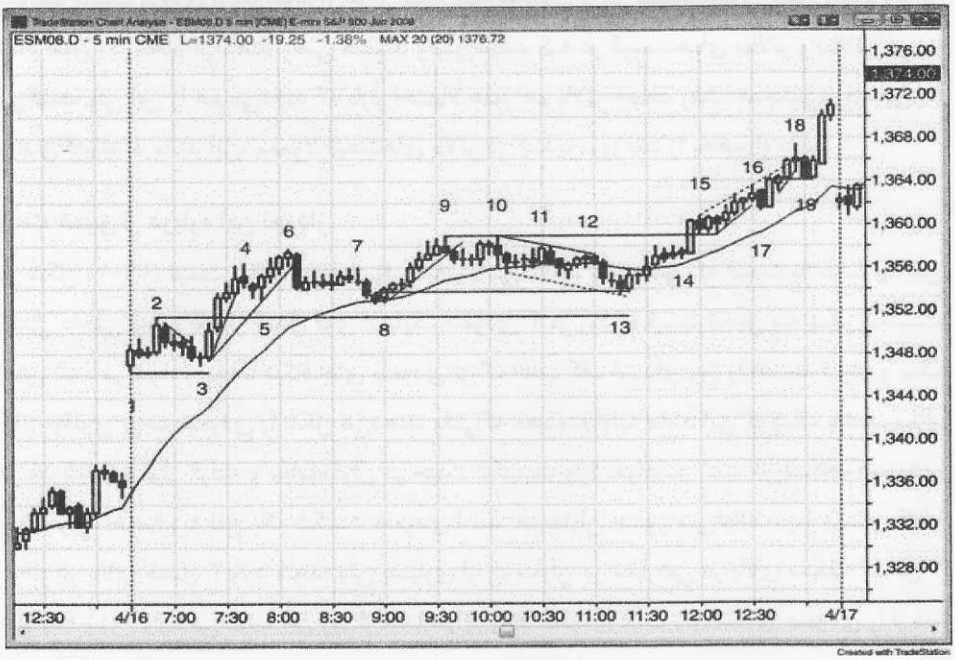
می‌کند. برای مثال، در یک روند نزولی کندل‌های سیگنال برای یک کف ۲ فروش اغلب کندل‌های نزولی کوچکی در اسپایک‌های صعودی دو یا سه کندلی هستند و بعضی از کندل‌های ورودی، کندل‌های خارجی نزولی هستند. همه‌چیز دارای روند است: قیمت‌های پایانی، کف‌ها، سقف‌ها، یا بدنه‌ها.

- پولبک‌های دو موجی تکراری ورودی‌های در جهت روند را برپا می‌کنند.
- قیمت‌های پایانی دو کندل روند متوالی در سمت‌های مخالف میانگین متحرک رخ نمی‌دهد.
- روند مسافت بسیار زیادی را طی کرده و چندین سطح مقاومت را هرکدام با تیک‌های بسیاری در هم می‌شکنند، مانند میانگین متحرک، سقف سوییینگ‌های قبلی و خطوط روند.
- تلاش‌ها برای بازگشت به شکل اسپایک در مقابل روند تا آخر ادامه نمی‌یابند، نقض شده و تبدیل به پرچم‌های صعودی در جهت روند می‌شوند.

وقتی روندی با سرعت بالایی حرکت می‌کند، احتمالاً برای چندین کندل پولبکی نخواهد داشت و کندل‌ها، کندل‌های روند با اندازه خوبی خواهند بود و بیشترشان سایه‌های کوتاهی خواهند داشت. ازآنجایی‌که هنگام ادامه روند می‌خواهید معامله اسکالپ بیشتری انجام دهید درحالی‌که هنوز موقعیت خودتان در قسمت سوییینگ را حفظ کرده‌اید، ممکن است جهت یافتن موقعیت‌های در جهت روند در نظر داشته باشید که به نمودار سه دقیقه‌ای نگاه کنید. این نمودار اغلب کندل‌های مکث زیادی دارد (کندل‌های داخلی برخلاف روند و پولبک‌های یک کندلی) که ورود در جهت روند را مجاز می‌سازد. نمودار یک‌دقیقه‌ای همچنین ورودی در جهت روند دارد ولی بعلاوه تعدادی موقعیت برخلاف روند هم دارد که می‌تواند زمانی که شما تلاش می‌کنید تنها در جهت روند معامله کنید، گیج‌کننده باشد. این مسئله، به همراه لزوم سرعت خواندن نمودار، می‌تواند استرس زیادی را در طول حرکت روند ایجاد کند و در توانایی‌تان جهت انجام معامله مؤثر مداخله نماید. ازآنجایی‌که باید مطمئن شوید که از هر ورودی در جهت روند استفاده می‌کنید، بهتر آن است که تنها از روی نمودار ۵ دقیقه‌ای در یک حرکت روند معامله کنید. زمانی که باتجربه و موفق شدید ممکن است در نظر داشته باشید که نمودار ۳ دقیقه‌ای را هم زیر نظر بگیرید.

در طول زمان، روند ضعیف می‌شود، نشانه‌های بیشتری از معامله دو طرف توسعه می‌یابد و نشانه‌های قدرت کم‌کم از بین می‌رود. برای مثال، در یک روند صعودی معامله‌گران در بالای سقف کندل‌های قبلی و در بالای سقف سوییینگ قبلی شروع به گرفتن سودشان می‌کنند و فروشندگان با شدت زیادی شروع به فروش می‌کنند در بالای کندل‌ها و بالای سقف سوییینگ‌ها و در بالاتر

به‌صورت پله‌ای وارد می‌شوند. خریداران بزرگ سرانجام تنها پولبک‌ها را می‌خرند. اسپایک صعودی اولیه با یک کانال صعودی جایگزین می‌شود و سرانجام وارد یک محدوده معامله می‌شود.



شکل (۱-۱۹) شکاف بزرگ صعودی در روز دارای روند صعودی

شکاف‌های بزرگی که برگشت سریع ندارند معمولاً شروع یک روند بزرگ برای روز را مشخص می‌کنند و آن روز اغلب در سقف یا نزدیک سقف (کف، در روند نزولی) بسته می‌شود. همان‌طور که در شکل (۱-۱۹) نشان داده شده است، EMINI در نمودار ۵ دقیقه شکاف مثبتی به‌اندازه ۱۱ پوینت پیدا می‌کند که بسیار بزرگ است و اولین کندل یک کندل روند صعودی است. همچنین، بازار برای مدت ۲ ساعت میانگین متحرک را لمس نمی‌کند که نشانه دیگری از قدرت است. توجه کنید که چگونه رفتارهای هیجانی زیادی وجود ندارد (کندل‌های بزرگ، اوج‌ها، سوینگ‌های بزرگ). بازارهای آرام با تعداد زیادی از کندل‌های کوچک که بسیاری از آن‌ها دوجی هستند، اغلب منجر به بزرگترین روندها می‌شوند.

در روزهایی مانند این، مؤسسات مقادیر عظیمی را برای خرید در اختیار دارند و قیمت‌های پایین‌تری می‌خواهند، ولی وقتی قیمت پایین‌تر عرضه نمی‌شود، مجبورند سفارشات خود را در طول روز در قیمت‌های به‌طور فزاینده بالاتری به‌صورت مرحله‌ای انجام دهند، حتی با اینکه می‌بینند که روند روز را در حال آشکار شدن است و انتظار دارند که احتمالاً مجبور به خرید در قیمت‌های

بالاتری در طول روز شوند، تمام سفارشات خرید خود را به‌صورت یکجا در بازار به انجام نمی‌رسانند، زیرا این می‌تواند باعث ایجاد اسپایک صعودی اوجی و سپس احتمالاً برگشتی به زیر متوسط قیمت ورودی آن‌ها شود. آن‌ها از اینکه سفارشاتشان را در قسمت‌های قابل مدیریت در تمام طول روز انجام می‌دهند راضی هستند و می‌دانند که در قیمت‌های بالاتر و بالاتر خرید می‌کنند، ولی این را هم می‌دانند که بازار احتمالاً هنوز هم بالاتر خواهد رفت. همچنین، روزهایی با روندی قدرتمند مانند این، معمولاً قیمت‌های بالاتر در چندین روز بعد را به همراه دارند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱-۱۹) قیمت سقف روز قبل را رو به بالا می‌شکند، ولی زمانی که قیمت به سمت پایین کندل داخلی نزولی بعد از کندل قوی اسپایک صعودی ۲ می‌رود، شکست تبدیل به یک شکست نقض شده می‌شود. روزها با شکاف‌های صعودی بزرگ اغلب کف ابتدای روز را تست کرده و یک کف دوقلوی پرچم صعودی را شکل می‌دهند. وقتی‌که محدوده اولیه مانند این کوچک باشد، بازار در مُد شکست قرار گرفته و معامله‌گران در جهت شکست وارد خواهند شد. در شکاف صعودی بزرگ روز، احتمال به نفع یک شکست صعودی است. خریداران جسور می‌توانند بر مبنای کف دوقلو در بالای کندل ۳ وارد شوند، ولی بسیاری از خریداران در سفارشی در بالای سقف کندل ۲ محدوده شروع وارد می‌شوند. این روز از ابتدا دارای روند صعودی است و روند، روز صعودی را از سر می‌گیرد.

بازار حرکت نزولی دو موجی کوچکی به سمت کندل ۳ دارد. اولین موج مرکب از یک کندل روند نزولی و دو کندل دوجی می‌باشد. دومین موج از کندل روند نزولی با سایه نزولی بزرگی در بالای آن ساخته شده است (سایه همان پولبک است که اولین موج نزولی را به اتمام می‌رساند) که به دنبال آن یک کندل دوجی می‌آید. این‌گونه از حرکت دو موجی به‌طور مشخص دو موج نزولی واضح در تایم فریم کوچک‌تر یک نمودار دارد که یک سیگنال خرید ABC را برپا می‌کند. یک معامله‌گر می‌تواند در یک تیک بالای کندل ۳ بخرد. این یک تست شکاف هم محسوب می‌شود که با کف کندل ۱ تشکیل یک کف دوقلو می‌دهد. ازآنجاکه این یک روند احتمالی روز است و می‌تواند بیشتر از آنچه که بیشتر معامله‌گران گمان می‌کنند طول بکشد، معامله‌گران باهوش قسمتی یا کل موقعیتشان را سوییِنگ می‌کنند. توجه کنید که اولین قیمت روز چقدر نزدیک به کف روز است که نشانه‌ای از قدرت است و روند از ابتدای روز که به فاصله چند تیک از کف روز شروع می‌شود، اغلب به فاصله چند تیک از سقف روز به اتمام می‌رسد و در بیشتر اوقات این روند تا آخر روز ادامه می‌یابد.

کندل ۵ یک پولبک شکست سقف ۱ بعد از یک حرکت قدرتمند صعودی است (چهار کندل روند صعودی) و یک سقف ۱ همیشه خرید خوبی در فاز اسپایک یک روند قدرتمند صعودی است. کف ۱ کندل ۴ خط روند را به سمت پایین می‌شکند و بازگشت از سقف جدید یک موقعیت فروش حتی برای یک معامله اسکالپ محسوب نمی‌شود. درواقع استفاده از اصطلاح کف ۱ در اینجا اشتباه است زیرا یک کف ۱ معاملات در محدوده معامله و روند نزولی را بر پا می‌سازد، نه در روندهای صعودی قوی. بعد از این‌چنین حرکت صعودی قدرتمندی، معامله‌گران باهوش تنها به فکر خرید خواهند بود و تنها در صورتی یک معامله فروش را مدنظر قرار می‌دهند ورودی دومی وجود داشته باشد.

کندل ۶ یک کف ۲ است که ورودی دومی برای فروش و یک سقف احتمالی برای یک محدوده معامله در درون یک روند صعودی است. بااین‌حال در حالتی که روند قوی باشد، فروشندگان تنها از طریق اسکالپ این معامله را انجام می‌دهند. فقط در صورتی آن را از سوییِنگ می‌کنند که در ابتدا حرکت نزولی قدرتمند اولیه وجود داشته باشد که یک خط روند مهم را بشکند (شاید ۲۰ کندل یا بیشتر). اگر وارد فروش شوند، به‌سرعت خارج شده و سپس جهت یک معامله سوییِنگ به دنبال یک موقعیت خرید می‌گردند. در یک روند قوی بیشتر ورودی‌های در جهت روند باید سوییِنگ شوند و تنها بخش کوچکی از آن‌ها باید اسکالپ شوند. اگر متوجه از دست دادن یک ورودی در جهت روند شدید، جستجو برای اسکالپ‌های مخالف روند را متوقف کرده و شروع به معامله کردن موقعیت‌های فقط در جهت روند کنید. در طول روز روند باید تلاش کنید تمام سیگنال‌های در جهت روند را معامله کنید، زیرا منبع بیشتر درآمدهای ثابت است.

ازآنجایی‌که کندل ورودی ۶ کندل روند نزولی قدرتمندی است، این کندل یک شکست و بنابراین یک اسپایک است. به دنبال اسپایک‌ها معمولاً کانال‌ها با حداقل دو رانش دیگر می‌آیند. ولی زمانی که آن‌ها در مقابل یک روند قوی رخ می‌دهند، اغلب تنها یک رانش دیگر دارند و تبدیل به یک پرچم صعودی دو موجی می‌شوند. در هر حالتی، بعد از یک اسپایک نزولی، شانس خوبی برای حداقل یک موج نزولی بیشتر وجود دارد.

کندل ۷ یک کندل ورودی فروش کف ۲ به دومین موج نزولی است، ولی بعد از یک محدوده معامله ۶ کندلی فشرده، هر شکستی در هر یک از دو جهت بعد از اینکه مسافت زیادی نرفت احتمالاً نقض می‌شود.

کندل ۸ یک پولبک دو موجی و اولین پولبک به سمت میانگین متحرک در روند صعودی قوی است که موقعیت خرید فوق‌العاده‌ای بشمار می‌آید. هر زمان که قیمت برای ۲۰ کندل یا بیشتر دور

از میانگین متحرک بماند (یک موقعیت خرید شکاف ۲۰ کندلی)، روند بسیار قوی است و احتمال اینکه خریداران روی میانگین متحرک حضور داشته باشند بالاست.

کندل ۹ بازگشتی در سقف سوییِنگ جدیداست، ولی در طول هفت کندل قبلی کندل روند نزولی وجود ندارد بنابراین هیچ فروشی نمی‌تواند انجام شود مگر اینکه ورودی دومی شکل گیرد.

کندل ۱۰ ورودی دیگری است، ولی در یک محدوده معامله فشرده در یک روند صعودی، هر فروشی در بهترین حالت یک اسکالپ است و بهتر است که از این معامله چشم‌پوشی شود. رفتارهای افقی قیمت در یک روند صعودی معمولاً یک پرچم صعودی است و معمولاً در جهت روندی که قبل از شکل‌گیری آن حرکت افقی در جریان است شکسته خواهد شد. کندل‌های خارجی کمتر قابل‌اعتمادند، ولی زمانی که ورودی‌ها ثانویه خیلی قابل‌اعتماد هستند می‌توانید فروشی را به‌قصد یک معامله اسکالپ در نظر داشته باشید. سه دوجی کوچک روی میانگین متحرک توسعه می‌یابند. این یک محدوده معامله کوچک فشرده است و بنابراین اثر جاذبه دارد. شانس اینکه در آنجا یک کندل شکست روند در یکی از دو جهت ظاهر شود بالا خواهد بود و آن کندل نقض خواهد شد. معامله‌گران در فروش می‌مانند و احتمالاً ۴ تیک ریسک می‌کنند. حرکت ناگهانی کندل روند صعودی ۱۱ نقض می‌شود، همان‌طور که انتظار می‌رفت و به معامله‌گران اجازه می‌دهد که روی کندل بعدی یک سود اسکالپ ۴ تیکی را بگیرند.

کندل ۱۳ تست شکستی است که به‌اندازه یک تیک زیر سقف کندل سیگنالی کشیده می‌شود که یک حرکت صعودی قوی از طول کندل ۸ ایجاد می‌کند. حرکت نزولی از کندل ۹ تا کندل ۱۳ بسیار ضعیف بوده و ضرورتاً افقی ظاهر می‌شود. بازار تلاش می‌کند که برای تست شکست پایین بیاید، یعنی اینکه فروشندگان اعتقادشان را از دست می‌دهند. کندل ۱۳ همچنین درست در پایین میانگین متحرک یک ورودی سقف ۴ را برپا می‌کند و این کندل بعد از اولین کندل شکاف میانگین متحرک روز می‌آید (کندلی با یک سقف در زیر میانگین متحرک نمایی). این یک موقعیت کندل شکاف میانگین متحرک در یک روند قوی می‌باشد و باید انتظار داشت که سقف روند صعودی را یا با یک سقف پایین‌تر یا یک سقف بالاتر را تست کند. یک کندل شکاف میانگین متحرک در یک روند قوی اغلب منجر به موج پایانی یک روند پیش از توسعه پولبکی عمیق‌تر و طولانی‌تر می‌شود و پولبک می‌تواند رشد کرده و تبدیل به یک بازگشت روند شود. این اتفاق ممکن است در روزهای بعد رخ دهد. کندل ۱۳ کف بالاتری را (بالاتر از کندل ۸) بعد از یک سقف بالاتر در کندل ۹ می‌سازد و قسمتی از سوییِنگ دارای روند صعودی است. این کندل با کندل ۸ ضرورتاً یک کف دوقلو پرچم صعودی است.

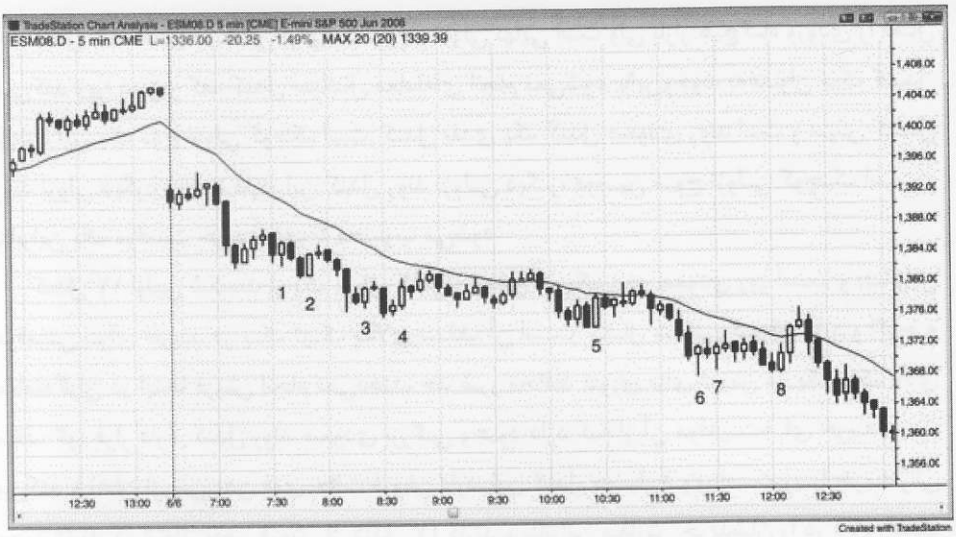
کندل ۱۴ یک کندل سیگنال شکست سقف ۲ است و سقف ۱ کندل قبلی بود.

کندل ۱۵ کندل سیگنالی برای یک پرچم نزولی نهایی است ولی بازار هیچ‌گاه ورودی را فعال نمی‌کند زیرا در زیر کف کندل سیگنال معامله‌ای انجام نمی‌شود. بااین‌وجود، به‌عنوان یک کندل نزولی، این یک موج نزولی کوچک است. کندل بعدی یک کندل صعودی روند است و سپس کندل روند نزولی دیگری وجود دارد. این کندل روند نزولی دیگر، دومین موج نزولی کوچک است و بنابراین یک موقعیت خرید سقف ۲ محسوب می‌شود.

کندل ۱۷ اولین شکست از یک میکرو کانال صعودی در یک روند صعودی روز است و بنابراین موقعیتی برای خرید در یک تیک بالای سقف آن است. کانال شکلی گوه‌ای دارد و اگرچه معامله‌گران در اینجا فروش انجام نمی‌دهند، حد ضرر محافظ تئوری برای فروش در یک تیک بالای سقف گوه قرار دارد. کندل روند صعودی بزرگی وجود دارد که از آن موقعیت‌های خرید عبور می‌کند و نشان از پس زدن قوی حالت فروش دارد. این کندل بسیار قوی است زیرا خریدارانی وجود دارند که انتظار نقض فروش از کندل ۱۷ دارند و بنابراین سفارش خریدشان را در بالای سقف آن قرار می‌دهند تا وارد معامله خرید شوند و فروشندگانی که در یک تیک بالای کندل ۱۶ سقف گوه با حد ضرر خارج می‌شوند.

کندل ۱۸ یک خط کانال روند را رو به بالا می‌شکند و یک سیگنال فروش کف ۲ را ارائه می‌دهد. بااین‌حال، در یک روز دارای روند، معامله‌گران باهوش تنها در صورتی فروش انجام خواهند داد که اول یک موج نزولی قوی وجود داشته باشد که خط روندی را بشکند. علاوه بر این، آن‌ها تمام موقعیت‌های فروش را به‌عنوان موقعیت‌های خرید می‌بینند و سفارشات خرید خود را دقیقاً درجایی قرار می‌دهند که فروشندگان ضعیف از فروش خود خارج می‌شوند (مانند یک تیک بالای سقف کندل‌های ۱۷ و ۱۹).

کندل ۱۹ یک شکست خط روند یک کندلی است که نقض می‌شود و بنابراین یک موقعیت خرید بشمار می‌رود. یک بازگشت روند صعودی دو کندلی وجود دارد که تبدیل به سیگنالی برای خرید می‌شود.



شکل (۲-۱۹) بیشتر بازگشت‌ها در روزهای روند نقض می‌شوند

همان‌طور که در شکل (۲-۱۹) نشان داده شده است، یکی از ویژگی‌های عجیب روزهای روند این است که اغلب کندل‌های بازگشتی و کندل‌های روندی که بهترین به نظر می‌رسند، در جهت مخالف روند قرار دارند و معامله‌گران را به معاملات زیان ده در جهت اشتباه به دام می‌اندازند (کندل ۱ تا ۸). توجه کنید چگونه در تمام طول روز یک کندل سیگنال بازگشتی نزولی خوب وجود ندارد، روند موردنظر هنوز روند نزولی بزرگی است. فقط به میانگین متحرک نگاه کنید بازار تا کندل شکست در بالای رالی که با کندل ۸ شروع شده است، نمی‌تواند دو قیمت پایانی متوالی را بالای آن قرار دهد. این روندی نزولی است و هر موقعیت خریدی باید به‌عنوان موقعیت ورودی فروش دیده شود. سفارش ورودتان را دقیقاً درجایی بگذارید که خریداران در آنجا حد ضررشان را قرار می‌دهند و بگذارید آن‌ها با تسویه خود، بازار را به سمت پایین هدایت کنند.

سیگنال‌های ضعیف دلیلی کلیدی برای آن هستند که چرا روند بی‌امان حرکت می‌کند. فروشندگان برای کندل سیگنال قوی صبر می‌کنند، چنان‌که بتوانند موقعیتشان را به‌طور کامل بفروشند. خریداران به دام افتاده برای شاهدی قوی مبنی بر قدرت بالای روند صبر می‌کنند و اینکه باید به‌سرعت خارج شوند. نشانه‌ها هرگز نمی‌آیند و خریداران و فروشندگان هردو به انتظار می‌مانند. آن‌ها به روند نگاه می‌کنند و کندل‌های صعودی زیاد و اسپایک‌های صعودی دو یا سه کندلی را می‌بینند، بنابراین می‌پندارند و امیدوار می‌شوند که این فشار خرید به‌زودی رالی بزرگتری را ایجاد خواهد کرد. حتی اگر ببینند بازار نمی‌تواند به بالای میانگین متحرک برود و اینکه تمام پولبک‌ها بسیار کوچک هستند، آن‌ها این نشانه‌های یک روند قوی را نادیده می‌گیرند امیدوار به

خریداران می‌مانند که بازار را به سطحی حرکت دهند که در آنجا راحت‌تر بفروشند. این اتفاق هرگز رخ نخواهد داد و فروشندگان و خریداران به دام افتاده به فروش مرحله‌ای خود در تمام روز ادامه می‌دهند، محض اطمینان رالی صعودی که آن‌ها می‌خواهند هرگز نمی‌آید. فروش بی‌امان آن‌ها، به همراه فروش بی‌امان فروشندگان بزرگی که این روند را جزء قوی‌ترین روندهای نزولی می‌بینند، باعث می‌شود بازار در تمام طول روز بدون هیچ پولبک بزرگی پایین‌تر و پایین‌تر بیاید.



شکل (۳-۱۹) نبود پولبک به معنی قدرت روند است

وقتی معامله‌گران نمی‌توانند روی سفارش حد در قیمت پایانی کندل قبلی خرید کنند، روند قوی است. در شکل (۳-۱۹)، به‌محض اینکه کندل ۱ در سقف خود بسته می‌شود، بعضی معامله‌گران به‌سرعت سفارش حد خریدی را در قیمتی که کندل بسته می‌شود می‌گذارند، به امید اینکه هنگام شروع کندل بعدی، کندل ۲ سفارششان انجام شود. ولی ازآنجایی‌که کف کندل ۲ هرگز به زیر قیمت پایانی کندل ۱ نمی‌آید، سفارش حد احتمالاً انجام نمی‌شود. در مقابل خریداران به تلاش خود برای خرید در قیمت بالاتر ادامه می‌دهند. کندل‌های ۳،۴ و ۵ هم قوی هستند، اگرچه به‌محض بسته شدن کندل، سفارش معامله‌گری که سفارش حد خریدی را در سطح آن قیمت پایانی گذاشته است، در چند ثانیه اولیه کندل ۴ انجام می‌شود زیرا کف کندل ۴ یک تیک به زیر قیمت بسته شدن کندل ۳ پایین می‌آید. معمولاً وقتی‌که یک سری از کندل‌های قوی مانند آن‌ها وجود دارد، آن کندل‌ها یک اسپایک می‌سازند و بازار معمولاً پس از آن یک کانال صعودی ایجاد می‌کند.

بااین‌حال، همیشه این‌گونه نیست. روز بعد، روند صعودی از کندل ۶ تا ۹ هم روندی قدرتمند است ولی منتهی به سقف پایین‌تری می‌شود. روز قبل یک روز روند اسپایک و کانال صعودی بود، بنابراین شروع کانال باید در روز جاری تست می‌شد. آن تست در بازار کششی روبه پایین است و وقتی‌که قیمت در زیر خط روند صعودی روز قبل باز می‌شود، سقف پایین‌تر پس از اسپایک کندل‌های ۶ تا ۹ منجر به کندل بازگشت نزولی می‌شود.

معامله‌گران سهام این کانال صعودی به سمت سقف روز قبل را به‌عنوان یک ازدحام معامله تشریح می‌کنند. هرکسی که می‌خواست بخرد قبلاً خریده است و خریداری باقی نمی‌ماند. به‌محض اینکه بازار شروع به سقوط می‌کند، تمام خریداران در کانال به‌سرعت در حال ضرر کردن موقعیتشان بودند و سپس همگی به سمت خروج حمله‌ور می‌شوند تا زیانشان را کمینه کنند و از قسمتی از سودشان محافظت کنند. نتیجه این است که بازار به‌سرعت سقوط می‌کند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

قیمت اولیه کانال صعودی الگوی اسپایک و کانال روز قبل را در شکل (۳-۱۹) رو به پایین می‌شکند و کندل ۶ یک کندل روند صعودی است که یک شکست صعودی نقض شده را ایجاد می‌کند. شکست نقض شده تبدیل به یک سقف پایین‌تر و پولبک شکست نزولی با یک ورودی ثانویه در زیر کندل صعودی که بعد از اسپایک نزولی ساعت ۷:۰۵ صبح می‌آید.

۲۰

دو موجی‌ها

بازار دائماً تلاش می‌کند که یک چیز را دو بار انجام دهد، به همین دلیل همه حرکات تمایل دارند به حرکات کوچکتری تقسیم شوند. این مورد در هر دو حالت هم‌جهت با روند و در خلاف جهت روند صحیح است. اگر در دو تلاش خود کاری از پیش نبرد، معمولاً تلاش خواهد کرد که مخالف آن کار را انجام دهد. اگر موفق شود، اغلب پس از آن روند را توسعه خواهد داد.

همه با یک پولبک ABC در یک روند که در سه موج آشکار می‌شود آشنا هستند. یک حرکت مخالف روند، یک حرکت کوچک در جهت روند که معمولاً به ورای روند نمی‌رود و سپس حرکت مخالف روند دیگری که معمولاً از اولی عمیق‌تر می‌شود وجود دارد. روندها خودشان هم تمایل دارند به همین راحتی به دو موج کوچکتر تقسیم شوند. دنبال کنندگان امواج الیوت به حرکت یک روند نگاه می‌کنند و سه موج در جهت روند[1] را می‌بینند. بااین‌حال، بهتر است که به اولین موج قوی در جهت روند به‌عنوان شروع مومنتم نگریسته شود (موج ۳ الیوت)، حتی اگر قبل از آن حرکت یا موجی در جهت روند وجود داشته باشد (موج ۱ الیوت). آن موج قوی در جهت روند اغلب به دو حرکت کوچکتر در جهت روند تقسیم می‌شود و بعد از یک پولبک، روند اغلب دو رانش دیگر ایجاد می‌کند تا انتهای روند را تست کند (این دو رانش موج ۵ الیوت را ایجاد می‌کنند). این دیدگاه دو موجی از بازار برخلاف تئوری امواج الیوت که برای اکثریت غریب به‌اتفاق معامله‌گرانی که تلاش

---

[1]. امواج ۱ و ۳ و ۵ الیوت که در جهت روند هستند. م

می‌کنند درآمد کسب کنند بلااستفاده است، برای یک معامله‌گر، منطقی‌تر به نظر می‌رسد چراکه فرصت‌های فراوان و به نظر منطقی را پیشنهاد می‌کند[۱].

شکست یک خط روند، شروع موج جدیدی در خلاف جهت روند است. هر زمانی روندی جدید یا تسلیم یک سمت وجود داشته باشد[۲]، معمولاً یک حرکت حداقل دو موجی به وجود خواهد آمد. این اتفاق می‌تواند در پولبکی از یک روند، یک شکست، یک بازگشت اصلی، یا هر زمانی که تعداد کافی از معامله‌گران اعتقاد پیدا کنند که حرکت، قدرت کافی را جهت تلاش دیگری برای تست تضمین می‌کند، خواه روندی ممتد توسعه یابد خواه نیابد، رخ دهد. خریداران و فروشندگان هردو قبول خواهند کرد که مومنتم به‌اندازه‌ای قوی هست که قبل از اینکه به یک جهت یا جهت دیگر اعتقاد راسخ پیدا کنند، نیاز به یک تست خواهد داشت. برای مثال، در یک رالی دو موجی در روندی نزولی، خریداران در بالای اولین موج سودشان را خواهند گرفت، فروشندگان جدید خواهند فروخت و فروشندگانی که در اولین موج رو به بالا فروخته بودند به‌محض اینکه دومین موج صعودی به بالای سقف اولین موج برود، به فروششان خواهند افزود. اگر تمام این فروشندگان بر معامله‌گرانی که شکست رو به بالای اولین موج رو به بالا را خریده‌اند غالب شوند، بازار نزولی خواهد شد و یا وارد یک محدوده معامله می‌شود یا وارد فاز نزولی جدیدی می‌شود.

بعضی از حرکات دو موجی پیچیده در طول چندین کندل رخ می‌دهند و اگر در تایم فریم بالاتر یک نمودار دیده شوند، واضح و ساده ظاهر می‌شوند. بااین‌حال، هر موقع که معامله‌گران توجه خود را از نمودارهای معاملاتشان منحرف کنند، شانس از دست دادن معامله‌ای مهم را افزایش خواهند داد. چک کردن تایم فریم بالای یک نمودار برای سیگنالی در روز که ممکن است به‌سادگی انجام دهند تصمیم مالی درستی نیست.

دو موجی‌ها ایده آل هستند ولی بعضی مواقع با الگوهای سه موجی همپوشانی دارند. وقتی یک سقف دوقلو یا کف دوقلوی واضحی وجود دارد، دومین رانش تست قیمت قبلی است که قیمت پیش‌تر در آن معکوس شده است و اگر دوباره در آن قیمت نقض شود، یک بازگشت یا پولبک محتمل است. ولی زمانی که اولین حرکت به‌طور واضح انتهای احتمالی یک روند نباشد، آنگاه بازار اغلب یک تست دو موجی از آن انتها را می‌سازد. بعضی مواقع هر دو موج ورای آن انتهای قبلی می‌روند و یک الگوی بدیهی سه موجی را ایجاد می‌کنند. در دیگر مواقع دومین موج به انتهای قبلی

---

[۱]. با عرض پوزش از محضر جناب ال بروکس و کسب اجازه از خوانندگان محترم، همان‌طور که می‌دانید امواج الیوت در هر موج خود دارای ۳ موج رانشی یا ایمپالسیو و ۲ موج اصلاحی هستند، امواج ایمپالسیو هم خود دارای ۳ موج ایمپالسیو هستند نه ۲ موج؛ بنابراین موج ۵ نیز خود دارای ۵ موج است که ۳ موج آن در جهت روند هستند. م

[۲]. وقتی یک روند جدید شروع می‌شود یعنی اینکه یک طرف معامله (خریداران یا فروشندگان) در مقابل دیگری تسلیم می‌شوند. م

می‌رسد و یک سقف بالاتر دو موجی احتمالی در انتهای یک روند صعودی یا یک کف پایین‌تر دو موجی در انتهای یک روند نزولی ایجاد می‌کند.

بعضی مواقع یک موج یا هردو موج از یک حرکت دو موجی، ترکیبی از دو موج کوچکتر هستند طوری که کل حرکت درواقع دارای سه موج است. این حالتی است در بین بسیاری از الگوهای سه رانشی که اغلب دو مورد از رانش‌ها درواقع تنها قسمتی از یک موج هستند. بااین‌حال، اگر به‌دقت به موجی نگاه کنید که دو موج کوچک دارد و به این فکر کنید که چه اتفاقی در حال رخ دادن است، آن موج با دو موج کوچکش از نظر قدرت یا زمانی که می‌گیرند یا شکل کلی، با موجی که فقط یک حرکت دارد قابل مقایسه است. این برای معامله‌گرانی که به دنبال الگوهای عالی هستند سخت و ناامیدکننده است، ولی وقتی‌که معامله می‌کنید، همیشه در هاله‌ای از ابهام[1] قرار دارید و هیچ‌چیز کاملاً واضح نیست. بهر حال، هر وقت که در مورد خواندنتان مطمئن نیستید، معامله نکنید، همیشه قبل از اینکه خیلی دیر شود معامله دیگری وجود دارد که برای شما بسیار واضح‌تر است. یکی از مهم‌ترین اهداف شما اجتناب از موقعیت‌های گیج‌کننده است، زیرا ضررها را خیلی سخت می‌شود جبران کرد. شما دوست ندارید که بقیه روز را به تقلا برای برگشتن به نقطه سربه‌سر سپری کنید، بنابراین صبور باشید و تنها معاملاتی را انجام دهید که به‌راحتی آن‌ها را می‌خوانید.



شکل (۱-۲۰) هر موج از امواج کوچکتر ساخته می‌شود

[1]. gray fog

هر شکست خط روند و هر پولبک، یک موج است و هر موج بزرگتری از امواج کوچکتری ساخته شده است (شکل (۱-۲۰) را ببینید). واژه موج بسیار کلی است و درواقع یعنی اینکه جهت حرکت، با استفاده از هر معیاری که جهت تشخیص تغییر انتخاب می‌کنید، عوض می‌شود.

بخش چهارم

الگوهای رایج روند

روزهای روند می‌توانند به انواع مشخصی طبقه‌بندی شوند و اگر با مشخصات هر نوع آشنا شوید، آمادگی لازم جهت مشخص کردن موقعیت‌های ویژه در زمان برپایی آن‌ها را خواهید داشت. اسم‌ها مهم نیستند زیرا تمام چیزی که یک معامله‌گر باید بداند چگونگی خواندن رفتار قیمت است که برای هر الگویی یکسان است. در بیشتر روزهای روند اشکال بیش از یک نوع از روند آشکار خواهد شد، ولی با سردرگمی یا ناامیدی به آن نگاه نکنید. در عوض، آن روند یک فرصت است زیرا زمانی که با چگونگی توسعه هر روند آشنا می‌شوید موقعیت‌های قابل معامله بیشتری وجود خواهد داشت.

با در نظر گرفتن تمام الگوهای روند، تنها دلیل به‌کارگیری اسامی این است که آن‌ها به‌طورمعمول الگوهای تکرارشونده هستند. اگر یکی از آن‌ها را در زمان رشد آن تشخیص دهید، باید تنها بر روی معامله کردن در جهت روند تمرکز کنید و با اطمینان قسمت بزرگی از معامله خود را سوییِنگ کنید. موقعیت‌ها مانند روزهای محدوده معامله خواهند بود، ولی باید تلاش کنید هر ورودی در جهت روندی را بگیرید، فارغ از اینکه آن موقعیت چقدر ضعیف به نظر می‌رسد، فقط درصورتی‌که کندل بازگشت خوبی وجود داشته باشد و فقط درصورتی‌که هنوز قادر به گرفتن هر سیگنالی در جهت روند باشید، باید ورودی‌ها در خلاف جهت روند را تنها بعد از شکستن یک خط روند مدنظر قرار دهید. اگر متوجه شدید که در حال از دست دادن هر ورودی در جهت روند هستید، معامله در خلاف جهت روند را متوقف کنید و فقط بر روی موقعیت‌های در جهت روند تمرکز کنید. روی معاملات در خلاف جهت روند، باید موقعیت ورودی‌تان را اسکالپ کنید. همچنین در هر روز نباید بیشتر از دو یا سه معامله برخلاف روند را پیدا کنید; اگر این کار را انجام دهید، زمان زیادی را در جهت اشتباه صرف می‌کنید و احتمالاً سوییِنگ‌های عالی در جهت روند را از دست می‌دهید. هر چه روند قوی‌تر باشد، باید بیشتر در جهت روند سوییِنگ کنید و نه اینکه برخلاف روند معامله اسکالپ انجام دهید. در یک روند بسیار قوی، تمام معامله‌گران باید در جهت روند سوییِنگ کنند (از نوسانگیری دوری کنید) و هیچ معامله اسکالپ برخلاف جهت روندی نباید انجام گیرد، هر چقدر هم که وسوسه کننده باشند.

نوسان اولیه معمولاً سرنخ‌هایی از چگونه ظاهر شدن آن روز به دست می‌دهد و این‌ها با جزئیات در بخش الگوهای اولیه و بازگشت‌ها در سومین کتاب بحث شده است. در کل، اگر نوسان اولیه کوچک باشد، به دنبال آن یک شکست خواهد آمد. اگر نوسان اولیه حدوداً نصف نوسان روزهای اخیر باشد، شکست اغلب منجر به حرکتی اندازه‌گیری شده و یک محدوده معامله دارای روند خواهد شد. اگر نوسان اولیه بزرگ باشد، معمولاً یک اسپایک وجود دارد و آن روز احتمالاً تبدیل به یک الگوی اسپایک و کانال روند روز خواهد شد.

زمانی که با این الگوها آشنا باشید، خواهید فهمید که می‌توانید برپایی بالقوه آن‌ها را در ۳۰ تا ۶۰ دقیقه اول ببینید. اگر این کار را انجام دهید، خودتان را مجاب به گرفتن هر معامله در جهت روند و سوییِنگ کردن قسمتی از موقعیت خود کنید. بعضی مواقع در بخش سوییِنگ خودتان چند بار با حد ضرر خارج می‌شوید، ولی به سوییِنگ کردن قسمتی از معاملات ادامه دهید به خاطر اینکه اگر آن روز تبدیل به روز روند شود، یک سوییِنگ می‌تواند به‌اندازه ۱۰ معامله اسکالپ به شما سود دهد.

به‌عنوان یک نتیجه، اگر نمی‌توانید برپایی یکی از این الگوها را ببینید، فرض کنید آن روز در محدوده معامله است و به دنبال ورودی در هردو جهت باشید. همچنین، در هر زمانی یک روز دارای روند می‌تواند به یک روز دارای محدوده معامله یا روندی در جهت مخالف تبدیل شود. هنگام روی دادن این اتفاق، از علت آن نپرسید و از آن ناراحت نشوید. فقط آن را بپذیرید و معامله کنید.

۲۱

الگوی روند اسپایک و کانال

مشخصات اصلی روزهای الگوی روند اسپایک و کانال:

- اسپایکی وجود دارد که از یک یا چند کندل روند ساخته شده است و این نشان می‌دهد که بازار در حال شکست به یک وضعیت روند غالب است. در طول اسپایک، احساس ضرورتی جهت ورود وجود دارد و معامله‌گران به موقعیتشان می‌افزایند آن‌چنان‌که در معامله ایجاد ازدحام می‌کنند. اسپایک عامل مؤثر یک شکاف فرار است (در کتاب ۲ بحث شده است).
- اسپایک معمولاً در اولین ساعت و اغلب در میان چند کندل اول روز شکل می‌گیرد.
- هر چقدر شکست قوی‌تر باشد، احتمال ادامه آن به شکل یک کانال و احتمال ممتد شدن کانال بیشتر خواهد بود (بخش قدرت روندها در فصل ۱۹ و قدرت شکست‌ها در فصل ۲ کتاب ۲ را ببینید).
- وقتی شکست قوی است، این شکست اغلب مبنای یک حرکت اندازه‌گیری شده درجایی است که کانال ممکن است به اتمام برسد و درنهایت بتوانید قسمتی یا کل سودتان را بگیرید.
- بلافاصله بعد از اسپایک، پولبکی وجود دارد که می‌تواند به‌اندازه یک کندل سیگنال کوتاه یا به‌اندازه چندین کندل بلند باشد.
- روند به شکل یک کانال از سر گرفته می‌شود. در طول کانال، به دلیل معاملات دو طرفه احساس تردید و نگرانی وجود دارد.

- وقتی بازار کانالیزه می‌شود، بهتر است آن را مانند یک محدوده معامله دارای روند معامله کنید (برای مثال، در یک کانال صعودی، بهتر است در زیر کف کندل قبلی بخرید و قسمتی از معامله را به‌قصد سوییِنگ نگاه دارید و اگر فروشی انجام می‌دهید، در بالای سقف سوییِنگ یا سقف کندل‌های قبلی بفروشید و اساساً اسکالپ کنید).
- کانال بندرت در جهت روند شکسته می‌شود، ولی وقتی شکسته شد، معمولاً شکست طی ۵ کندل نقض می‌شود و سپس برمی‌گردد.
- کانال در هدف حرکتی اندازه‌گیری شده و اغلب روی سومین رانش به پایان می‌رسد.
- اگر کانال برخلاف جهت روند شکسته شود، همان‌طور که معمولاً درنهایت می‌شکند، در شکست وارد نشوید، در عوض منتظر پولبک بمانید (برای مثال، اگر یک اسپایک و کانال صعودی وجود داشته باشد و بازار کانال را به‌طرف پایین بشکند، به دنبال فروش سقف پایین‌تر باشید).
- بازار معمولاً به نقطه شروع کانال اصلاح می‌شود که تست شکاف است (اسپایک، مانند تمام اسپایک‌ها، یک شکاف محسوب می‌شود).
- سپس بازار حداقل ۲۵ درصد در جهت روند به عقب برمی‌گردد به خاطر اینکه تمایل دارد یک محدوده معامله را تشکیل دهد. در یک اسپایک و کانال صعودی، پولبک اغلب با کف کانال یک کف دوقلوی پرچم صعودی تشکیل می‌دهد که کف پولبکی است که به دنبال اسپایک صعودی می‌آید.
- وقتی الگوی اسپایک و کانال ضعیف باشد، به‌احتمال‌زیاد یک محدوده معامله دارای روند است (در فصل بعدی تشریح شده است).

اسپایک و کانال روند، رایج‌ترین نوع روند است و تقریباً در هر روز و هر روند به شکلی ظاهر می‌شود. گونه‌های بی‌شماری از آن وجود دارد و اغلب بسیاری از این الگوهای کوچکتر، در دل الگوهای بزرگ‌تر قرار می‌گیرند. به خاطر اینکه این الگو اغلب نیروی کنترلی رفتارهای خیلی زیاد قیمت است، درک آن برای معامله‌گران الزامی است. این الگو، الگویی با دو محتوی است. هر روندی دارای دو فاز اسپایک و کانال است و همه روندها در هر زمانی در یکی از این دو حالت قرار دارند. نخست، درجایی که بازار به‌سرعت حرکت می‌کند، اسپایکی متشکل از یک یا چند کندل وجود دارد. یک حس ضرورت وجود دارد و همه معتقدند که بازار مسافت بیشتری را طی می‌کند. درجایی که بازار با سرعت از یک سطح قیمت به سطح قیمتی دیگری می‌رود، آن اسپایک یک شکاف فرار است. دوم، یک پولبک وجود دارد که می‌تواند به کوتاهی یک کندل باشد یا به‌اندازه چندین کندل طول بکشد و حتی به ورای شروع اسپایک برگردد. برای مثال اگر یک اسپایک صعودی وجود داشته

باشد، بعضی اوقات پولبک به زیر کف اسپایک سقوط می‌کند و سپس کانال شروع می‌شود. بعد از پولبک، روند به یک کانال تبدیل می‌شود که حس ضرورت کمتر و حس نگرانی و تردید بیشتر است. این همان دیوار نگرانی است که بعضی مواقع می‌شنوید که کارشناسان تلویزیون به آن اشاره می‌کنند. همه می‌بینند که معامله دو طرفه رخ می‌دهد و روند همواره این‌گونه به نظر می‌رسد که رو به اتمام است، حال آنکه هنوز هم درحال‌توسعه است. معامله‌گران برای گرفتن سودشان سرعت عمل به خرج می‌دهند، ولی همچنان که روند ادامه می‌یابد، آن‌ها مجدداً وارد شده یا به موقعیتشان می‌افزایند به خاطر اینکه مطمئن نیستند که روند چه زمانی به اتمام می‌رسد و می‌خواهند مطمئن شوند که در روند مشارکت دارند. استثنائا، فاز دوم اسپایک و سپس کانال دیگری در آنجا خواهد بود، ولی معمولاً دومین اسپایک تبدیل به یک شکست نقض شده می‌شود و به دنبال آن یک اصلاح می‌آید. برای مثال، اگر یک اسپایک صعودی و سپس یک کانال صعودی با مومنتم پایین‌تر وجود داشته باشد، بازار می‌تواند با اسپایک صعودی دیگری کانال را رو به بالا بشکند. بندرت، به دنبال آن کانال صعودی دیگری می‌آید، ولی در بیشتر مواقع اسپایک تبدیل به شکستی نقض شده می‌شود و بازار پس از آن به سمت پایین اصلاح می‌شود.

وقتی بازار یک سری از کندل‌های بزرگ با پولبک‌های کوچک یا بدون پولبک داشته باشد، این روند قوی یک اسپایک است. اسپایک می‌تواند یک کندل روند، یک سری از کندل‌های روند با همپوشانی کم، یا بعضی مواقع حتی کانالی بسیار فشرده باشد. درواقع، یک اسپایک روی تایم فریم داده شده یک کانال فشرده و پرشیب روی تایم فریمی کوچکتر است. همچنین، کانال‌های پرشیب فشرده اسپایک‌هایی در تایم فریم‌های بالاتر هستند. اسپایک در اولین مکث یا پولبک به پایان می‌رسد، ولی اگر طی یک یا دو کندل از سر گرفته شود، یا تبدیل به اسپایک ثانویه می‌شود به اسپایکی در تایم فریم بزرگتر تبدیل می‌شود. یک اسپایک می‌تواند به کوچکی یک کندل روند سایز متوسط باشد یا می‌تواند به‌اندازه ۱۰ کندل یا بیشتر به طول بیانجامد. اسپایک‌ها، اوج‌ها و شکست‌ها باید یکسان تصور شوند و آن‌ها در فصل شکست‌ها در کتاب ۲ بیشتر بحث شده‌اند. در یک اسپایک صعودی، همه موافق هستند که اینجا برای فروشندگان محدوده ارزش نیست و بنابراین بازار باید بالاتر رود تا قیمت‌هایی پیدا کند که خریداران و فروشندگان هردو تمایل به دادوستد پیدا کنند. بازار به حرکت سریع رو به بالای خود ادامه خواهد داد تا اینکه خریداران تمایل داشته باشند که قسمت‌هایی از سودشان را خارج کنند و میل به خرید موقعیت جدید کمتری داشته باشند و فروشندگان شروع به فروش کنند. این باعث ایجاد مکث یا پولبک می‌شود و این اولین نشانه از معامله دو طرفه قابل‌توجه است. برخلاف مطالب مذکور برای یک اسپایک نزولی صادق است.

تقریباً تمام روندها با یک اسپایک شروع می‌شوند، حتی اگر یک کندل روند تنها باشد و تا چندین کندل بعدی به‌عنوان شروع یک روند قابل‌تشخیص نباشد؛ بنابراین، تقریباً تمامی روندها گونه‌هایی از اسپایک و کانال روند هستند. بااین‌حال، وقتی‌که روند مشخصات بیشتری از یکی از انواع دیگری از روندهای بحث شده در این فصل داشته باشد، باید آن را به‌عنوان آن انواع دیگری برای بیشینه کردن شانس موفقیتتان معامله کنید.

مطابق تعریف، اسپایک بلافاصله قبل از اولین کندل مکث یا پولبک به پایان می‌رسد زیرا این مکثی است که انتهای اسپایک را مشخص می‌کند. بازار پس از آن می‌تواند برای انجام یکی از سه چیز واضح اقدام کند: روند می‌تواند از سر گرفته شود، بازار می‌تواند وارد یک محدوده معامله شود، یا روند می‌تواند معکوس شود. اولین احتمال رایج‌تر است. بازار به‌اندازه یک جفت کندل، یا شاید چندین کندل عقب‌نشینی می‌کند و سپس روند از سر گرفته می‌شود. این پولبک یک تست شکاف (به خاطر داشته باشید که اسپایک یک شکاف است) و شروع کانال است. وقتی‌که روند از سر گرفته می‌شود، همان‌طور که با کندل‌های همپوشان، شیب کمتر، تعدادی پولبک و تعدادی کندل روند در جهت مخالف مشخص می‌شود، معمولاً قدرت کمتری دارد. این یک کانال است و الگو پس از آن تبدیل به یک اسپایک و کانال روند می‌شود.

دومین احتمال در صورتی رخ می‌دهد که پولبک بیش از ده کندل کشیده شود. سپس به یک محدوده معامله رشد می‌کند که می‌تواند در هردو جهت شکسته شود. درکل، احتمالات همیشه به نفع آن است که شکست محدوده معامله در جهت روند اصلی باشد اگر محدوده معامله برای مدت طولانی امتداد یابد، درواقع در تایم فریم بالاتر یک پرچم است (برای مثال، یک محدوده معامله سه روزه در تایم فریم ۵ دقیقه‌ای نمودار که به دنبال یک اسپایک صعودی می‌آید، در تایم فریم ۶۰ دقیقه‌ای یک پرچم صعودی خواهد بود و احتمالات به نفع یک شکست صعودی است). این یک وضعیت ازسرگیری روند است و بعداً در این فصل بحث می‌شود. اگرچه روند معمولاً قبل از پایان روز از سر گرفته می‌شود و آن روزبه‌روز از سرگیری روز روند تبدیل می‌شود، شکست از محدوده معامله بعضی مواقع طی چند کندل می‌تواند نقض یا معکوس شود (بازگشت‌های پرچم نهایی در کتاب ۳ در بخش بازگشت‌ها بحث شده‌اند). در موارد نادری، محدوده معامله برای چندین کندل یا حتی چندین روز طول می‌کشد و نوسانات خیلی کوچکی دارد (این یک محدوده معامله فشرده است و در کتاب ۲ در بخش محدوده‌های معامله بحث شده است). همانند هر محدوده معامله‌ای، شکست می‌تواند در یکی از دو جهت رخ دهد ولی احتمال شکست آن در جهت روند اندکی بیشتر است.

احتمال سوم آن است که بازار معکوس شود. به همان اندازه که پولبک برخاسته از اسپایک به‌اندازه‌ای قدرت ندارد که معامله در جهت روند غالب را در جهت مخالف بچرخاند، بازار احتمالاً روند را ادامه خواهد داد و ادامه روند تقریباً همیشه به شکل کانال خواهد بود. در موارد کمی، بازار معکوس خواهد شد و اسپایکی در جهت مخالف تشکیل خواهد داد. وقتی این اتفاق رخ دهد، بازار احتمالاً پس از آن وارد محدوده معامله خواهد شد زیرا خریداران و فروشندگان بر سر ادامه روند مبارزه خواهند کرد. خریداران به خریدشان ادامه می‌دهند برای اینکه تلاش می‌کنند که یک کانال صعودی ایجاد کنند تا اسپایک صعودی‌شان را تعقیب کنند و فروشندگان به فروش خود جهت ایجاد یک کانال نزولی ادامه می‌دهند تا پیرو اسپایک نزولی خود باشند. اگرچه محدوده معامله می‌تواند درزمان باقیمانده روز طول بکشد، معمولاً یک طرف برنده شده و بازار شکسته می‌شود. در آن نقطه، یا تشکیل یک کانال می‌دهد و آن روز تبدیل به یک اسپایک و کانال روند روز می‌شود یا به دنبال شکست به‌زودی محدوده معامله دیگری می‌آید و بازار تشکیل یک روز محدوده معامله دارای روند می‌دهد که در فصل بعدی توضیح داده شده است.

در کنار برگشت با یک اسپایک در جهت مخالف، اگر یک محدوده معامله بعد از اسپایک شکل گیرد، بازار می‌تواند معکوس شود. برای مثال، اگر یک اسپایک صعودی و سپس یک محدوده معامله وجود داشته باشد، در حدود یک‌سوم حالات بازار بجای سقف محدوده معاملات، کف آن را خواهد شکست. شکست می‌تواند به همراه یک اسپایک نزولی شدید و بزرگ باشد، ولی در بیشتر مواقع با یک کندل روند نزولی معمولی است که به دنبال آن یک کانال نزولی می‌آید.

اگر یک کانال تشکیل دهد، بهتر است آن را فقط در جهت روند معامله کنید. بعضی مواقع سوینگ‌های بزرگی در کانال وجود دارد که می‌توانند همچنان که کانال رشد می‌کند، فرصت‌های معاملات اسکالپ در خلاف جهت روند را فراهم کنند. آگاه باشید که کانال‌ها می‌توانند بسیار بیشتر از آنچه که ممکن است تصور کنید به طول انجامند و همیشه طوری به نظر می‌آیند که گویا می‌خواهند معکوس شوند. در طول مسیر، پولبک‌های زیادی وجود دارند که معامله‌گران را در جهت اشتباهی به دام می‌اندازد. معمولاً کندل‌های سایه‌دار زیادی وجود دارند، کندل‌های روند زیادی در جهت مخالف وجود دارند، ولی هنوز یک روند است و معامله کردن پیش از موعد در خلاف جهت روند بسیار پرهزینه است.

بعضی روزها حرکتی با مومنتم اولیه قدرتمند دارند (یک اسپایک) و سپس روند بقیه روز را در یک کانال با شیب کم ادامه می‌دهد. بااین‌وجود، کانال بعضی مواقع شتاب می‌گیرد و بجای مسیری خطی، یک انحنای سهموی را دنبال می‌کند. در دیگر مواقع، مومنتم را از دست داده و منحنی صاف‌تری شکل می‌دهد. صرفه نظر از این، ابتدای کانال بعداً درهمان روز یا روز بعد یا دو روز بعد

تست می‌شود و سپس به دنبال تست می‌تواند یک محدوده معامله یا روندی در یکی از دو جهت ظاهر شود. چیز مهمی که باید بدانید آن است که اگر کانال نسبتاً فشرده باشد، تنها در جهت روند قابل معامله است زیرا پولبک به‌اندازه‌ای دور نخواهد شد که یک معامله خلاف روند سود ده به وجود آید. در موارد نادری، کانال نوسانات گسترده‌ای دارد و در هر دو جهت قابل معامله است.

بعد از به وجود آمدن شکست مخالف روند کانال، باید جهت جستجوی ورودی‌ها در جهت مخالف روند آماده باشید، چراکه شانس خوبی در برگشت حرکت روند در تمام طول مسیر جهت تست ابتدای روند و تلاش برای شکل دادن یک محدوده معامله وجود دارد. به خاطر داشته باشید که یک کانال، گذشته از اینکه چقدر شیب دارد، پرچمی در جهت مخالف است. کانال صعودی یک پرچم نزولی و کانال نزولی یک پرچم صعودی است. همچنین، حتی با اینکه یک کانال یک محدوده معامله شیب‌دار است، اولین موج از یک محدوده معامله بزرگتر هم هست و بازگشت معمولاً به محدوده‌ای نزدیک شروع کانال انجام می‌گیرد. برای مثال، اگر یک اسپایک صعودی و سپس یک پولبک و پس از آن یک کانال صعودی وجود داشته باشد، کانال صعودی معمولاً اولین موج از یک محدوده معامله است که هنوز آشکار نشده است. بازار معمولاً به سمت کف کانال اصلاح می‌شود، جایی که تلاش خواهد کرد که با کف کانال یک کف دوقلوی پرچم صعودی تشکیل دهد. این معمولاً منجر به جهشی می‌شود که سومین موج از محدوده معامله درحال‌توسعه است. بعد از جهش، معامله‌گران باید الگوهای دیگری را جستجو کنند زیرا قابلیت پیش‌بینی اسپایک و کانال در این ناحیه به پایان می‌رسد. یک اسپایک یک شکست محسوب می‌شود، یعنی اینکه شکافی بین نقطه شکست و اولین پولبک وجود خواهد داشت که شروع کانال است. تست کف کانال یک تست شکاف و یک تست شکست است.

معامله‌گران سهام اغلب انتهای یک کانال را به‌عنوان ازدحام معامله توضیح می‌دهند زیرا معتقدند که هرکسی که علاقه‌مند به سهام باشد تا اینجا خرید خود را انجام داده است و در اینجا کسی باقی نمی‌ماند که خرید انجام دهد. آن‌ها سپس یک ریزش سریع به‌سوی ابتدای کانال را انتظار دارند زیرا تمام خریداران کانال خارج می‌شوند. زمانی که سهام ریزش می‌کند، علت به وجود آمدن موج نزولی را تمام خریدارانی می‌دانند که دیر وارد می‌شوند و زیان‌های بی‌پایانی دارند وجهت کمتر کردن آن‌ها به‌سرعت از بازار خارج می‌شوند. آن هجوم به‌سوی خروج جماعت خریداران منجر به‌سرعت و عمق ریزش می‌شود. بدیهی است که عوامل زیادی وجود دارند که باعث هر حرکتی می‌شوند، ولی وقتی یک اصلاح شدید نزولی به سمت ابتدای کانال وجود دارد، احتمالاً این مورد گفته شده مؤلفه مهمی است.

ازآنجاکه دومین بخش از الگو یک کانال است، رفتار در طول فاز کانال مانند هر کانال دیگری است. تقریباً تمام الگوهای اسپایک و کانال صعودی با یک شکست از کف کانال و یک تست به حدود کف کانال خاتمه می‌یابد. راحت‌ترین موقعیت بازگشتی که می‌توان مشخص کرد الگوی سه رانشی در یک کانال گوه‌ای شکل است که سومین رانش از خط کانال روند عبور می‌کند و با یک کندل بازگشتی قدرتمند برمی‌گردد، مخصوصاً اگر یک ورودی ثانویه وجود داشته باشد. بااین‌وجود در بیشتر اوقات بازگشت خیلی واضح نیست و بهتر است منتظر یک موقعیت پولبک شکست باشید. برای مثال اگر شکست رو به پایین یک کانال صعودی وجود داشته باشد، برای یک پولبک به سقف بالاتر یا پایین‌تر صبر کنید و اگر یک موقعیت نزولی خوبی وجود داشته باشد، اقدام به فروش کنید. اگر ریزش به کف کانال برسد و موقعیت خریدی را ایجاد کند، آنگاه برای جهش کف دوقلوی پرچم صعودی به دنبال ورود به معامله خرید باشید.

اگر اسپایکی قدرتمند و هر پولبکی، حتی یک کندل منفرد وجود داشته باشد و سپس روند از سر گرفته شود، احتمال به نفع یک الگوی اسپایک و کانال روند است. برای مثال، اگر یک اسپایک قدرتمند صعودی وجود داشته باشد که یک محدوده معامله را بشکند و سپس یک کندل داخلی موجود باشد و سپس کندلی وجود داشته باشد که به زیر کندل داخلی سقوط کند ولی به سمت کندل بازگشت صعودی بازگردد، معامله‌گران در بالای آن کندل به انتظار یک کانال صعودی خواهند خرید. به‌محض اینکه بازار به بالای آن کندل بازگشت می‌رود، یک کانال در جریان است. می‌تواند یک رانش صعودی تنها داشته باشد که از یک تا چندین کندل به طول می‌انجامد (بازگشت پرچم نهایی که در کتاب ۳ توضیح داده شده است) و سپس به سمت یک موج نزولی برمی‌گردد، یا می‌تواند دو یا چند موج داشته باشد و سپس برگردد. اگر کانال صعودی در محدوده‌ای مانند نزدیک سقف محدوده معامله، درحال‌توسعه باشد که یک بازگشت به نظر محتمل باشد، قبل از اینکه بتوان خط کانال واضحی را ترسیم کرد، ممکن است بعد از دو موج صعودی برگردد. اگر در محدوده‌ای در حال تشکیل باشد که یک روند صعودی محتمل است، مانند یک بازگشت صعودی از یک الگوی کف قدرتمند، معمولاً حداقل ۳ موج خواهد داشت، ولی می‌تواند بسیار بیشتر داشته باشد.

یک کانال تا کجا می‌تواند پیشروی کند؟ در یک روند قوی، معمولاً بسیار بیشتر از آن می‌رود که بیشتر معامله‌گران اعتقاد به‌احتمال آن دارند. بااین‌حال، اگر اسپایک بزرگ باشد، یک هدف حرکت اندازه‌گیری شده از اولین قیمت یا کف اولین کندل اسپایک تا قیمت پایانی یا سقف آخرین کندل اسپایک است و آنگاه اندازه این فاصله را به سمت بالا تصویر کنید. هدف حرکت اندازه‌گیری

شده دیگری موج ۱=موج ۲ است که موج ۱ اسپایک و موج ۲ کانال است. نگاه کنید که ببینید آیا زمانی که کانال به هدف حرکت اندازه‌گیری شده خود می‌رسد یک بازگشت ایجاد می‌شود یا خیر.

معمولاً تصاویر حرکت اندازه‌گیری شده و هدف‌های خط روند و خط کانال روند را هم خواهید دید، ولی بیشتر این اهداف نقض خواهند شد، مخصوصاً اگر روند خیلی قوی باشد. بااین‌حال، جستجوی آن‌ها مهم است زیرا وقتی یک بازگشت سرانجام برپا می‌شود، معمولاً روی یکی از این مقاومت‌ها خواهد بود و به شما اطمینان بیشتری جهت انجام معامله مخالف روند خواهد داد. در کل، زیر نظر گرفتن اهداف حرکت اندازه‌گیری شده به‌عنوان محدوده‌هایی برای گرفتن سود بسیار بهتر از موقعیت‌هایی است که در آنجا وارد معاملات بازگشتی می‌شوید. معامله‌گران تنها زمانی که موقعیت قوی باشد باید معامله بازگشت انجام دهند و معامله‌گری بازگشت در کتاب ۳ به بحث گذاشته شده است. معامله‌گران مجرب در هدف‌های حرکت اندازه‌گیری شده اغلب برخلاف روند معامله اسکالپ انجام خواهند داد، بعضی مواقع اگر بازار برخلاف آن‌ها حرکت می‌کند پله‌ای وارد می‌شوند (ورود پله‌ای در کتاب ۲ آمده است)، ولی معامله‌گران اندکی می‌توانند این کار را همراه با سود انجام دهند بیشترشان در صورت تلاش کردن ضرر می‌کنند.

یک اسپایک قوی نشانه‌ای است از اینکه بازار به‌سرعت در حال حرکت به‌سوی سطح قیمتی جدیدی است که در آنجا خریداران و فروشندگان هردو احساس می‌کنند جایی است که ارزش معامله کردن را دارد. بازار به‌سرعت از منطقه دارای ارزش عبور می‌کند و سپس به عقب بازگشت می‌کند به جایی که تبدیل به محدوده معامله می‌شود. به خاطر اینکه خریداران و فروشندگان از قیمت در این محدوده جدید راضی هستند، احتمال جهتی یک حرکت با فاصله یکسان در وسط محدوده معامله در حدود ۵۰ درصد است؛ یعنی اینکه یک احتمال تقریباً مساوی وجود دارد که بازار به‌اندازه X تیک به سمت بالا حرکت کند قبل از اینکه X تیک به سمت پایین حرکت کند. این تردید نشانه‌ای از محدوده معامله است. مهم نیست که چرا بازار دارای روند می‌شود. آنچه که مهم است آن است که به‌سرعت حرکت می‌کند. می‌توانید حرکت را به‌عنوان یک شکست و فرار از برخی قیمت‌های قبلی ببینید یا به‌عنوان حرکتی در جهت جاذبه ببینید. آن جاذبه می‌تواند یک سطح قیمتی کلیدی مانند یک اسپایک قبلی، یک حرکت اندازه‌گیری شده، یا یک خط روند باشد. یا می‌توانید شکست را حرکتی به سمت سطح خنثی تصور کنید که در آنجا احتمال تصادفی یک‌بار دیگر در حدود ۵۰ درصد است. این اتفاق همیشه در محدوده معامله رخ می‌دهد، بنابراین زمانی که احتمال تصادفی تا ۵۰ درصد سقوط می‌کند، یک محدوده معامله مشهود خواهد شد. روند حرکتی ساده از یک محدوده معامله به محدوده معامله دیگری است و هنگامی‌که در محدوده معامله جدید،

خریداران و فروشندگان هر دو به‌منظور گرفتن موقعیت در حال انجام معامله هستند آنچه که آن‌ها باور دارند شکست بعدی خواهد بود؛ که در کتاب ۲ قسمت ریاضیات معامله بحث شده است.

به‌عنوان یک مثال، اگر بازار در یک کانال صعودی باشد، احتمال جهتی یک حرکت با فاصله یکسان شروع به سقوط می‌کند و در نقطه نامشخص به ۵۰ درصد می‌رسد این سرانجام وسط محدوده معامله خواهد بود، ولی هنوز کسی نمی‌داند که آن کجاست و بازار معمولاً جهت جستجوی ناحیه خنثی، باید به سمت بالا و پایین جهش کند. همچنان که بازار در یک کانال بالا می‌رود، معامله‌گران می‌پندارند که احتمال جهتی قیمت‌های بالاتر هنوز بیش از ۵۰ درصد است تا اینکه آشکارا کمتر از ۵۰ در صد باشد. آن وضوح در تعدادی جاذبه رخ می‌دهد و در آن نقطه همه می‌بینند که بازار بیش‌ازاندازه رشد کرده است. این سطح محدوده کلی سقف محدوده معامله خواهد بود و احتمال جهتی در بالای محدوده معامله به نفع فروشندگان خواهد بود. نتیجه آن است که بازار در جستجو برای خنثایی به سمت پایین معامله خواهد شد، ولی معمولاً دوباره اضافه جهش خواهد داشت زیرا خنثایی هرگز واضح نیست ولی عدم تعادل هست. زمانی که بازار به یک مگنت می‌رسد (از مباحث کتاب ۲)، معامله‌گران خواهند دید که قیمت بسیار پایین‌تر رفته است و به سمت بالا بر خواهد گشت. سرانجام محدوده فشرده‌تر خواهد شد چراکه معامله‌گران در منطقه خنثی آرام می‌گیرند که سطح قیمتی است که خریداران و فروشندگان هردو احساس می‌کنند که موقعیت گرفتن در اینجا ارزشمند است. آن‌ها در تعادل هستند و بازار پس از آن در حالت شکست قرار می‌گیرد. قبل از خرید، ارزش ملاحظه شده تغییر خواهد کرد و بازار باید دوباره شکسته شود تا محدوده ارزش جدیدی را پیدا کند.

زمانی که مشخص کردید که یک اسپایک و کانال در جریان است، معاملات برخلاف جهت روند را به امید اینکه یک پولبک ABC به‌اندازه‌ای کشیده خواهد شد که سود یک معامله اسکالپ نصیب شما کند، انجام ندهید. به خاطر اینکه همواره هیچ شکست خط روند قبلی وجود نخواهد داشت و فشردگی کانال، معامله در جهت خلاف روند را به یک استراتژی بازنده تبدیل می‌کند. واماندگی این اسکالپ‌های مخالف روند، موقعیت‌های عالی در جهت روند هستند. درست در موقعیتی وارد شوید که معامله‌گران ضد روند با فعال شدن حد ضررشان در حال خروج هستند.

معامله‌گران سلطه‌جو با استفاده از سفارشات حد وارد کانال می‌شوند تا زمان آشکار شدن معامله دو طرفه، در جهت روند معامله می‌کنند و در آن نقطه آن‌ها شروع به معامله کردن در خلاف جهت روند می‌کنند. برای مثال، اگر یک اسپایک نزولی و سپس یک کانال وجود داشته باشد، فروشندگان در سقف یا بالای سقف کندل‌های قبلی با سفارش حد وارد می‌شوند. وقتی‌که کانال به سطح حمایت نزدیک می‌شود، آن‌ها بازار را زیر نظر می‌گیرند تا ببینند که آیا کندل‌ها همپوشانی

بیشتری دارند، آیا کندل‌های روند صعودی بزرگتر و بیشتری وجود دارند، آیا دوجی‌های بیشتری وجود دارد و آیا پولبک‌های بزرگتری وجود دارند. هرچقدر تعداد این نشانه‌های مبادله دوطرفه که ظاهر می‌شوند بیشتر باشد، خریداران تمایل بیشتری برای خرید از طریق سفارش حد در کف و زیر کف کندل قبلی و کف سوییِنگ پیدا می‌کنند و فروشندگان تمایل کمتری به فروش در بالا یا زیر کندل‌ها از خود نشان می‌دهند. بعد از اینکه روند برای مدتی حرکت می‌کند و در محدوده اهداف حرکت اندازه‌گیری شده یا دیگر انواع حمایت قرار می‌گیرد، فروشندگان از معاملات سود دهِ خود به‌صورت پله‌ای خارج می‌شوند. خریداران در همان محدوده شروع به ورود پله‌ای می‌کنند. افزایش خرید و کاهش فروش سرانجام منجر به یک شکست رو به بالای خط روند نزولی می‌شود.

مؤسسات معامله‌گرانی هستند که حساب‌هایی به‌اندازه کافی بزرگ دارند که به امید تست ابتدای کانال توسط بازار، بتوانند به‌صورت پله‌ای در جهت مخالف روند وارد موقعیت شوند، ولی بیشتر معامله‌گران باید تنها در جهت روند معامله کنند تا اینکه نشانه واضحی از بازگشت دیده شود. همچنین، ورود به یک معامله مخالف روند در یک کانال در نیمه دوم روز خطرناک است، زیرا اغلب زمان به آخر می‌رسد. خودتان را خواهید دید که یک موقعیت بزرگ زیان ده را نگاه داشته‌اید و مجبور خواهید شد در هنگام بسته شدن قیمت با ضرر بزرگی آن را پس بخرید. زمانی که فروشندگان به‌صورت تدریجی وارد می‌شوند، عده‌ای به دنبال یک کندل بزرگ روند صعودی خواهند بود که سقف سوییِنگ قبلی را رو به بالا شکسته باشد. آن‌ها این را به‌عنوان یک سقف احتمالی کامل محدوده معامله می‌بینند که باید به‌زودی شکل گیرد. آن‌ها یک سفارش حد فروش خواهند گذاشت تا قیمت بسته شدن کندل و بالای سقف آن بفروشند، زیرا کانال را به‌عنوان اولین موج یک محدوده معامله می‌بینند و فروش اسپایک‌های صعودی در ناحیه سقف یک محدوده معامله، تکنیک معامله‌گری استانداردی برای معامله کردن محدوده معامله است (در بخش محدوده معامله کتاب ۲ توضیح داده شده است). بعد از شکل‌گیری محدوده معامله، معامله‌گران به عقب نگاه می‌کنند و می‌بینند که کانال صعودی شروع نوسان است و معامله‌گران بسیار باتجربه می‌توانند در زمان شکل‌گیری کانال از تکنیک استاندارد تبادل محدوده معامله استفاده کنند، اگر معتقدند که بازار در ناحیه سقف محدوده‌ای است که به‌زودی تبدیل به محدوده معامله می‌شود.

اسپایکی که قبل از کانال تشکیل‌شده محدوده باریکی روی نمودار است (همپوشانی بسیار کمی بین کندل‌های همجوار وجود دارد و نوعی شکست و شکاف اندازه‌گیری شده است، همان‌طور که در دومین کتاب بحث شده است) جایی که بین خریداران و فروشندگان توافقی مبنی بر اینکه بازار قیمت درستی تعیین نمی‌کند و بنابراین بازار به‌سرعت از آن عبور می‌کند. هردو گروه درحالی‌که به دنبال یک تعادل هستند، در سرعت بخشیدن به حرکت از قیمت‌های درون اسپایک مشارکت دارند

که زمانی می‌توانند به وجود آن پی ببرند که کانال شروع به شکل‌گیری کند. بله بازار هنوز دارای روند است زیرا یک طرف هنوز غالب است، ولی درنهایت معامله دو طرفه‌ای وجود دارد. کانال معمولاً به‌خودی‌خود دارای کندل‌های همپوشان زیادی است و پولبک‌های زیادی و ضرورتاً یک محدوده معامله فشرده شیب‌داری دارد. ازآنجایی‌که این نوع از رفتار قیمت معامله دو طرفه را بنمایش می‌گذارد، منطقی است که قبل از اینکه خیلی دیر شود، انتظار داشته باشیم ابتدای الگو تست شود، صرفه نظر از اینکه روند چقدر قوی بوده است. برای مثال در یک اسپایک و کانال روند نزولی، همه آن خریدارانی که زودهنگام وارد شده و در ابتدای کانال نزولی خریده بودند و فکر می‌کردند که اسپایک تبدیل به یک شکست نقض شده می‌شود، سرانجام به قیمت سربه‌سر روی پولبک به آن منطقه برمی‌گردند و این موجب خواهد شد که پولبک مانند یک سقف دوقلو عمل کند. این خریداران اطراف قیمت سربه‌سر از خریدهای زودهنگامشان خارج می‌شوند و احتمالاً نمی‌خواهند خرید کنند مگر اینکه بازار دوباره به عقب سقوط می‌کنند. این احتمالاً مؤلفه مهمی است از دلیل اینکه چرا معمولاً بعد از تست شدن سقف کانال دست‌کم تعدادی حرکت رو به پایین وجود دارد. هر کانالی معمولاً اولین موج یک محدوده معامله است و بیشتر اوقات به دنبال آن یک حرکت مخالف روند ظاهر می‌شود که ابتدای کانال را تست می‌کند و محدوده معامله را آشکار می‌سازد. در آن ناحیه، محدوده معامله معمولاً به‌مرور کشیده می‌شود و حداقل یک حرکت موضعی در جهت کانال اصلی دارد. از آنجا به بعد، بازار مانند یک محدوده معامله رفتار می‌کند و در حالت شکست قرار می‌گیرد (معامله‌گران به دنبال یک شکست هستند) و شکست به روند جدید می‌تواند در هردو جهت حرکت کند.

بعضی مواقع کانال آن‌قدر عمودی است که شتاب پیدا کرده و سهموی می‌شود. اگرچه همپوشانی اندکی بین کندل‌های متوالی وجود دارد که شبیه به یک کانال معمولی نیست، این حرکات سهموی مشابه فاز کانال‌ها عمل می‌کنند و بنابراین گونه‌ای از یک الگوی اسپایک و کانال روند است. این حرکت سهموی اغلب شامل یک کندل روند بزرگی خواهد بود. برای مثال، اگر یک اسپایک نزولی وجود داشته باشد که متشکل از یک یا چند کندل بزرگ روند نزولی باشد، سپس یک مکث و پس از آن اسپایک نزولی دیگری باشد، آنگاه شما اوج‌های فروش متوالی دارید. هر کندل روند بزرگی باید به‌عنوان یک اسپایک، یک شکست، یک شکاف و یک اوج پنداشته شود. وقتی‌که اوج‌های پشت سرهم وجود داشته باشد (که با یک مکث یا پولبک کوچکی از هم مجزا شده باشند)، معمولاً به دنبال آن‌ها اصلاح دو موجی می‌آید که مکثی را که به دنبال اولین اوج آمده است را تست می‌کند. دومین اوج باید به‌عنوان فاز کانال الگوی اسپایک و کانال تصور شود، حتی اگر آن اسپایک دیگری باشد و کانالی با مومنتم پایین نباشد. بااین‌وجود، ازآنجایی‌که معمولاً چیزی

که به دنبال آن می‌آید معادل الگوی اسپایک و کانال متعارف است، اوج‌های متوالی تشکیل گونه‌ای از یک الگوی اسپایک و کانال روند را می‌دهند. در موارد نادری، قبل از اینکه به دنبال آن اصلاح پیچیده‌تری بیاید حتی سومین اوج متوالی خواهد بود.

چرا بازار تمایل دارد که بعد از اوج‌های فروش متوالی اصلاح بزرگتری داشته باشد؟ زمانی که اوج فروشی وجود داشته باشد، اضطراب فروش هم وجود دارد. خریداران ضعیف احساس می‌کنند که باید از خریدشان در هر قیمتی خارج شوند. همچنین، فروشندگان ضعیف مومنتم قوی را می‌بینند و می‌ترسند که حرکت بزرگی را از دست بدهند بنابراین در قیمت مظنه می‌فروشند تا مطمئن شوند که وارد شده‌اند. اگر بازار مکث کند و سپس کندل نزولی دیگری تشکیل دهد، آن اوج فروش دوم مجدد، نشان‌دهنده فروشندگان سمجی است که نمی‌خواهند منتظر پولبکی بمانند که ممکن است هرگز نیاید. تا زمانی که این خریداران ضعیف بیرون و آن فروشندگان ضعیف داخل هستند، کسی برای فروش در این قیمت پایین باقی نمی‌ماند و این ایجاد عدم تعادلی به سمت خرید می‌کند. فروشندگان زیادی برای گرفتن سمت مقابل معامله باقی نمی‌مانند، بنابراین بازار باید آن‌قدر بالا رود تا معامله‌گران کافی علاقه‌مند به فروش پیدا کند تا سفارشات خرید انجام شوند. برخلاف موارد فوق در اوج‌های خرید متوالی صادق است. آن‌ها ضرورت را به نمایش می‌گذارند. در آن زمان که قیمت به‌سرعت در حال افزایش است، معامله‌گران احساس می‌کنند مجبورند در قیمت جاری خرید کنند زیرا می‌ترسند که پولبکی نباشد که به آن‌ها اجازه ورود در قیمت بهتری بدهد. تا زمانی که این فروشندگان و خریداران ضعیف احساسی (خریدارانی که دیرهنگام وارد می‌شوند، ضعیف هستند)، تمام آن چیزی را که می‌خواستند بخرند در این قیمت‌های بالا بخرند، کسی برای خرید باقی نمی‌ماند و بازار باید پایین بیاید تا خریداران بیشتری را جذب کند. نتیجه اصلاحی است که معمولاً دارای دو موج است و حداقل ۱۰ کندل یا بیشتر به طول می‌انجامد.

نوع دیگری از یک کانال قوی در یک اسپایک و اوج روند اتفاق می‌افتد. در اینجا، بعد از مکث از طرف اسپایک، بازار اسپایک دیگری می‌سازد. تمام اسپایک‌ها اوج هستند و زمانی که بازار اوج‌های متوالی می‌سازد، معمولاً اصلاح بزرگتری را می‌سازد که اغلب تا ابتدای دومین اسپایک کشیده می‌شود. ولی این دقیقاً رفتاری مشابه رفتار یک اسپایک و کانال را دارد و بنابراین گونه‌ای از آن‌هاست، طوری که بجای یک کانال، اسپایکی ثانویه وجود دارد. بعضی مواقع آن اوج یک اسپایک است و اسپایک بیشتر یک کانال است. برای مثال، ممکن است یک کانال صعودی وجود داشته باشد که پس از آن یک اسپایک صعودی یک کندلی دارد. این می‌تواند تبدیل به یک اسپایک و اوج بازگشتی شود. حتی باوجوداینکه یک کانال و سپس یک اسپایک وجود دارد، مانند یک الگوی اسپایک و کانال متعارف رفتار می‌کند.

ازآنجایی‌که هر حرکت عمودی قدرتمند می‌تواند به‌عنوان یک اسپایک عمل کند، واجد شرایط یک شکاف اولیه می‌شود. اگر به شاخص نقدی (S&P) در یک روز نگاه کنید وقتی‌که EMINI با شکاف بزرگی باز می‌شود، خواهید دید که اولین کندل شاخص نقدی یک شکاف نیست. در عوض، کندل روند صعودی بزرگی است که در حدود آخرین قیمت روز گذشته باز می‌شود و در حدود قیمت پایانی اولین کندل EMINI بسته می‌شود. اگر پس از آن یک مکث یا پولبک و سپس یک کانال وجود داشته باشد، این یک شکاف الگوی اسپایک و کانال روند است.

وقتی کانال دارای شیب زیادی است، اسپایک و کانال اغلب با یکدیگر تشکیل فقط یک اسپایک در تایم فریم بالاتر می‌دهند و به دنبال آن اسپایک معمولاً یک کانال روی آن تایم فریم بالاتر خواهد آمد. در مواقع دیگری اسپایکی در آنجا خواهد بود که به‌اندازه چندین کندل به طول خواهد انجامید ولی کانالی در آنجا نخواهد بود. معمولاً کندل‌های پایانی اسپایک مقداری همپوشانی دارند و درواقع در آنجا کانالی در تایم فریم کوچکتر وجود دارد.

بعضی مواقع یک کندل روند صعودی بزرگی خواهد بود که یک اسپایک صعودی است و سپس یک کندل بزرگ روند نزولی که یک اسپایک نزولی است. وقتی این اتفاق در یک روند صعودی رخ دهد که برای مدتی ادامه داشته باشد، بازار معمولاً وارد یک محدوده معامله می‌شود، با خریدارانی که تلاش می‌کنند که یک کانال صعودی ایجاد کنند و فروشندگانی که برای یک کانال نزولی تلاش می‌کنند. سرانجام یک طرف برنده می‌شوند و یا روند از سر گرفته می‌شود یا بازار یک اسپایک و کانال روند نزولی را شکل می‌دهد. مخالف این اتفاق در روند نزولی رخ می‌دهد که پس از آن روند نزولی بزرگی وجود دارد. اگر یک کندل اسپایک صعودی بلافاصله بعدازآن وجود داشته باشد، همچنان که دو طرف بر سر تصاحب جهت کانال می‌جنگند، بازار معمولاً به‌صورت افقی حرکت می‌کند. اگر فروشندگان برنده شوند، روند نزولی از سر گرفته خواهد شد و اگر خریداران برنده شوند، یک بازگشت وجود خواهد داشت. بعضی مواقع یک طرف، به شکل یک اسپایک ثانویه، به نظر برنده می‌رسد، ولی طی یک یا دو کندل نقض می‌شود و منجر به کانالی در جهت مخالف می‌شود.

یک الگوی اسپایک و کانال از دو قسمت تشکیل شده است و بهتر است که جداگانه معامله شوند. اسپایک یک شکست است و مانند سایر شکست‌ها معامله می‌شود که بحث مربوط به آن در کتاب ۲ آمده است. در کل، اگر شکست خیلی قوی ظاهر شود و در زمینه‌ای ظاهر شود که احتمال موفقیت آن بالا باشد، می‌توانید در زمان شکل‌گیری اسپایک، در قیمت مظنه یا روی پولبک‌های کوچک وارد شوید. ازآنجایی‌که یک اسپایک یک اوج هم شمرده می‌شود، در بعضی نقاط پولبکی وجود خواهد داشت و این فرصت‌های دیگری را برای ورود در جهت روند فراهم خواهد کرد.

درنهایت، کانال (در الگوی اسپایک و کانال. م) هیچ فرقی با دیگر کانال‌ها ندارد. اگر یک کانال صعودی فشرده باشد، می‌توانید روی پولبک‌ها، از قبیل پولبک به خط روند یا میانگین متحرک، یا روی یک سفارش حد در زیر کف کندل قبلی، یا هر ۱۰ سنت پایین‌تر در اینتل (INTC) وقتی‌که روی قیمت ۲۰ دلار معامله می‌شود، در جهت روند وارد شوید. اگر کانال نوسانات بزرگ‌تری داشته باشد، معاملات دو طرفه قدرتمندی دارد و می‌توانید در هر دو طرف معامله انجام دهید. ازآنجاکه کانال یک پرچم در جهت مخالف است، زمانی که شروع به بازگشت می‌کند می‌توانید معامله بازگشت انجام دهید. معمولاً تا محدوده اطراف شروع کانال اصلاح می‌شود که می‌توانید روی تستی در ابتدای کانال وارد شوید که یک کف دوقلوی پرچم صعودی در پولبک به یک الگوی اسپایک و کانال صعودی و سقف دوقلوی پرچم نزولی در پولبک به یک الگوی اسپایک و کانال نزولی خواهد بود.

اگر کانال دارای همپوشانی زیادی بین کندل‌های همجوار بوده و کندل‌های روند زیادی در جهت مخالف داشته باشد و چندین پولبک که به‌اندازه چندین کندل طول بکشد، آن کانال، کانال ضعیفی است. هر چقدر کانال ضعیف‌تر باشد، معامله‌گران ضد روند موسسه‌ای حریص‌تر خواهند بود. برای مثال، اگر بعد از یک اسپایک نزولی یک کانال ضعیف نزولی وجود داشته باشد، همچنان که بازار پایین‌تر می‌آید خریداران قوی پله‌ای وارد می‌شوند. شرکت‌هایی خواهند بود که به هر دلیل ممکن خرید می‌کنند، مانند خرید در زیر هر کندل یا کف هر سوینگ قبلی، یا خرید هر یک دلار پایین‌تر در سهم گوگل (GOOG) وقتی‌که در ۵۰۰ دلار معامله می‌شود، یا هر تست خط کانال روند، یا هر کندل بازگشتی روی تایم فریم کوچک یک نمودار، یا هر یک دلار جهش روبه بالا در سهم گوگل، در حالتی که بازگشت صعودی شروع شده باشد. اگر بجای شکست رو به بالای کانال، بازار باقدرت کف کانال را بشکند و اسپایک نزولی قدرتمندی ایجاد کند که چندین کندل طول بکشد، این خریداران با خروج اجباری از خریدشان خود را نجات خواهند داد. همچنان که خریدشان را می‌فروشند، بر قدرت شکست رو به پایین می‌افزایند و حتی ممکن است به خاطر مومنتم معامله رو به پایین، به سمت فروش بازگردند. بااین‌حال، در بیشتر حالات شکست رو به پایین خیلی دور نخواهد شد و زمانی که آخرین خریداران بیچاره با فروش از موقعیتشان خارج می‌شوند، کسی نیست که علاقه‌مند به فروش در این قیمت پایین باشد. بازار معمولاً حداقل به‌اندازه دو موج و حداقل به‌اندازه ۱۰ کندل بالا خواهد رفت زیرا قیمت‌های بالاتری را جستجو می‌کند که شاید فروشندگان یک‌بار دیگر علاقه‌مند به فروش باشند.

وقتی بازار در روند پرقدرت است و سپس اسپایکی را در جهت مخالف توسعه می‌دهد، آن اسپایک معمولاً منجر به فقط یک پولبک خواهد شد (یک پرچم) و سپس روند از سر گرفته خواهد

شد. باوجوداین، این موقعیتی است که معامله‌گرانی که معتقد به بازگشت بازار هستند، حال تمایل به گرفتن موقعیت پیدا می‌کنند. اگر بازار طی ۱۰ تا ۲۰ کندل بعدی شروع به تشکیل یک یا دو اسپایک دیگر کند، نیروی ضد روند آن اسپایک‌ها روی‌هم انباشته‌شده و بازار بیشتر به معامله دو طرفه منتقل می‌شود. این می‌تواند به سمت یک محدوده معامله، اصلاحی عمیق‌تر، یا حتی یک بازگشت روند کشیده شود. برای مثال، اگر روند صعودی بسیار قدرتمندی از هر نوع وجود داشته باشد، نه یک الگوی اسپایک و کانال صعودی و بازار به‌اندازه ۲۰ کندل یا بیشتر در بالای میانگین متحرک و در سقف خود باشد، آنگاه روند صعودی بسیار قدرتمند است. اگر ناگهان یک کندل روند نزولی سایز متوسط که در نزدیکی سقف باز می‌شود و در نزدیکی کف بسته می‌شود وجود داشته باشد، این یک اسپایک نزولی است. کندل می‌تواند یک کندل روند نزولی، یک کندل ورودی در زیر یک کندل بازگشت نزولی، یا حتی یک کندل داخلی باشد و این مهم نیست. اولین اسپایک نزولی تقریباً همیشه تنها منجر به یک پرچم صعودی خواهد شد. بعد از ازسرگیری روند صعودی، بازار را برای اسپایک نزولی دیگری زیر نظر بگیرید. سرانجام یکی از این اسپایک‌ها به دنبال پولبک به میانگین متحرک خواهد آمد. این اولین پولبک به میانگین متحرک معمولاً به دنبال یک تست سقف روند صعودی می‌آید. آن تست می‌تواند به شکل یک سقف بالاتر، یک سقف دوقلو، یا یک سقف پایین‌تر باشد. بااین‌حال، پولبک به میانگین متحرک معمولاً برای شکست حداقل یک خط روند صعودی کافی است و سپس رالی‌ای که به دنبال آن می‌آید ممکن است آخرین رالی قبل از یک پولبک قابل‌توجه باشد یا حتی یک بازگشت روند رخ دهد.

اگر در سقف جدید اسپایک نزولی سوم و بزرگتری باشد، شانس اصلاح حداقل دو موجی افزایش می‌یابد و حرکت نزولی بعد از اسپایک نزولی معمولاً به شکل نوعی از کانال خواهد بود. آیا بازار آن دو اسپایک نزولی قبلی را نادیده می‌گیرد؟ بازار هرگز چیزی را نادیده نمی‌گیرد. اگرچه این آخرین اسپایک نزولی ممکن است همان باشد که همه تصور می‌کنند اتفاق اصلی است، اثر برآیند دیگر اسپایک‌های نزولی هم در اینجا وجود دارد. درواقع، اگر دومین اسپایک نزولی به‌طور خاصی قوی باشد و پس از آن بازار به سقف جدیدی صعود کند و اسپایک نزولی بعدی ساده‌تر باشد ولی منجر به یک اصلاح شود، باید تفسیر متفاوتی از آنچه اخیراً رخ داده است را در نظر بگیرید. ممکن است دومین اسپایک نزولی درواقع مهم‌تر باشد و شروع واقعی حرکت روبه پایین باشد و اینکه رالی به سقف جدید بعد از اسپایک درواقع یک پولبک از آن اسپایک باشد. درک این نکته مهم است که هر پولبک شکست می‌تواند تستی بر منتهی‌الیه قبلی با یک سقف پایین‌تر، یک سقف دوقلو، یا سقف بالاتر باشد و آن تست اغلب می‌تواند شروع کانال نزولی باشد. اگرچه ممکن است به نظر آید که اسپایک نزولی کوچک، روند نزولی را شروع می‌کند و اینکه کانال متعاقب آن اولین کانال نزولی

است، بعضی مواقع اسپایک قبلی دارای نفوذ بیشتری است. کانال آن می‌تواند از سقف روند صعودی و با آن اسپایک نزولی کوچکتر از سقف شروع شود. کانالی که به دنبال آن اسپایک نزولی کوچک می‌آید خود در داخل کانال بزرگتری است که از سقف صعودی، درست قبل از شکل‌گیری آن اسپایک کوچک نزولی شروع می‌شود.

وقتی‌که بازار در یک محدوده معامله قرار دارد، اغلب یک اسپایک صعودی و یک اسپایک نزولی ایجاد می‌کند. خریداران و فروشندگان پس از آن برای ایجاد یک کانال با یکدیگر به مبارزه می‌پردازند. سرانجام یک طرف چیره شده و قادر خواهد بود که یک کانال روند ایجاد کند. آن کانال اغلب با یک شکست شروع می‌شود که پس از آن یک اسپایک ثانویه می‌باشد. هر دو اسپایک در تشکیل کانال مشارکت می‌کنند.

کانال صعودی پرچمی نزولی و کانال نزولی یک پرچم صعودی می‌باشد و مانند تمام پرچم‌ها الگوهای ادامه‌ای دهنده هستند که معمولاً در جهت روند شکسته می‌شوند. باوجوداین، بعضی مواقع آن‌ها در جهت مخالف شکسته شده و منجر به بازگشت روند می‌شوند. آن شکست یک اسپایک است، بنابراین برخلاف یک الگوی اسپایک و کانال روند، بازار یک کانال و اسپایک می‌سازد که ربطی به الگوی اسپایک و کانال ندارد. ولی معمولاً به دنبال اسپایک یک کانال می‌آید. برای مثال، اگر یک روند نزولی وجود داشته باشد و آن روند دارای یک پولبک باشد، آن پولبک یک کانال صعودی و بنابراین یک پرچم نزولی است. بعضی مواقع کانال به سمت بالا خواهد شکست. شکست یک کندل روند صعودی و یک اسپایک است و اگر شکست موفقیت‌آمیز باشد، ادامه آن یک کانال خواهد بود. روند نزولی با اسپایک شروع می‌شود و اسپایک و کانالی که بعدازآن می‌آیند تشکیل یک اسپایک و کانال روند صعودی می‌دهند. کانال اصلی پرچم نهایی روند نزولی است و به سمت بالا شکسته می‌شود، ولی ربطی به اسپایک و کانال روند صعودی که بعدازآن می‌آید ندارد. اسپایک بازار را تغییر می‌دهد و این شروع چشم‌انداز جدیدی برای معامله‌گران است، همانان که پس از آن پرچم نزولی را که مقدم است، نادیده خواهند گرفت.

وضعیت مشابه وقتی رخ می‌دهد که یک گوه بازگشتی[1] نقض می‌شود. برای مثال، گوه سقف، یک کانال صعودی است و بنابراین یک پرچم نزولی بوده و معمولاً به سمت پایین می‌شکند. اگر بجای آن به سمت بالا بشکند، آن شکست یک اسپایک است و ممکن است به دنبال آن یک کانال و یک حرکت اندازه‌گیری شده رو به بالا به وجود آید. شکست همیشه باور ذهنی را بازآرایی می‌کند

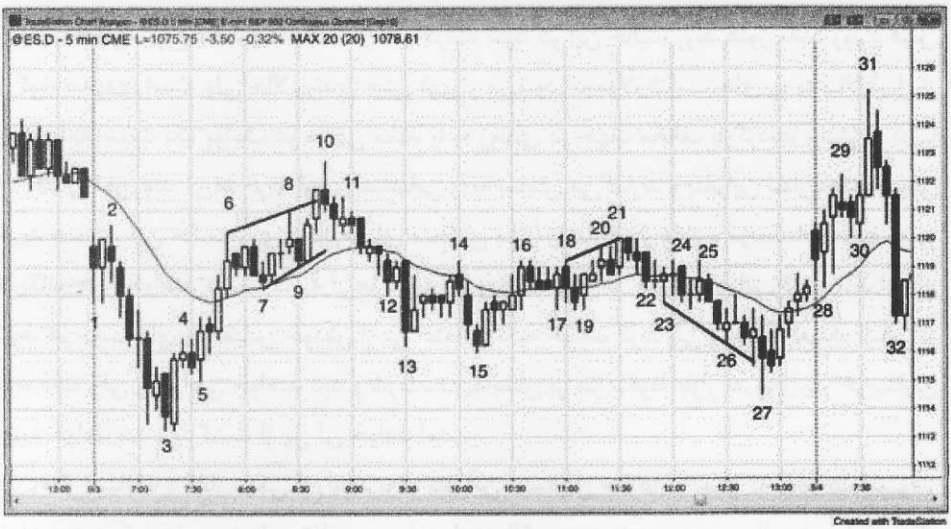
---

[1]. گوه‌ای که یک روند صعودی را به نزولی یا نزولی را به صعودی معکوس می‌کند. ازآنجایی‌که این گوه ضد روند است، بهتراست که به‌عنوان سیگنال ثانویه در نظر گرفته شود، مگر اینکه خیلی قوی باشد. به‌عنوان مثال، اگر یک روند نزولی و سپس یک گوه کاهشی وجود داشته باشد، منتظر شکستی در بالای این گوه بالقوه باشید و سپس سعی کنید یک پولبک به کف بالاتر را خرید کنید.

و باید به‌عنوان شروع یک روند جدید در نظر گرفته شود. در این حالت، روند هنوز مانند روند قبل از گوه، صعودی است، ولی حالا روندی حتی قوی‌تر می‌شود. معمولاً، شکست‌های رو به بالا قبل از اینکه یا به سمت یک پولبک دو موجی ممتد یا به روندی در جهت مخالف بازگردند، بیشتر از ۵ تا ۱۰ کندل نمی‌روند. آن‌ها خرید اوجی استثنایی را به نمایش می‌گذارند و بنابراین نشان‌دهنده بیش خرید هستند. این حالت روی دنباله‌های منحنی بل[1] رفتار قرار دارد و مؤسسات همه جور اندیکاتورها را خواهند داشت که به آن‌ها بگوید که روند صعودی از حد خود فراتر رفته و باید اصلاح شود. هر موسسه‌ای به مقیاس خودش از بی اعتدالی تکیه خواهد کرد، ولی معمولاً تعداد کافی از مؤسسات رالی را افراطی خواهند دید و شرط‌بندی‌هایشان بر سر سقوط بازار به‌زودی بر خریداران چیره خواهد شد و بازگشت از پی آن خواهد آمد.

رفتار اسپایک و کانال، یکی از رایج‌ترین و بنابراین مهم‌ترین چیزهایی است که روی هر نمودار خواهید دید. گونه‌های بیشمار و تفاسیر بسیاری از هر الگو وجود دارد. بعضی مواقع اسپایک یک کندل خواهد بود، ولی بعد، پس از مکث کوتاهی، اسپایک حتی بهتری به وجود خواهد آمد. کانال می‌تواند آن‌قدر عمودی باشد که مانند قسمتی از اسپایک عمل کند و اسپایک و کانال در تایم فریم بالاتر ممکن است اسپایک ساده‌ای باشند. آن کانال نسبت به اسپایک می‌تواند خیلی کوچک یا خیلی بزرگ باشد. وقتی‌که یک روند قوی وجود دارد، معمولاً در داخل کانال چندین اسپایک وجود خواهند داشت و کانال می‌تواند به الگوهای اسپایک و کانال کوچکتری تقسیم شود. مراقب تمام احتمالات باشید زیرا همه آن‌ها پتانسیل این را دارند که فرصت‌های معامله پرسودی را ارائه دهند.

[1]. منحنی بل یا منحنی زنگی (به دلیل شکل زنگوله‌ای به این نام معروف است)، نموداری است که برای توصیف گرافیکی از توزیع احتمال نرمال استفاده می‌شود. قسمت بالای منحنی محتمل‌ترین اتفاق را از داده‌های جمع‌آوری‌شده نشان می‌دهد. پس از محاسبه میانگین، انحرافات استاندارد مشخص می‌شوند. انحرافات استاندارد که بازده امنیت را به تصویر می‌کشد به پراکندگی معروف است. م



شکل (۱-۲۱) سه رانش در یک اسپایک و کانال

بعضی مواقع یک اسپایک و کانال صعودی می‌تواند با ۳ رانش صعودی، یک جهش اضافه از خط کانال روند و یک کندل بازگشتی نزولی قوی به اتمام برسد، ولی بیشتر بازگشت‌ها خیلی سرراست نیستند. در شکل (۱-۲۱)، کندل ۶ قسمتی از اسپایک دو کندلی روبه بالا است ولی حرکت صعودی از کف کندل ۵ آن‌قدر شیب دارد که می‌توانید کندل ۵ را هم به‌عنوان شروع اسپایک در نظر بگیرید. این مهم نیست زیرا هر بازگشت قدرتمند صعودی در ابتدا احتمالاً ادامه خرید را به دنبال دارد و برنامه‌های خرید بر پایه هرکدام وجود خواهد داشت. در اینجا، آن به شکل کانالی گوه‌ای شکل است که سه رانش صعودی دارد. کانال‌ها اغلب بعد از سومین رانش صعودی به سمت عقب کشیده می‌شوند. کندل ۱۰ از خط کانال روند به بیرون پرتاب شده و به‌صورت یک کندل روند نزولی برمی‌گردد که معامله فروشی را برپا می‌کند. یک گوه صعودی معمولاً در دو موج نزولی تا حدود کف گوه اصلاح می‌شود و یک کانال داخل یک الگوی اسپایک و کانال صعودی معمولاً در دو موج به سمت شروع کانال اصلاح می‌شود که کف کندل ۷ هم هست.

اسپایک‌ها می‌توانند با یکدیگر جمع شوند. کندل قبل از کندل ۷ یک اسپایک نزولی است ولی منجر به یک تست میانگین متحرک می‌شود. کندل ۹ یک اسپایک نزولی ثانویه است. این دو اسپایک نشان می‌دهند که فروشندگان تلاش می‌کنند که کنترل بازار را به دست آورند و اینکه بازار تبدیل به بازار دو طرفه می‌شود. کندل ۱۰ اولین کندل اسپایک دو کندلی است، به دنبال کندل ۱۱ اسپایک نزولی دیگری می‌آید. تنها به این دلیل که اسپایک نهایی گوه را به سمت پایین می‌شکند و آشکارا منجر به یک موج نزولی می‌شود، به معنی این نیست که آن اسپایک به‌تنهایی

بازار را چرخانده است. آن اسپایک‌های قبلی هم قسمتی از انتقال هستند و نباید از آن‌ها چشم‌پوشی کرد. هنگام شکل‌گیری آن‌ها، باید درک کنید که بازار به شما می‌گوید که در حال تغییر است و باید کم‌کم به دنبال معامله در هردو طرف باشید نه‌فقط موقعیت‌های خرید.

کندل ۱۶ یک اسپایک یک کندلی است ولی اسپایک صعودی همچنین می‌تواند طوری در نظر گرفته شود که با کندل ۱۵ شروع شده است. یک پولبک به کندل ۱۷ و سپس سه رانش صعودی کوچک به سمت کندل ۲۱ وجود دارند، جایی که بازار معکوس می‌شود.

کندل بعد از کندل ۱۵ یک اسپایک یک کندلی است و چهار کندل بعدی کانال کوچکی را تشکیل می‌دهند که در کندل ۱۶ به اتمام می‌رسد، کل حرکت به سمت کندل ۱۶ هم یک اسپایک است.

کندل ۲۲ یک اسپایک نزولی است و به‌صورت افقی تا کندل ۲۵ اصلاح می‌شود، جایی که یک کانال شروع به نزول تا کندل ۲۷ می‌نماید که سومین رانش نزولی بعد از اسپایک است (کندل‌های ۲۳ و ۲۶ دو موج اول بودند) و کندل ۲۷ از خط کانال روند به بیرون پرتاب می‌شود و در وسط خود بسته می‌شود. نه کندل ۲۷ کندل سیگنال قدرتمندی است و نه کندل داخلی نزولی که به دنبال آن است، ولی بازار به سمت بالا و به سمت پایان روز معکوس می‌شود.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱-۲۱)، بازار میانگین متحرک و محدوده معامله را در قیمت پایانی روز قبل به سمت پایین می‌شکنند. ازآنجایی‌که کندل‌های روند نزولی زیادی در آن محدوده معامله وجود دارند و اولین کندل روز جاری بدنه نزولی قدرتمندی دارد، عمل منطقی این است که شکست نقض شده که با دومین کندل امروز برپا شده است را نخرید و بجای آن قبل از خرید منتظر سیگنال دومی باشید. حتی با اینکه دومین کندل یک کندل بازگشتی قدرتمند صعودی است، چیزی برای برگشت وجود ندارد چراکه کندل قبلی را کاملاً پوشانده است. این یک محدوده معامله کوچک است نه یک بازگشت خوب. تمام شکاف‌های نزولی اسپایک‌های نزولی هستند و به دنبال آن‌ها کانال‌های نزولی می‌توانند ظاهر شوند. کندل ۲ خریداران را به دام انداخته و برای یک اسپایک و کانال روند نزولی به سمت کندل ۳، تبدیل به یک موقعیت فروش پولبک شکست می‌شود. کندل ۳ یک شکست رو به پایین پرچم نهایی یک کندلی بوده و تبدیل به اولین کندل از بازگشت دو کندلی قوی می‌شود که خود تبدیل به کف روز می‌شود. احتمالاً، این بازگشت صعودی می‌تواند به‌عنوان یک شکست نقض شده تشریح شود اما دقیق‌تر بگوییم یک بازگشت صعودی در انتهای یک کانال نزولی است.

کندل روند صعودی قبل از کندل ۶ زمانی است که معامله‌گران از این احتمال که رالی از کندل ۳ تنها یک پرچم نزولی است دست برمی‌دارند. آن کندل شکستی است از این عقیده که بازار در روند نزولی است، به ایده‌ای که می‌گوید بازار به سمت روند صعودی چرخیده است. این عقیده روی کندل ۶، وقتی‌که بیشتر معامله‌گران سرانجام به این باور می‌رسند که بازار روند صعودی غالب را به خود گرفته است، تأیید می‌شود. بسیاری معتقدند که بازار روی آخرین قیمت کندل قبل از کندل ۶ به سمت بالا برگشته است و آن کندل روند صعودی هم یک اسپایک، یک کندل رانش و یک شکاف است. کف کندل نزولی که به دنبال آن می‌آید، (در این حالت کندل ۶) کف شکاف را شکل می‌دهد و سقف نقطه شکست، سقف شکاف را می‌سازد. در اینجا هردو مورد، کندل ۵ و کندل کوچک نزولی که به دنبال آن می‌آید. ازآنجاکه کندل قبل از کندل ۶ یک شکاف است، آن شکاف یک جاذبه است و شانس خوبی دارد که طی ۱۰ کندل بعدی یا بیشتر تست شود. کندل ۷ یک تست است و تبدیل به کف کانالی می‌شود که پس از اسپایک صعودی می‌آید. عده‌ای شروع اسپایک را روی کندل روند قبل از کندل ۶ می‌بینند و عده‌ای دیگر شروع آن را روی کندل ۵ یا کندل روند صعودی بعد از کندل ۳ فرض می‌کنند. کندل ۱۲ اصلاح نزولی از سقف کانال است و همان‌طور که از یک الگوی اسپایک و کانال انتظار می‌رود، آن پولبک مجدداً شکاف را تست کرده و تلاش می‌کند که با کف کانال صعودی تا کندل ۱۰ در کندل ۷، یک کف دوقلو ایجاد کند. در این حالت نقض می‌شود.

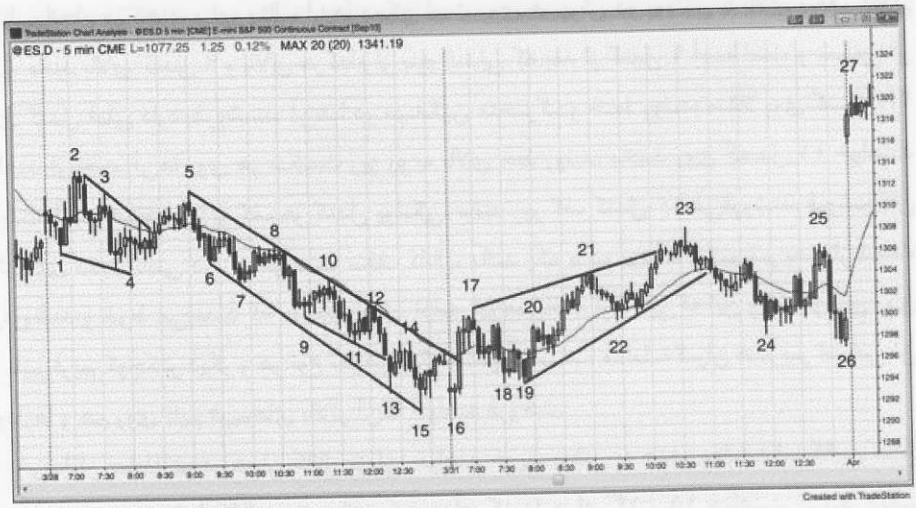
کندل ۱۲ تست کندل ۷ کف کانال صعودی است که در کندل ۱۰ به اتمام می‌رسد، ولی حرکت نزولی به سمت کندل ۱۲ در یک کانال فشرده انجام می‌گیرد بنابراین احتمالاً تنها اولین موج از دو موج نزولی است. به همین دلیل، یک کف دوقلوی پرچم صعودی هرگز در بالای کندل داخلی صعودی بعد از کندل ۱۲ فعال نمی‌شود. در عوض، کندل ۱۳ کندل روند نزولی بزرگی است. ازآنجاکه آن در انتهای یک موج نسبتاً طولانی نزولی رخ می‌دهد، به‌احتمال‌زیاد تر یک اوج خستگی است که باید منجر به یک اصلاح حداقل دو موجی و ۱۰ کندلی افقی تا صعودی شود. من اغلب اصطلاح «۱۰ کندلی، دو موجی» را بکار می‌برم و قصد من این است که بگویم اصلاح از یک پولبک کوچک بیشتر طول می‌کشد و پیچیده‌تر می‌شود؛ که معمولاً به حداقل ۱۰ کندل و ۲ موج نیاز دارد.

حرکت صعودی به سمت کندل ۱۴ اولین موج است و سپس به کف پایین‌تری روی کندل ۱۵ عقب‌نشینی می‌کند و به دنبال این دومین موج صعودی به سمت کندل ۲۱ می‌آید. کندل ۱۵ ممکن است دومین موج نزولی از سقف کندل ۱۰ باشد ولی این‌گونه نتیجه می‌دهد که اصلاح پیچیده‌تر شده و موج دوم در کندل ۲۷ پایان می‌یابد که با کندل ۵ و دوباره کندل ۱۵، یک کف

دوقلوی پرچم صعودی را شکل می‌دهد. مهم نیست که کدام را در نظر می‌گیرید، زیرا مفهوم یکسان است. برنامه‌هایی خواهند بود که یکی از آن‌ها را استفاده می‌کنند و برنامه‌های دیگر از دیگران استفاده می‌کنند، ولی هر دو نوع برنامه به‌قصد یک حرکت اندازه‌گیری شده صعودی خرید می‌کنند. آن‌ها به دنبال موج دوم صعودی از کف کندل ۳ به شکل موج ۱= موج ۲ هستند که موج ۱ از کندل ۳ تا ۱۰ و موج ۲ از کف کندل ۲۷ تا سقف کندل ۳۱ می‌باشد. روی تایم فریم بالاتر نمودار، کندل ۲۷ یک موقعیت خرید ساده سقف ۲ است، چراکه از رالی به سمت کندل ۱۰ دو موج نزولی وجود دارد. آن کندل بعد از یک حرکت قوی صعودی یک کف بالاتر دو موجی است و تبدیل به پولبکی می‌شود که منجر به حرکت اندازه‌گیری شده تا کندل ۳۱ می‌گردد. رالی به سمت کندل ۳۱ با چند تیک از حرکت اندازه‌گیری شده فراتر می‌رود ولی آن به‌اندازه‌ای می‌رسد که خریداران را راضی کند که سودشان را در آنجا بگیرند. بازار پس از آن به سمت کف کندل ۳۲ ریزش می‌کند.

حرکت نزولی به سمت کندل ۱۵ یک پرچم صعودی گوه‌ای است که اولین دو رانش آن در کندل ۷ و ۱۳ به اتمام می‌رسد. اینکه کندل ۱۰ بجای سقف پایین‌تر، سقف بالاتر تست کندل ۶ باشد اهمیتی ندارد زیرا این در پرچم‌های گوه‌ای رایج است.

کندل ۲۱ یک پرچم نزولی گوه‌ای است که زمانی که شکست رو بالای سقف دوقلو نقض می‌شود رایج است. کندل‌های ۱۶ و ۱۸ یک سقف دوقلو را تشکیل می‌دهند ولی بجای شکست رو به پایین، بازار به سمت بالا شکسته می‌شود. بازار تا کندل ۲۱ دارای دو موج کوچک صعودی است، جایی که بازار معکوس شده و شکست نقض می‌شود. کندل‌های ۱۶، ۱۸ و ۲۱ سه موج صعودی در پرچم نزولی گوه‌ای هستند.



شکل (۲-۲۱) الگوهای اسپایک و کانال همه روزه رخ می‌دهند

بعضی قالب‌های الگوی اسپایک و کانال روند همه روزه ظاهر می‌شوند. در شکل (۲-۲۱)، اولین روز، یعنی ۲۸ مارس، یک الگوی اسپایک و کانال نزولی روز است که با یک اسپایک صعودی شروع می‌شود ولی با یک اسپایک نزولی سه کندلی از کندل ۲ و سپس مجدداً از کندل ۳ معکوس می‌شود. در آنجا، تلاش می‌کند که یک کف دوقلو با کف سوییِنگ در آخر روز قبل تشکیل دهد. هریک از دو کندل روند نزولی بین کندل‌های ۲ و ۴ هم می‌توانند ابتدای اسپایک روند نزولی در نظر گرفته شوند. کندل ۸ با کمک سقف پرچم نزولی کوچک پس از کندل ۶ یک سقف دوقلو تشکیل می‌دهد و سپس بازار با چندین ورودی فروش خوب نزدیک میانگین متحرک، تمام روز را در یک کانال فشرده به سمت پایین منحرف می‌شود.

بازار در روز بعد با یک اسپایک صعودی به سمت کندل ۱۷ کانال را رو به بالا می‌شکند. ازآنجاکه شروع کانال معمولاً تست می‌شود، معامله‌گران حال می‌توانند شروع به پایش روز برای موقعیت خرید یک تست در محدوده کندل ۵ کنند. کندل ۵، شروع کانال نزولی، به‌وسیله کندل ۲۳ تست شده و در روز اخیر تا شکاف صعودی در کندل ۲۷ فراتر می‌رود.

کانال نزولی به سمت کندل ۱۵ کم‌کم سهموی می‌شود (این کندل کف کانال روند نزولی از کندل ۹ تا کندل ۱۱ را می‌شکند و نشان‌دهنده آن است که شیب سقوط افزایش یافته است) که یک رفتار اوجی است و بنابراین در دراز مدت قابل‌تحمل نیست. معامله‌گران همچنین می‌توانند یک خط کانال روند را با ترسیم خطی به‌موازات خط روند از کندل ۵ تا ۸ ایجاد کنند و سپس آن را به کف کندل‌های ۶ یا ۷ متصل نمایند. کندل‌های ۱۳ و ۱۵ از آن خط هم عبور می‌کنند.

در طول مدت ریزش، فروشندگان پله‌ای وارد فروش می‌شوند و به هر دلیل ممکن معامله اسکالپ انجام می‌دهند. برای مثال، آن‌ها ممکن است روی هر پرش دو پوینتی یا بالای سقف کندل قبلی، مانند بالای کندل ۹ و بالای هرکدام از پنج کندلی که بعد از کندل ۹ آمده است و سقفی در بالای کندل قبلی دارد بفروشند. آن‌ها در میانگین متحرک و خط روند، مثلاً روی کندل ۱۰ خواهند فروخت. آن‌ها روی هر شکست ریز رو به بالای خط روند، مانند روی کندل ۱۱ خواهند فروخت. آن‌ها همچنین زیر کف هر کندل پولبکی، مانند زیر کف کندل ۱۰ می‌فروشند. فروشندگان دیگر روی مقدار ثابتی در زیر هر تست سقف کانال، مانند یک یا دو پوینت پایین‌تر بعد از تست می‌فروشند و شرط می‌بندند که مومنتم نزولی ادامه خواهد یافت. ازآنجایی‌که این روند نزولی روی هر تایم فریم کوچکتر دیگر و هر نوع نمودار دیگر مشهود است، معامله‌گران هم بر اساس آن نمودارها و هم روی تایم فریم‌های بالاتر آن‌ها خواهند فروخت.

خریداران سلطه‌جو در همان کانال نزولی خواهند خرید. بعضی به هدف معامله اسکالپ، مثلاً شاید روی هر تست خط کانال روند، مانند کف‌های کندل‌های ۱۳ و ۱۵ خواهند خرید. دیگر

خریداران با این باور که بازار باید یا امروز یا فردا سقف کندل‌های ۸ و ۱۰ را تست کند، به‌صورت پله‌ای وارد می‌شوند. آن‌ها ممکن است هر تست خط کانال روند را خریده و هر کف سوییِنگ جدید را بخرند. برای مثال، ممکن است زمانی که بازار در طول اسپایک نزولی به سمت کندل ۱۳ به زیر کف کندل ۱۱ سقوط می‌کند سفارشات حد خرید داشته باشند. ممکن است در کف، چند تیک پایین‌تر، یا دو پوینت پایین‌تر بخرند. دیگران روی اولین نشانه‌ای که اوج نزولی فروش به سمت کندل ۱۳ از حرکت بازمی‌ایستد خرید خواهند کرد. آن‌ها بدنه کندل کوچک و سایه‌های بزرگ را به‌عنوان نشانه‌ای از خستگی می‌بینند و بنابراین احتمالاً بعدازآن یک رالی قابل معامله می‌آید. عده‌ای از معامله‌گران به‌صورت پله‌ای با موقعیت‌های بزرگی مانند دو یا سه برابر اندازه معاملات قبلی‌شان وارد می‌شوند، عده‌ای در سفارشی به‌اندازه دو پوینت بالاتر از کف وارد می‌شوند، دیدن جهشی با آن اندازه نشانه‌ای از این است که بازگشت در حال انجام است. دیگران تایم فریم‌های کوچکتر و بزرگتر نمودارها را معامله خواهند کرد یا روی نمودارهایی بر اساس قیمت‌های لحظه‌ای (نمودار تیک) یا روی نمودار حجم معامله می‌کنند. آن ریزش ممکن است پولبکی به میانگین متحرک نمودار ۶۰ دقیقه‌ای یا روزانه، یا به خط روند صعودی قوی روی تایم فریم بالاتر نمودار باشد. معامله‌گرانی وجود دارند که به هر دلیل ممکن می‌خرند یا می‌فروشند و با هر ایده قابل تصوری به‌صورت پله‌ای وارد یا خارج می‌شوند. همه آن‌ها درصورتی‌که بدانند در حال انجام چه کاری هستند، می‌توانند درآمد کسب کنند. برای بیشتر معامله‌گران، به‌هرحال ورود تدریجی به خرید در یک کانال نزولی در دو ساعت انتهایی روز پرخطر است. آن‌ها اغلب موارد خودشان را در حالی می‌بینند که موقعیت همراه با ضرر بزرگی را حفظ کرده‌اند که مجبور خواهند شد قبل از اتمام روز با ضرر از آن خارج شوند. چنانچه معامله‌گران در یک کانال نزولی بجای تلاش برای ورود تدریجی در معاملات خرید به دنبال موقعیت‌های فروش باشند، مخصوصاً در دو ساعت پایانی روز، به‌احتمال‌زیاد سود خوبی خواهند کرد.

به دنبال اسپایک صعودی به سمت کندل ۱۷ یک کانال گوه‌ای شکل صعودی به سمت کندل ۲۳ می‌آید و سپس یک پولبک و پس از آن یک شکاف بزرگ روبه بالا تا روز بعدی ظاهر می‌شود. آن شکاف صعودی حرکت، شاید هنوز قسمتی از کانال صعودی باشد. هر شکافی یک اسپایک هم هست و می‌تواند به دنبال آن کانال دیگری بیاید.

حرکت نزولی از کندل ۸ تا کندل ۹ هم یک اسپایک است و مسیر حرکت کانال نزولی از کندل ۱۰ تا کندل ۱۵ به‌وسیله رالی تا کندل ۲۱ مرور می‌شود. آن حرکت نزولی از سقف دوقلو پرچم نزولی که به‌وسیله کندل‌های ۱۰ و ۲۱ ایجاد شده است، در کندل ۲۲ به اتمام می‌رسد که یک تست میانگین متحرک هم است. نباید انتظار یک حرکت قدرتمند نزولی داشت چراکه بازگشت

روندی به یک روند صعودی وجود داشته و حرکت صعودی به سمت کندل ۲۱ دارای قدرت زیادی است. هفت کندل از هشت کندل قبلی دارای بدنه صعودی بوده و در سقف‌ها، کف‌ها و قیمت‌های پایانی‌شان در روند هستند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

کندل ۴ در شکل (۲-۲۱) یک موقعیت خرید پرچم صعودی گوه‌ای است و رالی در یک سقف دوقلوی پرچم نزولی پایان می‌یابد (کندل‌های ۳ و ۵).

کانال نزولی خط روند نزولی را پنج بار تست می‌کند، درعین‌حال هرگز قادر نیست که با شتاب نزولی زیاد حرکت قابل‌توجهی انجام دهد. هر زمان که قیمت مکرراً خطی را تست کند و از آن خیلی فاصله نگیرد، معمولاً آن را به‌طرف بالا می‌شکند.

کف با سه رانش نزولی در کندل‌های ۱۳، ۱۵ و ۱۶ شکل می‌گیرد. حتی اگر شکل الگو گوه‌ای نباشد، مفهوم آن یکسان است.

اسپایک صعودی تا کندل ۱۷ خط روند را رو به بالا می‌شکند. کندل ۱۷ یک کندل شکاف میانگین متحرک است که اغلب موج انتهایی روند را قبل از اینکه بازگشت بزرگتری رخ دهد، شروع می‌کند.

ریزش از کندل شکاف میانگین متحرک، کف نزولی را در کندل ۱۸ به شکل یک کف بالاتر تست می‌کند که با کندل ۱۹ یک کف دوقلوی پرچم صعودی و با کف دوقلوی کندل‌های ۱۵ و ۱۶ یک پولبک کف دوقلو را شکل می‌دهد. کف دوقلوی پرچم صعودی کف بالاتری است که دو تست رو به پایین دارد.

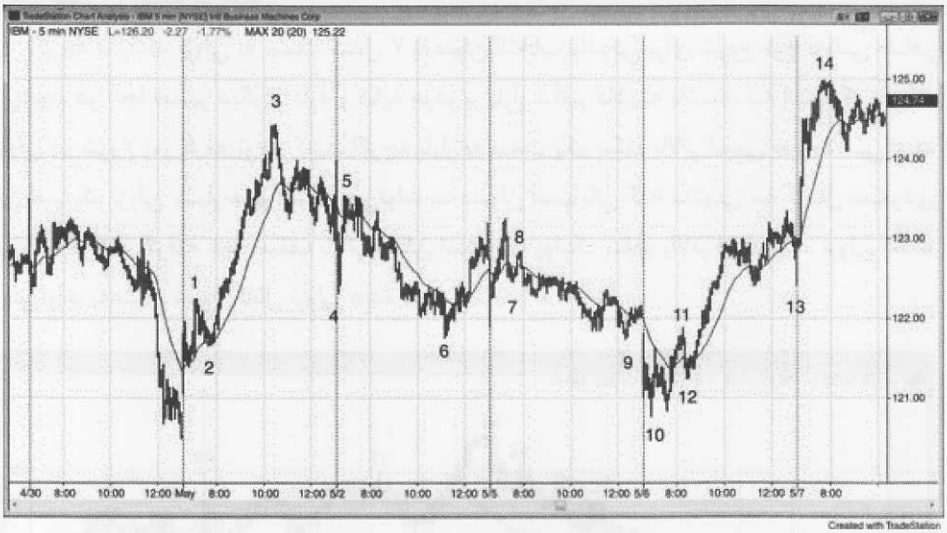
کانال‌ها اغلب بعد از سومین رانش نزولی عقب‌نشینی می‌کنند و ازآنجایی‌که رالی به سمت کندل ۲۳ زیر سقف روند نزولی روز قبل قرار دارد، بسیاری از معامله‌گران آن را به‌عنوان یک رالی نزولی می‌بینند و به دنبال فروش آن هستند. پرچم نزولی گوه‌ای و کندل بازگشتی نزولی ۲۳ موقعیت فروش خوبی را دست‌کم برای یک حرکت دو موج نزولی ایجاد می‌کنند. معامله‌گران انتظار دارند که آن حرکت در حدود ۱۰ کندل یا بیشتر به طول انجامد و شاید کف کندل ۲۲ یا کف کندل ۱۹ را تست کند. حرکت نزولی به سمت کندل ۲۴ دارای دو موج است ولی به‌اندازه‌ای شیب دارد که معامله‌گران را مضطرب کند که آیا آن واقعاً تنها یک موج پیچیده اولیه است یا خیر. نتیجه آن در ریزش کندل ۲۶ در قیمت پایانی است. کندل ۲۶ نزدیکی کف کانال صعودی را تست می‌کند، جایی که با کندل ۱۸ (کندل ۱۹) تشکیل یک کف دوقلوی پرچم صعودی می‌دهد.

کندل شکاف صعودی اولیه ۱۷، تقریباً یک حرکت اندازه‌گیری شده روبه بالای گوه است که هنگام شکست رو به بالای سقف یک گوه رایج است.

پرچم نزولی کوچکی از کندل ۲۴ تا کندل ۲۵ وجود دارد.

رالی از کندل ۴ تا کندل ۵ هم یک پرچم نزولی گوه‌ای است.

پرچم صعودی گوه‌ای بزرگی با استفاده از کندل‌های ۲۲، ۲۴ و ۲۶ وجود دارد، اگرچه رالی به سمت کندل ۲۵ شکل گوه را برهم می‌زند. بیشتر الگوهای سه رانشی دقیقاً مانند گوه‌ها عمل می‌کنند و تمام آن‌ها باید به‌عنوان گونه‌ای از گوه مطرح شوند.



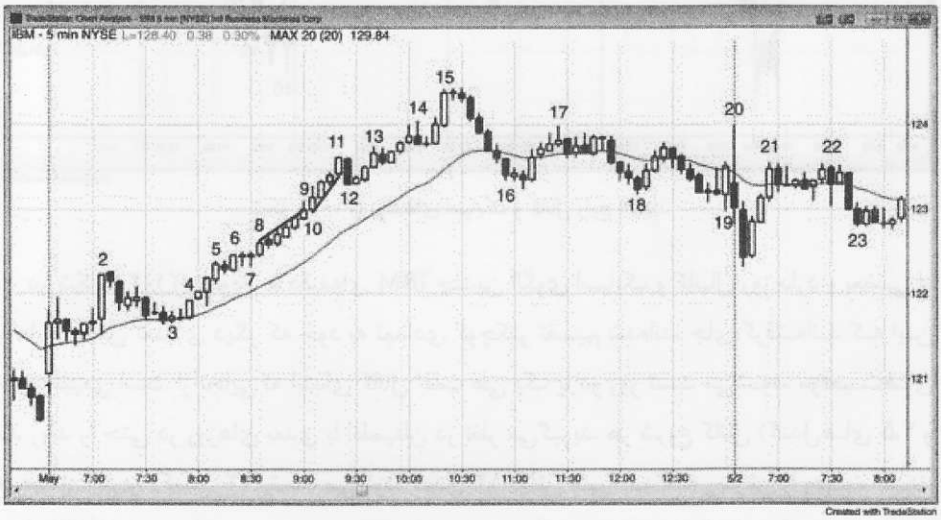
شکل (۳-۲۱) روندهای اسپایک و کانال رایج هستند

در شکل (۳-۲۱) نمودار ۵ دقیقه‌ای IBM چندین الگوی اسپایک و کانال روز دارد و بعضی از آن‌ها در داخل تعدادی دیگر که خود به تعدادی کوچکتر تقسیم شده‌اند، جای گرفته‌اند که این امری طبیعی است. ازآنجایی‌که ابتدای کانال اغلب طی یک یا دو روز تست می‌شود، موقعیت‌های ضد روند را حتی در روزهای بعدی با اطمینان در نظر می‌گیرید. هر شروع کانال (کندل‌های ۲،۵ و ۸) غیر از آخری (کندل ۱۲) تست می‌شود. کندل ۱۳ تلاش می‌کند که ریزش را جهت تست کندل ۱۲ آغاز کند، ولی در عوض به‌سرعت نقض شده و باقدرت به سمت بالا بازمی‌گردد.

به دنبال اسپایک صعودی به سمت کندل ۱، بجای یک کانال معمولی یک حرکت صعودی تقریباً عمودی و اندکی سهموی تا کندل ۳ وجود دارد. این حرکت گونه‌ای از الگوی اسپایک و کانال روند است. این اتفاق همچنین در اسپایک صعودی تا کندل ۱۱ و کانال صعودی از کندل ۱۲ رخ می‌دهد. وقتی کانال‌ها به این اندازه شیب داشته باشند، معمولاً در تایم فریم بالاتر نمودارها اسپایک محسوب می‌شوند.

رالی صعودی تا کندل ۳، از یا کندل ۲ یا کف نمودار، آن‌قدر شیب دارد که اسپایک بزرگی محسوب می‌شود. درواقع، یک اسپایک صعودی ۴ کندلی را در نمودار ۶۰ دقیقه‌ای شکل می‌دهد و به دنبال آن پولبکی بزرگ و دو موجی ظاهر می‌شود که در کندل ۱۰ به پایان می‌رسد (کندل ۶ انتهای اولین موج است). بازار طی دو هفته بعد به سمت حرکت اندازه‌گیری تقریباً دقیقی صعود می‌کند (در قیمت ۱۲۸/۸۳ دلار که تقریباً برابر است با ارتفاع کف نمودار تا سقف کندل ۳ که به سقف کندل ۳ اضافه می‌شود).

اگرچه اسپایک نزولی به سمت کندل ۷ به‌عنوان انتخاب واضحی برای شروع موج نزولی ظاهر می‌شود، در آنجا تفسیر دیگری دارد و شاید هردو بر بازار تأثیر داشته باشند. به اسپایک بزرگ نزولی در شروع روز ۵ مه توجه کنید. اگرچه بازار به سمت یک سقف بالاتر اسمی صعود می‌کند، این اسپایک نزولی بسیار مهم است و می‌تواند به‌عنوان اسپایکی که منتهی به کانال صعودی می‌شود در نظر گرفته شود. سقف بالاتر ممکن است یک پولبک سقف بالاتر از اسپایک نزولی باشد و می‌تواند به‌عنوان شروع کانال نزولی دیده شود.



شکل (۴-۲۱) میکرو کانال شیب‌دار و سهموی

شکل (۴-۲۱) نمای نزدیکی از نمودار قبلی است که طبیعت سهموی کانال را نشان می‌دهد. حرکت از کندل ۸ تا ۹ در یک میکرو کانال شیب‌دار قرار دارد ولی بازار کانال را به سمت بالا شکسته و کانالی حتی پرشیب‌تر را از کندل ۱۰ تا ۱۱ شکل می‌دهد. این افزایش شیب، یک سهمی شکل را ایجاد می‌کند که پایدار نیست و بنابراین نوعی اوج شمرده می‌شود. بااین‌حال یک اوج می‌تواند بیشتر از آنکه بتوانید حسابتان را حفظ کنید طول بکشد، بنابراین هرگز به دنبال فروش

این‌چنین روندهای بزرگی نباشید، حتی با اینکه می‌دانید که آن نمی‌تواند به مدت نامعلومی طول بکشد.

با اینکه محتمل به نظر نمی‌رسد، بازار در کندل ۳ در روز بعد زیر کف شروع کانال را تست می‌کند (در شکل (۳-۲۱) مشخص است. م).

زمانی که بازاری طی حداقل ۱۰ کندل دارای روند قوی با همپوشانی اندک و سایه‌های کوچک شروع به رشد می‌کند، آن بازار روندی بسیار قوی دارد و معامله‌گران در آن بازار مشغول خرید در قیمت مظنه بازار هستند. چرا منتظر یک پولبک نمی‌مانند؟ زیرا خیلی مطمئن هستند که قیمت‌ها به‌زودی بسیار بالاتر خواهند رفت و مطمئن نیستند که به‌زودی پولبکی خواهد بود، بنابراین منتظر یک پولبک نمی‌مانند که شاید نیاید. حتی اگر پولبکی باشد، مطمئن هستند که کم‌عمق خواهد بود و قبل از سقف جدید تنها برای چند کندل طول می‌کشد.

حرکت از کندل ۱ تا کندل ۲ یک الگوی اسپایک و اوج روند است. کندل ۱ اسپایک است، ولی بجای یک کانال، بازار در کندل ۲ اسپایک دیگری می‌سازد. اوج‌های متوالی معمولاً به دنبال یک پولبک عمیق‌تر، حتی به هدف کف دومین اوج می‌آیند، همان‌طور که در اینجا آمده است. ازآنجایی‌که این دقیقاً همان چیزی است که الگوهای اسپایک و کانال انجام می‌دهند، یک الگوی اسپایک و اوج باید به‌عنوان نوع دیگری از الگوی اسپایک و کانال روند در نظر گرفته شود.

اگرچه حرکت از کندل ۷ تا کندل ۱۱ یک میکرو کانال است، این حرکت آن‌قدر فشرده است که معامله‌گران انتظار دارند که در تایم فریم بالاتر نمودار یک اسپایک باشد. کل حرکت از کندل ۳ تا کندل ۱۵ هم آن‌قدر فشرده است که یک اسپایک در نظر گرفته شود. درواقع بازار در طول ۳ روز بعد به نزدیکی کف اسپایک عقب‌نشینی می‌کند. به دنبال آن یک کانال صعودی ۷ روزه می‌آید که به یک حرکت اندازه‌گیری شده روبه بالا، بر مبنای ارتفاع اسپایک می‌رسد.

حرکت صعودی از کندل ۱۲ تا کندل ۱۴ در یک کانال انجام می‌گیرد و به دنبال آن اسپایک شکستی شامل دو کندل روند صعودی تا سقف کندل ۱۵ ظاهر می‌شود. در اینجا به دنبال کانال، یک اسپایک می‌آید که بعضی مواقع گونه اسپایک و اوج یک الگوی اسپایک و کانال شمرده می‌شود. اسپایک، کانال صعودی به سمت کندل ۱۴ است و کانال اسپایک صعودی تا کندل ۱۵ است و ترکیب آن‌ها مانند یک الگوی اسپایک و کانال مرسوم رفتار می‌کند.

با توجه به قدرت بالای اسپایک سه کندلی صعودی تا کندل ۲۱ روی یک تایم فریم کوچک - برای مثال یک نمودار ده تیکی - تقریباً مطمئناً این اسپایک داخل یک کانال فشرده قرار دارد، همان‌طور که اکثر اسپایک‌ها هستند.

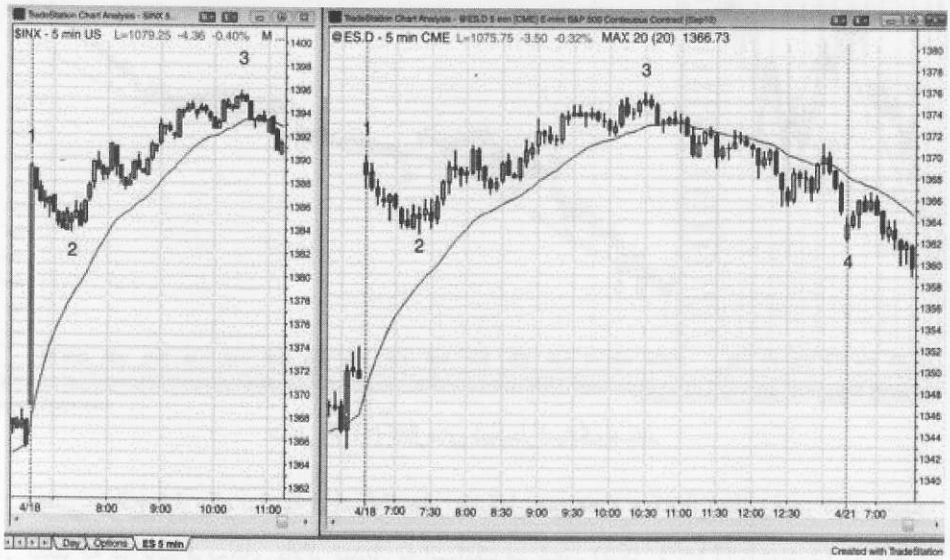
بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۴-۲۱)، کندل ۱ شکست صعودی قدرتمندی است که کانال نزولی پایان روز قبل و میانگین متحرک روز قبل را رو به بالا می‌شکند. این کندل تقریباً روی پایین‌ترین تیک خود باز شده و یک اسپایک صعودی است که احتمالاً به ذنبال آن یک کانال صعودی می‌آید. اسپایک صعودی دیگری در کندل ۲ وجود دارد و به دنبال این اوج‌های خرید پشت سر هم یک پولبک هشت کندلی به میانگین متحرک ظاهر می‌شود که کندل ۳ کف پولبک بعد از کندل ۱ را تست کرده و یک کف دوقلوی پرچم صعودی را برپا می‌کند.

چهار کندل صعودی روندی که در کندل ۹ به اتمام می‌رسند از نظر اندازه نسبتاً یکسان هستند. خیلی بزرگ نیستند بنابراین اوجی نیستند و درون یک میکرو کانال قرار دارند. این نوع از قدرت‌ها تقریباً به‌طور حتم قیمت‌های بالاتری را خواهند دید و معامله‌گران می‌توانند آن‌ها را مانند اسپایک‌ها معامله کنند که احتمالاً روی تایم فریم بالاتر یک نمودار می‌باشد. آن‌ها می‌توانند روی قیمت نهایی هرکدام از کندل‌ها بخرند و حد ضرر خود را در زیر اسپایک قرار دهند که یک کندل صعودی است که در دو کندل بعد از کندل ۸ تشکیل می‌شود. تا زمانی که بازار دارای روند قدرتمندی است و درعین‌حال اوجی هم ندارد، معامله‌گران مجرب در تمام مسیر روبه بالا در موقعیت‌های کوچک می‌خرند. ازآنجایی‌که حد ضرر آن‌ها نسبتاً خیلی دور است، ریسکشان بزرگتر است بنابراین اندازه موقعیتشان کوچکتر می‌باشد، ولی همچنان که بازار بالاتر می‌رود آن‌ها به موقعیت خود می‌افزایند. کندل ۱۲ اولین تلاش برای بازگشت کانال است و احتمال نقض شدن آن بالاست، ولی خریداران روی کندل‌های نزولی بعدی، مانند کندل بعد از کندل ۱۳ و دوباره روی کندل ۱۴، شروع به گرفتن سودشان می‌کنند. آن‌ها باقیمانده سود خود را روی اوج خرید دو کندلی تا کندل ۱۵، روی کندل‌های نزولی داخلی کوچکتری که بعدازآن می‌آیند و روی کندل روند نزولی قوی بعدازآن خارج می‌کنند که احتمالاً حداقل به یک اصلاح دو موجی بعد از اوج خرید منجر شود.

کندل ۱۵ کندل روند صعودی بزرگی در انتهای یک روند ممتد است. باوجوداینکه ممکن است یک شکست بوده و شروع موج صعودی دیگری باشد، به‌احتمال‌زیاد این کندل یک خلاء یا مکش خرید باشد. خریداران و فروشندگان بزرگ منتظر کندلی مانند این هستند تا اطراف قیمت نهایی آن بفروشند. این خلاء خرید همیشه درست زیر یک یا چند سطح مقاومت شکل می‌گیرد و همچنان که بازار به این محدوده نزدیک می‌شود، فروشندگان و بسیاری از خریداران کنار می‌روند. خریدارانی که دوست دارند که بازارهای صعودی را قویاً بخرند، بدون رقیب بوده و به‌سرعت قیمت را تا هدفش می‌برند. خریداران بزرگ سودشان را خارج می‌کنند و فروشندگان بزرگ می‌فروشند.

هر دو انتظار اوج خرید را دارند که به دنبال آن یک اصلاح عمیق‌تر و پیچیده‌تر بیاید که در آنجا بخرند. فروشندگان سود فروششان را می‌گیرند و خریداران خریدشان را دوباره بر پا خواهند کرد.



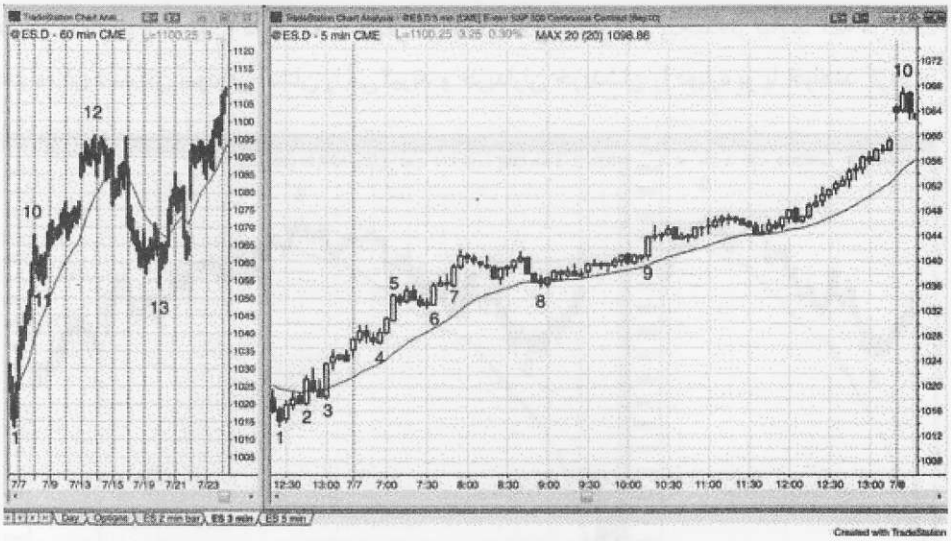
شکل (۵-۲۱) یک شکاف کانال و اسپایک روز

بعضی مواقع یک شکاف می‌تواند با تشکیل یک شکاف اسپایک و کانال روز (شکل (۵-۲۱) را ببینید)، یک اسپایک محسوب شود. نمودار سمت چپ شاخص نقدی S&P است و می‌توانید ببینید که شکاف صعودی روی نمودار EMINI در سمت راست تنها یک کندل صعودی روند است و بنابراین یک اسپایک صعودی روی شاخص نقدی است؛ بنابراین، معقول است که یک شکاف در EMINI تنها به‌عنوان یک کندل روند بزرگ در نظر گرفته شود.

شروع کانال در کندل ۲ در روز بعد تست می‌شود (کندل ۴). کانال تا کندل ۳ در حال از دست دادن مومنتم بوده و شروع به خم شدن به سمت پایین می‌کند آن‌چنان‌که از بالا گرد می‌شود.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

پرچم صعودی از کندل ۱ تا ۲ که منجر به کانال در شکل (۵-۲۱) می‌شود هم مانند یک کانال عمل می‌کند، ولی رانش قبل از بازگشت رو به پایین از کندل ۳ امتداد می‌یابد. ممکن است که آن در تایم فریم بالاتر یک پرچم نهایی باشد.



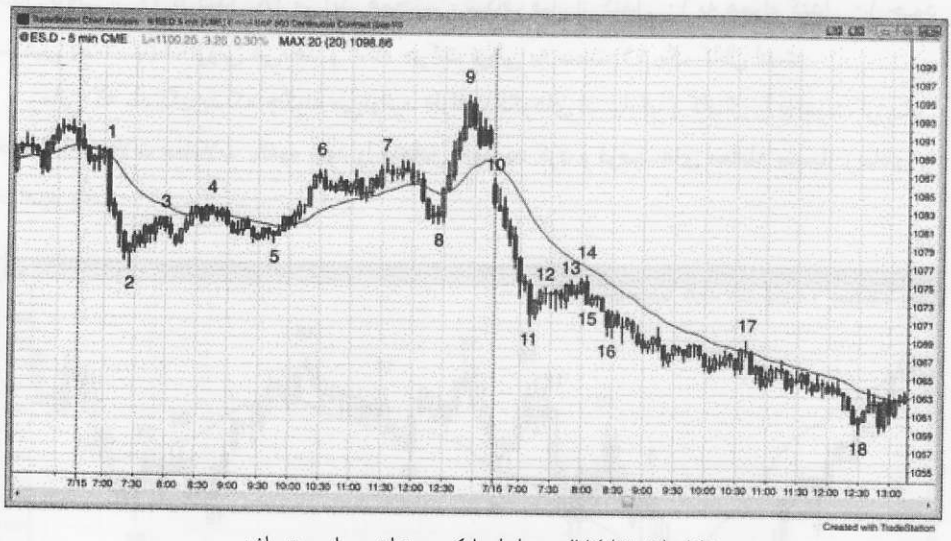
شکل (۶-۲۱) کانال‌های شیب‌دار اسپایک هستند

بعضی مواقع بازار یک سلسله از اسپایک‌ها را تشکیل می‌دهد و کانال‌ها آن‌قدر شیب پیدا می‌کنند که در تایم فریم‌های بالاتر تبدیل به اسپایک می‌شوند (شکل (۶-۲۱) را ببینید). نمودار ۵ دقیقه‌ای EMINI در سمت راست، اسپایک‌های صعودی بسیاری دارد و کانال از کندل ۸ تا کندل ۱۰ آن‌قدر شیب دارد که هیچ پولبکی وجود ندارد که شروع کانال را تست کند. در مقابل، کل الگوی اسپایک و کانال تا کندل ۱۰، تنها یک اسپایک در نمودار ۶۰ دقیقه‌ای سمت چپ است. کندل ۱۰ در نمودار ۶۰ دقیقه‌ای با کندل ۱۰ در نمودار ۵ دقیقه‌ای مطابقت دارد. آنگاه نمودار ۶۰ دقیقه‌ای یک کانال تا کندل ۱۲ را شکل می‌دهد و بازار به سمت کف کانال ۶۰ دقیقه‌ای در کندل ۱۳ اصلاح می‌شود.

اگرچه اسپایک سه کندلی از کندل ۴ تا کندل ۵ در نمودار ۵ دقیقه‌ای واضح‌ترین اسپایک روز را شکل می‌دهد، چندین اسپایک دیگر مانند کندل‌های ۲،۳،۶،۷ و ۹ وجود دارند و تمامی آن‌ها شانس این را دارند که به دنبالشان یک کانال صعودی بیاید. حرکت سه کندلی رو به کندل ۸ یک اسپایک نزولی می‌باشد و می‌تواند منتهی به یک کانال نزولی برای تست شروع یکی از کانال‌های صعودی از کندل ۴ یا ۶ شود، ولی روند صعودی آن‌قدر قدرت دارد که یک شکاف ۲۰ کندلی سیگنال خرید منجر به یک کانال ممتد رو به بالا می‌شود.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۶-۲۱) قیمت در روز قبل در یک روند صعودی کوچکی، بسته می‌شود و در آغاز روز اخیر قیمت یک پرچم صعودی دو کندلی از قیمت نهایی روز قبل را به سمت بالا می‌شکند. کندل ۴ ورودی خرید پولبک شکست در این ابتدا صعودی است.



شکل (۷-۲۱) کانال بعد از اسپایک می‌تواند بسیار ممتد باشد.

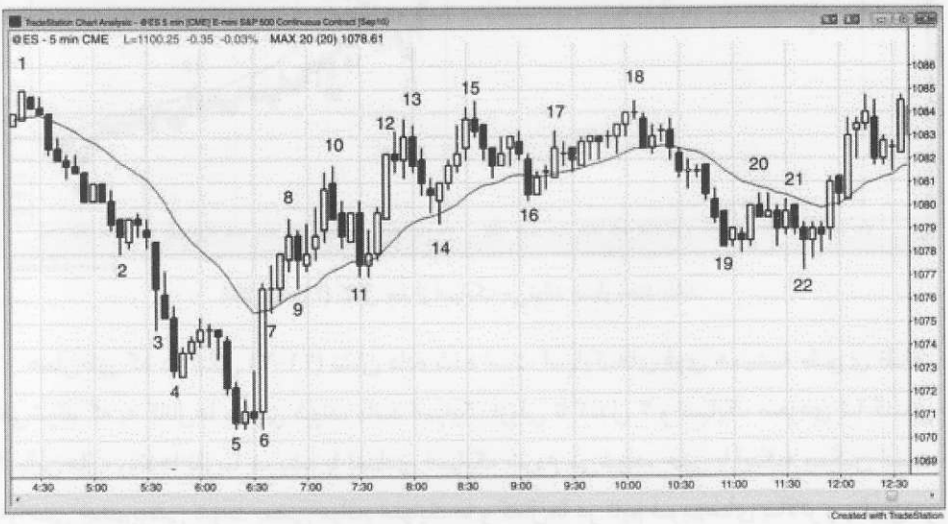
همان‌طور که در شکل (۷-۲۱) نشان داده شده است، اسپایک‌های قوی همیشه طوری ظاهر نمی‌شوند که به کانال‌ها منتهی شوند، مانند اسپایک نزولی تا کندل ۲ و اسپایک صعودی تا کندل ۹. بااین‌حال، روندها تقریباً همیشه با تعدادی اسپایک شروع می‌شوند، حتی با اینکه ممکن است به‌راحتی چشم‌پوشی شوند. بعضی مواقع اسپایک‌ها و کانال‌ها در تایم فریم‌های بالاتر و پایین‌تر نمودارها بسیار متفاوت به نظر می‌آیند، ولی اگر بتوانید از آنچه روی نمودار ۵ دقیقه‌ای می‌بینید استنتاج کنید که آن‌ها چه چیزی را نشان می‌دهند، نیازی نیست که تایم فریم‌های دیگر را بررسی کنید. آنچه که در نگاه اول یک اسپایک بزرگ به نظر می‌رسد ممکن است درواقع، در یک تایم فریم کوچکتر، الگوی اسپایک و کانالی باشد که آن‌قدر شیب دارد که به‌راحتی کانالی بعدازآن نیاید. به‌طور معکوس، آنچه که به نظر می‌رسد یک الگوی اسپایک و کانال شیب‌دار باشد، ممکن است در تایم فریم بالاتر نمودار، یک اسپایک باشد.

حرکت نزولی از کندل ۱ تا کندل ۲ شبیه به یک اسپایک است ولی بجای آن بازار کندل ۱ را مانند یک اسپایک می‌بیند و چهار کندل بعدی تا کندل ۲ را مانند یک کانال فرض می‌کند که ممکن است در تایم فریم پایین‌تر یک نمودار بسیار راحت‌تر دیده شود. کل حرکت نزولی تا کندل

۲ هم می‌تواند به‌عنوان یک اسپایک دیده شود که به دنبال آن یک پولبک به سقف بالاتر در کندل ۹ آمده است و سپس کانال نزولی شروع می‌شود. بعضی مواقع قبل از اینکه کانال شروع شود، پولبک از آن اسپایک به ناحیه‌ای در ورای شروع اسپایک می‌رود.

اولین قسمت آن کانال نزولی یک اسپایک از کندل ۹ تا کندل ۱۱ است که به دنبال آن یک کانال نزولی از ۱۴ تا کندل ۱۸ می‌آید. همچنین، شکاف قبل از کندل ۱۰ به همراه کندل ۱۰ خود تشکیل یک اسپایک نزولی می‌دهد و آنگاه حرکت نزولی به سمت ۱۱ یک کانال است.

زمانی که یاد بگیرید که چگونه می‌توانید ظرافت الگوهای اسپایک و کانال را ببینید، ارزیابی خود از احتمالات معاملات بالقوه خود را متعادل خواهید کرد و فرصت‌های معامله بسیار زیادی را خواهید یافت.



شکل (۸-۲۱) اوج‌های متوالی

اوج‌های متوالی گونه‌ای از الگوی اسپایک و کانال روند را ایجاد می‌کنند. هر کندل روند بزرگ باید به‌عنوان یک شکست، یک اسپایک و یک اوج در نظر گرفته شود. در شکل (۸-۲۱)، کندل ۳ یک کندل روند نزولی بزرگ در یک روند نزولی بوده و یک اوج فروش محسوب می‌شود. بااین‌حال، یک اوج به معنی آن نیست که بازار بر خواهد گشت. معنی ساده آن این است که مسیر زیادی را با سرعت زیادی رفته و ممکن است برای یک یا چند کندل مکث کند. روند بعدازآن می‌تواند از سر گرفته شود، یا بازار می‌تواند حرکت بدون روندی داشته یا حتی برگردد.

این اوج با یک مکث یک کندلی اصلاح می‌شود که یک کندل داخلی نزولی است و پس از آن، کندل ۴ یعنی اوج فروش دیگری ظاهر می‌شود. به دنبال کندل ۴ یک اصلاح سه کندلی می‌آید و

سپس سومین اوج فروش که کف روند نزولی را مشخص می‌کند. این اوج فروش نهایی حرکت نزولی دو کندلی به کف کندل ۵ است. مهم نیست که کندل‌ها، کندل‌های روند نزولی پرقدرت با بدنه بزرگ، سایه‌های کوتاه بوده و همپوشانی اندکی دارند. یک اوج معمولاً منتهی به یک اصلاح می‌شود. این معامله‌گران از فروش ناامید شده و نمی‌توانند شانس انتظار برای پرشی که به آن‌ها اجازه فروش در قیمت بهتری بدهد را به دست آورند. زمانی که این معامله‌گران ضعیف می‌فروشند، کسی باقی نمی‌ماند که بخواهد بفروشد و این خریداران را در کنترل بازار آزاد می‌گذارد که قیمت‌ها را بالا ببرند. بعد از کندل اوج ۳، یک اصلاح یک کندلی وجود دارد، یک اصلاح سه کندلی بعد از کندل اوج ۴ ظاهر می‌شود و بازگشت اصلی بعد از کندل اوج ۵ به وجود می‌آید. معمولاً زمانی که دو اوج پشت سر هم وجود داشته باشند، حداقل یک اصلاح دو موجی وجود دارد. وقتی آن‌ها سه تا باشند، بازگشت در حالت کلی حتی بزرگتر می‌شود، همان‌طور که در اینجا شده است.

ازآنجایی‌که اوج‌های متوالی گونه‌ای از اسپایک و کانال روندها هستند، می‌توانید کندل ۳ را به‌عنوان یک اسپایک و کندل ۴ را به‌عنوان یک کانال در نظر بگیرید، حتی اگر یک سری از کندل‌ها با همپوشانی کم و سایه‌های کوچک مانند آنچه که در کانال‌های معمولی می‌بینید، وجود نداشته باشد. آنگاه کندل ۴ تبدیل به اسپایکی برای کانال نزولی تا کندل ۵ می‌شود.

کندل ۶ یک اسپایک صعودی است که با کندل ۸ کانال به اتمام می‌رسد. حرکت صعودی به‌طرف کندل ۸ آن‌قدر شیب دارد که کندل ۶ تا ۸ می‌تواند به‌عنوان یک اسپایک در نظر گرفته شود و آن کندل‌ها ممکن است در تایم فریم بالاتر نمودار، تشکیل یک اسپایک بدهند. بعد از اسپایک کندل ۶، کندل‌های ۷ تا ۱۰ یک کانال را شکل می‌دهند. در این ناحیه، شکاف شکست ایجاد شده توسط اسپایک کندل ۶ دارای دو نقطه رانش است: سقف رالی کوچک بعد از کندل ۴ و سقف کندل قبل از کندل ۶. معامله‌گران مختلف بر یکی بیشتر از دیگری تأکید می‌کنند، ولی هردو مهم‌اند. کندل ۱۱ تستی بر کف کانال و بنابراین یک تست شکاف است. این از کندل ۱۱ یک تست شکست می‌سازد و مطابق معمول یک کف دوقلوی پرچم صعودی با کندل ۷ یا کندل ۹ شروع کانال صعودی شکل می‌دهد. زمانی که بازار شروع به حرکت صعودی مجدد می‌کند، خریداران آن را دنبال نخواهند کرد که پایین را تست کند. اگر تست کرد، آن را به‌عنوان نشانه‌ای از ضعف می‌بینند و شانس حرکت صعودی پرقدرت به‌مراتب کاهش می‌یابد.

کندل ۱۰ در انتهای یک حرکت سهموی چهار کندلی صعودی است. اگر سقف کندل‌های متوالی از کندل ۹ تا کندل ۱۰ را به هم متصل کنید، خط ایجاد شده شکلی سهموی خواهد داشت. شیب آن در دو کندل بعد از کندل ۹ افزایش می‌یابد و بین دو کندل آخر کاهش می‌یابد. کانال از

کندل ۷ تا کندل ۱۰ آن‌قدر پرشیب است که حرکت از کندل ۶ تا کندل ۱۰ در تایم فریم بالاتر نمودار احتمالاً یک اسپایک است.

کندل ۱۲ یک اسپایک دوکندلی و کندل ۱۵ یک کانال سهمی شکل را به پایان می‌رسانند.

کندل‌های ۷ تا ۱۵ ایجاد کانال بزرگتری با سه رانش می‌نمایند.

کندل ۱۷ یک اسپایک سه کندلی است و به دنبال آن یک کانال صعودی سهموی تا کندل ۱۸ می‌آید.

در پی اسپایک سه کندلی نزولی تا کندل ۱۹، یک کانال کوچک نزولی تا کندل ۲۲ می‌آید. کندل‌های ۲۱ و ۲۲ یک اسپایک کوچک و اوج فروش ثانویه را شکل می‌دهند (حرکت به‌طرف کندل ۱۹ اولین اوج فروش است) و بنابراین در آنجا احتمالاً منتهی به یک اصلاح رو به بالا می‌شود.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

وقتی‌که معامله‌گران تازه‌کار در انتهای روز به نمودار شکل (۸-۲۱) نگاه می‌کنند، به‌سرعت یک محدوده معامله خواهند دید که اطراف کندل‌های ۷،۹، یا ۱۱ شروع شده است. هنگام شکل‌گیری کانال صعودی از کندل ۷ تا کندل ۱۵، احتمالاً نمی‌دانند که یک کانال صعودی در یک الگوی اسپایک و کانال روز معمولاً شروع یک محدوده معامله است. بااین‌حال، معامله‌گران باتجربه این را می‌دانند و آن‌ها در بالای سقف هر سوینگ قبلی شروع به فروختن می‌کنند و بسیاری از آن‌ها در قیمت‌های بالاتر به‌صورت تدریجی وارد می‌شوند. آن‌ها اطراف تست کف دوقلوی کندل ۲۲ با کندل ۹، یا کندل ۱۱ یعنی کف کانال صعودی، از فروششان خارج می‌شوند. کندل ۲۲ همچنین می‌تواند به‌خوبی دومین ورودی خرید در کف محدوده معامله درحال‌توسعه، به‌عنوان یک پرچم نهایی بازگشتی احتمالی ظاهر شود. درنهایت، کندل ۲۲ یک پولبک کف پایین‌تر از شکست کندل ۲۰ در بالای میکرو کانال نزولی به سمت پایین تا کندل ۱۹ می‌باشد.

گوه صعودی به‌طرف کندل ۱۵ یک الگوی پلکانی یا نردبان کانال صعودی هم هست زیرا دومین اوج، هشت تیک بالای اولین اوج است و سومی تنها سه تیک بالای دومی قرار می‌گیرد. این نشان‌دهنده کاهش مومنتم است.

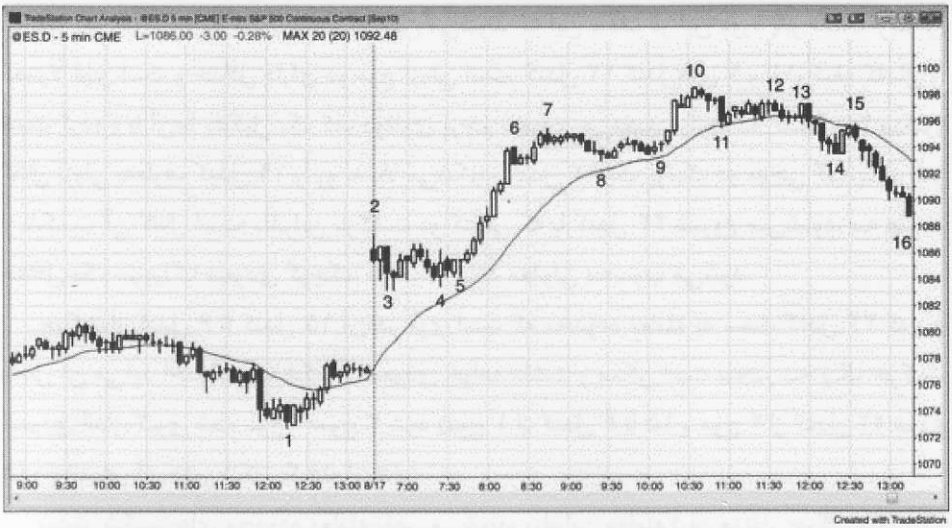
گوه معمولاً اصلاح دو موجی دارد، ولی وقتی‌که بزرگ است، موج‌ها معمولاً تقسیم می‌شوند. حرکت نزولی تا کندل ۱۶ شامل یک کانال نزولی نسبتاً فشرده است و بنابراین، احتمالاً تبدیل به اولین موج نزولی می‌شود، حتی با اینکه به دو موج تقسیم می‌شود. کندل‌های آن برای اصلاح گوه‌ای به‌اندازه این خیلی کم است. حرکت بی‌رمق تا کندل ۱۸ پولبکی است که منتهی به دومین موج نزولی می‌شود که در کندل ۲۲ به پایان می‌رسد. کندل ۱۸ با کندل ۱۵ سقف گوه دقیقاً یک سقف دوقلو است و زمانی که بازار دریک سقف دوقلوی تست سقف یک گوه به سمت پایین

معکوس می‌شود، معامله‌گران بیشتر مطمئن می‌شوند که این سقف در این دوره پابرجاست. ریزش معمولاً قوی است و حداقل دارای دو موج نزولی است. کندل ۲۲ کندل‌های ۹ و ۱۱، کف کانال را تست کرده و با آن‌ها تشکیل یک کف دوقلوی پرچم صعودی می‌دهد. ازآنجاکه کندل ۲۰ میکرو کانال نزولی به‌طرف کندل ۱۹ را رو به بالا می‌شکند، کندل ۲۲ یک پولبک دو موجی کف پایین‌تر از شکست آن کانال است؛ بنابراین بازگشت دو کندلی که با کندل ۲۲ شروع می‌شود، به هدف حداقل یک سوینگ صعودی کوچک، موقعیت خرید معقولی محسوب می‌شود.

حرکت از کندل ۶ تا کندل ۱۵ آن‌قدر قوی است که محدوده معامله به سمت کندل ۲۲ که به دنبال آن می‌آید احتمالاً یک شکست صعودی خواهد داشت و ممکن است منجر به یک حرکت صعودی اندازه‌گیری شده موج ۱=موج ۲ شود (موج ۱ از کندل ۶ تا ۱۵ و موج ۲ از کندل ۲۲ شروع شده و انتهای آن هنوز شکل نگرفته است).

بیشتر شکست‌های محدوده معامله نقض می‌شوند، بنابراین معامله‌گران منتظر حرکت نزولی تا کندل ۱۹ هستند تا مقداری از آن را دنبال کنند، چراکه در نزدیک کف محدوده معامله قرار دارد. اگر در کندل ۲۱ کف ۲ را بفروشند، انتظار پرچم نهایی (کندل ۱۹ تا ۲۱) و یک بازگشت صعودی از کف محدوده معامله را دارند.

ازآنجایی‌که کندل ۶ اسپایک صعودی بزرگی است، معامله‌گران باید سودشان را در یک هدف حرکت اندازه‌گیری شده احتمالی بر مبنای اسپایک بگیرند. باید به آغاز و کف کندل نگاه کنید و از آنجا تا آخرین قیمت یا سقف کندل را اندازه‌گیری کنید. در این حالت، سقف اسپایک کندل دوجی ۷ است که انتخاب واضحی به نظر نمی‌رسد، ولی بهتر است تمام احتمالات را در نظر بگیرید. کندل ۱۵ یعنی سقف گوه، حرکتی اندازه‌گیری شده دقیقی است که از تصویر کردن تعداد پوینت‌ها از کف کندل ۶ تا سقف کندل ۷، به سقف کندل ۷ به‌طرف بالا به دست می‌آید.



شکل (۹-۲۱) یک شکاف رو به بالا و کف دوقلو

یک شکاف صعودی بزرگ در ابتدا، اغلب قبل از شروع روند صعودی، حرکتی افقی یا رو به پایین دو موجی دارد. هر زمان که نوسان اولیه (اولین ۵ تا ۱۰ کندل یا بیشتر) کمتر ۳۰ درصد میانگین نوسان روزانه باشد، آن روز در حالت شکست قرار دارد و معامله‌گران شکست رو به بالا را می‌خرند و شکست رو به پایین را می‌فروشند. اگر هنگامی‌که یک شکاف بزرگ صعودی وجود دارد، این نوسان کوچک رخ دهد، احتمال یک روز روند صعودی یا نزولی بالاست.

در شکل (۹-۲۱)، حرکت صعودی از کندل ۵ تا کندل قبل از کندل ۶ یک اسپایک صعودی قوی است. بازار به‌صورت افقی تا کندل ۹ تصحیح می‌شود و سپس با تکمیل اسپایک و نوع صعودی اسپایک و کانال روند صعودی، یک اوج خرید صعودی تا کندل ۱۰ را دارد.

کندل ۶ اولین اسپایک نزولی در یک روند صعودی قدرتمند است و همان‌طور که انتظار می‌رفت منتهی به یک پرچم صعودی می‌شود (یک الگوی (iii)).

زمانی که معامله‌گران کندل قدرتمند ۱۱ اسپایک نزولی را می‌بینند، نگران می‌شوند که آیا ممکن است یک بازگشت روند باشد زیرا بعد از اینکه پرچم صعودی نهایی تا کندل ۹ خط روند صعودی شیب‌داری را می‌شکند، این کندل یک بازگشت نزولی از سقف بالاتر محسوب می‌شود. قبل از آن یک اسپایک قوی بعد از کندل ۹ وجود دارد. وقتی بازار دو اسپایک قوی در دو جهت مخالف داشته و چند کندل مابین آن‌ها وجود داشته باشد، معمولاً افقی حرکت می‌کند چراکه دو طرف بر سر ایجاد یک کانال با هم مبارزه می‌کنند. خریداران می‌خواهند کانال بالا رود و فروشندگان

می‌خواهند پایین بیاید. بازار در اینجا حرکت بدون روندی را انجام می‌دهد ولی سرانجام فروشندگان برنده می‌شوند.

همچنان که بازار بدون روند حرکت می‌کند، در کندل ۱۲ سقف پایین‌تری را به شکل سقف دوقلو و سپس یک پولبک به کندل ۱۳ شکل می‌دهد. کندل ۱۳ یک کندل روند صعودی است که خریداران را در موقعیت خریدشان به دام می‌اندازد و اولین کندل از بازگشت دو کندلی است که به ریزش بزرگی منتهی می‌شود.

در درون یک محدوده معامله اغلب یک اسپایک نزولی و یک اسپایک صعودی وجود خواهد داشت و این معمولاً بازار را در حالت شکست قرار می‌دهد. خریداران امیدوارند به شکل کانال صعودی ادامه یابد درحالی‌که فروشندگان یک کانال نزولی می‌خواهند. کندل ۹ منتهی به یک اسپایک دو کندلی می‌شود و پولبکی که می‌تواند منجر به شروع یک کانال صعودی شود با اسپایک نزولی کندل ۱۱ شروع می‌شود. در این مرحله، فروشندگان به دنبال یک کانال نزولی هستند. بازار وارد یک محدوده معامله شده و خریداران تلاش می‌کنند با کندل روند صعودی ۱۳ کانالشان را شروع کنند، اما فروشندگان بر آن‌ها غالب شده و قادرند که بازار را به داخل یک کانال نزولی بچرخانند.

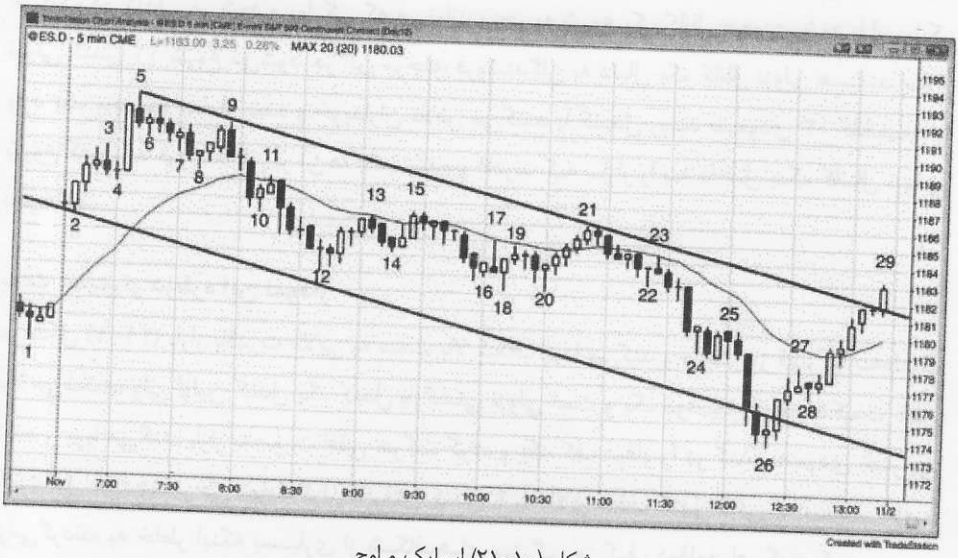
بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۹-۲۱) بازار باقدرت بالایی به سمت بالا شکاف پیدا می‌کند و سقف روز قبل را به‌طرف بالا می‌شکند، ولی اولین کندل یک کندل بازگشتی نزولی است و یک موقعیت فروش شکست نقض شده را برپا می‌کند. بازار به‌صورت افقی حرکت کرده و یک کف دوقلو را در کندل صعودی خارجی ۴ تشکیل می‌دهد. برخی معامله‌گران با رفتن کندل ۴ به بالای سقف کندل قبلی، به سمت خرید برمی‌گردند، به خاطر اینکه بسیاری از شکاف‌های بزرگ روز کف دوقلوهای کوچک و سپس روندهای عظیمی دارند. دیگر معامله‌گران در موقعیت بالای پولبک شکست کندل ۵ می‌خرند (یک کندل داخلی یک مکث، بنابراین، نوعی پولبک است) و هنوز هم دیگران منتظر خریدند تا اینکه یک شکست رو به بالای شروع نوسان، در بالای کندل ۲ به وجود آید.

کندل ۵ یک موقعیت خرید پولبک شکست برای شکست رو به بالای کف دوقلوی کندل‌های ۳ و ۴ یا سقف ۲ است. کندل‌های ۳، ۴ و ۵ همچنین تشکیل یک مثلث بعد از یک شکاف بزرگ صعودی می‌دهند. آن شکاف بزرگ رو به بالا یک اسپایک است و مثلث احتمالاً یک پرچم صعودی باشد، چراکه بیشتر محدوده‌های معامله در روند صعودی، رو به بالا می‌شکنند.

کندل‌های ۸،۶ و ۹ یک مثلث ایجاد می‌کنند (می‌تواند یک پرچم صعودی گوه‌ای هم باشد) و هر محدوده معامله دریک روند صعودی، یک پرچم صعودی است. کندل ۹ همچنین یک پولبک یک کندلی از شکست روی کندل قبل از آن، به کف دوقلوی کندل‌های ۶ و ۸ است.

اگرچه مثلث کندل‌های ۶،۸ و ۹ تبدیل به یک پرچم نهایی بزرگی می‌شوند، چهار کندل نزولی از کندل ۱۲ و کف دوقلوی پرچم صعودی ایجاد شده توسط کندل ۱۱ و سومین کندل بعد از ۱۲ هم یک پرچم نهایی صعودی هستند. شکست صعودی به‌طرف سقف کندل ۱۳ مختصر بوده و حتی نمی‌تواند به بالای سقف پایین‌تر کندل ۱۲ برود، ولی هنوز یک پرچم نهایی است. آن یک پرچم صعودی و آخرین تلاش خریداران برای ازسرگیری روند است، ولی به‌سرعت بعد از تنها یک شکست صعودی یک کندلی به سمت پایین معکوس می‌شود.



شکل (۱۰-۲۱) اسپایک و اوج

گونه اسپایک و اوج یک الگوی اسپایک و کانال، اغلب اسپایک و کانال معکوس دارند. در شکل (۱۰-۲۱)، یک کانال از کندل ۲ تا کندل ۳ و به دنبال آن یک روند بزرگ صعودی وجود دارد. کانال به‌عنوان یک اسپایک صعودی عمل می‌کند و آن اسپایک یک کندلی مانند یک کانال عمل می‌کند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بازگشت نزولی از سقف روز کندل ۵ در شکل (۱۰-۲۱) هم یک پرچم نهایی بازگشتی است که کندل ۴ یک پرچم نهایی یک کندلی است. بعد از یک اوج، مخصوصاً بعد از یک پرچم نهایی

بازگشتی، بازار معمولاً یک اصلاح دو موجی دارد که به معنی آن است که یک سقف ۱ و شاید یک سقف ۲ نقض خواهد شد. اگر در زیر کندل ۵ فروخته باشید، آنگاه باید منتظر پولبک‌ها باشید و حد ضررتان را بالای سقف کندل ۵ قرار دهید تا اینکه بازار دومین موج خود را شروع کند.

زمانی که بازار در حرکت نزولی به سمت کندل ۱۱ به سمت پایین می‌شکند، معامله‌گران به این باور می‌رسند که باید بیشتر بفروشند، یعنی اینکه شکست بازار را به سمت یک بازار دارای روند غالب نزولی چرخانده است. کندل شکست بنابراین احتمالاً منتهی به یک حرکت اندازه‌گیری شده رو به پایین می‌شود و یک شکاف اندازه‌گیری شده می‌تواند در آنجا وجود داشته باشد. شکاف مابین نقطه شکست کندل ۸ و پولبک کندل ۱۱ تبدیل به آن شکاف می‌شود.

ازآنجایی‌که اسپایک صعودی سریع و بنابراین اوجی است، سقف ۱ بالای کندل ۶ احتمالاً به شکست منتهی می‌شود. معامله‌گران سلطه‌جو سفارشات حد فروش خود را در بالای سقف ۱ کندل ۶ و بالای سقف ۲ کندل سیگنال ۷ قرار می‌دهند.

کندل ۸ یک پرچم صعودی گوه‌ای (یک سقف ۳) و یک معامله اسکالپ معقول است، ولی زمانی که سودتان را از معامله خرید (خرید اسکالپ از کندل ۸. م) خود می‌گیرید، تنها درصورتی‌که از نظر احساسی آمادگی بازگشت به فروش را دارید این کار را انجام دهید، چراکه مرحله دوم نزول محتمل است. ازآنجایی‌که حرکت نزولی به سمت کندل ۸ در یک کانال صورت می‌گیرد، احتمالاً این حرکت درست اولین موج می‌باشد.

بازه اولیه حدوداً نصف اندازه بازه معمولی است و بنابراین آن روز می‌تواند تبدیل به روز محدوده معامله روند دار[1] باشد که می‌شود. بازه بالایی آن از کف کندل ۲ تا سقف آن روز است و بازه پایینی آن حدوداً از کندل ۱۲ تا کندل ۲۲ است. بازار سپس دوباره به سمت پایین رانش می‌کند و از محدوده معامله فشرده و محدوده پرچم نهایی کندل ۲۴ تا کندل ۲۶ یعنی کف روز تشکیل یک کانال فشرده می‌دهد، هرچند در آن ناحیه معاملات دو طرفه بسیار کمی انجام می‌شود و بازار به‌سرعت به سمت محدوده میانی بازه در انتهای روز می‌رسد.

آن روز همچنین تبدیل به یک الگوی اسپایک و کانال روند روز می‌شود که حرکت از کندل ۵ تا کندل ۱۲ اسپایک است و سه رانش نزولی تا کندل‌های ۱۸،۱۲ و ۲۶ یک کانال سهموی اوجی ایجاد می‌کنند.

---

[1]. دو یا چند محدوده معاملاتی که با یک شکست از هم جدا شده‌اند.

زمانی که بازار از شکست رو به پایین کانال در کف کندل ۲۶ به سمت بـالا برمـی‌گـردد، هـدف بعدی آن نفوذ کوچکی در سقف کانال می‌باشد که این کار در انتهای روز انجام می‌شود.

۲۲

روزهای محدوده معامله روند دار

مشخصات اولیه روزهای محدوده معامله روند دار:

- نوسان اولیه در حدود یک‌سوم تا نصف اندازه نوسان روزهای اخیر است.
- بعد از یک یا دو ساعت یک شکست وجود دارد و سپس بازار وارد محدوده معامله دیگری می‌شود.
- به خاطر وجود محدوده معامله، معمولاً فرصت‌هایی برای انجام معامله در هر دو جهت وجود دارد.
- بعضی مواقع چند شکست و محدوده معامله وجود دارد، ولی وقتی‌که این اتفاق می‌افتد، معمولاً بهتر است آن روز را به‌عنوان نوع قوی‌تری از روز روند فرض کرده و تنها در جهت روند معامله کنید.
- بعد از شروع شکل‌گیری دومین محدوده معامله، معمولاً پولبکی وجود دارد که محدوده معامله اولی را تست می‌کند.
- تست‌ها معمولاً به سمت نوسان اولیه برمی‌گردند. وقتی‌که به آن‌ها نزدیک می‌شوند ولی به محدوده قبلی نفوذ نمی‌کنند، روند اندکی قوی‌تر است.
- بعضی مواقع بازار تمام مسیر را از میان محدوده اولی می‌گذرد و آن روز تبدیل به روز بازگشت می‌شود.
- بیشتر روزهای بازگشت به‌عنوان روزهای محدوده معامله روند دار شروع می‌شوند.

- زمانی که شکست خیلی قوی است، آن روز به‌احتمال‌زیاد تبدیل به یک الگوی اسپایک و کانال روند ضعیف می‌شود.

ازآنجایی‌که هر روندی دارای پولبک‌هایی است و آن پولبک‌ها محدوده‌های معامله کوچکی هستند، بعضی اشکال روز محدوده معامله روند دار در طول هر روز روند ظاهر می‌شوند و محدوده‌های معامله روند دار در هر هفته حداقل دو بار غالب می‌شوند. اگر نوسان اولیه حدوداً یک‌سوم تا نصف اندازه متوسط نوسان روزانه باشد، به دنبال یک شکست و تقریباً دو برابر شدن نوسان روز باشید. این روزهای روند معمولاً از یک سری از دو یا گهگاهی بیشتر محدوده معامله مجزا شده با شکست‌های مختصر تشکیل شده‌اند و شکل‌گیری‌ها بعضی مواقع به‌راحتی به‌عنوان محدوده‌های معامله دیده نمی‌شوند. بااین‌حال، در نمودار روزانه، آن روز آشکارا یک روز روندار می‌باشد، از نزدیک یک انتهای کندل شروع شده و نزدیک انتهای دیگر کندل به پایان می‌رسد. هر وقت که بازار در حال تشکیل سوییینگ‌های روند دار باشد ولی آن روز مشابه یک روز روند دار واضح نباشد، احتمالاً یک روز با محدوده معامله دارای روند است. همچنین، اگر نوسان آن روز در یک یا دو ساعت اول حدوداً تنها یک‌سوم تا نصف میانگین نوسان روزهای اخیر باشد منتظر یک شکست و تقریباً یک حرکت اندازه‌گیری شده باشید و سپس دومین محدوده معامله در مابقی آن روز تشکیل می‌شود. این نوع از روند به شکلی در چندین روز هر هفته تشکیل می‌شوند ولی اغلب بهتر است به‌عنوان نوع دیگری از روند یا حتی محدوده معامله بزرگتر تقسیم‌بندی شود.

بسیاری از روزها می‌توانند بسته به قدرتشان یا به‌عنوان اسپایک و کانال روند یا به‌عنوان محدوده معامله دارای روند تقسیم‌بندی شوند. هرچقدر روند قوی‌تر باشد، آن روز بیشتر مشابه یک الگوی اسپایک و کانال روز دارای روند رفتار می‌کند. علت اینکه تلاش می‌شود تا تفاوت بین آن‌ها مشخص شود آن است که آن‌ها باید به روش‌های متفاوتی معامله شوند. وقتی‌که در یک روز یک الگوی اسپایک و کانال روند بیشتر دیده می‌شود، آن روز، روز روند قدرتمند است و معامله‌گران باید بر روی معاملات در جهت روند و معاملات سوییینگ تمرکز کنند. باید از معامله مخالف روند پرهیز کنند مگر اینکه انتقال واضحی به یک محدوده معامله، یا یک روند مخالف موجود باشد. وقتی‌که آن روز بیشتر شبیه یک روز با محدوده معامله روند باشد، معامله‌گران معمولاً می‌توانند در هردو جهت خریدوفروش کرده و بیشتر به دنبال معاملات اسکالپ باشند. همچنان که یک روز در حال سپری شدن است، سرنخ‌هایی به وجود می‌آید که درصورتی‌که شکست احتمالاً منتهی به یک روز دارای روند قوی شود، مانند یک الگوی اسپایک و کانال روز دارای روند (حتی یک پولبک کوچک روز روند)، یا به یک محدوده معامله دارای روند در آن روز بیانجامد، معامله‌گران را آگاه می‌کند. محدوده‌های معامله از روزهای روند دار رایج‌تر هستند و روزهای دارای محدوده معامله روند دار،

مخصوصاً، حدود دو برابر الگوهای اسپایک و کانال روند روز رایج هستند، اگرچه هر روز حداقل یک نوسان اسپایک و کانال دارد. شروع اسپایک در یک الگوی اسپایک و کانال روند روز بیشتر در اول روز، اغلب از اولین کندل یا با شکاف صعودی یا نزولی محتمل است. همچنین، معمولاً یا بسیار ورای کندل‌های روز گذشته می‌شکند یا از یک شکست، مانند یک رالی سریع و تندوتیز از یک شکاف بزرگ نزولی در یک روز، باقدرت برمی‌گردد. اسپایک در یک روز دارای محدوده معامله روند دار، شکستی از یک محدوده معامله است، ولی معمولاً هنوز در محدوده نوسان روز قبل قرار دارد.

شروع محدوده معامله اغلب به‌اندازه یک تا سه ساعت طول می‌کشد و می‌تواند نصف اندازه میانگین نوسان آن روز باشد. این فقدان ضرورت نشانه‌ای از آن است که تبدیل‌شدن آن روز به روز روند دار قوی کمتر محتمل است. همچنین، محدوده معامله اولیه دارای نیروی جاذبه است، همان‌طور که تمام محدوده‌های معامله دارند و این نیروی جاذبه مانع ادامه بسیار زیاد شکست شده و محدوده معامله دیگری را شکل می‌دهد. شکست روی یک الگوی اسپایک و کانال روز دارای روند اغلب بزرگ و سریع است. اسپایک می‌تواند سه کندل بزرگ روند صعودی یا بیشتر با سایه‌های کوچک بوده و همپوشانی بسیار کمی داشته باشد. در یک روز دارای محدوده معامله روند دار، اسپایک معمولاً تنها یک تا سه کندل دارد و آن کندل‌ها معمولاً کوچک بوده و سایه‌های بلند و همپوشانی بیشتری دارند. اگر پولبک فقط یک کندل بوده و شکست از پولبک، اسپایک دیگری باشد، حتی اگر کوچکتر بوده و دارای تنها یک کندل باشد، آن روز به‌احتمال‌زیاد تبدیل به یک روز اسپایک و کانال دارای روند می‌شود. اگر پولبک برای ۵ تا ۱۰ کندل حرکت بدون روند داشته باشد، یا اگر شکست از آن پولبک، کانالی ضعیف با کندل‌های همپوشان و کندل‌های روند در جهت مخالف باشد، آن روز به‌احتمال‌زیاد باید روز دارای محدوده معامله رونددار باشد. اگر پولبک بعد از اسپایک آن‌قدر قوی باشد که معامله‌گران را درباره جهت روند غالب دچار تردید کند، یک محدوده معامله محتمل‌تر از یک کانال روند است، بنابراین بجای سوییینگ کردن به دنبال معاملات اسکالپ باشید.

ورود به شکست هر محدوده معامله‌ای یک معامله با احتمال موفقیت پایین است، به‌جز در شرایط خاص که در قسمت محدوده‌های معامله در کتاب ۲ شرح داده شده است. معمولاً ورود در پولبک شکست یا در بازگشت اولیه از سمت مخالف نوسان بسیار بهتر است، ولی اگر معامله‌گر مطمئن است که آن روز ممکن است در حال ورود به یک روز دارای محدوده معامله روند دار است و شکست دارای قدرت بالایی است، در هنگامی‌که کندل شکست در حال شکل‌گیری است، یا در حدود پایان کندل شکست یا در پایان کندل بعدی، اگر آن هم دارای قدرت کافی باشد، می‌تواند ورود را در نظر بگیرد. به دنبال اسپایک شکست معمولاً یک کانال می‌آید، ولی اغلب در اطراف

محدوده یک حرکت اندازه‌گیری شده متوقف خواهد شد و سپس بازار شروع به ساخت یک محدوده معامله خواهد کرد. بازار از یک نوسان گذشته و نوسان دیگری را شکل خواهد داد. بندرت در یک روز سه یا چهار محدوده معامله کوچک توسعه خواهد یافت، ولی اگر این اتفاق رخ دهد، آن روز باید به‌عنوان روز دارای نوع قوی‌تری از روند در نظر گرفته و معامله شود، مانند یک اسپایک و کانال یا یک روز دارای پولبک روند کوچک. معامله‌گران اگر منحصراً در موقعیت‌های هم‌جهت با روند نیستند باید خیلی بیشتر تمرکز کنند. اگر بازار بعداً به داخل یک نوسان اولیه برگشت کند، اغلب تمام مسیر تا سمت دیگر آن نوسان را دوباره طی خواهد کرد. معنی آن این است که بازار بعد از شکست، در یک نوسان تقویت شده است؛ یعنی این‌که در آنجا معامله دوطرفه خواهد بود که بالا و پایین نوسان جدید را تست خواهد کرد و احتمالاً در ناحیه‌ای از یک طرف بیرون خواهد آمد. زمانی که بازار به محدوده حرکت اندازه‌گیری شده می‌رسد، احتمالاً به محدوده معامله دیگری منتقل می‌شود. معامله‌گران پس از آن باید با آن انتقال، از معامله‌گری به روش روند، به معامله‌گری به روش محدوده معامله تغییر کنند. برای مثال، اگر آن روز یک روز محدوده معامله دارای روند صعودی باشد، معامله‌گران باید در منطقه‌ای که تقریباً یک حرکت اندازه‌گیری شده روبه بالا است سودشان را دریافت کنند. به این دلیل که بازار پس از آن محدوده شکست را تست خواهد کرد و سپس یک محدوده معامله را شکل خواهد داد.

معامله‌گران تا زمانی که فکر می‌کنند که بازار در یک محدوده معامله دارای روند است نباید حد ضررشان را به زیر کف یک سوییِنگ منتقل کنند، به خاطر اینکه آن حد ضررها معمولاً فعال خواهند شد. وقتی بازار در حال تشکیل نوسان بالاتری است، خروج در قدرت معقول‌تر از خروج در ضعف است. به خاطر داشته باشید در محدوده معامله، معامله‌گران باید در کف بخرند، در سقف بفروشند. معامله‌گران سلطه‌جو در منطقه هدف حرکت اندازه‌گیری شده برخلاف جهت کندل‌های روند بزرگ معامله می‌کنند. برای مثال، در روز دارای محدوده معامله که روند صعودی دارد، زمانی که بازار به سمت هدف حرکت اندازه‌گیری شده نزدیک می‌شود، فروشندگان یک کندل بزرگ روند صعودی را جستجو خواهند کرد. درصورتی‌که یکی از آن‌ها شکل گیرد، اغلب در پایان آن یا درست در بالای سقف آن می‌فروشند و سپس درصورتی‌که قیمت بالاتر رود، به‌صورت پله‌ای بیشتر می‌فروشند. آن‌ها انتظار دارند که کندل بزرگ روند صعودی یک اوج خرید خستگی باشد، و اینکه به دنبال آن یک تست احتمالی نزولی به سمت شکاف می‌آید (دو یا سه کندل روند صعودی تشکیل یک شکست از محدوده معامله پایین‌تر می‌دهند) و احتمالاً به سمت سقف نوسان پایین‌تر خواهد بود. ازآنجاکه آن‌ها انتظار دارند محدوده معامله بالاتری شکل بگیرد، ریزش در بالای یک اسپایک صعودی در محدوده‌ای که بازار احتمالاً سقف محدوده معامله بالاتر را شکل می‌دهد به

آن‌ها قیمت ورود عالی را ارائه می‌کند. این قسمت در بخش معامله‌گری به روش محدوده معامله در کتاب ۲ بیشتر بحث شده است. حتی اگر بازار بالاتر رود، شانس اینکه بازار به زیر قیمت ورودی‌شان برگردد بسیار قوی است. اگر در قیمت بالاتر به‌صورت تدریجی وارد شده باشند، می‌توانند در اولین ورودی خود با سود سر بسر خارج شوند و سپس حد ضرر ورودی‌های بالاتر خود را به نقطه سربه‌سر منتقل کرده، و آن‌ها را جهت تستی بر روی شکاف حفظ نمایند.

ازآنجاکه معاملات دو طرفه در طول روز وجود دارد، بازگشت از حداقل یکی از محدوده‌های معامله در یک یا دو ساعت پایانی روز رایج است. به دلیل اینکه در هر محدوده معامله، در هر دو سمت تبادل انجام می‌گیرد، این ناحیه، برای خریداران و فروشندگانی که این محدوده را ارزشمند می‌بینند، منطقه آسایش محسوب می‌شود. این منطقه ایجاد یک نیروی جاذبه می‌کند و تمایل دارد که شکست‌ها را به سمت داخل محدوده بکشد.

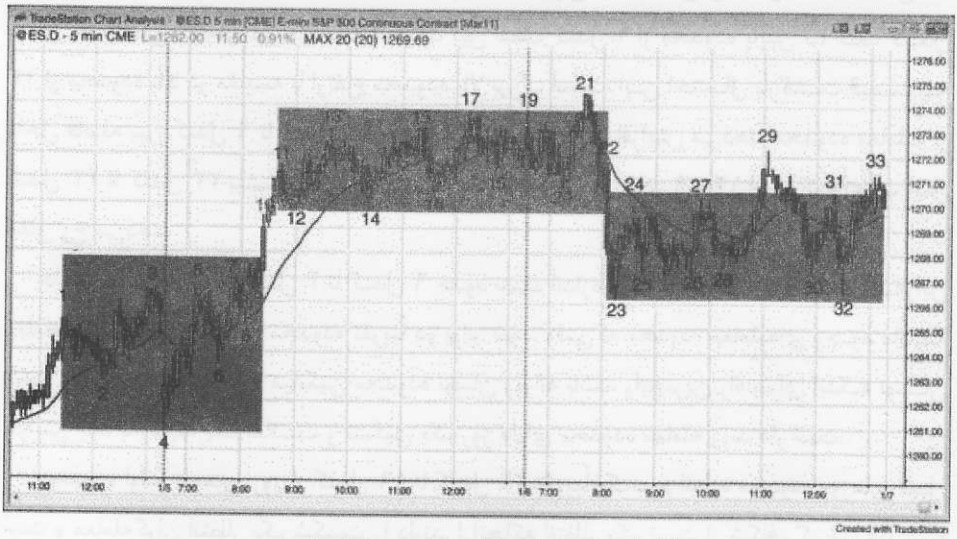
اهمیت شناخت این نوع از روز دارای روند در آن است که این بازگشت، معامله مخالف روند قابل‌اعتمادی است، چراکه بازار تشکیل یک تست شکست خواهد داد. به همین خاطر، زمانی که رانش به هدف حرکت اندازه‌گیری تقریبی می‌رسد، جایی که معامله‌گران روند سودهایشان را خواهند گرفت، معامله‌گران دیگری که در پی خروج روی تست شکست هستند، منتظر معامله‌ای در جهت مخالف روند خواهند ماند. معامله‌گران باتجربه‌ای که در پی پولبک جهت تست شکاف شکست هستند، کندل‌های قدرتمند اطراف منطقه حرکت اندازه‌گیری شده را در جهت مخالف معامله می‌کنند. برای مثال وقتی‌که متوسط نوسان روزانه EMINI حدود ۱۰ پوینت است، درصورتی‌که یک محدوده معامله به مدت ۲ ساعت و سپس یک شکست رو به بالا وجود داشته باشد، فروشندگان بزرگ، در حدود ۴ تا ۶ پوینت بالای محدوده پایین‌تر، شروع به ورود تدریجی به معامله فروش می‌کنند. آن‌ها به این دلیل وارد معامله می‌شوند که به دنبال یک پولبک به ناحیه شکست و شاید هم تمام مسیر تا سقف محدوده معامله پایینی هستند. اگر قیمت به محدوده قبلی برگردد، احتمالاً کندل سیگنال مخالف روند را در محدوده قبلی تست خواهد کرد. برای مثال اگر روند نزولی به سمت بالا برگردد، تلاش خواهد کرد که به سقف کندل‌های سیگنال نقض شده صعودی قبلی برسد. اگر رالی تا سقف یا بالای محدوده معامله بالایی کشیده شود و آن روز در آنجا بسته شود، آن روز یک روز بازگشتی در نمودار روزانه خواهد بود. قیمت در آن روز ریزش کرده سپس به سمت بالا برمی‌گردد و در نزدیکی سقف خود بسته می‌شود. بیشتر روزهای برگشتی با محدوده معامله دارای روند شروع می‌شوند (بخش روزهای برگشتی در سومین کتاب مثال‌های زیادی دارد)، بنابراین هرزمانی که معامله‌گران تشخیص دهند که آن روز، یک روز دارای محدوده معامله روند دار است، باید همیشه برای یک معامله سوینگ برگشتی احتمالی آماده باشند که

ممکن است به روند بزرگی در طول یک روز روند دار تبدیل شود که می‌تواند کل محدوده روز را پوشش دهد.

محدوده معامله‌ای که دارای روند است، اغلب سرنخ ظریفی به دست می‌دهد از اینکه باید منتظر یک شکست باشید. اگر دیدید که یک روز دارای محدوده معامله در حال شکل‌گیری است، ولی هر سقف سوینگ اندکی از قبلی بالاتر است و هر کف سوینگ از کف قبلی بالاتر است، ممکن است بازار علی‌رغم اینکه هنوز در محدوده معامله قرار دارد، در داخل یک روند هم باشد. هر وقت تعداد بیشتر از شرکت‌کنندگان این را تشخیص دادند، بازار شکسته شده و به‌سرعت به سطح بالاتری حرکت می‌کند، جایی که دوباره دو طرفه شده و محدوده معامله دیگری را شکل خواهد داد.

وقتی‌که شکست اولیه رخ می‌دهد، فکر نکنید که یک حرکت اندازه‌گیری شده تضمین شده است چراکه بازار تلاش می‌کند که به‌اندازه متوسط محدوده روزانه رشد کند. در حدود یک‌سوم حالات، بازار یک طرف را می‌شکند و محدوده را مقداری امتداد می‌دهد، و سپس برمی‌گردد و سمت مخالف را می‌شکند و محدوده را مقدار بیشتری امتداد می‌دهد، نتیجه آن، یک روز دارای محدوده معامله کامل می‌شود.

بعضی مواقع یک محدوده معامله با ارتفاعی که حدود نصف متوسط محدوده روزانه روزهای اخیراست وجود دارد و محدوده تا ساعت پایانی، کوچک باقی می‌ماند. برای مثال، اگر زمانی که بازار وارد ساعت پایانی می‌شود محدوده روز در EMINI تنها ۵ پوینت بوده، و متوسط محدوده‌های اخیر ۱۲ پوینت باشد و تنها ۲ روز در ۱۲ ماه گذشته با محدوده ۵ پوینت یا کمتر به پایان رسیده باشد، در پایان آن روز برای یک شکست آماده باشید. هر روز در بعضی مناطق یک محدوده ۵ پوینتی وجود دارد. بیشتر روزهای دارای محدوده‌های معامله روندار با محدوده اولیه تنها ۵ پوینتی، شکستی در خلال دو یا سه ساعت اول دارند، ولی سالی چندین مرتبه محدوده روز تا یک یا دو ساعت پایانی کوچک باقی می‌ماند. زمانی که این اتفاق رخ می‌دهد، بیشتر اوقات شکستی خواهد بود که دامنه محدوده را افزایش خواهد داد، ولی معمولاً نه تا اندازه متوسط محدوده اخیر روزانه. آن روز را رها نکنید و فکر نکنید که تنها به دامنه ۵ پوینتی محدود خواهد شد، زیرا در ۹۰ در صد موارد قبل از بسته شدن قیمت دامنه نوسان افزایش می‌یابد و اغلب می‌توانید روی آن شکست مختصر معاملات سودمندی انجام دهید. به دلیل اینکه شکست خیلی دیر اتفاق می‌افتند، معمولاً زمان کافی برای تشکیل محدوده معامله باقی نمی‌ماند، ولی به خاطر اینکه به نظر می‌رسد که احتمالاً کل روز یک روز شامل محدوده معامله دارای روند باشد، جا دارد که در اینجا در مورد آن بحث شود.



شکل (۱-۲۲) روزهای دارای محدوده معامله روند دار

روزهای دارای محدوده معامله روند دار اغلب یک کندل روند بزرگ در بین محدوده‌ها دارند. در شکل (۱-۲۲) بازار در دو ساعت پایانی روز گذشته از کندل ۱ تا کندل ۳ در یک محدوده معامله بسر می‌برد و محدوده معامله در دو ساعت اولیه روز جاری ادامه دارد. کندل ۱۰، کندل روند صعودی بزرگی است که از محدوده معامله و سقف گوه‌ای که با کندل‌های ۵،۷ و ۹ ایجاد شده بود، بیرون می‌جهد. کندل بعدی یک کندل روند صعودی بوده و این شکست را تأیید می‌کند (این کندل به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای احتمال بالاتر رفتن قیمت‌ها و شانس به وجود آمدن نوعی حرکت اندازه‌گیری رو به بالا را افزایش می‌دهد). بازار به‌سرعت وارد محدوده معامله کوچکی می‌شود تا بقیه روز را در آن سپری کند.

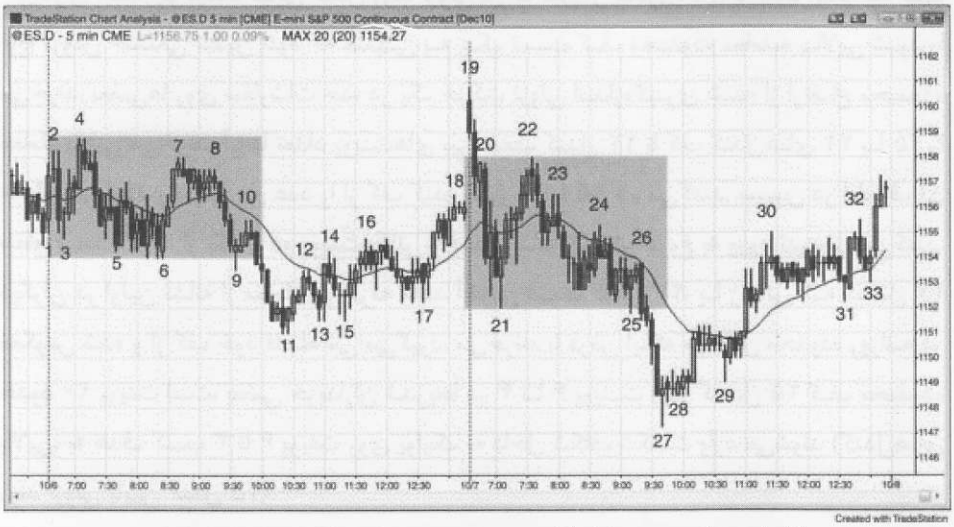
آن محدوده تا روز سوم امتداد پیدا می‌کند، هر محدوده معامله‌ای دارای نیروی جاذبه است و این باعث نقض بیشتر تلاش‌ها برای شکست می‌شود. محدوده معامله از کندل ۱۱ تا کندل ۱۹، یک پرچم صعودی نهایی در روند صعودی است و شکست به سمت کندل ۲۱ نقض می‌شود. سپس بازار این محدوده معامله بالاتر را در کندل روند نزولی بزرگ ۲۲ رو به پایین می‌شکند. این ریزش سقف محدوده روز قبل را تست کرده و محدوده معامله دیگری را تشکیل می‌دهد. کندل ۲۹ یک شکست نقض شده سقف محدوده پایین‌تر و سومین رانش صعودی است و کشش محدوده پایینی بیشتر از کشش محدوده بالایی است. بازار در محدوده پایین‌تر معامله می‌شود، کف را روی کندل ۳۲ تست کرده، و به سقف محدوده معامله پایین نزدیک می‌شود.

اسپایک صعودی از کندل ۸ تا کندل ۱۳ بزرگ است ولی ادامه کانال از کندل ۱۲ تا کندل ۱۷ به‌طور نامتناسبی کوچک است. فاصله شکست بین سقف کندل ۹ از محدوده پایین تا کف کندل ۱۲ از محدوده بالا در مقایسه با ارتفاع محدوده بالا بزرگ است. این احتمال بازگشت قیمت به داخل فاصله بین کندل ۹ تا کندل ۱۲ جهت تست قدرت آن را افزایش می‌دهد. محدوده معامله از کندل ۲۳ تا کندل ۳۳ بیشتر داخل آن فاصله شکست بین کندل‌های ۹ و ۱۲ است که اغلب این اتفاق رخ می‌دهد.

دامنه نوسان اولیه از کندل ۴ تا کندل ۹ حدود نصف اندازه میانگین دامنه روز است؛ بنابراین معامله‌گران انتظار دارند که محدوده تقریباً دو برابر شود. وقتی‌که محدوده معامله‌ای وجود داشته باشد که حدوداً نصف اندازه میانگین محدوده نوسان روزانه باشد، رایج‌ترین راه برای اینکه نوسان افزایش یابد به‌وسیله یک شکست و تشکیل یک روز دارای محدوده معامله روند دار است.

محدوده اولیه سومین روز از کندل ۱۹ تا کندل ۲۱ تقریباً یک‌سوم اندازه محدوده روزهای قبل است و معامله‌گران انتظار یک شکست را دارند. ازآنجاکه انتظار یک تست از شکاف کندل قبلی را هم دارند، یک شکست نزولی محتمل است و به دنبال این تلاش ناکامی برای شکست سقف محدوده آمده است. اسپایک نزولی تا کندل ۲۳ دارای قدرت بالایی است و امکان دارد که روز بتواند تبدیل به یک اسپایک و کانال روند نزولی روز شود، ولی کندل ۲۳ حمایت فراهم شده به‌وسیله محدوده معامله روز قبل (سقف کندل‌های ۵،۳ و ۷) را تست می‌کند. این حمایت اطراف یک حرکت نزولی اندازه‌گیری شده است و همچنین یک خط روند سه روزه را تست می‌کند (نشان داده نشده است). این یعنی اینکه ریزش ممکن است دارای خلاء یا مکشی باشد که توسط خریداران و فروشندگانی ایجاد می‌شود که تا زمان سقوط بازار به منطقه حمایتی، وارد نمی‌شوند، حمایتی که آن‌ها در آن با طمع زیادی می‌خرند. اسپایک‌های صعودی از کندل‌های ۲۳،۲۵ و ۲۶، کف دوقلوی پرچم صعودی با اسپایک‌های ایجاد شده به‌وسیله کندل‌های بین کندل‌های ۲۵ و ۲۶ و پولبک کف دوقلو در کندل ۲۸ همگی نشان دهنده افزایش فشار خرید هستند و بازار حتی روی اسپایک صعودی تا کندل ۲۹ به سمت بالا می‌چرخد. این چیزی نیست که به‌طور معمول در پولبک بعد از یک اسپایک، در یک اسپایک و کانال روز دارای روند نزولی رخ دهد و این به‌احتمال‌زیاد یک محدوده معامله دارای روند می‌سازد. در صورت تبدیل شدن به یک اسپایک و کانال روز روند نزولی، پولبک از اسپایک کندل ۲۳ معمولاً فشار خرید زیادی در مقایسه با اسپایک نزولی ندارد. تردید ایجاد شده به‌وسیله فشار خرید بجای یک پولبک مختصر و سپس یک کانال نزولی ممتد، شانس ایجاد یک محدوده معامله را افزایش می‌دهد. تردید مشخصه محدوده معامله است نه پرچم نزولی (پولبکی که منتهی به یک کانال نزولی می‌شود).

فرق بین یک اسپایک و کانال روند روز و یک محدوده معامله روز همیشه واضح نیست و بعضی مواقع اصلاً مهم نیست. اگرچه محدوده معامله که از کندل ۱۲ شروع می‌شود آن روز را روز دارای محدوده معامله روند دار می‌سازد، سقف‌ها و کف‌های بالاتر هم دارد و بنابراین یک کانال صعودی ضعیف است. به خاطر داشته باشید، یک کانال تنها یک محدوده معامله شیب‌دار است و هردو نواحی معاملات دو طرفه هستند. هر چقدر شیب آن کمتر باشد، بیشتر شبیه یک محدوده معامله رفتار می‌کند و معامله‌گران می‌توانند با اطمینان بیشتری در هردو طرف معامله کنند.



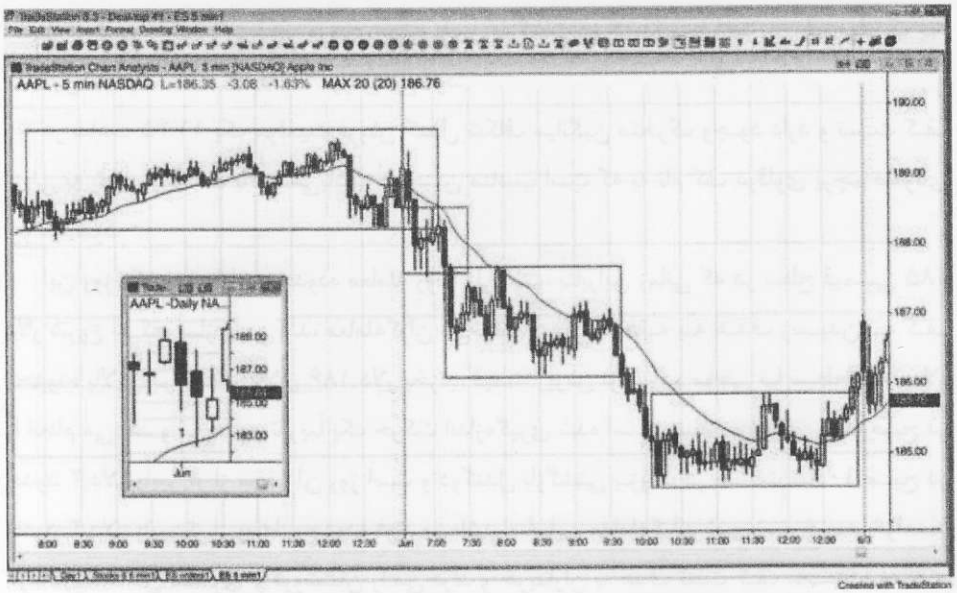
شکل (۲-۲۲) محدوده معامله اولیه در حدود نصف میانگین دامنه نوسان روزانه است

همان‌طور که در شکل (۲-۲۲) نشان داده شده است، در دو ساعت اولیه هر دو روز محدوده نوسان در حدود نصف روزهای اخیر است. این به معامله‌گران هشدار شکست احتمالی در یک از دو سمت را می‌دهد. وقتی‌که شکست بعداً در روزی مانند این روز، بدون جهت مشخصی در ابتدای محدوده شروع می‌شود و محدوده نوسان اولیه تقریباً نصف متوسط یک روز است، شکست معمولاً مانند یک اسپایک و کانال روند، به یک روند قوی و شدید ختم نمی‌شود. در عوض، معمولاً یک پولبک دارد و سپس بازار یک محدوده معامله پایین‌تر تشکیل می‌دهد. محدوده پایین‌تر امکان دارد به داخل یک محدوده معامله بالاتر برگردد یا ممکن است برنگردد و ممکن است بعضی مواقع دوباره به سمت پایین شکسته شود و محدوده معامله سومی یا چهارمی را تشکیل دهد. ازآنجایی‌که محدوده معامله پایین‌تر از یک روند نزولی قوی محتمل‌تر است، معاملات باید دو طرفه باشد و بازار معمولاً به داخل محدوده شکست برمی‌گردد. زمانی که شکست به‌اندازه یک‌سوم میانگین بازه روز به سمت پایین کشیده می‌شود، معامله‌گران شروع به جستجوی خرید به هدف یک سوبینگ

صعودی تا کف محدوده بالاتر خواهند کرد. آن‌ها دومین تلاش برای بازگشت رو به بالای کندل ۱۱ و بالای کندل ۲۸ را می‌خرند. همچنین کف دوقلو در کندل ۵ و کف بالاتر در کندل ۲۹ را می‌خرند.

موقعی که بازار به داخل محدوده معامله بالایی برگردد و در آنجا بماند، اغلب نزدیک سقف محدوده بالایی را تست می‌کند، همان‌طور که در دومین روز این کار را انجام داده است. اگر در آن روز بازار به سقف یا بالای محدوده بالایی نزدیک شود، آن روز تبدیل به روز بازگشت می‌شود. خریداران سلطه‌جو قیمت نهایی کندل روند نزولی بزرگ قبل از کندل ۲۷ را به امید اینکه به یک اوج فروش خستگی تبدیل شود که منتهی به یک تست کف محدوده معامله بالایی شود را می‌خرند. بعضی‌ها روی سفارشات حد، در یک حرکت نزولی اندازه‌گیری شده از ارتفاع محدوده معامله بالایی می‌خرند. آن‌ها تعداد پوینت‌های بین سقف کندل ۲۲ تا کف کندل‌های ۲۱ یا ۲۵ را حساب می‌کنند و سپس آن عدد را از کف کندل‌های ۲۱ یا ۲۵ کم می‌کنند. سپس در اطراف آن سطح قیمت، شاید از یک یا دو پوینت بالاتر تا چند پوینت پایین‌تر شروع به ورود تدریجی می‌کنند. دیگران در اولین نشانه از معامله دو طرفه مانند آخرین قیمت کندل ۲۷، یا زمانی که کندل ۲۷ معکوس شده و از کف خود فاصله می گیرد، می‌خرند. با فرض اینکه میانگین محدوده روزانه در حدود ۱۰ پوینت است، بعضی خریداران تدریجاً در ۴ تا ۶ پوینت زیر کندل ۲۵ کف محدوده بالایی، به هدف کسب ۳ تا ۶ پوینت روی پولبک به داخل شکاف شکست وارد می‌شوند (کندل‌های روند نزولی پایین کندل ۲۵).

اگرچه ریزش از کندل ۱۹ تا کندل ۲۱ شدید است، حرکت صعودی تا کندل ۲۲ هم همین‌طور است. این موجب تردید کافی در مورد جهت، در محدوده اولیه برای کاهش احتمال تشکیل یک الگوی اسپایک و کانال روند روز و افزایش احتمال به وجود آمدن محدوده معامله روند دار روز می‌شود.



شکل (۳-۲۲) محدوده‌هایی معامله روند دار ایجاد یک روند می‌کنند

بعضی مواقع یک روز می‌تواند بیشتر وقت خود را در محدوده معامله بگذراند ولی باز هم دارای روند باشد. همان‌طور که در شکل (۳-۲۲) نشان داده شده است، روز جاری ممکن است شبیه به یک روز روند دار نباشد، ولی هست، همان‌طور که در نمودار روزانه کوچک می‌توان دید (روز جاری کندل ۱ است) و از یک سری از محدوده‌های معامله کوچک روند دار تشکیل شده است. این روزها در دو ساعت نهایی معکوس شده و حداقل در محدوده معامله آخری مسیر رفته را برمی‌گردند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

بعضی روزها موقعیت‌های قابل‌اعتماد برای بیش از یک ساعت ندارند. در شکل (۳-۲۲) روز جاری در یک میانگین متحرک صاف در داخل محدوده کندل نهایی روز قبل شروع می‌شود که در محدوده معامله کوچکی است و آن محدوده برای دو کندل اولیه شروع روز جاری ادامه می‌یابد. دو کندل اولیه روز جاری در مقایسه با ارتفاع محدوده معامله بزرگ هستند، و این آن‌ها را تبدیل به کندل‌های سیگنال پرخطری می‌کند. اگرچه فروش در زیر کندل دوم قابل‌قبول است چراکه موقعیت فروش دو کندل بازگشتی و پرچم نزولی گوه‌ای زیر میانگین متحرک قرار دارد، ورودی آن نزدیک کف محدوده معامله خواهد شد. ایمن‌تر این است که منتظر یک شکست بمانند و سپس پولبک شکست را، در صورت وجود، بفروشند. یکی از آن‌ها در چند کندل بعدی توسعه پیدا می‌کند ولی در یک محدوده معامله کوچک و فشرده قرار دارد و کندل‌ها سایه‌های بزرگی دارند که قابلیت

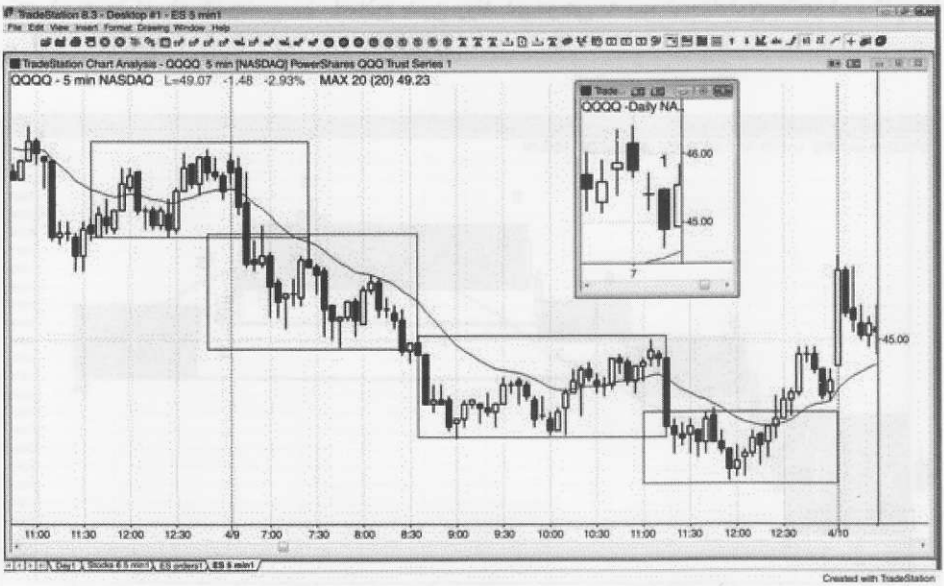
اعتماد به آن را کاهش می‌دهد. ورودی بهتر، پایین بازگشت دو کندلی ساعت ۸:۰۰ و پولبک به میانگین متحرک است که کف ۲ فروش می‌شود.

در ساعت ۱۱:۴۵ یک موقعیت فروش کندل شکاف میانگین متحرک وجود دارد و تست کف نزولی به شکل یک کف بالاتر می‌باشد. همچنین مناسب است که به نام کف دوقلوی پرچم صعودی خوانده شود.

این روز یک روز دارای محدوده معامله روند دار است، بنابراین زمانی که در سطح قیمتی ۱۸۵ دلار شروع به کف سازی می‌کند، معامله‌گران می‌توانند در آن منطقه به هدف رسیدن به کف محدوده بالایی درست در بالای ۱۸۶ دلار بخرند. قیمت ریزش نزولی دو موجی تا سطح ۱۸۵ دلار را انجام می‌دهد و موج دوم تقریباً یک حرکت اندازه‌گیری شده است. وسط محدوده معامله صبح در حدود ۲ دلار پایین‌تر از سقف آن روز است و دوکندل بازگشتی بزرگ در ساعت ۱۰:۱۵ صبح در حدود ۲ دلار پایین‌تر از وسط محدوده فوق می‌باشد، بنابراین معامله‌گران شروع به خرید خواهند کرد. فروشندگان مقداری از فروششان را می‌خرند و خریداران به هدف تست کف محدوده معامله بالایی می‌خرند. قیمت وارد محدوده معامله فشرده‌ای می‌شود و در آنجا سه رانش نزولی کوچک وجود دارد که با یک کندل روند نزولی بزرگ در ساعت ۱۱:۰۵ به اتمام می‌رسد. به دنبال آن کف بالاتری در ساعت ۱۱:۳۰ ظاهر می‌شود و کندل سیگنال بدنه‌ای صعودی دارد. این کف بالاتر یک سقف ۲ هم محسوب می‌شود چراکه کندل قبل از آن و دو کندل قبل از آن کندل (سه کندل قبل از کندل مورد بحث. م) بدنه‌های نزولی دارند. این تحلیل میکروسکوپی است و بیشتر معامله‌گران خیلی زود به آن اعتماد نمی‌کنند، ولی معامله‌گران باتجربه همیشه در پی نشانه‌هایی از امکان چرخش هستند و این اشارات ظریف به آن‌ها اعتمادبه‌نفس لازم برای خرید را می‌دهد. اگر در بالای کف ساعت ۱۱:۳۰ بخرند، می‌توانند باهدف به دست آوردن حدود ۱ دلار روی تست محدوده معامله بالایی، حد ضرر خود را در حدود ۵۰ سنت زیر آن کف قرار دهند.

با اینکه هرگز احتمال جهتی یک حرکت با فاصله یکسانی را با اطمینان نمی‌دانید، هر زمان احساس کردید که عدم تعادلی وجود دارد، باید فرض کنید که آن احتمال حداقل ۶۰ در صد است. در اینجا، این فرض معقول است که اگر در حدود قیمتی ۱۸۵ دلار بخرید، درصورتی‌که حد ضررتان را به همان فاصله در زیر ورودی قرار دهید، قبل از اینکه حد ضررتان فعال شود، حداقل ۶۰ درصد احتمال وجود دارد که به ۱۸۶ دلار برسد (۶۰ درصد احتمال وجود دارد که قبل از اینکه یک دلار ضرر کنید ۱ دلار سود ببرید). می‌توانید قسمتی از سود خود را در روی کندل دوجی داخلی بعد از اسپایک صعودی در ساعت ۱۱:۴۰ و باقیمانده را هنگام نقض شکست در قیمت سربه‌سر خارج کنید. زمانی که بازار در ساعت ۱۲:۲۵ کف دوقلو را تشکیل می‌دهد، می‌توانید دوباره همان خرید را

انجام دهید و شما موفق خواهید شد. احتمال یک حرکت اندازه‌گیری شده صعودی تا سود ۲ دلار از کف دوقلو وجود دارد ولی با زمان اندک باقی‌مانده از روز بعید است که موفقیت‌آمیز باشد.



شکل (۴-۲۲) اولین محدوده معامله می‌تواند از روز قبل شکل گیرد

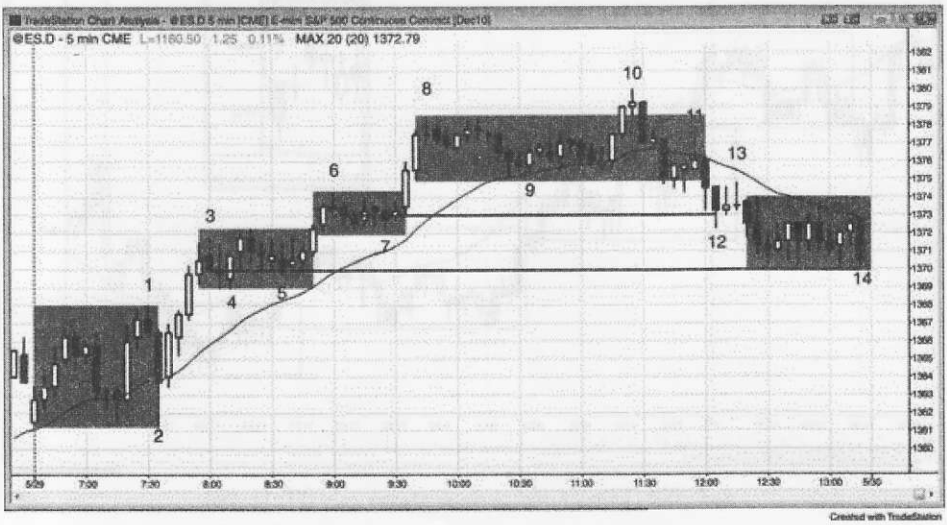
همان‌طور که در شکل (۴-۲۲) نشان داده شده است، این روز، روز محدوده معامله روند دار دیگری است با اولین محدوده معامله‌ای که از روز قبل شروع شده می‌شود. نمودار کوچک روزانه نشان می‌دهد که روز جاری یک روز با روند نزولی است (کندل ۱).

محدوده معامله آخری معکوس شده و قیمت نزدیک سقف محدوده بالایی را درست پایین‌تر از آن تست می‌کند. این اتفاق اغلب رخ می‌دهد، چراکه معامله دو طرفه یعنی اینکه نیروهای روند به‌اندازه همان نیروها در روز روند دار قوی نیستند. وقتی یک روز دارای قدرت کمتر باشد، کمتر احتمال دارد که در کف خود بسته شود. معامله‌گران این را می‌دانند و معامله معکوسی را که در حال بسته شدن است را جستجو می‌کنند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۴-۲۲) مجدداً روز جاری بدون تغییر و نزدیک قسمت بدون شیب میانگین متحرک آغاز می‌شود. بااین‌حال، اسپایک سه کندلی نزولی یک روز دارای روند نزولی را پدید می‌آورد. این اسپایک محدوده معامله‌ای را که در ساعات پایانی روز قبل تشکیل شده بود، رو به پایین می‌شکند. آن محدوده معامله همچنین یک رالی دو موجی و بنابراین یک پرچم نزولی می‌باشد، بنابراین

شکست می‌تواند به‌عنوان شکست رو به پایین خط روند صعودی در طول کف پرچم نزولی در نظر گرفته شود. معامله‌گران می‌توانند در پایین اولین پولبک و سپس دوباره در زیر تست میانگین متحرک بفروشند که همچنین یک اصلاح بدون روند دو موجی به سمت میانگین متحرک و تقریباً یک موقعیت سقف دوقلوی پرچم نزولی می‌باشد.



شکل (۵-۲۲) محدوده‌های معامله به‌وسیله شکست‌ها از هم مجزا می‌شوند

همان‌طور که در شکل (۵-۲۲) نشان داده شده است، یک محدوده ۷ پوینتی در اولین ساعت بازار وجود دارد ولی میانگین محدوده نوسان بعداً در حدود ۲۰ پوینت می‌باشد، بنابراین معامله‌گران انتظار داشتند که محدوده تقریباً دو برابر شود. زمانی که روندی بعد از یک ساعت از آغاز روز شروع می‌شود، آن روز اغلب تبدیل به روز دارای محدوده معامله رونددار می‌شود تا اندازه‌ای به این دلیل است که آن ساعت اولیه به‌خودی‌خود یک محدوده معامله آشکار است. آن روز اغلب به داخل یک یا چند محدوده معامله پایین‌تر روز برمی‌گردد یا از داخل آن‌ها عبور می‌کند، همان‌طور که در اینجا این کار را انجام می‌دهد.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

وقتی‌که چند محدوده معامله روند دار در یک روز مانند شکل (۵-۲۲) تشکیل می‌شوند، معامله‌گران باید بر روی معاملات در جهت روند تمرکز کنند. آن‌ها باید تنها به دنبال خرید از بازگشت دو کندلی در کندل ۲ تا ۲۰ کندل شکاف سقف ۲ در کندل ۹ باشند. آن‌ها تنها در موقعیت بازگشت پرچم نهایی کندل ۱۰ باید فروش را مدنظر قرار دهند.

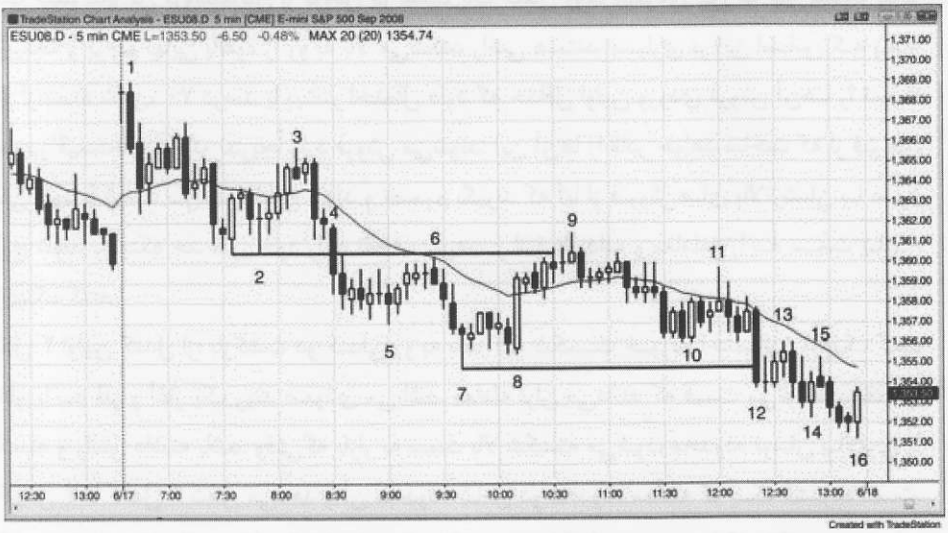
بسیاری از خریداران سودهایشان را از خریدهای قبلی‌شان می‌گیرند و فروشندگان سلطه‌جو روی قیمت نهایی و بالای سقف کندل روند صعودی قبل از کندل ۱۰ می‌فروشند. قیمت یک اسپایک صعودی به‌طرف کندل ۳ و سپس یک کانال یا یک سری از محدوده‌های معامله کوچک دارد، اما آن محدوده معامله‌ای که از کندل ۸ شروع می‌شود نسبتاً فشرده و افقی است. این منطقه‌ای از معاملات قدرتمند دو طرفه و بنابراین کششی است که تمایل دارد قیمت را بعد از یک شکست به سمت داخل بکشد. بازار همچنین بعداً در همان روز مسیر خود را به داخل محدوده قبلی برمی‌گردد و ازآنجایی‌که ساعت ۱۱:۳۰ صبح زمانی رایجی برای بازگشت‌ها است، احتمال نقض شکست و پرچم بازگشتی نهایی بالاست. پولبک می‌تواند شروع کانال صعودی را در کندل ۴ تست کند، بنابراین فروشندگان از فروش در سقف یک کندل روند صعودی بزرگ که سقف یک سوییِنگ و پرچم نهایی بالقوه را رو به بالا می‌شکند راضی هستند. بسیاری بر این اساس که بازار قبل از بسته شدن، ۷۰ درصد یا بیشتر احتمال دارد که حداقل اولین ورودی فروش آن‌ها را تست کند، در قیمت‌های بالاتر تدریجاً وارد فروش می‌شوند. این آن‌ها را قادر خواهد ساخت که از فروش اصلی خود با قیمت سربه‌سر خارج شوند و تصمیم بگیرند که آیا از فروش‌های بالاترشان با سود خارج شوند یا اینکه حد ضرر خود را به نقطه سربه‌سر انتقال داده و معامله را به سمت پایین سوییِنگ کنند.

کندل ۲ اولین کندل از: بازگشت دو کندلی رو به بالا، کف شکست خورده احتمالی ۲، یک کف دوقلو یا سه قلو و آغاز یک روند صعودی می‌باشد. معامله‌گران می‌دانند که قیمت می‌تواند سقف را شکسته و رانش داشته باشد. وقتی‌که بازار به سمت بالا شکسته می‌شود، محدوده نوسان بالاتری را از کندل ۴ تا کندل ۶ شکل می‌دهد و آن محدوده شامل دو محدوده معامله کوچک فشرده است. موقعیت خرید سقف ۲ در بالای کندل ۵ به‌رغم الگوی سیم‌خاردار، ورودی پولبک شکست معقولی شمرده می‌شود. شکست هم از پرچم صعودی کوچک از کندل ۳ تا کندل ۴ و هم از کل محدوده معامله کندل ۳ تا کندل ۵ است که یک پولبک بدون روند دو موجی از شکست رو به بالای کندل ۱ می‌باشد.

بازار به سمت سومین محدوده نوسان، از کندل ۸ تا کندل ۹، حرکت می‌کند. وقتی دوباره شکسته می‌شود، در کندل ۱۰ نقض می‌شود (بازگشت پرچم نهایی) و از کف سومین محدوده عبور کرده و سرانجام به سمت کف دومین محدوده حرکت می‌کند. یک موقعیت فروش پولبک شکست در زیر کندل ۱۱ بعد از اسپایک نزولی وجود دارد، ولی الگوی سیم‌خاردار ریسک آن را بالاتر می‌برد. بعد از دو کندل نزولی که اسپایکی را تشکیل می‌دهند که در کندل ۱۲ خاتمه می‌یابد، موقعیت فروش پولبک شکست دیگری در زیر کندل ۱۳ وجود دارد.

معنی کلمه *محدوده‌ای* است که بازار، با اینکه می‌تواند در قیمت‌های بالاتری معامله شود، کف محدوده را در نقاطی تست خواهد کرد. وقتی‌که بازار مسیر حرکت بزرگی را برمی‌گردد، اولین هدف همیشه نزدیک‌ترین نقطه ورود در جهت مخالف روند است. در اینجا، نزدیک‌ترین نقطه ورود نزولی بعدازاینکه قیمت سقف محدوده را می‌شکند، کف نزدیک‌ترین کندل سیگنال نزولی، یعنی کندل ۶، است. قیمت سقف محدوده را شکسته و سپس وارد محدوده پایین‌تر بعدی می‌شود و آن کف کندل سیگنال نزولی (کندل ۶. م) را در کندل ۱۳ از بین برد.

در انتها، قیمت کف کندل ۳، پایین‌ترین کندل سیگنال نزولی را در دومین محدوده تست می‌کند.



شکل (۶-۲۲) معامله دو طرفه در یک روز روند

اگرچه قیمت روز جاری در سقف خود باز شده و در کف بسته می‌شود (شکل (۶-۲۲) را ببینید) و روند از ابتدای روز نزولی است، طی دو ساعت اول رفتارهای بدون روند زیادی برای این نمودار وجود دارد تا معاملات به‌صورت مشابه انجام گیرند. یک روند از آغاز روز معمولاً سوییینگ‌های مهم مخالف روند قابل معامله زیادی ندارد، ولی یک محدوده معامله دارای روند این‌گونه موقعیت‌ها را دارد و نوع ضعیف‌تر و باقابلیت پیش‌بینی کمتری از روز روند محسوب می‌شود. محدوده معامله اولیه به سمت محدوده پایین‌تر روی کندل ۴ شکسته شده و ایجاد یک روز دارای محدوده معامله روند دار می‌کند.

تا کندل ۳، محدوده نوسان روز تنها حدود نصف محدوده روزهای اخیر است، بنابراین معامله‌گران از احتمال تشکیل یک محدوده معامله پایین‌تر آگاهند.

کندل ۶ پولبک شکستی به میانگین متحرک و یک تست شکست از کف محدوده بالایی در کندل ۲ است که ورودی فروش معقولی را ارائه می‌دهد.

کندل ۹ یک تست شکست از محدوده بالایی و شکست نقض شده از سقف این محدوده پایین‌تر است که فروش دیگری را برپا می‌کند.

کندل ۱۲ به‌طرف محدوده سومی شکسته می‌شود، ولی زمان زیادی از روز برای تست کندل ۱۳ سقف محدوده باقی نمانده بود.

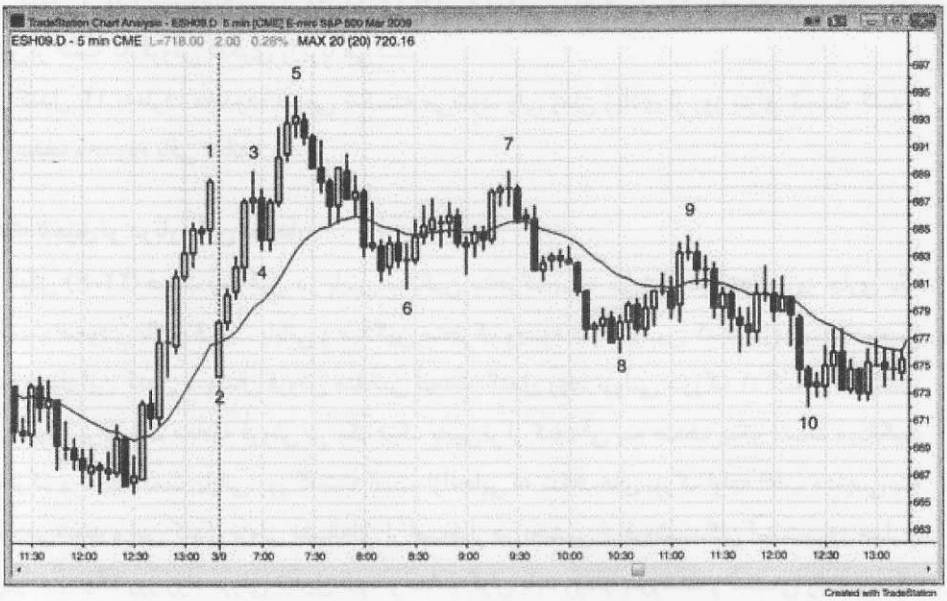
بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۶-۲۲) قیمت روز قبل در پایین میانگین متحرک بسته می‌شود در ابتدای روز جاری یک شکست صعودی بالای قیمت پایانی و میانگین متحرک وجود دارد. اولین کندل روز یک دوجی بوده و بنابراین کندل سیگنال فروش مناسبی نیست. کندل روند نزولی بزرگ ۱، کندل سیگنال قابل‌قبولی برای یک معامله فروش در یک تیک پایین‌تر از کف آن به هدف یک تست میانگین متحرک و شاید قیمت پایانی روز گذشته است. ازآنجایی‌که شکاف‌های بزرگ اولیه اغلب منتهی به روند می‌شوند و این کندل نزولی نشانه‌ای از اضطرار در بخشی از فروشندگان است، روز جاری می‌تواند به یک روز روند نزولی تبدیل شود و معامله‌گران باید زودتر بفروشند و قسمتی را سوییینگ کنند تا جایی که یک بازگشت صعودی بزرگ وجود داشته باشد یا پایان روز فرارسد.

بعد از یک اسپایک نزولی دو کندلی، معامله‌گران انتظار یک کانال نزولی را داشته و شروع به فروش پولبک‌ها می‌کنند. اولین پولبک فروش کف ۲ است که با کندل نزولی خارجی درست بعد از ساعت ۷:۰۰ می‌باشد و فروش بعدی زیر کندل بازگشت نزولی ۳ قرار دارد. این یک موقعیت فروش خطوط دوئل است که هم یک سقف دوقلو با پولبک زودهنگام و هم یک پرچم نزولی گوه‌ای را تشکیل می‌دهد (اولین رانش صعودی دو کندل قبل از کندل ۲ است).

کندل ۱۴ یک کندل بازگشتی صعودی است، اما همپوشانی آن با دو کندل قبل از خود جهت قابل‌اعتماد شدن آن بسیار زیاد است. همچنین این کندل، در داخل یک کانال نسبتاً فشرده بعد از اسپایک نزولی کندل ۱۲ قرار دارد، بنابراین بهتر است که قبل از خرید در روندی نزولی منتظر یک پولبک کف بالاتر بمانید. ازآنجایی‌که این موقعیت خرید ضعیفی است، واماندگی آن احتمالاً موقعیت فروش خوبی خواهد شد. کندل ۱۵ سقف ۲ نقض شده و کندل بازگشت نزولی کف ۲ در نزدیک میانگین متحرک در یک روند نزولی می‌باشد و موقعیت فروشی با احتمال موفقیت بسیار بالایی است زیرا خریدارانی که تلاش‌ها برای بازگرداندن روند را در سقف ۱ و سقف ۲ خریده بودند، معمولاً در کف ۲ خارج می‌شوند. بازار فقط دو بار برای بازگرداندن کف جدید روز تلاش کرده است

و این دومی روی کندل بعد از کندل بلند ۱۵ به شکست می‌انجامد. وقتی بازار دو بار در انجام کاری ناکام بماند، معمولاً در جهت مخالف حرکت می‌کند.



شکل (۷-۲۲) روندی که بعد از اولین ساعت شروع می‌شود اغلب ضعیف است

زمانی که بازاری روندی را بعد از اولین ساعت شروع می‌کند، باید تصور کنید که به یک روز محدوده معامله روند دار منتهی خواهد شد یا اینکه رفتاری مانند آن خواهد داشت و باید دنبال معامله اسکالپ در هردو طرف باشید. با اینکه یک روند نزولی از ابتدا در شکل (۷-۲۲) وجود دارد، با یک اسپایک و اوج در کندل ۵ خاتمه می‌یابد و سپس وارد یک محدوده معامله‌ای می‌شود که دارای روند نزولی است. همچنین باوجود حرکتی از کندل ۵ تا کندل ۶ که اسپایک نزولی است و حرکت‌های نزولی از کندل ۷ تا کندل ۸، این محدوده می‌تواند به‌عنوان یک اسپایک و کانال روند نزولی و آنگاه شکست سه کندلی تا کندل ۱۰ به‌عنوان اسپایک‌های اضافه در نظر گرفته می‌شود. کانال نزولی به‌اندازه کافی پهن است و پولبک‌های بعد از دو شکست با کف‌های سوییننگ قبلی همپوشانی دارند، طوری که الگوی نردبان نزولی هم هست.

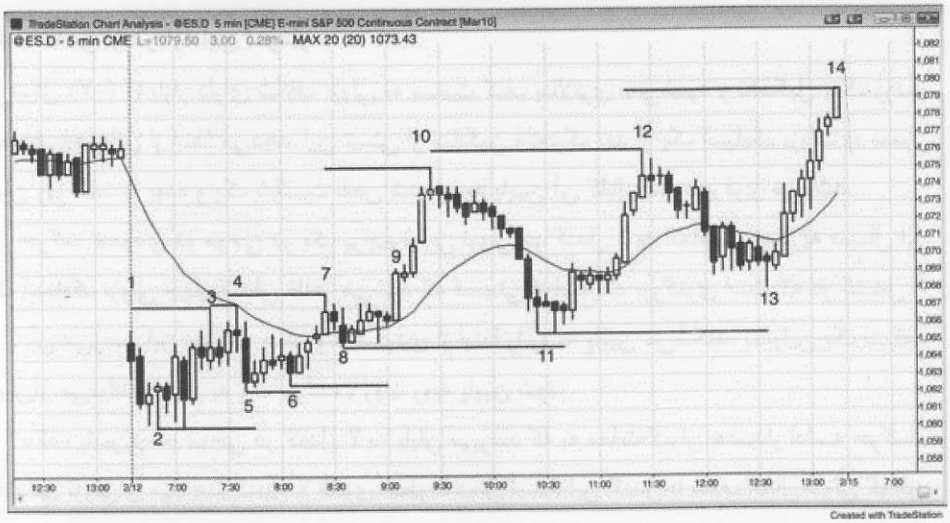
بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۷-۲۲) بازار دارای شکاف نزولی به سمت کف بالاتری می‌شود و تشکیل یک روند صعودی احتمالی از ابتدا می‌دهد. این تستی از میانگین متحرک بعد از یک اسپایک بزرگ به سمت پایان روز گذشته بوده و یک شکست نقض شده رو به پایین آن کانال صعودی قوی می‌باشد.

حرکت صعودی دو موجی در یک پرچم نهایی نزولی در کندل ۵ به اتمام می‌رسد. به دنبال آن یک اسپایک نزولی چهار کندلی ظاهر می‌شود که قسمتی از اسپایک بزرگتری است که در کندل ۶ به پایان می‌رسد. این حرکت خط روند صعودی از ابتدا را رو به پایین می‌شکند، بنابراین یک سقف پایین‌تر می‌تواند منتهی به یک بازگشت روند روبه پایین شود.

سقف پایین‌تر دو موجی در کندل ۷ به پایان می‌رسد که به معامله‌گران هشدار ادامه حرکت احتمالی نزولی را می‌دهد. کندل ۷ الگوی خطوط دوئل است. این کندل با سقف کانال نزولی گوه‌ای تا کندل ۶ تشکیل یک سقف دوقلو می‌دهد (کانال با سقف پایین‌تر کوچکی که بعد از اسپایک چهار کندلی نزولی در پایین کندل ۵ شکل می‌گیرد، شروع می‌شود) و این یک پرچم نزولی گوه‌ای است (اولین رانش صعودی با کندل قبل از کندل ۶ به پایان می‌رسد و کندل ۷ سومین رانش صعودی است).

بازار در باقی‌مانده روز مانند یک روز دارای محدوده معامله روند دار رفتار می‌کند. مومنتم صعودی قدرتمند تا کندل ۱ و دوباره تا کندل ۵ اسپایک‌های صعودی هستند و به دنبال آن‌ها می‌تواند یک کانال صعودی در نقاطی طی یک یا دو روز بعد به وجود آید. کندل‌های ۶،۸ و ۱۰ یک پرچم صعودی بزرگ گوه‌ای را ایجاد می‌کند و یک تست از سقف کندل ۵ محتمل است. کندل ۴ همچنین می‌تواند به‌عنوان قسمتی از کانال نزولی در نظر گرفته شود. روز بعد (نشان داده نشده است) درواقع تا نزدیک سقف کندل ۷ شکاف رو به بالا داشته و تبدیل به یک روند صعودی قوی از آغاز روز می‌شود.



شکل (۸-۲۲) محدوده معامله اولیه اغلب خبر از محدوده معامله دیگری می‌دهد

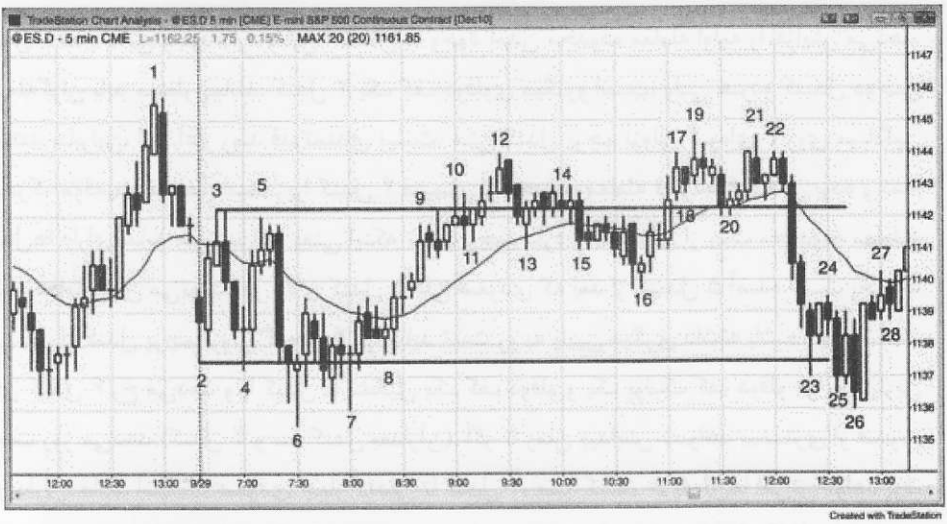
در شکل (۸-۲۲) محدوده نوسان دو ساعت اولیه حدوداً نصف متوسط محدوده روزانه است و این به معامله‌گران هشدار یک شکست احتمالی و تشکیل یک محدوده معامله بالاتر یا پایین‌تر و ایجاد یک روز محدوده معامله دارای روند را می‌دهد. روند صعودی قبلاً پیش از شکست کندل ۹ ظاهر می‌شود. توجه کنید که چگونه کف سوییِنگ کندل ۵ در بالای کف کندل ۲، کف کندل ۶ در بالای کف کندل ۵ و کف کندل ۸ در بالای کف کندل ۶ قرار دارد. اتفاق مشابهی در سقف سوییِنگ‌ها در کندل‌های ۳،۴ و ۷ رخ می‌دهد. حتی با اینکه بازار در دو ساعت ونیم اول در محدوده معامله قرار دارد، سقف و کف سوییِنگ‌ها هر دو دارای روند صعودی هستند که نشان می‌دهد که هم‌اکنون یک روند صعودی در داخل محدوده معامله در جریان است. این به معامله‌گران هشدار می‌دهد که بازار را برای یک شکست زیر نظر بگیرند که در کندل ۹ رخ می‌دهد. این محدوده معامله بالاتر تا شکستی که به دنبال آن بازگشت صعودی در کندل ۱۳ می‌آید، طول می‌کشد. هردو کندل ۱۱ و ۱۳ تست‌های شکست هستند. کف دوقلو در کندل ۱۱ به داخل محدوده معامله پایین‌تر سقوط می‌کند، ولی کف کندل ۱۳ دقیقاً سقف کندل ۷ از محدوده معامله پایین‌تر را تست می‌کند. وقتی پولبکی نمی‌تواند به زیر نقطه شکست سقوط کند، این نشانه‌ای از قدرت خریداران است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۸-۲۲) بازار قیمت پایان روز قبل را رو به پایین می‌شکند و اولین کندل بدنه‌ای نزولی دارد، بنابراین، این روز می‌تواند تبدیل به روندی از ابتدا نزولی روز شود. بااین‌حال، در بالا و پایین

کندل ۱ سایه‌هایی وجود دارد و این احتمال به وجود آمدن محدوده معامله اولیه را افزایش می‌دهد. معامله‌گران باید منتظر بمانند. کندل ۲ یک کف دوقلوی میکرو است، ولی هردو کندل دوجی هستند بنابراین، این آغاز روند قدرتمندی نیست. حتی کندل پرچم نزولی گوه‌ای ۴ روی میانگین متحرک موقعیت ضعیفی است زیرا کندل ۴ قسمتی از محدوده معامله فشرده ۶ کندلی بوده و تمام کندل‌ها دارای سایه هستند. این یعنی اینکه تردید وجود دارد و نشانه‌ای از یک محدوده معامله است. معامله‌گران می‌توانند در بالای کندل داخلی صعودی که بعد از کندل ۵ آمده است بخرند، ولی بعد از کندل پرچم نزولی گوه‌ای ۴ بازار باید تست رو به پایین دیگری داشته باشد. این تست روی کندل ۶ رخ می‌دهد و با کندل ۵ تشکیل یک کف دوقلو و یک پولبک کف دوقلو در پایین‌ترین قیمت روز می‌دهد (کندل ۲ و سه کندل بعدازآن). اگر تا زمان پیدایش شواهد بیشتری از قدرت خریداران، مانند اسپایک صعودی چهار کندلی تا کندل ۷، صبر کنند، خرید آن‌ها امن‌تر خواهد بود، ولی درست بعد از کندل ۲، دو کندل روند صعودی قوی وجود دارد و این نشانه کافی از قدرت جهت شروع خرید روی پولبک‌ها است. آن کندل‌های بزرگ روند صعودی، نشانه‌ای از فشار خریدهایی است که بر روی هم انباشته می‌شوند. هر زمان که حجم بزرگی از خرید وجود داشته باشد، خریداران کنترل بازار را در دست گرفته و بازار صعودی می‌شود.

بعد از اسپایک صعودی تا کندل ۷، موقعیت خرید پولبک شکستی در بالای کندل داخلی صعودی که بعد از کندل ۸ می‌آید وجود دارد، آن کندل همچنین، یک کندل سیگنال خرید کف ۲ نقض شده است. یک موقعیت خرید سقف ۲ در چهار کندل بعدازآن وجود دارد که منتهی به کندل شکست صعودی قدرتمند ۹ می‌شود.



شکل (۹-۲۲) پیرو یک محدوده معامله اولیه می‌تواند یک روز محدوده معامله باشد

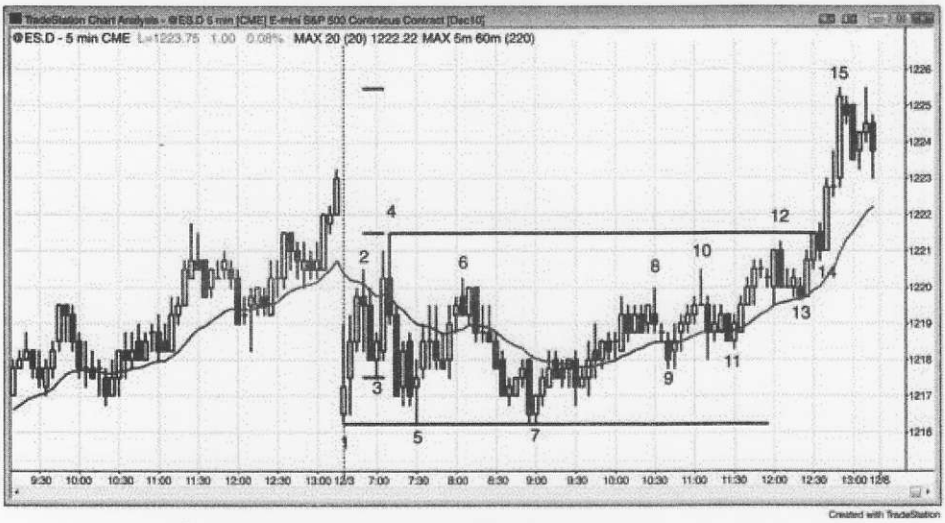
تنها به این دلیل که محدوده نوسان در دو ساعت اولیه در حدود نصف محدوده یک روز متوسط است، به این معنی نیست که شکستی به سمت یک روز محدوده معامله روند دار وجود خواهد داشت. در حدود یک‌سوم مواقع، نوسان با شکستی از سقف و کف روز افزایش می‌یابد، همان‌طور که در شکل (۹-۲۲) این افزایش انجام می‌گیرد. قیمت از کف‌های جدید روز در کندل‌های ۴ و ۶ به سمت بالا و از سقف‌های جدید در کندل‌های ۳،۱۰،۱۲،۱۹ و ۲۱ به سمت پایین بازمی‌گردد. محدوده اولیه شاید با بازگشت از کندل ۵ پایان یابد و در آن ناحیه بازه نوسانی روز حدود نصف بازه روزهای اخیر است. این هشدار احتمال شکستی در هر دو جهت بالا یا پایین و سپس حرکتی اندازه‌گیری شده که محدوده روز را تقریباً دو برابر خواهد کرد را به معامله‌گران می‌دهد. بااین‌حال، درواقع ورود روی شکست یک محدوده معامله، استراتژی زیان دهی است چراکه بازار همیشه دارای اینرسی است و بیشتر تلاش‌ها برای تغییر از یک محدوده معامله به یک روند، یا از یک روند به یک محدوده معامله به شکست منتهی می‌شوند. بعد از شکست کندل ۶ به کف جدیدی از روز، موقعیت فروش مناسبی محیا نمی‌شود و درواقع کف بالاتر کندل ۷ بعد از سه رانش نزولی (کندل‌های ۴،۲ و ۶) و پولبک شکست کندل ۸، سیگنال‌های خرید مناسبی به هدف تست سقف روز محسوب می‌شوند.

کندل ۱۰ پس از شکست به سمت سقف جدیدی از روز، به سمت پایین معکوس می‌شود، ولی بازار در یک کانال صعودی فشرده قرار دارد و بنابراین موقعیت فروش مناسبی نیست. مومنتم صعودی قدرت ویژه‌ای ندارد بنابراین خرید پولبک کندل ۱۱ در بهترین حالت یک معامله اسکالپ

است. بازار مجدداً با یک بازگشت دو کندلی در کندل ۱۲ به سمت پایین بازمی‌گردد. معمولاً بازگشت‌های ورودی ثانویه در محدوده‌های معامله برای حداقل یک معامله اسکالپ مناسب هستند.

بازار بعد از پرچم صعودی گوه‌ای کندل ۱۶ به سمت سقف جدیدی از روز حرکت می‌کند و مجدداً روی کندل‌های ۱۹ و ۲۱ نقض می‌شود. زمانی که روشن است که شکست رو به بالا موفقیت‌آمیز نخواهد بود، بازار یک‌بار دیگر برای شکست انتهای مخالف روز تلاش می‌کند. همان‌طور که اغلب در روزهای محدوده معامله این حالت وجود دارد، بازار در میانه محدوده بسته می‌شود.

وقتی‌که چندین احتمال برای سقف و کف محدوده اولیه وجود دارد، معمولاً مهم نیست که شما کدام را انتخاب می‌کنید زیرا توافقی وجود ندارد. وقتی حرکت اندازه‌گیری شده‌ای را جستجو می‌کنید که حد سود خود را در آن قرار دهید، در ابتدا از کم احتمال‌ترین محدوده اولیه، مانند از کندل ۲ تا کندل ۳ استفاده کنید. اگر بازار در آن منطقه مکث نکرد، آنگاه احتمال بزرگتر بعدی، مانند کندل ۳ تا کندل ۴، یا کندل ۳ تا کندل ۶ را در نظر داشته باشید. ازآنجایی‌که روز جاری به‌عنوان یک روز محدوده معامله به پایان می‌رسد نه یک روز محدوده معامله روند دار، به هدف‌های حرکت اندازه‌گیری شده واضحی نمی‌رسد. بااین‌حال، هر بازگشتی معلول الگوریتم‌های کامپیوتری بر پایه بعضی اندازه‌گیری‌ها است و تقریباً همیشه نوعی حرکت اندازه‌گیری شده در معادله وجود دارد، حتی اگر واضح نباشد.



شکل (۱۰-۲۲) شکست دیرهنگام

بعضی مواقع بازه نوسانی اولیه در حدود نصف اندازه متوسط روزانه است و شکست تا آخرین ساعت پیدا نمی‌شود. در شکل (۱۰-۲۲)، اگرچه زمان کافی برای تشکیل یک محدوده بالایی باقی نمی‌ماند، آن روز موقعیتی برای شکست به داخل یک محدوده معامله روند دار در تمام طول روز است. محدوده قبل از شکست تنها ۵/۲۵ پوینت است و در ۱۱ ماه گذشته، تنها دو روز وجود دارد که با یک محدوده ۵/۲۵ پوینتی یا کمتر خاتمه یافته است؛ یعنی اینکه روزهای دیگر سال که ممکن است در بیشتر روز دامنه ۵/۲۵ پوینتی داشته‌اند در انتهای روز دامنه آن‌ها بزرگتر می‌شود و ممکن بود باعث شود که روز جاری دارای یک شکست دیرهنگام به یک اندازه صعودی یا نزولی باشد. ازآنجایی‌که بازار از کف سه قلو و مثلث کندل ۷ دارای روند صعودی است و تعداد کندل‌ها با بدنه صعودی بین کندل‌های ۹ و ۱۲ زیاد است، فشار خرید آشکار و شکست رو به بالا محتمل است. معامله‌گران در شکست کندل ۱۴ در بالای سقف کندل ۴ روز و در قیمت نهایی کندل شکست قدرتمند ۱۴ و دوباره در بالای سقف آن می‌خرند.

اسپایک نزولی اولیه از کندل ۳ تا کندل ۴ حرکت اندازه‌گیری شده‌ای تا سقف آن روز ایجاد می‌کند. معامله‌گران هرگز نمی‌دانند که کدام یک از هدف‌های ممکن حرکت اندازه‌گیری شده سطحی خواهد بود که خریداران سودشان را خواهند گرفت، ولی خوب است که از احتمالات باخبر باشید بنابراین شما، هم می‌توانید همچنان که بازار بجای دو پوینت پایین‌تر روی ریزش، به‌سرعت بالا می‌رود سودتان را بگیرید. ممکن است تقاضای بازار روی یک حرکت اندازه‌گیری شده بر اساس کف کندل ۱ تا سقف کندل ۲ یا از کف کندل ۵ تا سقف کندل‌های ۴،۶،۱۰، یا ۱۲ بسیار زیاد شده باشد.

۲۳

روند از ابتدا و روندهای پولبک کوچک

مشخصات اولیه روند از آغاز روز:

- کف یک روز روند صعودی یا سقف یک روز روند نزولی در چندل کندل ابتدایی روز شکل می‌گیرند.
- اگر بازه اولیه روز کمتر از ۲۵ درصد متوسط بازه روزانه روزهای اخیر باشد، ممکن است یک کف دوقلو در روز روند صعودی یا یک سقف دوقلو در روز روند نزولی وجود داشته باشد (اگر بازه اولیه در حدود ۵۰ درصد میانگین بازه روزانه باشد، به‌احتمال‌زیاد شکست منتهی به یک محدوده معامله روند دار می‌شود).
- روز ممکن است با یک اسپایک قوی شروع شود که در کندل‌های زیادی طول بکشد یا ممکن است بازه اولیه کوچکی داشته باشد.
- اگر روند بازار از اولین کندل یا چند کندل بعدی شروع شود و اسپایک اولیه سه کندل یا بیشتر طول بکشد، ورود در اولین پولبک معمولاً حداقل برای یک معامله اسکالپ خوب است.
- اگر در ابتدا اسپایک بزرگی وجود داشته باشد که طی کندل‌های زیادی به طول انجامد و بسیاری از نقاط را پوشش دهد، آن روز معمولاً تبدیل به روز اسپایک و کانال روند می‌شود.
- یک شکاف بزرگ اولیه می‌تواند منتهی به روندی از آغاز روز شود و روند می‌تواند در هر دو جهت حرکت کند. وقتی یک شکاف بزرگ صعودی وجود داشته باشد و روندی از

ابتدای روز شکل بگیرد، در ۶۰ در صد مواقع آن روز یک روز روند صعودی و در ۴۰ در صد مواقع روند نزولی خواهد شد. برعکس این برای شکاف اولیه نزولی صادق است. هر چقدر شکاف بزرگ‌تر باشد، احتمال اینکه آن روز یک روز روند باشد بیشتر است و احتمال اینکه روند در جهت شکاف باشد هم بیشتر می‌شود.

- روند از آغاز روزها، از ابتدا دارای ضرورت و یقین است و روندها معمولاً قوی‌ترین هستند و کوچک‌ترین پولبک‌ها را دارند.
- موقعیت‌های ۲۰ کندل شکاف و کندل شکاف میانگین متحرک در روند دیرهنگام ظاهر می‌شوند.
- قوی‌ترین نوع روند از ابتدای روز و قوی‌ترین نوع روند آن است که دامنه اولیه آن کوچک باشد و سپس آن روز، در تمام طول روز روند شدیدی با پولبک‌های کوچک به خود می‌گیرد. این یک پولبک کوچک روز روند است. برای مثال، پولبک‌ها در EMINI ممکن است تنها ۱۰ تا ۱۲ تیک باشند (۱۰ تا ۳۰ درصد متوسط محدوده روزانه). وقتی این حالت باشد، معمولاً پولبکی در دو ساعت نهایی وجود دارد که در حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ در صد اندازه اولین پولبک‌ها است، بعدازآن ازسرگیری روند تا پایان روز خواهد بود.
- برای یک معامله‌گر باتجربه، موقعیت‌های سوییننگ در ۷۰ درصد مواقع یا بیشتر با موفقیت همراه است، حتی با اینکه هرگز در نظر یک تازه‌کار مطمئن به نظر نیاید. بسیاری از کندل‌های سیگنال بد به نظر می‌رسند، همان‌طور که تمام روندهای قوی هم این‌گونه هستند. بیشتر موقعیت‌ها طوری به نظر می‌رسند احتمال موفقیت آن‌ها ۵۰ درصد یا کمتر است. این باعث می‌شود معامله‌گران معامله نکنند، و آن‌ها را مجبور می‌کند که بازار را دنبال کنند یا روند را کاملاً از دست بدهند.
- اغلب کندل‌های روند زیادی در جهت مخالف وجود دارند که نشانه‌ای از فشار در جهت خلاف روند است و این معامله‌گران تازه‌کار را مجاب می‌کند که بجای معامله در جهت روند، به دنبال بازگشت‌ها باشند. برای مثال، در یک روند صعودی، کندل‌های روند نزولی و اسپایک‌های دو کندلی و سه کندلی زیادی خواهد بود. تازه‌کاران مرتباً آن‌ها را فروخته و ضرر می‌کنند. اسپایک‌ها وارد پرچم‌های صعودی می‌شوند که به نظر ضعیف می‌آیند که تازه‌کاران را از خرید آن‌ها دلسرد می‌کنند. آن‌ها تازه از فروشی زیان ده خارج شده‌اند و از نظر روانی آمادگی برای خطر ضرر کردن مجدد را ندارند، مخصوصاً در موقعیتی که به نظر قوی نمی‌آید. هر پرچم صعودی به نظر بدی، موفقیت‌آمیز است و به دنبال آن موقعیت فروش به نظر خوبی است که نقض می‌شود.

- روند اغلب در کانالی نسبتاً فشرده قرار دارد و پولبک‌ها اغلب برمی‌گردند و با به دام انداختن معامله‌گران در بیرون، حد ضررهای سربه‌سر را فعال می‌کنند. معامله‌گران باید حد ضررشان را در روند صعودی به زیر کف‌های سوییِنگ و در یک روند نزولی به بالای سقف‌های سوییِنگ منتقل کنند. اگر خیلی اشتیاق به انتقال حد ضرر به قیمت سر بسر داشته باشند، با حد ضرر خارج خواهند شد.

ازآنجایی‌که تقریباً تمام روزهای پولبک کوچک، از ابتدای دارای روند هستند، باید آن‌ها را گونه‌ای قوی در نظر گرفت. یک روند از ابتدای روز معمولاً قوی‌ترین شکل الگوی روند است، ولی حدوداً تنها در ۲۰ درصد روز توسعه می‌یابد؛ یعنی اینکه خرید در بالای اولین کندل یا فروش در زیر آن، به امید اینکه آن کندل شروع یک روند قوی باشد، معامله‌ای با احتمال موفقیت پایین است. بازگشت‌ها همان‌طور که در کتاب ۳ بحث شده‌اند، در ساعات اولیه بسیار رایج‌تر هستند. احتمال اینکه اولین کندل در روزی که با شکاف بزرگی شروع می‌شود سقف یا کف آن روز باشد، درصورتی‌که آن کندل، کندل روند بزرگی در یکی از دو جهت باشد، می‌تواند ۵۰ درصد یا بیشتر باشد. در ۵۰ در صد روزها، سقف یا کف روز حداقل در ۵ کندل اول شکل می‌گیرد. بهر حال، این شکل‌گیری در بازه اولیه است که در ۹۰ درصد روزها می‌تواند به‌اندازه ۲ ساعت طول بکشد. هر نوع از روز روند می‌تواند از ابتدا دارای روند باشد. در یک روند از ابتدای روز، بازار در کندل اول یا چند کندل اول یک انتها را شکل می‌دهد و سپس کل روز را با روند می‌گذراند، و اغلب روی انتهای مخالف یا نزدیک آن بسته می‌شود. ممکن است محدوده معامله‌ای در اولین ۳۰ دقیقه یا بیشتر وجود داشته باشد و سپس یک شکست ظاهر شود، ولی ابتدای روز معمولاً بسیار نزدیک به یک انتها خواهد بود (کف دریک روند صعودی و سقف دریک روند نزولی). این روزها اغلب با شکاف بزرگی شروع می‌شوند و سپس بازار با یک روند دریکی از دو جهت به حرکت خود ادامه می‌دهد. به‌عبارتی‌دیگر، یک کندل شکاف بزرگ نزولی از ابتدای روز می‌تواند منتهی به یا یک روند صعودی یا یک روند نزولی شود. اگر جاذبه قدرتمندی مانند خط کانال روند، یا قسمتی از یک الگوی بازگشتی مانند یک بازگشت از پرچم نهایی در قیمت پایانی روز قبل شکل گیرد موقعیت قابل‌اعتمادتری خواهد بود (برای مثال شکل‌گیری یک موقعیت بازگشتی گوه‌ای).

این نوع از روند می‌تواند آن‌قدر قدرتمند باشد که در یک یا دو ساعت اولیه روز بعدی هم ادامه داشته باشد، بنابراین معامله‌گران باید به دنبال ورود در جهت روند روی پولبک‌های بعد از شروع روز بعدی باشند. پولبک اغلب به‌اندازه‌ای قوی است که معامله‌گران را نگران کند که آیا بازار در حال چرخش است یا خیر، اما آن تنها اصلاحی دو موجی در تایم فریم بالاتر است، مانند پولبک به میانگین متحرک نمودار ۱۵ دقیقه‌ای.بااین‌حال، بیشتر معامله‌گران درمی‌یابند که خواندن تنها یک

نمودار در هنگام معامله‌گری راحت‌تر است و همیشه در انتهای پولبک یک موقعیت ۵ دقیقه‌ای وجود دارد.

زمانی که یک روند از ابتدای روز در حال گسترش است، پولبک‌ها اغلب در تمام طول روز کوچک هستند. وقتی این اتفاق رخ می‌دهد، این یک پولبک کوچک روز روند است. این قوی‌ترین نوع روز روند است و در ماه فقط یک یا دو بار رخ می‌دهد. در حدود دوسوم این روزها بعد از ساعت ۱۱:۰۰ صبح پولبک بزرگتری دارند. آن پولبک اغلب حدوداً دو برابر اندازه بزرگترین پولبکی است که از ابتدای شروع روند در اولین ساعت روز شکل می‌گیرد. اغلب یک یا دو کندل روند نسبتاً بزرگ و قوی در جهت روند از آمدن آن خبر می‌دهند، ولی خستگی اوجی را به نمایش می‌گذارد. مثالی از یک پولبک کوچک روز روند صعودی را زمانی که بزرگترین پولبک ۹ تیک بوده و بازار در یک کانال صعودی در تمام طول روز صعودی بوده است را در نظر بگیرید. اگر بعضی مواقع بین ساعت ۱۱:۰۰ صبح و ظهر بازار دو کندل نسبتاً بزرگ متوالی داشته باشد که در حال رانش به سمت سقف جدیدی باشند، این حرکت بیشتر شبیه یک اوج خرید خستگی است تا شروع یک موج جدید. اوج‌ها در کتاب سوم بیشتر بحث شده‌اند، ولی وقتی‌که روندی برای مدتی طولانی ادامه داشته باشد و سپس قدرت غیرمعمول بیشتری پیدا کند، پایان حرکت و شروع یک پولبک دومرحله‌ای که به‌اندازه ۱۰ کندل یا بیشتر طول می‌کشد را هشدار می‌دهد. معامله‌گران باتجربه انتظار پولبکی سه تا پنج پوینتی را دارند و آن‌ها از خرید خود خارج خواهند شد. عده‌ای حتی قیمت پایانی آن کندل روند صعودی دوم، یا شاید یک تیک یا بیشتر در بالای سقف آن به امید پولبک خواهند فروخت. ممکن است منتظر بسته شدن کندل بعدی بمانند و اگر آن کندل در اطراف میانه خود بسته شود، ممکن است قیمت پایانی آن را بفروشند. اگر این یک کندل بازگشت نزولی باشد، ممکن است در زیر کف آن بفروشند. اگر در زیر یک کندل بازگشت نزولی وارد شده باشند، حد ضرر آن‌ها بالای سقف آن خواهد بود ولی اگر در قیمت جاری در پایان اسپایک صعودی وارد شده باشند، ممکن است از یک حد ضرر ۳ یا ۴ پوینتی استفاده کنند و در یک یا دو پوینت بالاتر به‌تدریج وارد شوند. حتی اگر آن‌ها اشتباه کرده باشند و بازار برای چند پوینت ریزش نکند، احتمالاً وارد یک محدوده معامله خواهد شد و آن‌ها باید بتوانند در ساعت پایانی با سود کمی خارج شوند.

ممکن است یک پولبک اندکی بزرگتر در اولین ساعت روز، درست قبل از شروع روند وجود داشته باشد، ولی تنها پولبک‌های بعد از شروع روند مهم هستند. به اندازه آن‌ها دقت کنید، اگر همه آن‌ها خیلی کوچک باشند و هر پولبک متعاقب آن‌ها در همان اندازه یا کوچک‌تر از اولین پولبک باقی بماند، آن روز، یک روز روند قدرتمند است. برای مثال، در یک روند صعودی در EMINI که متوسط نوسان روزانه در حدود ۱۲ پوینت بوده است، همه پولبک‌ها ممکن است تنها دو یا سه

پوینت باشند. خریداران به امید ریسک کمتر، پولبک بزرگتری می‌خواهند تا بتوانند وارد شوند. بعد از انتظار و به دست نیاوردن چیزی که منتظرش بودند، شروع به گرفتن موقعیت‌های کوچک در قیمت جاری و روی پولبک‌های کوچک، می‌نمایند. این خریدهای کوچک در طول روز بازار را بالا می‌برد. فروشندگان هرگز موقعیت مناسبی نمی‌بینند و در عوض تصمیم به فروش موقعیت‌های کوچکتر و ضعیف‌تر می‌گیرند. این کار ادامه نمی‌یابد و آن‌ها مجبور به خروج می‌شوند و این خرید (خروج آن‌ها با حد ضرر) به صعود آرام بازار افزوده می‌شود. معامله‌گران مومنتم، روند را می‌بینند و آن‌ها هم در تمام طول روز می‌خرند. روند معمولاً در تمام طول روز با پولبک‌های کوچک ادامه می‌یابد، ولی به دلیل اینکه خریداران در تمام طول روز موقعیت‌های کوچکتر را می‌خرند، هرگز مجبور به تعقیب بازار با اضطراب نیستند. همچنین، به خاطر اینکه فروشندگان به‌هیچ‌وجه فروش سنگین انجام نمی‌دهند، خروج قوی از موقعیت فروش هم وجود ندارد. نتیجه این است که حتی باوجوداینکه آن روز یک روز روند است، اغلب مناطق خیلی زیادی را پوشش نمی‌دهد و خریداران، حتی با اینکه در طرف درست یک روند قوی قرار دارند، سودهای غیرمترقبه‌ای را به دست نمی‌آورند.

یک خبر در ساعت ۷:۰۰ صبح اغلب می‌تواند منجر به یک کندل بازگشت، یک کندل شکست، یا کندل بزرگ خارجی شود که تبدیل به آغاز روند قدرتمندی می‌شود که می‌تواند در تمام طول روز را طول بکشد. بااین‌وجود، کامپیوترها روی گزارشات، امتیاز بزرگی دارند. آن‌ها همواره داده‌ها را با فرمتی دریافت می‌کنند که بتوانند آن‌ها را جهت اتخاذ تصمیماتی پردازش کنند و معاملات خود را انجام دهند. تمام این‌ها در یک ثانیه اتفاق می‌افتد و این به آن‌ها برتری قابل‌توجهی نسبت به معامله‌گران خرد می‌دهد. وقتی کامپیوترها امتیاز بزرگی دارند، معامله‌گران در موقعیت ضعف قرار می‌گیرند، بنابراین در لحظه انتشار گزارش بندرت باید وارد شوند. کامپیوترها معمولاً طی یک یا دو کندل نشان می‌دهند که معامله روند غالب جهت انجام معامله چیست، یا بازگشت قدرتمندی را برپا خواهند کرد. آنگاه معامله‌گران احتمالاتی درباره جهت معامله آن‌ها خواهند داشت و می‌توانند ورود در جهت مناسب را در نظر بگیرند. کندل قدرتمندی که منتهی به شروع روند می‌شود همیشه در یک گزارش نمی‌آید و می‌تواند در چندین کندل قبل یا بعد گزارش شکل گیرد. رخداد آن روی گزارش اغلب برای معامله‌گران کافی است تا آماده استفاده از آن باشند و سپس به‌محض اینکه موقعیت غالب آشکار شد، وارد آن شوند.

بعضی مواقع بعد از گذشت تقریباً ۳۰ دقیقه از زمان شکل‌گیری یک محدوده کوچک، یک تست شروع که در حدود ساعت ۷:۰۰ صبح رخ می‌دهد، معمولاً هم‌زمان با انتشار یک گزارش است. اگرچه نتیجه آن محدوده معامله کوچکی است، روندی که آن محدوده معامله کوچک را می‌شکند،

بسیار قوی‌تر از آن چیزی است که در روز محدوده معامله دیده می‌شود. این روند، با روند از آغاز روز یکسان است و باید به‌عنوان گونه‌ای از آن در نظر گرفته شود.

حتی بهترین الگوها باز هم در ۴۰ درصد مواقع از انجام آن چیزی که شما انتظار آن را دارید ناکام می‌مانند. اگر قیمت در سه یا چهار کندل هیچ‌گونه مکثی نداشته باشد، ممکن است مسافت زیادی را با سرعت بالا طی کند و این احتمال بازگشت روند را بجای ادامه آن، افزایش می‌دهد.

هر روز در چند کندل اول مانند روندی از آغاز روز شروع می‌شود. به‌محض اینکه یک کندل به بالای کندل قبلی می‌رود، آن روز، حداقل برای آن لحظه، روندی از ابتدا صعودی است. اگر در عوض کندل فوق در زیر کندل اولی معامله شود، این روندی از ابتدا نزولی است. در بیشتر روزها، حرکت خیلی ادامه نمی‌یابد و یک بازگشت وجود دارد و آن روز به نوع دیگری از روز تبدیل می‌شود. بااین‌حال، وقتی شکست کندل قبلی به سمت اسپایک بزرگتری رشد می‌کند، احتمال یک روند قدرتمند از ابتدای روز به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد.

اگر بازار به‌اندازه ۴ کندل یا بیشتر، یا حتی دو کندل بزرگ روند بدون پولبک به یک سمت متمایل شود، حرکت باید به‌گونه‌ای تصور شود که یک اسپایک قوی است. اسپایک منطقه‌ای است که فروشندگان و خریداران هر دو توافق دارند که باید معاملات کمی در آن صورت گیرد و بازار بنابراین باید به‌سرعت به سطح دیگری از قیمت حرکت کند. وقتی اسپایک طی چند کندل اول شروع می‌شود، آن روز از ابتدا دارای روند است. این روند ممکن است درکل روز هم ادامه پیدا کند، ولی بعضی مواقع بازار به‌زودی برگشته و در جهت مخالف شکسته می‌شود، مانند یک اسپایک و کانال روند یا محدوده معامله روند دار روز، یا یک محدوده معامله ساده؛ مانند هر اسپایک قوی، خریدارانی که قبلاً خریده‌اند، با ایجاد یک پولبک کوچک، قسمتی از سودشان را در بعضی از مناطق خواهند گرفت (که پیش‌تر در فصل روندها بحث شده است). دیگر خریداران که حرکت را از دست داده‌اند، همین‌طور خریدارانی که موقعیت بزرگتری را می‌خواهند، پولبک را به‌صورت تهاجمی خواهند خرید. خریداران در کف و زیر کف کندل قبلی، به امید اینکه کندل کنونی به زیر کندل قبلی سقوط کند و به آن‌ها اجازه خرید در قیمت اندکی پایین‌تر دهد، با سفارش حد خواهند خرید. دیگر خریداران روی سفارشات در بالای سقف کندل پولبک خواهند خرید (یک کندل سیگنال سقف ۱).

معمولاً به دنبال یک اسپایک یکی از این سه چیز می‌آید. نخست، بازار ممکن است مسافت زیادی را خیلی سریع حرکت کند و رفتارهای اوجی خستگی را تجربه کند. برای مثال، اگر پس از آن یک مکث یا پولبکی مانند یک کندل داخلی یا یک گوه‌ای پرچم کوچک وجود داشته باشد، این می‌تواند پرچم نهایی باشد و بعد از شکستی کوچک، منتهی به یک بازگشت شود و بازگشت

می‌تواند برای چندین ساعت به طول انجامد. دوم اینکه، بازار ممکن است در یک محدوده معامله بدون روند فشرده برای چندین ساعت حرکت کند و به دنبال آن ازسرگیری روندی حاصل شود که تا پایان روز ادامه یابد، نتیجه آن یک روز ازسرگیری روند می‌شود. این حرکت کوچک بدون روند متعاقب یک اسپایک ۵ تا ۱۰ کندلی، بسیار مرسوم است. سومین و معمول‌ترین خروجی، وقتی‌که اسپایک به‌اندازه‌ای بزرگ نیست که منجر به خستگی شود، آن اسپایک شکل‌گیری یک کانال روند است و آن روز تبدیل به یک اسپایک و کانال روند روز می‌شود.

ورود به اولین پولبک بعد از یک موج قوی درواقع سرمایه‌گذاری روی تمایل به حرکت‌های قوی به سمت انتها است. بیشتر حرکت‌های قوی حداقل دارای دو موج‌اند، بنابراین ورود به اولین پولبک شانس بسیار خوبی برای منجر شدن به یک معامله سودمند است. درصورتی‌که ورودی اصلی را از دست داده باشید، این ورودی مخصوصاً روی روندهای از ابتدای روز مهم هستند. در روندهای قوی آن چیزی که اولین پولبک را تشکیل می‌دهد همیشه واضح نیست زیرا روندها مرتباً دو یا سه کندل بدون روند دارند که خط روند معنی‌داری را نمی‌شکنند و بنابراین درواقع به‌اندازه‌ای قابل‌توجه نیستند که بتوانند یک کشش رو به عقب را ایجاد کنند. بااین‌وجود، حتی اگر بازگشت و عقب‌نشینی واقعی در قیمت وجود نداشته باشد، یک مکث، یک اصلاح بدون روند است و گونه‌ای از یک پولبک می‌باشد.

سخت‌ترین قسمت معامله کردن این روزهای خیلی قوی روند این است که به نظر نمی‌رسد روندها در زمان شکل‌گیری، قدرت ویژه‌ای داشته باشند. معمولاً اسپایک مؤثر یا راحت و محتملی به میانگین متحرک وجود ندارد. در عوض بازار بعد از هرچند کندل، دارای پولبک‌هایی بوده و تعداد زیادی کندل روند در جهت مخالف دارد. این اتفاق اغلب در کانالی به نظر ضعیف رخ می‌دهد. آنچه تازه‌کاران از دیدن آن عاجزند این است که تمام پولبک‌ها کوچک هستند، بازار هرگز به نظر نمی‌رسد که به سمت میانگین متحرک برگردد و قیمت به آهستگی از قیمت اولیه دور می‌شود. معامله‌گران باتجربه تمام این چیزها را نشانه‌هایی از این می‌بینند که قدرت روند خیلی زیاد است؛ و این دیدگاه به آن‌ها اعتمادبه‌نفس لازم برای انجام معامله سوییِنگ را می‌دهد. آن‌ها به‌درستی می‌دانند که اگرچه به نظر می‌رسد این کندل‌ها قسمتی از یک کانال ضعیف هستند و بنابراین باید یک موقعیت کم احتمال ایجاد کنند، وقتی‌که آن‌ها در یک پولبک کوچک روز روند صعودی رخ می‌دهند، این معامله‌گران موقعیت سوییِنگ محتملی را شکل می‌دهند. تمام پولبک‌ها در روند از آغاز روز، ورودی‌های در جهت روند عالی هستند، حتی با اینکه آن‌ها تقریباً همیشه ضعیف به نظر می‌رسند. یک معامله‌گر، حتی بعد از شکست یک خط روند معنی‌دار توسط یک پولبک، می‌تواند همواره اعتمادبه‌نفس لازم برای ورود به یک معامله در جهت روند را داشته باشد. در یک روند

قدرتمند صعودی، به دنبال خرید در کف کندل قبلی یا یک یا دو تیک زیر آن باشید، یا در یک سفارش خرید در یک یا دو تیک بالای موقعیت‌های سقف ۱ و سقف ۲ خرید انجام دهید. به‌اندازه پولبک‌ها هنگام شروع یک روند توجه کنید. برای مثال، در یک پولبک کوچک روند صعودی، اگر بزرگترین پولبک در دو ساعت گذشته تنها ۸ تیک بوده است، با یک سفارش حد خرید در ۵ تا ۷ تیک پایین‌تر از سقف روز بخرید. در روند قدرتمند نزولی، معامله‌گران برخلاف این انجام خواهند داد و در سقف کندل قبلی یا یک یا دو تیک بالای آن، در سفارش فروشی در یک تیک زیر کف ۱ و کف ۲ کندل‌های سیگنال و روی هر پرشی که تقریباً به‌اندازه یک کندل متوسط باشد می‌فروشند.

بازار دارای اینرسی است و اولین تلاش برای پایان دادن آن روند به شکست منتهی می‌شود. وقتی‌که خط روندی شکسته می‌شود و پولبک قابل‌توجهی دارد، آنگاه احتمالاً اولین موج روند به پایان رسیده است. حتی آن زمان اولین شکست خط روند احتمال بالایی دارد که ورودی در جهت روند را ایجاد کند که منجر به دومین موج و حد جدیدی در روند می‌شود.

پولبک‌ها اغلب کندل‌های سیگنال ضعیفی دارند و کندل‌های ضد روند فراوانی وجود دارد. برای مثال، در یک روند صعودی قدرتمند، بیشتر کندل‌های سیگنال خرید ممکن است کندل‌های کوچک نزولی یا دوجی باشند و چندین کندل ورودی ممکن است کندل‌های صعودی خارجی با بدنه‌های کوچک باشند. به دنبال آن‌ها اغلب دو یا سه کندل پشت سر هم نزولی یا میکرو کانال نزولی ظاهر می‌شود. این فشار فروش ثابت باعث می‌شود بسیاری از معامله‌گران در جستجوی سیگنال‌های فروش باشند و در بیرون از روند به دام افتند. سیگنال‌های فروش هرگز به‌اندازه کافی قوی به نظر نمی‌رسند، ولی به‌هرحال معامله‌گران می‌فروشند زیرا سیگنال‌های فروش بهتر از سیگنال‌های خرید به نظر می‌آیند و آن‌ها می‌خواهند معامله انجام دهند. آن‌ها می‌بینند که تقریباً بعد از هر سیگنال خرید، پولبکی است که برمی‌گردد و یک حد ضرر سربه‌سر را فعال می‌کند و فکر می‌کنند که این نشانه یک روند صعودی ضعیف است. آن‌ها روند صعودی را می‌بینند و دوست دارند وارد خرید شوند، ولی نمی‌توانند بفهمند که چگونه این کار را انجام دهند، زیرا فکر می‌کنند تمام سیگنال‌های خرید بد به نظر می‌رسند. پولبک‌ها خیلی کوچک و موقعیت‌ها خیلی ضعیف هستند. همچنین، ازآنجایی‌که این روزها تنها دو بار در ماه رخ می‌دهند، زمانی که فشار فروش معمولاً منتهی به فروشی قابل معامله می‌شود، مشروط به روزهای دیگر هستند، بنابراین آن‌ها به فروش موقعیت‌های فروش ادامه می‌دهند که به نظر کاملاً درست نمی‌آید. آن‌ها درست به نظر نمی‌رسند زیرا ابتدای پرچم‌های صعودی هستند، نه بازگشت‌ها. با این وجود، وقتی معامله‌گران کهنه‌کار یک روند صعودی با پولبک‌های کوچک و عدم توانایی آن‌ها در سقوط به پایین میانگین متحرک، به انضمام کندل‌های روند نزولی زیاد و سیگنال‌های خرید ضعیف را می‌بینند، می‌فهمند

چه اتفاقی در حال رخ دادن است. آن‌ها معامله‌گرانی را می‌بینند که در بیرون از خرید به دام افتاده‌اند و فریب جستجوی مداوم سقف‌ها را خورده‌اند و می‌دانند این روند صعودی قدرت ویژه‌ای دارد. معامله‌گران حرفه‌ای می‌دانند که معامله‌گران بسیاری برخلاف آنچه باید انجام دهند، انجام خواهند داد و مجبور به خروج از فروش‌های زیان ده خود شده و بازار را تا بالا دنبال خواهند کرد. این کشش شدید به سمت بالا ایجاد می‌کند که بسیاری از معامله‌گران باید بخرند ولی نمی‌خرند و معامله‌گران حرفه‌ای بی‌امان می‌خرند و روز بسیار پرسودی را سپری می‌کنند.

این روزها معمولاً داخل کانال‌های نسبتاً فشرده‌ای قرار دارند و اگر معامله‌گران به دنبال سوییننگ کردن معاملاتشان باشند، نباید مشتاق این باشند که حد ضررشان را به نقاط سربه‌سر منتقل کنند. وقتی یک روند در یک کانال فشرده قرار دارد، معمولاً قبل از رسیدن به حد جدیدی از روند، به قیمت ورودی برمی‌گردد و معامله‌گران غیرحرفه‌ای ترسو اشتباهاً به خودشان اجازه خروج از روند می‌دهند. برای مثال، اگر روند صعودی قدرتمندی وجود داشته باشد، بازار اغلب در سقف کندل سیگنال طی ۵ تا ۱۰ کندل به سمت قیمت ورودی برمی‌گردد و اغلب یک یا دو تیک به پایین آن نفوذ می‌کند. این می‌تواند معامله‌گران تازه‌کار را عصبی کند. آن‌ها سود مناسبی برای معامله اسکالپ دارند، ولی ازآنجایی‌که آن روز یک روز روند است، می‌خواهند معامله خود را به طمع سود بیشتر سوییننگ کنند. حال بعد از یک ساعت، بازار به قیمت ورودی برمی‌گردد. آن‌ها به مدت یک ساعت نگران می‌شوند چراکه بازار به فاصله اندکی بالای قیمت ورودی می‌رود و حال می‌ترسند که بردشان به باخت تبدیل شود. آن‌ها بیش از این نمی‌توانند درد را تحمل کنند و با سود کم یا اندکی ضرر خارج می‌شوند. چند کندل بعد آن‌ها ناراحت هستند زیرا بازار اکنون در سقف جدیدی است و آن‌ها بیرون هستند و از یک معامله عالی خارج شده‌اند و به انتظار خرید در پولبک بعدی هستند. آن‌ها باید تنها بعد از اینکه بازار به منطقه کندل سیگنال برگشته و سپس به سقف جدیدی صعود کرد، حد ضرر خود را به زیر کف آخرین سوییننگ انتقال دهند. روندها تمایل دارند که سقف‌ها و کف‌های روندی داری داشته باشند، بنابراین وقتی یک روند صعودی سقف جدیدی را می‌سازد، معامله‌گران حد ضرر خود را تا زیر کف آخرین سوییننگ بالا می‌آورند. ازآنجایی‌که انتظار کف‌های دارای روند دارند، می‌خواهند پولبک بعدی بالای پولبک قبلی قرار گیرد. اگر بازار وارد یک محدوده معامله شود، پولبک‌ها به زیر کف بالاتر قبلی سقوط می‌کنند و آنگاه آن‌ها به شیوه معامله‌گری محدوده معامله تطبیق پیدا می‌کنند (در کتاب دوم بحث شده است).

اگر شکافی بیش از چند تیک وجود داشته باشد و اولین کندل، یک کندل روند قدرتمند باشد (سایه کوچک، اندازه خوب کندل)، معامله شکست آن در هر دو طرف معمولاً معامله خوبی است. اولین کندل هر روز، بسته به جهت شکست کندل، کندل سیگنالی برای روندی از ابتدای روز

صعودی و روندی از ابتدای روز نزولی است. اگر وارد آن شدید و حد ضررتان در کندل بعدی فعال شد، بازگشت باهدف یک معامله سوینگ را در نظر داشته باشید زیرا بازار معمولاً بیش از آنچه که در اولین ورودی از دست دادید حرکت خواهد کرد و همیشه این امکان وجود دارد که بتواند از اول روز به یک روند توسعه پیدا کند.

حتی اگر در ابتدا شکافی نباشد، اولین کندل روند، کندل موقعیت خوبی برای معامله است، ولی شانس موفقیت در صورت وجود یک شکاف بالاتر است، چراکه بازار به حد افراط رسیده و هر حرکتی تمایل به تقویت شدن دارد.

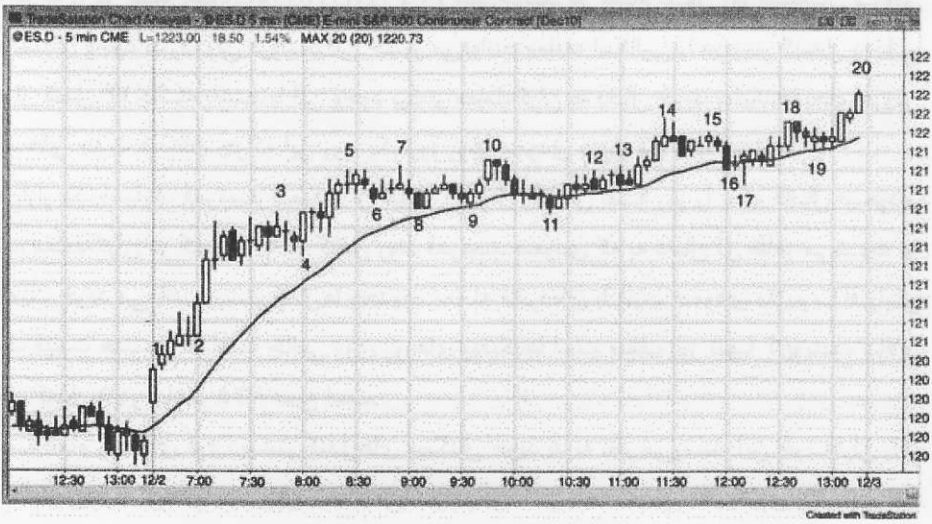


شکل (۱-۲۳) اولین پولبک را در روند قوی بخرید

بازار در شکل (۱-۲۳) از ابتدا یک روند صعودی را شکل می‌دهد و کندل ۲ که خط روند را رو به پایین می‌شکند، اولین پولبک است. معامله‌گران با یک سفارش خرید در یک تیک بالای سقف آن می‌خرند، حتی با اینکه این کندل سیگنال ضعیفی است (قیمت نهایی نزولی است ولی حداقل

در بالای قیمت میانی خود بسته می‌شود). خریداران تهاجمی، به امید شکست یک میکرو کانال نقض شده و به امید قیمت‌های بالاتر، روی سفارش حد خریدی در کف کندل قبل از کندل ۲ می‌خرند.

فروش در پایین اولین کندل روز منطقی ولی بلند پروازانه است زیرا این کندل یک کندل نزولی است و یک شکاف صعودی در آنجا وجود دارد و تا میانگین متحرک و قیمت پایانی روز گذشته فضای زیادی وجود ندارد. بااین‌حال، روز گذشته با چندین کندل روند نزولی در ساعت پایانی به اتمام می‌رسد که نشانه‌ای از فشار خرید است. وقتی تردیدی وجود دارد، مخصوصاً در ابتدا، بهتر است منتظر اطلاعات بیشتری باشید یا تا زمانی صبر کنید که یک طرف به دام بیافتد. مشکل این فروش اولیه آن است که بیشتر معامله‌گران قادر به تغییر سریع ذهنیت خود برای بازگشت به خرید در بالای کندل ۲ نیستند. آن‌ها در بیرون از بازار به دام خواهند افتاد. بیشترشان منتظر می‌مانند که در بالای اولین پولبک بخرند، و آن ورودی دیرهنگام برای آن‌ها به‌اندازه چندین پوینت سود هزینه خواهد داشت.



شکل (۲-۲۳) پولبک کوچک روز روند صعودی

روند از آغاز روز قوی‌ترین نوع روند است، و روز پولبک کوچک قوی‌ترین نوع روند از ابتدای روز است. روند از آغاز روزها حدوداً هفته‌ای یک بار یا دو بار رخ می‌دهد، ولی روزهای پولبک کوچک (در شکل ۲-۲۳ دیده می‌شود) ماهی تنها یک بار یا دو بار دیده می‌شوند. متوسط نوسان روزانه در EMINI ها در حدود ۱۲ پوینت است و بزرگترین پولبک در کندل ۹ تنها ۹ تیک می‌باشد. پولبک به کندل ۱۱ تنها ۱۱ تیک است. خریداران باهوش این را می‌بینند و بنابراین سفارش حد خرید

خود را شاید از ۶ تا ۱۰ تیک پایین‌تر از بالاترین سقف قرار می‌دهند. حد ضرر اولیه آن‌ها ممکن است دو پوینت باشد. بازار تلاش می‌کند که پولبک بزرگتری را در حرکت نزولی تا کندل ۱۷ ایجاد کند ولی نمی‌تواند قیمت را تا بیشتر از ۱۴ تیک حرکت دهد. خریداران کندل بزرگ روند قبل از کندل ۱۴ را به‌عنوان یک اوج خرید احتمالی می‌بینند و بسیاری از فروش خارج می‌شوند. یک موج ناگهانی که احتمالاً به دنبال یک پولبک می‌آید فرصت بزرگی برای خروج در قیمت بسیار خوبی است که احتمالاً مختصر می‌باشد. دیگر معامله‌گران حرفه‌ای قیمت نهایی این کندل و کندل ۱۴ و کندل بعدی را می‌فروشند، چراکه آن کندل‌ها سایه‌هایی در بالای خود دارند، که نشانه‌ای از فشار فروش است. این معامله‌گران انتظار پولبکی دو موجی را دارند که به‌اندازه ۱۰ کندل طول بکشد و تقریباً به‌طورقطع یک تست میانگین متحرک است، چراکه بازار قبلاً در کندل‌های ۹ و ۱۱ آن را تست کرده است. در یک پولبک کوچک روز روند، بازار معمولاً پولبکی را بعضی مواقع بعد از ساعت ۱۱:۰۰ صبح دارد که حدود دو برابر اندازه بزرگترین کندل روز است.

یک شکاف ۲۰ کندلی صعودی در بالای کندل ۹ وجود دارد و خریداران تست‌های میانگین متحرک را در کندل‌های ۱۳،۱۷،۹،۱۱،۸ و ۱۹ می‌خرند. در تمام طول روز سیگنال فروش قدرتمندی وجود ندارد، ولی فروشندگان جسور می‌توانند معامله اسکالپی را در زیر کندل داخلی بعد از کندل ۱۴ داشته باشند. با این وجود بیشتر معامله‌گران به دنبال خرید پولبک‌ها بجای فروش سقف‌های جدید هستند، چراکه این روز، یک روز روند صعودی بسیار قدرتمند است.

بازار یک اسپایک قدرتمند صعودی از کندل ۲ دارد و سپس بقیه روز را یک کانال صعودی است. معامله‌گران در کندل ۲ یا در کندل روند قدرتمند صعودی که به دنبال آن ظاهر می‌شود، در موقعیت خرید می‌مانند. بیشتر کانال‌ها محدوده معامله فشرده‌ای با شیب صعودی ملایم با افزایش اندک قیمت هستند، که اغلب حالتی روی روزهای پولبک‌ها است. سقف روز تنها ۴ پوینت بالای سقف کندل ۵ در ساعت ۸:۲۵ صبح است.

همانند تمام روندهای قوی، بیشتر کندل‌های سیگنال خرید بد به نظر می‌رسند. این خریداران را از خرید بازمی‌دارد، آن‌ها را در بیرون به دام می‌اندازد و آن‌ها درنهایت مجبور به پیگیری بازار تا بالاتر هستند. این کندل‌های سیگنال همچنین فروشندگان را از فروش بازمی‌دارند و آن‌ها در ضرر بزرگتر و بزرگتر به دام می‌افتند. همچنین کندل‌های روند نزولی بزرگ و اسپایک‌های نزولی بسیاری وجود دارد. این فشار فروش باعث می‌شود معامله‌گران تازه‌کار به دنبال موقعیت‌های بازگشت باشند نه اینکه سیگنال‌های خرید را بگیرند. معامله‌گران باتجربه و غیراحساسی درک می‌کنند که کندل‌های سیگنال بد و کندل‌های روند نزولی در یک روز روند با پولبک‌های بسیار کوچک، نشانه‌های یک روند بسیار قوی صعودی هستند. آن‌ها علی‌رغم موقعیت‌های ضعیف برای خرید مطمئن هستند.

آن‌ها روی کندل ۲ در زمان شکست رو به بالای سقف ۱ کندل سیگنال دوجی می‌خرند. در زمان بازگشت صعودی کندل خارجی ۴، بعد از شکل‌گیری یک کف دوقلو با کندل بازگشت صعودی در هفت کندل قبل، مجدداً می‌خرند. آن‌ها سقف ۲ بالای کندل ۸ و بالای کندل صعودی بعدازآن را هم می‌خرند، که تشکیل بازگشت دو کندلی را می‌دهد.

کندل ۹ یک مثلث (کندل‌های ۶ و ۸ دو رانش نزولی هستند) دریک روز روند صعودی بوده و بنابراین یک موقعیت خرید پرچم صعودی می‌باشد. آن‌ها بالای کندل روند نزولی ۱۱ را دکه در زیر میانگین متحرک بسته می‌شود می‌خرند، به دلیل اینکه آن کندل، یک شکست یک تیکی رو به پایین کف دوقلوی کندل‌های ۸ و ۹ است. این کندل همچنین، یک پولبک از شکست به‌طرف کندل ۱۰ مثلث است. در این ناحیه، بازار در یک محدوده معامله قرار دارد، بنابراین بیشتر خریداران در یک شکست رو به پایین خارج نخواهند شد. آن‌ها می‌دانند که بیشتر تلاش‌ها برای شکست نقض می‌شوند و اینکه بیشتر محدوده‌های معامله در روندهای صعودی، پرچم‌های صعودی هستند و درنهایت بالای محدوده را می‌شکنند. بیشتر خریداران یا از خریدهایشان در زیر کندل‌های نزولی بعد از ۱۰ کندل خارج می‌شوند، یا از کف آخرین اسپایک صعودی به‌عنوان حد ضرر استفاده می‌کنند. برای مثال آن‌ها ممکن است حد ضرر خود را در یک تیک زیر کندل ۴ یا زیر کندل صعودی خارجی که در سه کندل بعد شکل گرفته است، قرار دهند.

معمولاً، وقتی یک میکرو کانال مانند میکرو کانالی که از کندل ۱۰ تا کندل ۱۱ امتداد یافته است وجود دارد، بهتر است یک پولبک از شکست خریداری شود، ولی وقتی‌که روند خیلی قدرتمند است، یک حس ضرورت جهت ورود وجود دارد و معامله‌گران باهوش علاقه‌ای به انتظار برای کمال موقعیت ندارند زیرا نمی‌خواهند که حرکت را از دست بدهند. آن‌ها در بالای کندل بعد از کندل ۱۳، حتی باوجوداینکه آن کندل دارای بدنه‌ای نزولی است هم خرید می‌کنند. این یک موقعیت خرید سقف ۲ (سقف ۱ کندل صعودی بعد از کندل ۱۲ می‌باشد) و ورودی موقعیت خرید پولبک شکست دیگری از شکست بالای میکرو کانال نزولی از کندل ۱۰ است (سقف ۱ اولین موقعیت است). در زمان تبدیل کندل ۱۷ به یک کندل صعودی، حتی با اینکه این کندل پس از یک دوجی کوچک و یک کندل بزرگ نزولی آمده است، باز هم می‌خرند. میانگین متحرک مدام شامل تمام ریزش‌ها می‌شود. آن‌ها در بالای کندل دوجی صعودی ۱۷ و بالای کندل صعودی که به دنبال آن آمده می‌خرند. در بالای کندل نزولی بعد از کندل ۱۹ می‌خرند زیرا آن کندل سقف ۲ کوچک دیگری روی میانگین متحرک است. آن کندلی نزولی بوده و اولین موج نزولی از دو کندل نزولی بعد از کندل ۱۸ ساخته شده است. دیگر معامله‌گران روی سفارشی در بالای کندل ۱۹ می‌خرند زیرا آن کندل یک کندل صعودی در پولبکی به میانگین متحرک در یک روند صعودی قوی است.

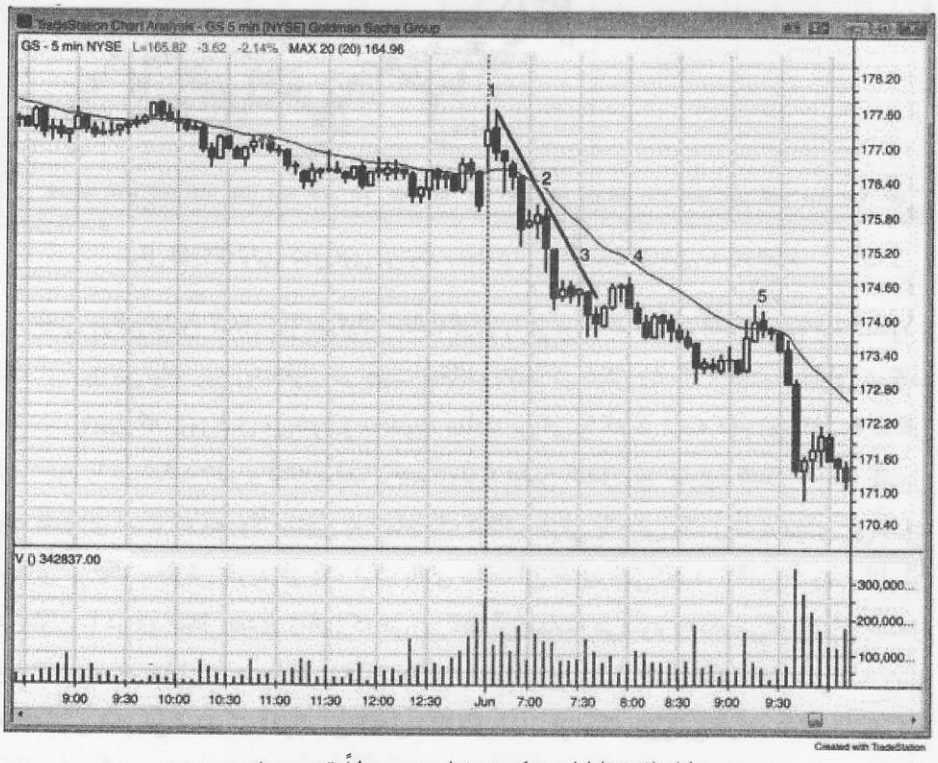
بازار بیشتر روز را، با فعال کردن حد ضررها و به دام انداختن تازه‌کاران در فروش، در تلاش برای بازگشت رو به پایین سپری می‌کند، ولی سقف‌ها و کف‌های بالاتر بی‌امان شکل می‌گیرند، قیمت در کف روز باز شده در سقف بسته می‌شود. تمام موقعیت‌های خرید به نظر کم احتمال می‌آیند و این خریداران بی‌تجربه را در بیرون به دام می‌اندازد. بااین‌وجود، معامله‌گران مجرب می‌دانند چه خبر است و در تمام طول روز تمام ریزش‌های شدید را می‌خرند. آن‌ها می‌فهمند که به همان اندازه که موقعیت‌های خرید بد به نظر می‌رسند، روند آن‌قدر قوی است که احتمال موفقیت بسیار بالاتر از آن است که به نظر می‌رسد.



شکل (۳-۲۳) روز پولبک کوچک قوی‌ترین نوع روند است

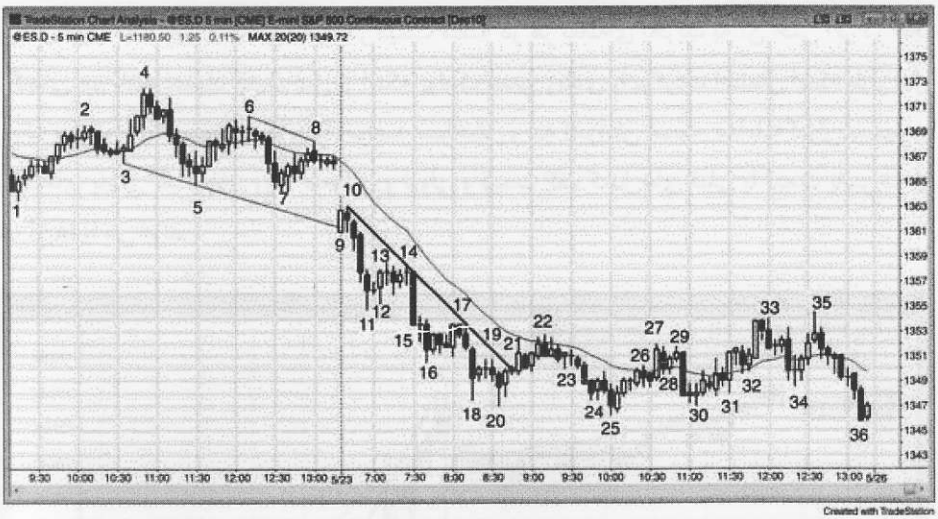
وقتی یک روند از ابتدا وجود دارد و تمام پولبک‌ها کمتر از ۲۰ تا ۳۰ درصد متوسط بازه نوسانی روزانه روزهای اخیر است، آن روز یک روز پولبک کوچک است که قوی‌ترین نوع روند است. معمولاً بعداً در طول آن روز پولبکی وجود دارد که حدوداً ۱۵۰ تا ۲۰۰ درصد بزرگتر از اندازه پولبک‌های قبلی است و نمونه این مورد در اینجا روی OHI می‌بینید (شکل (۳-۲۳) را ببینید). هر حرکت بدون روندی یک مکث، نوعی پولبک و یک موقعیت خرید است. الگوی (ii) شکست در کندل ۱ ورودی خوبی است و شکست کندل ۳ از اصلاح بدون روند دو موجی ورودی دیگری می‌باشد. درنهایت، در کندل ۴ شکست محدوده معامله فشرده وجود دارد. تمام این ورودی‌ها باید به‌عنوان قسمتی از اولین موج صعودی در نظر گرفته شوند نه اولین پولبک که بعد از اولین موج آمده و دومین موج را برپا می‌کند. در موارد نادری، روز به نظر نمی‌آید که عقب‌نشینی کند و معامله‌گران مجبورند در شکست‌ها وارد شوند حتی از مکث‌های بدون روند مختصر. واقعیت این است که در

روزهای قوی مانند این تنها می‌توانید در قیمت مظنه در هر نقطه‌ای بخرید، به آن حتی اگر در آنجا بازگشتی هم باشد اعتماد کنید، قبل از اینکه پولبک مسیر زیادی را برگردد، احتمال اینکه بازار قبل از یک پولبک بزرگ سقف دیگری را خواهد ساخت رو به افزایش است. معامله‌گران بسیاری قیمت‌های پایانی کندل‌های روند صعودی و نزولی و قیمت کف کندل‌های قبلی یا قیمت پایین‌تر از کف آن‌ها را می‌خرند.



شکل (۴-۲۳) اولین شکست خط روند معمولاً نقض می‌شود

در یک روند قوی، تشخیص اینکه اولین پولبک قابل‌توجه کدام است اغلب دشوار است. وقتی این حالت وجود داشته باشد، احتمال اینکه معامله شما سودآور باشد خیلی بالاست؛ زیرا یک پولبک نامشخص به معنی این است که معاملات در جهت مخالف روند بسیار ضعیف‌اند. در شکل (۴-۲۳) کندل‌های ۲ و ۳ پولبک‌های ریزی هستند که خط روند مهمی را نمی‌شکنند. اولین پولبک برای شکست یک خط روند کندل ۴ است. اولین شکست خط روند شانس بسیار خوبی دارد که از مرحله دیگری از روند قرار گیرد و بنابراین ورودی فوق‌العاده‌ای است (مانند فروش در زیر کندل روند نزولی ۴). روز جاری نوعی روند نزولی با پولبک کوچک از ابتدای روز است.



شکل (۵-۲۳) اولین کندل قوی می‌تواند معامله‌گران را در جهت اشتباهی به دام اندازد

بعضی مواقع اولین کندل روز می‌تواند معامله‌گران را در ورود به جهت اشتباه به دام اندازد و آنگاه آن روز می‌تواند روز روند قوی در جهت مخالف باشد. در شکل (۵-۲۳)، قیمت دارای شکاف به سمت پایین کف روز قبل می‌شود و محدوده معامله بزرگی را که در نیمه دوم روز گذشته شکل گرفته بود را می‌شکند (سر و شانه سقف پرچم نزولی). اولین کندل روز جاری، کندل ۹، یک کندل روند صعودی است که معمولاً منتهی به اتمام یک شکاف جزئی یا حتی یک روند صعودی می‌شود. بسیاری در یک سفارش خرید در یک تیک بالای سقف آن خرید می‌کنند. بااین‌وجود، بازار آن خریداران را در دو کندل بعدی زمانی که در زیر کف آن معامله می‌شود به دام می‌اندازد. آن کندل روند صعودی خریداران را در داخل و فروشندگان را در خارج بازار گرفتار یک تلهٔ می‌کند زیرا معامله‌گران فکر می‌کنند که قدرت آن کندل نشانه‌ای است از اینکه بازار می‌خواهد تلاش کند که شکاف را پر کند و شاید به یک روز روند صعودی تبدیل شود. آن کندل تلاش می‌کند که از شکست زیر محدوده معامله روز قبل و از شکست زیر خط کانال روند به سمت بالا بازگردد. باید در آغاز بسیار انعطاف‌پذیر باشید و فرض کنید دقیقاً مخالف آن چیزی را که یک دقیقه قبل باور داشته‌اید رخ دهد. باید قادر باشید آنچه را که اتفاق می‌افتد را درست در زمانی که رخ می‌دهد ببینید، طوری که بتوانید هرچه زودتر وارد شوید. بازار تلاش می‌کند که به بالای خط کانال روند برگردد و از این صعود ناکام می‌ماند و این پولبک شکست دو کندلی می‌تواند منتهی به‌نوعی از حرکت نزولی اندازه‌گیری شده شود. اگر آن روز تبدیل به یک روز روند شود و شما زودترین ورود را از دست بدهید، در تمام طول روز شانس ورود به بازار را خواهید داشت.

کندل ۱۰ فرصت بسیار خوبی را برای فروش در یک تیک زیر کف کندل روند صعودی ۹ فراهم می‌آورد زیرا اینجا جایی است که بیشتر آن معامله‌گران به دام افتاده، خارج خواهند شد و بازار را به‌طرف پایین هدایت خواهند کرد. همچنین، هر خریدار بالقوه‌ای منتظر رفتار بیشتری از قیمت می‌ماند، بنابراین تنها فروشندگان در بازار هستند تا فروش محتملی را انجام دهند. فروشندگان روی پرچم‌های نزولی در آن مسیری که خریداران زودهنگام دیگر را با این باور که بازار در حال کف سازی است به دام می‌اندازد، بر فروش خود می‌افزایند.

معامله‌گران مطمئن می‌شوند که بازار در قیمت پایانی کندل ۱۱ در روند غالب نزولی است، طوری که شکست نزولی را تأیید می‌کند. بسیاری از معامله‌گران از معامله غالب در قیمت پایانی کندل شکست نزولی درست قبل از کندل ۱۱ مطمئن هستند.

علی‌رغم تمام تلاش‌ها برای بازگشت، بازار روی کف خود بسته می‌شود. این مثال خوبی است از اینکه چرا سوییچ کردن حداقل قسمتی از معاملات هنگام مشاهده یک روند قدرتمند از ابتدای بازار در یک روز این مهم است. اگر معامله خرید انجام می‌دهید، خودتان را مجبور می‌کنید که در لحظه خروج از خرید به سمت فروش برگردید چراکه نباید یک معامله فروش بسیار بزرگ را قربانی یک خرید کوچک کنید.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

کندل ۱۲ در شکل (۵-۲۳) یک کندل بازگشت قوی است، ولی همپوشانی گسترده‌ای با دو کندل قبل از خود دارد و بنابراین قسمتی از یک محدوده معامله محسوب می‌شود و علی‌رغم ظاهرش، به‌عنوان یک کندل بازگشتی عمل نمی‌کند. کندل‌های بازگشت همیشه باید در متن قضاوت شوند و وقتی‌که با کندل‌های قبلی همپوشانی خیلی زیادی دارند، قسمتی از محدوده معامله کوچکی می‌باشند و خرید در بالای محدوده معامله در یک روند نزولی یک استراتژی باخت است. معامله‌گران باهوش درست برعکس این عمل می‌کنند. آن‌ها سفارش حد فروش خود را جهت فروش روی کندل قبلی یا در بالای آن قرار می‌دهند، حتی اگر آن کندل بدنه صعودی قدرتمندی داشته باشد.

کندل ۱۳ موقعیت فروش کف ۲ است ولی کندل سیگنال یک دوجی کوچک است. دوجی کندل سیگنال ضعیفی است و موقعیت‌های ضعیف اغلب به معنی آن هستند که بازار آماده شکست نیست. بااین‌حال در روندهای قدرتمند نزولی مانند این، می‌توانید به هر دلیلی بفروشید و فقط از حد ضرر بازتری استفاده کنید. همچنین می‌توانید در زیر کف کندل ۱۲ یا ۱۱ فروش انجام دهید.

در یک روند نزولی قوی، می‌توانید در زیر کف کندل‌ها و در زیر کف سوییِنگ‌ها بفروشید و انتظار سود داشته باشید.

کندل ۱۴ تلاشی برای بازگرداندن بازار به سمت بالا، بعد از کف ۲ نقض شده است و بنابراین سومین رانش صعودی بشمار می‌آید. دوجی بعد از کندل ۱۱ اولین رانش و کندل ۱۲ دومین رانش است. سه رانش صعودی در یک پرچم نزولی ایجاد یک پرچم نزولی گوه‌ای می‌کند، بنابراین فروش در زیر کف قابل‌قبول است.

این موقعیت خرید کف ۲ نقض شده کندل ۱۴ یکی از بدترین کارهایی که یک معامله‌گر می‌تواند انجام دهد را نشان می‌دهد که خرید در بالای یک کندل ضیف در یک پرچم نزولی در جستجوی سودی اندک است. نه‌تنها در معامله اسکالپ ضرر خواهید کرد، بلکه طرز فکر شما همانند خریداران خواهد بود. از نظر ذهنی آمادگی فروش شکست پرچم نزولی را نخواهید داشت که احتمال موفقیت بسیار بیشتری دارد و به‌احتمال زیادتر در یک معامله سوییِنگ نتیجه می‌دهد نه فقط معامله اسکالپ.

کندل شکست ۱۵ کندل روند نزولی قدرتمندی است و اعلام می‌کند که فروشندگان کنترل بازار را در دست دارند. وقتی‌که یک شکست نزولی قوی مانند این وجود داشته باشد، معمولاً حداقل دو موج نزولی به شکل یک کانال نزولی وجود خواهد داشت و آن دو موج اضافه اغلب یک پرچم نزولی گوه‌ای ایجاد می‌کنند. معمولاً این منتهی به یک اصلاح دو موجی می‌شود، همان‌طور که در اینجا در رالی صعودی به‌طرف میانگین متحرک در کندل ۲۲ انجام شده است.

کندل ۲۲ یک کندل بازگشتی نزولی در میانگین متحرک و کف فروش ۲ است. همچنین یک شکاف ۲۰ کندلی فروش و یک پرچم نزولی گوه‌ای است که رانش صعودی به سمت کندل ۱۹ اولین موج صعودی در گوه محسوب می‌شود.

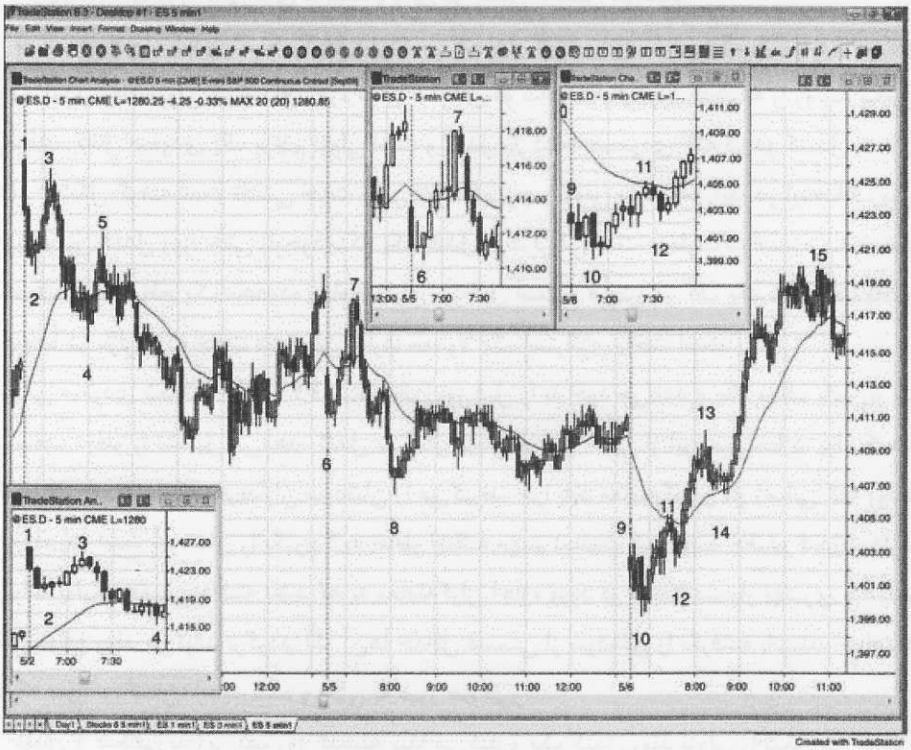
قیمت در یک بازگشت دو کندلی در کندل ۲۵ به سمت کف نزولی جدیدی ریزش می‌کند. همچنین یک بازگشت صعودی از پرچم نهایی یک کندلی و سیگنال خرید کف ۲ در کف یک محدوده معامله در حال گسترش است.

کندل ۲۷ یک کندل روند صعودی قدرتمند و تلاشی برای تشکیل یک شکست صعودی است، ولی با کندل ۲۲ تشکیل یک کف دوقلو پرچم نزولی می‌دهد.

الگوی ii کندل ۲۸ در لحظه بازگشت قیمت از سقف پایین‌تر کندل کوچک ۲۹ به سمت پایین، تبدیل به یک پرچم نهایی می‌شود و موقعیت فروش کندل شکاف میانگین متحرک بر پا می‌شود.

کندل ۳۰ یک تست کف بالاتر دو موجی از کف نزولی است.

ریزش با یک پرچم نزولی گوه‌ای در کندل ۳۵ به پایان می‌رسد که کندل‌های ۲۷ و ۳۳ دو رانش اول آن هستند. سقف‌های بالاتر خریداران را در داخل بازار و فروشندگان در بیرون گرفتار دام خود می‌کند، ولی به معامله‌گران هشدار می‌دهد که آماده ازسرگیری روز نزولی باشند و توجه کنند که چگونه کندل ۳۵ در فروش پایین کندل ۱۱ به حد ضرر سربه‌سر اصابت نمی‌کند. این یعنی اینکه قوی‌ترین فروشندگان در حال افزودن به موقعیت خودشان هستند. آن‌ها در کندل نزولی قدرتمند اسپایک ۱۵، بازار را در دست می‌گیرند، به این صورت که در بیرون از بازار، منتظر یک تست می‌مانند، ناگهان ظاهر می‌شوند و بازار را تا انتهای روز به سمت پایین هدایت می‌کنند.



شکل (۶-۲۶) شکاف‌ها می‌توانند منتهی به روندهای صعودی و نزولی شوند

در اینجا، حتی باوجوداینکه اولین کندل در هر روز یک کندل روند نزولی است، در شکل (۶-۲۳) سه شکاف متوالی با نتایج متفاوت وجود دارد. کندل‌های ۱ و ۹ هم شکاف اولیه‌ای در نمودار روزانه هستند.

کندل ۱ در بالای خود سایه‌ای ندارد و در پایین دارای سایه کوچکی است و یک کندل روند نزولی بزرگ می‌باشد که موقعیت خرید خوبی با یک شکاف صعودی بزرگ، در ابتدای روز است.

متعاقب آن یک کندل ورودی نزولی قوی وجود دارد. اگر اولین کندل روز، کندل روند قدرتمندی باشد (نمودار کوچک را ببینید)، معمولاً ادامه می‌یابد و وقتی دو کندل اول قوی باشند، تلاش برای بازگشت رو به بالا معمولاً تبدیل به سقف پایین‌تر می‌شود، همان‌طور که در اینجا شده است. یک شکاف صعودی بزرگ با فروش قوی معمولاً تبدیل به روندی از آغاز روز نزولی می‌شود. رالی شدیدی به سمت کندل ۳ وجود دارد که قیمت ابتدای روز را تست می‌کند، ولی این بازگشت اولیه نقض شده منتج به یک سقف پایین‌تر یا یک سقف دوقلو و سپس یک حرکت نزولی طولانی می‌شود. کندل ۲ تلاشی جهت شکل‌گیری پولبک شکستی از شکست رو به بالای سقف روز قبل است، ولی فروشندگان خیلی قوی هستند و رالی در کندل ۳ نقض می‌شود.

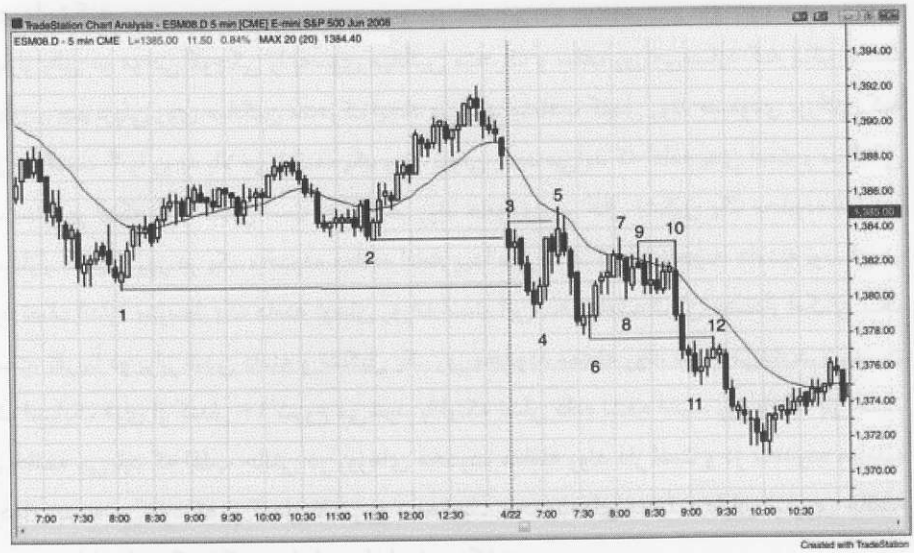
دو کندل بعد از کندل ۶، یک کندل بازگشتی صعودی قوی وجود دارد و یک بازگشت اولیه بعد از یک کندل روند نزولی در ابتدای روز، کانال صعودی دو ساعت پایانی روز گذشته را رو به پایین می‌شکند. کانال صعودی یک پرچم نزولی است و کندل بازگشت صعودی که در دو کندل بعد از کندل ۶ شکل گرفته است تلاشی جهت نقض شکست پرچم نزولی بشمار می‌آید. در اینجا فروش در زیر اولین کندل روز، حتی باوجوداینکه یک کندل روند نزولی است، خطرناک است، به خاطر اینکه کندل در سطح یک محدوده معامله پایان روز قبل است و فروش در کف یک محدوده معامله، مخصوصاً در بازاری که جهت مشخصی ندارد، معمولاً یک استراتژی باخت است.

رالی صعودی شدید تا کندل ۷ قیمت پایانی روز قبل را به خود می‌بیند و یک سقف پایین‌تر یا یک سقف دوقلو را تشکیل می‌دهد. کندل سیگنال نزولی فروش خوبی از این می‌سازد. پولبک‌ها زمانی اتفاق می‌افتند که خریداران سودشان را می‌گیرند. چرا باید معامله‌گران در زمانی که روند دارای قدرت است سودشان را بگیرند؟ به خاطر اینکه مهم نیست که روند چقدر قدرت دارد، می‌تواند پولبک عمیقی داشته باشد که به معامله‌گران اجازه ورود در قیمت بسیار بهتری بدهد و بعضی مواقع روند می‌تواند برگردد. اگر آن‌ها حداقل قسمتی از سودشان را نگرفته باشند، خواهند دید که سود بزرگشان ناپدید شده و حتی به ضرر هم می‌رسد.

کندل ۹ شکافی به زیر کف روز گذشته پیدا می‌کند و یک کندل روند نزولی را شکل می‌دهد، ولی این کندل سایه‌های بزرگی دارد که نشان می‌دهد که معامله‌گران تا قیمت پایانی کندل می‌خرند. دومین کندل، کندل روندی نزولی است که در کف خود بسته می‌شود و نشان‌دهنده این است که فروشندگان قوی هستند، ولی متعاقب آن یک کندل روند قوی می‌آید که تشکیل یک بازگشت می‌دهد. اگرچه خرید فعال نمی‌شود، این دوباره شاهدی است بر اینکه فروشندگان ضرورت ورود را از دست داده‌اند. وقتی شکاف تا این اندازه بزرگ است، همه می‌دانند که این رفتار افراطی است، و اگر به‌سرعت ادامه نیابد، بازار به‌سرعت برمی‌گردد تا این وضعیت را به حالت اول برگرداند.

کندل ۱۰ کندل روند نزولی بزرگی است بنابراین یک اوج فروش محسوب می‌شود. کندل بعدی یک کندل داخلی است و این وضعیت حالت شکستی را ایجاد می‌نماید. اگر فروش به‌سرعت ادامه نیابد، فروشندگان به‌شدت شروع به خرید فروش‌هایشان می‌کنند؛ و به دنبال فروش در قیمت‌های بالاتر می‌گردند و خریداران، به امید کف روز می‌خرند.

بازار برای دو روز در کانال نزولی بزرگی بوده و در کف کانال قرار دارد، بنابراین شانس خوبی برای بازگشت صعودی دارد و احتمال اینکه کف کانال نزولی را شکسته و تشکیل کانالی حتی شیب‌دارتر بدهد، کمتر است. خطوط کانال نشان داده نشده است، ولی خط روند نزولی در بالای سقف کندل ۱ و کندل ۷ قرار دارد و خط کانال روند نزولی منطبق‌ترین خط است که می‌توان با استفاده از کف کندل ۴ و کف کندل ۸ ترسیم کرد. خریداران همچنین در بالای کندل‌های روند صعودی می‌خرند، مانند بالای کندل روند صعودی قبل از کندل ۱۰ و کندل روند صعودی که دو کندل بعد از کندل ۱۰ شکل گرفته است. آن‌ها همچنین در بالای کندل داخلی کوچک بعد از کندل ۱۲ می‌خرند، چراکه آن یک کف ۲ نقض شده خواهد شد. ازآنجایی‌که این یک بازگشت صعودی احتمالی از کف روز و کف پرچم صعودی دو روزه است (یک کانال نزولی، یک پرچم صعودی است)، این موقعیت خرید خوبی بشمار می‌آید.



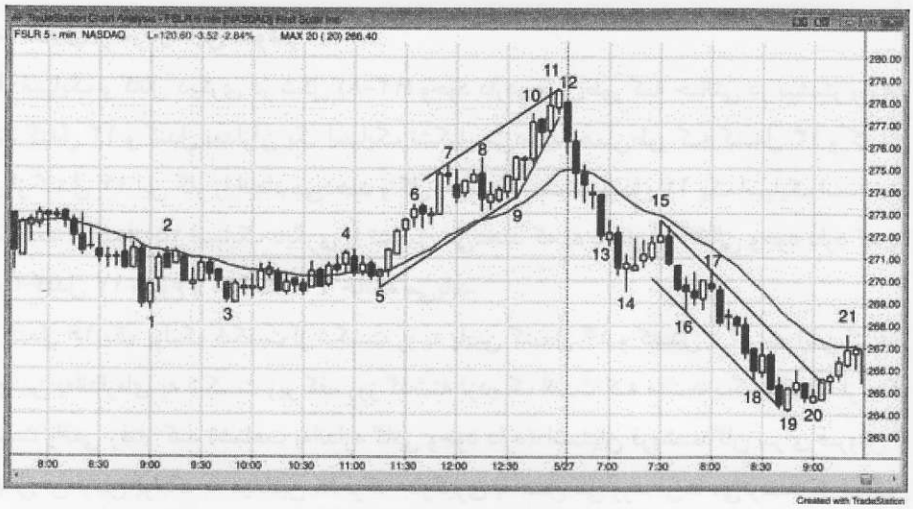
شکل (۷-۲۳) اولین کندل در شکاف روز اغلب به جهت روند اشاره می‌کند

در شکل (۷-۲۳)، قیمت با یک شکاف متوسط رو به پایین باز می‌شود که می‌تواند نزدیک سقف یا کف روز باشد. کندل ۳ اولین کندل است و یک کندل روند نزولی و شروع احتمالی روند

نزولی از آغاز روز است. بازار از برگشتن در کف کندل ۲ سوینگ روز قبل ناکام می‌ماند بنابراین احتمالاً سطح حمایت بعدی از روز گذشته را خواهد دید که کف آن در کندل ۲ قرار دارد. یک معامله‌گر سفارش فروشی را در یک تیک پایین کف کندل ۳ می‌گذارد. هر زمان که بازار به زیر کف روز قبل سقوط کند، احتمالاً تلاش خواهد کرد که حتی مختصراً هم که شده، مجدداً به‌طرف بالا بازگردد، بنابراین معامله‌گران سفارش خریدی را در یک تیک بالای اولین کندل سیگنال خوب قرار خواهند داد. اگرچه برخی معامله‌گران در بالای کندل ۴ می‌خرند، آن کندل، کندل روندی نزولی است که در پایین میانه خود بسته می‌شود. اگر تا زمان بسته شدن کندل بعدی صبر کنند که ببینند بلکه موقعیت بهتری توسعه یابد امنیت معامله بیشتر خواهد شد. اندازه بدنه کندل صعودی خوب است و با کندل ۴ یک بازگشت دو کندلی را شکل می‌دهد. ورودی بالای سقف آن است. در کل، بهتر است که در بالای کندل روند صعودی خرید شود، مخصوصاً زمان معامله مخالف روند.

اگر سفارش خرید انجام نشود و کندل بعدی کف پایین‌تری داشته باشد، معامله‌گران برای خرید در بالای سقف آن تلاش می‌کنند چراکه در پی یک شکست نقض شده در زیر کف روز قبل هستند که یک بازگشت اولیه تشکیل دهد. بااین‌حال اگر بازار خیلی بیشتر سقوط کند بدون موقعیت خرید خوب، معامله‌گران تنها باید معامله فروش انجام دهند تا زمانی که یک رالی، خط روندی را بشکند.

بازار رالی دو موجی کوچکی را به‌سوی میانگین متحرک و سقف روز می‌سازد که یک سقف دوقلوی پرچم نزولی روی میانگین متحرک ایجاد می‌کند. متعاقب کندل روند صعودی بزرگی که کندل بازگشت ۴ را رو به بالا می‌شکند، یک روند نزولی پدید می‌آید که ادامه بدی است و سیگنالی است مبنی بر اینکه بازار ممکن است بجای یک روند صعودی، در حال تشکیل یک محدوده معامله باشد. بازار تا میانه روز در یک محدوده معامله ادامه پیدا می‌کند. تا آن ناحیه، دامنه نوسان در حدود نصف اندازه متوسط یک دامنه نوسان روزانه است. این به معامله‌گران هشدار امکان یک شکست، تقریباً دو برابر شدن دامنه و تشکیل یک روز محدوده معامله روند دار را می‌دهد. شکست با یک اسپایک قوی از کندل ۱۰ شروع می‌شود. با اینکه نشان داده نشده است، روز با یک بازگشت قوی خاتمه می‌یابد که اغلب حالتی در روزهای محدوده معامله روند دار است و در محدوده معامله فشرده‌ای بسته می‌شود که از کندل ۷ شروع شده است. محدوده‌های معامله دارای نیروی جاذبه هستند و تمایل دارند که شکست‌ها را به داخل خود بکشند.



شکل (۸-۲۳) باز شدن در بالاترین تیک روز

بعضی مواقع یک روند از آغاز روز، از بالاترین تیک آن روز شروع می‌شود. در شکل (۸-۲۳)، کندل ۱۲ اولین کندل روز است و از تیک بالای خود باز می‌شود و کف گوه پایان روز قبل را می‌شکند. بیشتر معامله‌گران آن‌قدر چابک نیستند که در زیر کندل داخلی در پایان روز گذشته بفروشند، ولی فروش موقعیت کوچکی در پایان اولین کندل قابل‌قبول می‌باشد. اگر اولین ورودی را از دست بدهید، می‌توانید نمودار یک‌دقیقه‌ای را جهت یافتن یک پولبک کوچک مشاهده کنید (در آنجا زیاد است) تا آن را بفروشید یا منتظر یک موقعیت در نمودار ۵ دقیقه‌ای بمانید. وقتی یک روند از آغاز وجود دارد، فروش اولین پولبک یک معامله با احتمال موفقیت بالا است، حتی اگر انجام آن سخت باشد چراکه در این حالت، در حال فروش در نزدیک کف یک حرکت بزرگ نزولی هستید. کندل ۱۵ کندل سیگنالی برای فروش آن پولبک اول است و همچنین پولبکی است که درست در زیر میانگین متحرک به سمت پایین بازمی‌گردد. فروش با اشتیاق زیادی انجام می‌گیرد، به‌طوری‌که آن‌ها در زیر میانگین متحرک، بدون انتظار برای لمس واقعی آن، می‌فروشند، برخی معامله‌گران از فروش بعد از ۵ کندل با بدنه‌های صعودی می‌ترسند، ولی بدنه‌ها کوچک هستند و این اولین پولبک بعد از اسپایک نزولی قوی است و بنابراین موقعیت فروش کف ۱ قابل‌اعتمادی محسوب می‌شود. این همچنین یک تست میانگین متحرک و با سقف کندل ۱۳ سقف دوقلویی یک پرچم نزولی است.

آن روز با کانال نزولی شروع شده از کندل ۱۵ و نیز از کندل ۱۷ و تمام شده در کندل ۱۹، تبدیل به یک اسپایک و کانال نزولی می‌شود. بازار به سمت انتهای روز رالی پیدا کرده و در کف خود بسته نمی‌شود.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

رفتار اسپایک و کانال دیگری در شکل (۸-۲۳) وجود دارد، همان‌طور که حالتی در بیشتر روزها است. کندل ۱۲ و کندل بعدازآن یک اسپایک تشکیل می‌دهند، همان‌طور که کندل ۱۳ و کندل قبل از کندل ۱۴ این کار را انجام می‌دهند و کل حرکت به سمت کندل ۱۴ یک اسپایک است. دو کندل بعد از کندل ۱۵ اسپایک دیگری را تشکیل می‌دهند که به دنبال آن کانالی وجود دارد که با کف ۲ کندل ۱۷ شروع و در کندل ۱۹ خاتمه می‌یابد.

کندل ۱۶ یک پولبک شکست از شکست رو به پایین کندل ۱۴ و کندل ۱ است. این کندل همچنین به‌اندازه‌ای به شکست زیر کف روز گذشته نزدیک است که مانند یک پولبک از یک شکست واقعی رفتار کند (شباهت به‌اندازه کافی وجود دارد). اشتیاق فروشندگان برای فروش از رسیدن آن اولین پولبک به میانگین متحرک جلوگیری به عمل می‌آورد. آن‌ها می‌ترسند که ممکن است به آن موقعیت نرسد بنابراین در نزدیکی آن فروش سنگین انجام می‌دهند که هرگز به هدف میانگین متحرک نمی‌رسد. وقتی پولبک درست در زیر میانگین متحرک به سمت پایین معکوس می‌شود، فروشندگان بسیار جسور بوده و حس ضرورت برای ورود دارند. آن‌ها بسیار مشتاق فروشند، حتی در قیمت‌های نسبتاً پایین، بنابراین احتمالاً پایین آمدن قیمت ادامه پیدا می‌کند.

کندل ۱۹ یک اسپایک صعودی و یک کانال صعودی با کف بالاتر کندل ۲۰ است. کندل بعد از کندل ۲۰ هم اسپایکی است که با یک کانال ۳ کندلی در کندل ۲۱، آخرین کندل روی نمودار به پایان می‌رسد.

روز گذشته فعالیت اسپایک و کانال هم داشته است، مانند اسپایک صعودی به سمت کندل ۲ و کانالی که یا با کندل ۳ شروع شده است یا با کندل ۵. حرکت از کندل ۵ تا کندل ۶ اسپایک دیگری است، همان‌طور که کندل قبل از کندل ۷ است. کانال برای هردو از کف کندل ۸ شروع می‌شود. حرکت کامل صعودی از کندل ۵ تا کندل ۷ شاید در تایم فریم بالاتر نمودار یک اسپایک باشد.

کانال صعودی روز گذشته به سمت قیمت پایانی روز اندکی در خط کانال روند که به‌موازات خط روند صعودی از کندل ۵ تا کندل ۹ ترسیم شده است، نفوذ می‌کند. زمانی که بازار روی کندل ۱۲ اولین کندل روز به داخل کانال برمی‌گردد، احتمالاً اندکی در کف کانال نفوذ می‌کند. هدف بعدی یک حرکت نزولی اندازه‌گیری شده با استفاده از ارتفاع عمودی کانال است و هدف بعدازآن کف کانال روز گذشته است که کف کندل ۸ می‌باشد. ازآنجایی‌که حرکت صعودی تا کندل ۱۱ گوه‌ای شکل بوده و قیمت پایین شروع گوه را تست می‌کند، هدف پایین بعدی یک حرکت اندازه‌گیری شده رو به پایین است. جهت به دست آوردن این هدف از ارتفاع گوه (سقف کندل ۱۱

منهای کف کندل ۸) و تفریق آن از کف کندل ۸ گوه استفاده می‌شود. این هدف در طی ریزش تا زیر کندل ۱۷ محقق می‌شود.

کندل ۱۹ یک بازگشت صعودی از شکست رو به پایین دیگری از یک خط کانال روند نزولی است (به‌موازات خط روند از کندل ۱۵ تا کندل ۱۷ ترسیم شده است)، بنابراین دو موج صعودی محتمل است. کندل ۱۸ تلاش می‌کند از نفوذ ریز پایین خط کانال روند به سمت بالا برگردد، ولی بازار هرگز به بالای سقف بازگشت دو کندلی برنمی‌گردد، بنابراین هیچ‌گونه ورودی خریدی وجود ندارد.

درک این مطلب مهم است که باوجود پایان بازار در سقف یک گوه در روز گذشته، هنوز روند قدرتمند صعودی به سمت انتهای روز وجود دارد. این باعث می‌شود که معامله‌گران تازه‌کار در آغاز روز جاری به دنبال یک رالی اضافه باشند و بازگشت آشکار شده را نادیده بگیرند. همیشه برای مخالف چیزی که محتمل به نظر می‌رسد آماده باشید، زیرا در حدود ۴۰ درصد مواقع رخ می‌دهد.



شکل (۹-۲۳) بازگشت بعد از روند از ابتدا

تمام روزهایی که به‌عنوان روند از ابتدای روز شروع می‌شوند منتج به روزهای روند قوی در جهت روند اولیه نمی‌شوند. در شکل (۹-۲۳)، این روز با روند نزولی از ابتدا آغاز می‌شود. این روز با شکاف پایین‌تر از کف روز گذشته باز می‌شود ولی سپس به سمت عقب کشیده می‌شود و تقریباً شکاف را پر می‌کند و کندل ۱ تبدیل به یک موقعیت فروش پولبک شکست می‌شود. بازار به‌اندازه ۵ کندل ریزش کرده و در زیر کندل ۳ اولین موقعیت فروش، یک پولبک شکست را برپا می‌کند، ولی پس از آن بجای فعال نمودن سریع یک موقعیت فروش، وارد یک محدوده معامله فشرده

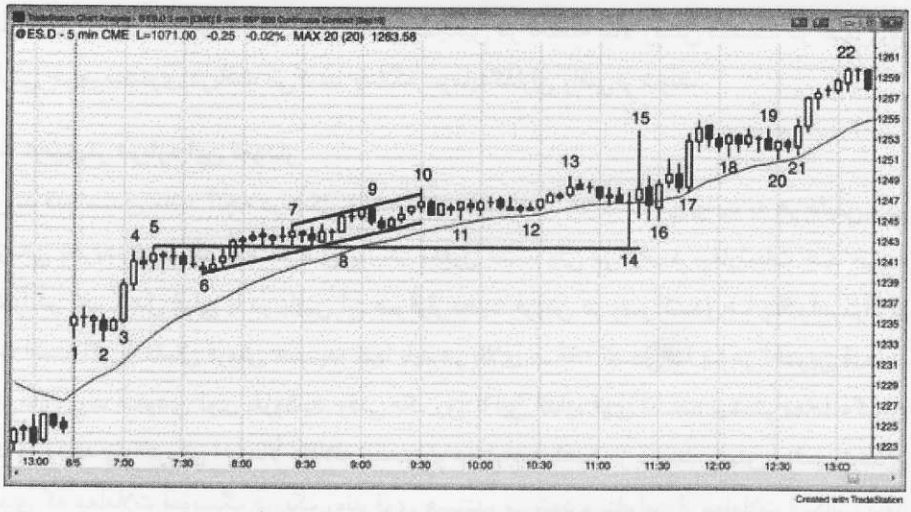
می‌شود. اگرچه یک معامله اسکالپ امکان‌پذیر است، بازار در یک کف بالاتر در کندل ۴ به سمت بالا بازمی‌گردد.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۹-۲۳)، کندل ۱ موقعیت فروش پولبک شکستی پس از شکست رو به پایین محدوده معامله پایانی روز قبل است. ریزش نزولی اولیه تا کندل ۲ در حدود ۱۲ پوینت است که در حدود میانگین بازه نوسانی روزانه روزهای اخیر می‌باشد. زمانی که بازار به سمت بالای سقف آغاز روز برگشته و به سمت بالا شکسته می‌شود، یک حرکت اندازه‌گیری شده صعودی محتمل است. بعضی مواقع بازار یک حرکت اندازه‌گیری شده صعودی معادل آغاز روز تا کف روز را انجام خواهد داد و سپس در نزدیکی شروع خود بسته خواهد شد و روی نمودار روزانه یک دوجی ایجاد خواهد کرد. مواقع دیگر حرکت اندازه‌گیری شده صعودی معادل حدود ارتفاع موج اولیه نزولی است. سقف روز در کندل ۱۷، ۳ تیک پایین‌تر از آن هدف حرکت اندازه‌گیری شده است. آن بازگشت صعودی به بالای محدوده اولیه سایه پایینی بزرگی را در نمودار روزانه ایجاد می‌کند. وقتی‌که قیمت در یک محدوده اولیه بزرگ از رسیدن به حدود یک حرکت اندازه‌گیری شده رو به بالا باز بماند، اغلب به سمت پایین برگشته و در آن روز درجایی در میانه محدوده بسته می‌شود که در اینجا شده است.

اسپایک صعودی از کندل ۴ تا کندل ۵ هم مبنای خوبی برای یک حرکت اندازه‌گیری شده است، ولی در اینجا رخ نمی‌دهد. بجای آن، بازار یک تیک بالاتر از یک حرکت موج ۱=موج ۲ می‌رود که موج ۱ از کندل ۴ تا کندل ۵ و موج ۲ از کف کندل ۶ تا سقف روز در کندل ۱۷ است. ریزش به سمت آخرین قیمت روز، همچنین تستی بر کف کندل ۶ کانال صعودی است که به دنبال آن یک اسپایک صعودی می‌آید.

به دنبال اسپایک دو کندلی نزولی از کندل ۱۵ تا کندل ۱۷ یک پولبک به سقف بالاتر وجود دارد که شروع کانال نزولی است. بعضی مواقع پولبک بعد از اسپایک نزولی می‌تواند سقف بالاتر باشد، ولی وقتی‌که این‌گونه باشد، معمولاً بعد از پولبک اسپایک نزولی دیگری وجود دارد. در اینجا، کندل بزرگ داخلی بعد از کندل ۱۷ یک اسپایک نزولی است و حرکت نزولی از کندل ۱۸ اسپایک نزولی دیگری را با مؤثرترین کندل‌های روند نزولی بزرگ، شکل می‌دهد. حرکت نزولی سه کندلی به سمت کندل ۱۳ هم یک اسپایک نزولی است و بنابراین احتمالاً تأثیر اندکی بر ریزشی که سرانجام به دنبال آن می‌آید دارد. وقتی بازار شروع به تشکیل کندل‌های روند نزولی بسیاری می‌کند، فشار فروش را انباشته کرده و درنهایت اغلب قادر به مغلوب خود کردن خریداران است، همان‌طور که در اینجا می‌شود.



شکل (۱۰-۲۳) روندهای قوی موقعیت‌های ضعیف دارند

شکل (۱۰-۲۳) روندی را از آغاز روز صعودی نشان می‌دهد، ولی چرا بهترین روندها برای معامله خیلی سخت هستند؟ به خاطر اینکه بیشتر ورودی‌های در جهت روند ضعیف به نظر می‌آیند و پولبک‌های بسیاری وجود دارند که معامله‌گران را در بیرون از بازار به دام می‌اندازند. هیچ‌کدام از این پولبک‌ها به حد ضرر دو پوینتی اصابت نمی‌کنند که معمولاً بهترین حد ضرر برای استفاده در روند قوی است. باوجوداین همه کندل‌های کوچک و بدون روند، حد ضررهای پرایس اکشن در زیر کف‌های کندل‌های قبلی اغلب مورد اصابت قرار می‌گیرند و این حس اعتماد بیشتری به حد ضرر دو پوینتی را ایجاد می‌کند. وقتی‌که روند قدرتمنداست، باید هر کاری که می‌توانید انجام دهید تا در خرید بمانید. روندهای قوی و بی‌امان، اغلب با کندل‌های کوچک با سایه‌ها و همپوشانی‌های زیادی هستند ولی پولبک‌هایشان بسیار کوچک و بیشترشان بی روند هستند.

با شکاف‌های زیاد رو به بالا در ابتدای روند، احتمال به نفع یک روند صعودی یا نزولی است و شکاف بزرگتری مانند این، روند صعودی را محتمل‌تر می‌کند. به دلیل اینکه فروش قابل‌توجهی در چندین کندل اول وجود ندارد، احتمال یک روند از ابتدا صعودی وجود دارد، بنابراین معامله‌گران باید به دنبال خرید باشند. بازار در تمام طول روز به‌طور کامل صعودی است به خاطر اینکه مؤسسات سفارشات خریدی برای انجام شدن دارند و آن‌ها سفارشات خود را در طول روز در بخش‌های مجزا انجام می‌دهند، زیرا می‌ترسند پولبکی پیدا نشود و آن‌ها باید بخرند. خرید مداوم آن‌ها از تشکیل یک پولبک قابل‌ملاحظه جلوگیری می‌کند. آن‌ها همه خریدشان را یکجا انجام نمی‌دهند زیرا ممکن است یک اوج خرید خستگی و همین‌طور بازگشت قابل‌ملاحظه‌ای به قیمتی

بسیار پایین‌تر از قیمت خریدشان ایجاد کنند. همچنین در لحظه بالا رفتن قیمت، در طول روز سفارش خرید بیشتری دریافت می‌کنند چنانکه سرمایه‌گذاران راضی‌تر شوند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در روند قدرتمندی مانند آنچه در شکل (۱۰-۲۳) نشان داده شده است، می‌توانید به هر دلیلی و در هر زمانی بخرید. خرید بالای کندل‌های پولبک معقول است، ولی می‌توانید سفارشات حد خرید خود را در کف کندل قبلی یا در پایین آن هم قرار دهید. فروش در زیر کندل‌ها یک استراتژی باخت است. اگر به دنبال فروش هستید، تنها باید در بالای سقف کندل‌ها یا در آخرین قیمت کندل‌های روند صعودی قوی بفروشید. وقتی یک روز تا این اندازه قوی است، بیشتر معامله‌گران نباید بفروشند زیرا فروش احتمالاً عاقلانه نیست و درنتیجه باعث از دست رفتن موقعیت‌های خریدی که معاملات سوینگ در یک روند قوی هستند، می‌شود و بنابراین از معاملات اسکالپ سود بیشتری دارند.

کندل ۳ اولین کندل از اسپایک صعودی دوکندلی است و بازار قبل از اینکه کانال صعودی شروع شود اصلاح بی روندی را در یک محدوده معامله فشرده انجام می‌دهد. روندهای خیلی قوی در تمام طول روز تمایل به ایجاد الگوهای بازگشتی دارند، ولی به‌نوعی دقیقاً درست به نظر نمی‌رسند. بااین‌وجود، همواره فروشندگان تازه‌کار را که فکر می‌کنند کندل کوچک یعنی ریسک کم، در معامله فروش به دام می‌اندازند، ولی بعد از چهار یا پنج ضرر کوچک، به حدی عقب می‌مانند که هرگز نمی‌توانند جبران کنند. نمی‌توانید معامله‌ای را به دلیل پایین بودن ریسک آن انجام دهید. باید احتمال موفقیت و همین‌طور اندازه سود هدف را در نظر بگیرید.

فروشندگان کندل‌های ۵،۷ و ۹ را به‌عنوان یک الگوی سه موجی و بنابراین گونه‌ای از گوه می‌بینند و سپس کندل‌های ۷،۹،۱۰ را به‌عنوان گوه دیگری می‌بینند. وقتی اصلاح از یک گوه، بجای اینکه نزولی باشد بدون روند است، باید نتیجه بگیرید که روند خیلی قوی است؛ جستجو برای بازگشت‌ها را تمام کرده و تنها در جهت روند معامله کنید.

کندل ۱۴ با گزارش کمیته بازار آزاد فدرال (FOMC) هم‌زمان شده است و بازار به‌شدت ریزش می‌کند ولی بعد از اینکه به‌اندازه یک تیک مانده تا به سقف کندل ۵ برسد، به‌سرعت برمی‌گردد.

جلوتر که می‌رویم، چندین اسپایک صعودی دوکندلی وجود دارد (کندل‌های ۱۶،۱۷ و ۲۱ اولین کندل در هر اسپایک هستند).

روند قدرتمندی مانند این در تمام طول روز بازگشت‌ها را ایجاد می‌کند، ولی موقعیت‌ها کاملاً درست نیستند و تقریباً همیشه نقض می‌شوند. گوه‌ای که در کندل ۹ به پایانی می‌رسد، در کانال صعودی فشرده‌ای مرکب از تقریباً تماماً کندل‌های روند صعودی است. قیمت در بیش از دو ساعت

به میانگین متحرک اصابت نمی‌کند. احتمال اینکه خریداران در آنجا باشند زیاد است، بنابراین در فروش سود زیادی وجود ندارد. کندل ۱۰ خط کانال روند را رو به بالا می‌شکند ولی بدنه‌ای صعودی دارد. دوباره، کانال بسیار فشرده و بدون قدرت نزولی اولیه است. تنها می‌توانید سیگنال ثانویه را و تنها زمانی که مقداری از برتری قدرت دست فروشندگان است، مانند پولبک ۵ تا ۱۰ کندلی به میانگین متحرک را بفروشید. در غیاب آن، هر فروشی شرط‌بندی روی انجام کاری است که بازار در تمام روز انجام نداده است. بزرگ‌ترین پولبک تمام روز تنها ۹ تیک است. اگر در پایین یک کندل بفروشید، ورودی شما در حدود پنج تیک پایین‌تر است و باید از بازار بخواهید که به خاطر شما پنج تیک دیگر هم پایین‌تر برود تا یک پوینت در معامله اسکالپ خود به دست آورید. ازآنجایی‌که بازار مرتب تلاش می‌کند که عقب‌نشینی کند، شرط‌بندی بر روی اینکه معامله شما اکنون موفقیت‌آمیز می‌شود، معامله‌ای بسیار کم احتمال است. تنها درصورتی‌که احتمال موفقیت ۶۰ درصد یا بیشتر است، می‌توانید به‌اندازه یک پوینت معامله اسکالپ انجام دهید و ۶ یا ۷ تیک ریسک کنید، بنابراین نمی‌توانید این قسمت را بفروشید. می‌توانستید استدلال کنید که حرکت به سمت کندل ۱۲ خط روند صعودی را شکسته است و بنابراین کندل ۱۳ برای فروش سقف بالاتر قابل‌قبول است، ولی بازار هنوز به سمت میانگین متحرک که تنها ۶ تیک پایین‌تر است، برنگشته است، و یقیناً خریداران در آنجا وجود دارند. همچنین، کندل ۱۳ پنجمین بدنه صعودی متوالی است و آن کندل قدرت زیادی را برای فروش آشکار می‌سازد.

در بیشتر روزهای روند بزرگ، معمولاً بازگشت شدیدی و مختصر در بین ساعت ۱۱:۰۰ صبح و ظهر وجود دارد که خریداران ضعیف را بیرون می‌راند و فروشندگان مشتاق که می‌خواهند ضررهای قبلی خود را جبران نمایند را شدیداً به دام می‌اندازد. این اغلب به اتفاقات خبری نسبت داده می‌شود، ولی ربطی به موضوع بحث ندارد. چیزی که مهم است آن است که معمولاً فرصت‌های خرید را برای کسانی که از اسپایک نزولی نمی‌ترسند محیا می‌کند.

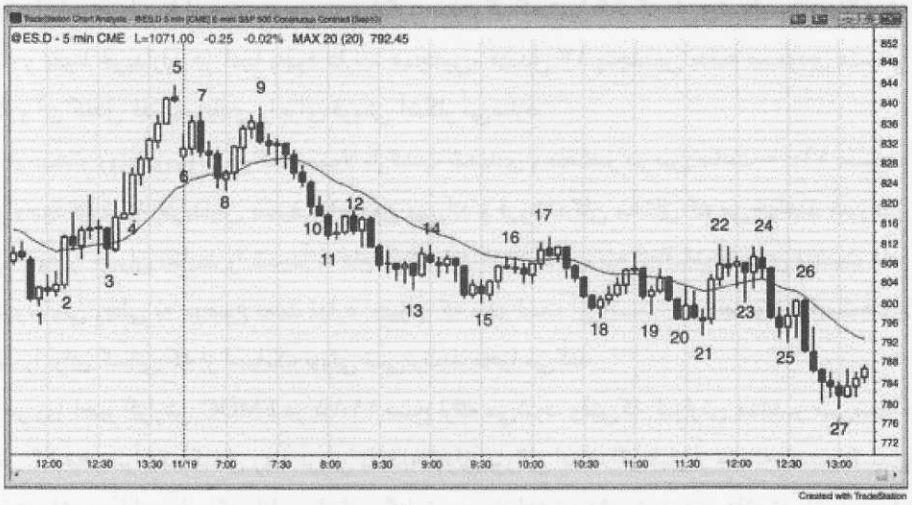
در روز اخیر گزارش FMOC در ۱۱:۱۵ صبح ارائه می‌شود. وقتی‌که گزارش منتشر می‌شود، کندل ۱۴ مختصراً یک کندل روند نزولی با بدنه نزولی بزرگی است. اگر قبل از بسته شدن کندل فروخته باشید، با این باور که بازار بر اساس گزارش می‌خواهد ریزش شدیدی داشته باشد، یک قانون بسیار مهم را نادیده گرفته‌اید: باید تا بسته شدن کندل صبر کنید، به خاطر اینکه آنچه که در چهار دقیقه به‌عنوان یک کندل روند نزولی بزرگ ظاهر می‌شود می‌تواند در هنگام بسته شدن کندل تبدیل به یک کندل دوجی یا حتی کندل بازگشتی صعودی شود.

کندل ۱۶ کف بالاتری بعد از رالی از کف کندل ۱۴ تا سقف کندل ۱۵ است و پس از آن ورودی خرید پولبک شکست کندل ۱۷ می‌آید. تمام اسپایک‌ها باید به‌عنوان اسپایک‌ها، اوج‌ها و

شکست‌ها در نظر گرفته شوند، بنابراین اسپایک دو کندلی که با کندل ۱۶ شروع می‌شود، یک شکست و کندل ۱۷ ورودی از پولبک است.

کندل ۱۹ یک سقف دوقلوی پرچم نزولی است، ولی قبل از آن اسپایک نزولی قدرتمندی وجود ندارد بنابراین بازار به‌احتمال‌زیاد بعد از اسپایک صعودی کندل ۱۷ تنها حرکت بدون روندی دارد.

کندل ۲۰ یک کندل بازگشت صعودی و سقف ۲ خریداست و کندل ۲۱، کندل بعد از کندل ورودی، در پایین کندل ورودی معامله می‌شود و خریداران را در پایین به دام می‌اندازد. بااین‌وجود، ازآنجایی‌که حرکت صعودی از کندل ۲۰ تنها یک تیک رفته است، حد ضرر در پایین کندل سیگنال ۲۰ قرار می‌گیرد و نباید آن را خیلی زود بسته‌تر کرد. روزهای روند قوی معامله‌گران را تحریک می‌کنند که خیلی زود از معامله خارج شوند و فروش انجام دهند. فروشندگان مجبورند فروششان را بخرند که خرید آن‌ها به فشار خرید افزوده می‌شود و فروشندگان را برای حداقل یک یا دو کندل از فروش اضافه دور می‌کنند. آن‌ها اخیراً ضرر کرده‌اند و نیاز خواهند داشت که قبل از ورود مجدد به فروش، زیانشان را جبران کنند. همچنین، خریدارانی که اخیراً از بازار خارج شده‌اند در زمان صعود بازار جهت افزودن به خریدشان آن را دنبال خواهند کرد.



شکل (۱۱-۲۳) سقف دوقلو در روز روند نزولی قدرتمند

قبل از اینکه روند قوی شروع شود، یک روند از ابتدا، می‌تواند سقف یا کف دوقلو داشته باشد. در شکل (۱۱-۲۳)، کندل ۷ تلاش می‌کند از ابتدا یک روند نزولی را ایجاد کند ولی سقف آن روی یک گزارش ساعت ۷:۰۰ صبح تست می‌شود که به‌طور معمول این اتفاق رخ می‌دهد. حتی با اینکه

بازار تا کندل ۹ محدوده معامله کوچکی را شکل می‌دهد، همیشه باید در نظر داشته باشید که بازار قبل از آزاد کردن انرژی خود، منتظر گزارشی بوده است.

بازه نوسان اولیه کوچکتر از یک‌سوم اندازه بازه نوسانی در روزهای اخیر است و این بازار را در حالت شکست قرار می‌دهد. زمانی که بعد از اولین کندل یک اسپایک صعودی و یک اسپایک نزولی وجود داشته باشند (یک بازگشت رو به پایین و سپس یک بازگشت رو به بالا)، بعضی از معامله‌گران به امید چندین برابر شدن بازه نوسانی، وارد یک شکست خواهند شد. بعد از اینکه بازار به پایین بازگشت دو کندلی ۷ سقوط می‌کند، کندل بازگشت نزولی ۷ تبدیل به سقف سوییینگ می‌شود. بعد از حرکت قیمت به بالای کندل ۸، این کندل تبدیل به کف سوییینگ و یک بازگشت رو به بالا می‌شود. این معامله‌گران سفارش خریدی را در بالای سقف اسپایک کندل ۷ و سفارش فروشی در یک تیک پایین کف اسپایک کندل ۸ قرار می‌دهند. زمانی که سفارش خرید در لحظه حرکت کندل ۹ به بالای سقف ۷ انجام می‌شود، اندازه سفارش فروش در پایین کندل ۸ را دو برابر می‌کنند. در لحظه‌ای که دومین سفارش انجام می‌گیرد، همان‌طور که در حرکت به پایین کندل ۸ انجام می‌شود، آن‌ها با فعال شدن حد ضررشان از خرید خود خارج شده و به سمت فروش برمی‌گردند. این روش مرسوم برای این موقعیت است، ولی درکل بهتراست که جسورتر باشند. یک روش بهتر برای معامله‌گران این خواهد بود که در زیر بازگشت دو کندلی کندل ۷ فروش انجام داده و با سود کمی قسمتی از معامله خود را از بازار خارج کنند و سپس حد ضررشان را بسته‌تر نمایند. بعد آن‌ها می‌توانند روی سقف ۲ کندل ۸ در میانگین متحرک به خرید برگردند. می‌توانند قسمتی از معامله را با سود کم خارج کرده و حد ضررشان را بسته‌تر نمایند. می‌توانند در زیر کندل روند نزولی خارجی ۹ به فروش برگردند، زیرا معامله‌گران شکست صعودی به دام افتاده در آنجا مستقرند و بازار در حال تشکیل یک سقف دوقلوی پرچم نزولی با کندل ۷ است. می‌توانند قسمتی را با سود اسکالپ خارج کنند و حد ضررشان را بسته‌تر کنند و باقیمانده معامله را سوییینگ کنند تا اینکه سیگنال خرید واضحی پدید آید؛ اگر نباشد می‌توانند فروش خود را تا آخر حفظ کنند. اگر آن‌ها احتمالاً در کف کندل‌های ۱۸،۱۵ و ۲۱ خریده باشند، مجبورند در لحظه گرفتن سود به فروش برگردند. اگر قادر به آن کار نباشند، یا باید به حفظ فروششان ادامه دهند یا در سیگنال‌های کوچک خرید خارج شوند و به دنبال فروش رالی‌ها باشند.

حتی با اینکه، روز با محدوده معامله کوچکی آغاز می‌شود و عده‌ای از معامله‌گران ممکن است این را به‌عنوان محدوده معامله دارای روند یا روز ازسرگیری روند نزولی بنامند، وقتی پولبک‌ها در این حد کوچک هستند، با یک روند نزولی بسیار قوی سروکار دارید. وقتی وضعیت این‌گونه باشد، بهتر است که مطمئن شوید که در بیشتر روز یا تمام روز فروش انجام داده‌اید. در نظر گرفتن این

به‌عنوان یک محدوده معامله روند دار روز باعث می‌شود خرید انجام دهید و فروش را از دست بدهید. پولبکی که از کندل ۱۵ شروع می‌شود، حدود دو برابر اندازه پولبک قبلی است، چراکه روند از کندل ۹ شروع شده است. این روز یک روز روند پولبک کوچک کلاسیک نیست زیرا این روزها معمولاً تا مدت‌ها در طول روز، مانند بعد از ساعت ۱۱:۰۰ صبح پولبک بزرگتری ندارند، ولی این روز هنوز یک روز روند نزولی قوی است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

کندل‌های ۱۱،۱۳ و ۱۵ در شکل (۱۱-۲۳) تشکیل یک گوه می‌دهند، ولی ازآنجایی‌که بازار طی حدود ۲۰ کندل میانگین متحرک را لمس نمی‌کند و کانال نزولی فشرده است، این احتمالاً منتهی به یک تست میانگین متحرک می‌شود جایی که خریداران جسورانه می‌خرند. خریداران قادر به ایجاد دو موج صعودی تا کندل ۱۷ هستند که یک کندل شکاف میانگین متحرک است. اولین کندل شکاف میانگین متحرک درروند نزولی قبل از اصلاح صعودی بزرگتر، اغلب منتهی به موج نزولی پایانی می‌شود.

ازآنجایی‌که موج صعودی تا کندل شکاف میانگین متحرک تقریباً همیشه خط روند نزولی قابل‌توجهی را می‌شکند، تست کف بالاتر یا کف پایین‌تر از کف نزولی معمولاً منتهی به یک اصلاح رو به بالای ممتد، یا حتی یک بازگشت می‌شود. بازار تلاش می‌کند در کندل ۱۸ و دوباره در گوه کوچکی که در کندل ۲۱ به پایان می‌رسد، به سمت بالا برگردد. قیمت یک اسپایک صعودی دو کندلی تا کندل ۲۲ را ایجاد می‌کند و خریداران را در بیرون به دام می‌اندازد، ولی معامله‌گران مجرب می‌دانند که بازار اغلب یک حرکت مخالف روند قوی بعد از ساعت ۱۱:۰۰ صبح روی یک روز روند دارد و آن‌ها آماده فروش واماندگی، مانند سقف دوقلو در کندل ۲۴ می‌شوند. برای کندل سیگنال یک کندل داخلی نزولی وجود دارد و سقف دوقلوی کندل‌های ۲۲ و ۲۴ با کندل ۱۷ سقف دوقلوی پرچم نزولی بزرگ‌تری را تشکیل می‌دهند. در پی اسپایک نزولی تا کندل ۲۵ دو کندل روند صعودی بزرگ آمده است که موقعیت فروش پولبک شکست کندل ۲۶ را برای ریزش تا پایان روز ایجاد می‌کند. آن تلاش برای بازگشت در کندل ۲۵، کندل سیگنالی برای کف یک مثلث پهن شونده است که کندل‌های ۱۸ ، ۲۱ و ۲۵ سه کف آن مثلث هستند. در عوض، کف نقض شده و کندل ۲۶ تبدیل به کندل ورودی فروش پولبک شکست می‌شود. گوه نقض شده اغلب به حرکت نزولی اندازه‌گیری شده ختم می‌شود، و ریزش تا پایان نزدیک به هدف می‌شود.

این، روز را به روز ازسرگیری روند نزولی تغییر می‌دهد که در آن یک روند نزولی اولیه تا کندل ۱۳، سپس یک محدوده معامله که تا کندل ۲۴ به‌اندازه دو ساعت طول می‌کشد و سپس یک موج نزولی دیگر تا پایان وجود دارد.

۲۴

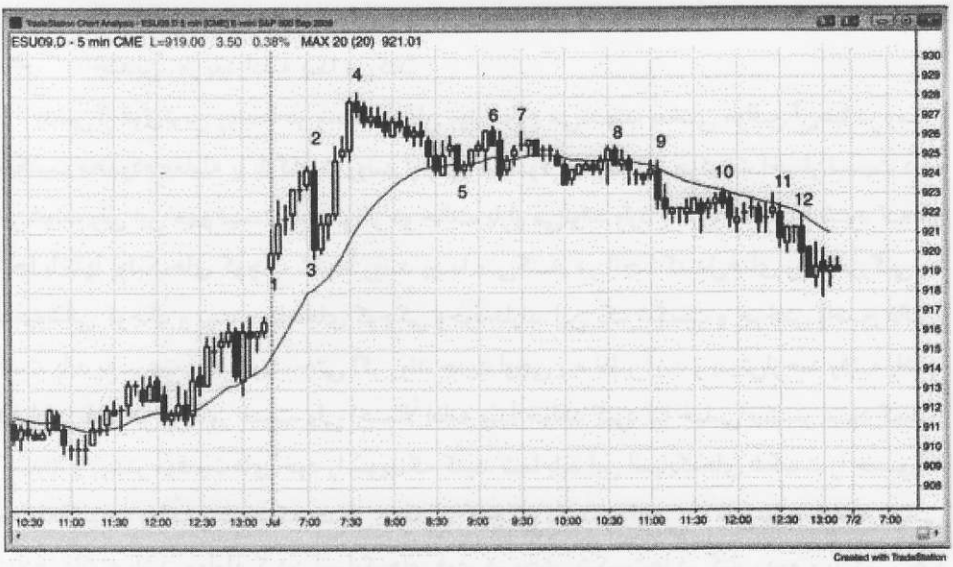
روز بازگشت

مشخصات اولیه روزهای بازگشت:

- روز در یک جهت روند پیدا می‌کند و سپس تا پایان در جهت مخالف دارای روند می‌شود.
- بیشتر به‌عنوان روزهای محدوده معامله روند دار شروع می‌شوند.
- اگر بازگشت در دو ساعت پایانی شروع شده و قوی باشد، معمولاً در روز بعدی و اغلب در چندین روز بعد ادامه پیدا می‌کند.

بعضی از قوی‌ترین روندها در وسط یا پایان روز شروع می‌شوند. بعضی مواقع آن‌ها در زمان شکست محدوده معامله یا بازگشت روند اوجی، معمولاً به بعضی جزئیات اخبار نسبت داده می‌شوند، ولی این مهم نیست. در یکی از دو حالت، بازار می‌تواند وارد یک روند سریع شود که در آنجا با تنها پولبک‌های کوچک شدیداً روند پیدا می‌کند. در آنجا کندل‌های روند بزرگی با همپوشانی کوچک و بیشتر سایه‌های کوچکی وجود دارند. این یک شکست و چرخش واضح غالب است. باید به‌سرعت وارد شوید، حتی اگر روند جدید اوجی به نظر آید و بیش‌ازحد رفته باشد (افراطی باشد)(و این‌طور هست، ولی احتمالاً ادامه پیدا خواهد کرد تا خیلی بیشتر سود کسب کنید!)، و بیشتر موقعیت‌های خود را سوییینگ کنید. شما باید این اسپایک‌های شکست را جسورانه معامله کنید و مطمئن شوید که حداقل موقعیت کوچکی دارید زیرا حرکت می‌تواند ادامه خیلی زیادی داشته باشد. معامله کردن اسپایک‌های قوی در بخش شکست‌ها در کتاب دوم و بازگشت‌ها در کتاب سوم با جزئیات تشریح شده است.

در دیگر مواقع، بازار در حال روند است و سپس یک پولبک را شروع می‌کند، ولی پولبک رشد به‌گونه‌ای بی‌پایان دارد و تبدیل به یک کانال روند در جهت مخالف می‌شود. تقریباً همیشه قبل از شروع یک روند حداقل یک اسپایک مخالف روند وجود دارد، بنابراین هر وقت یک پولبک دیدید که یک اسپایک مخالف روند قوی دارد، بدانید که ممکن است روند در حال بازگشت باشد. برای مثال اگر بازار در یک یا دو ساعت اول ریزشی قوی داشته باشد و فکر می‌کنید ممکن است یک رالی دو موجی به سمت میانگین متحرک وجود داشته باشد، ولی آن پولبک با یک کندل روند صعودی نسبتاً قوی شروع شود، مطمئن باشید که امکان این وجود دارد که کندل می‌تواند یک اسپایک صعودی شود که بعدازآن یک کانال صعودی بی‌وقفه بجای یک پرچم نزولی کوچک آید. در انتهای روز، پولبک از روند نزولی که از آن جلوتر است بیشتر رشد می‌کند، و آن روز روی نمودار روزانه می‌تواند تبدیل به یک کندل روند صعودی شود. اگر این رفتار را بشناسید، باید معاملات خود را تنها محدود به خرید کنید، زیرا چنانچه در ناامیدی، امیدوار باشید که روند نزولی از اولین ساعت از سر گرفته خواهد شد، در فروش‌ها متضرر خواهید شد. بسیاری از روزها می‌توانند به‌عنوان انواع دیگری از روزهای روند طبقه‌بندی شوند و آن‌ها به‌طور معمول روزهای محدوده معامله دارای روند هستند. درواقع، بیشتر روزهای بازگشتی به‌عنوان روزهای محدوده معامله روند دار شروع می‌شوند. برخلاف این برای روند نزولی از ابتدا که به کانال نزولی بی‌وقفه برمی‌گردد صادق است.



شکل (۱-۲۴) روند قوی می‌تواند نقض شود

یک روند قوی می‌تواند هر زمانی در طول روز شروع شود، حتی اگر آن روز در ابتدا یک روند قوی در جهت مخالف داشته باشد. همان‌طور که در شکل (۱-۲۴) نشان داده شده است، در ساعت اول یک حرکت صعودی قوی وجود دارد، به دنبال آن یک پولبک کانال فشرده برای تست میانگین متحرک آمده است. بازار برای بیش از دو ساعت حرکت بدون روندی دارد و درنهایت در کندل ۹ و به‌طرف یک محدوده پایین شکسته می‌شود. آخرین ورودی خرید سودده در کندل ۵ در ساعت ۸: ۵۰ صبح است. اگر به انجام معاملات اسکالپ ادامه دهید، درنهایت خواهید فهمید که در انجام هر معامله‌ای زیان ده بوده‌اید که نشانه مطمئنی از این است که بازار در روند اشتباهی بوده است که یا آن را نمی‌دیدید یا آن را باور نمی‌کردید.

پولبک‌ها زمانی اتفاق می‌افتند که خریداران در حال گرفتن سودشان هستند. چرا زمانی که روند قدرتمند است معامله‌گران سودشان را خارج می‌کنند؟ به خاطر اینکه مهم نیست که روند چقدر قدرتمند است، آن پولبک، می‌تواند پولبکی عمیق داشته باشد که به معامله‌گران اجازه ورود مجدد در قیمتی به‌مراتب بهتر را بدهد و بعضی مواقع روند می‌تواند برگردد. اگر حداقل قسمتی از سودشان را نگیرند، آنگاه می‌بینند که سود بالایشان از بین رفته و حتی به ضرر منتهی می‌شود.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱-۲۴) بازار محدوده معامله ساعت پایانی روز گذشته را رو به بالا می‌شکند. سایه بزرگ بالای کندل نشان می‌دهد که بر اساس منطق فروشندگان قوی‌تر هستند و بنابراین خرید بالای آن خطرناک است. بازار طی ۶ کندل رالی صعودی داشته و در کندل ۲، احتمالاً به خاطر گزارش ساعت ۷:۰۰ صبح، به‌شدت به سمت پایین برمی‌گردد. بعد از اینکه مومنتم صعودی منتهی به گزارش می‌شود و هیچ نشانی از یک سقف یا اوج خرید مشاهده نمی‌شود، فروش در پایین کندل بالایی این رالی خوب نیست. این اولین پولبک است در روندی که از ابتدا صعودی می‌باشد و یک موقعیت خرید محسوب می‌شود. بااین‌حال، اگر آن روز در حال تبدیل به روز روندی صعودی باشد، قدرت اسپایک نزولی کندل ۲ غیرعادی است.

کف کندل ۳ (پایین کندل ۲) با کف کندل ۱ یک کف دوقلوی احتمالی را شکل می‌دهد. برای یک روز با شکاف رو به بالا معمول است که پولبکی داشته باشد که کف آغاز روز را تست کند و سپس تبدیل به یک روز روند صعودی شود. ازآنجایی‌که بازه نوسانی اولیه بزرگتر از حدود ۳۰ درصد متوسط بازه در روزهای اخیراست، محدوده معامله موقعیت حالت شکست خوبی نیست. احتمال آمدن یک روند قوی و بی‌وقفه بعد از شکست صعودی پایین است. اگر بازار در حال تبدیل شدن به یک روز روند صعودی باشد، به‌احتمال‌زیاد نسخه ضعیف‌تری از آن خواهد بود، شاید مانند یک روز محدوده معامله روند دار. موقعیت (ii) صعودی بعد از کندل ۳ سیگنال خوبی برای خرید

نیست، ولی ازآنجایی‌که روند صعودی قدرتمندی محتمل نیست، خریداران باید بعد از سود حدود ۲ تا ۴ پوینتی، حداقل نیمی از معامله خود خارج شوند. همچنین ممکن است که متعاقب اسپایک قدرتمند کندل ۳ بعد از یک پولبک یک کانال نزولی وجود داشته باشد. در اینجا پولبک تا یک سقف بالاتر در کندل ۴ است که بعد از کندل‌های اوج خرید روی کندل قبل و دو کندل قبل آن آمده است. اوج‌های خرید متوالی معمولاً منتهی به حداقل یک اصلاح دو موجی می‌شوند که حدود ۱۰ کندل طول می‌کشد. ازآنجایی‌که این روز، روز روند واضحی نیست و فروش سنگینی در کندل ۳ وجود دارد، این کندل بازگشت نزولی، موقعیت فروش کف ۲ قابل‌قبولی است.

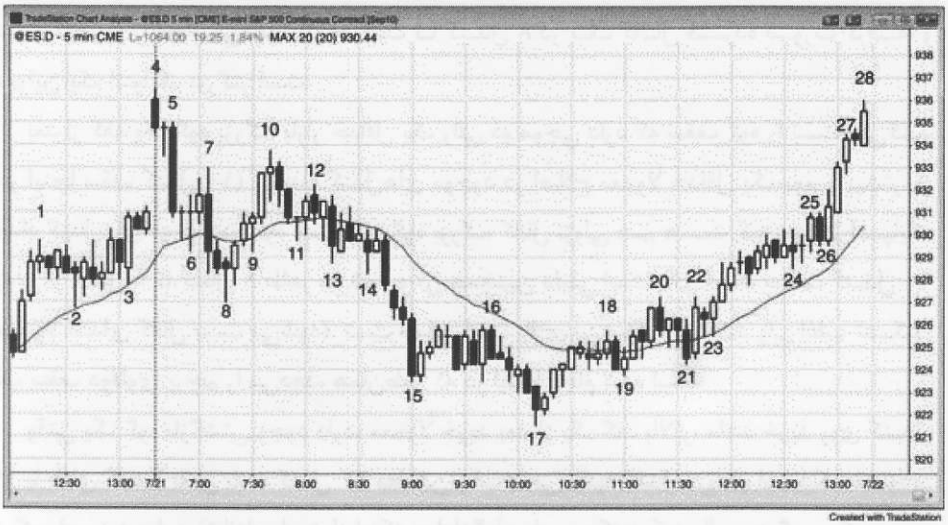
پولبک به کندل ۵ خط روند صعودی را می‌شکند و سقف پایین‌تر کندل ۶ صحنه را برای روز روند نزولی تا انتها محیا می‌کند. کندل ۶ اولین کندل از اسپایک نزولی دو کندلی است که به معامله‌گران هشدار می‌دهد که ممکن است یک کانال نزولی بعدازآن باشد. کندل قبل از کندل ۵ یک اسپایک نزولی است، همان‌طور که کندل روند نزولی بسیار بزرگ ۳ یک اسپایک نزولی است. هنگام توسعه کندل نزولی، اسپایک‌های نزولی دیگری وجود دارند و بازار از کندل قبل از کندل ۸ به بعد، نمی‌تواند در بالای میانگین متحرک بسته شود.

همانند بیشتر کانال‌های روند قدرتمند، سودتان از معاملات سوییِنگ بیشتر از سود معاملات اسکالپ خواهد شد زیرا پولبک‌های مکرری وجود دارند که حد ضررها را حتی در معاملات اسکالپ در جهت روند فعال می‌کنند (مانند فروش از کندل ۸ و ۱۰) که نتیجه آن‌ها زیان است. بهتر است که حد ضرر خودتان را به بالای سقف سوییِنگ قبلی منتقل نمایید.

به دنبال اسپایک کندل ۹ که زیر محدوده معامله بالایی را می‌شکند، یک حرکت اندازه‌گیری شده عالی به‌طرف انتها می‌آید. کندل ۹ یک شکاف فرار است، شکاف بین کف محدوده بالایی و پولبک شکست کندل ۱۰ جای گرفته است. وسط آن شکاف، میانه حرکت نزولی از کندل ۴ تا کف درست قبل از پایان روز است.

در نمودار روزانه، این یک کندل دوجی با بدنه کوچک و سایه بلند در بالای آن است و اگر این درجایی در نمودار باشد که یک بازگشت روبه پایین محتمل باشد، می‌تواند یک کندل سیگنال خوبی برای معامله فروشی در نمودار روزانه باشد.

توجه کنید که بازار در بین کندل‌های ۵ و ۹ در حال تشکیل سقف‌ها و کف‌های پایین‌تر است، این هشدار می‌دهد که ممکن است یک روند نزولی در راه باشد.



شکل (۲-۲۴) بیشتر بازگشت‌ها به‌عنوان روزهای محدوده معامله جهت‌دار شروع می‌شوند

همان‌طور که در شکل (۲-۲۴) نشان داده شده است، بیشتر روزهای بازگشت به‌عنوان روزهای محدوده‌های معامله روند دار شروع می‌شوند و این روز همچنین یک روز اسپایک و کانال روند نزولی است. قیمت بعد از سه رانش نزولی (کندل‌های ۸ ، ۱۵ و ۱۷) به سمت یک روز بازگشت صعودی روند برمی‌گردد که تا پایان روز روند صعودی به خود می‌گیرد. این حالت در روزهای محدوده معامله جهت‌دار رایج است.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

اغلب بعد از یک شکاف بزرگ اولیه، روندی در یکی از دو جهت ظاهر می‌شود و ازآنجایی‌که اولین کندل روز در شکل (۲-۲۴) کندل روند نزولی بزرگی است، شانس روند نزولی بیشتر است. این یک موقعیت شکست نقض شده بوده و معامله‌گران در زیر این کندل به امید روندی احتمالی از ابتدای روز نزولی می‌فروشند.

کندل‌های ۴ و ۵ کندل‌های روند بزرگ و بنابراین اسپایک‌های نزولی و اوج‌های فروش هستند. به دنبال یک جفت از اوج‌های متوالی معمولاً حداقل یک مکث یا پولبک چند کندلی می‌باشد، همان‌طور که در اینجا رخ داده است (پولبک به سقف کندل ۷). آنگاه کندل ۷ یک اوج فروش سوم محسوب می‌شود و به دنبال یک اوج فروش سوم پیاپی معمولاً یک اصلاح حتی بزرگتر می‌آید. حرکت نزولی تا کندل ۸ یک نوع الگوی «اسپایک و اوج» روند نزولی است و بعدازآن یک رالی تا کندل ۱۰ می‌آید که کندل ۷ که شروع کانال نزولی تا کندل ۸ است را تست می‌کند. این سقف دوقلوی یک پرچم نزولی را شکل می‌دهد و درنهایت تقریباً یک حرکت اندازه‌گیری شده نزولی به

سمت کف روز را انجام می‌دهد. کل حرکت تا کندل ۸ در یک کانال فشرده صورت گرفته، و بنابراین یک اسپایک بزرگتر است.

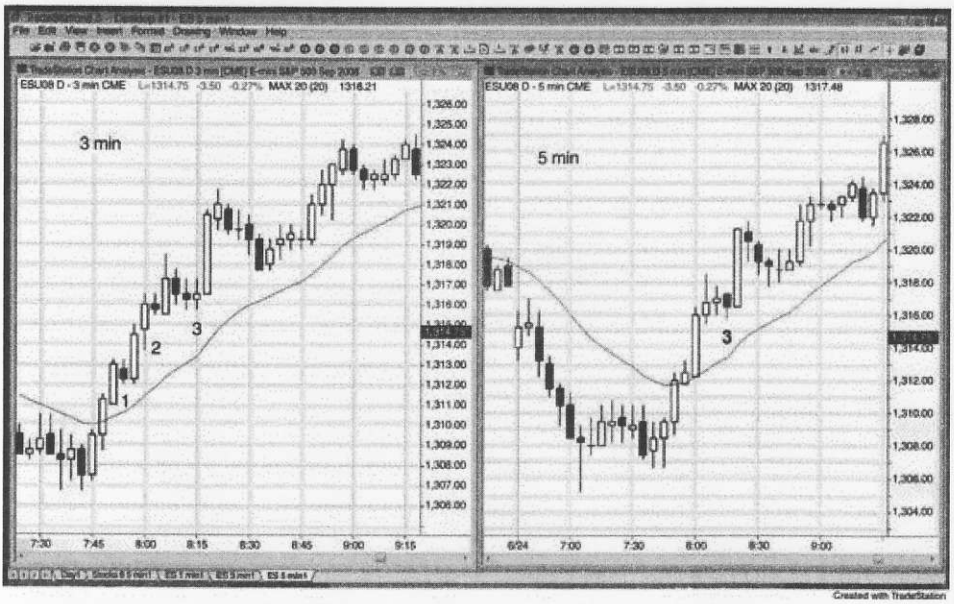
بعد از کف یک گوه بزرگ، بازار حداقل یک رالی دو موجی دارد که سقف گوه را تست می‌کند (در اینجا سقف کندل ۱۰) و تعداد کندل‌های موجود در اصلاح معمولاً حداقل یک‌سوم یا بیشتر، از تعداد کندل‌های موجود در گوه است. این گوه بزرگ، کانال نزولی هم هست که بعد از اسپایک نزولی از کندل ۴ تا کندل ۸ ظاهر می‌شود و آن همچنین دلیلی است برای تست سقف کندل ۱۰ (معمولاً ابتدای کانال تست می‌شود). تست ممکن است بالای آن سقف را بشکند ولی اغلب تشکیل یک سقف دوقلوی پرچم را می‌دهد، همان‌طور که در اینجا انجام شده است.

وقتی یک گوه بازگشتی وجود دارد، معمولاً خرید بعد از یک کف بالاتر، مانند خرید روی کندل ۱۹ یا بالای کف ۲ نقض شده کندل ۲۲ مطمئن‌تر است. می‌توانید کندل ورودی اسپایک صعودی بزرگ را ببینید و این نشانه‌ای است از اینکه معامله‌گران باور می‌کنند که رالی، دیگر یک پرچم نزولی نیست و بازار می‌تواند یک حرکت اندازه‌گیری شده رو به بالا داشته باشد و به سمت محدوده معامله بالا معامله شود. این روز یک روز پیچیده است و بازگشت گوه در یک روز محدوده معامله روند دار، همچنین می‌تواند به‌عنوان کف محدوده معامله دیده شود. اگر تعداد کافی از معامله‌گران آن حالت را باور کنند، خرید اولین ورودی بالای کندل ورودی بعد از کندل ۱۷، به امید یک تست کف محدوده معامله بالاتر معقول است.

کندل‌های ۱۱ ، ۱۳ و ۱۴ یک پرچم صعودی گوه‌ای را شکل می‌دهند، ولی بازار بجای اینکه به سمت بالا برگردد به سمت پایین شکسته می‌شود. وقتی این اتفاق می‌افتد، بازار معمولاً از بالای کف گوه تا حدود یک حرکت اندازه‌گیری شده سقوط می‌کند. کندل ۱۰ سقف گوه است و حرکت نزولی به سمت کندل ۱۵ از هدف حرکت اندازه‌گیری شده عبور می‌کند. وقتی این اتفاق می‌افتد، معمولاً بعد از یک پولبک موج نزولی دیگری وجود دارد، همان‌طور که این وضعیت در اینجا وجود دارد.

اگرچه حرکت صعودی تا کندل ۱۸ دارای دو موج است، این رالی کندل‌های بسیار کمی جهت اصلاح کافی آن گوه بزرگ کف دارد. همچنین، داخل یک کانال فشرده است و بنابراین احتمالاً تنها اولین موج از دو یا چند موج صعودی است. موج صعودی دیگری تا کندل ۲۰ وجود دارد ولی باز هم همان مشکل وجود دارد. حرکت از کندل ۱۷ تا کندل ۲۰ کندل‌های بسیار کمی برای اصلاح چنین گوه بزرگی دارد و باز هم در کانال نسبتاً فشرده‌ای صورت می‌گیرد. این ایجاد تردید کرده و این احتمال را که بازار نیاز به موج بزرگتر دیگری دارد را افزایش می‌دهد تا معامله‌گران را متقاعد کند که آن گوه به‌اندازه کافی اصلاح شده است.

حرکت از کندل ۲۱ تا کندل ۲۵ ممکن است به‌اندازه‌ای خوب باشد که معامله‌گران را راضی کند که یک اصلاح دو موجی مناسب کامل شده است، ولی بازار پس از آن در یک اسپایک صعودی سه کندلی تا کندل ۲۷، به سمت بالا شکسته می‌شود. ازآنجایی‌که فروشندگان نمی‌توانند در یک کانال از کندل ۱۷ تا کندل ۲۵ شکست نزولی زیادی ایجاد کنند، حرکت دو موجی واضحی گسترش نمی‌یابد. این فقدان هر پولبک مشخص بعد از اولین موج صعودی نشانه‌ای از قدرت خریداران است.



شکل (۳-۲۴) ورودی‌های روند قوی در تایم فریم‌های کوچکتر

در یک روند صعودی فرّار، در نمودار ۳ دقیقه‌ای شانس خرید بیشتری وجود دارد (شکل (۳-۲۴) را ببینید) کندل‌های ۱ و ۲ کندل‌های کوچک داخلی مخالف روند در نمودار ۳ دقیقه‌ای سمت چپ هستند که موقعیت‌های خرید سقف ۱ را برپا می‌کنند، ولی آن‌ها در نمودار ۵ دقیقه‌ای سیگنال‌های واضحی نیستند. کندل خرید ۳ در هردو نمودار ظاهر می‌شود (در نمودار ۵ دقیقه‌ای، موقعیت خرید سقف ۱ در یک اسپایک صعودی است، حتی باوجوداینکه بدنه آن نزولی است).

۲۵

روز ازسرگیری روند

مشخصات اولیه روزهای ازسرگیری روند:

- روز در ساعت اول یا ساعات بعدی روند قدرتمندی دارد و سپس وارد محدوده معامله می‌شود.
- محدوده معامله ساعت‌ها طول می‌کشد و اغلب به معامله گران آرامش می‌دهد که بازار تا انتها آرام خواهد بود.
- روند در یک یا دو ساعت پایانی از سر گرفته می‌شود.
- دومین موج اغلب به‌اندازه اولین موج است.
- محدوده معامله ممتد معمولاً یک محدوده معامله بسیار فشرده است.
- اغلب پولبکی از محدوده معامله دیرهنگام روز وجود دارد که تلاش می‌کند روند را معکوس کند، ولی معمولاً یک تله است. آنگاه بازار برمی‌گردد و در جهت مخالف تا پایان می‌شکند. وقتی‌که محدوده معامله به‌طور غیرمعمولی فشرده است، یک تله محتمل‌تر است.
- معمولاً برای معامله‌گرانی که زودتر وارد نشده‌اند، ورودی پولبک شکست یا روی خود شکست وجود دارد.

بعضی مواقع برای ساعت اول یا ساعت بعدی، یک روند قوی خواهد بود و سپس بازار برای چندین ساعت بدون روند حرکت خواهد کرد. هنگامی‌که این اتفاق می‌افتد و مخصوصاً زمانی که این حرکت بدون روند در محدوده معامله فشرده‌ای باشد، آن روز احتمالاً در حال تبدیل شدن به

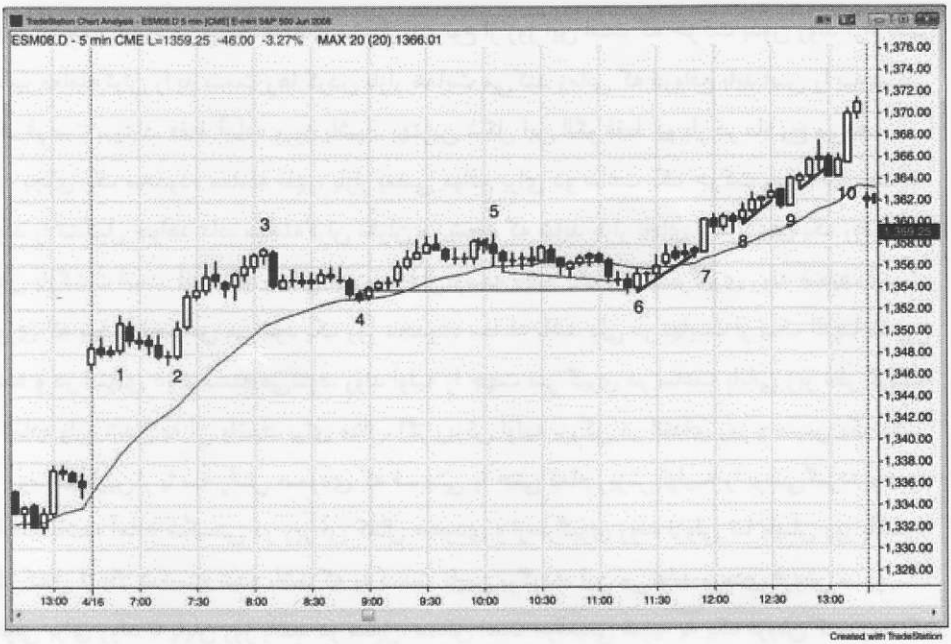
روز ازسرگیری روند است. در محدوده معامله خسته‌کننده وسط روز، معامله کردن را ترک نکنید، زیرا ممکن است در ساعت پایانی یا بعدازآن روند قدرتمندی وجود داشته باشد. شکست معمولاً در جهت روند اولیه است، ولی بعضی مواقع می‌تواند در جهت مخالف باشد و روز را به روز بازگشت روند تغییر دهد. برای مثال، اگر روند اولیه یک روند نزولی باشد، معمولاً یک شکست روبه پایین دیرهنگام از محدوده معامله وجود دارد و آن روز اغلب در نزدیکی سقف خود باز می‌شود و در نزدیکی کف بسته می‌شود. به‌طور مکرر یک شکست بازگشت قوی یک یا دو کندلی وجود دارد که بین ساعت ۱۱:۰۰ صبح و ظهر نقض می‌شود و معامله‌گران را در جهت اشتباه (خرید) به دام می‌اندازد و معمولاً بعدازآن شکستی در جهت دیگر می‌آید. این اتفاق به‌سرعت رخ می‌دهد، ولی اگر شما انتظار آن را داشته باشید، شانس گرفتن حرکت نزولی بزرگی تا انتها را دارید. در مواقع کمتری، شکست بازگشتی موفق می‌شود و روند در ساعت پایانی، اگر باشد، می‌تواند تمام یا قسمتی از روند نزولی اولیه را بازگردد.

حرکت بدون روند ظهر الزاماً نباید یک محدوده معامله فشرده باشد، و اغلب موج‌های قابل معامله در هردو جهت وجود دارد. بعضی مواقع ۳ رانش بی‌رمق مخالف روند وجود دارد که یک پرچم گوه‌ای را شکل می‌دهد. در مواقع دیگر سومین موج نمی‌تواند فراتر از دومی برود و این تشکیل الگوی سرو شانه را می‌دهد (بیشتر الگوهای بازگشتی سرو شانه تبدیل به الگوهای ادامه‌دهنده می‌شوند). به دلیل اینکه الگو اغلب بجای دو موج سه موج دارد، این معامله‌گران را از اول در بیرون از موقعیتشان به دام می‌اندازد، فکر می‌کنند که این عمل مخالف روند ممکن است درواقع یک روند مخالف جدید باشد. بااین‌حال، به خودتان اجازه ندهید که در بیرون از موقعیت به دام افتید و وقتی‌که موقعیت خوبی دیدید آماده ورود باشید که شما را در جهت روند صبح داخل بازار ببرد. معامله‌گران در هر دو جهت پله‌ای وارد معامله می‌شوند و در بعضی مناطق، بسیاری به بیشترین اندازه موقعیت خود می‌رسند. هنگامی‌که شکستی وجود داشته باشد، سمت بازنده نمی‌تواند بیش از این ورود تدریجی کند و تنها انتخاب آن‌ها امیدواری و در بیرون ایستادن است. برای مثال اگر روند اولیه نزولی قدرتمندی وجود داشته و سپس بازار حرکت بدون روند داشته باشد، خریداران و فروشندگان هردو در طول چندین ساعت بعدی به افزودن موقعیتشان در طول محدوده معامله ادامه خواهند داد و بسیاری به بیشترین اندازه موقعیت خود می‌رسند که تمایل دارند که آن را حفظ کنند. زمانی که بازار شروع به شکست رو به پایین می‌کند، خریداران بیش از این نمی‌توانند به خرید ادامه دهند. باوجود خریداران زیادی که دیگر نمی‌توانند بیشتر خرید کنند، مانعی سر راه فروشندگان وجود ندارد. در هنگام سقوط بازار، ریزش اغلب شتاب خواهد گرفت زیرا خریداران بیشتر و بیشتری بازار را رها کرده و با افزودن بر ریزش بازار تا پایان، با حد ضرر از معامله

زیان ده خود خارج می‌شوند. قسمت مشکل این نوع از روز این است که حرکت بدون روند آرام ظهر اغلب معامله‌گران را به سمت رها کردن بازار هدایت می‌کند زمانی که درواقع باید این را به‌عنوان یک فرصت ببینند. فقط آماده ورود باشید. بهترین شکل این الگو فقط دو بار در ماه رخ می‌دهد.

بجای یک محدوده معامله ظهر، بازار بعضی مواقع برای دو ساعت یک حرکت روند دار مخالف روند را تشکیل خواهد داد، معامله‌گران نگران می‌شوند که شاید بازار بجای ازسرگیری یک روند، در حال بازگشت است. آنچه که ممکن است درحال‌توسعه باشد یک روز ازسرگیری روند ضعیف است، روزی که بیشتر احساس می‌شود یک روز محدوده معامله باشد ولی در نهایت از یک انتها شروع شده و در انتهای دیگر بسته می‌شود. روند اولیه را جهت سر گیری در ساعت پایانی زیر نظر گرفته و آماده وارد شدن به آن باشید. برای مثال، اگر ریزش اولیه بزرگی در ابتدای روز و سپس یک رالی با مومنتم پایین‌تر با سه رانش صعودی که قسمتی یا حتی تمام ریزش اولیه را برمی‌گردد وجود داشته باشد، آماده شکستی در زیر آن کانال صعودی و ازسرگیری روند نزولی تا پایان روز باشید. اگر کانال از بالا شکسته شده باشد که به سمت پایین برگردد، این می‌تواند ورودی فروش سوییینگ خوبی برای روند تا پایان روز باشد. در مقابل، ممکن است موقعیتی شبیه به یک فروش کم ریسک در شکست رو به پایین کانال وجود داشته باشد. از طرفی دیگر، می‌توانید منتظر ازسرگیری روند نزولی باشید و سپس در جستجوی ورود در یک پولبک شکست یا پولبکی نزدیک میانگین متحرک باشید. حتی با اینکه نمودار ۵ دقیقه‌ای ممکن است شبیه به یک محدوده معامله باشد، شاید شبیه به یک ABC روی تایم فریم بالاتر نمودار باشد، اگر بازار نزدیک کف خود بسته شود، روز یک کندل روند نزولی در نمودار روزانه ایجاد می‌کند.

الگوی ازسرگیری روند اغلب بعد از دو یا چند روز رخ می‌دهد. اگرچه ممکن است نمودار ۵ دقیقه‌ای این‌طور به نظر آید که گویا سوییینگ بزرگی طی آن روزها دارد، آن‌ها ممکن است یک ABC ساده در نمودار ۶۰ دقیقه‌ای ایجاد کنند. برای مثال، اگر در روز گذشته برای مدت دو ساعت اسپایک صعودی بزرگی وجود داشته باشد و سپس وارد یک محدوده معامله شده و آن محدوده به مدت دو ساعت در روز جاری ادامه داشته باشد، روند روز گذشته ممکن است در هر منطقه از سر گرفته شود. اگر به این موضوع واقف باشید، به‌احتمال زیادتر تمایل به این خواهید داشت که قسمت بزرگی از معاملات خودتان را به هدف آنچه که می‌تواند حرکت بزرگی شود، سوییینگ کنید.



شکل (۱-۲۵) تست شکاف بعد از شکاف صعودی

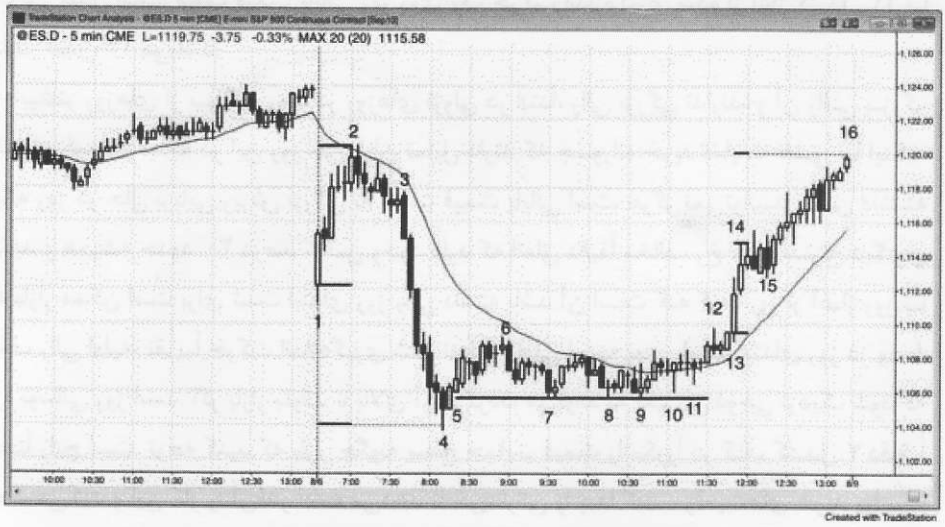
در روزهای شکاف بزرگ، قبل از شروع روند بازار اغلب ابتدای آن را تست می‌کند. در شکل (۱-۲۵) بازار با یک شکاف بزرگ صعودی باز می‌شود و سپس یک تست کف دوقلو از کف که بعدازآن یک رالی بزرگ تا کندل ۳ دارد. از آنجا به بعد، در یک محدوده معامله فشرده به مدت بیش از ۳ ساعت معامله می‌شود، معامله‌گران با خیال اینکه معامله خوبی انجام داده‌اند آرام می‌شوند. کندل ۶ از یک نفوذ زیر یک خط کانال روند نزولی به سمت بالا برمی‌گردد و همچنین به‌اندازه یک تیک زیر سقف کندل سیگنال ۴ می‌رود. این تعدادی از فروشندگان را در معامله فروش و بسیاری از خریداران را در بیرون از معامله به دام می‌اندازد. کندل سیگنال برای رالی تا پایان روز، اولین کندل شکاف میانگین متحرک روز محسوب می‌شود.

چندین شانس دیگر برای خرید، مانند بازگشت صعودی از شکست نقض شده زیر خطوط میکرو کانال در کندل‌های ۷،۹ و ۱۰ وجود دارد.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱-۲۵) کندل ۷ یک ورودی سقف ۲ و یک بازگشت صعودی از شکست یک تیکی خط روند صعودی کوچک است. کندل ۱ ورودی سقف ۱ است. کندل ۸ گونه سقف ۲ است (کندل‌های نزولی-صعودی-نزولی: کندل بعد از کندل ۷ یک بدنه نزولی دارد و بنابراین اولین رانش نزولی

است، کندل بعدی بدنه‌ای صعودی دارد و بنابراین به سمت بالا معامله می‌شود و سپس کندل بعدی دوباره بدنه‌ای نزولی دارد، برای دومین رانش نزولی).



شکل (۲-۲۵) محدوده معامله فشرده و سپس یک بازگشت

بعضی مواقع یک محدوده معامله فشرده بعد از یک روند قوی می‌تواند به بازگشتی در جهت مخالف روند قبلی منتهی شود. در شکل (۲-۲۵)، روز جاری از کندل ۳ ریزش دارد و سپس برای چند ساعت وارد محدوده معامله فشرده می‌شود. این اغلب با ریزش پایانی که اغلب به‌اندازه اولی است، منتهی به ازسرگیری روند نزولی به‌طرف پایان می‌شود. معمولاً قبل از شروع موج نزولی نهایی، یک شکست نقض شده از سقف محدوده بوجود می‌آید. کندل ۱۲ یک موقعیت عالی برای سوییِنگ فروش است زیرا یک کندل بازگشتی نزولی می‌باشد که بعداً سقف محدوده معامله را می‌شکند. بااین‌حال، بجای اینکه کندل بعدی تبدیل به یک کندل ورودی برای یک حرکت نزولی بزرگ می‌شود، این کندل یک کندل کوچک داخلی صعودی است و بنابراین یک موقعیت خرید پولبک شکست محسوب می‌شود. کندل ۱۲ شکسته می‌شود و این کندل داخلی یک مکث است که نوعی پولبک است.

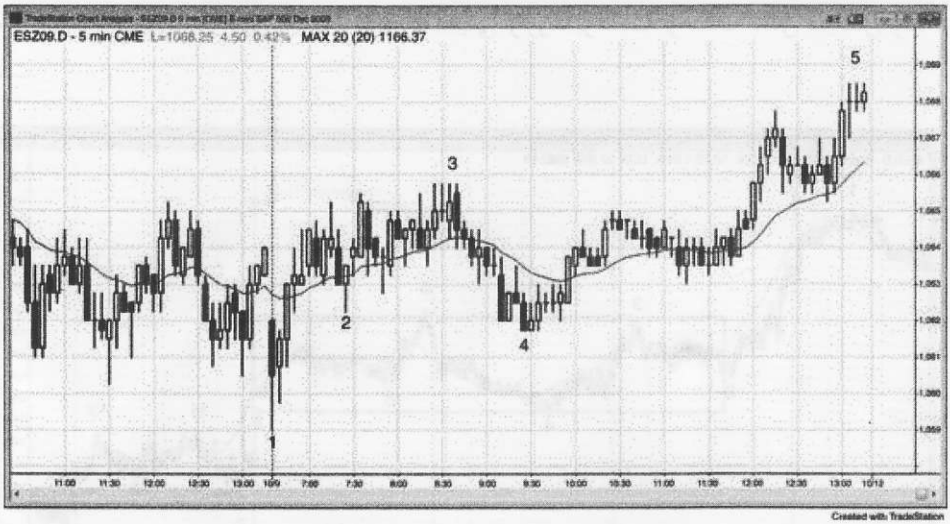
بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۲-۲۵)، روز با شکاف نزولی بزرگی آغاز می‌شود و یک کندل قدرتمند بازگشتی صعودی، موقعیت خرید شکست نقض شده را مهیا می‌کند و روندی احتمالی از آغاز روز صعودی را برپا می‌کند. کندل‌های ۱۳ و ۱۴ کندل‌های روند صعودی هستند که یک شکست دوکندلی شکل

می‌دهند. به دنبال هر شکستی اغلب یک حرکت اندازه‌گیری شده بر پایه اسپایک به وجود می‌آید. معمولاً این حرکت برمبنای ارتفاع از ابتدا یا کف اولین کندل اسپایک تا قیمت بسته شدن یا سقف آخرین کندل است. سقف قیمت پایانی روز روی یک حرکت اندازه‌گیری شده از آغاز کندل ۱۳ تا سقف کندل ۱۴ می‌باشد.

بیشتر روزهای از سر گیر روند در روزهای نزولی در ابتدا، رالی بزرگی ندارند، و آن رالی بزرگ نشانه‌ای است از اینکه در این روز خریداران تمایل دارند که جسورانه خرید نمایند. حتی با اینکه میانه روز در حال برپایی ریزش بزرگی به سمت قیمت پایانی است، هرگز نمی‌توانید یقین داشته باشید و همیشه حدود ۴۰ درصد شانس وجود دارد که اتفاق دقیقاً مخالف رخ دهد. سرنخ دیگری که بازار ممکن است برای تست ابتدای روز رالی داشته باشد آن است که کف روز از آغاز روز تا سقف رالی اولیه، تقریباً حرکت اندازه‌گیری شده نزولی کاملی است؛ یعنی اینکه ابتدای روز در وسط بازه نوسانی روز است. اگر بازار بتواند تا بالای آن برگردد، می‌تواند به یک روز دوجی نزدیک شود که نسبتاً رایج است. توجه کنید که بازار چگونه سطح حمایت قیمت را مکرراً در کف کندل ۷ دقیقاً تست می‌کند و این کار را آن‌قدر ادامه می‌دهد تا خریدارانی را پیدا کند. موقعیت‌های خرید پولبک کف دوقلو در کندل داخلی بعد از کندل داخلی ۸، کندل داخلی بعد از کندل ۹ و کف‌های بالاتر در کندل‌های ۹ و ۱۱ وجود دارند.

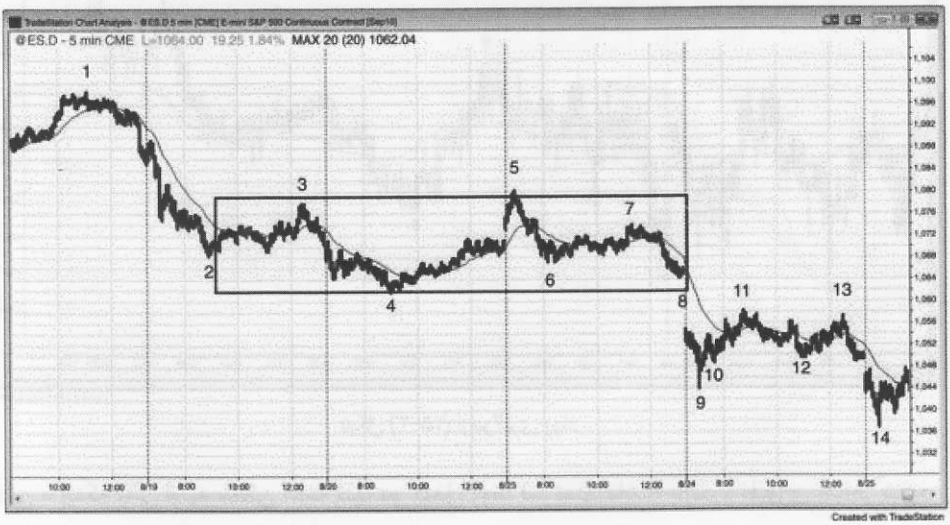
خط حمایت یک تیک پایین‌تر از کندل ورودی اولیه ۵ جهت پولبک از اوج فروشی که انتظار آن می‌رفت قرار دارد. کندل ۵ کندل ورودی بالای موقعیت بازگشت دو کندلی در کف روز است. بازار یک تیک حد ضرر در زیر آن کندل ورودی را فعال می‌نماید، ولی علی‌رغم تلاش‌های بسیار، خیلی نمی‌تواند پایین‌تر برود. این نشانه‌ای از فعالیت خریداران است. برنامه‌های خرید و فروش هردو در جریان محدوده معامله فشرده ادامه می‌یابند، ولی سرانجام برنامه‌های خرید بر برنامه‌های فروش غالب می‌شوند. تمام آن فروش‌ها باید پس خریده شوند و این بر فشار خرید می‌افزاید. همچنین بسیاری از برنامه‌های فروش با افزودن بر خریدها، به برنامه‌های خرید برمی‌گردد. بعد از اسپایک‌های صعودی کندل‌های ۱۴ و ۱۵ یک کانال تا پایان روز ظاهر می‌شود.



شکل (۳-۲۵) ازسرگیری روند

حتی با اینکه رالی اولیه ممکن است تنها دو کندل روند قدرتمند داشته باشد و طوری ظاهر شود که به یک روز محدوده معامله منتهی شود، ازسرگیری روند باز هم می‌تواند قوی باشد. در شکل (۳-۲۵)، بازار وقتی‌که از کف یک مثلث پهن شونده و یک شکست نقض شده کف روز گذشته صعود می‌کند، به‌عنوان یک روند از ابتدا صعودی شروع می‌شود. سپس به‌اندازه دو کندل می‌رود، ولی در میانه محدوده معامله روز گذشته متوقف می‌شود. یک رالی از هر الگوی سه رانش معمولاً منتج به حداقل دو موج صعودی می‌شود که درنهایت در اینجا توسعه می‌یابد. کندل ۲ پولبک شکستی است که به رالی کوچک دیگری منتهی می‌شود، ولی بازار بعدازآن مومنتم را از دست می‌دهد. این رالی تا بالای میانگین متحرک روند هفتگی تا کندل ۳ ادامه پیدا می‌کند. در این ناحیه، مشخص است که یک چیزی درست نیست. روند از ابتدا صعودی یک از قوی‌ترین شکل‌های روند است ولی در اینجا قدرت آشکاری پیدا نمی‌کند؛ یعنی اینکه به‌زودی معامله‌گران به این نتیجه می‌رسند روز آن نیست که آن‌ها فکر می‌کردند و آن‌ها خارج شده و صبر می‌کنند. آنگاه به دنبال روز محدوده معامله و یک کف احتمالی جدید می‌گردند. برای کف کندل ۲ ممکن است که بعدازآن یک کف دوقلوی پرچم صعودی بیاید، ولی در غیاب خریداران بزرگ تازه‌وارد، فروشندگان تهاجمی به سمت کف جدید روز فشار می‌آورند و کف کندل ۲ احتمالاً نقض می‌شود. کندل ۴ دومین رانش کوچک در پایین کندل ۲ بوده و به دنبال آن روندی تا پایان روز وجود دارد و ایجاد یک روز ازسرگیری روند صعودی، اگرچه ضعیف، می‌کند و امید به دومین موج رو به بالا از کف مثلث پهن

شونده را ایجاد می‌کند. کندل ۴ تست شکست دقیقی از روند برخاسته از سقف کندل سیگنال اولیه است.



شکل (۴-۲۵) ازسرگیری روند بعد از بازگشت

ازسرگیری روند می‌تواند طی چندین روز رخ دهد. در شکل (۴-۲۵)، بازار حرکت نزولی قدرتمندی تا کندل ۲ داشته و سپس وارد یک محدوده معامله می‌شود که به‌اندازه دو روز و نیم طول می‌کشد. محدوده معامله می‌تواند مدت مدیدی طول بکشد، ولی معمولاً در جهت روند شکسته می‌شود. روند نزولی از سر گرفته شده و موج نزولی دیگری از کندل ۵ تا کندل ۱۴، پنج روز بعد از اولین حرکت نزولی دارد.

به دنبال موج نزولی از کندل ۵ تا کندل ۶ یک محدوده معامله به وجود می‌آید و دومین موج نزولی در ابتدای روز بعدی در کندل ۹ به اتمام می‌رسد.

به دنبال ریزش از کندل ۷ تا کندل ۹ محدوده معامله‌ای تا کندل ۱۳ به وجود می‌آید و ازسرگیری روند با حرکت نزولی تا کندل ۱۴ رخ می‌دهد. این الگوی ازسرگیری سه روزه روند است.

۲۶

پله‌ها[1]: روند کانال وسیع

مشخصات اولیه روزهای پله‌ای

- روز پله‌ای گونه‌ای از محدوده معامله روند دار است که در آن حداقل سه محدوده معامله وجود دارد.
- روز دارای سوییِنگ‌های وسیع است، ولی کف‌ها و سقف‌ها دارای جهت هستند.
- به دلیل اینکه نوسانات بزرگ هستند، معامله‌گران معمولاً می‌توانند در هر دو جهت معامله کنند، ولی آن‌ها باید قسمتی یا تمام معامله در جهت روندشان را سوییِنگ کنند.
- تقریباً به دنبال هر شکستی، پولبکی (یک تست پولبک) ورای نقطه شکست وجود دارد، طوری که بین سوییِنگ‌های متوالی قدری همپوشانی وجود دارد. برای مثال، در یک کانال نزولی پهن، بعد از هر شکستی به سمت کف جدید، یک رالی وجود دارد که به بالای نقطه شکست می‌رود ولی در زیر سقف آخرین سوییِنگ متوقف می‌شود. بااین‌حال، بعضی مواقع یک یا دو سوییِنگ وجود دارد که مقدار کمی به بالای سوییِنگ قبلی کشیده می‌شود. این باعث می‌شود بعضی معامله‌گران نگران شوند که بازار در حال بازگشت است، ولی روند به‌زودی از سر گرفته خواهد شد.

---

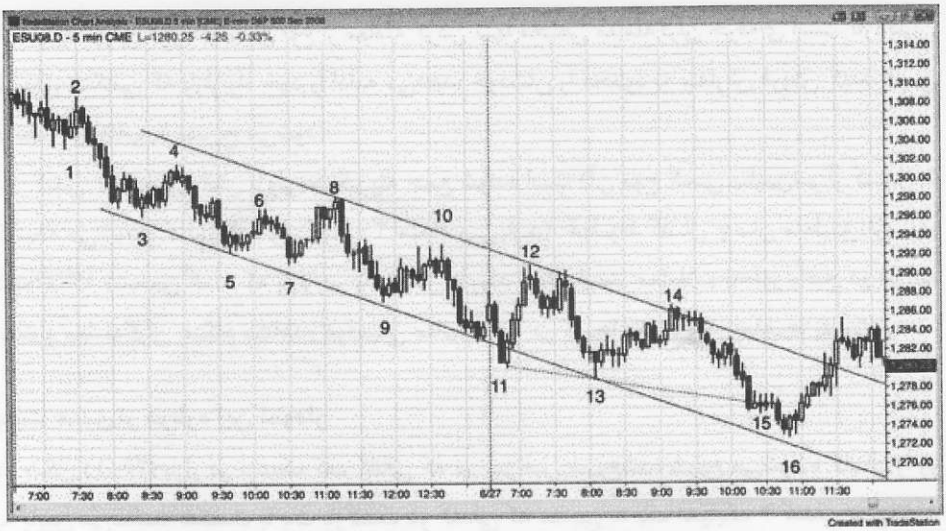
[1] . فشار به حد جدیدی در یک محدوده معامله روند دار یا در یک کانال گسترده که در آن یک رشته از سه یا چند نوسان دارای روند وجود دارند که شبیه به یک محدوده معاملاتی شیب‌دار است و به‌سختی در یک کانال گنجانده می‌شود. بعد از شکست، یک پولبک شکست وجود دارد که حداقل اندکی به سمت محدوده معاملاتی قبلی برمی‌گردد که برای دیگر محدوده‌های معامله روند دار الزامی نیست. در اینجا معامله دو طرفه رخ می‌دهد اما یک طرف آن کمی بیشتر کنترل را در دست دارد که شیب محدوده را ایجاد می‌کند.

- اگر هر شکستی مقداری از قبلی کوچکتر باشد، آنگاه این یک الگوی پلکانی انقباضی و نشانه‌ای از افول مومنتم است که می‌تواند منتهی به اصلاح بزرگتری شود.

وقتی‌که بازاری یک سری سه یا چندتایی از سوینگ‌های جهت‌دار داشته باشد که شبیه به محدوده معامله یا کانال با شیب ملایم باشند، خریداران و فروشندگان هر دو فعال هستند ولی یک طرف مقداری بیشتر کنترل را به دست می‌گیرد. هر پولبکی از ناحیه شکست خود فراتر می‌رود و بین هر اسپایک شکست و پولبک بعدازآن همپوشانی ایجاد می‌کند. در داخل کانال‌های پهن دو روش معامله رخ می‌دهد، بنابراین معامله‌گران می‌توانند معامله در هر دو جهت را در نظر داشته باشند. اگر شکست کوچک و کوچکتر شود، آنگاه این یک الگوی پله انقباضی و نشانه کاهش مومنتم است. این اغلب به یک بازگشت دو موجی و شکست یک خط روند منتهی می‌شود. بسیاری از بازگشت‌های سه موجی به‌عنوان یک پله یا روندهای پله انقباضی تعریف می‌شوند که نقض شده و برمی‌گردند. پله‌ها اغلب در روندهای با تایم فریم بالاتر پولبک‌ها یا پرچم‌ها هستند و مشاهده پله‌ها در طول یک یا دو ساعت پایانی روز و سپس یک شکست پرچم در شروع روز بعد رایج است. برای مثال، یک کانال صعودی پهن روز جاری ممکن است فقط یک پرچم نزولی بزرگ باشد و روند نزولی می‌تواند در روز بعد شکسته شود.

از طرف دیگر، یک پله ممکن است به‌یک‌باره شتاب گرفته و کانال روند را در جهت روند به سمت بیرون بشکند. اگر پس از آن بازگردد، این جهش اضافه و بازگشت احتمالاً منتج به یک حرکت نزولی دو موجی خواهد شد. اگر برنگردد، شکست احتمالاً برای حداقل دو موج دیگر یا حداقل به‌اندازه ارتفاع تقریبی کانال در یک حرکت اندازه‌گیری شده غیردقیق ادامه خواهد داشت (فاصله‌ای که قیمت از کانال می‌گیرد به‌اندازه عرض کانال خواهد بود).

معامله‌گران به فاصله‌ای که شکست از آخرین نقطه سوینگ می‌گیرد توجه می‌کنند، آنگاه از آن تعداد برای معامله مخالف روند در شکست بعدی، به امید یک شکست استفاده می‌کنند. برای مثال، اگر کف آخرین سوینگ ۱۴ تیک زیر کف سوینگ قبل از آن سقوط کند، معامله‌گران در پی ورود پله‌ای در حدود ۱۰ تیک زیر کف آخرین سوینگ می‌شوند که معمولاً اطراف خط کانال روند است. اگر پولبک از آخرین شکست حدود ۱۵ تیک باشد، آن‌ها تصمیم به گرفتن سودشان در حدود ۱۰ تا ۱۵ تیک بالاتر از آن کف می‌گیرند که معمولاً اطراف خط روند می‌باشد (سقف کانال نزولی).



شکل (۱-۲۶) پله‌های نزولی

یک الگوی پله نزولی، کانالی با شیب روبه پایین است که بعدازآن شکست به سمت یک کف جدید می‌آید که به بالای منطقه شکست برمی‌گردد. برای مثال، در شکل (۱-۲۶) به دنبال موج شکست در زیر کندل ۶ تا کندل ۹ پولبکی وجود دارد که به بالای کف کندل ۷ می‌رود، و رالی بعدازآن موجی که پایین کندل ۹ را به سمت کندل ۱۳ می‌شکند به دنبال پولبکی است که به بالای منطقه شکست کندل ۹ می‌رود و با بازه نوسانی قبلی همپوشانی دارد.

بعضی معامله‌گران در نزدیکی خط کانال روند خرید می‌کنند و در نزدیکی خط روند می‌فروشند. دیگر معامله‌گران توجه می‌کنند که شکست قبل از پولبک چقدر دور می‌شود. برای مثال، کف کندل ۵ حدود چهار پوینت پایین‌تر از کف کندل ۳ است. خریداران بلندپرواز سفارش حد خریدشان را در حدود ۳ تا ۴ پوینت پایین‌تر از کف کندل ۵ می‌گذارند. معاملات آن‌ها روی ریزش تا کندل ۷ انجام نمی‌شود. بااین‌حال، هنگامی‌که بازار به زیر کندل ۷ سقوط می‌کند، دوباره در ۳ تا ۴ پوینت پایین‌تر سفارش حد خرید می‌گذارند و سفارشاتشان در حرکت نزولی تا کندل ۹ انجام می‌گیرد که کف آن ۴ پوینت پایین‌تر از کف کندل ۷ است. ازآنجایی‌که رالی قبلی در حدود چهار پوینت است، آن‌ها در حدود ۳ پوینت بالاتر از ورودی‌های خود سودشان را می‌گیرند. آن‌ها همین کار را در ریزش‌ها به‌طرف کندل ۱۱ و کندل ۱۶ انجام می‌دهند. روی ریزش تا کندل ۱۳ تلاش خود را انجام می‌دهند، ولی بازار به‌اندازه‌ای سقوط نمی‌کند که سفارشاتشان انجام گیرد. فروشندگان مخالف این کار را انجام می‌دهند. آن‌ها می‌بینند که رالی گذشته در حدود ۴ تا ۶ پوینت است، بنابراین در ۳ تا ۵ پوینت بالاتر از آخرین سوییِنگ پله‌ای می‌فروشند که در محدوده

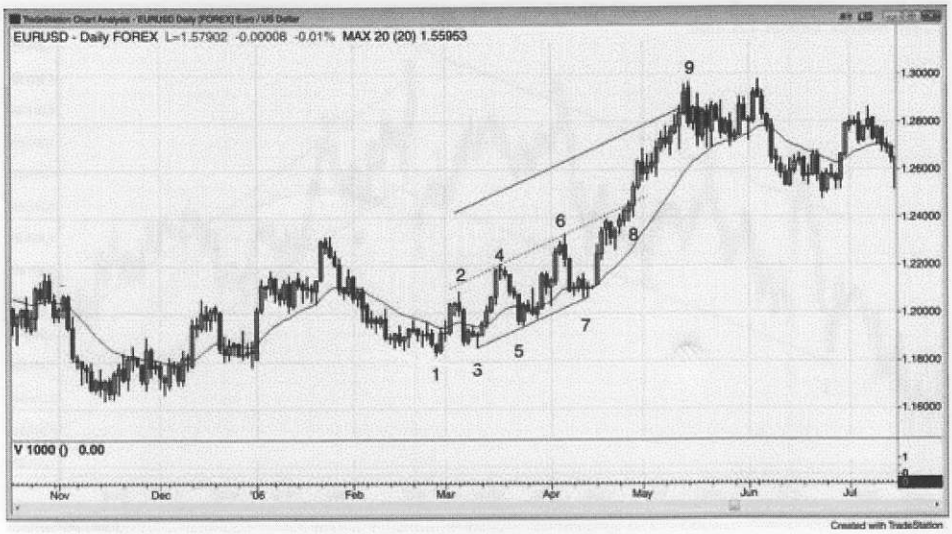
خط روند نزولی قرار دارد. این نوع از معامله کردن تنها مختص معامله‌گران حرفه‌ای است. تازه‌کاران بایستی هنگامی که بازار راه خود را ادامه می‌دهد، خودشان را محدود به سفارش فروش کنند. (این قسمت در کتاب ۲ تشریح می‌شود).

کندل ۷ سومین رانش نزولی و یک پله جمع شونده است (آن موج کمی پایین‌تر از کندل ۵ کشیده می‌شود و کندل ۵ تا زیر کندل ۳ امتداد می‌یابد). خطوط کانال چنان منطبق ترسیم شده‌اند که مشخص کنند که بازار در یک کانال و روند نزولی است. معاملات به‌طور واضح دو طرفه است و معامله‌گران هنگام مشاهده موقعیتی مناسب باید در کف‌ها بخرند و در سقف‌ها بفروشند.

بحث عمیق‌تر درباره این نمودار

در شکل (۱-۲۶) بازار در نزدیک کف کانالی که در روز قبل شروع‌شده شروع می‌شود و کانال را رو به پایین می‌شکند. شکست با یک بازگشت دو کندلی که منتهی به یک اسپایک ۴ کندلی می‌شود نقض می‌گردد. بعد از یک سقف دوقلو که خط روند نزولی را تست می‌کند (به‌موازات خط کانال روند ترسیم شده است)، بازار اسپایکی تا کندل ۱۳ دارد. با اسپایک‌های خریدوفروش، دو طرف بر سر جهت کانال مورد انتظار با هم مبارزه می‌کنند. خریداران کانالی را شروع می‌کنند ولی در خط روند به شکست ختم شده و در یک کانال نزولی به سمت پایین بازمی‌گردد. بازار از یک تست خط کانال روند به سمت بالا بازمی‌گردد جایی که کف کندل ۱۶ نمی‌تواند به خط برسد. این نشانه‌ای از خرید تهاجمی است. بازگشت دو کندلی در کندل ۱۶ هم یک موقعیت خرید پرچم نهایی از پرچم نهایی چهار کندلی در کندل ۱۵ می‌باشد.

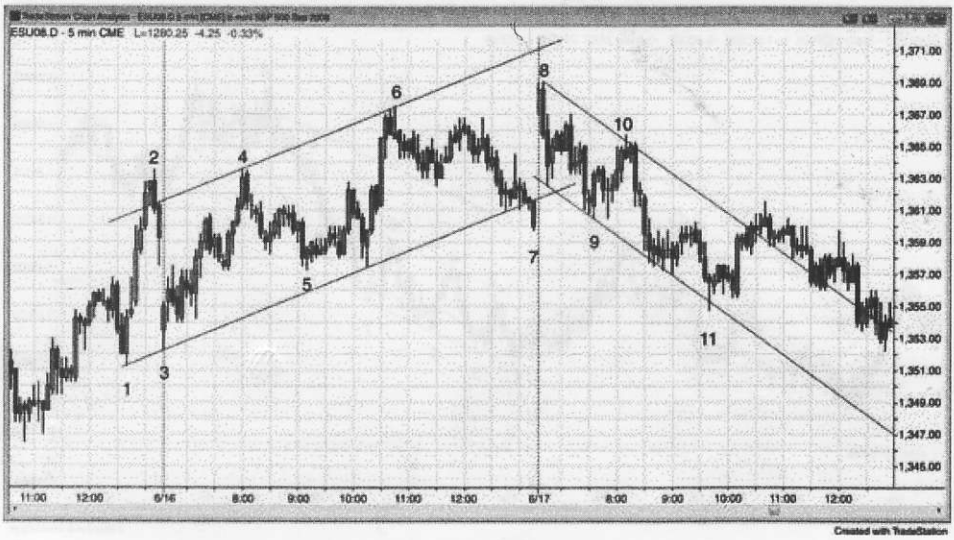
سه موج نزولی، بازگشت روندی را تضمین نمی‌کند. حرکت نزولی تا کندل ۷ فشار خرید بسیار کمی دارد. در آنجا کندل روند بزرگ و بازگشت‌های قدرتمندی وجود ندارد. حرکت صعودی از کندل ۷ هم قدرت ویژه‌ای ندارد. این بازگشت آن‌قدر قوی نیست که به نظر می‌رسد، به همین دلیل، خریداران بزرگی را جذب نمی‌کند تا بازار را برگرداند. در عوض، بازار یک پرچم نزولی گوه‌ای (کندل ۶ و سپس دو رانش کوچک رو به بالا از کندل ۷ سه موج هستند) و یک سقف پایین‌تر را شکل می‌دهد (اگرچه رالی بالای کندل ۶ بوده و بنابراین نشانه‌ای از قدرت است، هنوز پایین کندل ۴ قرار دارد) و روند نزولی از سر گرفته می‌شود.



شکل (۲-۲۶) پله‌ها به داخل یک روند قوی شتاب می‌گیرند

الگوی پله می‌تواند به یک روند قوی‌تر شتاب گیرد (شکل (۲-۲۶) را ببینید). در کندل ۷، نمودار فارکس EUR/USD (یورو دلار) سه سقف و کف بالاتر در یک کانال دارد و بنابراین نوع پله‌ای روند صعودی را شکل می‌دهد.

کندل ۸ یک کندل روند صعودی است که سقف کانال را رو به بالا می‌شکند و به دنبال آن یک کندل بازگشت نزولی می‌آید که هرگز فروشی را فعال نمی‌کند. شکست باید به‌اندازه یک حرکت اندازه‌گیری شده رو به بالا تا یک خط موازی طول بکشد که فاصله آن تا خط وسط برابر با فاصله خط وسط تا کف کانال باشد (حرکت چنگال اندروز) که در اینجا انجام می‌دهد. زمانی که سقف یک گوشه شکسته می‌شود شتاب روبه بالا معمول است. سه رانش صعودی وجود دارد که به کندل ۶ ختم می‌شود، ولی همچنین اگر شمارش خود با اسپایک قدرتمند صعودی تا کندل ۴ را دوباره آغاز کرده باشید، می‌توانید سقف سوییینگ کوچک قبل از کندل ۸ را به‌عنوان سومین رانش صعودی در نظر بگیرید. به دنبال گوه نقض شده یک حرکت اندازه‌گیری شده تقریبی به‌اندازه تقریبی ارتفاع گوه می‌آید (سقف کندل ۶ تا کندل ۳ یا شاید کف کندل ۱).



شکل (۳-۲۶) پله‌های انقباضی

اگر هر شکستی از شکست قبل از خود کوچکتر باشد، مومنتم روند در حال کاهش است و ممکن است به دنبال آن پولبکی عمیق‌تر یا یک بازگشت بیاید. شکل (۳-۲۶) یک الگوی پله‌ای روند صعودی را با سه سقف و کف بالاتر جهت‌دار نشان می‌دهد که در داخل یک کانال غیردقیق ترسیم شده است. کندل‌های ۴ ، ۶ و ۸ پله‌های انقباضی را شکل داده، کاهش مومنتم نزولی را نشان می‌دهند و نشانه بازگشت هستند. کانال مانند یک پرچم نزولی بزرگ عمل کرده و شکست نزولی در کندل ۹ رخ می‌دهد.

بعد از شکست کندل ۹، یک پولبک شکست سقف پایین‌تر به‌طرف کندل ۱۰ وجود دارد که نتیجه آن یک روند نزولی پله‌ای است. کندل ۱۰ با سقف اولین پولبک در حرکت نزولی تا کندل ۹، به‌سختی سقف دوقلوی پرچم نزولی بشمار می‌آید.

کندل ۱۱ از کانال به سمت پایین پرتاب شده و منتهی به یک بازگشت رو به بالای کوچک دو موجی و نفوذ قابل‌انتظار به بالای کانال می‌شود.

هر زمان که بازار تشکیل پله نزولی را شروع می‌کند، می‌توانید در قیمت پایانی هر شکست کندل روند قدرتمند، باهدف معامله اسکالپ در جهت مخالف معامله کنید. هر کندل روند نزولی را که در زیر یک پله نزولی قبلی بسته می‌شود، باهدف یک اسکالپ بخرید. همچنین در روند صعودی، می‌توانید روی قیمت پایانی هر کندل روندی که به سقف پله قبلی می‌رسد فروش اسکالپ انجام دهید. در کل، با وجود این، وارد شدن در یک سفارش در زمان برگشت قیمت امن‌تر است (برای مثال، اگر بازار از کف کانال رو به بالا برمی‌گردد، در یک سفارش در بالای کندل قبلی وارد شوید).